



میزگردی با حضور پرویز عقیلی، مسعود نیلی، علینقی مشایخی  
بازار سرمایه بار تامین مالی را از دوش بانکها برمی دارد؟

# آینده نگر

ماهنامه اقتصادی | قیمت: ۵۰۰۰ تومان | ۱۶۴ صفحه | شماره ۴۳ | دی ۹۴

ISSN: 2322-3316

[ پیش بینی موسسه اکونومیست و بلومبرگ از آینده اقتصاد ایران در ویژه نامه اختصاصی آینده نگر ]

## پایان عصر یخبندان

نظر سنجی آینده نگر از اقتصاددانان و فعالان اقتصادی درباره پیش بینی رشد اقتصادی:

### در انتظار رشد ۶ درصدی

### مبارزه علیه فساد

پرونده ای درباره دلایل بروز فساد در اقتصاد ایران  
با آثاری از احمد میدری، فرشاد مومنی، سعید لیلانز  
بهمن کشاورز و بایزید مردوخی

### کمپانی خون و پول

پرونده ای درباره تاثیر حضور داعش بر آیند اقتصاد  
ایران و کشورهای منطقه

### متن های حاشیه نشین

پرونده ای درباره توسعه نیافتگی استان های مرزی با  
آثاری از جواد اطاعت، علی دینی ترکمانی  
و گفت وگویی با استاندار ایلان

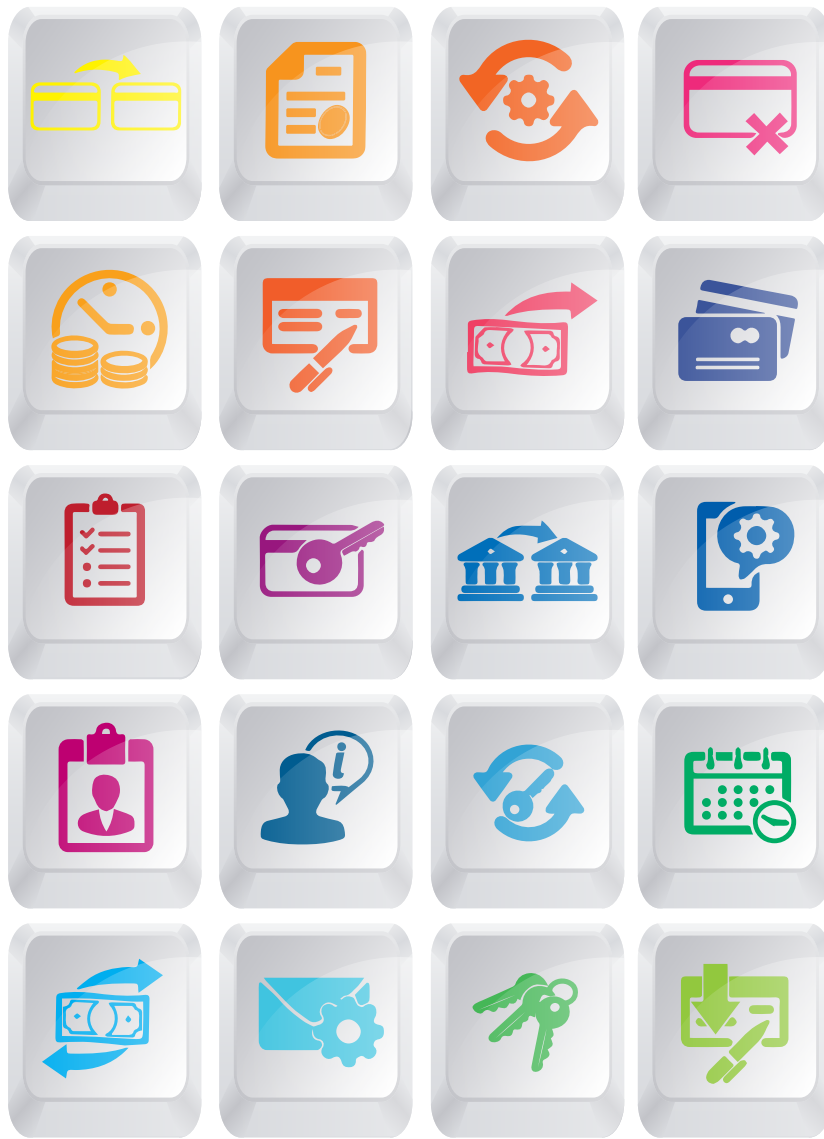
### اقتصاد جهان در سال ۲۰۱۶

هر آنچه باید درباره آینده  
شرکت ها و اقتصاد کشورها بدانید



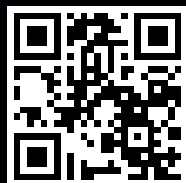
میزگرد آینده نگر با حضور: مجتبی خسرو تاج، موسی غنی نژاد، فرشاد فاطمی، احمد دوست حسینی، یحیی آل اسحاق، ابراهیم بهادرانی و احمد عزیزی

## ثبات اقتصاد کلان قربانی تحریک تقاضا می شود؟



## اینترنت بانک ویژه شرکت‌ها

- خدمات چک
- خدمات حساب
- خدمات انتقال وجوه
- امکان تعریف امضاداران مجاز



بانک خاورمیانه  
Middle East Bank  
[www.middleeastbank.ir](http://www.middleeastbank.ir)  
[info@middleeastbank.ir](mailto:info@middleeastbank.ir)

# شرکت لیزینگ اقتصاد نوین متعهد به مسئولیت اجتماعی



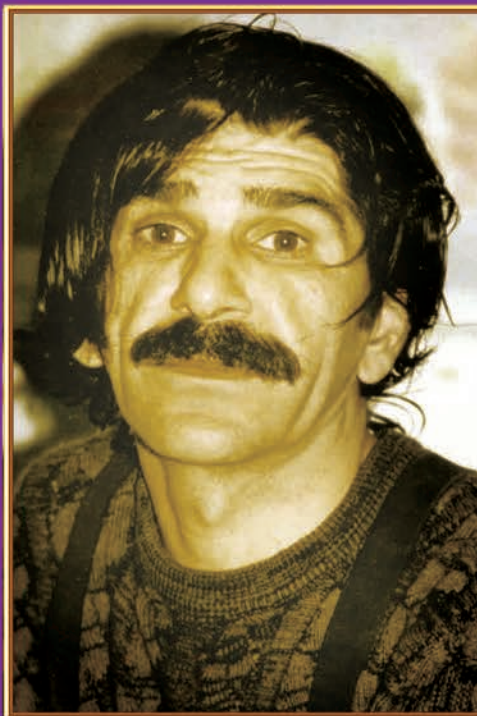
برای کسب اطلاعات بیشتر می توانید به سایت شرکت مراجعه و یا با  
شماره تلفن ۰۲۱-۸۸۵۵۳۹۷۸ تماس حاصل نمایید.



علی حائمی - کارگردان



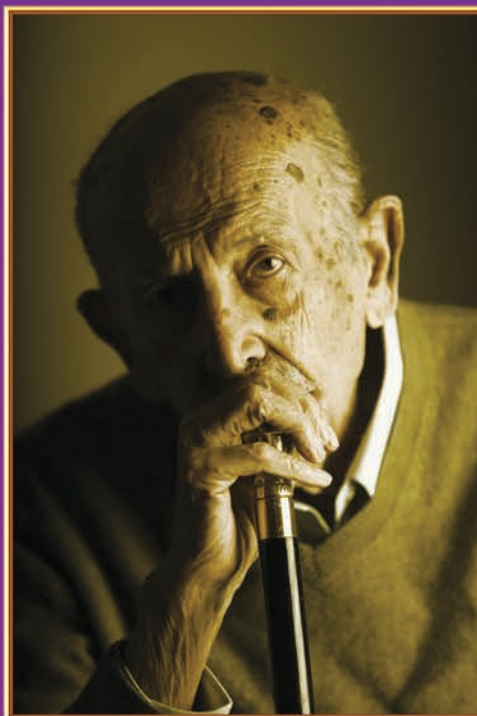
حسین پناهی - نویسنده، کارگردان و بازیگر



نیکو خردمند - بازیگر



مرتضی احمدی - بازیگر و صدا پیشه



این اعتبار به نیکی ست ماندگار

نخستین بودن، پیروزی است؛ اما نوآور،  
ماندگار و امین بودن؛ موفقیت و بهروزی است.  
اعتماد ۱۴ ساله شما را ارج می نهیم.

بانک اقتصاد نوین

EN BANK IRAN'S FIRST PRIVATE BANK



با هم ، برای هم

# جهان در دستان شما



ویژه اعضای اتاق تهران

آینده نگر و انتشارات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران منتشر می کند

ابر تغییرات جهان تا سال ۲۰۵۰

برای دریافت کتاب پیش بینی آینده اقتصادی جهان  
با تلفن ۸۸۷۱۵۴۱۳ تماس بگیرید

## رئیس محترم اتاق تهران و مدیر مسئول مجله آینده‌نگر

جناب آقای مسعود خوانساری

من مقاله شما را در مجله آینده‌نگر خواندم. همچنین راهکارهای خروج اقتصاد ایران از بحران رکود را با دقت مطالعه کردم؛ مواردی از قبیل بحران تقاضا و تنگنای مالی، سد راه رشد اقتصادی و ... ولی تعجب من از این است که در هیچ کدام از مقالات شما اشاره‌ای به عمده‌ترین عامل تمام مسائل مملکت ما نشده بود. من با هزار دلیل ثابت می‌کنم مشکل اصلی ما موارد مذکور در مقالات نیست. به عبارت دیگر، تا آن مشکل برطرف نشود، رفع مشکلات دیگر شدنی نخواهد بود.

این عامل همانا فرهنگ ما است. مشکل اصلی ما و تمام ملل عقب‌مانده، مشکل فرهنگی است. اگر مشکل فرهنگی حل شود، مشکلات ملت‌های عقب‌مانده، مثل ایران، به‌خودی‌خود حل خواهد شد. تا این مشکل برطرف نشود، یعنی فرهنگ اصلاح نشود، هیچ مشکلی حل نخواهد شد. اگر هم حل شود، مقطعی و کوتاه‌مدت خواهد بود. متأسفانه منشأ اصلی سقوط اقتصادی ما نسبت به قبل از انقلاب هم، سقوط فرهنگی بوده‌است. اگر قدری دقت شود، به همان میزان که سقوط فرهنگی داشته‌ایم، در تمام موارد یک جامعه مدرن ضعیف‌تر شده‌ایم. تعداد کودکان کار و فارغ‌التحصیلان بی‌سواد ما بیشتر شده، اما کمتر تولید می‌کنیم. بیکاران ما بیشتر و دزدان و قاچاقچیان نیز بیشتر شده‌اند.

اگر فرهنگ ما مشابه فرهنگ ژاپن بشود، ما هم ظرف ده سال می‌شویم ژاپن. اگر فرهنگ ما، من و شما، مشابه فرهنگ ملت آلمان و دیگران بشود، ما هم ظرف ده سال از هر نظر، چه اقتصادی و چه تکنولوژیک و ... اگر نه به‌طور کامل شبیه آلمان ولی خیلی پیشرفته‌تر از حالا و ده سال دیگر خواهیم شد. طبق گفته دانشمندان، توان فکری، هوشی و فیزیکی تمام ملت‌ها برابر است، تفاوت شرایط ملت‌ها فقط در فرهنگ است.

### اما یکی از نمونه‌های ضعف فرهنگی ما ملت ایران

در دهه هفتاد، دولت به هر کسی که ادعای ایجاد یک صنعتی را داشت، وام‌های بزرگ، آن هم وام‌های ارزی با نرخ هفت تومان می‌داد. از آنجا که در باورهای فرهنگ ما ملت ایران، حیف و میل اموال دولت مجاز و هلال است، اکثر افرادی که آن وام‌ها را دریافت کردند، اگر نه تماش را، که بخشی از ارز دریافتی را با نرخ آزاد فروختند و با آن صاحب سرمایه‌های زیادی شدند. همان‌ها همیشه در چرخه اقتصادی مملکت اخلال می‌کردند و هنوز هم می‌کنند. بنابراین، تا فرهنگ یک ملت درست نشود، هیچ برنامه‌ای به نتایج مطلوب نخواهد انجامید.

### سعید صبور

عضو اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

**عضو اتاق تهران:** من اعتراض دارم. در این مجله و در همه رسانه‌های دیگر، تنها صحبت از یاس و ناامیدی است. مرتب گفته می‌شود که تولیدکننده خوب نیست و کارش کیفیت ندارد. به این ترتیب، مدام در حال تزریق ناامیدی به بخش تولید کشور هستیم. الان ۸۰ درصد جامعه، پول و درآمد آنچنانی ندارند تا بتوانند به طور مثال اجاق گاز سنسوردار ژاپنی تهیه کنند، بنابراین، تولید در همین مقدار هم برای جامعه ایرانی مطلوب است. البته منظور این نیست که وضعیت کیفیت به این حالت فعلی باقی بماند اما گفتن اینکه



تولیدکننده ایرانی محصول خوب تولید نمی‌کند هم دردی درمان نخواهد کرد.

**احمدی:** من چطور می‌توانم مجله شما را تهیه کنم. در هر دهه‌ای رفتم، مجله آینده‌نگر موجود نبود. سیستم اشتراک مجله به چه شکل است؟

**توضیح آینده‌نگر:** مجله آینده‌نگر، مجله اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران است و برای اعضای این اتاق به صورت رایگان ارسال می‌شود. برای اطمینان از ارسال مجله، پیامکی به اعضا فرستاده می‌شود تا در صورت عدم دریافت آن، اطلاع‌رسانی کنند و مجله برای آنها ارسال شود.

**نباتی:** می‌خواستم از مجله تشکر کنم. مطالب خیلی مفید و جالبی کار می‌کنید.

**عضو اتاق تهران:** تمام مطالبی که می‌نویسید، درست است، اما بهتر است به جای نوشتن مشکلی که همه تقریباً از آن آگاهی دارند، از افرادی که مصاحبه می‌گیرد که اصولاً از اقتصاددانان برجسته و مسئولان کشور هستند، راه حل طلب کنید. وگرنه همه می‌دانند که وضعیت تولید در کشور مشکل دارد.

**شهروند تهرانی:** من عضو اتاق تهران نیستم. اما مجله شما، خیلی اتفاقی به دستم رسید، چطور می‌توانم این مجله را تهیه کنم؟  
**توضیح آینده‌نگر:** اگر شما فعال اقتصادی هستید، می‌توانید نشریه را از طریق دفتر مجله تهیه کنید.

**دانشجوی اقتصاد:** مقاله‌ای که از پروفسور هاشم‌پسران کار کردید، خیلی مطلب خوب و عالی بود. لطفاً مطالبی از این دست که شامل مقاله‌های اساتید بزرگ اقتصاد در سراسر جهان است، بیشتر کار کنید.

**تولیدکننده:** لطفاً یک گزارش از وضعیت قاچاق کالا به ایران بنویسید. قاچاق، تولیدکننده را بیچاره کرده‌است. هر جنسی که ما تولید می‌کنیم، در بازار به صورت قاچاق و با کیفیت خیلی پایین وجود دارد. لطفاً گزارشی بنویسید تا مسئولان بیشتر به این موضوع توجه کنند.

**فعال اقتصادی:** مطالب مجله، خیلی جامع و کامل است. از یک نشریه داخلی فراتر رفته‌اید. چرا این مجله برای فروش به دهک‌ها فرستاده نمی‌شود.

**شهروند اصفهانی:** من از اصفهان هستم. اما پی‌دی‌اف مجله شما را در سایت اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران هر ماه مطالعه می‌کنم. مطالب خوب و کاملی دارد که البته تنها مختص به تهران نیست. چرا این مجله در سایر شهرها توزیع نمی‌شود. در این شرایط، شهرهای دیگر هم می‌توانند از این مجله استفاده کنند. اما من چطور می‌توانم نسخه چاپی مجله را تهیه کنم؟ افراد دیگری هم مثل من هستند که علاقه به تهیه آینده‌نگر دارند ولی نمی‌دانند دقیقاً باید چه اقدامی انجام دهند. خوب است که آدرس درستی بدهید.

**توضیح آینده‌نگر:** به طور معمول چندین نسخه از مجله به اتاق دیگر شهرها ارسال می‌شود. شما می‌تواند از طریق اتاق استان خودتان یا مراجعه به اتاق تهران مجله را تهیه کنید.



عکس جلد:  
رضا معطریان

- صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران
- مدیرمسئول: مسعود خوانساری
- شورای سیاست گذاری: بهمن عشقی، مصطفی درویشی
- سردبیر: بهرام مهر جو ■ معاون سردبیر: فریده عنایتی
- تحریریه: رضا معطریان، محمد عدلی، ریحانه یاسینی، مریم موسی پور
- احمد میر خدایی، علی مقامی، محبوبه فکوری، نسیم بنایی، سمیرا قزوینی
- صوفیا نصرالهی، آزاده یکتایی، مولود حاجی زاده

■ آتلیه طراحی

- مدیر هنری: رضا دولت زاده
- ویراستاری: بابک آتشین جان، آزاده شمعی
- صفحه آرایی: جواد کیانی پور
- ناظر فنی: حسن آقایی زاده

■ مخاطبان ماهنامه آینده نگر می توانند، دیدگاه ها و انتقادات خود را از طریق پست الکترونیک و همچنین شماره تلفن های تحریریه با ما در میان بگذارند.

www.tccim.ir Email: ayandehnegarmag@gmail.com

نشانی: خیابان میرزای شیرازی، کوچه میرزا حسنی، پلاک ۱۸، ساختمان شماره سه اتاق تهران  
تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۱۵۲۱۴ تلفن تحریریه: ۸۸۷۱۵۴۱۳ سازمان آگهی ها: ۸۸۸۶۰۶۵۶

چاپ: شرکت رواق روشن مهر

بسم الله الرحمن الرحیم

سال روز ولادت با سعادت حضرت عیسی بن مریم علیه السلام  
بر هم میهنان مسیحی خجسته باد.

میلاد با سعادت حضرت محمد صل الله علیه و آله والسلام  
و همچنین ولادت فرخنده امام جعفر صادق علیه السلام را  
به تمام مسلمین جهان تبریک و تهنیت می گوئیم.

## سرمقاله

رونق اقتصادی برای نجات جامعه ایرانی

۸

## اعلانات

گاردین: سفر به ایران باعث محدودیت ورود به آمریکا می شود

۱۰

## آنالیز

درآمد و هزینه زندگی در ۲۰ سال گذشته چه تغییری کرده است؟

۲۲

## دیدگاه

پاسخ رهبر انقلاب به ۱۰ پرسش درباره اقتصاد مقاومتی

۲۴

## نقد و نظر

مالیات تسعیر ارز حاصل از صادرات

۲۸

## اقتصاد جهان

خود را برای نه چندان خوب و نه چندان بد سال ۲۰۱۶ آماده کنید

۳۰

## راهبرد

نبرد علیه فساد

## کامننت

برجام، سکوی پرتاب اقتصاد یا محل فرود؟

۶۴

## گزارشگر

قیام «مال» ها علیه بازار

۸۰

## میزگرد

بازار سرمایه بار تامین مالی راز دوش بانک ها برمی دارد؟

۹۰

## اقتصاد سیاسی

متن های حاشیه نشین

۱۰۰

## پرونده ویژه

چرخ های نساچی کند می چرخند

۱۰۶

## جهان نما

کمپانی داعش

۱۱۴

۱۱۸

## تکنولوژی

قطره قطره جمع گردد

۱۴۰

## کسب و کار

مردی از آینده

۱۴۸

## پیشنهاد

مجسمه طلایی به چه کسانی می رسد؟

۱۵۶

## کیوسک

معرفی جدیدترین مجله های اقتصادی جهان

۱۶۲





## رونق اقتصادی برای نجات جامعه ایرانی

اصل «زیربنا» بودن اقتصاد را باید به عنوان یک شاخص کلی بپذیریم چراکه با بهبود وضعیت اقتصادی به طور حتم شرایط کلی جامعه نیز دچار تغییر می‌شود



**مسعود خوانساری**  
مدیر مسئول ماهنامه آینده‌نگر و  
رئیس اتاق تهران

طی هفته‌های گذشته بحث‌های بسیاری در مورد تقدم بازسازی «اجتماعی» بر نوسازی «اقتصادی» در میان اهل فکر، جامعه‌شناسان، اقتصاددانان و فعالان اقتصادی آغاز شده‌است. آنچه امروز پیش روی ما قرار دارد، جامعه‌ای ملتهب و نگران بحران‌های بزرگ مانند بیکاری فراگیر و گسترش انواع فساد است. اقتصاد ایران پس از طی دوران فوران درآمدهای نفتی امروز به شرایطی رسیده که بخش مهمی از منابع پیش‌بینی‌شده دولت برای اداره کشور محقق نشده‌است. بنابراین دیگر مانند سابق خبری از دلارهای نفتی نیست ولی به موازات آن نشانه‌های دلخراش فساد نفتی همچنان در اقتصاد ایران باقی مانده‌است. به هر حال موضوع مهمی که ذهن همگی دلسوزان کشور را به خود مشغول کرده، رکود و توسعه‌نیافتگی اقتصاد ایران است که در نهایت به بحران بزرگ اجتماعی تبدیل شده‌است. این رکود هم در شرایطی رخ می‌دهد که اقتصاد کشور احتمالاً به این سادگی‌ها به درآمدهای سرشار نفتی گذشته دسترسی نخواهد داشت. اتفاقاً در همین شرایط است که موضوع مهم ایجاد «وفاق عمومی» در کشور برای توسعه مطرح می‌شود. وفاق عمومی برای خروج از رکود یک نیاز اجتماعی است که زیرساخت‌های اقتصادی را برای تحقق نیاز دارد. بنابراین امروز موضوع مهم پیش روی ما، بررسی رابطه میان اقتصاد و جامعه به مثابه دو بال مهم توسعه است. جامعه عقب‌مانده به سمت توسعه نمی‌رود و اقتصاد توسعه‌یافته هم جامعه واپس‌زده را نمی‌پذیرد. اما از میان این دو گزاره کدام مقدم بر دیگری است؟ اگر امروز قرار است به سمت رشد اقتصادی بالا حرکت کنیم، ابتدا باید جامعه و فرهنگ را بسازیم یا اینکه رشد اقتصادی بالا، جامعه و فرهنگ کشور را سامان می‌دهد؟

پرسش‌های دیگری از این دست مانند اینکه آیا بازسازی اجتماعی مقدم بر نوسازی اقتصادی است؟ یا آیا با بهبود شرایط اقتصادی به صورت خودبه‌خود وضعیت اجتماعی کشور هم التیام پیدا می‌کند؟ را نیز می‌توان مطرح کرد. به هر حال به طور خاص امروز ایران نیاز به توسعه اقتصادی و بازسازی اجتماعی دارد ولی می‌توان با اتکا به برخی شاخص‌ها بیان کرد که در همین شرایط هم توسعه اقتصادی مقدم بر بازسازی اجتماعی است.

برای پاسخ به این پرسش‌ها بهتر است ریشه‌های بحران‌ها را بررسی کنیم.

### ← فساد به مثابه بحران همیشگی

گروهی از جامعه‌شناسان و عده کثیری از اقتصاددانان به دو دلیل بازسازی اجتماعی را مقدم بر تغییر فضای اقتصادی می‌دانند. اولاً با توجه به فساد بزرگی که در اقتصاد ایران رخ داده، عملاً افزایش سطح درآمدهای ملی مانند فروش بیشتر نفت منجر به حیف و میل افزون‌تر هم می‌شود چراکه بنا بر همان دو تجربه تاریخی، در دورانی که فساد رکوردها را شکسته، هر درآمد بیشتر در جایی به‌غیر از توسعه هزینه می‌شود. ثانیاً با توجه به همین

شرایط اجتماعی می‌توان بیان داشت که روحیه کارآفرینی و کسب‌وکار سالم در اقتصاد ایران کمرنگ شده‌است. برای اثبات این دو نظر نیز بررسی چند شاخص می‌تواند گواهی دقیق باشد. بنابر آماری که از سوی قوه قضاییه اعلام شده میزان وقوع جرم در کشور افزایش یافته و به‌خصوص جرایمی مانند نزاع که محصول عصبانیت اجتماعی و اقتصادی است، هم به لیست ده جرم اول کشور رسیده‌است. هم‌زمان بنابر مطالعاتی که انجام شده، شاخص اعتماد عمومی که بیانگر رابطه اطمینان‌بخش میان دولت و ملت است از عدد ۵۲ درصد در دهه ۵۰ به ۹ درصد در دهه ۹۰ سقوط کرده‌است. بنابراین در شرایط اجتماعی مطلوبی قرار نداریم. اما واقعیت این است که اصل «زیربنا» بودن اقتصاد را باید به عنوان یک شاخص کلی بپذیریم چراکه با بهبود وضعیت اقتصادی به طور حتم شرایط کلی جامعه نیز دچار تغییر می‌شود. تمامی شاخص‌های مربوط به افزایش چک‌های برگشتی، بروز بی‌اخلاقی در فضای کسب‌وکار و حتی افزایش طلاق و بروز بزهکاری‌های اجتماعی در دو دوره تاریخی قابل اندازه‌گیری است. دهه ۷۰ و ابتدای دهه ۸۰ اقتصاد ایران دوران بازسازی پس از جنگ را سپری کرده‌بود و به سمت توسعه حرکت می‌کرد. پیش‌بینی‌ها در این دوره زمانی به قدری برای آینده اقتصادی کشور درخشان بود که نویسندگان برنامه چهارم توسعه هم پیش‌بینی رشد اقتصادی دورقمی و تورم تک‌رقمی را در اسناد بالادستی آورده‌بودند. حاکمیت کشور (نه تنها دولت، که تمام بخش‌های حکومت‌داری در ایران) بر مبنای همین تصور عمومی، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله را به شیوه‌ای تدوین کرده‌بودند که نشان می‌داد اقتصاد ایران به قدرت اول منطقه تبدیل می‌شود. در همین دوره زمانی شاخص‌های اجتماعی در شرایط بهتری قرار داشتند. به طور نمونه یک شاخص مهم از رفتارهای اقتصادی و اجتماعی مردم به چک‌های برگشتی مربوط است. براساس گزارش بانک مرکزی رقم چک‌های برگشتی در ابتدای سال ۸۴ نزدیک به یک میلیون برگ بود ولی همین رقم در سال ۹۳ به عدد شش میلیون برگ رسید. این موضوع را باید به عنوان شاخصی برای بررسی وضعیت اخلاق کسب و کار و البته شرایط مالی مردم در نظر گرفت. مشابه چنین آماری را در زمینه‌های دیگری که معانی اقتصادی و اجتماعی دارند را نیز می‌توان یافت. اما تفاوت اصلی میان میانه دهه ۷۰ و ابتدای دهه ۸۰ با امروز چه بود؟ آیا فرهنگ مردم طی این دوره زمانی دچار تحول و انقلاب شده‌است؟ آیا جامعه عقب‌گرد داشته و آن دوره تکامل‌یافته‌تر بود؟ بررسی‌های نسلی جمعیتی نشان می‌دهد در دهه ۷۰، نسل دهه ۵۰ وارد بازار کار شده‌بودند. در دهه ۸۰ نیز نسل دهه ۶۰ به اقتصاد ایران آمدند. فاصله اجتماعی و فرهنگی میان این دو نسل نیز چندان متفاوت نیست. اما امروز به دلیل تغییرات تکنولوژیک و اساسی در کشور فاصله رفتاری نسل دهه ۶۰ و نسل دهه ۷۰ و ۸۰ قابل قیاس نیست. بنابراین تنها شاخصی

در هر دوره  
زمانی که مردم  
در وضعیت  
اقتصادی  
مطلوب‌تری  
قرار داشته‌اند،  
رفتارهای  
فرهنگی آنها نیز  
تغییر کرده‌است.  
بنابراین نیاز  
به اصلاح  
اقتصاد مقدم  
بر هر خواسته  
دیگری است.  
امروز بازسازی  
اقتصادی کشور  
نیازی کلیدی  
به شمار می‌آید  
که در صورت  
بی‌توجهی به  
آن به طور حتم  
زیان‌های بزرگی  
به کشور وارد  
می‌شود

که نشان می‌دهد تحولات چگونه در کشور رخ داده به همان وضعیت اقتصادی بازمی‌گردد. هر زمان شرایط اقتصادی کشور به سمت مطلوبیت بیشتر یعنی رشد اقتصادی بالاتر و بیکاری کمتر حرکت کرده، عملاً وضعیت فرهنگی و اجتماعی کشور هم بهبود پیدا کرده‌است. حتی برای اثبات این نظر می‌توان به شاخص‌های دیگری نیز استناد کرد. در دوران رشد اقتصادی بالا و مطلوب کشور میزان هزینه فرهنگی مردم که در شاخص‌های بانک مرکزی به عنوان «تفریح و سرگرمی» شناخته می‌شود، بیش از ۴۵ درصد بود ولی در حال حاضر به ۲۳ درصد رسیده‌است. برای درک بهتر می‌توان به آمارهای رجوع شهروندان به سالن‌های سینما هم اشاره کرد. بر این اساس میانگین مخاطبان سینما در دهه ۷۰ و با بلیت ارزان‌تر برای فیلم‌های مطرح بیش از ۳ میلیون نفر بوده و این عدد در حال حاضر برای پرفروش‌ترین فیلم گیشه به ۱ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر کاهش یافته‌است. در هر دوره زمانی که مردم در وضعیت اقتصادی مطلوب‌تری قرار داشته‌اند، رفتارهای فرهنگی آنها نیز تغییر کرده‌است. بنابراین نیاز به اصلاح اقتصاد مقدم بر هر خواسته دیگری است. امروز بازسازی اقتصادی کشور نیازی کلیدی به شمار می‌آید که در صورت بی‌توجهی به آن به طور حتم زبان‌های بزرگی به کشور وارد می‌شود. توسعه اقتصادی و خروج از رکود شرط اول و اساسی اصلاح جامعه است. اما برای بازسازی اقتصادی چه نیازهایی داریم؟ به برخی از آنها به صورت زیر می‌توان اشاره کرد:

#### ۱ مبارزه با فساد برای جذب سرمایه‌های بیشتر

رونق اقتصادی و توسعه کشور نیازمند سرمایه‌گذاری و به‌کارگیری سرمایه است. سرمایه‌گذاری از محل داخلی به دلیل مشکلاتی که بانک‌ها با آن دست به گریبان هستند، تا حدودی امکان‌پذیر نیست. از این رو، امروز نیاز به جذب سرمایه‌گذاری خارجی برای توسعه کشور به شدت احساس می‌شود. نشانه مشخص اثرات بسیار منفی گسترش فساد، بی‌علاقگی سرمایه‌گذاران خارجی برای ورود به اقتصاد ایران است. سرمایه‌گذاران خارجی در ملاقات با بخش خصوصی آمادگی خود را برای حضور در کشور اعلام کرده‌اند؛ اما این پرسش اساسی را نیز مطرح می‌کنند که چرا باید در کشوری که شاخص محیط کسب و کار نامساعدی دارد، سرمایه‌گذاری کنند. مثلاً آنها نگران میزان شفافیت و درجه فساد در ایران هستند. بخش خصوصی فساد را صرفاً در اختلاس نمی‌بیند بلکه انواع سختگیری‌ها در کسب و کار، مانع‌تراشی‌های بی‌منطق در مقابل صاحبان کسب و کار، عدم شفافیت در دستگاه‌های دولتی و حاکمیتی و نیز وجود مجوزهای متعدد، در شکل‌گیری فساد و رانت در کشور موثر بوده است. کوچک کردن دولت و تقویت بخش خصوصی واقعی نخستین گام در عرصه مبارزه با فساد است و دولت باید پای خود را از تصدیگری‌ها بیرون بگذارد و تنها به نقش حاکمیتی خود بپردازد. بنابراین آنچه اصل قرار می‌گیرد، تلاش برای کاهش دامنه فساد و به دنبال آن افزایش حجم سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در اقتصاد کشور برای خروج از رکود است. با این وضعیت شاخص فساد، خبری از توسعه نیست. وقتی توسعه هم در کار نباشد، نباید در انتظار بهبود وضعیت جامعه بود.

#### ۲ تقویت پایه‌های صادراتی کشور برای توسعه بیشتر

هیچ توسعه‌ای بدون گسترش بازارهای فراملی رخ نمی‌دهد. یکی از شرط‌های اساسی توسعه اقتصادی هر کشوری، توسعه بازارهاست. در صورتی که کالاهای ایرانی راهی به بازارهای

جهانی پیدا کنند به طور حتم، فرآیند توسعه با شتاب بیشتری دنبال می‌شود. افزایش صادرات غیرنفتی می‌تواند یکی از پایه‌های خروج از رکود و بهبود وضعیت اقتصادی کشور باشد. در صورتی که تولیدات ایرانی راهی به بازارهای جهانی پیدا کنند، با گسترش بازارها می‌توانیم به خروج سریع‌تر از رکود هم امیدوار باشیم. امروزه همه مسئولان به این نتیجه رسیده‌اند که توسعه اقتصادی در صورتی ایجاد می‌شود که بخش خصوصی محور باشد و تکیه اقتصاد بر تولید صادرات محور باشد. برای دستیابی به صادرات بالا نیز تسهیل فضای قوانین و مقررات اولین گام است. البته باید دقت داشته باشیم که تنها دولت نیست که باید زمینه توسعه صادرات را فراهم کند بلکه تمامی ارکان نظام یعنی قوای سه‌گانه و همه نهادهای بخش دولتی، عمومی و خصوصی باید به این نگرش برسند که صادرات غیرنفتی کلید توسعه اقتصادی ماست. توسعه زیرساخت‌های صادرات نیز گام دیگری است که باید با هماهنگی و همدلی کامل برداشته شود. یکی از عوارض ناگوار دوران تحریم برای ما ایجاد مکانیسم‌هایی بود که کار سخت را سخت‌تر کرده است. قوانین گمرکی، استاندارد و حتی شرایط حاکم بر بنادر کشور همگی محصول دوران تحریم است و این قوانین اکنون حداقل در فضای پسانتحریم معنایی ندارند. بنابراین توسعه نیاز به افزایش صادرات و به معنای دیگر افزایش سطح تعامل با جهان دارد. برای اصلاح جامعه نیز توسعه نیاز است.

#### ۳ اصلاح ساختارهای مالی و حمایتی

توسعه اقتصادی بدون اصلاح زیرساخت‌های مالی مقدور نیست. اقتصاد ایران برای توسعه بیشتر نیاز کلیدی به اصلاح ساختارهای مالی مانند وضعیت نظام بانکی دارد. بانک‌ها به عنوان یکی از کلیدی‌ترین ارکان تامین مالی بنگاه‌ها باید به سمتی حرکت کنند که بیش از گذشته برای تامین مالی بنگاه‌ها گام بردارند. از سوی دیگر نظام‌های اداری دیگر نیز باید براساس شرایط کشور تغییر پیدا کنند. به طور نمونه هم‌اکنون بنگاه‌ها به نحوی با فشارهای مالیاتی و مشکلات تامین اجتماعی مواجه هستند. این مشکلات به جهت اینکه موانع بزرگی را پیش روی بنگاه‌ها قرار می‌دهند در نهایت منجر به سدی در برابر توسعه می‌شوند. مشکلات مالیاتی و تامین اجتماعی همین امروز هم کار را برای بنگاه‌های اقتصادی سخت کرده‌اند.

فشاری که سازمان تامین اجتماعی و مالیات‌ها بر صنعت وارد می‌کند، بسیاری از تولیدکنندگان کشور را زمین‌گیر کرده‌است، چرا که دستگاه‌هایی همچون سازمان تامین اجتماعی امسال قصد دارند طلب‌های ده‌ساله خود را وصول کنند. بنابراین اگر قرار است توسعه در اقتصاد ایران نمایان شود، باید تمامی مقدمات آن مانند اصلاح ساختارها نیز رخ دهد.

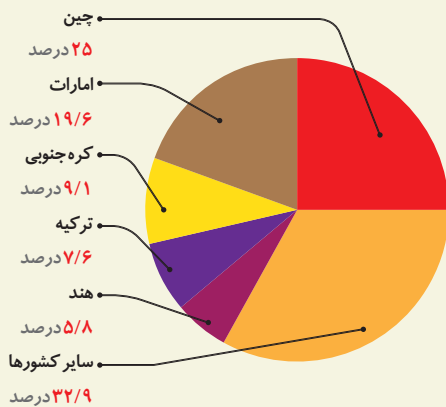
#### ← جامعه ایرانی در انتظار رشد اقتصادی

فهرست دیگری از مشکلات مانند سوءمدیریت‌های داخلی، نرخ غیرواقعی ارز، بدهی‌های دولت به پیمانکاران، عدم تخصیص درست منابع دولت به شکل یارانه‌های غیرهدفمند و موارد دیگر را هم باید اضافه کرد. به هر حال ماموریت ما، ترسیم آینده‌ای درخشان برای اقتصاد و جامعه ایران است. برای رسیدن به جامعه‌ای مطلوب نیز چاره‌ای به غیر از بازسازی اقتصادی و توسعه کشور نداریم. توسعه در هر جامعه‌ای کلید رشد جامعه است. این اصلی به شمار می‌آید که ما هم باید آن را بپذیریم.

نشانه‌های مشخص  
اثرات بسیار  
منفی گسترش  
فساد، بی‌علاقگی  
سرمایه‌گذاران  
خارجی برای  
ورود به اقتصاد  
ایران است.  
سرمایه‌گذاران  
خارجی در  
ملاقات با بخش  
خصوصی  
آمادگی خود را  
برای حضور  
در کشور اعلام  
کرده‌اند؛ اما این  
پرسش اساسی  
را نیز مطرح  
می‌کنند که میزان  
شفافیت و درجه  
فساد در ایران  
چگونه است  
و تا چه اندازه  
می‌توانند نسبت  
به حضور در  
فضایی عاری از  
فساد اطمینان  
حاصل کنند.

## سهم ۴۴ درصدی چین و امارات از واردات ایران

کشورهای مبدأ واردات ایران در ۷ ماه سال جاری



آمارهای سازمان توسعه تجارت از تجارت ایران در ۷ ماه سال جاری نشان می‌دهد که ۵ کشور اصلی تأمین کننده کالاهای وارداتی به ایران، سهم ۶۷ درصدی از مجموع واردات کشور دارند. چین و امارات ۴۴ درصد از واردات ایران را بر عهده داشته‌اند. چین، امارات، جمهوری کره، ترکیه و هند اصلی ترین شرکای وارداتی ایران در سال جاری بوده‌اند. چین به تهنایی ۲۵ درصد از واردات ایران را تأمین کرده است. در ۷ ماه ابتدایی سال جاری، ۶ میلیارد و ۴۶ میلیون دلار کالا از چین راهی ایران شده است که کاهش ۱۴ درصدی نسبت به مدت مشابه سال گذشته را تجربه کرده است. امارات، دومین تأمین کننده کالاهای وارداتی ایران، سهم ۱۹/۶ درصدی از مجموع واردات ایران دارد. در ۷ ماه، ۴/۷ میلیارد دلار کالا از امارات به ایران صادر شده که ۳۴ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته کاهش داشته است. طبق گزارش سازمان توسعه تجارت ایران، جمهوری کره سومین شریک وارداتی ایران با صادرات ۲/۱ میلیارد دلار کالا به ایران، سهم ۹/۱ درصدی از مجموع واردات داشته است. واردات از این کشور نسبت به ۷ ماه سال گذشته، ۶ درصد کاهش یافته است. ترکیه، به عنوان چهارمین تأمین کننده کالاهای وارداتی کشور، ۱/۸ میلیارد دلار کالا طی ۷ ماه به ایران صادر کرده که سهم ۷/۶ درصدی از مجموع واردات کشور است. واردات از این کشور ۱۶ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته کاهش یافته است. پنجمین تأمین کننده کالای وارداتی کشور هند بوده است که طی ۷ ماه ۱/۴ میلیارد دلار کالا به ایران صادر کرده است. این کشور سهم ۵/۸ درصدی از کل واردات کشور داشته است. واردات از هند نسبت به ۷ ماهه سال گشته ۴۰ درصد کاهش یافته است.

## پیش بینی بانک جهانی از آینده رشد اقتصادی در ایران

در شرایطی که رکود اقتصادی با عنوان «بحران تقاضا در اقتصاد ایران» بروز پیدا کرده و نگرانی هایی را برای رشد اقتصادی در نیمه دوم سال به وجود آورده است، پیش بینی بانک جهانی از رشد اقتصاد ایران برای سال جاری مثبت است. مرکز آمار ایران نرخ رشد یک درصدی را برای نیمه اول سال جاری اعلام کرده است اما برخی کارشناسان نسبت به تعمیق رکود و منفی شدن رشد اقتصادی در نیمه دوم سال هشدار داده‌اند. بانک جهانی در پیش بینی اخیر خود، نرخ رشد اقتصادی در سال جاری را ۱/۹ درصد برآورد کرده است. همچنین این نهاد بین المللی پیش بینی کرده است که با برداشتن همه تحریم ها علیه این کشور تا شروع سال آینده ایرانی، یعنی سال ۱۳۹۵، رشد اقتصادی ایران به ۵/۸ درصد افزایش خواهد یافت و در سال بعد از آن نیز رشد اقتصادی کشور به ۶/۷ درصد خواهد رسید. این گزارش هم چنین پیش بینی کرده است که تولید نفت ایران در سال ۹۵ به ۳/۶ میلیون بشکه در روز و در سال ۹۶ به ۴/۲ میلیون بشکه در روز برسد.



## تراز بازرگانی به قیمت کاهش تجارت مثبت شد

گمرک ایران، مجموع تجارت خارجی کشور طی ۸ ماه نخست امسال را ۵۶ میلیارد و ۹۳۹ میلیون دلار اعلام کرد. بر اساس آمارهای رسمی در ۸ ماه اول سال جاری نیز واردات و صادرات نسبت به ۸ ماه مشابه سال ۹۳ با کاهش مواجه شده است. در این مدت تراز تجاری مثبت بوده و میزان صادرات بیش از میزان واردات بوده است اما کارشناسان اقتصادی معتقدند که مثبت شدن تراز تجاری در زمان افزایش صادرات غیرنفتی دارای ارزش است. در حال حاضر مثبت شدن این شاخص به این دلیل رخ داده که میزان کاهش صادرات کمتر از میزان کاهش واردات بوده است. طبق آمارهای رسمی، میزان صادرات غیرنفتی با احتساب میعانات گازی و محصولات پتروشیمی در ۸ ماه سال جاری، ۲ میلیارد و ۳۲۵ میلیون دلار بیشتر از واردات بوده است. آمارهای دفتر فن آوری اطلاعات و ارتباطات گمرک نشان می‌دهد که در ۸ ماه گذشته از سال جاری واردات کشورمان به ۲۷ میلیارد و ۳۰۷ میلیون دلار رسیده است، که این میزان واردات ۲۰/۹۵ درصد کمتر از مدت مشابه سال قبل بوده است. میزان واردات کشورمان در هشت ماه سال گذشته ۳۴ میلیارد و ۵۴۳ میلیون دلار بود. عمده واردات کشورمان در این مدت به ترتیب به ذرت دامی با سهم ۲/۴۲ درصدی از کل ارزش واردات، گندم خوراکی با ۱/۹۳ درصد، خودروی سواری با حجم سیلندر بیش از ۱۵۰۰ سی سی و کمتر از ۲۰۰۰ سی سی با ۱/۹ درصد، لوبیای سویا با ۱/۸۹ درصد و کنجاله سویا با ۱/۸۷ درصد اختصاص داشته است.



### همایش مبارزه با فساد

۱۳۹۴/۰۹/۱۷ به مناسبت روز جهانی مبارزه با فساد، اتاق تهران همایشی تحت عنوان «مبارزه با فساد، ارتقای سلامت اداری» برگزار کرده که در آن رؤسای اتاق تهران و ایران به نمایندگی از بخش خصوصی به بیان غدغه های خود از فساد پرداختند. مصطفی پور محمدی، وزیر دادگستری و فرشاد مؤمنی، اقتصاددان، از سخنرانان اصلی این همایش بودند.

### میزبانی از هیأت تجاری فنلاند

۱۳۹۴/۰۹/۱۷ همایش همکاری های اقتصادی ایران و فنلاند، به میزبانی اتاق تهران، در هتل اسپیناس برگزار شد. بنگاه های صنعتی و تجاری دو کشور داشته های خود را با یکدیگر به بحث گذاشتند. در این گردهمایی، نمایندگان بیش از ۱۰۰ بنگاه اقتصادی فنلاند که به تهران آمده بودند، به دیدار نمایندگان نزدیک به ۳۰۰ شرکت ایرانی رفتند.

### هیأت تجاری ایتالیا در اتاق تهران

۱۳۹۴/۰۹/۱۰ بزرگترین هیأت تجاری و صنعتی ایتالیا به اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران آمد و طی همایشی، که به ابتکار اتاق مشترک ایران و ایتالیا برپا شد، از نزدیک با فعالان اقتصادی و بخش خصوصی ایران ملاقات کردند. در این گردهمایی، مسعود خوانساری، رئیس اتاق تهران، از برنامهریزی این نهاد بخش خصوصی برای برقراری ارتباط و همکاری های مشترک میان صنایع کوچک و متوسط ایران با همتایان خود در ایتالیا خبر داد.

### دیدار رئیس اتاق با سفیر فنلاند

۱۳۹۴/۰۹/۱۴ چند روز قبل از سفر هیأت تجاری و صنعتی فنلاند به تهران، هری کمر اینن، سفیر این کشور، به خیابان وزرا آمد و با رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، ملاقات کرد.

### مذاکرات اقتصادی با تجار لبنانی

۱۳۹۴/۰۹/۰۹ یک هیأت تجاری لبنانی به اتاق تهران آمد و اعضای آن با مسعود خوانساری دیدار و گفتگو کردند. در این دیدار، اعضای این هیأت که از انجمن بازرگانان لبنان بودند، با ابراز علاقه مندی بسیار به همکاری با شرکت های ایرانی در زمینه های مختلفی از جمله گردشگری، فناوری اطلاعات و ارتباطات، بانکداری و... تاکید کردند.

# رکورد زنی بانکی در دوران رکود

معاونت نظارتی بانک مرکزی «گزارش نحوه پراکندگی شعب بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی در سطح کشور» را منتشر کرد که نشان می‌دهد که قمی‌ها، تهرانی و البرزی‌ها بیش تر، و بوشهری‌ها، سمنانی‌ها و مازندرانی‌ها کمتر شعب بانکی را در دسترس دارند. بر اساس آمارهای صندوق بین‌المللی پول، در کشور ایران به‌ازای هر یکصد هزار نفر، تعداد ۲۷/۴ شعبه بانکی وجود دارد که در مقایسه با دیگر کشورها از وضعیت متعادلی برخوردار است. اکثر کشورهای توسعه‌یافته به‌طور نسبی تعداد شعبه بیش‌تری نسبت به ایران دارند؛ به‌طوری که مثلاً در فرانسه به‌ازای هر یکصد هزار نفر جمعیت، ۳۸/۵ شعبه بانکی وجود دارد. از سوی دیگر، اکثر کشورهای منطقه به‌طور نسبی تعداد شعبه کمتری نسبت به ایران دارند.

این آمار در ترکیه ۱۹/۸، کشور مالزی ۱۱ و کشور عربستان در سطح پایین‌تری، حدود ۸/۸ است. بر اساس آمار بانک مرکزی، تا پایان شهریورماه ۱۳۹۴ تعداد کل شعب دارای مجوز بانکها و مؤسسات اعتباری غیر بانکی ۶۵۶ هزار و ۳۱۱ شعبه است. بانک ملی با ۳ هزار و ۱۹۲ شعبه، صادرات ایران با ۲ هزار و ۸۷۶ شعبه و کشاورزی با ۹۰۶ شعبه دارای بیش‌ترین شعبه و بانک‌های خاورمیانه، بانک تجارتی ایران و اروپا و بانک ایران و ونزوئلا دارای کمترین شعب در سطح کشور هستند. در حال حاضر موضوع بانک‌ها به یکی از دغدغه‌های اصلی اقتصاد ایران تبدیل

شده‌است. با وجودی که اقتصاد ایران در رکود قطعی حضور دارد ولی تعداد شعبه‌های بانک‌ها روند افزایشی یافته‌است. در سال‌های ۹۰ و ۹۱ بانک‌های کشور مدعی بودند که به دلیل حفظ ارزش دارایی‌هایشان در مقابل کاهش ارزش ریال اقدام به خرید ملک و تأسیس شعبه‌های دیگر می‌کنند ولی در دوره‌های بعدی که وضعیت اقتصادی کشور با رونق نسبی مواجه شد، این اقدام بانک‌ها معنایش را از دست داد.

بانک مرکزی طی دو سال گذشته تلاش‌های گسترده‌ای را برای جلوگیری از بنگاهداری بانک‌ها آغاز کرده و امیدوار است با ساماندهی مؤسسات مالی و اعتباری نیز زمینه‌ها را برای ایجاد شرایط مناسب در فضای پولی و بانکی کشور ایجاد کند. در همین حال حاضر موضوع ساماندهی مؤسسات مالی و اعتباری غیرمجاز به عنوان یکی از اولویت‌های اساسی بانک مرکزی شناخته می‌شود. فعالان بازار مالی کشور اعتقاد دارند تا زمانی که مؤسسات مالی و اعتباری ساماندهی نشوند، بانک‌های کشور نیز برای رقابت با آنها و حفظ حضور خود در بازار اقدام به فعالیت‌های خارج از چارچوب قانونی خود مانند خرید ملک می‌کنند. در حال حاضر شاخص جمعیت و تعداد شعبه‌های بانکی در کشور همخوان نیست. اما به نظر می‌رسد با توجه به رکود فراگیر این شرایط بزودی تغییرات عمده‌ای را بپذیرد.

## گاردین: سفر به ایران باعث محدودیت ورود به آمریکا می‌شود

«گنه کرد در بلخ آهنگری - به شوشتر زندگین مسگری». این شعر سعدی، ورودی گزارش روزنامه معتبر انگلیسی گاردین بود که در آن از مصوبه جدید کنگره آمریکا خبر می‌داد. مصوبه‌ای که طی آن نمایندگان آمریکا تصمیم گرفته‌اند سفر افرادی را که اخیراً در یکی از چهار کشور ایران، عراق، سوریه و سودان حضور داشته‌اند به آمریکا محدود کند. این طرح با ۴۰۷ رأی مثبت در برابر تنها ۱۹ رأی منفی به تصویب رسید. این مصوبه در پی حملات تروریستی در پاریس و نقاط دیگر اروپا و آمریکا و به‌خصوص به پهنه عملیات تروریستی یک زوج پاکستانی در کالیفرنیا در ماه گذشته صورت گرفت و این در حالی است که تاکنون در هیچ‌یک از حملات تروریستی در اروپا، آمریکا... هیچ ایرانی‌ای حضور نداشته‌است. البته این طرح نمایندگان مجلس آمریکا باید به تصویب مجلس سنا برسد. اما بر اساس مصوبه کنگره، شهروندان ۳۸ کشور «دوست آمریکا» (کشورهایی همچون انگلستان، فرانسه، ژاپن، استرالیا و...) که مطابق قوانین این کشور در حال حاضر بدون اخذ روادید تا سقف ۹۰ روز می‌توانند وارد خاک آمریکا شوند، در صورتی که در پنج سال گذشته به ایران، سوریه، عراق یا سودان سفر کرده باشند، برای دریافت ویزا باید مورد بررسی مجدد قرار گیرند. البته این قانون شامل افرادی که از این پس به ایران سفر کنند نیز خواهد شد و این به معنای آن است که تجار، فعالان اقتصادی، مسئولان شرکت‌ها و گردشگرانی که از این پس قصد سفر به ایران را دارند باید نگران این باشند که برای گرفتن ویزای آمریکا ممکن است دچار مشکل شوند؛ اتفاقی که می‌تواند جو روانی منفی به وجود آورد و مانع سفر تجاری، اقتصادی، گردشگری و... به ایران شود. به این ترتیب، در شرایطی که صحبت از لغو تحریم‌ها علیه ایران می‌شود، این صحبت‌ها و مصوبه‌ها می‌تواند برای اقتصاد ایران مشکل ایجاد کند. البته عباس عراقچی، معاون وزیر امور خارجه ایران و عضو ارشد تیم مذاکرات هسته‌ای ایران با ۵۱ در واکنش به این مصوبه و تأثیرات آن گفت: «اگر مصوبه کنگره در مورد سفر اتباع چهار کشور از جمله ایران به آمریکا مغایر مفاد درج‌شده در باره آن اقدام خواهیم کرد.»

## وضعیت دارایی‌های خارجی ایران به روایت یک مؤسسه بین‌المللی

مؤسسه رتبه‌بندی بین‌المللی Capital Intelligence در گزارشی به وضعیت مالی ایران اشاره کرده است. بانک مرکزی این گزارش را به نقل از این مؤسسه منتشر کرده است. این مؤسسه چشم‌انداز کلی اعتباری ایران را از «مثبت» به «بائبات» تغییر داده است. در این گزارش، علت تغییر رتبه، ناشی از بهبود در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران و اثر مثبت آن بر تقویت اعتبار حاکمیتی آن عنوان شده است. در گزارش CI، سطح بدهی عمومی ایران، پایین و میزان دارایی‌های خارجی قابل توجه ارزیابی شده است. این مؤسسه برآورد می‌کند که حجم دارایی‌های خارجی ایران به‌اندازه ۱۵ ماه واردات و بیش از ۱۰ برابر میزان بازپرداخت تعهدات در سال ۲۰۱۶ است؛ هر چند، تردیدهایی در خصوص نقدپذیری و در دسترس بودن این دارایی‌ها وجود دارد. پس از حدود یک دهه وجود مازاد بودجه، دولت ایران طی سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ کسری بودجه را تجربه می‌کند که در حدود ۲/۹ درصد تولید ناخالص داخلی ارزیابی می‌شود. با فرض رفع تدریجی تحریم‌های بین‌المللی در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، مؤسسه CI پیش‌بینی می‌کند کسری بودجه به حدود ۱ درصد در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ محدود شود. انعطاف‌پذیری بودجه، به‌دلیل اتکا بیش از حد درآمدهای دولت به صادرات نفت خام که تحت تحریم قرار دارد، و همچنین افزایش مخارج جاری دولت پایین ارزیابی شده است.



### بخش خصوصی اوکراین به دنبال ورود به ایران

۱۳۹۴/۰۹/۰۷ نماینده اتاق بازرگانی و صنایع اوکراین با مسعود خوانساری، رئیس اتاق تهران، دیدار کرد. دو طرف در این دیدار از لزوم توسعه همکاری‌های بیشتر در پروژه‌های صنعتی سخن گفتند. هر دو نفر روابط دوجانبه به‌منظور آشنا شدن بیشتر فعالان اقتصادی دو کشور با تولیدات یکدیگر را خواستار شدند.

### تلاش برای احیای مسیر باستانی تجارت

۱۳۹۴/۰۹/۰۴ یک هیأت متشکل از اعضای اتحادیه شهرهای در امتداد جاده ابریشم، به‌دیار دبیرکل اتاق تهران آمدند تا در مورد احیای این مسیر تجاری - باستانی صحبت کنند. این اتحادیه، برای بررسی همکاری‌های اقتصادی به تهران سفر کرد.

### دیدار سوم با آلمانی‌ها

۱۳۹۴/۰۹/۰۴ پس از حضور چند هیأت آلمانی در اتاق تهران و برگزاری دیدارهای مستقیم بین فعالان اقتصادی آلمانی مانند دو هیأت بزرگ از ایالت‌های نیدرزاکسن و باواریا با اعضای اتاق تهران، قائم‌مقام اتحادیه صنایع آلمان نیز به اتاق تهران آمد و با مسعود خوانساری دیدار و گفت‌وگو کرد.

### تقدیر از صادرکنندگان برگزیده تهران

۱۳۹۴/۰۹/۰۲ طی مراسمی از صادرکنندگان برگزیده استان تهران تقدیر شد. رئیس اتاق تهران در جمع صادرکنندگان برتر استان تهران عنوان کرد که اعمال سیاست‌های نادرست در تعیین نرخ ارز در سال‌های گذشته، زمینه‌ساز زیانی هنگفت برای اقتصاد ایران بوده است و اکنون لازم است که برای توسعه صادرات کشور، ارز به‌قیمت واقعی مبادله شود.

### دیدار سفیر سنگال با رئیس اتاق تهران

۱۳۹۴/۰۸/۳۰ تقویت و توسعه همکاری‌های اقتصادی و تجاری دوجانبه، موضوع دیدار سفیر سنگال در تهران با رئیس اتاق تهران بود. سفیر این کشور آفریقایی گفت: ظرفیت‌های زیادی برای همکاری دوجانبه ایران و سنگال وجود دارد.

## دلار، قوت غالب معاملات ارزی جهان

مرکز بین‌المللی بانک‌ها در آخرین گزارش خود اعلام کرده‌است که ۸۷ درصد از معاملات ارزی جهان با دلار صورت می‌گیرد. این مسئله نقش برجسته دلار را به عنوان ارز مسلط در جهان به‌خوبی نشان می‌دهد. این ارز اخیراً قدرت بیشتری گرفته‌است و با افزایش نرخ بهره در آمریکا بر قدرت آن افزوده خواهد شد. پیش‌بینی می‌شود فدرال رزرو آمریکا نرخ بهره را در نشست ماه دسامبر خود افزایش بدهد. اواسط آذرماه اظهارات جنت یلن رئیس فدرال رزرو آمریکا (بانک مرکزی آمریکا) در مورد افزایش نرخ بهره سیاستی در ایالات متحده آمریکا و همچنین سخنان ماریو دراگی رئیس کل بانک مرکزی اروپا مبنی بر امکان اجرای اقدامات شدیدتر برای تحریک اقتصاد منطقه یورو باعث افزایش ارزش دلار شد. ارزش دلار در روز پنجشنبه ۱۹ آذر در بازار معاملاتی ایران به ۳۶۴۸ تومان رسید. افزایش ارزش دلار در ایران بحث‌های زیادی را پیش کشید اما اکثر تحلیل‌گران بر این باورند که با توجه به وضعیت اقتصاد ایران، این نرخ دلار در کشور طبیعی است.



## پول چینی، جهانی شد

مقامات چینی سال‌ها تلاش کردند تا بتوانند ارز کشور خود یعنی یوان را به ارزی بین‌المللی تبدیل کنند و بالاخره موفق شدند. کریستین لاگارد رئیس صندوق بین‌المللی پول عصر روز دوشنبه ۹ آذر پس از جلسه‌ای که با همکاران خود داشت، اعلام کرد یوان به معیارهای لازم برای پیوستن به صندوق بین‌المللی پول دست یافته‌است. به این ترتیب برای نخستین بار در تاریخ ارز کمونیست‌ها که به رمبیتی نیز معروف است به ارزی بین‌المللی تبدیل شد. پیش از این چهار ارز در صندوق بین‌المللی پول قرار داشت یعنی دلار آمریکا، پوند انگلیس، ین ژاپن و یورو اتحادیه اروپا. الحاق یوان به صندوق بین‌المللی پول، بزرگ‌ترین قدم اقتصادی چین در چند سال گذشته به شمار می‌رود. هرچند ارز چین در حال حاضر اعتباری بین‌المللی به دست آورده‌است اما مقامات این کشور باید بیش از هر زمانی مواظب باشند چرا که دخالت‌های آنها در ارزش یوان می‌تواند باعث تغییر عقیده صندوق بین‌المللی پول بشود. چین دومین اقتصاد بزرگ جهان به شمار می‌رود و ارز آن در بسیاری از نقاط جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد.



## رینگت سقوط کرد

اقتصاد مالزی به کمترین رشد خود در دو سال گذشته رسیده‌است؛ بخشی از آن به دلیل کاهش مصرف بخش خصوصی است که فشار مضاعفی را به سیاست‌گذاران برای ارتقای رشد و اعتمادپذیری اقتصاد وارد کرده‌است. بانک مرکزی در کوالالامپور، در ماه آذر اعلام کرد که تولید ناخالص داخلی مالزی در سه‌ماهه سوم سال نسبت به سال پیش ۴,۷ درصد افزایش داشته‌است؛ این در حالی است که در سه‌ماهه دوم این رشد ۴,۹ درصد بود. نجیب رزاق نخست‌وزیر مالزی سعی کرده‌است وضعیت اقتصاد کشورش را آرام کند اما رشد اقتصاد جهانی به گونه‌ای بوده‌است که مالزی به اهداف اقتصادی خود در سال ۲۰۱۵ دست پیدا نکند. رینگت به عنوان ارز رایج مالزی در سال جاری بیشترین کاهش ارزش را در برابر دلار داشته‌است و به این ترتیب به بدترین بازیگر منطقه آسیا-اقیانوسیه تبدیل شده‌است. تحلیل‌گران بلومبرگ برآورد کرده‌اند که رینگت پس از تصمیم فدرال رزرو آمریکا برای افزایش نرخ بهره، بهبود پیدا کند. علاوه بر آن پیش‌بینی می‌شود بسیاری از مسائل داخلی در مالزی حل شوند و به تقویت رینگت کمک کنند.



## روزهای بد روپیه در راه است

بانک گلدمن ساکس در گزارش چشم‌انداز سالانه خود رشد اقتصادی هند را معادل ۷,۹ درصد برای سال ۲۰۱۷ برآورد کرده‌است. به این ترتیب هند سریع‌ترین رشد را در میان اقتصادهای نوظهور خواهد داشت. با وجود این خوش‌بینی، گلدمن ساکس پیش‌بینی کرده‌است که روپیه هند تا پایان ماه مارس سال ۲۰۱۶ به رقم ۶۶,۵ در برابر هر دلار برسد و در ماه مارس سال ۲۰۱۷ نیز به ۶۷,۵ در برابر هر دلار برسد. به این ترتیب گلدمن ساکس روزهای بدی را برای ارز هند پیش‌بینی می‌کند. البته تحلیل‌گران اقتصاد کلان در هند چنین انتظاری ندارند و بر این باورند که تقویت دلار در برابر ارزهای جهانی امری عادی است و روپیه قدرت خود را باز خواهد یافت. شاید کلیدی‌ترین مسئله‌ای که می‌تواند در آینده روی رشد تولید ناخالص داخلی هند و ارز آن تأثیرگذار باشد افزایش نرخ بهره در آمریکا باشد. افزایش نرخ بهره در آمریکا و در مقابل، کاهش نرخ بهره در اروپا و ژاپن می‌تواند نوسانات بسیاری را در بازار ارز هند ایجاد کند.





بر اساس اطلاعات به دست آمده از بلومبرگ، داعش سالانه ۵۰۰ میلیون دلار از طریق نفت به دست می آورد. علاوه بر آن مقامات امریکایی برآورد کرده اند که این گروه تروریستی حدود ۵۰۰ تا ۱ میلیارد دلار از بانک های عراقی به دست آورده است. بخشی از درآمد آنها نیز از طریق قاچاق آثار باستانی و خون بهایی است که از خانواده قربانیان آدم ربایی به دست می آورند.

## تروریسم

### امریکا بمب کم آورد

ارتش ایالات متحده امریکا در سایت رسمی خود اعلام کرده است که کمپین بمباران ۱۵ ماهه علیه داعش باعث شده آنها با کمبود مهمات جنگی مواجه شوند. ژنرال مارک ولش رئیس کل نیروهای هوایی امریکا اعلام کرده است: «ما



نسبت به مهماتی که به دست می آوریم، به میزان زیادی خرج می کنیم.» طبق گفته های ولش، ارتش امریکا برای مبارزه و جنگ درازمدت با داعش به تغذیه مالی و حمایت های بیشتری نیاز دارد. برآورد می شود نیروهای هوایی امریکا اکنون ۱۴۲ هزار بمب هوشمند داشته باشند. علاوه

بر آن ۲۳۰۰ موشک نیز در اختیار آنهاست تا بتوانند با تروریست ها مقابله کنند. روسیه و فرانسه طی چند هفته اخیر بمباران داعش را در سوریه آغاز کرده اند. بریتانیا نیز در هفته ای که گذشت تصمیم گرفت برای مبارزه علیه داعش با امریکا متحد شود. دلیل این تصمیم بریتانیا می تواند تهدیدهای اخیر داعش در کشورهای خارج از خاورمیانه باشد. روسیه به این اتحاد ملحق نشده است.

### حمله پاریس

داعش جمعه شب ۱۳ نوامبر در پاریس پایتخت فرانسه حمام خون به راه انداخت. در آن شب هفت نفر از اعضای داعش به شکل زنجیره ای در نقاط مختلف پاریس با بمب هایی که با خود حمل می کردند باعث کشته و زخمی شدن بیش از ۱۳۰ نفر شدند. بر اساس گزارش های به دست آمده از وال استریت ژورنال، پلیس فرانسه تاکنون موفق به شناسایی ۵ نفر از تروریست ها شده است. هرچند این ترور باعث ترس و احساس ناامنی در مردم نقاط مختلف جهان شد اما با واکنش آرام و ملایمی از سوی بازارهای مالی جهانی مواجه شد. از آنجا که حمله در جمعه شب رخ داد و بازار در اکثر نقاط جهان در روزهای شنبه و یکشنبه تعطیل بود، این فرصت فراهم شد تا بازار در روز دوشنبه با آرامش تجار و سرمایه گذاران باز شود. در حقیقت این مسئله که حمله تروریستی در شبی رخ داده که فردای آن بازار تعطیل بوده، فرصتی را ایجاد کرده تا هیجانات سرمایه گذاران فروکش کند. حتی بازار نفت که نسبت به تنش های ژئوپلیتیکی حساسیت بالایی دارد واکنشی چندانی به حمله پاریس نشان نداد. در نهایت بازار در کوتاه مدت تأثیر اندکی از این ماجرا پذیرفت اما در درازمدت اتفاقی برای بازار نیفتاد.



## ۱۴ سال ترور

مجله اکونومیست در طرحی گرافیکی به وضعیت فعالیت تروریست ها در اروپا پرداخته است. این بررسی نشان می دهد در سال ۲۰۱۵ فرانسه آسیب پذیرترین کشور در برابر حملات تروریستی بوده است. گفته می شود حضور تعداد زیادی از اسلام گرایان افراطی در خاک فرانسه باعث بروز آسیب پذیری این کشور در برابر تروریسم شده است.

### خشونت سیاسی در غرب اروپا

از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا ۱۶ نوامبر ۲۰۱۵

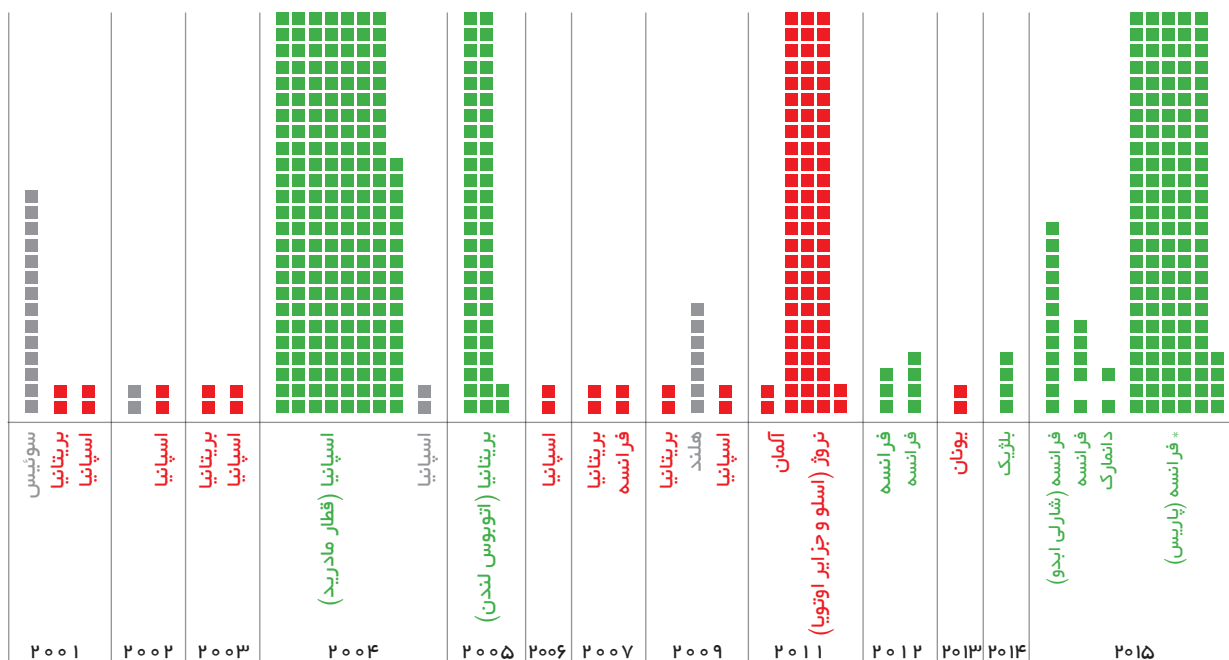
حمله هایی که منجر به مرگ یک نفر شده است؛

مجموع (اتریش / بلژیک / بریتانیا / فرانسه / یونان / ایرلند / ایتالیا / هلند / اسپانیا / سوئد

### حمله هایی که منجر به مرگ دو یا چند نفر شده است

هر □ مربع برابر است با یک کشته

مجرم: ■ اسلام گرا ■ سایر ■ وابستگی ناشناخته



## ترس به بازار بازگشت

در روز پنجشنبه ۱۹ آذر شاخص ترس و ریسک پذیری عدد ۳۵ را نشان می‌داد که به معنای بازگشت ترس به بازار سرمایه‌گذاران است. پایگاه خبری-تحلیلی سی‌ان‌ان مانی هر روز این شاخص را بررسی می‌کند. زمانی که شاخص عدد بیشتری را نشان می‌دهد و به سمت عدد ۱۰۰ حرکت می‌کند، بازار ابتدا خنثی و سپس سبز می‌شود؛ وضعیت سبز در بازار یعنی سرمایه‌گذاران ریسک می‌کنند و پول خود را روانه بازار می‌کنند. ماه آبان چراغ سرمایه‌گذاری سبز بود و شاخص تا عدد ۷۸ پیش رفت اما در اواسط آذر بازار خنثی شد و در پایان ماه دوباره به وضعیت ترس بازگشت. زمانی که بازار در وضعیت قرمز است، سرمایه‌گذاران از جاری کردن پول و سرمایه خود در بازار اجتناب می‌کنند و پولی را روانه بازارهای مالی نمی‌کنند.

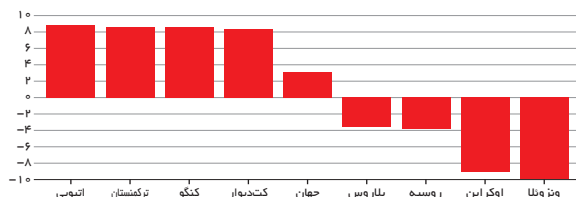


## ونزوئلا رکورد بدترین را شکست

اقتصاد ونزوئلا در سال ۲۰۱۵ بدترین اقتصاد جهان شناخته شد. این کشور پس از ۱۶ سال از سوسیالیست‌ها جدا شد. بر اساس انتخاباتی که در ماه آذر در ونزوئلا برگزار شد اتحاد دموکرات‌ها به اکثریت آرا برای کنگره دست یافت. قدرت گرفتن حزب مخالف برای نیکولاس مادورو رئیس‌جمهوری این کشور، شکست بزرگی به شمار می‌رود. این بزرگ‌ترین پیروزی حزب مخالف از زمان هوگو چاوز در سال ۱۹۹۹ تاکنون به شمار می‌رود. بیش از ۹۰ درصد از صادرات ونزوئلا، نفت است اما این کالا با کاهش قیمت شدیدی مواجه شده و در نتیجه باعث کاهش درآمدهای ونزوئلا شده‌است. صندوق بین‌المللی پول طی گزارشی وضعیت اقتصادی ونزوئلا را نگران‌کننده دانست. برآوردها نشان می‌دهد اقتصاد این کشور ۱۰ درصد کوچک شده‌است. بولیوار به عنوان ارز رایج این کشور بیشترین کاهش ارزش را در سال ۲۰۱۵ تجربه کرده‌است.

برندگان و بازندگان سال ۲۰۱۵ براساس برآورد صندوق بین‌المللی پول

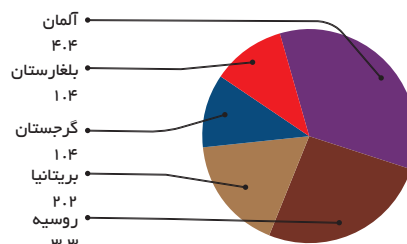
تولید ناخالص داخلی اتیوپی ۸.۷ درصد رشد خواهد داشت درحالی‌که ونزوئلا ۱۰ درصد کاهش خواهد یافت  
پیش‌بینی درصد تغییر تولید ناخالص داخلی حقیقی در سال ۲۰۱۵



## دعوی روسیه و ترکیه

ترکیه در ماهی که گذشت یک فروند هواپیمای جنگنده روسیه را سرنگون کرد. یکی از واکنش‌های روسیه به این اقدام، این بود که سفرهای گردشگری به این کشور را تحریم کرد. تحریم توریستی روسیه تأثیر زیادی روی اقتصاد ترکیه خواهد داشت. ترکیه محبوب‌ترین مقصد توریست‌های روس است. در سال ۲۰۱۵، طی ۹ ماه نخست سال ۲.۳ میلیون نفر از روسیه به ترکیه سفر کرده‌اند. توریست‌های روس ۱۰ درصد از کل توریست‌های ترکیه به شمار می‌روند. در حال حاضر تورهای ترکیه در روسیه نقض قانون به شمار می‌رود. ۲۱ میلیارد دلار از درآمد ترکیه در ۹ ماه گذشته منتهی به سپتامبر از محل توریسم و گردشگری حاصل شده‌است. صنعت توریسم ترکیه از مدت‌ها پیش به دلیل تنش‌های ژئوپلیتیکی دچار تنش شده بود. اکنون تحریم روسیه می‌تواند این مشکل را حادتر کند. اقتصاد ترکیه نسبت به جابه‌جایی سرمایه در این زمینه بسیار حساس است.

روس‌ها در ترکیه / تعداد گردشگر (به میلیون) از ژانویه تا سپتامبر



## سرخط خبرهای جهان در ماه آذر

### فروش یاهو

ماریسامیر، مدیرعامل یاهو بارها اعلام کرده‌است که نجات دادن کسب‌وکاری که با شکست‌های مداوم مواجه شده‌است، دشوار است و به زمان زیادی نیاز دارد. سهام شرکت یاهو در سال ۲۰۱۵ سقوط ۳۵ درصدی را تجربه کرده‌است و مدیران یاهو قصد دارند این مدیر جوان را اخراج کنند. ماریسامیر در حال حاضر سه سال و نیم است که به عنوان مدیرعامل یاهو مشغول به کار است. گزینه‌هایی نظیر فروش هسته‌های مرکزی یاهو نظیر فلیکر و تاملر نیز روی میز این مدیرهاست. علی‌بابا اصلی‌ترین گزینه خرید کسب‌وکارهای یاهو است.



### کشف دومین الماس بزرگ جهان

شرکت لوکارا موفق به کشف دومین الماس بزرگ جهان شد. این سنگ ۱۱۱۱ قیراطی باعث افزایش ۳۲ درصدی سهام لوکارا شد. این سنگ بزرگ‌ترین الماسی است که در ۱۰۰ سال اخیر کشف شده‌است. این الماس به کمک جدیدترین فناوری‌ها کشف شده‌است. لمب مدیرعامل این شرکت ادعا کرده‌است که با فناوری‌های قدیمی ممکن بود این سنگ همراه با سنگ‌های قیمتی زیر خاک بماند. بزرگ‌ترین الماس با ارزش ۳۱۰۶ قیراط به اسم کالینان دایموند در آفریقای جنوبی و در سال ۱۹۰۵ کشف شده بود.



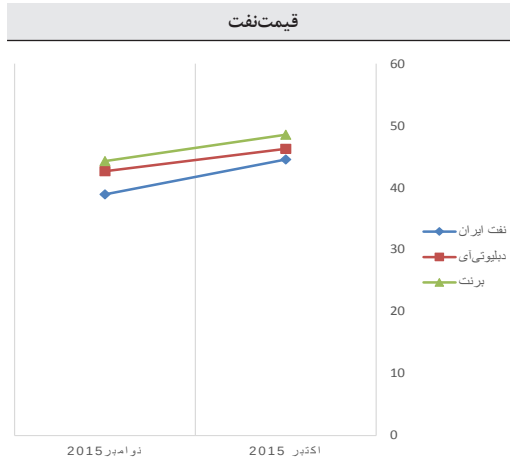
### ۳۰ هزار امضا علیه دونالد ترامپ

دونالد ترامپ کاندیدای جمهوری خواه ریاست‌جمهوری آمریکا فراخوانی را برای ممنوعیت حضور مسلمانان در ایالات متحده آمریکا پیشنهاد کرد. او ادعا کرده بود که بخشی از لندن به حدی افراطی است که پلیس از جان خود نیز اطمینان خاطر ندارد. گروه‌های مسلمانان و طرفداران مسلمانان در بریتانیا نیز در واکنش به این اظهارات، درخواستی برای منع ورود میلیارد‌های جمهوری خواه به خاک بریتانیا با ۳۰ هزار امضا به پارلمان بریتانیا فرستاده‌اند. مطابق قانون، دولت موظف است به هر درخواستی با بیش از ۱۰ هزار امضا پاسخ بدهد. بخشی از صحبت‌های ترامپ از کشته شدن ۱۴ نفر در کالیفرنیا طی عملیاتی تروریستی ناشی می‌شود.

کنفرانس تهران با موضوع رونمایی از قراردادهای جدید نفتی ایران با عنوان IPC در آذرماه در سالن اجلاس سران کشورهای اسلامی برگزار شد. بناسست این قراردادها نسبت به قراردادهای بیع متقابل جذابیت بیشتری برای سرمایه‌گذاران خارجی داشته باشند.

#### بازار طلای سیاه

## اوپیک خودکشی کرد



نشست ۱۶۸ سازمان کشورهای صادرکننده نفت خام (اوپیک) در روز ۴ دسامبر ۲۰۱۵ در وین پایتخت اتریش برگزار شد. در این نشست اوپیک تصمیمی درباره سقف تولید ماهانه خود نگرفت. این یعنی اعضای اوپیک قصد دارند به تولید نفت خود ادامه بدهند. هرچه نفت بیشتری تولید و روانه بازار شود، قیمت نفت کاهش بیشتری را تجربه خواهد کرد. بر اساس آمار و ارقام رسمی به‌دست‌آمده از سایت اوپیک، قیمت نفت اوپیک که در ماه گذشته به طور متوسط ۴۴ دلار در ازای هر بشکه بود در ماه آذر به دنبال نشست اوپیک به زیر ۴۰ دلار کاهش یافت و با قیمت ۳۵ دلار در بازار جهانی نفت معامله شد. نفت خام دبلیوئی‌ای نیز به زیر ۴۰ دلار سقوط کرد و با قیمت ۳۹٫۹۷ دلار در روز ۱۹ آذر در بازار معامله شد. نفت برنت حوزه دریای شمال نیز هر چند هنوز بالای ۴۰ دلار است اما با افتی شدید، به ۴۳ دلار در ازای هر بشکه رسیده‌است. بر اساس آخرین گزارش ماهانه اوپیک در سال ۲۰۱۵، قیمت نفت ایران در ماه اکتبر ۴۴٫۵۵ دلار بود اما در ماه نوامبر با ۵٫۶۳ دلار کاهش به ۳۸٫۹۲ دلار در ازای هر بشکه رسید. به این ترتیب قیمت نفت ایران در شرایط فعلی زیر ۴۰ دلار است.

## کاهش تعداد چاه‌های نفتی فعال امریکا به دنبال تصمیم اوپیک

قیمت نفت بیش از هر زمانی سقوط کرده‌است و انتظار می‌رود فعالیت‌های نفتی در امریکا به حداقل خود برسد. به گزارش «آینده‌نگر» به نقل از سی‌ان‌بی‌سی، شرکت بیکر هیوز که هر هفته اطلاعاتی را در مورد تعداد چاه‌های نفتی فعال در ایالات متحده امریکا منتشر می‌کند پس از تصمیم اوپیک در نشست ۱۶۸ آن اعلام کرد تعداد چاه‌های نفتی فعال در امریکا کاهش یافته‌است. بر اساس این آمار، ۱۰ حلقه چاه نفتی در امریکا فعالیت خود را متوقف کرده‌اند و به این ترتیب در حال حاضر مجموع چاه‌های نفتی فعال در امریکا ۵۴۵ مورد است. این در حالی است که سال گذشته تعداد چاه‌های نفتی در امریکا ۱۰۳۰ مورد بود. دکل‌های حفاری در امریکا سومین هفته کاهش خود را تجربه می‌کنند. علاوه بر آن ارزش دلار نیز افزایش یافته‌است که باعث تحت فشار قرار گرفتن بهای نفت شده‌است. اما انتظار می‌رود چین تقاضای خود را برای نفت خام افزایش دهد.



میزان تولید (میلیون بشکه در روز)



عضو اوپیک، ۵ کشور تولید خود را ثابت نگه داشتند که ایران یکی از آن پنج کشور بود. عربستان نیز در ماهی که گذشت تولید خود را ۲۵ هزار و ۲۰۰ بشکه کاهش داد که بیشترین کاهش تولید در میان اعضای اوپیک به شمار می‌رود.

۲۴ هزار و ۷۰۰ بشکه و لیبی ۲۰ هزار و ۹۰۰ بشکه از تولید خود کاسته‌اند. به این ترتیب عراق اصلی‌ترین مسبب تعدی اوپیک از سقف تولید ۳۰ میلیون بشکه در روز است و جزو مقصرانی است که باعث مازاد عرضه نفت و کاهش شدید قیمت نفت شده‌است. از میان ۱۲

## ایران به رتبه سوم اوپیک دست یافت

تولید اوپیک در فاصله ماه‌های اکتبر تا نوامبر ۲۳۰ هزار بشکه افزایش یافت. بررسی‌های «آینده‌نگر» از منابع ثانویه گزارش ماهانه سازمان کشورهای صادرکننده نفت خام (اوپیک) نشان می‌دهد اعضای این سازمان در ماه نوامبر ۳۱ میلیون و ۶۹۵ هزار بشکه نفت تولید کردند که نسبت به ماه قبل ۲۳۰ هزار بشکه افزایش داشت. عربستان سعودی بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت در جهان بوده‌است که ۱۰ میلیون و ۱۳۰ هزار بشکه از طلای سیاه را روانه بازار کرده‌است. بر اساس این آمار، تولید ایران در این ماه نسبت به ماه گذشته ثابت و بدون تغییر روی ۲ میلیون و ۸۷۶ هزار بشکه در روز ماند. اما از آنجا که تولید نفت امارات متحده عربی کاهش داشته‌است، ایران موفق شده‌است با اندکی اختلاف به رتبه سوم اوپیک دست پیدا کند. اصلی‌ترین افزایش تولید نفت از جانب عراق بوده‌است؛ این کشور ۲۴۷ هزار و ۵۰۰ بشکه در روز افزایش تولید داشته‌است. در حالی که نیجریه

## وضعیت بازارها در آستانه فصل سرد

## بازارها یخ زدند

## خودرویی که ژنرال دوگل را نجات داد به ایران می‌آید؟

۶۴/۴

درصد

از مردم ایران  
صاحب‌خانه‌اند

۲۰

درصد

قیمت هتل در زمستان  
افزایش می‌یابد

با آزادسازی نرخ  
بلیت هواپیما،  
افزایش قیمت  
بلیت قطار و هتل،  
مسافرت رفتن  
برای ایرانی‌ها از  
فصل زمستان و  
پیش از رسیدن  
نوروز، گران شده  
است

برند لوکس گروه خودروسازی PSA خواهد بود. آرنولد ریبال، مدیر بازاریابی برند دی‌اس می‌گوید این برند به معنای روح آوانگارد یا پیشرو است. اواسط ماه گذشته، یک گروه ۲۰ نفره از خبرنگاران اقتصادی ایران مهمان گروه PSA و برند DS در فرانسه بودند. آنها می‌گویند این برند فرانسوی قصد دارد ۴ مدل از خودروهایش را نیز به بازار ایران وارد کند.

## ← بلیت هواپیما پرواز کرد

«دولت بهتر است یک بار برای همیشه از دور باطل تقدیم حامل‌های سوخت به صورت یارانه‌ای به مصرف‌کنندگان مختلف بیرون آید و با واقعی کردن قیمت‌ها رانت و فساد موجود را از بین ببرد و از این طریق کیفیت ارائه خدمات را هم افزایش دهد.» موسی غنی‌نژاد، اقتصاددان بعد از شناورسازی قیمت بلیت هواپیما، این چنین از اقدام دولت دفاع کرد. او در بخش دیگری از یادداشتش نوشت: «اقدام دولت در جهت واقعی‌سازی قیمت هواپیما را از این جهت می‌توان به فال نیک گرفت که دولت بدون توجه به عواقب منفی رسانه‌ای آن گامی جدی در راستای واقعی‌سازی قیمت در یکی از بازارها برداشته و به تثبیت قیمت‌ها در بیشتر مسیرهای هوایی کشور اقدام کرده است. آنچه که در این میان قابل بحث است تداوم چنین تصمیم‌گیری‌ها و مداخله نکردن دوباره دولت در امر قیمت‌گذاری است.» ۹ آذرماه، قیمت بلیت هواپیما آزادسازی شد. از اواخر خردادماه سال گذشته نرخ بلیت هواپیما در فاز نخست متنوع شد به این معنا که ایرلاین‌ها تنها مجاز به افزایش نرخ‌های بلیت تا سقف ۳۰ درصد بیش از نرخ‌های مصوب سازمان هواپیمایی مشروط بر رعایت الزاماتی از جمله افزایش خدمات بودند تا در نهایت با تصویب شورای عالی هواپیمایی و تأیید وزیر راه و شهرسازی در نهایت با استناد به بند «ب» ماده ۱۶۱ قانون برنامه پنجم توسعه اجرای آزادسازی نرخ بلیت هواپیما در سال پایانی برنامه کلید خورد. البته آزادسازی تعیین نرخ بلیت هواپیما در ۱۷۰ مسیر کشوری لزوماً به معنای افزایش قیمت آن نیست. خداکریمی، معاون هوانوردی و امور بین‌الملل سازمان هواپیمایی کشوری می‌گوید: «پیش‌بینی افزایش قیمت پس از اجرای طرح آزادسازی نرخ بلیت را نداریم؛ مگر در ایام خاص و پیک پروازها که افزایش قیمت طبیعی است. در حال حاضر وضعیت در بازار متعادل است، ضمن آنکه برای آزادسازی چند ماه کار کارشناسی انجام شده است و حتی دیدیم که در ماه‌های گذشته بلیت در برخی مواقع کمتر از نرخ تعیین‌شده سازمان هواپیمایی به فروش رسیده است.» با وجود این، بعضی مسیرهای پروازی با افزایش نجومی قیمت مواجه شدند. از جمله مسیر تهران - مشهد که در زمان سالگرد شهادت امام رضا با توجه به تقاضای بالا برای رفت‌وبرگشت، به یک میلیون تومان هم رسید. محمدتقی انصاری، مدیر یکی از بزرگ‌ترین آژانس‌های مسافرتی کشور می‌گوید این اقدام ممکن است در ابتدا اعتراض‌ها و ناسامانی‌هایی در پی داشته باشد، اما به نفع صنعت گردشگری کشور خواهد بود: «با این آزادسازی، نرخ بلیت هواپیما در زمان‌های کم‌بسیار کاهش می‌یابد و این موجب می‌شود که افراد این

«تو کشوری دیگره ماشینا تو سال پنجم از رده خارج محسوب می‌شن، تو ایران سال هفتم تازه اقساطش تموم می‌شه!» التهاب وام ۲۵ میلیونی با فروش ۱۱۰ هزار دستگاه به روایت آمار خودروسازان، فروکش کرده اما هنوز جوک‌های آن در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود و مردمی که با استقبال از این وام‌ها باعث شکست کمپین تحریم خودروی صفر شدند، توسط دیگر مردم سرزنش می‌شوند. از طرف دیگر نیز، این طرح به خاطر افزایش پایه پولی کشور، با انتقاد شدید کارشناسان مواجه شده است. با توجه به آمار فروش شرکت‌های خودروساز کشور، مجموعاً حدود ۲۵۰۰ میلیارد تومان از سوی بانک مرکزی به این طرح تزریق خواهد شد که به معنای رشد ۸/۱ درصدی پایه پولی بر اثر اجرای این طرح است. در صورت در نظر گرفتن ضریب فزاینده پولی، می‌توان نتیجه گرفت که این تسهیلات پرحاشیه موجب افزایش ۱۶ هزار میلیارد تومان نقدینگی در متن اقتصاد کشور خواهد شد.

صنعت خودروسازی کشور در سه فصل گذشته، از یک طرف در رکود عمیقی قرار داشت و از طرف دیگر هم توافقی هسته‌ای و انتظار برای آمدن برندهای جهانی آن را در سرخط خبرها قرار داده بود. در سرمای اولین ماه زمستان، بحث تردد خودروهای برندهای لوکس جهان در خیابان‌های ایران داغ‌تر از قبل شده است. اظهار نظرهای نشان می‌دهد به‌جز ایران خودرو و سایپا که طرف قرارداد رنو و پژو هستند، قرار است خودروسازهای دیگری هم به ایران بیایند. هجدهم آذرماه، محمدرضا نعمت‌زاده از نهایی شدن مذاکرات با سه غول خودروساز برای تولید خودرو در ایران خبر داد، اما گفت که آنها کدام خودروسازهای اروپایی هستند و چه خودروهایی قرار است تولید کنند. چندی پیش در خبرها آمده بود که خودروساز سوئدی که ولوو تولید می‌کند، قصد دارد سه خودروی سواری و یک خودروی شاسی‌بلند در ایران تولید کند. با این حال به نظر می‌رسد با توجه به سلیقه بازار ایران که خودروهایی با کلاس B و رده قیمتی بین ۲۵ تا ۴۰ میلیون را می‌پسندد، شرکت‌های خودروساز آلمانی و سوئدی کمتر شانس فروش انبوه تولیدات مشترک در ایران داشته باشند، مگر آنکه برندی که می‌خواهند در ایران تولید کنند ساده‌سازی شده باشد که با قدرت خرید خانوارهای با درآمد متوسط ایرانی برابری کند. اتفاقی که برای لوگان که در ایران به نام تندر شناخته می‌شود، افتاد. اما خاص‌ترین خبر خودرویی در ماه گذشته، مربوط به برند DS، گران‌ترین و محبوب‌ترین خودرو در دهه ۱۹۵۰ فرانسه است. ژنرال دوگل، رئیس‌جمهور محبوب فرانسه بعد از جنگ، از این خودرو استفاده می‌کرد و حتی هنگامی که در دهه ۶۰ میلادی مورد سوءقصد قرار گرفت خودروی دی‌اس جان وی را نجات داد. تروریست‌ها لاستیک خودروی او را هدف قرار داده بودند، غافل از اینکه این خودرو قابلیت حرکت بر روی سه چرخ را نیز دارد. بعد از حدود ۲۴ سال گروه PSA (پژو - سیتروئن) تصمیم به احیای این برند لوکس گرفتند و در سال ۲۰۱۴ اولین محصول با برند DS را به بازار جهانی عرضه کردند. از این به بعد پژو برند ارزان، سیتروئن برند متوسط و DS

در طرح فروش قسطی مسکن، متقاضی باید حداقل ۲۰ درصد مبلغ را نقدا بپردازد و باقی‌مانده ارزش مسکن را نیز در اقساط حداکثر ۱۰ ساله با سودی حدود ۱۴ درصد پرداخت کند.

# ۶۸/۵

درصد

تولید کامیون نسبت  
به پاییز سال گذشته  
کاهش یافته است

# ۱۰۶

دستگاه

خودروی لوکس  
مجوز واردات به کشور  
گرفته‌اند

# ۲۰

میلیارد دلار

ارزش دلاری  
هزار خانه خالی در  
کشور است

اقساط به‌موقع تسویه و سند ملک به نام فروشنده زده شود. در طرح فروش قسطی، متقاضی باید حداقل ۲۰ درصد مبلغ را نقدا بپردازد و باقی‌مانده ارزش مسکن را نیز در اقساط حداکثر ۱۰ ساله با سودی معادل نرخ تورم یعنی حدود ۱۴ درصد پرداخت کند. بانک و دولت، تنها واسطه‌ای میان خریدار و فروشنده است و منابع دولتی، چندان درگیر آن نمی‌شوند. چگینی، مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی و اقتصاد مسکن می‌گوید: «این طرح توافقی میان انبوه‌سازان و بانک مسکن است و تجربه این کار در دیگر کشورها نیز وجود داشته است. در این طرح خریداران به‌جای آنکه کل مبلغ را نقدی و یکجا پرداخت کنند یا بخشی از هزینه خرید خانه را از بانک وام بگیرند، می‌توانند به صورت پرداخت اقساطی و مستقیما از انبوه‌ساز، مسکن خریداری کنند.» تمرکز این طرح بر طبقه متوسط جامعه و آن دسته از خانه‌های خالی است که به فروش نرفته‌اند. حسین عبده‌تبریزی، مشاور وزیر راه و شهرسازی درباره خانه‌های خالی می‌گوید: «طبق آمار یک میلیون و ۶۰۰ هزار خانه خالی در شهرهای بزرگ وجود دارد که این رقم معادل بالای ۲۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری است. پول عظیمی در خانه و مغازه‌های خالی وجود دارد، در شرایطی که اکنون به‌شدت به یک میلیارد دلار احتیاج داریم.» با توجه به مزاد واحدهای تولیدشده و عدم پرداخت تسهیلات از سوی بانک‌ها، این طرح مورد توجه برخی کارشناسان و فعالان بازار قرار گرفته است. آخوندی، وزیر راه و شهرسازی در این باره می‌گوید: «هر طرحی بالاخره آثار خاص خود را دارد و در حد خودش با توجه به واحدهای ساخته‌شده و عرضه‌نشده می‌تواند در بازار مسکن اثرگذار باشد و رونقی در بازار ایجاد کند؛ چون تولیدکننده‌ای که واحدی می‌سازد و پول آن را به‌تدریج دریافت می‌کند، دوباره به سراغ ساخت واحدهای دیگر می‌رود. اینها می‌تواند بخشی از مشکل را حل کند نباید تصور کنیم تنها یک راه‌حل برای بخش مسکن وجود دارد.»

زمان‌ها را برای سفر در نظر گیرند؛ زمان‌هایی که مقاصد گردشگری با رکود سفر مواجه هستند و کسب‌وکارهای مرتبط با گردشگری نیز متعاقبا دچار رکود می‌شوند. به این ترتیب می‌توان گفت که آزادسازی نرخ بلیت می‌تواند به همه‌زمانی شدن سفر بینجامد.» در پی آزادسازی نرخ بلیت هواپیما، هزینه هتل‌ها و بلیت قطار نیز افزایش یافت. جمشید حمزه‌زاده، رئیس جامعه هتل‌داران ایران گفته است: «امسال یا اوایل سال آینده، شاهد افزایش قیمت هتل‌ها خواهیم بود، این تکلیف از اواخر آذر یا اوایل دی‌ماه مشخص خواهد شد، چون در هر حال ما باید نسبت به تورم داخلی، حتما قیمت‌ها را افزایش دهیم. زمستان امسال نیز شاهد افزایش قیمت هتل‌ها تا ۲۰ درصد خواهیم بود.»

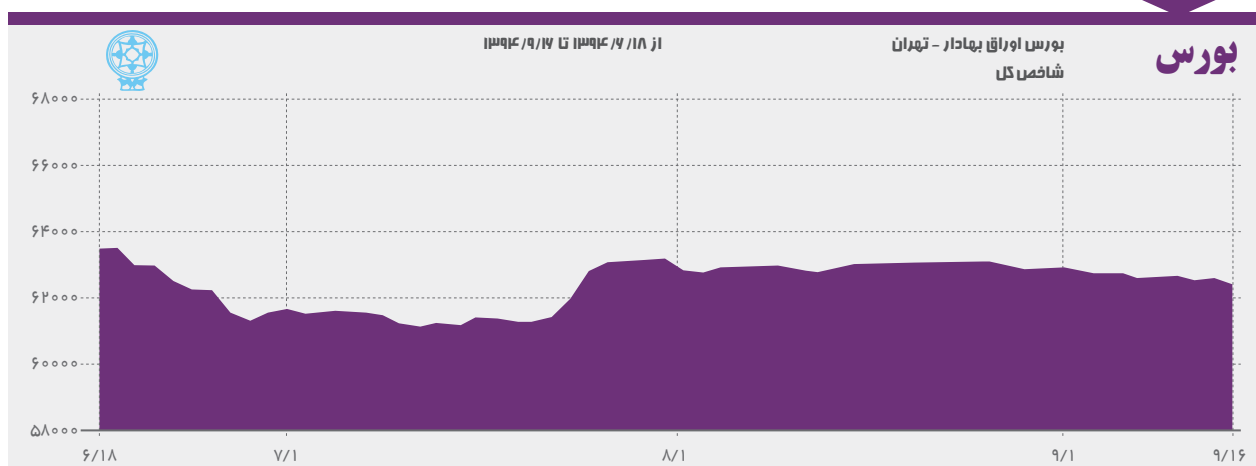
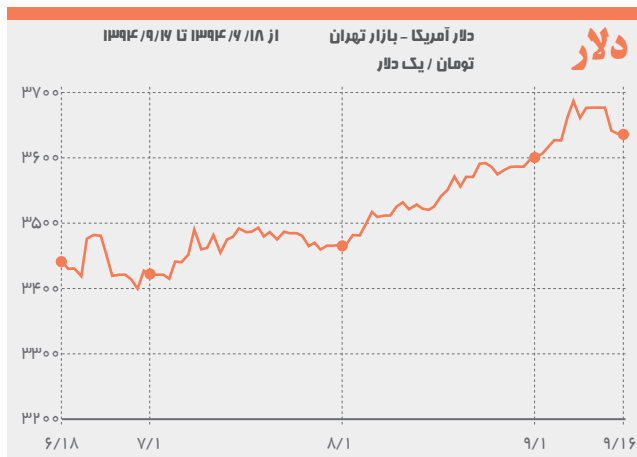
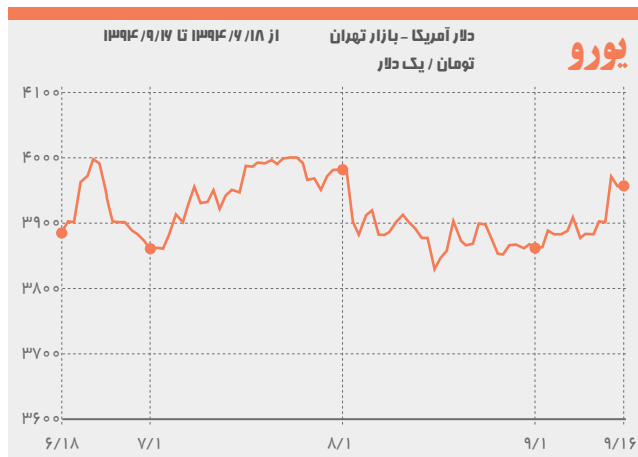
قیمت بلیت قطار نیز افزایش یافته است. سید محمد راشدی، معاون مسافری شرکت راه‌آهن گفته است: «قیمت بلیت قطار مسافری از ۲۵ آذرماه به طور متوسط ۸ درصد افزایش می‌یابد، از ۱۳۷ قطاری که در شبکه ریلی تردد می‌کند، ۹۱ قطار ۱۰ درصد و کمتر از آن افزایش و ۴۶ قطار نیز حدود ۱۵ درصد افزایش قیمت خواهند داشت.» به این ترتیب، مسافرت رفتن برای ایرانی‌ها از فصل زمستان و پیش از رسیدن نوروز، گران شده است.

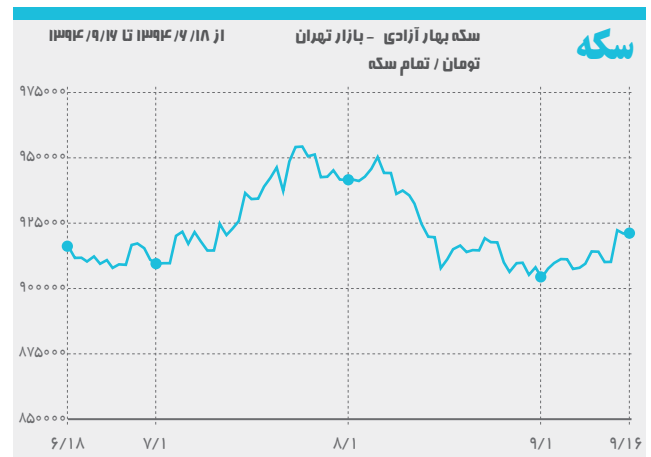
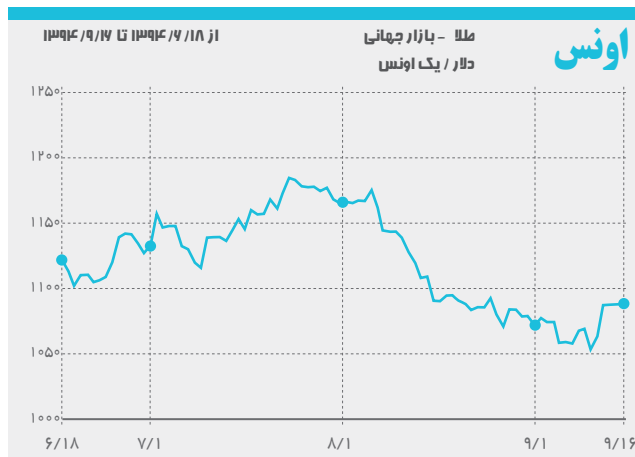
## ◀ شبیخون انبوه‌سازان به خواب زمستانی مسکن

از اردیبهشت امسال، بحث وام‌های ۶۰ تا ۸۰ میلیونی خرید مسکن داغ شد و هنوز هم به‌درستی اجرایی نشده است. با این حال، صحبت از فروش اقساطی مسکن جدی شده است. رکود عمیق بازار مسکن، باعث شد انبوه‌سازان خودشان دست به کار شوند. به روایت محتشم، نایب رئیس کانون سراسری انبوه‌سازان، انبوه‌سازان واحدهای ساخته‌شده خود را با توافق خریدار به صورت اقساطی واگذار می‌کنند که لازمه آن تضمینی است که به‌واسطه بانک صورت می‌گیرد تا کل

متوسط قیمت آپارتمان در تهران

| منطقه                            | متراژ بنا (متر مربع) | عمر بنا (سال) | قیمت هر متر مربع (تومان) | قیمت کل (تومان) |
|----------------------------------|----------------------|---------------|--------------------------|-----------------|
| نیاوران - یاسر                   | ۳۳۰                  | نوساز         | ۲۵,۰۰۰,۰۰۰               | ۸,۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰   |
| ولنجک - خ ۷                      | ۳۷۰                  | نوساز         | ۲۰,۰۰۰,۰۰۰               | ۷,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰   |
| جردن - خ مریم                    | ۵۵۰                  | نوساز         | ۱۳,۰۰۰,۰۰۰               | ۷,۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰   |
| فرشته - بیدار                    | ۴۷۰                  | ۸ ساله        | ۱۳,۰۰۰,۰۰۰               | ۶,۱۱۰,۰۰۰,۰۰۰   |
| زعفرانیه - خ آصف                 | ۲۷۸                  | نوساز         | ۲۰,۰۰۰,۰۰۰               | ۵,۵۶۰,۰۰۰,۰۰۰   |
| الهیه - چناران                   | ۳۰۳                  | نوساز         | ۱۷,۰۰۰,۰۰۰               | ۵,۱۵۱,۰۰۰,۰۰۰   |
| ولنجک - خ ۲۳                     | ۳۳۰                  | نوساز         | ۱۴,۵۰۰,۰۰۰               | ۴,۷۸۵,۰۰۰,۰۰۰   |
| فرشته - آقابزرگی                 | ۱۸۶                  | نوساز         | ۲۵,۰۰۰,۰۰۰               | ۴,۶۵۰,۰۰۰,۰۰۰   |
| تجریش - خ دربندی                 | ۳۴۰                  | ۲ ساله        | ۱۴,۰۰۰,۰۰۰               | ۴,۷۶۰,۰۰۰,۰۰۰   |
| آجودانیه - خ بهزاد               | ۳۰۰                  | ۷ ساله        | ۱۳,۰۰۰,۰۰۰               | ۳,۹۰۰,۰۰۰,۰۰۰   |
| کامرانیه شمالی - کوچه باغ        | ۱۸۰                  | نوساز         | ۱۸,۰۰۰,۰۰۰               | ۳,۲۴۰,۰۰۰,۰۰۰   |
| پاسداران شمالی - چهارراه فرماتیه | ۲۳۲                  | نوساز         | ۱۸,۰۰۰,۰۰۰               | ۴,۱۷۶,۰۰۰,۰۰۰   |
| زعفرانیه - پسیان                 | ۲۱۰                  | ۲ ساله        | ۱۴,۰۰۰,۰۰۰               | ۲,۹۴۰,۰۰۰,۰۰۰   |
| نیاوران - خ مژده                 | ۱۸۰                  | نوساز         | ۱۳,۰۰۰,۰۰۰               | ۲,۳۴۰,۰۰۰,۰۰۰   |
| آجودانیه - خ ۱۳                  | ۱۴۸                  | ۱۰ ساله       | ۱۳,۵۱۳,۰۰۰               | ۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰   |





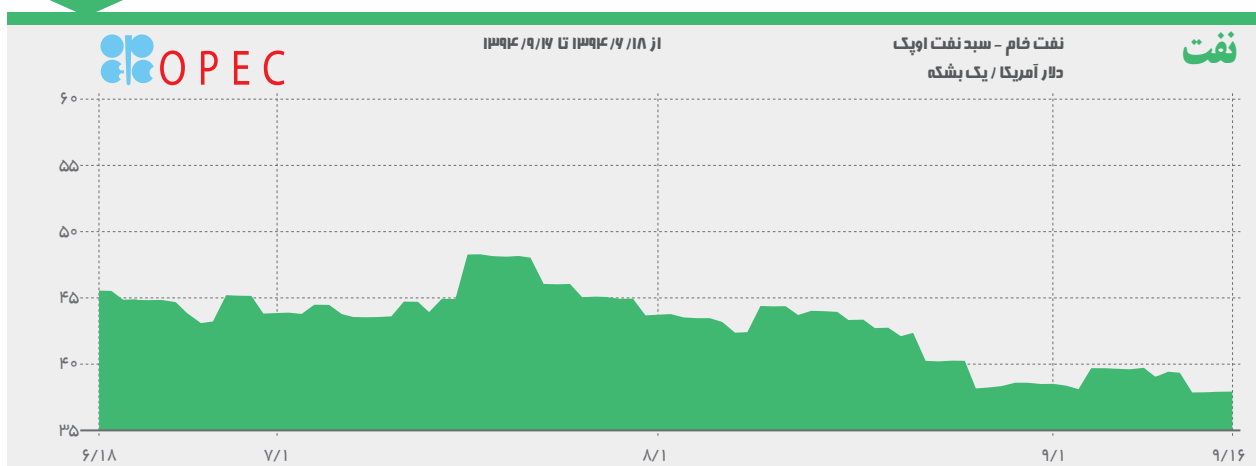
طلا

### نوسانات دلار و انتظار برای تک نرخی

مسعود خوانساری رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی تهران با بیان اینکه نوسانات نرخ ارز در هفته های گذشته اگرچه ممکن است برای صنعتگران و تولیدکنندگانی که صادرات گرا نباشند، مشکلزا شود اما در مجموع برای اقتصاد ایران نگران کننده نیست، گفت: فعالان اقتصادی منتظر واقعی شدن نرخ ارز هستند و مقصود آنها از تاکید بر تک نرخی شدن ارز به هیچ عنوان بالا رفتن قیمت ارز نیست بلکه آنها بیشتر خواستار ثبات در سیاست های ارزی هستند و نوسانات پشت سر هم و بدون پایه کارشناسی را به هیچ عنوان توصیه نمی کنند. بخش واقعی اقتصاد ایران خواستار اصلاح نرخ ارز است اما این اصلاح به مفهوم واقعی شدن نرخ دلار و از بین رفتن رانت هایی است که اکنون پیش روی ارز دو نرخی در اقتصاد ایران وجود دارد، این در شرایطی است که حتی اکنون که فاصله نرخ ارز دولتی و آزاد کمتر شده است اما به هر حال کسانی که دسترسی به ارز دولتی دارند، از امتیاز ویژه تری نسبت به فعالان اقتصادی برخوردار هستند و این امر برای فعالان اقتصادی نگران کننده است.



فقرت





مری باررا  
آمریکا  
مدیر داخلی کمپانی جنرال موتورز

۵



ژانت یلن  
آمریکا  
اقتصاددان

۴



ملیندا گیتس  
آمریکا  
همسر بیل گیتس

۳



هیلاری کلinton  
آمریکا  
وزیر خارجه سابق

۲



آنگلا مرکل  
آلمان  
صدراعظم

۱



ایندرا نویی  
هند  
مدیر اجرایی کمپانی پپسی

۱۵



مگ وایتمن  
آمریکا  
رئیس کمپانی ایچ پی

۱۴



جینی رامتی  
آمریکا  
رئیس کمپانی آی بی ام

۱۳



اوپرا وینفری  
آمریکا  
کارآفرین

۱۲



پارک گیون های  
کره جنوبی  
رئیس جمهور

۱۱

## زنانی که جهان را اداره می کنند

قدرتمندترین زنان دنیا در سال ۲۰۱۵ چه کسانی هستند؟

بانفوذ در دولت ایالات متحده آمریکا حضور داشته است. در سال ۲۰۱۵ کلinton تنها با فاصله یک رأی با قدرتمندترین زن دنیا در رتبه دوم این جدول قرار می گیرد. ۱۰ زن برتر در لیست زنان قدرتمند دنیا را این افراد تشکیل می دهند: در این سال برترین ۱۰: آنجلا مرکل، هیلاری کلinton، ملیندا گیتس، جانت یلن، مری بارا، کریستین لاگارد، دیلما روسف، شریل سندبرگ، سوزان وژیکی و میشل اوباما.

هشت نفر از زنان این لیست ۱۰۰ نفره را سران دولتها تشکیل می دهند. زنانی که دولتهایی با جمع ۹.۱ تریلیون دلار سرانه سالیانه و جمعیتی در حدود ۶۰۰ میلیون نفر را رهبری می کنند که در این میان می توان به نخست وزیر جدید لهستان اوا کوپاز اشاره کرد. ۲۴ نفر از این زنان برتر مدیرعاملان شرکت های معتبر در سراسر دنیا هستند که درآمد آنها حدود ۱ تریلیون دلار در سال است. ۱۸ زن

مجله فوربز قدرتمندترین زنان جهان را رتبه بندی کرده است. کارآفرینان، مدیران اجرایی، ستاره های مشهور و از همه مهم تر سران دولتها و زنان خیر بر اساس میزان تاثیرگذاری، ثروت و حضور رسانه ای ارزیابی شده اند.

قدرتمندترین زن جهان، آنگلا مرکل صدراعظم آلمان روزهای شلوغ و پرماجرایی را می گذراند، مهاجران مدیرانهای، تحریم های روسیه، رسوایی ماجرای جاسوسی در آلمان، و ثبات در منطقه یورو مهم ترین مشکلاتی است که او این روزها با آنها دست و پنجه نرم می کند. اما چیزی که مرکل کمتر به آن فکر می کند انتخابات پیش رو در امریکا است که می تواند جایگاه او را برای اولین بار بعد از سال ۲۰۱۰ در دنیا متزلزل کند.

هیلاری کلinton همواره در رتبه بندی زنان قدرتمند جهان از سال ۲۰۰۴ به عنوان سناتور، وزیر امور خارجه و یکی از عناصر

بهروایت

Forbes



قدرتمندترین زن جهان، آنگلا مرکل صدراعظم آلمان روزهای شلوغ و پرماجرایی را می‌گذراند، مهاجران مدیرانه‌ای، تحریم‌های روسیه، رسوایی ماجرای جاسوسی در آلمان، و ثبات در منطقه یورو مهم‌ترین مشکلاتی است که او این روزها با آنها دست و پنجه نرم می‌کند. اما چیزی که مرکل کمتر به آن فکر می‌کند انتخابات پیش رو در امریکاست که می‌تواند جایگاه او را برای اولین بار بعد از سال ۲۰۱۰ در دنیا متزلزل کند.



میشل اوباما  
آمریکا  
بانوی اول

۱۰



سوزان ویکیکی  
آمریکا  
مدیرعامل یوتیوب

۹



شریل سندبرگ  
آمریکا  
مدیر اجرایی کمپانی فیس بوک

۸



دیلما روزف  
برزیل  
رئیس جمهور

۷



کریستین لاگارد  
فرانسه  
حقوقدان

۶



آنا پاتریشیا بوتین  
انگلیس  
مدیرعامل شرکت سانتا

۲۰



مارلین هوسون  
آمریکا  
بازرگان

۱۹



ابیگل جانسون  
آمریکا  
بازرگان

۱۸



ایرن روزنفلد  
آمریکا  
بازرگان

۱۷



کریستینا فرناندز کریشچر  
آرژانتین  
رئیس جمهور سابق

۱۶

این هفت زن  
از زمان شروع  
انتشار لیست زنان  
قدرتمند در سال  
۲۰۰۴ همواره  
در این لیست  
حضور داشته‌اند:  
لیندا گیتس،  
کریستین لاگارد،  
هیلاری کلینتون،  
ایندرا نوبی، اپرا  
وینفری، ملکه  
الیزابت دوم، و هو  
چینگ

قسمت اعظمی از اموالش را برای امور خیرخواهانه امضا کرد و بالاخره هیلاری کلینتون، زنی که رزومه کاری او مملو از اولین‌ها است، اولین بانوی اولی که سناتور و بعد وزیر امور خارجه و در نهایت کاندیدی ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا شد. احتمال اینکه او به عنوان اولین زن در رأس کاخ سفید منصوب شود چندان هم دور از ذهن به نظر نمی‌رسد.

زنان برتر در عرصه تکنولوژی نیز هفت جایگاه را در این لیست به خود اختصاص داده‌اند. شریل سندبرگ مدیر اجرایی فیس بوک، مدیرعامل کمپانی یوتیوب سوزان وژکیکی، جینی رومتی در کمپانی آی بی ام، مگ ویتمن در کمپانی اچ پی او، و مدیرعامل کمپانی یاهو ماریسا مایر از جمله برترین‌های عرصه تکنولوژی در دنیا هستند. بیش از نیمی از زنان این لیست یعنی ۵۹ نفر از آنها مقیم امریکا، ۱۸ نفر از آنها متعلق به آسیا و اقیانوسیه، چهار تن ساکن امریکای لاتین و خاورمیانه و ۱۲ زن اروپایی‌اند و سه زن در آفریقا زندگی می‌کنند. تعدادی از ستاره‌های مشهور تلویزیونی و سینمایی هم در این لیست حضور دارند. اپرا وینفری یکی از قدرتمندان عرصه رسانه یکی از این افراد است که به دلیل تاسیس آکادمی دختران در آفریقای جنوبی و کمک‌های بشردوستانه‌اش در این لیست قرار گرفته است. اسامی آنجلینا جولی هنرپیشه معروف هالیوود و شکیرا خواننده پاپ نیز به عنوان سفیران صلح سازمان ملل در میان زنان قدرتمند به چشم می‌خورد.

شرکت‌های خودشان را اداره می‌کنند و سالانه میلیاردها دلار درآمد دارند. الیزابت هلمز ۳۱ ساله جوان‌ترین زن کارآفرین در دنیاست. ثروت و دارایی ۱۵ تن از این زنان قدرتمند و ثروتمند دنیا چیزی در حدود ۷۵ میلیارد دلار ارزیابی شده است و در نهایت این ۱۰۰ زن قدرتمند نزدیک به ۴۷۵ میلیون هوادار و طرفدار در رسانه‌های اجتماعی اعم از توئیتر و یوتیوب دارند.

۱۹ نفر از زنان این لیست برای اولین بار به این لیست پیوسته‌اند که در این میان می‌توان به آنا پاتریشیا بوتین رئیس جدید کمپانی بانکو سانتاندر در رتبه ۱۸، روت پورات مدیر ارشد امور مالی کمپانی گوگل، فدریکا موگرینی رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا، ستاره موزیک پاپ تیلور سوئیفت و یکی از سرمایه‌داران بزرگ دنیا جنی لی اشاره کرد.

این هفت زن از زمان شروع انتشار لیست زنان قدرتمند در سال ۲۰۰۴ همواره در این لیست حضور داشته‌اند: لیندا گیتس، کریستین لاگارد، هیلاری کلینتون، ایندرا نوبی، اپرا وینفری، ملکه الیزابت دوم، و هو چینگ. تقریباً نیمی از زنان این لیست در نوع خود اولین و بهترین هستند، مانند باررا در کمپانی جنرال موتورز که قدرتمندترین بازرگان زن در دنیاست و همچنین ژانت یلن یکی از بزرگ‌ترین بانکداران دنیا، درو گیلپین فائوست اولین زنی که رئیس دانشگاه هاروارد شد، فلورانشو الکیا اولین زن ثروتمند در قاره آفریقا، سارا بلیکلی اولین زن ثروتمندی که معاهده بخشیدن

## درآمد و هزینه زندگی در ۲۰ سال گذشته چه تغییری کرده است؟

مقایسه میزان ورود و خروج پول از جیب خانواده‌های روستایی و شهری در سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۹۳

محمد عدلی

همین موضوع، به‌عنوان اصلی‌ترین دلیل کاهش قدرت خرید، طی سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. طبقه متوسط و پایین‌تر از متوسط، به‌ویژه در سال‌های ۸۹ تا ۹۲، با کاهش شدید قدرت خرید مواجه شده است. این موضوع ناشی از افزایش چشمگیر نرخ تورم در این سال‌ها همراه با رکود، که موجب کاهش درآمد طبقه کارگر شده، بوده است. در این سال‌ها، میزان افزایش حقوق کارمندان و دستمزد کارگران بسیار کمتر از میزان افزایش هزینه‌ها بوده است. افزایش ۳ برابری بهای ارز در سال‌های ۹۰ و ۹۱ در شرایطی رقم خورد که میزان افزایش دستمزدها حتی از نرخ تورم نیز کمتر بود. به‌همین دلیل، خانواده‌ها با کاهش قابل توجه قدرت خرید مواجه شده‌اند. همچنین، کمبود تقاضا، که این روزها به‌عنوان بحرانی بدیع در اقتصاد ایران شناخته می‌شود، ریشه در همین افت قدرت خرید دارد.

درآمد و هزینه خانواده‌های شهری و روستایی طی سال‌های گذشته روند رو به‌رشدی داشته است اما صاحبان درآمد برای تأمین هزینه‌های جاری و فرار از کسری بودجه، رقابت سختی با تورم داشته‌اند. نرخ تورم طی ۲۰ سال گذشته اوج و فرودهای زیادی داشته است. دغدغه اصلی خانواده‌ها، به‌خصوص در روزهای اوج نرخ تورم، این است که بتوانند شکاف بین دستمزد و افزایش هزینه‌ها را جبران کنند. اما، این شکاف در سال‌های گذشته بسیار زیاد شده، چراکه میزان افزایش دستمزدها، به‌ویژه در بخش‌های کارگری و کارمندی، عقب‌ماندگی قابل توجهی نسبت به میزان رشد هزینه‌ها داشته است.

### ← اثر تورم بر کاهش قدرت خرید

بررسی تغییرات درآمد و هزینه خانوار شهری و روستایی طی ۲۰ سال گذشته نشان می‌دهد که افزایش نرخ تورم اثری قابل توجه بر قدرت پول ملی و قدرت خرید گذاشته است. بر اساس آمارهای مرکز آمار ایران، در سال ۷۴، که با ۴۹/۴ درصد رکورددار نرخ تورم در ایران است، میزان درآمد یک خانواده شهری به‌طور میانگین ۷۳۶ هزار تومان در طول سال برآورد شده است. مرکز آمار ایران هزینه‌های سالانه یک خانواده شهری در این سال را ۸۸۸ هزار تومان برآورد کرده است که نشان‌دهنده کسری بودجه ماهانه ۱۲ هزار تومانی است. کسری بودجه خانوار روستایی در سال ۷۴ به‌طور ماهانه ۱۱ هزار تومان برآورد شده است. اما، آخرین آمارهای مرکز آمار در مورد سال ۹۳ نشان می‌دهد که در این سال، خانواده‌ها با کسری بودجه مواجه نشده‌اند و اندکی پس‌انداز نیز داشته‌اند. در سال ۹۳ نرخ تورم ۱۵/۶ درصد برآورد شده، در حالی که افزایش دستمزد و حقوق کارگران و کارمندان بالاتر از این رقم و حدود ۱۸ درصد بوده است. همین موضوع موجب شده تا اندکی از شکاف میان درآمد و تورم جبران شود اما عقب‌ماندگی در این بخش آن‌چنان زیاد بوده که اکنون، در نیمه دوم سال ۹۴، خود را با بحران تقاضا نشان می‌دهد.

### ← رشد هزاران درصدی درآمد و هزینه

طبق گزارش‌های مرکز آمار ایران، خانواده‌های شهری و روستایی در ۲۰ سال گذشته از نظر تعداد اعضا، کوچک‌تر شده‌اند. اما، هزینه‌ها و درآمدها رشد چند هزار درصدی را تجربه کرده‌اند. به‌طور میانگین، طی ۲۰ سال



## میزان تغییر طی ۲۰ سال

### ← بعد خانوار

به‌طور میانگین، تعداد اعضای خانواده در شهرها ۱/۵۳ نفر طی ۲۰ سال گذشته کاهش یافته است. به‌طور میانگین، جمعیت خانوادگی روستایی طی ۲۰ سال گذشته به‌اندازه ۱/۹۳ نفر کوچک شده است.

### ← درآمد

متوسط درآمد یک خانواده شهری طی ۲۰ سال گذشته، ۳ هزار و ۱۷۸ درصد رشد کرده است. متوسط درآمد یک خانواده روستایی نسبت به ۲۰ سال گذشته، ۲ هزار و ۹۴۹ درصد افزایش یافته است.

بررسی تغییرات درآمد و هزینه خانوار شهری و روستایی طی ۲۰ سال گذشته نشان می‌دهد که افزایش نرخ تورم اثری قابل توجه بر قدرت پول ملی و قدرت خرید گذاشته است. بر اساس آمارهای مرکز آمار ایران، در سال ۷۴، که با ۴۹/۴ درصد رکورددار نرخ تورم در ایران است، میزان درآمد یک خانواده شهری به‌طور میانگین ۷۳۶ هزار تومان در طول سال برآورد شده است.

گذشته تعداد اعضای خانواده در شهرها به میزان ۱/۵۳ نفر کاهش یافته است. جمعیت خانوادگی روستایی در این مدت به‌اندازه ۱/۹۳ نفر کوچک شده است. در ۲۰ سال گذشته میزان درآمد در یک خانواده شهری ۳ هزار و ۱۷۸ درصد رشد کرده است. اما، میزان هزینه‌های این خانواده‌ها رشدی ۲ هزار و ۵۴۴ درصدی را تجربه کرده است. درآمد خانواده‌های روستایی در سال ۹۳ نسبت به سال ۷۴، به‌میزان ۲ هزار و ۹۴۹ درصد افزایش یافته است. متوسط کل هزینه یک خانواده روستایی، طی این ۲۰ سال، معادل ۲ هزار و ۲۲۸ درصد رشد داشته است.

#### ← سهم روستایی‌ها از مصرف

بررسی گزارش‌های بانک مرکزی از میزان هزینه‌های مصرف نهایی خانوارهای مناطق شهری و روستایی نشان می‌دهد سهم مصرف خانوارهای روستایی از ۲۵/۸ درصد کل خانوارهای کشور در سال ۱۳۷۶، به‌تدریج به ۲۱/۹ درصد در سال ۱۳۸۱ سقوط کرده است. بعد از آن، تا سال ۱۳۸۳ این سهم اندکی رشد داشته و مجدداً روند نزولی آن تا ۱۸/۶ درصد در سال ۱۳۸۷ ادامه پیدا کرده است. سهم مصرف روستایی‌ها از کل مصرف در کشور، در سال ۱۳۹۱ تا حد ۲۰/۲ درصد افزایش یافته است. طی دوره زمانی ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۱، کاهش مستمر جمعیت روستایی کشور به‌میزان

منفی ۷/۴ درصد و افزایش جمعیت شهری به‌میزان مثبت ۴۴ درصد، از عوامل اصلی این روند معرفی می‌شود. طی دو سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱، ضمن این که جمعیت روستایی کشور یک درصد کم شده، سهم آن از مصرف نهایی خانوار ۹ درصد بالا رفته است. از سوی دیگر، به‌رغم این که جمعیت شهری در این سال‌ها ۴ درصد افزایش داشته، سهم آن از مصرف نهایی خانوار ۲ درصد تنزل یافته است. بررسی دقیق‌تر موضوع نشان می‌دهد که طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱، در شرایطی که سرانه مصرف نهایی کل خانوارهای کشور به‌قیمت‌های جاری ۶۰ درصد افزایش یافته، این مقدار برای خانوارهای شهری و روستایی به‌ترتیب ۵۵ و ۸۱ درصد بوده است. آمارها نشان می‌دهد که سهم ساکنین روستاها از کل جمعیت کشور از ۳۵ درصد در سال ۱۳۸۰، به ۲۸ درصد در سال ۱۳۹۱ تنزل پیدا کرده است. کاهش شدید درآمدهای نفتی در سال ۱۳۹۱، اثرات شدیدتر خود را بر زندگی شهرنشینان، که اتکای به‌مراتب بیشتری به این درآمدها دارند، نشان می‌دهد.

هر چند جمعیت روستایی کشور کمتر از ۲۸ درصد از جمعیت کل کشور را شامل می‌شود، اما باید توجه داشت که با احتساب شهرهای کوچک و حاشیه‌نشین‌ها، جمعیت این نواحی بالغ بر ۵۰ درصد کشور را در بر می‌گیرد.

| جدول تورم |          |
|-----------|----------|
| سال       | نرخ تورم |
| ۱۳۷۴      | ۴۹/۴     |
| ۱۳۷۵      | ۲۳/۲     |
| ۱۳۷۶      | ۱۷/۳     |
| ۱۳۷۷      | ۱۸/۱     |
| ۱۳۷۸      | ۲۰/۱     |
| ۱۳۷۹      | ۱۲/۶     |
| ۱۳۸۰      | ۱۱/۴     |
| ۱۳۸۱      | ۱۵/۸     |
| ۱۳۸۲      | ۱۵/۶     |
| ۱۳۸۳      | ۱۵/۲     |
| ۱۳۸۴      | ۱۰/۴     |
| ۱۳۸۵      | ۱۱/۹     |
| ۱۳۸۶      | ۱۸/۴     |
| ۱۳۸۷      | ۲۵/۴     |
| ۱۳۸۸      | ۱۰/۸     |
| ۱۳۸۹      | ۱۲/۴     |
| ۱۳۹۰      | ۲۱/۵     |
| ۱۳۹۱      | ۳۰/۵     |
| ۱۳۹۲      | ۳۴/۷     |
| ۱۳۹۳      | ۱۵/۶     |



#### ← هزینه غیرخوراکی

هزینه غیرخوراکی در یک خانواده شهری طی ۲۰ سال، ۲ هزار و ۹۳۶ درصد افزایش یافته است. هزینه غیرخوراکی در یک خانواده روستایی طی ۲۰ سال، ۲ هزار و ۶۴۷ درصد رشد کرده است.

#### ← هزینه خوراکی

هزینه خوراک خانواده‌های شهری طی ۲۰ سال گذشته، یک هزار و ۸۰۵ درصد رشد کرده است. هزینه خوراک خانواده‌های روستایی طی ۲۰ سال گذشته، یک هزار و ۸۲۶ درصد افزایش یافته است.

#### ← هزینه

متوسط کل هزینه یک خانواده شهری طی ۲۰ سال گذشته، ۲ هزار و ۵۴۴ درصد افزایش یافته است. متوسط کل هزینه یک خانواده روستای طی ۲۰ سال گذشته، ۲ هزار و ۲۲۸ درصد رشد داشته است.

## پاسخ رهبر انقلاب به ۱۰ پرسشی درباره اقتصاد مقاومتی

پس از ابلاغیه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، رهبر انقلاب اسلامی در سخنرانی در حرم مطهر رضوی به سؤالات و ابهاماتی که در این باره مطرح شده بود پاسخ دادند. آنچه در ادامه می‌آید پاسخ به این ده سوال است که پایگاه اطلاع‌رسانی [khamenei.ir](http://khamenei.ir) آن را در تاریخ ۱۳۹۳/۰۱/۰۶ منتشر کرده است



| سؤال                                                                                      | پاسخ                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                  |
|-------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| اقتصاد مقاومتی چه هست و چه نیست؟<br>خصوصیات مثبت آن و خصوصیات منفی و سلبی آن چیست؟        | ۱. یک الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور ما است، اما منحصر به کشور ما هم نیست<br>۲. درون‌زا و برون‌گرا است درون‌گرا نیست<br>۳. مردم‌بنیاد<br>۴. دانش‌بنیان<br>۵. عدالت‌محور<br>۶. همیشه بارور خواهد بود و به مردم کمک خواهد کرد                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                        |
| اقتصاد مقاومتی درون‌زا به چه معناست؟                                                      | یعنی از دل ظرفیت‌های خود کشور ما و خود مردم ما می‌جوشد؛ رشد این نهال و این درخت، متکی است به امکانات کشور خودمان.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                     |
| آیا درون‌زایی اقتصاد مقاومتی همان درون‌گرایی اقتصاد است؟                                  | نه، درون‌زا است، اما برون‌گرا است؛ با اقتصادهای جهانی تعامل دارد، با اقتصادهای کشورهای دیگر با قدرت مواجه می‌شود. بنابراین درون‌زا است، اما درون‌گرا نیست.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            |
| آیا اقتصاد مقاومتی، اقتصادی دولتی است؟                                                    | اقتصادی که به عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ با اراده‌ی مردم، سرمایه‌ی مردم، حضور مردم تحقق پیدا می‌کند.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                             |
| عدالت در اقتصاد مقاومتی چگونه تعریف می‌شود؟                                               | عدالت در این برنامه به معنای تقسیم فقر نیست، بلکه به معنای تولید ثروت و ثروت ملی را افزایش دادن است.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                  |
| با توجه به برنامه‌های اقتصاد مقاومتی، مشکلات کنونی اقتصاد کشور حل خواهد شد؟               | در اینکه گفتیم اقتصاد مقاومتی بهترین راه حل مشکلات اقتصادی کشور است، شکی نیست، اما معنای آن این نیست که ناظر به مشکلات کنونی کشور است. اقتصاد مقاومتی یعنی مقاوم‌سازی و محکم‌سازی پایه‌های اقتصاد کشور.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               |
| آیا اقتصاد مقاومتی که شعار آن را می‌دهیم، تحقق‌پذیر است، ممکن است، یا نه، خیالات خام است؟ | نخیر، کاملاً، عملاً، حتماً ممکن است. چون این کشور، دارای ظرفیت‌های فوق‌العاده است.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                    |
| ظرفیت‌های کشور ما در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی چه می‌باشد؟                               | ۱. نیروی انسانی ما / ده میلیون دانش‌آموخته‌ی دانشگاه‌ها/ بیش از چهار میلیون دانشجو/ میلیون‌ها نیروی مجرب و ماهر<br>۲. منابع طبیعی/ مجموع نفت و گاز ما از همه‌ی کشورهای دنیا بیشتر است/ معادن طلا و معادن فلزات کمیاب/ سنگ آهن، سنگهای قیمتی، انواع و اقسام فلزهای لازم و اساسی<br>۳. موقعیت جغرافیایی/ با پانزده کشور همسایه هستیم و حمل و نقل ترانزیت داریم/ در جنوب به دریای آزاد و در شمال به آب‌های محدود منتهی می‌شود / ۳۷۰ میلیون جمعیت در همسایه ما زندگی می‌کنند<br>۴. زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری/ سیاست‌های اصل ۴۴، سند چشم‌انداز/ زیرساخت‌های گوناگون مثل جاده و سد و پل و کارخانه |
| آیا با وجود تحریم‌های اقتصادی می‌توان از ظرفیت‌های کشور استفاده کرد؟                      | ما در بسیاری از مسائل دیگر هم در عین تحریم توانسته‌ایم به نقطه‌های بسیار برجسته و بالا دست پیدا کنیم؛ مثل تولید علم، مثل صنعت و فناوری.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               |
| اگر تحقق اقتصاد مقاومتی ممکن است، الزامات آن چیست، چه کارهایی باید انجام بگیرد؟           | ۱. مسئولان باید از تولید ملی حمایت کنند<br>۲. صاحبان سرمایه و نیروی کار که تولیدگر هستند، باید به تولید ملی اهمیت بدهند<br>۳. صاحبان سرمایه در کشور، فعالیت تولیدی را ترجیح بدهند بر فعالیت‌های دیگر<br>۴. مردم در همه‌ی سطوح، تولید ملی را ترویج کنند                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                |

# راه نجات کشور از اقتصادی مقاومتی می‌گذرد

تحلیل راه‌های برون‌رفت از مشکلات اقتصادی به وسیله اقتصاد مقاومتی



## تمرکز بر درون‌زایی و برون‌گرایی

جعفر خیرخواهان  
اقتصاددان

عقل سلیم، اقتصاد درون‌زای برون‌گرا با محوریت صادرات صنعتی و توسعه گردشگری را انتخاب می‌کند اما این سؤال مطرح می‌شود که چگونه باید به این انتخاب جامه عمل پوشاند. چند سال منتهی به انقلاب و دوران بعد از انقلاب، اقتصاد ایران به سمت اقتصاد نفتی و رانتی سوق پیدا کرد. پس از مصادره‌های اوایل انقلاب و شکل‌گیری بنیادهای انقلابی و در سال‌های اخیر نیز با شکل‌گیری بخش‌های خصوصی و شبه‌خصوصی، موتور اقتصاد ایران عمدتاً با فروش نفت، گاز و منابع طبیعی حرکت کرده است. این وضعیت شایسته نبوده و از تحقق وعده‌های انقلاب جلوگیری کرده است. شاید برای رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و تبدیل شدن به قدرت اول منطقه، حالا بهترین فرصت برای حرکت به سمت اقتصاد غیرنفتی و توسعه یافته باشد. اول از همه ذهنیت‌ها و باورها باید تغییر پیدا کنند؛ دولت باید دیدگاه توزیع پول نفت بین مردم را تغییر دهد و بخش خصوصی، محور توسعه اقتصادی باشد. دولت باید ضمن پرهیز از دخالت‌های بی‌مورد و توأم با مالکیت، وظیفه پشتیبانی و تسهیل‌گری را بر عهده بگیرد تا شرایط ورود به اقتصاد جهانی نیز مهیا شود. در اقتصاد جهانی با اصطلاح «زنجیره ارزش محصول» روبه‌رو هستیم؛ یعنی کالاها، کشوری تولید نمی‌شوند بلکه قطعات و بخش‌های مختلف آن در کشورهای مختلف تولید می‌شوند. ما باید در زنجیره ارزش محصول، جایگاه مناسبی پیدا کنیم و برای این کار باید ویژگی‌هایی مانند تعهد به قرارداد و خوش‌قولی تقویت شود. برای تقویت این ویژگی‌ها، باید کالای استاندارد تولید کنیم و خدمات لجستیک مانند سیستم حمل و نقل، گمرک و گواهی بهداشتی نیز درست ایفای نقش کنند تا بتوانیم به شکل مناسبی در عرصه جهانی مؤثر باشیم. مسأله دیگر، رتبه بالای ایران در فضای کسب و کار، فساد و عدم شفافیت است که همه باید به زیر صد و پایین‌تر برسند تا شرایط حرکت به سوی اقتصاد توسعه‌ای و صادراتی امکان‌پذیر شود. در کنار این مسائل، اقتصاد زیرزمینی و فعالیت‌های قاچاق، که طبق برآوردها ۳۰ تا ۴۰ درصد اقتصاد را شامل می‌شود، باید کاهش پیدا کند و انبوه قوانین دست‌وپاگیر نیز باید به قوانین سبک و هوشمند تبدیل شوند. گردشگری نیز به مثابه صادرات خدمات، یکی از محورهای کلیدی اقتصاد توسعه یافته است که ایران هم زمینه‌های مستعدی برای گسترش این مبحث دارد اما توسعه گردشگری، نیازمند فعالیت‌های اساسی در بخش‌های مختلف است. باید یک همت ملی باشد تا در فرهنگ‌سازی برخورد با گردشگر تا تمیزی محیط زندگی، از اخلاق رانندگی و رفتار اجتماعی تا اصلاح نگرشی که نسبت به گردشگر خارجی وجود دارد، اصلاحات اساسی انجام شود و ایران، به عنوان مدعی صدور انقلاب، با چهره‌ای که شایسته آن است، شناسانده شود.



## مفهوم اقتصاد برون‌گرا

بهروز هادی زنونز  
اقتصاددان

اقتصاد نفتی درون‌گرا، در تقسیم کار اقتصاد جهانی، ما را در جایگاه کشور صادرکننده انرژی و واردکننده کالاهای اساسی قرار داده که به دلیل شوک‌های نفتی و با توجه به تک‌محصولی بودن، جایگاهی پرمخاطره است. در حالی که اقتصاد برون‌گرا با رویکرد صادراتی، ما را به جایگاه کشوری صادرکننده و دارای سبد متنوع می‌رساند که از شوک‌های اقتصادی آسیب کمتری را متحمل می‌شود. این همان چیزی است که در سند اقتصاد مقاومتی بر آن تأکید شده و به تأیید مقام معظم رهبری نیز رسیده است.

اقتصاد ایران در دوران بعد از انقلاب، به موجب قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام، بیشتر در جهت خوداتکایی پیش رفته و باوجود این که از برنامه اول، توسعه صادرات مطرح بوده اما در یک اقتصاد نفتی، که نرخ ارز به عنوان لنگر اسمی مهار تورم در بازارها به کار گرفته شده، صادرات غیرنفتی نمی‌تواند توسعه پیدا کند. از یک سو در هر دو دوره قبل و بعد از انقلاب، به دلیل وجود درآمدهای نفتی، هیچ‌گاه نیاز به ارز خارجی و ورود به بازارهای جهانی احساس نشده و از دیگر سو، اصولاً سیاست خارجی ما با جهان پرتنش بوده است. از این رو نه توانستیم در سازمان تجارت جهانی عضو شویم و نه جایگاهی در بازار کشورهای صنعتی بزرگ پیدا کرده‌ایم. در این اقتصاد درون‌گرایی مبتنی بر درآمدهای نفتی، رشد اقتصادی با قیمت نفت هماهنگ است، گرچه در دوره‌های شوک مثبت قیمت نفت، احتمالاً رشد اقتصادی نسبتاً قابل قبولی دیده می‌شود اما این رشد ادامه‌دار نیست.

تجربه کشورهای نوظهوری که در زمینه صنعتی شدن و رشد اقتصادی مطرح هستند، این نکته را گوشزد می‌کند که هیچ‌کدام از این کشورها بدون اتخاذ رویکرد صادراتی، موفق نشده‌اند. رویکرد صادراتی و برون‌گرا، دو مزیت عمده دارد: اول این که در مواجهه با بازار بزرگ، می‌توان تولید را با توجه به صرفه‌های مقیاس برنامه‌ریزی کرد؛ به عبارتی، آن‌گاه که بازار کوچک باشد ناگزیر واحدهای تولیدی نیز کوچک هستند و هنگامی که بازار بزرگ و پرتقاضا باشد، واحدهای تولیدی نیز می‌توانند گسترش یابند و توسعه پیدا کنند. مزیت دوم رویکرد صادراتی این است که محصولات تولیدی در معرض رقابت قرار خواهند گرفت و این امر باعث می‌شود هزینه تولید، کاهش و کیفیت محصولات افزایش داده شود؛ بنابراین کشوری که این رویکرد را اتخاذ می‌کند، ناگزیر است بهترین استانداردهای جهانی را رعایت کند و برای این کار نیازمند دستیابی به دانش، تکنولوژی و تجهیزاتی است که می‌توان آن‌ها را خریداری کرد.

برای رسیدن  
به اهداف سند  
چشم‌انداز  
۲۰ ساله و  
تبدیل شدن به  
قدرت اول منطقه،  
حالا بهترین  
فرصت برای  
حرکت به سمت  
اقتصاد غیرنفتی  
و توسعه یافته  
باشد

## اهداف اقتصاد مقاومتی و رهایی اقتصاد از نفت



داوود دانش جعفری  
اقتصاددان

اقتصاد ایران به دلیل وابستگی بودجه دولت به نفت و وابستگی واردات به ارز حاصل از صادرات نفت، همچنان با نوسان روبه‌روست. اصولاً درآمدهای نفتی در دو بخش «تأمین درآمد دولت» و «تأمین ارز مورد نیاز واردات» به کار گرفته می‌شود. در طول سال‌های گذشته، ترکیب نامناسبی میان درآمد دولت در بودجه به وجود آمده است که همین موضوع تأثیرپذیری اقتصاد کشور را نسبت به کاهش یا افزایش قیمت نفت بیش‌تر کرده است. در کشور ترکیه، درآمدهای ناشی از مالکیت‌های دولتی در بخش نفت و معدن حدود ۱۷/۶ درصد اما در ایران ۶۵ درصد است؛ حتی درصد درآمد مالیات مستقیم در کشور ما ۱۷/۳۳ و درصد مالیات‌های غیرمستقیم ۱۵/۹۱ درصد است. این آمار نشان از آن دارد که نتوانستیم برای تأمین درآمدهای دولت در بودجه اقدامات مناسبی انجام دهیم، در حالی که سایر کشورها در حوزه مالیات و مدیریت درآمدها اقدامات مناسب‌تری را انجام داده‌اند.

تأکید می‌کنم که مفهوم اقتصاد مقاومتی با تشکیل یک نهاد مناسب عملیاتی خواهد بود. برای اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران، باید شکاف‌های خارجی و داخلی مورد شناسایی قرار گرفته و زمینه‌های پیشرفت کشور با رفع مشکلات به وجود آید. تنوع در صادرات، یکی از اقدامات مؤثر برای تحقق اقتصاد مقاومتی در کشور است. متغیرهای کلان و حتی معدل‌های عملکردی ارقام مناسبی را از وضعیت اقتصادی کشور نشان نمی‌دهند. ما باید برای رسیدن به اهداف خود و عدم تأثیرپذیری از کاهش یا افزایش قیمت نفت، توجه زیادی را به درآمدهای مالیات ناشی از مصارف معطوف کنیم تا در چارچوب آن بتوانیم منابع مورد نیاز را از خانواده‌های پردرآمد دریافت کنیم. تجربه ثابت کرده است که اقتصاد ایران در زمان وفور درآمدهای نفتی یا در زمان کاهش درآمدهای نفتی همیشه با چالش‌هایی روبه‌رو بوده است. در این شرایط به جای صادرات نفت خام، باید بر صادرات فرآورده‌های نفتی تمرکز کنیم. حتی این پیشنهاد به کشورهای اوپک نیز مطرح می‌شود که با کاهش حجم صادرات خود در عرصه بین‌المللی، منابع نفتی خود را در صنایع پایین‌دستی مورد استفاده قرار دهند تا بتوانند به نتایج مناسبی دست پیدا کنند.

باید بدانیم که سیاست‌های اقتصاد مقاومتی برای کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد ایران است و هدف آن ریاضت نیست. سیاست کلی اقتصاد مقاومتی به معنای درست مصرف کردن منابع و تصمیم‌گیری صحیح است. ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، به تجربه‌های اقتصادی کشور در دهه‌های اخیر باز می‌گردد. در این سیاست، حوزه‌های آسیب‌پذیر اقتصاد شناسایی و برای رفع آنان راهکار ایجاد می‌شود. در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، حرکت مستمر، بدون آسیب‌پذیری و شتابان مطرح می‌شود. اقتصاد کشور بیش از حد به نفت متکی است و این ما را آسیب‌پذیر کرده است. ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، چگونگی هزینه کردن درآمد نفتی و افزایش درآمدهای دیگر را تبیین می‌کند. اقتصاد مقاومتی متکی بر الگوهای بومی و بر اساس نیازهای کشور است.

تجربه کشورهای  
نوظهوری  
که در زمینه  
صنعتی شدن و  
رشد اقتصادی  
مطرح هستند،  
این نکته را  
گوشزد می‌کند که  
هیچ کدام از این  
کشورها بدون  
اتخاذ رویکرد  
صادراتی، موفق  
نشده‌اند

## خدمتی برای بخش خصوصی

### مزایای حل و فصل اختلافات اقتصادی در مرکز داوری اتاق



خسرو عبقری

مدیر امور حقوقی اتاق تهران

در زندگی اجتماعی امروز در جامعه کنونی بروز اختلاف بین مردم اجتناب‌ناپذیر است و افراد در صورتی که نتوانند از طریق مسالمت‌آمیز مشکلات خود را حل و فصل کنند به ناچار باید به مراجع قضایی مراجعه یا به داوری و حکمیت یک یا چند نفر تراضی کنند.

بعضی از اختلافات و دعاوی حقوقی از جمله حقوق قراردادها پیچیدگی خاصی دارد که فقط متخصصان و اهل فن می‌توانند نسبت به آن اختلاف اعلام نظر کنند. در رسیدگی‌های قضایی به لحاظ اینکه تعیین قاضی در اختیار طرفین اختلاف نیست در موارد نادر ممکن است به عدالت و نتیجه مورد نظر منتهی شود اما رجوع به داوری این امتیاز را دارد که طرفین با توجه به شناخت شخصیت و تخصص افراد مورد نظر داور خود را با دید باز انتخاب می‌کنند. افزون بر این پیش‌بینی حل اختلافات از طریق رجوع به داوری مزایای متعددی نسبت به رسیدگی‌های قضایی دارد که از آن جمله می‌توان به سرعت در رسیدگی و تحمل هزینه کمتر و صرف وقت بیشتر از طرف داوران برای استماع کامل اظهارات و مطالب طرفین اشاره کرد که نتیجه این گونه رسیدگی‌ها حل و فصل اختلافات به صورت مسالمت‌آمیز و در بسیاری موارد حصول سازش بین طرفین است.

از مزایای دیگر حل و فصل اختلافات از طریق داوری و مزیت آن بر رسیدگی محاکم قضایی این است که اولاً داور یا داوران الزاماً تابع تشریفات قانون آیین دادرسی مدنی نیستند. اگرچه رأی داور نباید برخلاف قوانین موجد حق باشد اما در محاکم دادگستری رسیدگی محاکم چندمرحله‌ای است و طی هریک از مراحل مستلزم پرداخت هزینه داوری جداگانه و انجام تشریفات اداری فراوان و طولانی برای فرارسیدن نوبت رسیدگی است اما تسریع در رسیدگی به اختلاف و صدور رأی توسط داور از ویژگی‌های مثبت داوری است. نظر به اینکه طرفین با رضایت و مطالعه و بررسی قبلی و شناخت

ماده ۲۰ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی می‌گوید: «رسیدگی، اظهارنظر و اتخاذ تصمیم در مورد شکایت اشخاص حقیقی و حقوقی از هریک از تصمیم‌ها در امر واگذاری در صلاحیت هیأت داور است و این موضوع در قراردادهای تنظیمی و واگذاری سهام قید می‌شود و به امضای طرفین قرارداد می‌رسد».

۲۰ تا ۲۴ قانون برنامه سوم توسعه به موجب ماده ۳۰ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تنفیذ شده است.

اصل ۱۳۹ قانون اساسی - صلح دعوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داور در هر مورد، موقوف به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد در مواردی که طرف دعوی خارجی باشند و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.

ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۱ می‌گوید: «اختلافات بین «کارگزاران»، «بازارگردانان»، «کارگزار معامله‌گران»، «مشاوران سرمایه‌گذاری»، «ناشران»، «سرمایه‌گذاران» و سایر اشخاص ذی‌ربط ناشی از فعالیت حرفه‌ای آنها، در صورت عدم سازش در «کانون‌ها» توسط «هیئت داور» رسیدگی می‌شود».

ماده ۲۷ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ مجلس شورای اسلامی می‌گوید: «در کلیه موارد درخواست طلاق، به‌جز طلاق توافقی، دادگاه باید به منظور ایجاد صلح و سازش موضوع را به داور ارجاع کند. دادگاه در این موارد باید با توجه به نظر داوران رأی صادر و چنانچه آن را نپذیرد، نظریه داوران را با ذکر دلیل رد کند».

ماده ۴۵۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی می‌گوید: «کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می‌توانند با تراضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاه‌ها طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله‌ای از رسیدگی باشد، به داور یکی یا چند نفر ارجاع دهند». در قانون مذکور از ماده ۴۵۴ تا ماده ۵۰۱ به بحث داور اختصاص یافته است (۴۸ ماده).

ماده ۱۹ اساس‌نامه سازمان خصوصی‌سازی می‌گوید: «رئیس کل نماینده قانونی سازمان در تمامی مراجع اداری و قضایی است و برای دفاع از حقوق سازمان و تعقیب دعوی و طرح آن اعم از کیفری، حقوقی و اداری دارای هرگونه حقوق و اختیارات قانونی با حق توکیل است. رئیس کل می‌تواند پس از اخذ نظر هیئت عامل با رعایت اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نسبت به ارجاع موارد به داور اقدام کند».

پیش‌بینی می‌شود با توجه به حجم و تعداد پرونده‌های مطروحه در قوه قضائیه (بالغ بر ۷ میلیون پرونده در جریان) و با توجه به اینکه در هر پرونده حداقل دو نفر درگیرند و با توجه به اینکه جمعیت زیر ۱۸ سال حق اقامه دعوی را ندارند و باید شرایط قانونی از جمله «سن قانونی» را که همان حداقل ۱۸ سال است، داشته باشند تا بتوانند در مراجع قضایی بالادست مراجع حقوقی اقامه دعوی کنند، برطبق درگیری جمعیت حدود ۱۵ میلیونی از کل جمعیت ایران (اگر جمعیت ایران را ۸۰ میلیون فرض کنیم) به طور متوسط هر خانواده ایرانی با یک پرونده در مراجع قضایی درگیر باشند که به نظر می‌رسد با روند افزایش تعداد پرونده‌ها و مراجع قضایی، قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران در آینده نه‌چندان دور با چالش جدی روبه‌رو گردد.

بنابراین به نظر می‌رسد دقت در رسیدگی و سرعت‌بخشی در روند دادرسی و نیز تأمین سلامت هرچه بیشتر حل و فصل اختلافات بالادست در روابط تجاری ایجاب می‌کند اختلافات از طریق مسالمت‌آمیز (داوری) حل و فصل گردد.

خوشبختانه در تمامی داوریهایی که توسط اتاق بازرگانی تهران و تاکنون انجام گرفته طرفین به رأی تمکین نموده‌اند و بعضاً با اعتراض یکی از طرفین به مرجع قضایی احاله گردیده، که دستگاه قضایی آرای صادره توسط اتاق را تماماً مورد تأیید قرار داده است.

کافی اقدام به انتخاب داور یا داوران می‌کنند نتیجتاً بعد از صدور حکم داور، محکوم علیه به علت اینکه داور از اراده خود وی ناشی شده است برخلاف آرای صادره از دادگاه‌ها، همکاری و مساعدت بیشتری جهت اجرای حکم داور خواهد کرد. بسیاری از قوانین جمهوری اسلامی ایران مسئله رجوع به داور و حل و فصل اختلافات مدنی و تجاری از طریق ارجاع امر به داور را مورد توجه قرار داده و حتی در پاره‌ای از قوانین رجوع به داور تکلیف و غیرقابل اجتناب است.

از ویژگی‌های دیگر رسیدگی و حل و فصل اختلاف به وسیله داور محرمانه و غیرعلنی بودن رسیدگی داور است که جز طرفین اختلاف و وکلای آنها، اشخاص دیگر حق ورود و دخالت در جریان رسیدگی را ندارند در حالی که رسیدگی در محاکم قضایی علی‌الاصول به صورت علنی است مگر در موارد نادر که دادگاه قرار غیرعلنی بودن رسیدگی را صادر کند. نکته دیگر اینکه طبق قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی هر شخص ثالث که خود را در برنده‌شدن یکی از اصحاب دعوی ذی‌نفع بداند می‌تواند به عنوان ورود ثالث در محاکم شرکت کند و در جریان دادرسی قرار گیرد. اما در دعوی که نزد داور مطرح می‌شود اشخاص ثالث حق ورود و مداخله ندارند مگر اینکه طرفین دعوا بالاتفاق ورود شخص ثالث را تجویز کنند.

بنا به مراتب فوق و با عنایت به اینکه قراردادهای تجاری از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است و رسیدگی به این‌گونه قراردادهای نیاز به تجربه و تبحر و دانش فنی دارد که می‌بایستی با حوصله و داشتن فرصت کافی به اختلافات ناشی از قراردادهای تجاری پرداخته شود، لذا به فعالان اقتصادی عضو اتاق توصیه می‌شود در زمان انعقاد قرارداد با تجار ایرانی یا خارجی بخشی از قرارداد خود را به نحوه حل اختلاف اختصاص دهند و ماده‌ای را به شرح ذیل در قرارداد پیش‌بینی کنند که در صورت بروز اختلاف با طرف تجاری خود بتوانند با مراجعه به داور حقوق خود را حفظ و از ورود ضرر و زیان غیرقابل جبران جلوگیری کنند.

متن ماده پیشنهادی در مورد نحوه حل اختلاف به این شرح است: «کلیه اختلافات و دعاوی ناشی از این قرارداد و یا راجع به آن از جمله انعقاد، اعتبار، فسخ، نقض، تفسیر یا اجرای آن به مرکز داور اتاق ایران ارجاع می‌گردد که مطابق با قانون، اساس‌نامه و آیین داوریه آن مرکز با رأی یک داور به صورت قطعی و لازم‌الاجرا حل و فصل گردد. داور علاوه بر مقررات حاکم، عرف تجاری ذی‌ربط را نیز مراعات خواهد نمود. شرط داور حاضر، موافقت‌نامه‌ای مستقل از قرارداد اصلی تلقی می‌شود و در هر حال لازم‌الاجراست».

در پایان به تعدادی از قوانین که تاسیس داور را به رسمیت شناخته‌اند اشاره می‌گردد:

اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مقرر داشته صلح دعوی راجع به اموال عمومی دولتی یا ارجاع آن به داور موقوف به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد در مواردی که دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.

ماده ۲۰ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی می‌گوید: «رسیدگی، اظهارنظر و اتخاذ تصمیم در مورد شکایت اشخاص حقیقی و حقوقی از هریک از تصمیم‌ها در امر واگذاری در صلاحیت هیأت داور است و این موضوع در قراردادهای تنظیمی و واگذاری سهام قید می‌شود و به امضای طرفین قرارداد می‌رسد. مواد

پیش‌بینی می‌شود با توجه به حجم و تعداد پرونده‌های مطروحه در قوه قضائیه و با توجه به اینکه در هر پرونده حداقل دو نفر درگیرند و با توجه به اینکه جمعیت زیر ۱۸ سال حق اقامه دعوی را ندارند و باید شرایط قانونی از جمله «سن قانونی» را که همان حداقل ۱۸ سال است، داشته باشند تا بتوانند در مراجع قضایی بالادست مراجع حقوقی اقامه دعوی کنند

## مالیات تسعیر ارز حاصل از صادرات

نقدی بر عملکرد سازمان امور مالیاتی



پیمان دارابیان

مدیر امور مالیاتی و مشاور امور بانکی اتاق تهران

ماهیتی از نوع «دارایی» خواهد داشت. بر اساس این نحوه از نگرش، همانگونه که اگر فی‌المثل یک صادرکننده با درآمد حاصل از صادرات خود به خرید ملک اقدام کند و متعاقب آن ملک مزبور را به فروش برساند، سود حاصل از فروش آن ملک مشمول مالیات خواهد بود، به همین ترتیب، در صورتی که صادرکننده، ارز حاصل از صادرات خود را به نرخ گران‌تر از تاریخ وصول معامله کند، سود حاصله از این فرایند (تسعیر ارز) مشمول مالیات است.

پافشاری صاحبان این نگاه بر این نکته است که ارز حاصل از صادرات به لحاظ حسابداری در ردیف «اقلام پولی» است و هیچ ربطی به فعالیت صادراتی مودی ندارد. به این نحوه از نگرش می‌توان معترض بود، و می‌توان آن را در بوته نقد قرار داد. به عنوان مثال این پرسش مطرح است که آیا صادرکننده از بابت ترقی قیمت ارز - بخوانیم کاهش ارزش ریال - به واقع کسب درآمد کرده است که حال باید مالیات بر درآمد آن را بپردازد؟ آیا نباید این ترقی را در کاهش قدرت خرید صادرکننده مستهلک کرد؟

مقوله فوق از نظر راقم این سطور به منزله به یک چوب راندن مقوله‌های «صادرات» با «احتکار ارز» است که خود بحث و استدلالی مجزا و مفصل را طلب می‌کند که در زمانی دیگر و همراه با مطالعات و استنادات کافی به آن خواهیم پرداخت.

اما در این مجال، بهتر است به قوانین موجود بپردازیم و نحوه اجرای قوانین توسط مجریان را به نظاره و نقد بنشینیم.

داستان مالیات تسعیر ارز و اما حکایت از آنجا آغاز می‌شود، که در قانون مالیات‌های مستقیم ماده‌ای تحت عنوان ماده ۱۴۸ با موضوع هزینه‌های قابل قبول در حساب مالیاتی وجود دارد. به موجب بند ۲۴ ماده ۱۴۸ «زیان حاصل از تسعیر ارز» بر اساس اصول متداول حسابداری «مشروط بر اتخاذ یک روش یکنواخت طی سال‌های مختلف از طرف مودی» به عنوان هزینه قابل قبول شناخته شده است.

بنابراین، به حکم قانون، در صورتی که مودی طی سنوات مالی متعدد و پیاپی، بر اساس اصول حسابداری به شناسایی و افشای زیان حاصل از تسعیر ارز در صورت‌های مالی خود مبادرت کرده باشد، زیان مزبور از نظر مالیاتی مورد قبول خواهد بود.

اما در تاریخ ۱۳۷۵/۲/۲۷ اداره کل امور هیات‌های حل اختلاف مالیاتی مسئله تازه‌ای را نزد معاون وقت درآمدهای مالیاتی مطرح می‌کند: «آیا سود ناشی از تسعیر موجودی ارزی پایان دوره در مواردی که ارز موجود از صادرات کالای معاف از مالیات تحصیل شده باشد، باید جزو درآمد مشمول مالیات منظور گردد یا خیر؟»

مسئله مزبور در تاریخ ۱۳۷۵/۴/۱۶ برای اظهار نظر به هیات عمومی شورای مالیاتی ارجاع می‌گردد. متعاقباً رای هیات عمومی شورای عالی مالیاتی به شرح ذیل صادر می‌شود: «همان‌طور که طبق بند ۲۴ ماده ۱۴۸ قانون مالیات‌های مستقیم، زیان حاصل از تسعیر ارز براساس اصول متداول حسابداری با شرط اتخاذ روش یکنواخت طی سال‌های مختلف، به عنوان هزینه قابل قبول شناخته شده است، بالطبع درآمد حاصل از تسعیر ارز نیز صرف‌نظر از منشأ تحصیل آن باید به عنوان یکی از اقلام درآمد در احتساب

توسعه صادرات غیرنفتی، بدون تردید مهم‌ترین راهکار برون‌رفت از گلوگاه پرخطر رکود در اقتصاد امروز ما است. اما نیل به این مقصود سهل و ساده نیست. چرا که متولیان صادرات غیر نفتی به واسطه سوابق ضعف سیاست‌گذاری‌های کلی اقتصادی ضعیف و انگشت‌شمارند.

و خلعت شرایط حاضر، علی‌رغم شدت و وسعت آن، در داستان سیاست‌گذاری که در اندیشه دگرگونی چهره تهدید به فرصت است، زمینه‌ساز توجیه‌گسترش اقدامات تشویقی برای صادرکننده است.

با وجود این، رویه و رفتاری که برخی دستگاه‌های اجرایی در برخورد با پیکر کمابیش نیمه‌جان صادرات غیر نفتی اتخاذ می‌کنند جای سوال دارد. از جمله این موارد، مطالبه مالیات تسعیر ارز حاصل از صادرات است که در شرایطی از فعالان حوزه صادرات مطالبه می‌شود که مودیان مزبور با استناد به مفاد ماده ۱۴۱ قانون مالیات‌های مستقیم و مقررات مذکور در برنامه چهارم و پنجم توسعه خود را از پرداخت هرگونه مالیات و عوارض معاف می‌دانند.

به موجب ماده ۱۴۱ قانون مالیات‌های مستقیم:

ماده ۱۴۱ - الف - صد در صد (۱۰۰٪) درآمد حاصل از صادرات محصولات تمام شده کالاهای صنعتی و محصولات بخش کشاورزی (شامل محصولات زراعی، باغی، دام و طیور، شیلات، جنگل و مرتع) و صنایع تبدیلی و تکمیلی آن و پنجاه درصد (۵۰٪) درآمد حاصل از صادرات سایر کالاهایی که به منظور دست‌یافتن به اهداف صادرات کالاهای غیرنفتی به خارج از کشور صادر می‌شوند از شمول مالیات معاف هستند. و به موجب بند د ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم توسعه (مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱): «برقراری هرگونه مالیات و عوارض برای صادرات کالاهای غیرنفتی و خدمات در طول برنامه ممنوع است.»

همچنین متن بند ب ماده ۱۰۴ قانون برنامه پنجم توسعه (مصوب ۱۳۹۱/۱۰/۱۵) بیانگر این است که: «اخذ هرگونه مالیات و عوارض از صادرات کالای غیرنفتی در طول برنامه ممنوع است.»

آنان که دست‌کم زحمت تصور به خود بدهند، به سهولت درخواهند یافت که صادرکنندگان کالای غیر نفتی با چه دشواری‌هایی برای بازاریابی، فروش و وصول وجوه حاصل از صادرات خود مواجه بوده‌اند و خواهند بود، به نحوی که ذکر جزئیات این دشواری‌ها از حوصله این نوشتار و مخاطب آن خارج است.

ایس فعالان اقتصادی، با تحمل این مصائب، و با تکیه بر مواد قانونی مذکور در این پندار به سر می‌برده‌اند که لاقلاً از هرگونه گرفتاری مالیاتی معاف خواهند بود. پنداری که با طرح مالیات تسعیر ارز توسط سازمان امور مالیاتی نقش بر آب شده است.

از دید صادرکنندگان، مطالبه مالیات از تسعیر ارز حاصل از صادرات کالای معاف از مالیات فاقد توجیه قانونی است چرا که در جایی از قانون صادرات کالای غیر نفتی «مشمول معافیت مالیاتی» و در نقاطی دیگر از قانون، اخذ هرگونه مالیات و عوارض از کالای مزبور به صراحت «ممنوع» اعلام شده است.

اما از دید سازمان امور مالیاتی، ارز حاصل از صادرات، به مجرد وصول

از دید صادرکنندگان، مطالبه مالیات از تسعیر ارز حاصل از صادرات کالای معاف از مالیات فاقد توجیه قانونی است چرا که در جایی از قانون صادرات کالای غیر نفتی «مشمول معافیت مالیاتی» و در نقاطی دیگر از قانون، اخذ هرگونه مالیات و عوارض از کالای مزبور به صراحت «ممنوع» اعلام شده است

از دید سازمان امور مالیاتی، ارزش حاصل از صادرات، به مجرد وصول ماهیتی از نوع «دارایی» خواهد داشت. بر اساس این نحوه از نگرش، در صورتی که صادرکننده، ارزش حاصل از صادرات خود را به نرخ گران تر از تاریخ وصول معامله کند، سود حاصله از این فرآیند (تسعیر ارزش) مشمول مالیات است.

مطالبه مالیات  
تسعیر ارزش حاصل  
از صادرات است  
که در شرایطی  
از فعالان حوزه  
صادرات مطالبه  
می شود که  
مودیان مزبور با  
استناد به مفاد  
ماده ۱۴۱ قانون  
مالیات های  
مستقیم و  
مقررات مذکور  
در برنامه چهارم  
و پنجم توسعه  
خود را از پرداخت  
هرگونه مالیات  
و عوارض معاف  
می دانند

بدهی های ارزی و افزایش یا کاهش درآمد مشمول مالیات از این بابت نخواهند بود و هیات های حل اختلاف مالیاتی نیز باید در رسیدگی و صدور رای این موضوع را دقیقاً مورد توجه قرار دهند.

لازم به ذکر است که بخشنامه یادشده تا این تاریخ رسماً منسوخ نگردیده است. لذا اعتبار آن به قوت خود باقی است.

آخرین دستورالعمل سازمان امور مالیاتی در رابطه با تسعیر ارزش (دستورالعمل شماره ۲۰/۹۳/۵۲۴ مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۲) نیز ذکری از فسخ اعتبار بخشنامه فوق به میان نیاورده است. هرچند به نظر می رسد که با به کارگیری استدلالی ضعیف در بخشی از متن این دستورالعمل، تلاش کرده است که تقلایی هرچند اندک در نفی نقطه نظر مطروحه در این بخشنامه به عمل آورد. آنجا که می گوید: «اتخاذ یک روش یکنواخت: منظور از روش یکنواخت حفظ ویژگی کیفی اطلاعات مالی و مقایسه پذیری آن از طریق همسانی در اندازه گیری و نمایش اثرات معاملات و رویدادهای مالی است. در واقع اقدام به شناسایی یا عدم شناسایی سود (زیان) تسعیر ارزش به طور کلی بیانگر رعایت یا عدم رعایت استانداردهای حسابداری بوده و لزوماً به معنای نفی روش های یکنواخت نیست.» (بخشی از متن دستورالعمل شماره ۲۰/۹۳/۵۲۴ مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۲)

نگارنده متن دستورالعمل یادشده - بی آنکه ذکری از بخشنامه ۳۵۳۵۴ به میان آورد - با مفهوم روش یکنواخت منظور نظر در متن بخشنامه ۳۵۳۵۴، اصطلاحاً، در گیر رود و بایستی و تعارف شده، لذا در عین اینکه به صراحت نظریه مطروحه در بخشنامه قدیم را در مورد «اتخاذ روش یکنواخت» منسوخ ندانسته، تعبیر عجیب دیگری را تحت عنوان «تفی روش یکنواخت» عنوان کرده است.

با مقایسه هر دو متن «بخشنامه قدیم» و «دستورالعمل اخیر»، در متن بخشنامه اصولاً بحث بر سر «تفی یا عدم نفی» روش های یکنواخت مطرح نبوده، بلکه بر سر «اتخاذ یا عدم اتخاذ روش های یکنواخت» طرح گردیده است. حال آنکه دستورالعمل یادشده تلویحاً تلاش دارد دست مودی را از حق هر نوع انتخابی کوتاه کند و اتخاذ روش های یکنواخت را امری خودکار و اتوماتیک جلوه دهد، با این نیت که اختیاری که طی بخشنامه قدیم از مامور تشخیص سلب گردیده بود، مجدداً، و بی هیچ استدلال موجهی به موجب این دستورالعمل به وی اعطا گردد.

گویا هدف از گزاره فوق که بی هیچ مقدمه ای در متن دستورالعمل یادشده وارد شده است، پرتاب تیری در تاریکی در پاسخ به صراحت ثاقب متن بخشنامه ۳۵۳۵۴ مذکور باشد. تیری که البته در غیاب امکانات اجرایی سازمان امور مالیاتی هرگز کارگر نمی افتاد.

در چند ماه گذشته شاهد موارد عدیده ای بوده ایم که صادرکنندگان بی آن که سود ناشی از تسعیر ارزش را در صورت های مالی خود شناسایی و ثبت کرده باشند به موجب برگ تشخیص به پرداخت مالیات آن مکلف شده اند. چه بسیار صادرکنندگانی که دفاتر آنها مشول ماده ۹۷ قانون مالیات های مستقیم (تشخیص علی الرأس) بوده و با محاسباتی که ادارات امور مالیاتی بر اساس ارزش گمرکی کل کالای صادراتی و میانگین نرخ تسعیر سال مالی مورد رسیدگی ملاک عمل قرار داده اند، مشمول مالیات تسعیر ارزش گردیده اند. به نظر می رسد، بار دیگر، زمان یادآوری وظایف ادارات امور مالیاتی و هیات های حل اختلاف مالیاتی در امر خطیر صیانت از قانون فرا رسیده است. تا زمانی که قوانین مالیاتی در همسویی افزون تری با اهداف توسعه صادرات غیر نفتی قرار گیرد، رعایت مفاد بخشنامه ۳۵۳۵۴ به منزله صیانت از قانون خواهد بود.

در خاتمه، نگارنده، مدعی ادعای گراف دوری از خطا نیست و همواره از نقد و نظر سازنده صاحب نظران استقبال و قدردانی می کند.

درآمد مشمول مالیات منظور گردد و معافیت درآمد حاصل از صادرات موضوع ماده ۱۴۱ قانون یادشده دلیل بر معافیت درآمدهای بعدی که به لحاظ نگاهداری یا کاربرد ارزش حاصل از صادرات به دست می آید، نخواهد بود. (رای هیات عمومی شورای عالی مالیاتی به شماره ۳۰/۴/۵۳۵۹ مورخ ۱۳۷۵/۵/۱۴)

از درستی یا نادرستی آنچه که رأی مذکور بیان می کند که بگذریم، از استناد شگفت آور آن به بند ۲۴ ماده ۱۴۸ قانون مالیات های مستقیم نمی توان گذشت. چرا که استناد رای به حکم بند ۲۴ ماده ۱۴۸ (موضوع تعریف هزینه های قابل قبول) با هدف اتخاذ مفهوم مخالف در توجیه این نظر که «معافیت درآمد حاصل از صادرات موضوع ماده ۱۴۱ قانون یادشده دلیل بر معافیت درآمدهای بعدی که به لحاظ نگاهداری یا کاربرد ارزش حاصل از صادرات به دست می آید، نخواهد بود» را می توان به منزله «توسعه حکم قانون گذار» تلقی کرد، که این امر خارج از حدود اختیاراتی است که ماده ۲۵۵ قانون مالیات های مستقیم برای مرجع وضع رای فوق تعیین کرده است.

با این استدلال، رأی مزبور ملاک اعتبار نبوده و استناد به این رأی در مطالبه مالیات تسعیر ارزش حاصل از صادرات مخالف نص صریح اصل ۵۱ قانون اساسی است.

با وجود این، باید پذیرفت که هیات عمومی شورای مالیاتی در انشای این رأی جامع و مانع عمل کرده است.

مجدداً به فرازی از رای مزبور دقت کنیم: «همان طور که طبق بند ۲۴ ماده ۱۴۸ قانون مالیات های مستقیم زبان حاصل از تسعیر ارزش براساس اصول متداول حسابداری با شرط اتخاذ روش یکنواخت طی سال های مختلف، به عنوان هزینه قابل قبول شناخته شده است، «بالطبع» درآمد حاصل از تسعیر ارزش «نیز»...»

به کار بردن واژه «بالطبع» و «نیز» در متن این رای دلالت بر لزوم یکسان بودن رویه برخورد با «زبان حاصل از تسعیر ارزش» و «درآمد حاصل از تسعیر ارزش» دارد. یعنی به موجب این رای، هرآنچه شرط پذیرش زبان حاصل از تسعیر ارزش است، می باید دلیل تشخیص درآمد حاصل از تسعیر ارزش «نیز» قرار گیرد.

پرسش: آن شرط چیست؟

پاسخ: شرط مذکور در بند ۲۴ ماده ۱۴۸، بدین معنی که مودی باید به ثبت فرآیند تسعیر ارزش با اتخاذ روش یکنواخت در طی سال های مختلف مبادرت کرده باشد.

با این تفسیر، گویا باید تکلیف مودیانی که در دفاتر و صورت های مالی خود هرگز به ثبت و افشای تسعیر با اتخاذ روش یکنواخت اقدام نکرده اند روشن شده باشد: درآمد مشمول مالیات حاصل از تسعیر ارزش برای این مودیان منظور نخواهد گردید و «بالطبع» زبان حاصل از تسعیر ارزش «نیز»... اما گویا این نحوه استدلال در زمان خود هم چندان باب طبع نظام بازرسی مالیاتی نبوده و موجب بروز اختلاف نظرهایی شده است. چرا که در نهایت در تاریخ ۱۳۷۵/۸/۳ معاون درآمدهای مالیاتی بخشنامه ای به شماره ۳۵۳۵۴ صادر می کند. با متنی در منتهای ایجاز و وضوح و استحکامی ستودنی: «... لزوماً متذکر می شود: باتوجه به تبصره ۲ ماده یک آیین نامه نحوه تنظیم و تحریر و نگاهداری دفاتر قانونی و بند ۲۴ ماده ۱۴۸ قانون مالیات های مستقیم مصوب اسفندماه ۶۶ اصلاحیه بعدی آن آرای مذکور ناظر به مواردی است که مودی خود براساس اصول متداول حسابداری و با شرط اتخاذ روش یکنواخت طی سال های مختلف مبادرت به تسعیر نماید. حال چنانچه طبق روال اتخاذشده توسط مودی، به طور کلی تسعیر صورت نگیرد، ماموران تشخیص مجاز به تسعیر دارایی ها یا

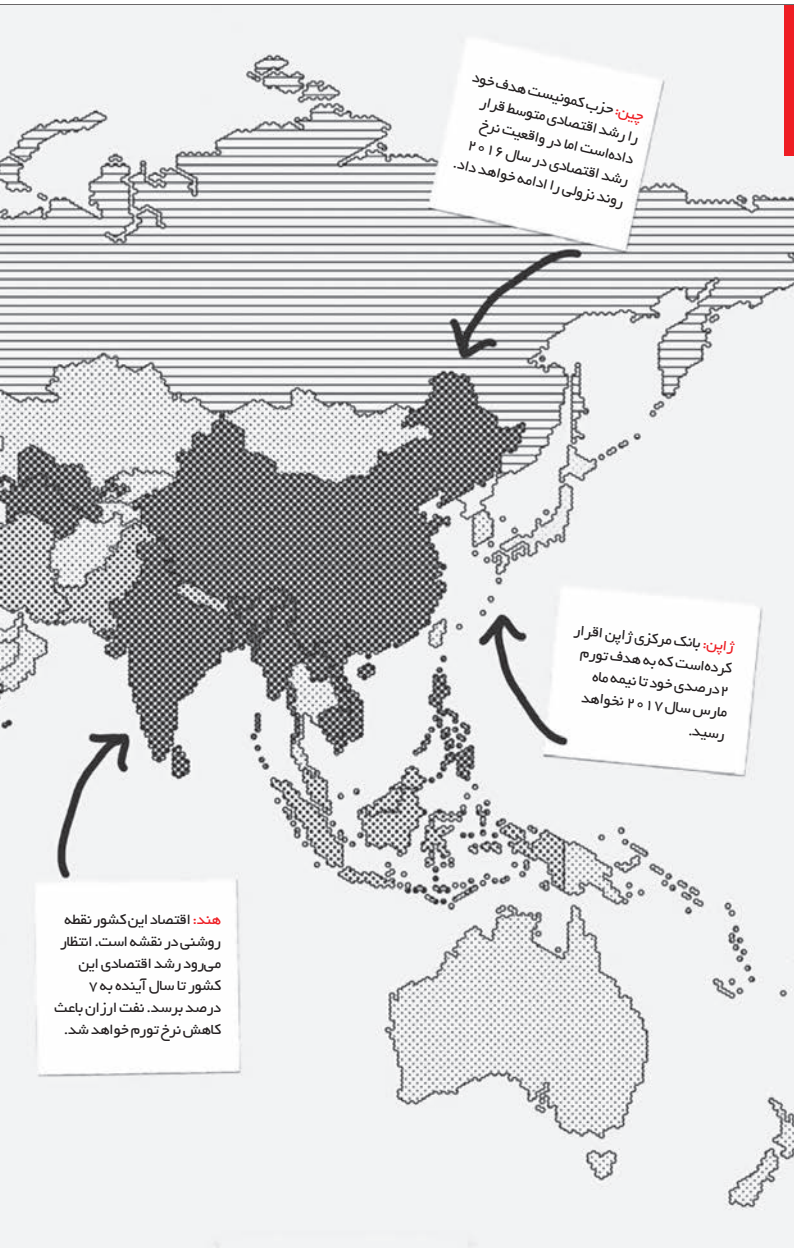


در این بخش، چشم‌انداز اقتصاد جهان از مجله بلومبرگ ترجمه شده است.

چشم‌انداز اقتصاد جهان در سال ۲۰۱۶ به روایت Bloomberg

## خود را برای نه‌چندان خوب و نه‌چندان بد سال ۲۰۱۶ آماده کنید

پیتر کوی: بازگشت به توسعه جهانی قدرتمند و هماهنگ همچنان دور از دسترس خواهد ماند



بر اساس اطلاعات به دست آمده از صندوق بین‌المللی پول و بررسی کارشناسان اقتصادی بلومبرگ، اقتصاد جهان در سال آینده، قدرتمندتر از سال ۲۰۱۵ شکل خواهد گرفت و همگام با میانگین رشد درازمدت خواهد بود. اما صندوق بین‌المللی پول در گزارش چشم‌انداز خود در ماه اکتبر اظهار کرده است که بازگشت به توسعه قدرتمند و هماهنگ همچنان دور از دسترس خواهد بود. رشد پروژه‌های سرمایه‌گذاری در سطح جهان نسبت به ۳،۱ درصد سال جاری به ۳،۶ درصد در سال آتی خواهد رسید. این میزان نزدیک به ۳،۵ درصد متوسط سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۴ خواهد بود. این اعداد از روش مرجع صندوق بین‌المللی پول برای اندازه‌گیری تولید به وسیله قدرت خرید واقعی با ارزهای ملی به دست آمده‌اند. پیش‌بینی‌های صندوق بین‌المللی پول بر اساس روش‌های استاندارد و به وسیله نرخ ارز کشورها و همچنین بر اساس آمار و ارقام پیشین ۰،۶ درصد کمتر از نقطه پیشین آن بوده است.

آدیر ترنر رئیس سابق سرویس مالی بریتانیا و نویسنده کتاب جدید «بین بدهی و شیطان» می‌گوید: «سال آتی سالی نه‌چندان خوب و نه‌چندان بد خواهد بود». نظر او کمی بدبینانه‌تر از نتیجه‌گیری ماست و معتقد است در سال آتی شاهد جنگ ارزی خواهیم بود چرا که اروپا و ژاپن هردو تلاش می‌کنند برای تقویت صادرات و کاهش بیکاری در کشورهای خود، ارزش

از حدود ماه آوریل سال ۲۰۱۶ به بعد، بخش سومی در کانال پاناما راه‌اندازی خواهد شد که اجازه می‌دهد کشتی‌هایی با ۲،۶ برابر اندازه فعلی از راه‌های آبی آن منطقه عبور کنند. اسکله‌های ایالات متحده آمریکا از نیویورک تا گالوستون در تگزاس آماده هستند تا در این مسیر حمل‌ونقل را آغاز کنند. در اسکله هوستون نیز چهار جرثقیل راه‌اندازی شده است که به اندازه یک ساختمان ۳۰ طبقه است. جانیس لانگوریا رئیس بخش اسکله‌ها اوایل سال جاری گفت: «تجارت بیشتر به معنای شغل بیشتر است.»

این افتتاحیه در کانال پاناما یکی از چندین رویداد احتمالی است که نشان می‌دهد - به احتمال زیاد - سال آتی برای اقتصاد جهان سالی پر از رویداد خواهد بود. قراردادهای تجاری حمل‌ونقل حوزه پاسیفیک به احتمال زیاد مورد استقبال و موافقت ۱۲ کشوری قرار خواهد گرفت که ۴۰ درصد از تولید جهانی را به عهده دارند. انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده آمریکا و تایوان، المپیک تابستانی در برزیل، و برنامه پنج‌ساله جدید در چین جزو رویدادهای سال ۲۰۱۶ خواهد بود. رفراندوم بریتانیا که احتمالاً در ماه اکتبر برگزار خواهد شد می‌تواند بزرگ‌ترین رویداد سال آینده باشد. بر اساس این رفراندوم بریتانیا تصمیم خواهد گرفت که در اتحادیه اروپا باقی بماند یا از آن خارج شود.

بر اساس اطلاعات به دست آمده از صندوق بین‌المللی پول و بررسی کارشناسان اقتصادی بلومبرگ، اقتصاد جهان در سال آینده، قدرتمندتر از سال ۲۰۱۵ شکل خواهد گرفت

**روسیه:** اقتصاد این کشور با تحریمها فلج شده است. ولادیمیر پوتین در بحرانی گرفتار شده است که احتمالاً تا دو دهه بر اقتصاد کشور سایه خواهد انداخت.

**بریتانیا:** دیوید کمرون نخست وزیر در سال ۲۰۱۶ پول بیشتری خرج خواهد کرد تا رای دهندگان را ترغیب به ماندن در اتحادیه اروپا کند.

**آلمان:** جذب مهاجران احتمالاً باعث رشد جزئی اقتصاد خواهد شد.

**برزیل:** دیلمار روسف رئیس جمهوری این کشور از این مسئله هراس دارد که با افزایش هزینه ها و کاهش نرخ بهره توسط بانک مرکزی برای پایان دادن به بحران، سرمایه گذاران از برزیل بگریزند.

**ایالات متحده آمریکا:** اقتصاد این کشور در سال ۲۰۱۶ مانند سال جاری عمل خواهد کرد اما حجم معاملات افزایش خواهد یافت چرا که دلار قوی تر خواهد شد و واردات افزایش پیدا خواهد کرد.

## سال آینده رشد را در چه مناطقی پیدا کنیم؟

رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۶



داده ها: صندوق بین المللی پول

مهم ترین متغیر در سال ۲۰۱۶، چین خواهد بود. در چین، رشد تولید ناخالص داخلی در سه ماهه سوم سال ۲۰۱۵ برای نخستین بار از سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ به زیر ۷ درصد رسید

رشد نخواهد کرد. به این ترتیب چین دیگر نیاز ضروری و مستمري به زیرساخت های بیشتر برای تولید ندارد. شی جین پینگ رئیس جمهوری چین نیز مانند رئیس جمهور پیشین دوران سختی را می گذراند و تلاش می کند اقتصاد را به سمت مصرف داخلی بیشتر هدایت کند تا از آن به عنوان منبع رشد استفاده کند. لئو شی کیلی رئیس موسسه دیمنند در ماه آگوست طی یادداشتی نوشت: «چین خود را دوباره در نقطه شروع خواهد یافت.» صندوق بین المللی پول پیش بینی کرده است که رشد اقتصادی چین از ۶٫۸ درصد در سال جاری به ۶٫۳ درصد در سال ۲۰۱۶ کاهش خواهد یافت. این رشد شاید قابل تحمل باشد اما از آنچه رهبر چین در ماه اکتبر بر آن تأکید کرده است خیلی فاصله دارد. ویلم بیتر رئیس اقتصاددانان جهانی در سی تی گروپ، در این زمینه بسیار بدبین است. او در ماه سپتامبر ضمن اشاره به ظرفیت مازاد و افزایش سقف بدهی ها، نوشت: «ما پیش بینی می کنیم که چین وارد چرخه ناقصی شود و سپس سقوط کند.» بیتر هشدار داده است که پس از رکود اقتصادی برزیل و روسیه، اکنون کاهش رشد اقتصادی چین باعث زمین خوردن اقتصادهای نوظهور خواهد شد. او همچنین نوشته است: «اکثر کشورهای ثروتمند وابستگی کمتری به صادرات به چین دارند، به همین خاطر خودشان رکودی را تجربه نخواهند کرد اما رشد اقتصادی آنها نیز کاهش

ارز رايج خود را کاهش بدهند. این مسئله رشد را از سایر شرکای تجاری آنها خواهد ربود.

به طور خلاصه می توان چشم انداز اقتصاد جهان را به این شکل تصویر کرد: رشد اقتصاد چین همچنان کاهش خواهد یافت. ایالات های ثروتمند امریکا عملکرد اقتصادی بهتری خواهند داشت. تقاضای جهانی به صورت کلی به وضعیت متعادلی خواهد رسید، اما ارزش پول (نرخ بهره) و قیمت های نفت و دیگر کالاها به احتمال زیاد همین طور پایین باقی خواهد ماند. روسای بانک های مرکزی یعنی جنت یلن، ماریو دراگی و هاروهیکو کورودو همچنان در کانون توجه عموم خواهند بود؛ فدرال رزرو امریکا سعی خواهد کرد آهسته آهسته به نرخ بهره تلنگر بزند تا آن را افزایش بدهد، بانک های مرکزی اروپا و ژاپن نیز به دنبال راه هایی برای شبیه سازی رشد خواهند بود.

مهم ترین متغیر در سال ۲۰۱۶، چین خواهد بود. در چین، رشد تولید ناخالص داخلی در سه ماهه سوم سال ۲۰۱۵ برای نخستین بار از سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ (دوران بحران بزرگ اقتصادی) به زیر ۷ درصد رسید. کشورهای در حال توسعه ای که وابستگی شدیدی به چین به عنوان مشتری منابع خود دارند از این قرارند: برزیل، شیلی، اندونزی، مالزی، فیلیپین، آفریقای جنوبی، تایلند و ویتنام. اما اشتیاق جهان برای کالاهای چینی به این صورت

برجسته موسسه تحقیقات آب‌وهوایی نشنال سنتر، سومین ال‌نینوی بزرگ جهان از ۱۹۵۰ تاکنون در سال ۲۰۱۶ به وقوع خواهد پیوست که منجر به ویرانی‌های بزرگ، سیل و خشکسالی پراکنده خواهد شد. ال‌نینوی ۹۸-۱۹۹۷ را پیش‌بینی کرده‌بود که در آن حداقل ۳۰ هزار نفر کشته شدند و ۱۰۰ میلیارد دلار خسارت به بار آمد.

برای ایالات متحده آمریکا بنا بود سال ۲۰۱۵ سالی باشد که در آن نرخ بهره که از زندگی حمایت می‌کند بالاخره از مرز صفر تکانی بخورد و افزایش پیدا کند. فدرال رزرو این تصمیم را به نشست ۱۶ دسامبر خود موکول کرده‌است اما به نظر می‌رسد نرخ بهره به صورت واقعی در ماه مارس سال ۲۰۱۶ افزایش پیدا کند. حتی این احتمال وجود دارد که افزایش نرخ بهره به پایان سال ۲۰۱۶ کشیده شود.

اگر بر اساس شاخص «فلاکت» که ترکیبی از نرخ تورم و نرخ بیکاری است قضاوت کنیم، اقتصاد آمریکا در ماه اکتبر به خوبی دهه ۵۰ میلادی بوده‌است چرا که این شاخص ۵۱ درصد بوده‌است، اما اگر این شاخص تا این اندازه پایین است پس چرا تعداد زیادی از مردم احساس بدبختی می‌کنند؟ یکی از دلایل عمده این است که دستمزدها افزایشی نداشته‌است در حالی که معمولاً با کاهش نرخ بیکاری، دستمزدها افزایش پیدا می‌کنند. بر اساس مطالعات موسسه سننتیر، درآمد یک خانواده در ماه سپتامبر به صورت متوسط ۱۷ درصد کمتر از ماه ژانویه سال ۲۰۰۰ یعنی پس از تنظیم نرخ تورم بوده‌است. انتظار می‌رود دستمزدها در سال ۲۰۱۶ رشد سریع‌تری داشته باشند. بر اساس پژوهش‌های پرایس‌واتر‌هوس‌کاپرز، پیش‌بینی می‌شود شرکت‌های بخش خصوصی در سه‌ماهه سوم سال آتی دستمزدها را ۳٫۱ درصد افزایش دهند. این برای نخستین بار از سال ۲۰۰۸ تاکنون خواهد بود که این عدد زیر ۳ درصد نخواهد بود.

خواهد یافت. «نفت ارزان یکی از مهم‌ترین فاکتورهایی است که باعث می‌شود بسیاری از اقتصاددانان نسبت به بیتر خوش‌بین تر باشند. هر چند قیمت پایین نفت به صادرکنندگانی نظیر روسیه و کشورهای عضو اوپک ضرر می‌رساند اما باعث تقویت واردات در کشورهای در حال توسعه جهان مثل امریکا لاتین، آفریقا و آسیا از جمله چین خواهد شد. نفت ارزان به کشورهای توسعه‌یافته نیز کمک خواهد کرد، مثلاً برای ایالات متحده آمریکا سود خواهد داشت. اما هزینه سوخت تنها بخش کوچکی از هزینه‌های آنهاست.

متأسفانه برای کارشناسان اقتصاد کلان، پیش‌بینی قیمت نفت از اقتصاد چین دشوارتر است چرا که از سیاست‌های اوپک گرفته تا کشمکش‌های خاورمیانه در آن تأثیرگذار است. بر اساس یکی از تئوری‌ها قیمت نفت خام در سال آتی به زیر ۴۰ دلار در ازای هر بشکه سقوط خواهد کرد. دلیل این تئوری این است که تولید از مصرف پیشی می‌گیرد و در دنیا جایی برای ذخیره نفت خام باقی نخواهد ماند. مقدار زیادی نفت در تانکرهای بزرگ ذخیره است که صاحبان آنها به دنبال خریدار هستند. اما از آن طرف عده‌ای خوش‌بین هستند و بر این باورند که قیمت‌های پایین نفت باعث کاهش اکتشاف و تولید خواهد شد و به دنبال آن بهای نفت دوباره افزایش خواهد یافت. عماد مشتاق، تحلیل‌گر الکتریک استراتژی در لندن معتقد است که قیمت نفت تا سال ۲۰۱۷ به ۱۰۰ دلار و حتی ۱۳۰ دلار در ازای هر بشکه خواهد رسید. عده زیادی از تحلیل‌گران نیز بین این دو طیف قرار دارند و معتقدند قیمت نفت تنها کمی افزایش خواهد یافت به طوری که قیمت نفت برنت حوزه دریای شمال تا پایان سال ۲۰۱۶ به ۵۶ دلار در ازای هر بشکه خواهد رسید.

برخی از مزیت‌های نفت ارزان به دلیل تغییرات بد آب‌وهوایی در نزدیکی حوزه پاسیفیک خنثی خواهد شد. طبق گفته‌های کوین ترنبرث دانشمند

اگر بر اساس شاخص «فلاکت» که ترکیبی از نرخ تورم و نرخ بیکاری است قضاوت کنیم، اقتصاد آمریکا در ماه اکتبر به خوبی دهه ۵۰ میلادی بوده‌است چرا که این شاخص ۵۱ درصد بوده‌است. اما اگر این شاخص تا این اندازه پایین است پس چرا تعداد زیادی از مردم احساس بدبختی می‌کنند؟

## چشم‌انداز رشد اقتصاد جهانی

افزایش سالانه تولید ناخالص داخلی

۳٫۳ درصد

بانک جهانی

۳٫۴ درصد

بررسی کارشناسان اقتصادی بلومبرگ

۳٫۶ درصد

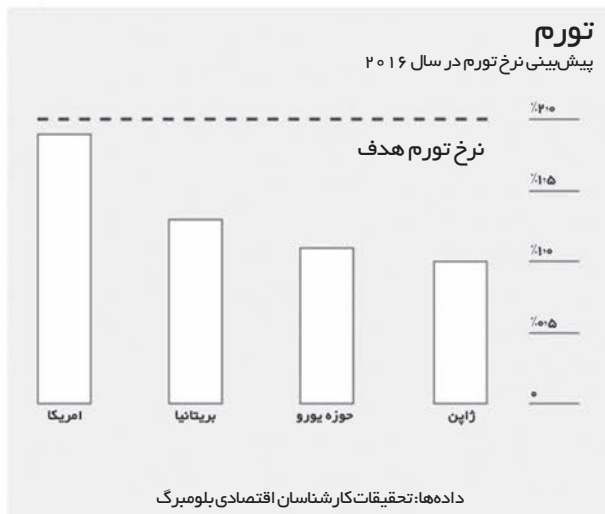
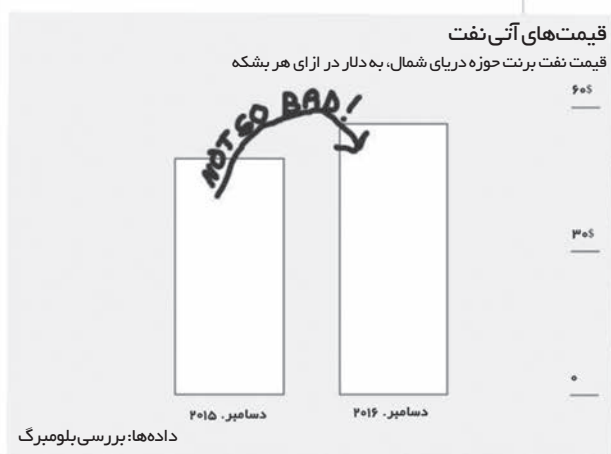
صندوق بین‌المللی پول

۳٫۸ درصد

سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی

بانک‌های مرکزی به هدف خود در مورد نرخ تورم دست نخواهند یافت...

...در حالی که نفت همچنان ارزان باقی خواهد ماند

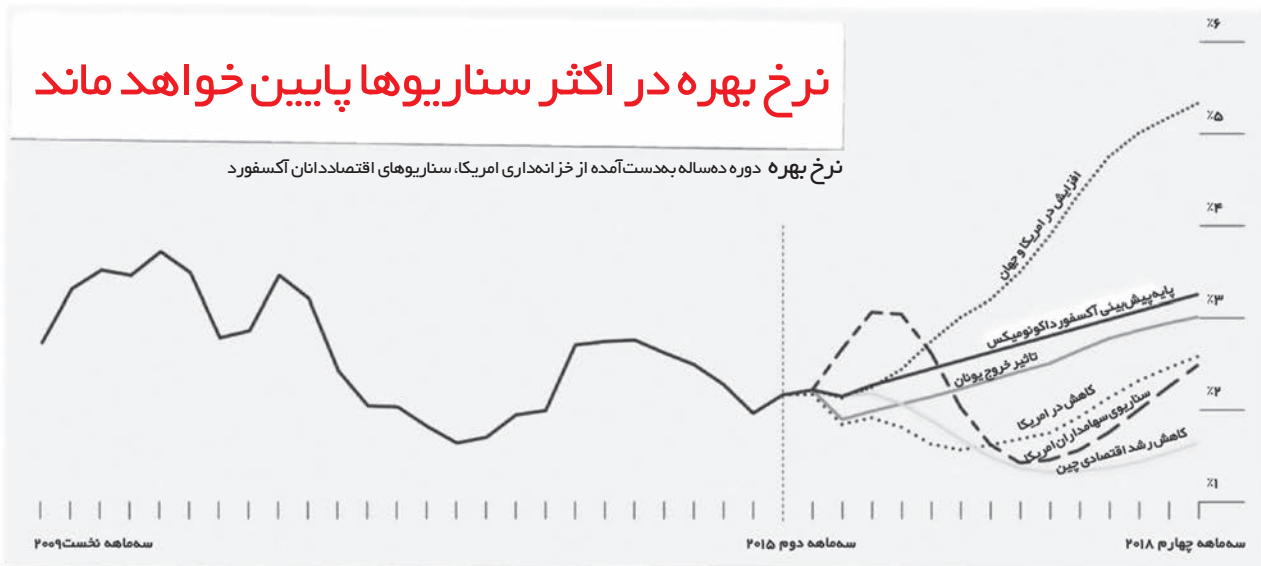




نکته اصلی در مورد رشد اقتصادی آرام آمریکا این است که اقتصاد از تورم دور است و در نتیجه فدرال رزرو نیاز به تعجیل در افزایش نرخ بهره و در نتیجه کشتن هزینه نخواهد داشت. لیز آن ساندروز کارشناس سرمایه‌گذاری در چارلز شواب می‌گوید: «رکود از مازاد ناشی می‌شود. ما هنوز در مسیر بهبود هستیم. ما حتی در حالت هزینه نیز نیستیم.»

## نرخ بهره در اکثر سناریوها پایین خواهد ماند

نرخ بهره دوره ده ساله بدمست آمده از خزانهداری آمریکا، سناریوهای اقتصاددانان آکسفورد



بحران مهاجرت در اروپا فشار جدیدی را به اتحادیه اروپا وارد خواهد آورد. نکته جالب این است که این مسئله احتمالاً باعث تحریک کوتاهمدت رشد اقتصادی حداقل در آلمان خواهد شد. مالت ریث رئیس موسسه پیش‌بینی اقتصادی آلمان در برلین می‌گوید: «به نظر ما این مسئله باعث تقویت رشد تولید ناخالص داخلی خواهد شد.» این موسسه تحقیقاتی که به حروف اختصاری DIW در زبان آلمانی معروف است برآورد کرده که دولت کمک‌هایی به مهاجران خواهد رساند و آنها در مقابل هزینه‌هایی برای خرید و دریافت کالاها و خدمات پرداخت خواهند کرد که در نهایت به افزایش ۰٫۱ درصد تا ۰٫۲ درصدی رشد تولید ناخالص داخلی خواهد انجامید.

کشورهای در حال توسعه، فدرال رزرو را زیر نظر دارند؛ آنها از این مسئله بیم دارند که سرمایه‌گذاران پول خود را از این کشورها بیرون بکشند و پس از افزایش نرخ بهره توسط فدرال، در ایالات متحده آمریکا سرمایه‌گذاری کنند. این نگرانی‌ها احتمالاً جابه‌جا خواهد شد. سرمایه‌گذاران حداقل به دو سال زمان نیاز دارند تا پول خود را جابه‌جا کنند. یکی از کارشناسان اقتصادی در ماه اکتبر در کپیتال اکونومیکس نوشت: «افزایش نرخ بهره توسط فدرال رزرو احتمالاً عده‌ای را در ماه مارس غافلگیر خواهد کرد.»

سال ۲۰۱۵ برای برزیل (به دلیل بحران سیاسی و نفت) و روسیه (به دلیل تحریم‌ها و نفت) سال بسیار وحشتناکی بوده‌است. صندوق بین‌المللی پول برآورد کرده‌است که اقتصاد هر دو کشور در سال ۲۰۱۶ همچنان کوچک، اما سرعت کوچک شدن آنها کند خواهد شد. انتظار می‌رود که اقتصادهای بزرگ و اصلی جهان هیچ‌کدام در سال آتی وارد بحران و رکود نشوند. صندوق بین‌المللی پول برآورد کرده‌است که هند از چین پیشی خواهد گرفت و رشد آن به ۷٫۵ درصد افزایش خواهد یافت. رشد اقتصادی مکزیک ۲٫۸ درصد، نیجریه ۴٫۳ درصد و آفریقای جنوبی ۱٫۳ درصد خواهد بود.

استفان کینگ کارشناس ارشد اقتصاد در اچ‌اس‌بی‌سی در لندن می‌گوید رشد نه‌چندان خوب و نه‌چندان بد، از اکنون آغاز خواهد شد. او اظهار می‌کند که رشد قوی اقتصاد جهان در فاصله سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰ میلادی امری خلاف قاعده بوده و اکنون این اقتصاد جهانی به پایین‌ترین و آهسته‌ترین رشد خود در دوره ۱۵۰ ساله اخیر رسیده‌است. به عبارت دیگر وضعیت فعلی ارتباط چندانی به محرک‌هایی که اتخاذ می‌شود، ندارد. کینگ می‌گوید: «مشکل، عمیق‌تر از این حرف‌هاست.»

نکته اصلی در مورد رشد اقتصادی آرام آمریکا این است که اقتصاد از تورم دور است و در نتیجه فدرال رزرو نیاز به تعجیل در افزایش نرخ بهره و در نتیجه کشتن هزینه نخواهد داشت. لیز آن ساندروز کارشناس سرمایه‌گذاری در چارلز شواب می‌گوید: «رکود از مازاد ناشی می‌شود. ما هنوز در مسیر بهبود هستیم. ما حتی در حالت هزینه نیز نیستیم.»

خانواده‌های آمریکایی از دوران رکود سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹، بدهی‌های خود را پرداخت کرده‌اند و تقاضا را به‌ویژه در بخش خانگی تغییر داده‌اند. استیو ریک کارشناس ارشد اقتصاد در سی‌یون‌ای میوچال گروپ می‌گوید: «نسل هزاره در حال بیرون آمدن از خانه‌های پدری هستند.»

تقویت مصرف‌کنندگان و افزایش هزینه از سوی آنها باعث جسورتر شدن کسب‌وکارها و سرمایه‌گذاری آنها در تأسیسات، تجهیزات و نرم‌افزارها خواهد شد. همه‌چیز از سر گرفته خواهد شد. رئیس دایچ‌بانک در ماه اکتبر به یکی از مشتریان خود نوشته‌است: «وضعیت مصرف و سرمایه‌گذاری به گونه‌ای پیش رفته‌است که به نظر من سال‌ها با رکود بعدی فاصله داریم.»

اروپا و ژاپن ضعیف‌تر هستند. برخلاف اقتصاد ایالات متحده آمریکا که از زمان بحران بزرگ اقتصادی تاکنون آهسته و پیوسته پیش رفته و خودش را از زمین بلند کرده‌است، اقتصاد این دو منطقه با عقب‌نشینی‌های دوره‌ای مواجه شده‌است. بانک مرکزی اروپا پیش از آغاز سال جدید میلادی، در مورد وضعیت نرخ بهره به صورت داخلی مذاکره خواهد کرد. ژاپن نیز آماده افزایش هزینه خرید و نرخ‌های درآمدت است.

بحران مالی یونان مدت‌هاست از سرخط خبرهای جهان خط خورده‌است اما اگر الکسیس سیراس نخست‌وزیر این کشور موفق به جلب موافقت برای اصلاح در مسائل اقتصادی کشور که مورد درخواست اعتباردهندگان بوده نشود، تا پایان سال ۲۰۱۶ یونان و اوضاع مالی آن دوباره به صفحه نخست مطبوعات جهان بازخواهد گشت. شهروندان بریتانیایی پس از تماشای اتفاق تلخی که برای یونان افتاد، خوشحال شدند که پوند استرلینگ خود را حفظ کردند. البته آنها در ماه اکتبر آینده در فرآیند ملی‌سازی شرکت خواهند کرد که تصمیم بسیار مهم و رادیکالی برای زندگی‌شان به شمار خواهد رفت: ترک کامل اتحادیه اروپا. راس کاستریچ کارشناس سرمایه‌گذاری در بلک‌راک می‌گوید: «رای به خروج از اتحادیه اروپا به معنای کاهش اعتبار سرمایه‌گذاری در اروپا خواهد بود.»

کشورهای در حال توسعه، فدرال رزرو را زیر نظر دارند؛ آنها از این مسئله بیم دارند که سرمایه‌گذاران پول خود را از این کشورها بیرون بکشند و پس از افزایش نرخ بهره توسط فدرال، در ایالات متحده آمریکا سرمایه‌گذاری کنند

# مصرف کنندگان چینی باید وارد میدان شوند

## مقامات چینی با توسل به محرک‌های قدیمی تلاش می‌کنند تمرکز ایجاد کنند

### دکستر روبرتز

برنامه‌های اقتصادی پنج‌ساله چین، میراث گذشته مائو است. مقامات چینی در ماه اکتبر در پکن همان کاری را انجام دادند که حزب کمونیست در دهه ۵۰ میلادی انجام داد. اما دومین اقتصاد بزرگ جهان وارد چالشی شده‌است که از ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ ادامه خواهد داشت.

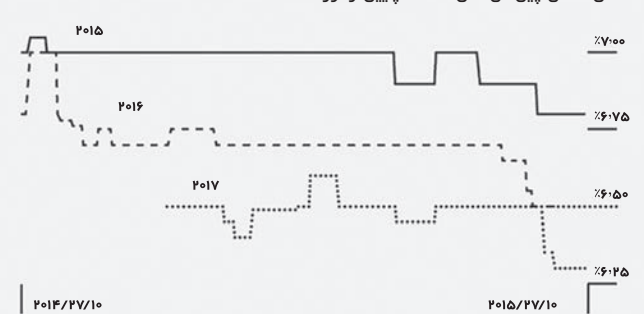
سیاست‌گذاران دو هدف بزرگ دارند. آنها در سال ۲۰۱۶ همچنان به مصرف‌کننده به عنوان ستاره احیای اقتصاد امید خواهند بست. آنها همچنین دوباره اطمینان خواهند داد که تولید ناخالص داخلی به سرعت کاهش نخواهد یافت و اگر نیاز باشد، اعتبار بیشتری به صنایع ورشکسته و رو به افول داده خواهد شد. چین قصد دارد بر اساس برنامه نشست ۲۹ اکتبر برای پنج سال آتی روی رشد میان‌مدت تمرکز کند.

این دو هدف یعنی تشویق اقتصاد مصرف‌کننده و بهبود کوتاه‌مدت تولید ناخالص داخلی، دو امر متناقض هستند. توسعه اقتصاد متکی به مصرف به معنای پذیرش رشد سالانه زیر ۷ درصد در سال‌های آتی خواهد بود. این امر نیز در حقیقت از این طریق حاصل می‌شود که بانک‌های دولتی و فابریک‌های دولتی اغلب کارخانه‌ها و مشاوران املاکی می‌سازند که مورد نیاز نیستند. برای بسیاری از اقتصاددانان این ساده‌ترین راه است که این مدل پایدارتر اما با رشد پایین ایجاد شود؛ مدلی که متکی بر بخش خدمات قوی و مصرف خانگی بسیار بالاست. رشد تأثیرگذار اقتصاد چین در ۳۵ سال گذشته ظرفیت‌های بالایی را برای صنعت این کشور ایجاد کرده‌است، اما محیط را آلوده کرده و حتی باعث کاهش تولید و کوچک شدن نیروی کار شده‌است. بانک مرکزی چین در ماه اکتبر چند روز پس از اعلام رشد ۶٫۹ درصدی اقتصاد در سه‌ماهه سوم سال که کمترین میزان رشد

بانک مرکزی  
چین در ماه اکتبر  
چند روز پس  
از اعلام رشد  
۶٫۹ درصدی  
اقتصاد در  
سه‌ماهه سوم  
سال که کمترین  
میزان رشد از  
سال ۲۰۰۹  
تاکنون بود، نرخ  
بهره را برای  
ششمین بار در  
سال کاهش داد

### پیش‌بینی رشد اقتصادی

اقتصاددانانی که بولومبرگ نظرات آنها را بررسی کرده‌است برآوردهای خود را درباره رشد تولید ناخالص داخلی چین طی سال گذشته پایین‌تر آورده‌اند



از سال ۲۰۰۹ تاکنون بود، نرخ بهره را برای ششمین بار در سال کاهش داد. علاوه بر آن میزان بودجه‌ای را که بانک‌ها می‌توانند در خزانه خود نگه دارند کاهش داد و به این ترتیب به آنها اجازه داد وام‌های بیشتری بپردازند. برنامه‌های اقتصادی برای انجام پروژه‌های حمل‌ونقل و محیط‌زیستی وام‌های بسیاری دریافت کردند. اندرو پولک اقتصاددان ارشد مرکز مطالعات چین در پکن می‌گوید: «کاهش نرخ بهره و افزایش هزینه‌های مالی به صورت موقت تابع مشکلات بزرگ‌تر هستند. مقامات کشوری قدرت بسیار کمی برای کنترل رشد در سال آینده دارند.» بخش خدمات صنعتی از جمله مشاغل نظیر وکالت تا راهنمای توریست، در سال ۲۰۱۵ برای نخستین بار بیش از نیمی از رشد تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص دادند. اقتصاد در بخش خدمات در ۹ ماه نخست سال ۲۰۱۵ حدود ۸٫۴ درصد رشد داشت. تولید تنها ۶ درصد رشد داشت. مارک ویلیامز در ۲۹ اکتبر در کپیتال اکونومیکس نوشت: «پاسخ به این پرسش که آیا اقتصاد چین در حال سقوط است یا تعادل، در بخش خدمات است.»

شرکت‌های خدماتی بیش از کارخانه‌های افرادی را استخدام می‌کنند تا همان میزان تولید ناخالص داخلی را ایجاد کنند. نه‌تنها تعداد این قبیل کارکنان بیشتر است بلکه دستمزد آنها نیز از افرادی که در کارخانه کار می‌کنند بیشتر است. به این ترتیب چینی‌های بیشتر با پول بیشتری که در جیب دارند باید «مصرف» کنند. تا به امروز مهندسی کردن این مسئله بسیار دشوار بوده‌است به‌ویژه اینکه بخش خانگی ۳۰ درصد از پول خود را پس‌انداز می‌کند که یکی از بیشترین نرخ‌های پس‌انداز در جهان است. مصرف خانگی تنها یک‌سوم از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد. این در حالی است که در ایالات متحده آمریکا مصرف ۷۰ درصد اقتصاد را تشکیل می‌دهد. در حالی که سیاست‌گذاران میلیارد‌ها دلار صرف بهبود نظام بهداشتی و برنامه‌هایی نظیر ساخت مدرسه کرده‌اند چینی‌ها به فعالیت‌های رفاهی مقامات خود اطمینانی ندارند. از یک‌سو دولت تمام تلاش خود را می‌کند تا مردم پول خود را خرج کنند و از سوی دیگر آنها نرخ پس‌انداز را افزایش می‌دهند و پول بیشتری ذخیره می‌کنند. طبق گفته اندرو بوستون رئیس موسسه مطالعات چین در پکن، چینی‌ها بخش عظیمی از پول خود را برای بازنشستگی پس‌انداز می‌کنند. آنها تمایل کمتری نیز به فرزندآوری دارند. به نظر می‌رسد تصمیمی که دولت در ماه اکتبر برای برداشتن سیاست تک‌فرزندی گرفت بسیار دیر باشد چرا که خانواده‌ها دیگر خودشان تمایلی به داشتن فرزند ندارند. در نهایت اینکه وضعیت تاکنون ناامیدکننده بوده‌است. به نظر می‌رسد برنامه‌های اصلاحی دولت درست پیش نمی‌رود. آلبرت پارک استاد اقتصاد دانشگاه هنگ کنگ می‌گوید: «آنها برای موفق شدن باید اصلاحات واقعی را پی‌ریزی کنند. آنچه برای رشد اقتصادی اتفاق می‌افتد به مسیری مربوط می‌شود که شما در پیش می‌گیرید.»



توماس سمپسون کارشناس امور تجاری در دانشگاه اقتصاد لندن می گوید: «انتظار می رود که خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا تأثیر منفی داشته باشد. کاملاً مشخص است که هرچا عدم قطعیت بیشتری حاکم باشد، سرمایه گذاری در کسب و کارها با تأخیر بیشتری مواجه خواهد شد.»

## اقتصاد اروپا

# بریتانیا چه کار خواهد کرد؟

بحث درباره عضویت در اتحادیه اروپا دوباره داغ شده است. بحث ها و استدلال های اصلی را اینجا بخوانید

جیل وارد

### رفتن

خروج بریتانیا از اتحادیه = برگزیت / Brexit

ترک اتحادیه باعث می شود بریتانیا معاملات تجاری خود را آزادانه با اقتصادهایی که رشد سریعی دارند دنبال کند. این مسئله با توجه به عملکرد اقتصادی ضعیف اروپا نوعی اولویت به شمار می رود.

عضویت در اتحادیه اروپا به معنای تحرک آزادانه کارگری است و بریتانیا به محدودیت مرزهای خود برای محافظت از شغل های محلی نیاز دارد. مهاجرت نیز بدین معناست که بریتانیایی ها خدمات و رفاه عمومی را در اختیار تازه واردان قرار می دهند.

قوانین اتحادیه اروپا به تشریفات متصل است. خروج از اتحادیه باعث تقویت تولید به وسیله کاهش بار قوانین بر کسب و کارها خواهد شد.

بزرگسالان بریتانیا بین ۱۷ تا ۱۹ اکتبر رای خواهند داد.

خروج باعث رهایی بریتانیا از شراکت در بودجه های سنگین اتحادیه اروپا خواهد شد. بر اساس آمارهای به دست آمده، سهم خالص کشور در سال جاری حدود ۱۱،۲ میلیارد یورو بوده است.

بریتانیا با خروج از اتحادیه اروپا و کسب صندلی جداگانه در سازمان تجارت جهانی، نفوذ بیشتری برای خود پیدا خواهد کرد. خروج از اتحادیه به این کشور اجازه خواهد داد بدون به خطر انداختن روابط خود با اروپا، همکاری بیشتری در رفاه بریتانیا داشته باشد.

### ماندن

بریتانیا از مزایای اتحادیه اروپا در معاملات تجاری با دیگر بازارهای بزرگ بهره مند می شود.

عضویت در اتحادیه اروپا یعنی تحرک آزاد کارگری که دسترسی به نیروهای کار ماهر را برای کشور آسان می کند. مهاجران نیز بیشتر از آنچه از اعتبارات عمومی بهره می گیرند، در اقتصاد مشارکت می کنند.

عضویت در اتحادیه اروپا دسترسی به بازاری با ارزش ۵۰۰ میلیون نفر را در اختیار بریتانیا می گذارد. ترک عضویت یعنی تعرفه ۹۰ درصدی برای صادرات به اتحادیه اروپا.

تشریفات دست و پاگیر دلیل خوبی برای ترک عضویت نیست. بریتانیا پس از هلند که دیگر عضو اتحادیه اروپا است، دواستانه ترین محیط رقابتی را در قوانین بوروکراسی خود دارد.

بقیه دنیا چه فکری خواهد کرد؟ شاید برای رأی دهندگان بریتانیایی اهمیت نداشت باشد اما اوباما رئیس جمهوری امریکا هشدار داده است که بریتانیا برای حفظ موقعیت و نفوذ خود در سطح جهان باید در اتحادیه اروپا باقی بماند. شی جین پینگ رئیس جمهوری چین نیز تأکید کرده است که اتحادیه اروپا را با عضویت بریتانیا ترجیح می دهد.

مردد: ۹ درصد

رفتن

% ۳۹

ماندن

% ۵۲

مردد

% ۹

### جمع بندی

باشد، مسئله رأی گیری به تنهایی تأثیراتی بر اقتصاد منطقه خواهد گذاشت. تحلیل گران اچ ای بی سی اخیراً در گزارشی اظهار کرده اند که رأی گیری بهتر است هرچه سریع تر انجام شود تا از آثار مخرب اقتصادی که از عدم قطعیت در این زمینه ایجاد می شود، جلوگیری شود. توماس سمپسون کارشناس امور تجاری در دانشگاه اقتصاد لندن می گوید: «انتظار می رود این مسئله تأثیر منفی داشته باشد. کاملاً مشخص است که هرچا عدم قطعیت بیشتری حاکم باشد، سرمایه گذاری در کسب و کارها با تأخیر بیشتری مواجه خواهد شد.»

دیوید کمرون نخست وزیر بریتانیا وعده داده است که تا پایان سال ۲۰۱۷ این همه پرسی برگزار شود. اما این احتمال وجود دارد که در تابستان سال ۲۰۱۶ این اتفاق بیفتد. او سعی دارد در اتحادیه اروپا بماند اما قصد دارد درباره شکل عضویت مذاکرات جدیدی انجام دهد. تحلیل گران می گویند او تلاش می کند مزایای مهاجران را که در سال های اولیه ورود خود به بریتانیا بر آن تأکید داشتند، محدود کند. او همچنین به تضمین هایی برای جدایی سیاسی از اروپا نیاز دارد. جدا از نتیجه ای که این همه پرسی ممکن است به همراه داشته

# کره از هم‌سنی با ژاپن می‌ترسد

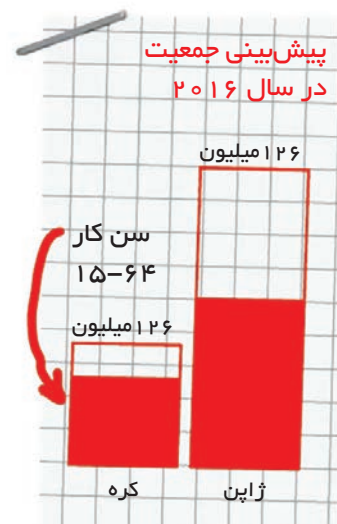
کاهش نرخ مولید در کره جنوبی باعث کوچک‌شدن نیروی کار خواهد شد

## بروس اینهورن

در نقطه‌ای از سال ۲۰۱۶ سن جمعیت کار کره جنوبی به اوج خود که ۳۷ میلیون نفر است، خواهد رسید. اما پس از آن، این نرخ با کاهش ۱٫۳ درصدی تا اواخر این دهه مواجه خواهد شد. کاون تایی‌شین رئیس موسسه تحقیقاتی کره می‌گوید: «ما از اساس با مشکلات ساختاری مواجه هستیم».

لی‌یانگ ووک همکار تایی‌شین در موسسه تحقیقاتی کره در سئول می‌گوید: «این وضعیت مشابه موقعیت ژاپن است». جمعیت ژاپن در سال ۲۰۰۸ به اوج خود رسید و از آن به بعد روندی کاهشی را در پیش گرفت. در ازای هر چهار ژاپنی، یک نفر ۶۵ سال یا بیشتر سن دارد. سن جمعیت کارگری نیز در سال ۱۹۹۵ به اوج خود رسید. در کره جنوبی اکنون افراد ۶۵ سال به بالا حدود ۱۳ درصد از جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهند. طبق آمار مرکز آمار کره، این رقم در سال ۲۰۰۷ برابر با ۱۰ درصد بود. برخی محاسبات اوضاع را وخیم‌تر نشان می‌دهد: در کره در ازای هر مادر، ۱٫۲ فرزند وجود دارد در حالی که این رقم بسیار کمتر از ۱٫۴ ژاپن است. برای اینکه جمعیت به طور پیوسته و باثبات ادامه پیدا کند این رقم باید بالای ۲ باشد. یک موسسه بین‌المللی در لندن در سال ۲۰۱۵ به بررسی کیفیت زندگی افراد مسن در ۹۶ کشور جهان پرداخته‌است. ژاپن جزو ۱۰ کشور نخست بود، اما کره جنوبی در ردیف شصتم قرار داشت. در حقیقت پس از سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی و کشورهای ترکیه و یونان، در این ردیف قرار گرفته‌است.

جمعیت مسن باعث از بین رفتن تلاش‌های دولت برای احیای اقتصاد این کشور شده‌است؛ اقتصادی که به دلیل کاهش صادرات و ضعف تقاضای داخلی دچار مشکل شده‌است. جوزف اینکالکاترا کارشناس اقتصادی در هنگ‌کنگ می‌گوید: «این مسئله پتانسیل نرخ رشد اقتصادی را پایین می‌آورد.» بر اساس گزارش



مجلس در سال گذشته، متوسط رشد تولید ناخالص داخلی بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ معادل ۳٫۶ درصد خواهد بود. اما تغییراتی جمعیتی، دستیابی به این هدف را دشوار می‌کند. اینکالکاترا گفته‌است از آنجا که تقاضای داخلی در نیمی از رشد تولید ناخالص داخلی سهم دارد، کره جنوبی باید به مناسباتی دست پیدا کند که در آن نیروی کار کمترین تأثیر را در مصرف داشته باشد.

کاهش نیروی کار باید راه‌های جدیدی برای کارگران جوان باز کند. اکنون آنها در حال ضرر کردن هستند. بر اساس گفته‌های امیلی دایس کارشناس اقتصادی مودیز، در حالی که نرخ بیکاری به صورت کلی زیر ۴ درصد است، متوسط بیکاری برای کارگران ۱۵ تا ۲۹ سال ۹٫۶ درصد است که نسبت به رقم ۷٫۷ درصدی سال ۲۰۱۲ افزایش داشته‌است. بسیاری از مشاغل که در دسترس افراد جوان هستند، شغل‌های موقت‌اند و مزایایی را که افراد میان‌سال کره از آن برخوردار هستند ندارند. حدود یک‌چهارم از کارگران به این مشاغل موقت مشغول‌اند. آدریان موات رئیس موسسه جی‌پی مورگان می‌گوید: «آن دسته از مردم کره که سن بالایی دارند در موقعیت‌های شغلی ثابت قرار دارند. در مقابل، افرادی که در ۲۰ سالگی و اوایل ۳۰ سالگی خود قرار دارند با شغل‌های کوتاه‌مدت و موقت دست‌وپنجه نرم می‌کنند.» این مسئله باعث تشدید مشکل جمعیت شده است. موات می‌گوید: «اگر شما هنوز خانه و کاشانه‌ای نداشته باشید نمی‌توانید به راحتی و با آرامش صاحب فرزند شوید.»

کره جنوبی برای اینکه مثل ژاپن دچار دردهای جمعیتی نشود قصد دارد اصلاحاتی را در قوانین کار صورت دهد و شرکت‌های بزرگ را تشویق به جذب نیروی کار جوان با درآمد بالا کند. پارک جون‌های رئیس جمهوری که هیچ‌گاه ازدواج نکرده‌است نیز قدمی رو به جلو برداشته و زنان را تشویق به فرزندآوری کرده‌است. دولت او سیاست‌های تشویقی برای ازدیاد نسل در نظر گرفته و از تحصیلات کودکان حمایت می‌کند. این اقدامات اولیه، خوب است اما تغییرات بزرگی در نظام کارفرماها نیز مورد نیاز است. به هر حال فرهنگ و سیاست باید همگام با هم پیش بروند.

## نگاهی به وضعیت بدهی یونان

| مارس و آوریل ۲۰۱۶                                                                                                                                                                                                                              | زمستان ۲۰۱۶                                                                                          | ۶ نوامبر ۲۰۱۵                                                                            | ۳۱ اکتبر ۲۰۱۵                                                                                                                             | پاییز ۲۰۱۵                                                                                       | آگوست ۲۰۱۵                                                                                           |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| اعتباردهندگان به بررسی پیشرفت و سلامت اقتصاد این کشور می‌پردازند تا تأثیر پرداخت اعتبار را بسنجند. در صورت عدم رضایت، درخواست اقدامات ریاضتی بیشتر مطرح خواهد شد که دوباره پرسش خروج یونان از اتحادیه اروپا (گرگزیت/Grexit) را مطرح خواهد کرد. | حوزه یورو درباره سیاست‌های یونان مذاکره خواهند کرد و درباره تکمیل نخستین کمک مالی تصمیم خواهند گرفت. | آخرین مهلت برای بانک‌هاست تا بتوانند جزئیات برنامه‌های افزایشی سرمایه خود را اعلام کنند. | بانک مرکزی اروپا اعلام کرد که چهار بانک اصلی یونان به ۴۰۴ تا ۱۴۰۴ میلیارد یورو نیاز دارند تا بتوانند سرمایه‌های اضافی را به گردش درآورند. | وکلی یونانی سن بازنشستگی را افزایش دادند، مستمری‌ها را کاهش دادند و میزان مالیات را بیشتر کردند. | یونان سومین قرارداد را برای دریافت کمک مالی امضا می‌کند تا در ازای آن اصلاحاتی در نظام خود صورت دهد. |

با رقم ۸۶ میلیارد یورو



آژانس مهاجرت سوئد اعلام کرده است که نیازهای اولیه مهاجران در سال ۲۰۱۶ هزینه ای ۶۰ میلیارد کرونی (۷ میلیارد دلاری) برای دولت در پی خواهد داشت. دولت های محلی و سازمان های خصوصی چند میلیارد هزینه بیشتر می پردازند.

## پناهندگان

# سوئد تحت فشار قرار خواهد گرفت

سوئد در عرض سه سال بیش از ۴۰۰ هزار مهاجر پذیرفته است

## کارول متلاک

سوئد که خود را نیروی برتر در بشردوستی می داند مدت هاست که پذیرای تعداد زیادی از مهاجران است. برخی از مهاجران، یهودیانی هستند که از هولوکاست گریخته اند، برخی دیگر نیز قربانیان جنگ های داخلی و فجایع طبیعی هستند. حدود ۱۶ درصد از جمعیت سوئد را افرادی تشکیل می دهند که خارج از خاک این کشور به دنیا آمده اند. این رقم بسیار بالاتر از ۱۳ درصد امریکاست. از دهه ۹۰ میلادی تاکنون این کشور ۹۶ میلیون نفری حوزه اسکندیناوی صد هাজার مهاجر از یوگسلاوی سابق، خاورمیانه و آفریقا پذیرفته است.

با این حال سوئدی ها تاکنون با میزان فعلی هجوم مهاجران به کشور مواجه نشده بودند. پیش بینی می شود بین سال های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۶ حدود ۳۰ هزار مهاجر از افغانستان، عراق و سوریه وارد این کشور بشوند. این میزان نیز به ۷۵ هزار نفری اضافه خواهد شد که سال گذشته در جستجوی سرپناه بودند. گویی کارولینای شمالی شهر کوچکی را در سه سال گذشته در خود پروراند است.

به نظر می رسد مهمان نوازی این کشور به زودی کمتر شود چرا که دولت در ۲۳ اکتبر اعلام کرد سیاست اعطای اقامت دائم به پناهندگان را متوقف خواهد کرد. در آینده بزرگسالانی که وارد خاک سوئد می شوند و فرزندی ندارند تنها اجازه اقامت موقت خواهند داشت.

آژانس مهاجرت سوئد اعلام کرده است که نیازهای اولیه مهاجران در سال ۲۰۱۶ هزینه ای ۶۰ میلیارد کرونی (۷ میلیارد دلاری) برای دولت در پی خواهد داشت. دولت های محلی و سازمان های خصوصی چند میلیارد هزینه بیشتر می پردازند. مارگوت وال استروم وزیر امور خارجه سوئد روز ۳۰ اکتبر در مصاحبه ای اظهار کرد: «اگر این هجوم مهار نشود باعث سقوط نظام ما در درازمدت خواهد شد.»

میزان چالش هایی که کشور با آن مواجه است در شهر مالوم واقع در شمال سوئد به خوبی قابل مشاهده است چرا که این شهر مرکز اصلی ورود پناهندگان و مهاجران بوده است. این روزها قطارهایی که به مالوم

می آیند روزانه ۳۰۰ تا ۴۰۰ مهاجر با خود می آورند. داوطلبان صلیب سرخ نیز آنها را همراهی می کنند و خوراک و پوشاک مورد نیازشان را به دستشان می رسانند و سپس آنها را به آژانس های مهاجرت تحویل می دهند.

عبدالرحیم القور در حالی که با دختر شش ساله اش در ایستگاه اتوبوس منتظر است، می گوید پس از بمباران تعمدی خانه اش در سوریه به آنجا پناه آورده است. او از سفری ترسناک با قایق در مدیترانه سخن می گوید. چشمانش از خستگی رمق ندارد اما وقتی از همسر و چهار فرزند دیگرش که به زودی به آنها ملحق خواهد شد حرف می زند، همان چشمان خسته، برق می زند. او به محض اینکه مجوز اقامت دائم را دریافت کند این حق را خواهد داشت که خویشاوندان درجه یک خود را به این کشور بیاورد. او می گوید: «بسیاری از دوستان من در سالی که گذشت به این کشور آمدند و اکنون در کنار خانواده شان با امنیت زندگی می کنند.»

القور و دوستانش به دهها نفر از افرادی که در جستجوی پناهگاه هستند خواهند پیوست. مسئولان و مقامات در حال سروکله زدن با این چالش بزرگ هستند.

یافتن جای خواب و غذا، تازه ابتدای کار است. سوئد برای استفاده از این مهاجران به عنوان نیروی کار مشکلات بسیاری دارد چرا که آنها اغلب مهارت خاصی ندارند. در حالی که نرخ بیکاری در افراد بومی سوئد ۶٫۵ درصد است، این نرخ در افراد مهاجر ۱۶ درصد است. به طور متوسط هفت سال طول می کشد تا مهاجران سوئد بتوانند روی پای خود بایستند و زندگی خود را بچرخانند. حتی کارشناسان اقتصادی ادعا می کنند که برخی از این افراد هرگز نمی توانند به استقلال مالی برسند. البته برخی از تازه واردان که اخیراً از سوریه به سوئد آمده اند، تحصیل کرده هستند و می توانند به سرعت به عنوان نیروی کار جذب شوند. برای مثال رامایوسف زنی بود که در سال ۲۰۱۳ به همراه خانواده اش به این کشور آمد و پس از پنج ماه وارد کادر دولتی شد. او اکنون در دانشگاه استکهلم نیز مشغول به تحصیل است. او می گوید: «مردم سوئد لطف های بی شماری به من داشته اند.»

## نرخ بهره های جهانی

برآورد نرخ بهره بانک های مرکزی تا پایان توسط کارشناسان اقتصادی بلومبرگ

### چین

|      |       |
|------|-------|
| ۲۰۱۵ | ۴.۳۵% |
| ۲۰۱۶ | ۴.۲۰% |

سیاست های پولی همچنان باز خواهد بود.

### حوزه یورو

|      |       |
|------|-------|
| ۲۰۱۵ | ۰.۰۵% |
| ۲۰۱۶ | ۰.۰۵% |

### هند

|      |       |
|------|-------|
| ۲۰۱۵ | ۶.۷۵% |
| ۲۰۱۶ | ۶.۵۵% |

### ژاپن

|      |       |
|------|-------|
| ۲۰۱۵ | ۰.۱۰% |
| ۲۰۱۶ | ۰.۱۰% |

ژاپن همچنان به تحریک اقتصاد خود ادامه خواهد داد.

### روسیه

|      |        |
|------|--------|
| ۲۰۱۵ | ۱۰.۵۰% |
| ۲۰۱۶ | ۷.۹۰%  |

تورم روسیه کاهش خواهد یافت.

### بریتانیا

|      |       |
|------|-------|
| ۲۰۱۵ | ۰.۵۰% |
| ۲۰۱۶ | ۱.۱۰% |

### ایالات متحده امریکا

|      |       |
|------|-------|
| ۲۰۱۵ | ۰.۴۵% |
| ۲۰۱۶ | ۱.۲۵% |

ایالات متحده امریکا نرخ بهره را افزایش خواهد داد اما باز هم نسبت به استانداردهای تاریخی، بسیار پایین خواهد بود

# مایکروسافت تلاش می کند دوست داشته شود

## این شرکت تلاش کرده سروصدا کند؛ موفق هم شده است

دینا باس

شدن محصولاتی با سرپرستی نادلا نسبت داده است. مایکروسافت در ماه اکتبر آمار مثبتی از نخستین لپ تاپ خود با عنوان سرفیس بوک منتشر کرد. این لپ تاپ ویژگی های منحصر به فردی دارد که به کاربران قابلیت های خاصی می دهد؛ ویژگی هایی که دیگر لپ تاپ ها از آن برخوردار نیستند. سرفیس بوک براق و نقره ای رنگ است و شباهت زیادی به مک بوک اپل دارد. به نظر می رسد این لپ تاپ مشتری های اپل را هدف قرار داده است. حتی قیمت آن نیز که از ۱۵۰۰ دلار آغاز می شود این شباهت را نشان می دهد. مایکل سیلور تحلیل گر و پژوهشگر موسسه گارتنر می گوید: «این یکی از بهترین ویندوز هایی است که می تواند با اپل رقابت کند. این یک محصول متفاوت است و در عین حال ویژگی هایی دارد که تاکنون فقط اپل داشت.»

برخی از دیگر اقدامات مایکروسافت در زمینه سخت افزار کاملاً مایوس کننده بودند. نادلا اوایل سال جاری کل ۹.۵ میلیون دلاری را که شرکت برای تلفن های همراه نوکیا پرداخت کرده بود کم کرد. این تصمیمی بود که در سال ۲۰۱۴ گرفته شده بود. او اعلام کرد که هر سال چند تلفن همراه جدید معرفی خواهد کرد و سرمایه خود را صرف نرم افزار های موبایلی خواهد کرد. مایکروسافت اعلام کرده است که نرم افزار ها و برنامه های این شرکت برای آی اُس و اندروید از نخستین باری که در ماه مارس سال ۲۰۱۴ معرفی شده اند تاکنون ۲۰۰ میلیون مرتبه بیشتر دانلود شده اند. این شرکت نیز برنامه ها و نرم افزار هایی را برای ایمیل، تقویم و دیگر مسائل برای آی اُس و اندروید توسعه داده و در اختیار کاربران گذاشته است.

هر چند سرمایه گذاران احتمال می دادند درآمد مایکروسافت در ماه سپتامبر افزایش یافته باشد اما درآمد این شرکت نسبت به دوره مشابه در سال گذشته ۱.۵ میلیارد دلار کاهش داشت. البته بخشی از این ضرر به دلیل جمع آوری گوشی های همراه است. اما کولین جیلیس تحلیل گر بی جی سی فایننشال می گوید: «برخی از استراتژی های مایکروسافت برای جذب مخاطب نظیر نسخه های رایگان اپلیکیشن های آفیس برای موبایل و ارتقای رایگاه ویندوز ۱۰ باعث محدود شدن یا کاهش درآمدها شده است.» جیلیس همچنین می گوید: «نادلا باید ضمن ارائه استراتژی های جدید نشان بدهد که سود هم خواهد داشت.»

کاپوسلا می گوید این مهم ترین اقدام است. او تأکید می کند که سال آینده برای ویندوز ۱۰ سالی بسیار چالش برانگیز خواهد بود. علاوه بر آن، این سال برای حفظ سهم بازار از سوی محصولاتی نظیر آزور نیز دشوار خواهد بود. دانیل مورگان مدیر ارشد سینووس سکيوریتیز می گوید: «حداقل برای زمان حال، بهترین و مثبت ترین شرایط را در ۱۵ سال گذشته برای مایکروسافت شاهد هستیم.»

در سال ۲۰۱۵ اپل کاری کرد که مایکروسافت یک غیبگو به نظر بیاید. اپل در ماه سپتامبر طی رونمایی سالانه از محصولات خود، آی پدی را معرفی کرد که برای کاربران اهل کسب و کار طراحی شده بود اما این محصول بسیار شبیه به سرفیس پروی مایکروسافت بود و باعث شد این شرکت در جامعه آنلاین به شرکتی متقلب و تقلیدکار شهرت پیدا کند. شاید اپل ایده چنین چیزی را سال ها پیش از اقدام مایکروسافت در سر داشته است. کریس کاپوسلا رئیس بازاریابی مایکروسافت می گوید: «کنون همه چیز خیلی بهتر شده است. شرکت اکنون جای بیشتری برای تحرک و پویایی دارد.»

البته کاپوسلا تأکید می کند که مایکروسافت هنوز باید کارهای بسیاری انجام دهد تا مردم را هیجان زده کند. او می گوید: «ارتباط با مصرف کننده همیشه یک چالش مهم خواهد بود. سال آینده ساتیا نادلا سومین مدیر عامل این شرکت نشان خواهد داد که آیا این شرکت مردم را وادار خواهد کرد محصولاتش را دوست داشته باشند یا بی تحرک خواهد بود.»

شرکت مایکروسافت اکنون فاصله بسیاری با آن زمانی دارد که نادلا در اوایل سال ۲۰۱۴ شرکت را تحویل داد. آن زمان یک سال پس از کاهش تیلتهای سرفیس و ویندوز ۸ بود. بر اساس بررسی های سالانه مصرف کنندگان در دلبیوی پی، از سال ۲۰۱۳ تاکنون، شرکت مایکروسافت رتبه خود را از هفتم به سوم رسانده است و در میان برندها پشت سر اپل و گوگل قرار دارد. کار برند مشاور بازاریابی اظهار می کند که این شرکت در پژوهش مشابهی در این دوره از رتبه بیستم به رتبه هفتم رسیده است. گزارش برندها این پیشرفت مایکروسافت را به مدرن

هر چند سرمایه گذاران احتمال می دادند درآمد مایکروسافت در ماه سپتامبر افزایش یافته باشد اما درآمد این شرکت نسبت به دوره مشابه در سال گذشته ۱.۵ میلیارد دلار کاهش داشت





مدیران اپل قصد دارند، تعداد فروشگاه های خود را در کشور چین، تا نیمه سال ۲۰۱۶ از ۲۴ به ۴۰ فروشگاه برسانند که این امر به خوبی نشان می دهد، تمرکز بر بازار اپل در چین است.

## سخت افزار



# کاهش رشد اقتصادی چین اپل را دلسرد نخواهد کرد

نخستین خریداران تلفن همراه هوشمند در پکن رو به انقراض اند  
اما اپل همچنان به خریداران این کشور متکی است

آدام ساتاریانو

وو کای دانشجوی ۱۷ ساله در ماه سپتامبر به فروشگاه بزرگ مرکزی شیدان جوی سیتی در پکن رفت و از طریق یک فروشگاه اپل برای خودش و دوستش دو آیفون خرید. او همچنین سفارش دو دستگاه آیفون دیگر برای والدینش داد. البته خانواده او از قبل ابزارهای اپل نظیر مکتوبک و آی پد نیز داشتند. آنها همچنین در جستجوی آی پد پرو بودند. او می گفت: «محصولات اپل به اعضای خانواده ما تبدیل شده اند.»

مشتریان چینی نظیر وو به شرکت اپل کمک کرده اند از تأثیرات سقوطی که رقبا این شرکت تجربه کرده اند در امان بماند. رامون لیاماس تحلیل گر آی دی سی با توجه به نیمی از فروش که توسط خریداران اولیه صورت گرفته است، اظهار می کند: «بازار گوشی همراه هوشمند در چین مانند ایالات متحده آمریکا شده است.» بررسی های صنعتی نشان می دهد حمل و نقل گوشی های همراه هوشمند چین امسال با سرعت بالایی به میزان ۱۰ درصد رشد داشته است. سال گذشته این میزان ۲۰ درصد و در سال ۲۰۱۳ رشد آن ۶۴ درصد بوده است. اینها آمارهایی است که آی دی سی نشان می دهد. شرکت اپل فروش خود به چین را برای یک چهارم سال منتهی به ماه سپتامبر دو برابر کرد و به ۱۲٫۵ میلیارد دلار رساند. این شرکت در ماه سپتامبر با رونمایی از آیفون مدل سیکس اس بیش از ۱۳ میلیون دستگاه آیفون به فروش رساند. این میزان ۳ میلیون بیشتر از فروش آیفون سیکس اس. در آن زمان این گوشی در چین در دسترس نبود. پرسش اصلی این است که اپل تا چه زمانی می تواند کاهش رشد اقتصادی چین را تحمل کند و محصولاتش را در این کشور به فروش برساند. قرارداد این شرکت با چاینا موبایل که آیفون ها را به گزیندهای در دسترس برای ۸۲۲ میلیون مشتری در سال ۲۰۱۴ تبدیل کرد، مهم ترین نقش را در موفقیت های اخیر آیفون داشته است. لیاماس می گوید: «جایی مثل چاینا موبایل از پارانهای برای موبایل های مدل بالا برخوردارند.»

فروش محصولات دیگر اپل نظیر ساعت آن چندان با استقبال عمومی مواجه نشده است؛ بازار آی پد نیز راکد است. سهام شرکت اپل از ماه آوریل که به اوج خود رسید تاکنون ۸٫۹ درصد کاهش یافته است. بخشی از این روند کاهش به دلیل نگرانی از کاهش قدرت خرید مشتری های چینی آیفون به وجود آمد که سهام داران را از امکان عدم رشد شرکت اپل در چین می ترساند. چانینگ اسمیت مدیر اجرایی کپیتال ادوایزرز که جزو سهام داران اپل است اظهار می کند که این شرکت احتمالاً در کوتاه مدت با مشکل رشد مواجه خواهد شد. اما او معتقد است اپل در درازمدت می تواند خدماتی نظیر تلویزیون اپل را توسعه بدهد و این خدمات ارزش بسیاری در طول زمان به همراه خواهد داشت. اپل متخصصان نرم افزاری بیشتری را در چین استخدام کرده است. در فروشگاه مجازی اپ استور بیش از ۲۵۰ هزار اپلیکیشن مورد استفاده برای تلفن های همراه هوشمند وجود دارد که مهندس های محلی آنها را طراحی کرده اند. این برنامه ها شامل بازی ها و دیگر ابزارهای مختص چینی ها می شود. تعداد این برنامه ها نسبت به سال گذشته ۱۵۰ هزار مورد افزایش داشته است. علاوه بر آن ویژگی هایی برای کیبورد چینی زبان ها اضافه شده است که هدف را با وضوح بیشتری نشان می دهد؛ آنها همچنین قصد دارند تعداد فروشگاه های خود را در این کشور تا نیمه سال آتی از ۲۴ به ۴۰ فروشگاه برسانند.

تیم کوک مدیرعامل اپل تلاش می کند هر نوع مسئله ای را که در فروش در چین اختلال ایجاد می کند برطرف کند و به این ترتیب موقعیت شرکت را در چین حفظ کند. او در ماه سپتامبر دیداری با شی جین پینگ رئیس جمهوری چین داشت، زمانی که برای دیدار به ایالات متحده آمریکا آمده بود. آنها در کاخ سفید سر یک میز با یکدیگر شام خوردند. در ماه اکتبر کوک عکس هایی از دیوار بزرگ چین در توئیتر خود گذاشت و در نشست با اعضای دانشگاه چین ملاقات کرد. او در روز ۲۷ اکتبر اعلام کرد: «ما زمانی رشد کردیم که بازار هیچ رشدی نکرد. ما همچنان به سرمایه گذاری خود در چین در دهه های آتی ادامه خواهیم داد.»

تیم کوک  
مدیرعامل اپل  
تلاش می کند هر  
نوع مسئله ای  
را که در فروش  
در چین اختلال  
ایجاد می کند  
برطرف کند و  
به این ترتیب  
موقعیت شرکت  
را در چین حفظ  
کند

## پایانی برای رکس یکی از پادشاهان نفتی از رده خارج می شود

ارثیه رکس تیلرسون برای هر کسی که به جای او مدیرعامل اکسون موبیل شود، شرکتی فقیرتر و بدون فرصتی برای رشد است

### جو کارول

زمانی که تیلرسون اکسون را تحویل گرفت این شرکت ۲۸٫۷ میلیارد دلار پول نقد در اختیار داشت و حدود ۴٫۳ میلیون بشکه در روز نفت خام تولید می کرد. امروز تولید اکسون به ۴ میلیون بشکه در روز کاهش یافته و ذخایر نقدی آن نیز کاهش ۸۵ درصدی داشته و به ۴٫۳ میلیارد دلار رسیده است. دلیل این ضرر و زیان ها نیز افزایش پروژه های پرهزینه و کاهش قیمت های انرژی است. برایان یانگبرگ تحلیل گری در ادوارد جونز می گوید: «دنیا از زمانی که رکس تیلرسون به مدیریت رسید تاکنون تغییرات چشمگیری داشته است. همین حقیقت که او شرکتی را برای جانشین خود به جای می گذارد که بسیار کمتر از ۱۰ سال پیش نفت خام تولید خواهد کرد گویای تغییرات است.»

زمانی که تیلرسون مدیرعامل اکسون موبیل شد چشم انداز اکتشاف از غرب آفریقا تا امریکای لاتین بالای ۸۸ میلیارد دلار بود. اما اکنون اوضاع تغییر کرده و او باید به دنبال منابعی برای رشد باشد. دو حرکتی که تاکنون داشته برای آنها ضررهایی به همراه داشته است. او در سال ۲۰۱۰ در زمینه حفاری گاز شیل در تگزاس به میزان ۳۵ میلیارد دلار سرمایه گذاری کرد. در سال ۲۰۱۲ قیمت گاز به پایین ترین میزان خود در تاریخ رسید. یانگبرگ می گوید: «او روی گاز طبیعی شرط بندی کرد اما قیمت ها کاهش یافت و همه چیز طور دیگری پیش رفت.»

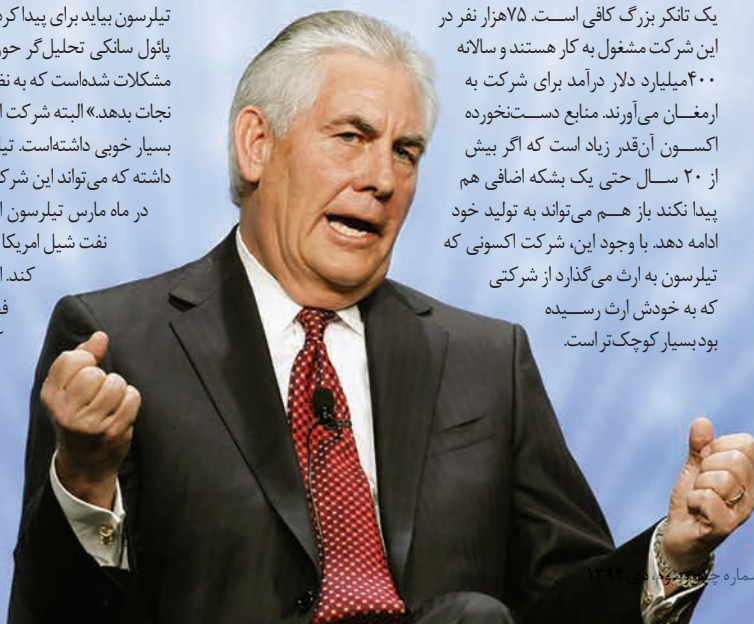
تیلرسون در سال ۲۰۱۱ وارد سرمایه گذاری مشترکی شد تا به کمک شرکت نفت روسی رزنفت از قطب نفت بیرون بکشند. اما پس از مشکلاتی که ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه در زمینه اوکراین پیش آورد این قرارداد دچار اختلال شد چرا که تحریم های بین المللی علیه روسیه صورت گرفت. اکسون مجبور شد پروژه را با وجود ۱ میلیارد دلاری که تا آن زمان هزینه کرده بود، ترک کند. اکنون که قیمت نفت به زیر ۵۰ دلار در ازای هر بشکه رسیده است، اوضاع دشوارتر نیز شده است. هر کسی که به جای تیلرسون بیاید برای پیدا کردن میدان های جدید نفتی به درسر خواهد افتاد. پائول سانکی تحلیل گر حوزه انرژی می گوید: «اکسون موبیل وارد دورهای از مشکلات شده است که به نظر نمی رسد چیزی به جز قیمت نفت بتواند آن را نجات بدهد.» البته شرکت اکسون موبیل در مقابل رقبای نفتی خود عملکرد بسیار خوبی داشته است. تیلرسون سرمایه گذاری هایی در ابرپروژه های نفتی داشته که می تواند این شرکت را تا چندین دهه روی پای خود نگه دارد.

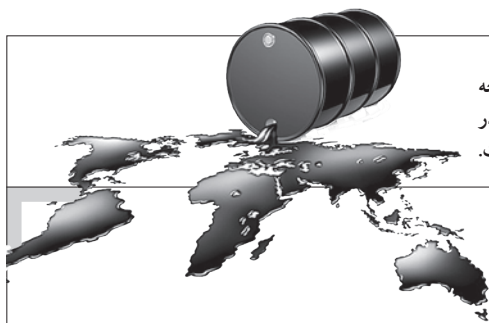
در ماه مارس تیلرسون اعلام کرد که شرکت اکسون قصد دارد به کمک نفت شیل امریکا تولید نفت خام خود را در عرض سه سال دوبرابر کند. این مسئله برای ویلیامز که در بخش بالادستی فعالیت می کند بسیار خوب است اما در مورد وودز که در بخش پایین دستی صنعت نفت فعال است مسئله متفاوت است. در نهایت اینکه چه کسی به مدیرعاملی اکسون خواهد رسید به هیات مدیره بستگی دارد. اگر مانند دفعه پیش باشد، بازنده باید جای دیگری را برای کار پیدا کند.

یک دهه پیش زمانی که لی ریموند مدیرعامل سابق اکسون موبیل به دوران بازنشستگی خود نزدیک می شد، رکس تیلرسون بهترین گزینه به نظر می آمد. مردی ۵۳ ساله اهل تگزاس با مدرک مهندسی و سابقه فعالیت های اجرایی؛ تیلرسون کسی بود که ۳۰ سال در بخش بالادستی صنعت نفت حضور داشت و با کسب و کار در این حوزه آشنا بود. او زندگی خود را صرف اکتشاف و تولید نفت و گاز کرده بود. او حتی در رزومه خود سابقه حضور در یمن و تایلند نیز داشت. رقیب او اد گالاته بود که در بخش پایین دستی به ویژه در زمینه پالایش گاز طبیعی و تبدیل آن به سوخت مورد نیاز تخصص داشت. هرچند پالایش و پتروشیمی امر مهمی به شمار می رود اما آنچه ۸۰ درصد از سود اکسون موبیل را تشکیل می دهد صنایع بخش بالادستی است. بالاخره در ژانویه ۲۰۰۶ تیلرسون به عنوان مدیرعامل اکسون موبیل انتخاب شد. گالاته تا پایان ماه بازنشسته شده بود. اکنون بزرگترین شرکت نفت امریکا به دنبال مدیرعاملی جدید است. بر اساس قانون، تیلرسون باید در سن ۶۵ سالگی در ماه مارس سال ۲۰۱۷ بازنشسته شود اما در میانه سال ۲۰۱۶ هیات مدیره درباره جانشین او تصمیم خواهد گرفت. این رقابت تا میزان زیادی شبیه به دوره قبلی است. کاندیداهای اصلی جک ویلیامز و دارن وودز هستند. ویلیامز سرپرستی بخشی را به عهده دارد که ۴۵ هزار چاه نفت و گاز را مدیریت می کند. وودز نیز رئیس بخش کسب و کار پالایشی است و هر ساعت از روز ۱۰ میلیون گالن بنزین، گازوئیل و دیگر سوخت های فسیلی تولید می کند. برنده این میدان، مدیریت شرکتی را به عهده می گیرد که هر اقدامی انجام دهد در این حوزه تأثیرگذار است. این شرکت در طول یک روز آن قدر نفت از دل زمین بیرون می کشد که برای پر کردن

یک تانکر بزرگ کافی است. ۷۵ هزار نفر در این شرکت مشغول به کار هستند و سالانه ۴۰۰ میلیارد دلار درآمد برای شرکت به ارمغان می آورند. منابع دست نخورده اکسون آن قدر زیاد است که اگر بیش از ۲۰ سال حتی یک بشکه اضافی هم پیدا نکنند باز هم می تواند به تولید خود ادامه دهد. با وجود این، شرکت اکسونی که تیلرسون به ارث می گذارد از شرکتی که به خودش ارث رسیده بود بسیار کوچک تر است.

تیلرسون در سال ۲۰۱۱ وارد سرمایه گذاری مشترکی شد تا به کمک شرکت نفت روسی رزنفت از قطب نفت بیرون بکشند. اما پس از مشکلاتی که ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه در زمینه اوکراین پیش آورد این قرارداد دچار اختلال شد چرا که تحریم های بین المللی علیه روسیه صورت گرفت





بازگشت ایران به بازارهای جهانی نفت در حالی صورت می‌گیرد که دنیا با مازاد عرضه نفت مواجه است. نفت بیش از آنچه مورد نیاز است در جهان تولید شده‌است. بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده از آژانس بین‌المللی انرژی، تولید جهانی نفت در نیمه نخست سال ۲۰۱۵ به متوسط ۹۵ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه در روز رسیده‌است.

## صادرات

# نفت ایرانی‌ها دوباره به بازار می‌آید

ایران پس از سال‌ها دست‌وپنجه نرم کردن با تحریم اکنون خودش را آماده می‌کند تا دوباره تولید نفت خود را افزایش دهد و مشتری‌هایی را که سعودی‌ها و روس‌ها ربوده‌اند بازگرداند

### زاویر بلاس

سرنوشت بازار نفت در سال ۲۰۱۶ تا حد زیادی به میدان‌های نفتی نظیر اهواز، گچساران، بی‌بی حکیمه و دارخوین بستگی دارد. همه این میدان‌ها نفت را از هزاران متر زیر رشته‌کوه البرز در غرب ایران بیرون می‌کشند. از میانه سال ۲۰۱۲ به بعد این میدان‌ها بسیار کمتر از ظرفیت اصلی خود نفت تولید کرده‌اند چرا که تحریم‌های ایالات متحده آمریکا و اروپا علیه ایران، صادرات نفت خام این کشور را محدود می‌کرد. اکنون که تهران به توافقی تاریخی با قدرت‌های بزرگ غربی دست یافته‌است به دنبال این است که به کمک مهندس‌های بزرگ نفتی خود تولید نفت را افزایش دهد.

بیژن نامدار زنگنه وزیر نفت ایران در ماه سپتامبر اعلام کرد: «این حق ماست که بلافاصله پس از برداشته شدن تحریم‌های نفتی، تولید نفت خود را به میزان سابق آن برسانیم».

بازگشت ایران به بازارهای جهانی نفت در حالی صورت می‌گیرد که دنیا با مازاد عرضه نفت مواجه است. نفت بیش از آنچه مورد نیاز است در جهان تولید شده‌است. بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده از آژانس بین‌المللی انرژی، تولید جهانی نفت در نیمه نخست سال ۲۰۱۵ به متوسط ۹۵ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه در روز رسیده‌است. این در حالی است که مصرف روزانه معادل ۹۳ میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه در روز بوده‌است. این مازاد عرضه ۲ میلیون بشکه‌ای برابر با مصرف یک روز فرانسه است. اکنون رهبران نفتی ناگزیر شده‌اند این نفت را در تانکرهای بزرگ ذخیره کنند. ایرانی‌ها در سال ۲۰۱۲ نیز پس از اعمال تحریم‌ها مجبور شدند نفت خود را در تانکرهای بزرگ ذخیره کنند.

تولید نفت بیشتر از سوی ایران در سال ۲۰۱۶ باعث تشدید مازاد عرضه نفت در بازار جهانی خواهد شد. تأثیر این مسئله در تمامی نقاط جهان احساس خواهد شد. کشورهای تولیدکننده نفت نظیر روسیه، عربستان سعودی، ونزوئلا و حتی تولیدکنندگان نفت شیل در داکوتای شمالی و تگزاس از این ماجرا متضرر خواهند شد. شرکت‌های بزرگ نفتی نظیر اکسون موبیل و رویال دچ‌شل نیز از این ماجرا در امان نخواهند ماند. تحلیل‌گران با پیش‌بینی ورود دوباره نفت ایران به بازارهای جهانی نفت، قیمت طلای سیاه در سال ۲۰۱۶ را زیر ۶۰ دلار در ازای هر بشکه برآورد می‌کنند.

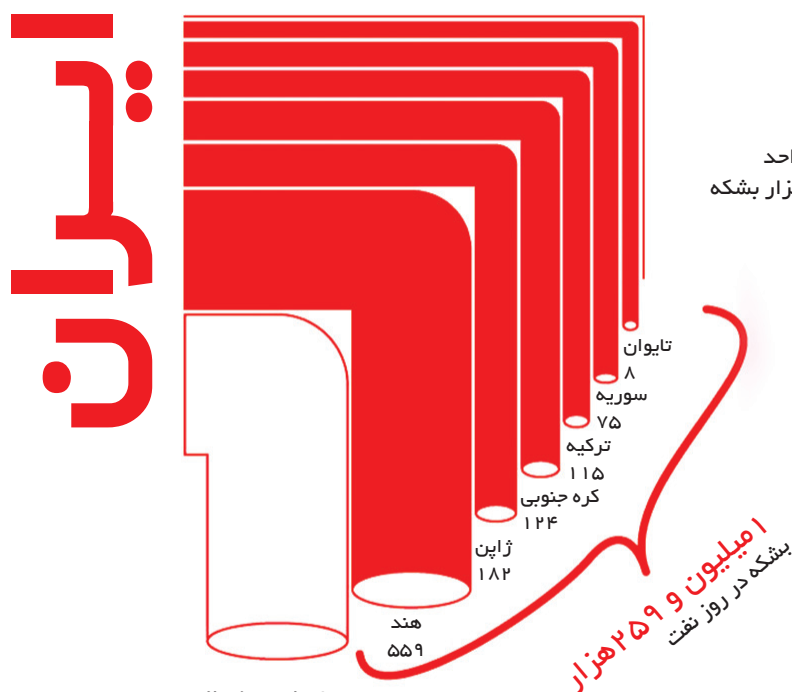
زنگنه بارها در تهران اعلام کرده‌است که یک هفته پس از برداشته شدن تحریم‌ها تولید نفت را افزایش خواهد داد و یک میلیون بشکه به آن اضافه خواهد کرد. آژانس بین‌المللی انرژی پیش‌بینی کرده‌است که شش ماه پس از برداشته شدن تحریم‌ها تولید نفت ایران به ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه در روز خواهد رسید. این بیشترین میزان تولید نفت ایران از سال ۲۰۱۱ تاکنون خواهد بود.

البته معامله‌گران و تحلیل‌گرانی نیز وجود دارند که درباره توانایی‌هایی این کشور برای افزایش آبی میزان تولید با احتیاط سخن می‌گویند. لیوار داولتشن تحلیل‌گر کپی‌تال رنسانس در لندن می‌گوید: «ما معتقدیم برداشته شدن تحریم‌ها باعث بهبود وضعیت تولید نفت در ایران خواهد شد اما ورود دوباره آن به بازار با سرعت بسیار پایینی صورت خواهد گرفت.» به هر

حال ایران می‌تواند این افراد بدبین را غافلگیر کند. کشورهایی که به لحاظ اقتصادی به نفت وابسته هستند قدرت زیادی در افزایش میزان تولید خود دارند. ونزوئلا در سال ۲۰۰۳ موفق شد تولید نفت خود را در عرض چهار ماه ۲ میلیون بشکه در روز افزایش بدهد. در حالی که در آن سال کودتا علیه هوگو چاوز رئیس‌جمهوری سابق این کشور ضربه سنگینی به تجهیزات این کشور وارد کرده بود. در سال ۲۰۱۱ نیز لیبی دچار جنگ داخلی شد و تولید نفت این کشور به نزدیکی صفر رسید. در آن زمان همه تصور می‌کردند دست‌کم ۱۸ ماه طول می‌کشد تا این کشور تولید نفت خود را به ۱ میلیون بشکه در روز افزایش دهد اما تولید این کشور در عرض شش ماه به بیش از این مقدار رسید. زنگنه تنها یک پیام برای بازار نفت دارد: «هدف ما و مسئولیت ما حفظ سهم در بازار است نه حمایت از قیمت نفت».

### صادرات نفت در ۲۰۱۵

ایران در ماه سپتامبر به طور متوسط ۱ میلیون و ۲۶۰ هزار بشکه در روز نفت تولید کرده‌است. این میزان برابر با حدود نیمی از تولید این کشور در سال ۲۰۱۱ است.



صادرات پیش از تحریم به اتحادیه اروپا به طور متوسط ۶۶۵ هزار بشکه در روز بوده‌است

ایران در سال ۲۰۱۱ به طور متوسط ۲ میلیون و ۵۳۷ هزار بشکه در روز نفت صادر کرده‌است. داده‌ها: بومبرگ، اوپک

## چه چیزی در خطر است؟

انتخابات ۲۰۱۶ می تواند مهم ترین انتخاباتی باشد که تا به حال دیده ایم

### جاشوا گرین

در انتخابات سال ۲۰۱۶ هیچ اجباری وجود ندارد؛ این انتخابات ریاست جمهوری بین حزب دموکرات به رهبری باراک اوباما و حزب جمهوری خواه برگزار می شود. هر چند دیدگاه عموم آمریکایی ها طی ۶۰ سال گذشته نسبتاً به ثبات رسیده است اما ایدئولوژی های دوقطبی سیاستمداران دموکرات و جمهوری خواه طی این چند دهه به طور مستمر شدت یافته است. نیرات تاندن رئیس مرکز توسعه آمریکایی و فعال لیبرال در واشنگتن می گوید: «شکاف بین این دو حزب به بالاترین حد خود در تاریخ رسیده است.»

آنچه نامزدهای انتخاباتی را در هر دو حزب از هم متمایز می کند فقط سیاست ها و راهبردهای آنها برای مقابله با مشکلات نیست. آنها در اصل مشکلات نیز با هم اختلاف نظر دارند. یعنی آنچه یک حزب مشکل می داند دیگری نمی داند. اگر مناظرات را یکی یکی دنبال کنید به خوبی می بینید موضوعات اصلی که هر کدام از نامزدها با حرارت به آنها می پردازند کاملاً با هم تفاوت دارد. دموکرات ها روی مسائلی نظیر تغییرات آب و هوایی، حمله وحشیانه پلیس آمریکا به سیاه پوستان و نیاز به افزایش حداقل دستمزد تمرکز کرده اند، در حالی که جمهوری خواهان روی مسائلی نظیر محدودیت مهاجرت و آزادی عقیدتی و مذهبی تأکید دارند و تلاش می کنند موفقیت های اوباما به ویژه در زمینه اصلاح ساختار مالی و اقتصادی را زیر سوال ببرند.

در قلمروی دموکرات ها و جمهوری خواهان بحث حتی به صورت کلی تغییر کرده است. بیابید نظارت بر حمل سلاح را در نظر بگیریم. این موضوعی است که حزب دموکرات به شکلی کاملاً محافظه کارانه نزدیک به یک دهه است از پرداختن به آن اجتناب می کند. دلیل آن نیز هزینه های

است که استراتژیست های حزب در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ به آن پی بردند و اکنون دیگر نمی خواهند به آن بپردازند. هیلاری کلینتون که اکنون پیشتر حزب دموکرات است در روز ۱۵ اکتبر درباره قوانین سختگیرانه در مورد حمل سلاح در سن آنتانیو اظهار کرد: «به من توصیه شد که بحث درباره این موضوع را متوقف کنم و در این مورد فریاد نزنم.» پس از اینکه به برنی ساندرز رقیب او حمله شد برای حمایت از او گفت: «ما در برابر این مسئله سکوت نخواهیم کرد و به فریاد خود ادامه خواهیم داد.» دموکرات ها و جمهوری خواهان در هر موردی که بحث آن در کشور آمریکا به میان می آید رادیکال و افراطی رفتار می کنند. برنامه اوباما برای موسسه حفاظت از محیط زیست و ارتقای انرژی پاک باعث منع انتشار کربن در فضا خواهد شد. اما جمهوری خواهانی که در دستگاه دولتی نفوذ یا حضور دارند این مسئله را به دادگاه کشیده اند. اگر این جریان ادامه پیدا کند رئیس جمهور بعدی باید قوانین را باز نویسی کند. همه نامزدهای دموکرات با تعهد اوباما در توقف تغییرات آب و هوایی هم عقیده و همسو هستند. اما اکثر جمهوری خواهان علم را رد می کنند؛ علمی که می گوید افزایش درجه حرارت زمین به افزایش انتشار گازهای گلخانه ای مربوط است. مارکو روبیو در حالی که سیاست های انرژی خود را در دوم سپتامبر اعلام می کرد گفت: «من برنامه های محیط زیستی انرژی پاک را متوقف خواهم کرد.»

حالا بیابید بهداشت و سلامت را در نظر بگیریم. هر رئیس جمهور دموکراتی از قوانین حمایتی در این باره دفاع خواهد کرد. اما قضیه در مورد جمهوری خواهان کاملاً متفاوت است. آنها به قانون استناد می کنند و می گویند مطابق با قانون تنها ۱۷ میلیون نفر برای پوشش درمانی تحت نظر قرار می گیرند. این خصومت و دشمنی میان طرفین به حدی است که می تواند تغییراتی را در نظام بیمه ایجاد کند.

اما بزرگ ترین شکاف میان این دو حزب در چگونگی شکل دهی دوباره به دادگاه عالی است. این بالاترین و مهم ترین نکته در تمامی این چالش ها و سیاست ها است. تا ماه نوامبر سال آینده، چهار نفر از ۹ قاضی به ۷۸ سال یا بیشتر خواهند رسید که از همه مهم تر آنتونی کندی است. نفری بعدی که به جای اوباما روی کار می آید نقش بسیار مهمی برای جابه جایی آنها خواهد داشت و می تواند هر چهار نفر را تغییر دهد. اگر چنین اتفاقی بیفتد یک رئیس جمهور جمهوری خواه می تواند حداکثر هفت جمهوری خواه در دادگاه داشته باشد و به اکثریت برسد. دموکرات ها نیز می توانند به حداکثر شش نفر دموکرات برسند. این اتفاقی است که ممکن است چند دهه طول بکشد تا رخ بدهد اما تأثیری دراز مدت در سرنوشت این کشور خواهد داشت. این تنها نقطه مشترکی است که هر دو حزب با وجود تمام تفاوت ها در مشکلات و چالش ها برای دستیابی به آن تلاش می کنند.



**ایستاده از راست**  
کاگان ۵۵ ساله  
آلیتو ۶۵ ساله  
بربر ۷۷ ساله  
سوتوماسو ۶۱ ساله  
**نشسته از راست**  
گیبگزبرگ ۸۲ ساله  
کندی ۷۹ ساله  
روبرتز ۶۰ ساله  
اسکالیا ۷۹ ساله  
توماس ۶۷ ساله



بر اساس نظرسنجی گالوپ در نیمه ماه اکتبر، ۸۳ درصد از دموکرات‌ها از عملکرد اوباما رضایت دارند که این بسیار بیشتر از ۷۹ درصد رونالد ریگان در میان جمهوری خواهان در همان مقطع البته در زمان ریاست جمهوری خودش است.

## سیاست

### باراک اوباما؛ محبوب‌تر از ریگان!

اوباما رئیس‌جمهوری امریکا می‌تواند راه را برای دموکرات‌ها در سال ۲۰۱۶ باز کند؛ میراث او به این مسئله وابسته است

#### دینا باس ➔

پرزیدنت اوباما در سال ۲۰۱۴ شبیه به یک شبخ بود. او هفته‌ها در کاخ سفید دور از چشم سایر دموکرات‌ها زندگی را سپری می‌کرد و آنها نیز از او دوری می‌کردند. اما در سال ۲۰۱۶ او بازگشتی مقتدرانه و پیروزمندانه به ستاد انتخاباتی خواهد داشت. پژوهش‌ها نشان می‌دهد او موقعیت پر قدرت خود را در حزب دموکرات‌ها دوباره به دست آورده است: بر اساس نظرسنجی گالوپ در نیمه ماه اکتبر، ۸۳ درصد از دموکرات‌ها از عملکرد او رضایت دارند که این بسیار بیشتر از ۷۹ درصد رونالد ریگان در میان جمهوری خواهان در همان مقطع البته در زمان ریاست جمهوری خودش است. نرخ پذیرش و تأیید او از سوی افراد بزرگسال ۴۶ درصد بود. جفری گارین نظرسنج دموکرات‌ها که راهبردهایی در سال ۲۰۰۸ برای هیلاری کلینتون تعیین می‌کرد، گفته است: «اوباما هم توانایی و هم اعتبار منحصر به فردی دارد که می‌تواند محرک خوبی برای دموکرات‌ها باشد.» طبق گفته این استراتژیست، اوباما نه تنها می‌تواند به نفع نامزد ریاست جمهوری حزب خودش محرک خوبی برای رأی باشد بلکه برای ستادهای انتخاباتی مجلس سنا نیز می‌تواند نقش بسیار موثری ایفا کند. این نقطه شروع متفاوتی نسبت به رهبران پیش از اوباما است. بیل کلینتون به سبب رسوایی‌ای که به بار آورد نتوانست چنین موقعیتی را برای نفر بعد ایجاد کند. جرج بوش نیز رأی دهندگان را به دلیل حمله به عراق، خشمگین و عصبانی کرد. علاوه بر آن او طوفانی در اقتصاد راه انداخته بود که به سختی قابل مهار بود. اما اوباما سعی دارد در ستادهای انتخاباتی شرکت کند و به مشکلات حزب دموکرات بپردازد. پرداختن به مسئله مهاجرت، برنامه‌های جلوگیری از انتشار کربن، ایجاد روابط سازنده با کوبا و تغییر در نظام فدرال همگی به خوبی نشان می‌دهند که برنامه‌های او توسط نفر بعدی که دموکرات است به صورت هدفمند دنبال خواهد شد. به نظر می‌رسد اوباما به این مسائل به خوبی واقف است. او در ۲۷ اکتبر در شیکاگو به شوخی گفت: «آنها تصور می‌کردند من یک اردک شل هستم اما حالا ما بال‌هایمان را باز کرده‌ایم»



## افکار عمومی

### گوگل آنچه را به آن فکر می‌کنیم به ما می‌گوید

داده‌های گوگل پنجره‌ای به افکار عمومی است

به صورت سنتی بهترین راه برای اینکه ببینیم در ذهن مخاطبان چه می‌گذرد این است که به طور مستقیم از آنها سوال کنیم. امسال گوگل پرسش‌هایی را که مردم در مورد نامزدهای انتخاباتی از این موتور جست‌وجوگر کرده‌اند به صورت عمومی منتشر کرده است. سایمون راجرز دبیر سرویس اطلاعات در گوگل نیز می‌گوید: «این اطلاعات دیدگاه‌های جذابی را پیش روی شما می‌گذارد.»

اصلی‌ترین پرسش‌ها از گوگل در ۴ نوامبر درباره نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶

**جب بوش:** ۱. جب بوش چندساله است؟ ۲. نام کامل جب بوش چیست؟ ۳. قد جب بوش چند سانتی متر است؟

**بن کارسون:** ۱. مذهب بن کارسون چیست؟ ۲. بن کارسون کیست؟ ۳. بن کارسون اهل کجاست؟

**کریس کریستی:** ۱. آیا کریس کریستی هنوز به دنبال ریاست جمهوری است؟ ۲. کریس کریستی چندساله است؟ ۳. وزن کریس کریستی چقدر است؟

**هیلاری کلینتون:** ۱. هیلاری کلینتون چندساله است؟ ۲. چه اتفاقی برای هیلاری کلینتون و بنغازی افتاد؟ ۳. حال هیلاری کلینتون چطور است؟

**تد کروز:** ۱. تد کروز متولد کجاست؟ ۲. تد کروز چندساله است؟ ۳. جرج بوش درباره تد کروز چه گفت؟ (من آن آدم را دوست ندارم!)

**کارلی فیورینا:** ۱. چه اتفاقی برای کارلی فیورینا افتاد؟ ۲. کارلی فیورینا چندساله است؟ ۳. امروز کارلی فیورینا کجاست؟

**لیندسی گرام:** ۱. آیا لیندسی گرام هنوز به دنبال ریاست جمهوری است؟ ۲. لیندسی گرام کیست؟ ۳. آیا لیندسی گرام متأهل است؟

**مایک هوکابی:** ۱. آیا مایک هوکابی هنوز به دنبال ریاست جمهوری است؟ ۲. مایک هوکابی کیست؟ ۳. مایک هوکابی چندساله است؟

**بابی جیندال:** ۱. آیا بابی جیندال هنوز به دنبال ریاست جمهوری است؟ ۲. ملیت بابی جیندال چیست؟ ۳. بابی جیندال کجا متولد شده است؟

**جان کاسیج:** ۱. این هفته کاسیج کجا خواهد بود؟ ۲. جان کاسیج چندساله است؟ ۳. جان کاسیج چه موقع رأی آورده است؟

**مارتین اومالی:** ۱. مارتین اومالی چندساله است؟ ۲. آیا مارتین اومالی دموکرات است؟ ۳. مارتین اومالی اهل کجاست؟

**جرج پاتاکی:** ۱. جرج پاتاکی کیست؟ ۲. قد جرج پاتاکی چند سانتی متر است؟ ۳. برنامه انتخاباتی جرج پاتاکی چیست؟ (تنها پرسش مرتبط با سیاست)

**رند پائول:** ۱. رند پائول کیست؟ ۲. رند پائول چند سال دارد؟ ۳. آیا رند پائول به دنبال ریاست جمهوری است؟

**مارکو روبیو:** ۱. مارکو روبیو چندساله است؟ ۲. مارکو روبیو کیست؟ ۳. مارکو روبیو اهل کجاست؟

**برنی ساندرز:** ۱. برنی ساندرز چندساله است؟ ۲. برنی ساندرز کیست؟ ۳. چه کسی در اس‌ان‌ال با برنی ساندرز بازی کرد؟ (لری دیوید)

**ریک سنتوروم:** ۱. آیا ریک سنتوروم هنوز به دنبال ریاست جمهوری است؟ ۲. ریک سنتوروم چندساله است؟ ۳. ریک سنتوروم کجا زندگی می‌کند؟

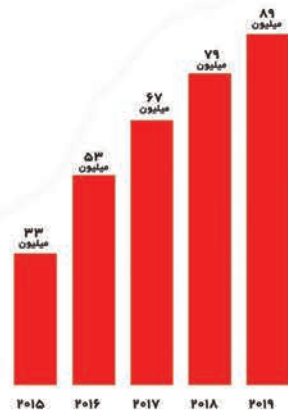
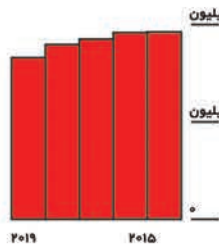
**دونالد ترامپ:** ۱. دونالد ترامپ چندساله است؟ ۲. دونالد ترامپ چقدر دارایی دارد؟ ۳. آیا دونالد ترامپ رئیس‌جمهور بعدی ما خواهد بود؟

## تکنولوژی / اپل

| مجموع بازگشت یک‌ساله | فروش ۱۲ ماهه        | مجموع دارایی        | برآورد رشد سود شرکت | برآورد رشد فروش |
|----------------------|---------------------|---------------------|---------------------|-----------------|
| ۱۶۰۳ درصد            | ۲۲۴۰۳۴ میلیارد دلار | ۲۷۳۰۱۵ میلیارد دلار | ۴۱۰۶ درصد           | ۲۷۰۶ درصد       |

واحد حمل‌ونقل آیفون به چین - پیش‌بینی

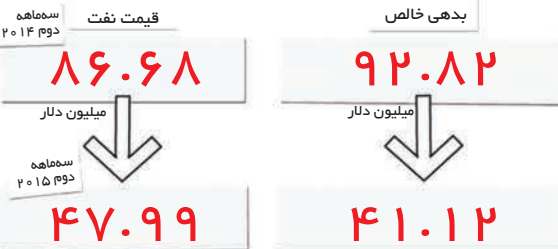
آیفون مهم‌ترین محصول اپل است که با استقبال بزرگ‌ترین بازارهای جهانی نظیر چین مواجه شده‌است. اکنون این شرکت برای ادامه حیات باید محصولات جدیدی را معرفی و روانه بازار کند. پوشیدنی‌های هوشمند نظیر ساعت اپل از جمله این محصولات هستند.



## انرژی / بانکرز پترولیوم

| مجموع بازگشت یک‌ساله | فروش ۱۲ ماهه       | مجموع دارایی      | برآورد رشد سود شرکت | برآورد رشد فروش |
|----------------------|--------------------|-------------------|---------------------|-----------------|
| ۶۶۰۶ درصد            | ۳۸۷۰۲ میلیارد دلار | ۱۰۲۶ میلیارد دلار | ۹۶۰۲ درصد           | ۴۰۸۸ درصد       |

این شرکت کانادایی تولید و اکتشاف نفت دچار بدهی‌های کلانی شده‌است. اما نسبت به شرکت‌های رقیب خود موقعیت بهتری دارد و از عهده کاهش قیمت نفت برآمده‌است.

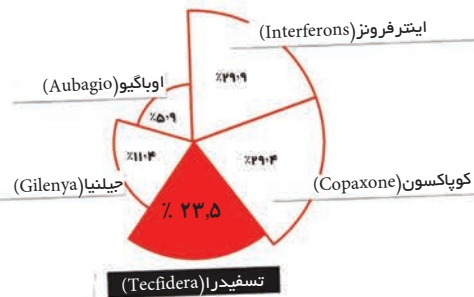


## صنعت دارو / بیوژن

| مجموع بازگشت یک‌ساله | فروش ۱۲ ماهه      | مجموع دارایی       | برآورد رشد سود شرکت | برآورد رشد فروش |
|----------------------|-------------------|--------------------|---------------------|-----------------|
| ۵۱ درصد              | ۱۰۰۳ میلیارد دلار | ۱۶۰۷۶ میلیارد دلار | ۱۴۰۹ درصد           | ۷۰۸ درصد        |

بیوژن دارویی برای تصلب شرایین کشف کرده‌است که سال ۲۰۱۳ از اداره غذا و دارو مجوز لازم را کسب کرده‌است. فروش این دارو وارد مرحله جدیدی می‌شود.

تجویز داروی تصلب شرایین در ایالات متحده آمریکا

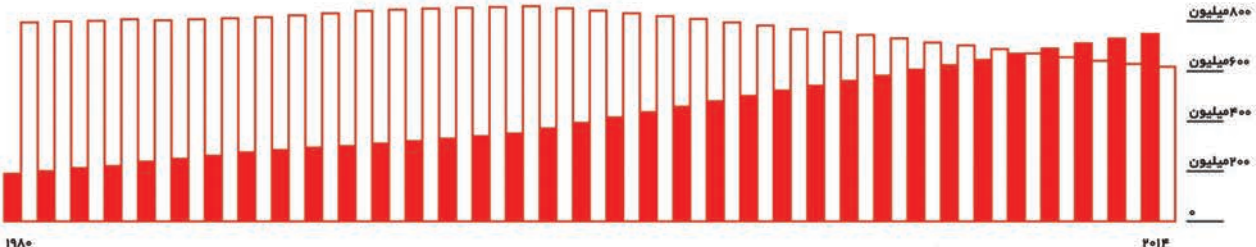


## غذای بسته‌بندی / بیوز تایم اینترنشنال

| مجموع بازگشت یک‌ساله | فروش ۱۲ ماهه      | مجموع دارایی     | برآورد رشد سود شرکت | برآورد رشد فروش |
|----------------------|-------------------|------------------|---------------------|-----------------|
| ۴۷.۵ درصد            | ۷۲۸.۲ میلیون دلار | ۱۰۷ میلیارد دلار | ۳۸.۲ درصد           | ۱۱ درصد         |

شهری شدن چین

جمعیت شهری  
جمعیت روستایی



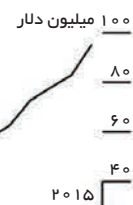
شرکت چینی که غذای کودکان را تهیه می‌کند از مهاجرت به شهرها سود می‌برد چرا که افراد ساکن شهر غذای بسته‌بندی بیشتری تهیه می‌کنند. علاوه بر آن، این افراد کمتر از افراد روستایی به نوزادان خود شیر مادر می‌دهند.

## تکنولوژی / سیسکو سیستم

| مجموع بازگشت یکساله | فروش ۱۲ ماهه       | مجموع دارایی        | برآورد رشد سود شرکت | برآورد رشد فروش |
|---------------------|--------------------|---------------------|---------------------|-----------------|
| ۶۰۸ درصد            | ۴۹۰۱۶ میلیارد دلار | ۱۱۳۰۴۸ میلیارد دلار | ۴۰۲ درصد            | ۳۰۹ درصد        |

شرکت‌های بزرگ اطلاعاتی نظیر فیس‌بوک و آمازون هر روز سفارش‌های خود را برای «جعبه‌های سفید» در آسیا بیشتر می‌کنند. سیسکو در این زمینه نقش بزرگی ایفا می‌کند.

### بازار جعبه سفید (فروش)



### سهم مراکز داده‌ها و اطلاعات در بازار



## ابزار پزشکی / بوستون ساینتیفیک

| مجموع بازگشت یکساله | فروش ۱۲ ماهه      | مجموع دارایی       | برآورد رشد سود شرکت | برآورد رشد فروش |
|---------------------|-------------------|--------------------|---------------------|-----------------|
| ۳۷۰۹ درصد           | ۷۰۳۴ میلیارد دلار | ۱۷۰۱۲ میلیارد دلار | ۷۰۹ درصد            | ۱۰۳ درصد        |

این شرکت قرار است در سال ۲۰۱۶ ابزار جدیدی را معرفی و روانه بازار کند که از طریق رگ‌های خونی به قلب متصل می‌شود. این شرکت جزو شرکت‌های پیشرو در زمینه شبیه‌سازی اندام بدن انسان است.

### رگ مصنوعی



ضخامت ۷۴ میکرون  
روکش ۴ میکرون

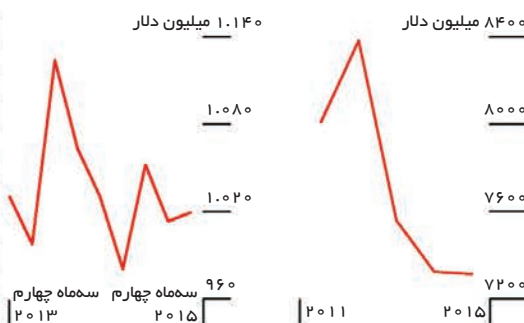
این رگ مصنوعی توسط پلیمرهایی ساخته شده که در بدن جذب می‌شود و تورم را کاهش می‌دهد

## غذای بسته‌بندی / کوناگرا فودز سندز

| مجموع بازگشت یکساله | فروش ۱۲ ماهه       | مجموع دارایی       | برآورد رشد سود شرکت | برآورد رشد فروش |
|---------------------|--------------------|--------------------|---------------------|-----------------|
| ۳۲۰۹ درصد           | ۱۴۰۹۳ میلیارد دلار | ۱۵۰۸۳ میلیارد دلار | ۲۰۱ درصد            | ۱۰۶ درصد        |

غذاهای بسته‌بندی از حاشیه و سوپرمارکت‌ها بیرون آمده و به عنوان برندهای معروف خود را در ذهن مصرف‌کنندگان جا کرده‌اند.

### فروش برچسب خصوصی کوناگرا



## انرژی / کانادین اویل سندز

| مجموع بازگشت یکساله | فروش ۱۲ ماهه      | مجموع دارایی      | برآورد رشد سود شرکت | برآورد رشد فروش |
|---------------------|-------------------|-------------------|---------------------|-----------------|
| ۷۰۰۹ درصد           | ۲۰۵۳ میلیارد دلار | ۸۰۱۴ میلیارد دلار | -                   | ۳۹ درصد         |

این شرکت در حفاری نفت شنی آلبرتا نقشی پیشرو دارد. بسیاری از سرمایه‌گذاران وضعیت را مورد بررسی قرار می‌دهند تا برای اکتشاف نفت در این قسمت در آینده تصمیم‌گیری و سرمایه‌گذاری کنند. البته این مسئله تحت تأثیر قیمت‌های پایین نفت قرار خواهد گرفت.



## بهداشت و درمان / سیوی اس هلث

| مجموع بازگشت یکساله | فروش ۱۲ ماهه        | مجموع دارایی       | برآورد رشد سود شرکت | برآورد رشد فروش |
|---------------------|---------------------|--------------------|---------------------|-----------------|
| ۲۶.۸ درصد           | ۱۴۵.۵۸ میلیارد دلار | ۷۴.۶۷ میلیارد دلار | ۱۴.۸ درصد           | ۸.۴ درصد        |

16%

نرخ که شرکت سیوی اس پیش‌بینی کرده‌است تا سال ۲۰۱۸ بر اساس آن ظرفیت دارویی خود را توسعه بدهد. این بخش که شامل داروهای گران‌قیمت برای سرطان می‌شود یکی از مهم‌ترین برنامه‌های این شرکت است.

## مالی / دی بی اس

| مجموع بازگشت یکساله | فروش ۱۲ ماهه        | مجموع دارایی        | برآورد رشد سود شرکت | برآورد رشد فروش |
|---------------------|---------------------|---------------------|---------------------|-----------------|
| ۳۲.۹ درصد           | ۱۴۰.۹۳ میلیارد دلار | ۱۵۰.۸۳ میلیارد دلار | ۲۰.۱ درصد           | ۱.۶ درصد        |

افزایش نرخ بهره از سوی فدرال رزرو امریکا باعث افزایش نرخ در آسیای جنوب شرقی می‌شود و می‌تواند باعث سود بانک سنگاپور شود.

هزینه نهایی سود خالص



## مالی / داچ بانک

| مجموع بازگشت یکساله | فروش ۱۲ ماهه        | مجموع دارایی        | برآورد رشد سود شرکت | برآورد رشد فروش |
|---------------------|---------------------|---------------------|---------------------|-----------------|
| ۳۲.۹ درصد           | ۱۴۰.۹۳ میلیارد دلار | ۱۵۰.۸۳ میلیارد دلار | ۲۰.۱ درصد           | ۱.۶ درصد        |

این بانک آلمانی با چالش‌های قانونی مواجه شده‌است که از آن جمله می‌توان به بحث سرمایه‌گذاران اشاره کرد.

هزینه دعوی قضایی ۲ میلیارد دلار

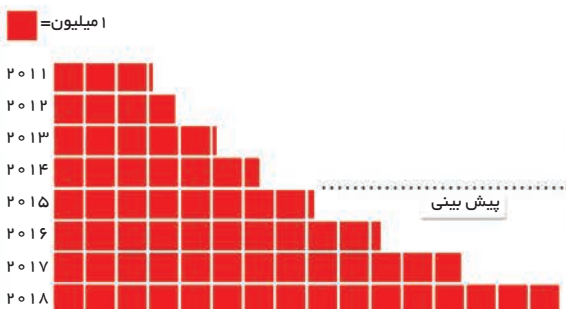


## سرگرمی / دیزنی

| مجموع بازگشت یکساله | فروش ۱۲ ماهه       | مجموع دارایی       | برآورد رشد سود شرکت | برآورد رشد فروش |
|---------------------|--------------------|--------------------|---------------------|-----------------|
| ۱۶.۹ درصد           | ۵۱.۳۴ میلیارد دلار | ۸۷.۳۷ میلیارد دلار | ۱۷.۲ درصد           | ۷.۵ درصد        |

دیزنی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های تلویزیونی کابلی برای مقابله با نت‌فلکس باید به فکر راه‌های جدیدی برای جذب مخاطب باشد.

استفاده خانگی از خدمات کابلی



تغییرات رتبه شبکه‌های دیزنی در یک سال گذشته

ABC +6.7%

ESPM -1.5%

ABC FAMILY -7%

DISNEY CHANNEL -11.2%



## تکنولوژی / کوالکوم

| مجموع بازگشت یکساله | فروش ۱۲ ماهه       | مجموع دارایی      | برآورد رشد سود شرکت | برآورد رشد فروش |
|---------------------|--------------------|-------------------|---------------------|-----------------|
| ۲۴.۹۳- درصد         | ۲۶.۵۲ میلیارد دلار | ۵۲.۳ میلیارد دلار | ۱۲.۴- درصد          | ۵.۵- درصد       |

از آنجا که بازار گوشی‌های همراه هوشمند سرد شده است و تولیدکنندگان لوازم جانبی به تولید داخلی روی آورده‌اند، کوالکوم نیز روی طراحی لوازم جانبی برای خودرو کار می‌کند.

ارزش تراشه‌های سخت‌افزاری در سهم‌ها دوم سال ۲۰۱۵ متوسط نسبت به تلفن 4G

\$60.50

کاهش ۱۸ درصدی نسبت به سهم‌ها نخست ۲۰۱۴

\$369.10

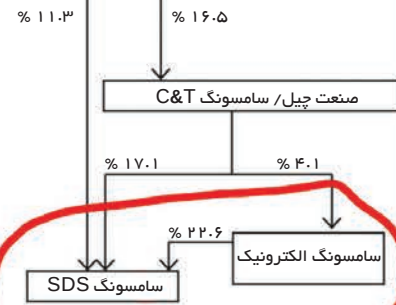
افزایش ۱۱ درصدی نسبت به سهم‌ها نخست ۲۰۱۴

## تکنولوژی / سامسونگ گروپ

| مجموع بازگشت یکساله | فروش ۱۲ ماهه        | مجموع دارایی | برآورد رشد سود شرکت | برآورد رشد فروش |
|---------------------|---------------------|--------------|---------------------|-----------------|
| ۵- درصد             | ۱۷۹.۱۱ میلیارد دلار | -            | ۱۳.۹ درصد           | ۳.۳- درصد       |

سامسونگ بحث تغییر رهبری را آغاز کرده است. یکی از نامزدهای اصلی آن لی جاییونگ است که پسر ارشد رئیس هیات مدیره است. او اخیراً تحرکاتی برای به نتیجه رسیدن انجام داده است. او احتمالاً در آینده سامسونگ الکترونیک را با سامسونگ SDS ادغام خواهد کرد.

هلدینگ لی جاییونگ در سامسونگ



پتانسیل ادغام

## دخانیات / رینولدز امریکن

| مجموع بازگشت یکساله | فروش ۱۲ ماهه      | مجموع دارایی       | برآورد رشد سود شرکت | برآورد رشد فروش |
|---------------------|-------------------|--------------------|---------------------|-----------------|
| ۱۰.۹- درصد          | ۸.۸۳ میلیارد دلار | ۵۴.۵۶ میلیارد دلار | ۱۵.۸ درصد           | ۳۳.۴ درصد       |

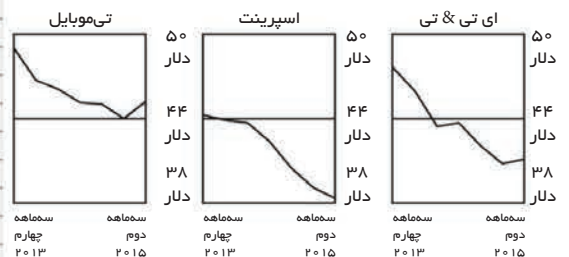
33%

شرکت رینولدز از سوی اداره غذا و داروی ایالات متحده آمریکا تحت فشار قرار گرفته تا فروش خود را تنظیم کند.

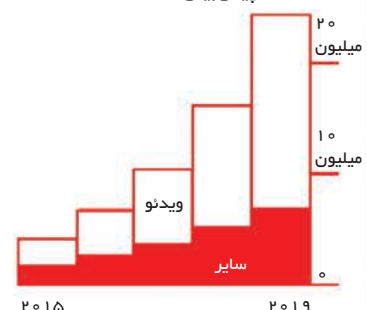
## ارتباط از راه دور / تی‌موبایل

| مجموع بازگشت یکساله | فروش ۱۲ ماهه       | مجموع دارایی      | برآورد رشد سود شرکت | برآورد رشد فروش |
|---------------------|--------------------|-------------------|---------------------|-----------------|
| ۲۴.۹۳- درصد         | ۲۶.۵۲ میلیارد دلار | ۵۲.۳ میلیارد دلار | ۱۲.۴- درصد          | ۵.۵- درصد       |

درآمد ماهانه به ازای هر مصرف‌کننده



داده‌های جهانی موبایل، در سطح صنعت، پیش‌بینی، ترابایت در ماه

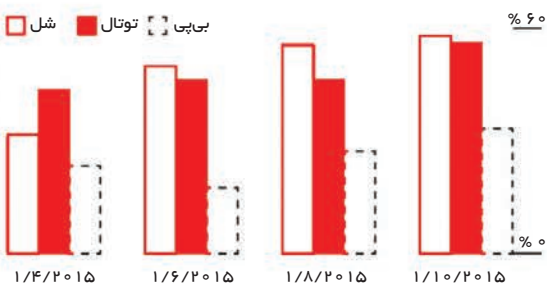


## انرژی / رویال داچ شل

| مجموع بازگشت یکساله | فروش ۱۲ ماهه       | مجموع دارایی      | برآورد رشد سود شرکت | برآورد رشد فروش |
|---------------------|--------------------|-------------------|---------------------|-----------------|
| ۲۴.۹۳- درصد         | ۲۶.۵۲ میلیارد دلار | ۵۲.۳ میلیارد دلار | ۱۲.۴- درصد          | ۵.۵- درصد       |

شرکت انگلیسی- هلندی شل پس از سقوط قیمت نفت و کاهش سرمایه‌گذاری‌ها دوباره به آن دسته از تحلیل‌گران اعتماد کرده است که می‌گویند قیمت نفت به کف خود رسیده است و دوباره مسیر بهبود را طی خواهد کرد. این شرکت نسبت به دو رقیب بزرگ خود یعنی توتال و بی‌پی خرید بیشتری داشته است.

برآورد تحلیل‌گران از رده‌بندی سهم خرید هر شرکت

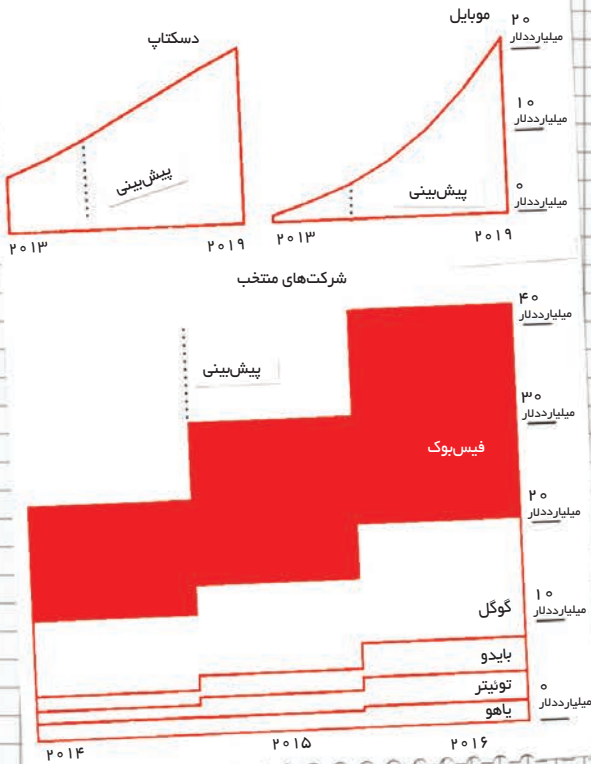


## تکنولوژی / فیس بوک

| مجموع بازگشت یکساله | فروش ۱۲ ماهه       | مجموع دارایی       | برآورد رشد سود شرکت | برآورد رشد فروش |
|---------------------|--------------------|--------------------|---------------------|-----------------|
| ۲۴.۶ درصد           | ۱۴.۶۴ میلیارد دلار | ۳۴.۱۳ میلیارد دلار | ۱۶.۹ درصد           | ۳۷.۸ درصد       |

فیس بوک به دلیل تبلیغات موبایلی با انقلاب روبهرو شده است.

درآمدهای این صنعت در سطح جهانی



## مالی / فانی ما (موسسه مالی)

| مجموع بازگشت یکساله | فروش ۱۲ ماهه        | مجموع دارایی       | برآورد رشد سود شرکت | برآورد رشد فروش |
|---------------------|---------------------|--------------------|---------------------|-----------------|
| ۳۳.۳ درصد           | ۱۱۲.۳۸ میلیارد دلار | ۳۲.۲۵ میلیارد دلار | ۱۸.۶ درصد           | -               |

## مالی / فردی مک

| مجموع بازگشت یکساله | فروش ۱۲ ماهه       | مجموع دارایی       | برآورد رشد سود شرکت | برآورد رشد فروش |
|---------------------|--------------------|--------------------|---------------------|-----------------|
| ۳۵.۲ درصد           | ۶۶.۴۱ میلیارد دلار | ۱۰.۹۷ میلیارد دلار | ۱۲.۶ درصد           | -               |

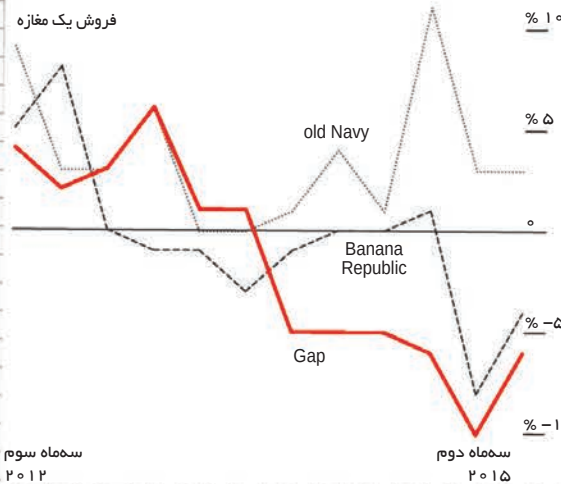
# \$153B

۱۵۳ میلیارد دلار پول اضافی که فانی و فردی برای خزانهداری ایالات متحده امریکا در سال ۲۰۱۲ خرج کردند.

## پوشاک / گپ

| مجموع بازگشت یکساله | فروش ۱۲ ماهه       | مجموع دارایی        | برآورد رشد سود شرکت | برآورد رشد فروش |
|---------------------|--------------------|---------------------|---------------------|-----------------|
| ۳۵.۵ درصد           | ۴۰.۲۲ میلیارد دلار | ۱۰۰.۴۹ میلیارد دلار | ۶۴.۵ درصد           | ۱۴.۲ درصد       |

برند اولد نیوی موفق شده است علایمی از حیات نشان بدهد اما آیا برند گپ و بنانا ریپابلیک نیز میتوانند احیا شوند؟



## مالی / گلدمن ساکس

| مجموع بازگشت یکساله | فروش ۱۲ ماهه       | مجموع دارایی        | برآورد رشد سود شرکت | برآورد رشد فروش |
|---------------------|--------------------|---------------------|---------------------|-----------------|
| ۳۲.۲ درصد           | ۴۰.۸۵ میلیارد دلار | ۸۵۹.۸۸ میلیارد دلار | ۷.۴ درصد            | ۴.۸ درصد        |

این بانک سرمایه گذاری همچنان در بخش بودجه و نرخ ارز فعالیت می کند در حالی که رقابت بسیار کمی در این زمینه وجود دارد. انباشت نقدینگی جاری، در سطح کلی کسب و کار ممکن است مشکلاتی برای فعالیت های این بانک ایجاد کند.



۱/۲۰۰۷

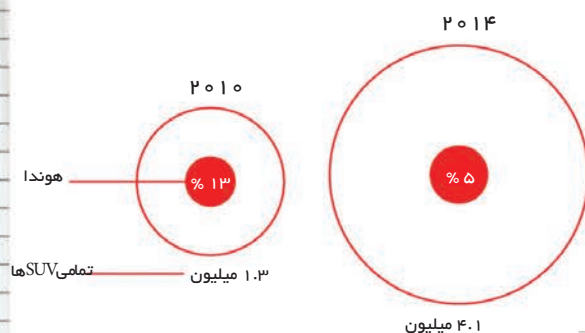
۱۲/۲۰۱۴

## خودرو/ هوندا موتور

| مجموع بازگشت یکساله | فروش ۱۲ ماهه        | مجموع دارایی        | برآورد رشد سود شرکت | برآورد رشد فروش |
|---------------------|---------------------|---------------------|---------------------|-----------------|
| ۲۰۷ درصد            | ۱۱۷۰۰۱ میلیارد دلار | ۱۵۴۰۷۵ میلیارد دلار | ۱۵۰۲ درصد           | ۱۵۰۴ درصد       |

شرکت خودرو سازی ژاپنی هوندا موتور در میدان رقابت چین، در حال از دست دادن سهم خود است. در این بخش عرضه خودرو از تقاضا پیشی گرفته است.

### فروش SUV چین

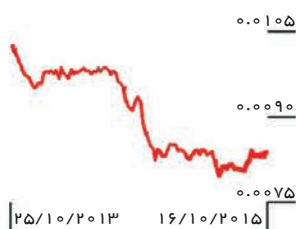


## مالی/ میتسویشی UFJ

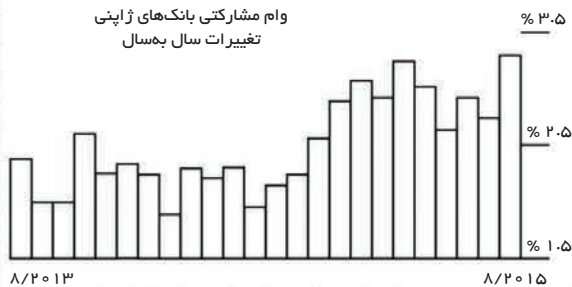
| مجموع بازگشت یکساله | فروش ۱۲ ماهه      | مجموع دارایی       | برآورد رشد سود شرکت | برآورد رشد فروش |
|---------------------|-------------------|--------------------|---------------------|-----------------|
| ۲۳۰۵ درصد           | ۴۹۰۶ میلیارد دلار | ۲۰۳۳۳ میلیارد دلار | ۶۰۱ درصد            | ۱۰۵ درصد        |

مبادرکنندگان ژاپنی برای دریافت وام جهت توسعه تولید خود به بانکهای توکیو روی آورده اند. بخشی از این مسئله از ضعف بین ناشی می شود.

دلار آمریکا در ازای هر یین ژاپن



وام مشارکتی بانکهای ژاپنی  
تغییرات سال به سال

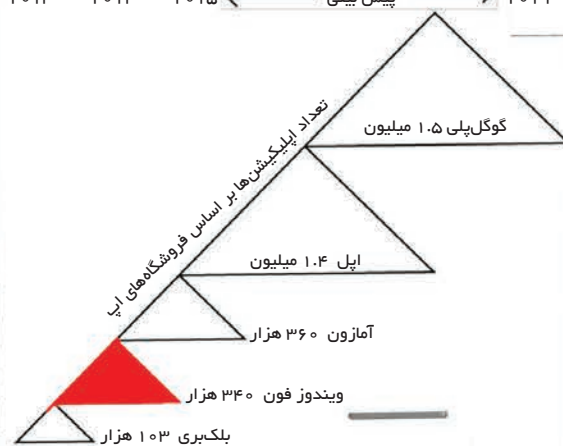
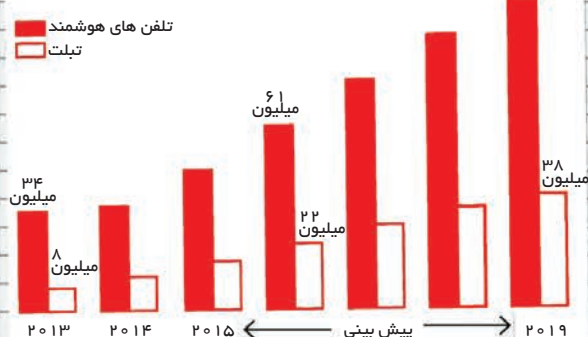


## تکنولوژی/ مایکروسافت

| مجموع بازگشت یکساله | فروش ۱۲ ماهه       | مجموع دارایی        | برآورد رشد سود شرکت | برآورد رشد فروش |
|---------------------|--------------------|---------------------|---------------------|-----------------|
| ۲۰۳۰ درصد           | ۹۳۰۵۸ میلیارد دلار | ۱۷۶۰۲۲ میلیارد دلار | ۲۰۶ درصد            | ۱۰۰۸ درصد       |

مایکروسافت امید دارد نسخه ویندوز ۱۰ برای گوشی های همراه جواب بدهد. برنامه هایی که برای نسخه دسکتاپ ویندوز تهیه شده اند روی گوشی های هوشمند و تبلت ها نیز جواب می دهند.

وسایل موبایلی که سیستم آنها ویندوز است، در سطح جهانی





# اقتصادهای جهان در سال آینده به کدام سو می‌روند؟

رشد ۶ درصدی اقتصاد ایران، افزایش بهای نفت و آغاز درخشش اقتصاد هند همگی در سال ۲۰۱۶ رخ خواهند داد

هفته‌نامه اکونومیست از سال ۱۹۸۷ تاکنون در آستانه سال نوی میلادی ویژه‌نامه‌ای را منتشر می‌کند که در آن وضعیت اقتصاد جهان در سال پیش رو مورد بررسی قرار می‌گیرد که بخشی از آن نیز به برآورد شاخص‌های اقتصادی و وضعیت کلی کشورهای مختلف جهان اختصاص دارد. آنچه در ادامه آمده، پیش‌بینی اکونومیست است از آنچه در سال ۲۰۱۶ در انتظار اقتصاد جهان است. اقتصادهای نوظهور با چالش‌هایی مانند بهای پایین مواد خام، رشد ارزش دلار و کند شدن چین روبه‌رو می‌شوند و این تنها هند است که در میان آنها، به فهرست کشورهای راه یافته که بیشترین رشد را در سال ۲۰۱۶ تجربه خواهند کرد. بر خورداری از جمعیتی جوان و دور تازه‌ای از اصلاحات اقتصادی با وعده توسعه پایدار این امکان را برای هند مهیا ساخته که حداقل طی چند سال آینده در میان کشورهای باشد که رشد قابل توجهی را تجربه می‌کنند. از سوی دیگر، اقتصادهای کوچک اکنون به پیشروان مسیر رشد اقتصادی تبدیل شده‌اند هر چند که حتی در میان آنها نیز دوران رشد‌های دورقمی که طی سال‌های اخیر مشاهده می‌شد دیگر به چشم نمی‌خورد. لائوس و ترکمنستان ستارگان رشد اقتصادی امسال محسوب می‌شوند: اولی به لطف همسایگی با اقتصاد رو به رشد تایلند و دومی نیز به خاطر روند رو به رشد تولید گاز. همچنان در آسیا، کامبوج و میانمار هر دو اکنون حاصل اصلاحات اقتصادی را برداشت می‌کنند و از افزایش سرمایه‌گذاری خارجی بهره می‌برند. بقیه کشورهای که از رشد بالایی در سال آینده برخوردار خواهند بود بیشتر آفریقایی هستند که رشد پایدار آنها به خاطر بهبود سیاست‌گذاری و بازسازی زیرساخت‌ها اگرچه خبر خوبی است اما تأثیر اندکی بر اقتصاد جهان دارد. در واقع، در میان فهرست سریع‌ترین رشد‌ها، سرعت رشد اقتصاد هند به تنهایی ده برابر مجموع دیگر کشورها است.

آرش پور ابراهیمی  
دانشجوی دکتری اقتصاد  
سیاسی در دانشگاه پرینستون

| رشد اقتصادی مناطق مختلف جهان            |                         |
|-----------------------------------------|-------------------------|
| منطقه                                   | رشد اقتصادی در سال ۲۰۱۶ |
| امریکای شمالی                           | ۲.۵                     |
| امریکای لاتین                           | ۱.۳                     |
| اروپای غربی                             | ۱.۸                     |
| اروپای شرقی                             | ۱.۲                     |
| خاورمیانه و شمال آفریقا                 | ۳.۲                     |
| جنوب صحرای آفریقا                       | ۳.۶                     |
| آسیا (غیر از ژاپن، استرالیا و نیوزیلند) | ۵.۴                     |
| ژاپن                                    | ۱.۷                     |
| استرالیا                                | ۲.۶                     |

| کشورهایی که سریع‌ترین رشد اقتصادی را در سال آینده خواهند داشت |                       |                               |  |
|---------------------------------------------------------------|-----------------------|-------------------------------|--|
| رتبه                                                          | کشور                  | رشد تولید ناخالص داخلی (درصد) |  |
| ۱                                                             | لائوس                 | ۸.۰                           |  |
| ۲                                                             | ترکمنستان             | ۸.۰                           |  |
| ۳                                                             | کامبوج                | ۷.۵                           |  |
| ۴                                                             | سیرالئون              | ۷.۵                           |  |
| ۵                                                             | موزامبیک              | ۷.۳                           |  |
| ۶                                                             | میانمار               | ۷.۲                           |  |
| ۷                                                             | بوتان                 | ۷.۱                           |  |
| ۷                                                             | جمهوری دموکراتیک کنگو | ۷.۱                           |  |
| ۷                                                             | هند                   | ۷.۱                           |  |

در بلغارستان بینجامد و در همین حال توافق یونان با طلبکارانش خطر سرایت عواقب آن را به اقتصاد بلغارستان کاهش خواهد داد.

| کرواسی                                                          |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۱.۳ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۱۱۲۷۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۲۲۷۵۰ دلار)     |
| تورم: ۱.۵ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۴.۲ درصد |
| جمعیت: ۴.۲ میلیون نفر                                           |

حزب اتحاد دموکراتیک کرواسی که در راست میانه قرار دارد آماده است که در انتخابات پیش رو در اواخر سال ۲۰۱۵ یا اوایل سال ۲۰۱۶، دولت ائتلافی فعلی به رهبری حزب سوسیال دموکرات را کنار بزند. چنین رویدادی به گردش بیشتر دولت به سوی غرب خواهد انجامید و سیاست‌های حامی بازار را در دستور کار قرار خواهد داد. اتحاد دموکراتیک، مانند احزاب حاکم سابق، نیاز خواهد داشت که برای کسب اکثریت با دیگر احزاب ائتلاف کند و این اقدامی است که به خاطر شکاف موجود میان احزاب در کرواسی از سرعت پیشرفت اصلاحات اقتصادی خواهد کاست. کرواسی همانند کشورهای فرانسه، پرتغال، اسپانیا و انگلستان از سقف تعیین شده توسط اتحادیه اروپا برای کسری بودجه تخلفی کرده است و در نتیجه نیازمند به کار گرفتن اصلاحاتی دردناک با هدف ایجاد توازن بودجه خواهد بود. هرچند اقتصاد کرواسی در سال پیش رو رشد خواهد کرد اما میزان این رشد چندان قابل توجه نخواهد بود.

| جمهوری چک                                                       |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۲.۷ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۱۷۴۸۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۳۲۹۳۰ دلار)     |
| تورم: ۱.۶ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۱.۵ درصد |
| جمعیت: ۱۰.۶ میلیون نفر                                          |

دولت ائتلافی که از سه حزب تشکیل شده و دامنه وسیعی از گرایش‌ها را دربر می‌گیرد و رهبری آن بر عهده نخست‌وزیر، بوهسلاو سوبوتکا، است فعلاً زمام امور نسبتاً پایدار اقتصاد را در دست دارد که کاهش نرخ بیکاری نیز به آن یاری رسانده است. با در نظر گرفتن پراکندگی مخالفان می‌توان گفت که اصلی‌ترین رقیب دولت از درون ائتلاف و به طور خاص آندره بابیش، رهبر حزب راست میانه آنو، است که ممکن است در سال ۲۰۱۷ برای کسب مقام نخست‌وزیری و در سال ۲۰۱۶ برای سنجش قدرتش در انتخابات منطقه‌ای تلاش کند. نکته قابل توجه: خوشامدگویی سرد، پذیرش ۱۵۰۰ پناهجو که با بی‌میلی و تحت فشار اتحادیه اروپا صورت گرفته باعث افزایش تنش‌های اجتماعی در جمهوری چک خواهد شد.

| دانمارک                                                         |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۱.۴ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۵۱۰۸۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۴۶۶۲۰ دلار)     |
| تورم: ۱.۷ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۳.۱ درصد |
| جمعیت: ۵.۷ میلیون نفر                                           |

| اروپا                                                           |
|-----------------------------------------------------------------|
| اتریش                                                           |
| رشد اقتصادی: ۱.۴ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۴۲۳۶۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۴۷۶۵۰ دلار)     |
| تورم: ۱.۹ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۱.۹ درصد |
| جمعیت: ۸.۶ میلیون نفر                                           |

حزب چپ میانه سوسیال دموکرات و حزب راست میانه مردم اتریش ائتلاف سرد خود را تا انتخابات ۲۰۱۸ حفظ خواهند کردند اما تنها به این خاطر که در صورت برگزاری انتخابات زود هنگام، هر دوی آنها پای صندوق‌های رأی با مشکل مواجه خواهند شد و این حزب راست افراطی آزادی خواهد بود که فرصتی برای عرض اندام به دست خواهد آورد. اصلاح نظام مالیاتی که از طریق آن قرار است کاهش مالیات بر درآمد به وسیله کاهش فرار مالیاتی و سوءاستفاده‌ها از خدمات رفاه اجتماعی جبران شود به‌کندی پیش می‌رود و در نتیجه از جذابیت سرمایه‌گذاری در اتریش می‌کاهد. اما بهبود اقتصاد اروپا به رشد اقتصاد اتریش کمک خواهد کرد.

| بلژیک                                                           |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۱.۶ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۴۰۲۲۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۴۴۲۰۰ دلار)     |
| تورم: ۱.۵ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۲.۵ درصد |
| جمعیت: ۱۱.۴ میلیون نفر                                          |

تنش‌های میان هلندی‌زبان‌ها که دولت ائتلافی راست میانه را در اختیار دارند و فرانسوی‌زبان‌های بلژیک همچون همیشه به عنوان تهدیدی برای اتحاد ملی وجود خواهد داشت هرچند که باعث تجزیه کشور نخواهد شد. اگرچه مخالفت چپ‌گرایان کار دولت را برای پیشبرد برنامه‌های مربوط به ایجاد توازن در بودجه با مشکل مواجه خواهد کرد، اما تا زمانی که دولت ائتلافی چهارحزبی به‌جای تمرکز بر تفاوت‌های زبانی بر اقتصاد متمرکز باشد، دورنمای اصلاحات قابل قبول خواهد بود. هرچند اقدامات مربوط به کاهش دستمزدها جهت افزایش رقابت‌پذیری باعث کاهش قدرت خرید خواهد شد، اما اقتصاد بلژیک موفق خواهد شد رشدی مثبت را تجربه کند.

| بلغارستان                                                       |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۲.۵ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۶۷۱۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۱۷۶۹۰ دلار)      |
| تورم: ۱.۶ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۲.۲ درصد |
| جمعیت: ۷.۱ میلیون نفر                                           |

دولت ائتلافی راست میانه که در سال ۲۰۱۴ و پس از چندین دولت با عمری کوتاه ظهور کرد، شکننده است و بر حمایت نیروهای ملی‌گرا و چپ میانه استوار است. با وجود این، بویکو بوریسف، نخست‌وزیر، این بار در مقایسه با دوران ناکامی‌اش طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳، عملکرد بهتری داشته و بر عمیق‌تر ساختن عضویت کشورش در اتحادیه اروپا و بهبود اقتصاد تمرکز کرده است. اروپایی احیاشده می‌تواند به بهبود تجارت و سرمایه‌گذاری

ریاست جمهوری فرانسوا اولاند به خاطر رشد کند و عدم مقبولیت در میان افکار عمومی به خطر افتاده و او به سوی شکستی سنگین در سال ۲۰۱۷ در حرکت است. اصلاحاتی که از سال ۲۰۱۵ توسط دولت وی و با هدف آزادسازی اقتصادی صورت گرفته‌اند نیز در نهایت نتایجی به همراه خواهند داشت اما نه آن قدر که برای مقابله آقای اولاند با اصلی‌ترین حزب رقیب یعنی جمهوری خواهان کافی باشد. رقابت میان نیکولا سارکوزی، رئیس‌جمهور سابق، و آلن ژوپه، نخست‌وزیر سابق، نیز نمایشی سیاسی را به ارمغان خواهد آورد در حالی که اقتصاد روزهای خوبی را سپری نمی‌کند.

## آلمان

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۱.۸ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۳۹۶۴۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۴۸۰۶۰ دلار)     |
| تورم: ۱.۵ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): مثبت ۰.۸ درصد |
| جمعیت: ۸۱.۴ میلیون نفر                                          |

شرکای انگلار مرکز در منطقه یورو از آلمان انتظار دارند که از طریق سرمایه‌گذاری و افزایش مخارج سرمایه‌ای اقتصاد اروپا را به حرکت درآورد اما آلمان‌ها در این مورد بسیار محتاط‌اند. به طور مشابه، اصلاحات برای حل بحران جمعیتی پیش رو نیز به حاشیه رانده خواهد شد هرچند که هجوم پناهجویان سوری می‌تواند به آن کمک کند. آلمان در مقایسه با بیشتر کشورهای اروپایی با آغوش بازتری از پناهجویان استقبال خواهد کرد و سیل پناهجویان به سنگ محکی برای حسن نیت آلمانی هم تبدیل خواهد شد. اتحاد احزاب اتحادیه دموکرات‌های مسیحی و اتحادیه سوسیال‌های مسیحی تحت نظر خانم مرکز در نظرسنجی‌ها همچنان پیشتاز خواهد بود تا جایی که شاید باعث شود دیگر حزب حاضر در دولت یعنی حزب سوسیال دموکرات مجبور شود در انتخابات سال ۲۰۱۷ به صورت جداگانه به رقابت بپردازد. بهای پایین نفت نیز به بهبود اقتصاد کمک خواهد کرد.

## یونان

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: منفی ۱ درصد                                        |
| درآمد سرانه: ۱۷۶۰۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۲۶۶۲۰ دلار)     |
| تورم: ۰.۶ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۲.۲ درصد |
| جمعیت: ۱۱.۱ میلیون نفر                                          |

آلکسیس سیپراس، رهبر حزب ضد ریاضتی سیریزا، سال ۲۰۱۶ را در شرایطی آغاز می‌کند که در انتخابات ماه سپتامبر پیروز شد آن هم به رغم تسلیم شدن در مورد توافق مد نظر طلبکاران بر سر کمک به یونان؛ توافقی که افکار عمومی در یونان با نفرت از آن یاد می‌کنند. نتایج این شرایط درهم و برهم برای اقتصاد یونان رشد پایین و بدهی بالا خواهد بود که هیچ‌کس درون و خارج از کشور آن را پایدار نمی‌داند. خروج از منطقه یورو هنوز محتمل است اما نه در کوتاه‌مدت و در نتیجه در سال ۲۰۱۶ آقای سیپراس، طلبکاران و مردم یونان لازم نیست نگران این موضوع باشند.

## مجارستان

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۲.۵ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۱۲۰۳۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۲۶۳۴۰ دلار)     |
| تورم: ۲.۵ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۲.۶ درصد |
| جمعیت: ۹.۸ میلیون نفر                                           |

پس از ناکامی در مذاکرات مربوط به تشکیل یک دولت ائتلافی رسمی پس از انتخابات ژوئن سال ۲۰۱۵ که در آن هیچ حزبی موفق به کسب اکثریت نشده بود، اکنون حزب لیبرال با در اختیار داشتن تنها ۳۴ کرسی از ۱۷۹ کرسی پارلمان، به صورتی شکننده دولت را در اختیار دارد و بعید است که بتواند تا پایان دوره دوام بیاورد. این حزب در سال آینده بر کاهش مالیات تمرکز خواهد کرد اما همچنین تحت فشار خواهد بود تا سیاست‌های رفاهی دست‌ودل‌بازانه‌تری را به کار بگیرد و در موضوع مهاجرت نیز سختگیری بیشتری به خرج دهد که این دومی به خاطر جلب نظر حزب مردم دانمارک است که رویکردی علیه مهاجرت دارد و دولت بر ۳۷ کرسی این حزب حساب می‌کند. کرون (واحد پول دانمارک) ضعیف‌تر نیز به اقتصاد دانمارک کمک خواهد کرد.

## استونی

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۲.۸ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۱۶۵۱۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۲۸۳۸۰ دلار)     |
| تورم: ۲.۲ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۰.۳ درصد |
| جمعیت: ۱.۳ میلیون نفر                                           |

دولت ائتلافی سه‌حزبی و تازه شکل گرفته به نخست‌وزیری تایو رویواس سیاست‌های آزادسازی اقتصادی را که از زمان استقلال این کشور در دهه ۱۹۹۰ آغاز شده به پیش خواهد برد. رشد اقتصادی افزایش خواهد یافت اما سیاست‌های ریاضتی با نارضایتی افکار عمومی همراه شده و اصرار بر اجتناب از هزینه‌های امنیتی بیشتر می‌تواند با عواقبی همراه باشد. مخارج مصرف‌کنندگان و همچنین صادرات رشد خواهند کرد - بخشی از آن به خاطر بهبود اقتصاد روسیه است - که باعث تسریع در روند بهبود اقتصاد خواهند شد. گسترش دولت الکترونیک نیز با ستایش‌های بیشتری همراه خواهد شد.

## فنلاند

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۱.۴ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۴۱۴۳۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۴۰۸۸۰ دلار)     |
| تورم: ۱.۱ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۱.۶ درصد |
| جمعیت: ۵.۵ میلیون نفر                                           |

در ائتلاف راست‌گرایی که در نتیجه انتخابات آوریل ۲۰۱۵ ظهور کرد و تحت نخست‌وزیری یوها سیپیلار قرار دارد در مورد موضوعاتی مانند مهاجرت و اتحادیه اروپا اختلاف نظر وجود دارد که برای مورد دوم حزب پوپولیست و بدبین به اتحادیه اروپا که فینز نام دارد اهمیت زیادی قابل است. همچون دیگر کشورهای اسکاندیناوی و حوزه بالتیک، هم‌زمان با درگیری‌های اوکراین نگرانی‌های امنیتی در مورد میزات تعهد سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در کانون توجه فنلاندی‌ها قرار خواهد داشت. به علاوه همچون نیمی از جهان غرب، سیاست‌گذاری اقتصادی نیز در فنلاند بر تقویت رشد متمرکز خواهد بود.

## فرانسه

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۱.۳ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۳۶۰۷۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۴۱۳۴۰ دلار)     |
| تورم: ۱ درصد                                                    |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۳.۶ درصد |
| جمعیت: ۶۴.۷ میلیون نفر                                          |

حزب فیدز در دومین دوره‌ای که دولت را در اختیار دارد سیاست‌های ملی‌گرایانه و دولت‌محور را دنبال خواهد کرد هرچند اکثریت قابل توجهی را که در دور قبلی از آن برخوردار بود دیگر در اختیار ندارد و همچنین فشار از سوی حزب مخالف و ضد مهاجرت یوبیک باعث می‌شود که سیاست‌های دولت به سوی راست رانده شوند. همچنین می‌توان انتظار داشت که برخی از تصمیمات پراثر یا شتاب‌زده نخست‌وزیر، ویکتور اربان، یا حلقه نزدیک به او باعث رنجش رأی‌دهندگان و در نتیجه تظاهرات گاه و بی‌گاه آنها بشود.

اقتصاد نیز در مسیر رشد کند قرار خواهد گرفت که بخشی از آن به خاطر سیاست‌های مداخله‌جویانه دولت در اقتصاد است که باعث ایجاد نگرانی در میان شرکای تجاری و سرمایه‌گذاران می‌شود.

| ایرلند                                                          |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۳.۵ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۴۸۱۶۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۵۲۹۹۰ دلار)     |
| تورم: ۱.۱ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۱.۷ درصد |
| جمعیت: ۴.۷ میلیون نفر                                           |

دولت ائتلافی تشکیل‌شده از احزاب «فاین گائل» و کارگر که خروج کشور از زیر بار بدهی‌های مربوط به بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را با موفقیت مدیریت کرد، اکنون به خاطر سیاست‌های نادرست و سختی‌های ناشی از ریاضت اقتصادی، خشم رأی‌دهندگان را برانگیخته است. با این حال حزب فاین گائل همچنان از جایگاه خوبی برای انتخاب به عنوان حزب پیروز در انتخابات اوایل سال ۲۰۱۶ برخوردار است و احتمالاً ریاست دولت ائتلافی آینده را در اختیار خواهد گرفت؛ دولتی که به خاطر دربر گرفتن دامنه وسیع‌تری از احزاب، کم‌ثبات‌تر و کم‌اثرتر خواهد بود و از اطمینان ایجادشده به دولت که یکی از موفق‌های سال‌های اخیر بوده است خواهد است. با وجود این، اقتصاد بهبود خواهد یافت و به‌راحتی بیش از میانگین اتحادیه اروپا رشد خواهد کرد.

| ایتالیا                                                         |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۱ درصد                                             |
| درآمد سرانه: ۲۹۴۲۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۳۶۸۵۰ دلار)     |
| تورم: ۱.۱ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۲.۸ درصد |
| جمعیت: ۵۹.۸ میلیون نفر                                          |

برنامه اصلاحی به کار گرفته‌شده توسط ماتئو رنزی، نخست‌وزیر، حتی از منافع برخی داخل دولت ائتلافی را تهدید می‌کند و در نتیجه با مقاومت مواجه خواهد شد. اصلاحات در مجلس سفلی از جولای سال ۲۰۱۶ اجرایی خواهد شد و اگر با اقداماتی برای مهار مجلس سنا همراه شود به آقای رنزی اجازه خواهد داد که در انتخاباتی زودهنگام اکثریت باثباتی را به دست بیاورد. اما متأسفانه احتمالاً آنچه در ایتالیا رخ خواهد داد شامل انتخاباتی پرهرج و مرج در میانه سال ۲۰۱۶ و ادامه ائتلاف‌های بی‌ثبات خواهد بود. اصلاحات در شیوه حکمرانی، بازار کار و آموزش تصویب شده‌اند یا در شرف تصویب قرار دارند و در آینده نتایج مثبتی به بار خواهند آورد هرچند که فعلاً اقتصاد به‌سختی رشد می‌کند که همان هم به خاطر بهبود اقتصاد در کشورهای همسایه و در نتیجه افزایش تقاضا از سوی آنها است.

| لتونی                                                           |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۳.۱ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۱۲۶۳۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۲۵۳۷۰ دلار)     |
| تورم: ۲.۱ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۱.۱ درصد |
| جمعیت: ۲ میلیون نفر                                             |

دولت ائتلافی راست میانه که تحت نخست‌وزیری خانم لایمدوتا لاسترویما دومین دور خود را سپری می‌کند برنامه محافظه‌کارانه مالی را که با حمایت اتحادیه اروپا همراه است پیش خواهد برد، هرچند که اختلاف نظرها در میان ائتلاف در مورد توافق برای پذیرش ۲۵۰ پناهجو می‌تواند دولت را از اکثریت بیندازد و انتخاباتی زودهنگام را به همراه بیاورد. با این حال حتی اگر ترکیب دولت احتمالی آینده نیز تغییر کند باز هم به خاطر اجماع درباره شیوه مدیریت اقتصاد، سیاست‌ها به طور کلی ثابت خواهند ماند. انتظار می‌رود اقتصاد که از عقب‌گردها در اقتصاد اروپا و روسیه آسیب دیده در سال آینده بهبود یابد.

| لیتوانی                                                         |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۳.۰ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۱۴۶۴۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۲۸۸۰۰ دلار)     |
| تورم: ۱.۵ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۱.۳ درصد |
| جمعیت: ۲.۹ میلیون نفر                                           |

دولت ائتلافی چپ میانه با نخست‌وزیری آلفگیرداس بوتوکویچویوس اگرچه بخشی از متحدانش را در طول مسیر از دست داده اما برای کسب اکثریت در انتخابات اواخر سال ۲۰۱۶ با مشکلی مواجه نخواهد بود. عملکرد روسیه در مورد اوکراین و تنش‌های ناشی از آن میان اقلیت‌های لهستانی‌زبان و روسی‌زبان در لیتوانی باعث افزایش تنش‌های اجتماعی خواهد شد و جایگاه امنیت در دستورالعمل دولت را ارتقا خواهد داد. کند شدن رشد اقتصادی روسیه از سرعت رشد اقتصاد لیتوانی خواهد کاست با این حال اقتصاد همچنان رشد خواهد کرد.

| هلند                                                            |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۲.۱ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۴۲۸۷۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۵۰۱۳۰ دلار)     |
| تورم: ۱.۲ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۱.۷ درصد |
| جمعیت: ۱۶.۹ میلیون نفر                                          |

مدیریت باثبات اقتصاد در حال بهبود با بی‌ثباتی‌های سیاسی در تناقض خواهد بود چرا که ائتلاف بزرگ میان احزاب چپ و راست به‌سختی تلاش می‌کند تا بتواند تا انتهای دوره‌اش که در سال ۲۰۱۷ به پایان می‌رسد پایدار بماند. دولت ممکن است سقوط کند و در نتیجه برگزاری انتخابات زودهنگام محتمل است که در این صورت مخالفان در جلب نظر رأی‌دهندگان موفق خواهند بود. پیشرفت در مورد اصلاحاتی شامل بخش‌های بهداشت و مهاجرت که دولت در آنها از حمایت شکننده‌ای برخوردار است درجا خواهد زد چرا که قدرت دولت رو به کاهش است. بهبود تقاضا در داخل و خارج اقتصاد را در مسیر بهبود نگه خواهد داشت.

## نروژ

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۱.۲ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۸۰۸۱۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۶۶۸۶۰ دلار)     |
| تورم: ۲.۲ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۵.۳ درصد |
| جمعیت: ۵.۱ میلیون نفر                                           |

دولت متمایل به راست میانه برای بهبود روابط با اتحادیه اروپا تلاش خواهد کرد، روابطی که از دوران دولت سابق چپ‌گرا متزلزل شده است. دولت همچنین تلاش می‌کند که از طریق اصلاح نظام مالیاتی و تشویق تحقیق و توسعه در جهت به حرکت درآوردن کسب و کارها تلاش کند و در همین حال برخی از سیاست‌های مالیاتی مربوط به بازتوزیع درآمد را نیز که در دولت قبل به کار گرفته می‌شد بی‌اثر کند. سقوط بهای نفت از طریق کاهش سرمایه‌گذاری به اقتصاد هیدروکربن محور نروژ ضربه زد اما انتظار می‌رود که این بخش از اقتصاد در سال ۲۰۱۶ بهبود یابد چرا که تصویر بخش انرژی جهان در سال آینده روشن است.

## لهستان

|                                                               |
|---------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۲.۹ درصد                                         |
| درآمد سرانه: ۱۲۱۴۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۲۶۶۲۰ دلار)   |
| تورم: ۲.۲ درصد                                                |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۲ درصد |
| جمعیت: ۳۸.۴ میلیون نفر                                        |

حزب راست‌گرای قانون و عدالت لهستان اواخر سال ۲۰۱۵ و پس از نه سال حکمرانی چپ‌گرایان به قدرت بازگشت آن هم با کسب کرسی‌های کافی در مجلس برای تشکیل یک دولت تک‌حزبی پس از ۲۶ سال. حزب حاکم که به اتحادیه اروپا بدبین است و از نظر اجتماعی محافظه‌کار محسوب می‌شود برای خوشایند جامعه وعده داده که در مورد مهاجرت سختگیرانه‌تر عمل خواهد کرد و همچنین رویکرد دولت در سیاست‌گذاری اقتصادی نیز به همان میزان پوپولیستی خواهد بود که احتمالات شامل اصلاحاتی مانند کاهش سن بازنشستگی که اخیراً افزایش یافته بود و همچنین مالیات‌های جدید برای دارایی بانک‌ها و خرده‌فروشان خواهد بود. شکاف مالی میان درآمدها و هزینه‌ها افزایش خواهد یافت، سرمایه‌گذاران محتاطانه‌تر عمل خواهند کرد و رشد اقتصادی نیز کند خواهد شد.

## پرتغال

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۱.۸ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۱۷۹۹۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۲۹۵۰۰ دلار)     |
| تورم: ۱.۴ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۲.۸ درصد |
| جمعیت: ۱۰.۵ میلیون نفر                                          |

ائتلاف «پرتغال رو به پیش» در انتخابات اکتبر ۲۰۱۵ هر چند بخش قابل توجهی از آرا را به دست آورد اما دیگر اکثریت کرسی‌ها را در اختیار ندارد. کشور با دوره‌ای از سردرگمی سیاسی مواجه می‌شود که آخرین چیزی است که اقتصاد به آن نیاز دارد. اقتصاد پرتغال توسط اقدامات اضطراری که در واکنش به رکود بزرگ به کار گرفته شدند بازسازی شده است. کسری بودجه نیز تا زیر سطح تعیین‌شده در پیمان ماستریخت پایین خواهد آمد و رشد نیز به سطح معتدلی از آنچه در منطقه یورو دیده می‌شود باز خواهد گشت.

## رومانی

|                                                               |
|---------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۳.۹ درصد                                         |
| درآمد سرانه: ۹۲۴۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۲۱۷۹۰ دلار)    |
| تورم: منفی ۰.۷ درصد                                           |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۳ درصد |
| جمعیت: ۱۹.۴ میلیون نفر                                        |

دولت تحت رهبری حزب سوسیال دموکرات با نخست‌وزیری ویکتور پونتا با قدرت گرفتن دوباره مخالفان راست میانه مواجه خواهد شد که با پیروزی کلاوس یوهانیس، کاندیدای ریاست‌جمهوری راست‌گرایان در نوامبر ۲۰۱۴ جان تازه‌ای گرفته‌اند. رئیس‌جمهور قدرت وتوی قابل توجهی دارد و در حالی که انتخابات اواخر سال ۲۰۱۶ نزدیک می‌شود اختلاف نظرهای او با دولت به بخشی از رویدادهای صحنه سیاسی رومانی تبدیل خواهد شد. سوسیال دموکرات‌ها به خاطر وضعیت خوب اقتصاد در نظرسنجی‌ها جایگاه خوبی دارند و شکست دادن آنها سخت خواهد بود. افزایش معافیت‌های مالیاتی نیز به رشد اقتصاد کمک خواهد کرد.

## روسیه

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: منفی ۰.۴ درصد                                      |
| درآمد سرانه: ۸۶۷۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۲۴۹۱۰ دلار)      |
| تورم: ۸.۲ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۲.۹ درصد |
| جمعیت: ۱۴۳.۴ میلیون نفر                                         |

قیمت پایین نفت، تحریم‌های غرب به خاطر اوکراین که قرار است با آغاز سال ۲۰۱۶ تمدید شوند و نرخ بالای تورم، به اقتصاد روسیه ضربه می‌زنند. از خدمات بخش عمومی و سطح زندگی در روسیه، در سال آینده کاسته خواهد شد. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور، برای حفظ محبوبیتی در میان مردم مشکل خواهد داشت که پیش‌تر به خاطر رویکرد ملی‌گرایانه در سیاست او در مورد اوکراین به دست آمده بود. حملات روسیه در سوریه نیز اوضاع را بدتر خواهد کرد.

## اسلواکی

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۲.۸ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۱۶۵۸۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۲۹۹۸۰ دلار)     |
| تورم: ۰.۴ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۳.۱ درصد |
| جمعیت: ۵.۴ میلیون نفر                                           |

حزب سوسیال دموکرات در انتخابات ماه مارس موفق به حفظ دولت خواهد شد اما کاهش تعداد کرسی‌های کسب‌شده حزب را مجبور به ائتلاف خواهد کرد که احتمالاً شریک این ائتلاف حزب ملی اسلواک باشد که پیش از سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ نیز همراه با حزب سوسیال دموکرات دولت را تشکیل داده بودند. هر چند کسری بودجه به خاطر افزایش هزینه‌های اجتماعی مربوط به پیش از انتخابات افزایش خواهد یافت اما دولت آن را در زیر سقف ۳ درصد حفظ خواهد کرد تا به وجهه‌اش به عنوان دولتی که توانایی مدیریت شرایط را دارد آسیب وارد نشود. اقتصاد باز اسلواکی از تقاضای رو به افزایش در اروپا بهره خواهد برد.

## اسلونی

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۱.۹ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۲۰۰۴۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۳۱۳۱۰ دلار)     |
| تورم: ۰.۸ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۱.۱ درصد |
| جمعیت: ۲.۱ میلیون نفر                                           |

نخست‌وزیر، میرو کرار، و دولتش که در اختیار حزب مدرن میانه است برای ایجاد اصلاحات مورد نیاز با مشکل مواجه‌اند که دلیل آن عدم اتفاق نظر با دیگر احزاب حاضر در دولت ائتلافی است. اقداماتی مانند کاهش هزینه‌های بخش عمومی، بازسازی نظام بانکی و برنامه خصوصی‌سازی که محبوبیت چندانی میان مردم ندارد از جمله سیاست‌هایی به شمار می‌آیند که باعث ایجاد تفرقه در دولت شده‌اند اما در غیاب آنها نیز کشور نیازمند کمک اتحادیه اروپا خواهد بود. رسوایی‌های مقامات دولتی باعث کاهش مقبولیت عمومی دولت شده و در نتیجه دوام آوردن دولت را به‌سختی می‌توان تضمین کرد.

## اسپانیا

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۲.۵ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۲۵۳۰۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۳۶۵۹۰ دلار)     |
| تورم: ۰.۴ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۳.۵ درصد |
| جمعیت: ۴۶.۱ میلیون نفر                                          |

به رغم افزایش قابل توجه اقبال عمومی به حزب نامتعارف پودموس، حزب مردم در انتخابات اواخر سال ۲۰۱۵ موفق به حفظ دولت خواهد شد هرچند که برای این کار احتمالاً در اقدامی بی‌سابقه در اسپانیا، مجبور به ائتلاف خواهد شد که دلیل آن نیز حزب نامتعارف دیگری به نام کیودادانوس است که مرکزگرا محسوب می‌شود. اگرچه ظهور حزب پودموس باعث شده که حزب سنتی سوسیالیست به حاشیه رانده شود اما ائتلاف این حزب سنتی با حزب کیودادانوس می‌تواند هنوز شانسی برای موفقیت داشته باشد. اسپانیا از عهده برآورده ساختن خواسته‌های نهادهایی که به این کشور وام داده‌اند برآمده و اقتصاد به‌خوبی در حال بهبود است.

## سوئد

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۲.۹ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۵۰۳۲۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۴۷۸۶۰ دلار)     |
| تورم: ۱.۲ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۰.۷ درصد |
| جمعیت: ۹.۸ میلیون نفر                                           |

اتحاد حزب چپ میانه سوسیال دموکرات و حزب سبزها همچنان قدرت را در اختیار خواهند داشت اما تنها به خاطر عهدنامه‌ای که با اصلی‌ترین احزاب مخالف امضا کرده‌اند که مبنی بر آن آزادی عمل دولت در سیاست‌گذاری محدود می‌شود، مانند اینکه دولت پیش‌نویس بودجه مخالفان برای سال ۲۰۱۵ را به اجرا رساند و در مقابل از حمایت آنها از قانون‌گذاری برخوردار شد. این توافق به هدفش مبنی بر محدود ساختن تأثیر حزب راست افراطی و محبوب دموکرات‌های سوئدی رسیده است. سیاست‌های مالی دولت به اندازه‌ای که مدنظر دولت است سختگیرانه نیستند اما رشد اقتصاد به کاهش کسری بودجه کمک خواهد کرد.

## سوئیس

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۱.۵ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۸۵۲۱۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۵۹۹۱۰ دلار)     |
| تورم: منفی ۰.۱ درصد                                             |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): مثبت ۰.۲ درصد |
| جمعیت: ۸.۲ میلیون نفر                                           |

پس از حضور قدرتمندانه حزب ضد مهاجرت مردم سوئیس در انتخابات سال ۲۰۱۵، سیاست‌های کشور به سوی راست متمایل خواهند شد. دولت در هزینه‌ها سختگیرانه‌تر عمل خواهد کرد و مقاومت در مقابل قوانین اتحادیه اروپا برای جابه‌جایی افراد در میان مرزها افزایش خواهد یافت. از بانکداری جهانی و مشوق‌های مالیاتی استقبال خواهد شد اما در مقابل، برنامه‌های دولت برای کنار گذاشتن استفاده از انرژی هسته‌ای ممکن است به خاطر افزایش نفوذ راست‌گرایان مورد بازبینی قرار بگیرد.

## ترکیه

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۲.۸ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۸۵۷۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۲۰۳۹۰ دلار)      |
| تورم: ۷.۲ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۲.۲ درصد |
| جمعیت: ۷۷.۳ میلیون نفر                                          |

حزب اسلام‌گرای میانه‌روی رئیس‌جمهور، رجب طیب اردوغان، یعنی حزب اعتدال و توسعه در انتخابات اواخر سال ۲۰۱۵ بازگشت خیره‌کننده‌ای داشت آن هم چند ماه پس از انتخاباتی که اکثریتی را که این حزب برای بیش از یک دهه در اختیار داشت از دست آن خارج کرده بود. آقای اردوغان که طی این دوره ابتدا به عنوان نخست‌وزیر و سپس از سال ۲۰۱۴ تاکنون به عنوان نخستین رئیس‌جمهور منتخب بر کشور حکمرانی کرده علاقه‌مند است که نظام ریاست‌جمهوری را جایگزین نظام پارلمانی کند و به نظر نمی‌رسد که نگران مخالفت‌های قانونی باشد. رشد اقتصادی افزایش خواهد یافت اما همچنان کمتر از دوران درخشان ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ خواهد بود.

## اوکراین

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۰.۹ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۲۱۰۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۷۶۶۰ دلار)       |
| تورم: ۱۴ درصد                                                   |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۴.۳ درصد |
| جمعیت: ۴۴۶ میلیون نفر                                           |

دولت اوکراین، گرفتار در میان آشوب اقتصادی، مداخله روسیه و ضعف عملکرد، حتی برای اعمال قدرت در مناطقی که تحت کنترل دارد نیز با مشکل مواجه است. در بخش‌های مورد مناقشه، توافق مینسک در سال ۲۰۱۵ سکونی همراه با اضطراب ایجاد کرده که دوام نخواهد آورد و خشونت‌های رو به وخامت ادامه خواهد یافت. شرایط تحمیل‌شده از سوی صندوق بین‌المللی پول برای ثبات بخشیدن به اقتصاد اقبال عمومی نسبت به غرب را مورد آزمون قرار خواهد داد آن هم در حالی که واکنش اقتصاد به این اصلاحات بسیار کند بوده است. خطر بحران اقتصادی رو به کاهش است و دولت از سال ۲۰۱۶ جان سالم به در خواهد برد.

| چین                                                           |
|---------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۶.۴ درصد                                         |
| درآمد سرانه: ۸۴۹۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۱۵۴۴۰ دلار)    |
| تورم: ۲.۴ درصد                                                |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۳ درصد |
| جمعیت: ۱.۳۷ میلیارد نفر                                       |

کاهش قابل توجه در رشد اقتصادی و نوسانات شدید در بازارهای سهام شانگهای و شنژن به اطمینان جهانی به اقتصاد چین لطمه زده‌اند. در همین حال دولت باید تلاش کند که کند شدن رشد پس از چندین دهه رشد سریع را مدیریت کند؛ دولت به دنبال مدل اقتصادی متوازن تری است که بر پایه تقاضای پایدار داخلی باشد. چنین انتقالی بدون نوسان نخواهد بود و با در نظر گرفتن اهمیت جهانی اقتصاد چین، احتمالاً نگرانی‌هایی بر سر راه خواهند بود هر چند که چین در سال ۲۰۱۶ با بحران مواجه نخواهد شد.

| هنگ کنگ                                                         |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۱.۹ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۴۳۲۲۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۵۷۸۰۰ دلار)     |
| تورم: ۲.۶ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۰.۵ درصد |
| جمعیت: ۷.۳ میلیون نفر                                           |

شهروندان هنگ کنگی در واقع با پاهایشان رأی خواهند داد زمانی که برای خواست دموکراسی بیشتر به خیابان‌ها می‌آیند، اما در مواجهه با سرسختی پکن از هم‌بستگی آنها کاسته خواهد شد. تجارت با سرزمین اصلی (شامل گردشگری تازمانی که احساسات ضد ساکنان سرزمین اصلی گردشگران را نراند) و اقتصاد کاملاً رو به بهبود امریکا اثر رکود در بخش املاک را جبران خواهد کرد و نرخ رشد پایدار خواهد بود. دولت با کسری بودجه ناچیزی مواجه خواهد شد و اگر کاهش قیمت‌ها در بخش املاک به کاهش درآمدهای مالیاتی ناشی از آن بینجامد، برنامه‌های دولت برای توسعه هزینه‌های رفاه اجتماعی ممکن است با عقب‌گرد مواجه شوند.

| هند                                                             |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۷.۱ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۱۸۶۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۶۶۳۰ دلار)       |
| تورم: ۵.۹ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۳.۷ درصد |
| جمعیت: ۱.۲۹ میلیارد نفر                                         |

برخورداری از اکثریت در مجلس سقلی کار را برای دولت ائتلافی تحت رهبری نارندرا مودی و حزب متبوعش یعنی بهاراتیا جاناتا راحت کرده‌اند اما نبود چنین وضعیتی در مجلس علیا باعث خواهد شد که اصلاحات مدنظر دولت برای بهبود وضعیت کسب و کار به راحتی و بدون تغییر تصویب نشوند. روابط با امریکا گرم خواهد بود اما نه به قیمت تضعیف روابط گرم و دیرینه هند با روسیه. پیشبرد چندین پروژه زیرساختی بزرگ که اجرای آنها در دولت قبل متوقف شده بود به بهبود اقتصاد خواهد انجامید. رشد اقتصادی نیز برای دومین سال متوالی از رشد اقتصاد چین سریع‌تر خواهد بود.

| بریتانیا                                                        |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۲.۲ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۴۴۵۸۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۴۱۵۰۰ دلار)     |
| تورم: ۱.۵ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۳.۹ درصد |
| جمعیت: ۶۴.۹ میلیون نفر                                          |

دولت محافظه‌کار دیوید کمرون اگرچه پس از کسب اکثریت در انتخابات ماه می سال ۲۰۱۵ دیگر از ائتلاف با دیگر احزاب بی‌نیاز شده اما در مواجهه با موضوعاتی که در میان نمایندگان حزب محافظه‌کار در مورد آنها اتفاق نظر وجود ندارد آسیب‌پذیر خواهد بود. همه‌پرسی‌ای که احتمالاً در اواخر سال ۲۰۱۶ یا اوایل سال ۲۰۱۷ برگزار خواهد شد به همه این فرصت را خواهد داد که در مورد ماهیت رابطه بریتانیا و اتحادیه اروپا اظهار نظر و تصمیم‌گیری کنند. احتمال رأی به ماندن در اتحادیه اروپا بیشتر است اما حتمی نیست. بهبود اقتصاد در راه است اما نرخ بهره تا نیمه دوم سال ۲۰۱۶ افزایش نخواهد یافت.

| آسیا و اقیانوسیه                                                |
|-----------------------------------------------------------------|
| استرالیا                                                        |
| رشد اقتصادی: ۲.۶ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۵۳۹۱۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۴۶۲۱۰ دلار)     |
| تورم: ۲.۹ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۲.۱ درصد |
| جمعیت: ۲۴.۲ میلیون نفر                                          |

مالکوم ترنبول در انتخابات مربوط به رهبری حزب لیبرل توبی آبوت را شکست داد. او باید تلاش کند تا حزب را دوباره متحد کند و به همین خاطر تلاش خواهد کرد اولویت‌های شخصی‌اش مانند قانونی ساختن ازدواج همجنس‌گرایان و مبارزه با تغییرات آب و هوایی را به سرعت دنبال کند. مدیریت بهتر اقتصاد به همراه اقداماتی مانند کاهش هزینه‌های دولت و کاهش معافیت‌های مالیاتی مربوط به پس‌انداز بازنشستگی پر درآمدها در میان اولویت‌های کشور قرار خواهند گرفت. ائتلافی لیبرال-ملی به رهبری آقای ترنبول با بهره‌گیری از مزایای حضور در دولت موفق خواهند شد در انتخابات نیمه دوم سال ۲۰۱۶ در قدرت باقی بمانند. کاهش بهای مواد خام به سرمایه‌گذاری لطمه خواهد زد و اقتصاد را تضعیف خواهد کرد.

| بنگلادش                                                         |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۶.۵ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۱۳۲۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۳۵۰۰ دلار)       |
| تورم: ۵.۹ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۵.۲ درصد |
| جمعیت: ۱۶۳.۶ میلیون نفر                                         |

حزب عوامی همچنان در قدرت باقی خواهد ماند آن هم به رقم کارزارهایی از تظاهرات خیابانی و اعتصاب که توسط حزب مخالف یعنی حزب ملی گرا هدایت می‌شود که انتخابات سال ۲۰۱۴ را تحریم کرد. اگر تظاهرات از کنترل خارج شوند آن‌گاه نیروهای امنیتی وارد عمل خواهند شد. سرمایه‌گذاری و مبالغ قابل توجهی که از سوی بنگلادشی‌های کوچ کرده به داخل کشور فرستاده می‌شود و افزایش مصرف بخش خصوصی، رشد اقتصادی قابل توجهی را به ارمغان خواهند آورد اما کسری بودجه به خاطر هزینه‌های دولت در زیرساخت‌ها افزایش خواهد یافت.

## اندونزی

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۵.۱ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۳۴۴۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۱۱۶۱۰ دلار)      |
| تورم: ۶.۵ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۲.۲ درصد |
| جمعیت: ۲۵۸.۲ میلیون نفر                                         |

انتظارات بسیاری از رئیس‌جمهور جوکو ویدودو که حامی بهبود کسب و کار است وجود داشت اما بلندپروازی‌های او به مانعی به نام واقعیت‌های سیاسی برخورد کرده چرا که با مقاومت نیروهای قدرتمند در داخل حزب متبوعش یعنی حزب دموکراتیک اندونزی مواجه شده است. تلاش برای افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و ارتقای بخش تولید که نیازمند بهبود قوانین و مقررات برای تشویق سرمایه‌گذاری خارجی است به کندی پیشرفت خواهد کرد و در نتیجه رشد اقتصاد نیز کمتر از توان بالقوه کشور خواهد بود. کاهش بهای نفت در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ به نفع اقتصاد اندونزی تمام شد که واردات سهم قابل توجهی در آن دارد، اما روند رو به رشد بهای نفت در سال ۲۰۱۶ برای اقتصاد این کشور مشکل ساز خواهد بود.

## ژاپن

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۱.۷ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۳۲۸۰۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۳۸۲۶۰ دلار)     |
| تورم: ۱.۴ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۵.۹ درصد |
| جمعیت: ۱۲۶.۳ میلیون نفر                                         |

آبنومیکس (اصطلاحی که به سیاست‌های اقتصادی شینزو آبه اشاره دارد) به احیای اقتصاد کمک کرده است اما موضوع اصلی این است که آیا اصلاحات اساسی‌تر که توسط نخست‌وزیر، شینزو آبه، پیشنهاد شده و به همین خاطر هم به نام او اشاره دارد خواهد توانست بر قوانین و مقررات تأثیرگذار باشد یا خیر؛ قوانینی که بیشتر مناسب زمانی هستند که رشد اقتصادی مقادیر بیشتری را تجربه کند. گروه‌های ذی‌نفع و حتی برخی از نمایندگان هم‌حزبی آقای آبه در مورد ایجاد اصلاحات در بخش‌هایی مقاومت خواهند کرد که اقتصاد ژاپن در آنها از دیگر اقتصادهای ثروتمند عقب افتاده است، بخش‌هایی مانند بازار کار، کشاورزی و مدیریت شرکت‌ها. احزاب مخالف در سال آینده کم‌سروصدتر خواهند بود و بیشتر به مذاکره برای انتخابات ماه جولای مشغول خواهند بود که در آن برای نیمی از کرسی‌های مجلس علیا به رقابت خواهند پرداخت. چاپ مقادیر هنگفت پول توسط بانک مرکزی و ین ضعیف از اقتصاد حمایت خواهند کرد.

## قزاقستان

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۱.۳ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۸۴۲۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۲۴۰۹۰ دلار)      |
| تورم: ۸.۳ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۱.۸ درصد |
| جمعیت: ۱۷.۹ میلیون نفر                                          |

در حالی که قوانین داخلی به‌آرامی در حال تطبیق با استانداردهای جهانی هستند، کشور آماده می‌شود که سال را به عنوان تازه‌ترین عضو سازمان تجارت جهانی آغاز کند. در حالی که رئیس‌جمهور، نورسلطان نظربایف، که سال‌هاست این مقام را در اختیار دارد وارد دوران کهن‌سالی می‌شود، پرسش‌ها در مورد شیوه انتقال به دوران رهبری جدید باعث تردید در میان سرمایه‌گذاران

بالقوه شده و باعث شده سیاست‌های دولت برای جذب سرمایه تحت تأثیر قرار بگیرند. رویکرد روسیه در مورد کریمه باعث خواهد شد که قزاق‌ها در روابط با روسیه محتاطانه‌تر عمل کنند با این حال روسیه اصلی‌ترین شریک اقتصادی و امنیتی آنها باقی خواهد ماند. رشد اقتصادی که به خاطر بهای پایین نفت تضعیف خواهد شد در سطحی پایین‌تر از نرخ بالقوه باقی خواهد ماند.

## مالزی

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۶.۶ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۹۸۰۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۲۸۶۷۰ دلار)      |
| تورم: ۳.۳ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۳.۵ درصد |
| جمعیت: ۳۰.۸ میلیون نفر                                          |

نخست‌وزیر، نجیب رزاق، به خاطر رسوایی مالی در یک شرکت دولتی با اعتراضات عمومی مواجه شده اما برخورداری از حمایت قوی در داخل حزب اتحاد ملی مالزی باعث خواهد شد که او تا انتهای دوره‌اش که در سال ۲۰۱۸ به پایان می‌رسد قدرت را در اختیار داشته باشد. دولت سیاست‌هایی را پیگیری خواهد کرد که هدف آنها بالا کشاندن مالزی به جایگاه اقتصادهای پردرآمد تا سال ۲۰۲۰ است و سیاست‌هایی مانند اصلاحات شیوه حکمرانی، ارتقای بخش‌های کلیدی اقتصاد و کاهش فقر را دربر می‌گیرد. چنین رویکردی اقتصاد را به پیش خواهد برد. بهای پایین نفت از یارانه سوخت خواهد کاست اما به بخش‌های مربوط به صادرات نفت آسیب خواهد زد.

## نیوزیلند

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۲.۴ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۳۷۵۷۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۳۷۲۹۰ دلار)     |
| تورم: ۲.۳ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): مثبت ۰.۹ درصد |
| جمعیت: ۴.۶ میلیون نفر                                           |

جان کی، نخست‌وزیری که برای سومین دوره قدرت را در اختیار دارد به همراه ائتلاف تحت رهبری حزبش یعنی حزب ملی، اکثریتی شکننده اما قابل قبول را در اختیار دارند البته تا زمانی که احزاب کوچک در دولت از طریق به دست آوردن سیاست‌های مورد نظر راضی نگه داشته شوند. محبوبیت آقای کی آن قدر هست که پیروزی او برای چهارمین بار در سال ۲۰۱۷ محتمل به نظر برسد. مخارج مصرف‌کنندگان اقتصاد را تقویت خواهد کرد اما صادرات ضعیف‌تر و کند شدن سرمایه‌گذاری بخش عمومی بر رشد اقتصادی تأثیرگذار خواهند بود. نیوزیلند در سال آینده مازاد بودجه را تجربه خواهد کرد اما کسری تجارت خارجی همچنان بالا خواهد بود.

## پاکستان

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۴.۸ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۱۵۰۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۵۱۶۰ دلار)       |
| تورم: ۵.۵ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۴.۵ درصد |
| جمعیت: ۱۹۲.۸ میلیون نفر                                         |

حزب «مسلم لیگ» تا سال ۲۰۱۸ قدرت را در اختیار خواهد داشت اما این تنها ثباتی است که کشور می‌تواند انتظار داشته باشد. بلوچ‌های جدایی‌طلب، طالبان پاکستان در مناطق قبیله‌نشین، اقدامات تروریستی در شهرهای بزرگ و رقابت میان قدرت‌های سیاسی و نظامی همگی امنیت داخلی را تهدید خواهند کرد. تنش‌های مرزی با هند هم

بی‌سروصدا نخواهد نبود. اقتصاد رشد خواهد کرد اما کمبود انرژی و شرایط نامساعد برای کسب و کار جلوی رشد بیشتر را خواهند گرفت.

### فیلیپین

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۵.۷ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۳۱۵۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۷۷۱۰ دلار)       |
| تورم: ۲.۹ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): مثبت ۲.۲ درصد |
| جمعیت: ۱۰۲.۳ میلیون نفر                                         |

هر چند اکنون حمایت عمومی از رئیس‌جمهور، بنیگنو آکینو، رو به کاهش است اما اجرای برنامه سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و ایجاد شغل به رشد محبوبیت او در ماه‌های پایانی دوره ریاست‌جمهوری خواهد انجامید. انتخابات برای ماه می برنامه‌ریزی شده. امیدهای ججو مار بینی - که در سال ۲۰۱۵ برای ایجاد اپوزیسیون اتحاد ملی گرایان از معاونت ریاست‌جمهوری استعفا داد- برای جانشینی ریاست‌جمهوری در اثر اتهامات مربوط به فساد مالی و اداری کم شده است. گریس پو، سناتور مستقل، در رقابتی نزدیک اکنون پیش‌تاز نظرسنجی‌هاست. افزایش اشتغال و همچنین مبالغی که کارگران فیلیپینی از خارج برای خانواده‌هایشان در داخل ارسال می‌کنند به یاری اقتصاد خواهند آمد.

### سنگاپور

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۲.۸ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۵۴۰۰۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۸۶۵۵۰ دلار)     |
| تورم: ۱.۰ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): مثبت ۱.۲ درصد |
| جمعیت: ۵.۶ میلیون نفر                                           |

نظام انتخاباتی در سنگاپور (که در آن حزب پیروز بدون در نظر گرفتن اینکه چه سهمی از آرا را به دست آورده تمام قدرت را در اختیار می‌گیرد) به این معنی است که مخالفان حزب اقدام مردم که مدتی طولانی است قدرت را در اختیار دارد نقش چندانی در قانون‌گذاری ندارند. به دنبال پیروزی راحت در انتخابات اواخر سال ۲۰۱۵، حزب حاکم برای پنج سال دیگر قدرت را در اختیار خواهد داشت بدون اینکه با مخالفتی جدی مواجه شود. سیاست‌های دولت به پیشبرد برخی از بخش‌ها از طریق سرمایه‌گذاری و همچنین غلبه بر مقاومت عمومی در مقابل تامین نیروی کار مورد نیاز از طریق مهاجرت متمرکز خواهد بود. اقتصاد سنگاپور که یک شهر-کشور است به طور بی‌رقیبی به تجارت جهانی وابسته است و در نتیجه بهبود اقتصادهای توسعه‌یافته به رشد اقتصاد سنگاپور کمک خواهد کرد.

### کره جنوبی

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۳.۰ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۲۷۵۱۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۳۶۸۹۰ دلار)     |
| تورم: ۱.۳ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): مثبت ۰.۱ درصد |
| جمعیت: ۵۰.۵ میلیون نفر                                          |

توجهات به‌سرعت در حال جلب شدن به رقابت بر سر کرسی‌های پارلمان در انتخابات ماه آوریل است، اولویت دولت نیز به‌کندی در حال تغییر است تا اقتصاد صادرات‌محور به اقتصادی بر پایه تقاضای داخلی تبدیل شود. اگر حزب حاکم «سنوری» اکثریتش را از دست بدهد آن‌گاه

جولان دادن مخالفان به خطری برای قدرت رئیس‌جمهور، خانم پارک گوئن - های، تبدیل می‌شود و رسیدن به هر دستاوردی را مشکل‌تر می‌کند. حتی با کسب اکثریت هم در داخل حزب جایگاه خانم گوئن - های تضمین‌شده نیست و او به دنبال تثبیت قدرت خواهد بود تا اینکه اجازه بدهد قدرت از دستش خارج شود. وعده به چالش کشیدن شرکت‌های بزرگ در کره که در صحنه سیاسی هم تاثیر بسزایی دارند در سال آینده کمرنگ خواهد شد.

### سریلانکا

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۶.۶ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۳۷۵۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۱۲۰۵۰ دلار)      |
| تورم: ۲.۵ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۵.۱ درصد |
| جمعیت: ۲۱.۸ میلیون نفر                                          |

سیاست‌های رئیس‌جمهور، مایتریپالا سیریسنا، در انتخابات آگوست ۲۰۱۵ با حمایت رأی‌دهندگان مواجه شدند. او برنامه‌های مربوط به اصلاحات سیاسی و اقتصادی را به پیش خواهد برد. اختلاف سلیقه‌ها در داخل ائتلاف به آزمونی برای دولت تبدیل خواهد شد اما تلاش‌ها به طور خاص در راستای بهبود فضای کسب و کار، افزایش صادرات و ارتقای بخش صنعت قرار خواهند گرفت. افزایش درآمدها و همچنین مبالغی که کارکنان سریلانکایی در دیگر کشورها به داخل سریلانکا ارسال می‌کنند از مخارج مصرف‌کنندگان و کسب و کارها حمایت خواهد کرد و رشد اقتصادی پایداری را به همراه خواهد آورد.

### تایوان

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۲ درصد                                             |
| درآمد سرانه: ۲۱۶۸۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۴۵۶۴۰ دلار)     |
| تورم: ۱.۱ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۰.۵ درصد |
| جمعیت: ۲۳.۵ میلیون نفر                                          |

امسال با انتخابات ریاست‌جمهوری آغاز خواهد شد که پیروز آن حزب دموکراتیک پیشرو خواهد بود هر چند که این حزب برای تشکیل دولت نیاز به ائتلاف خواهد داشت. دولت آینده در مقایسه با دولت فعلی رویکرد محتاطانه‌تری را نسبت به نزدیکی به چین اتخاذ خواهد کرد و حرکت به سوی یکپارچه شدن با چین احتمالاً درجا خواهد زد. سختی‌های مربوط به ایجاد سرزمین‌های قابل استفاده در جزیره تایوان و همچنین نگرانی در مورد تامین انرژی به خاطر کنار گذاشتن انرژی هسته‌ای به فضای کسب و کار آسیب می‌زند آن هم در حالی که کند شدن رشد چین به تضعیف صادرات تایوان خواهد انجامید.

### تایلند

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۳.۵ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۶۳۰۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۱۷۰۶۰ دلار)      |
| تورم: ۱.۷ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۲.۴ درصد |
| جمعیت: ۶۷.۵ میلیون نفر                                          |

دولت نظامی که قدرت را در سال ۲۰۱۴ به دست گرفت به اهداف سیاسی‌اش یعنی مهار بی‌نظمی‌ها و تحکیم قدرتش دست یافته است اما در ایجاد تحول در اقتصاد ناکام مانده است. با وجود این، بازگشت ثبات در کنار سرمایه‌گذاری عمومی به اقتصادی کمک کرده‌اند که

اگرچه رو به رشد است اما با توان بالقوه‌اش فاصله بسیاری دارد. امور مربوط به تنظیم نسخه تازه قانون اساسی در سال ۲۰۱۶ پیش خواهد رفت. ژنرال‌ها به امید اینکه بتوانند از پشت صحنه تاثیرگذار باشند در نهایت انتخابات را برگزار خواهند کرد اما نه زودتر از سال ۲۰۱۷.

| اویگستان                                                        |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۵.۰ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۲۰۱۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۶۰۲۰ دلار)       |
| تورم: ۱۱ درصد                                                   |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۱.۳ درصد |
| جمعیت: ۳۱.۷ میلیون نفر                                          |

اسلام کریمف، در آغاز پنجمین دور ریاست جمهوری، با اقتصادی ضعیف، سطح زندگی پایین و تهدید تروریستی فزاینده مواجه خواهد شد اما حداقل هنوز از توان مقابله با چالش‌های داخلی برخوردار است چرا که جایگاه او در قدرت از اواخر دوران اتحاد جماهیر شوروی تاکنون تضعیف نشده است. دولت اصلاحات مربوط به بهبود فضای کسب و کار و کاهش مالکیت دولتی را پیگیری خواهد کرد اما بدون هیچ عجله‌ای و با قید حفظ تمرکز قدرت. هر چند داده‌های رسمی مربوط به رشد اقتصادی تنها حدس و گمان هستند اما اقتصاد رشد خواهد کرد.

| ویتنام                                                          |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۶.۸ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۲۲۵۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۶۲۳۰ دلار)       |
| تورم: ۳.۶ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۳.۸ درصد |
| جمعیت: ۹۴.۴ میلیون نفر                                          |

حزب حاکم کمونیست دوازدهمین کنگره ملی را برگزار خواهد کرد که در آن چهره‌هایی تازه برای سمت‌های عالی برگزیده خواهند شد. با در نظر گرفتن اینکه حامیان نزدیک نخست‌وزیر اصلاح‌طلب (که احتمالاً به عنوان دبیر کل حزب برگزیده خواهد شد) جایگاه خود را مستحکم خواهند کرد، می‌توان گفت که کنگره جدید برنامه مربوط به آزادسازی اقتصاد و همچنین بهبود روابط با غرب را شتاب خواهد بخشید. اصلاحات رشد اقتصادی فزاینده و پایداری را به همراه خواهد آورد.

| امریکای شمالی                                                   |
|-----------------------------------------------------------------|
| کانادا                                                          |
| رشد اقتصادی: ۲.۳ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۴۳۷۳۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۴۵۳۹۰ دلار)     |
| تورم: ۲.۱ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۱.۲ درصد |
| جمعیت: ۳۶.۳ میلیون نفر                                          |

جاستین تروود، پسر نخست‌وزیر اسبق با سابقه‌ای ناچیز به عنوان یک سیاستمدار برجسته، پس از انتخابات سرنوشت‌ساز اکتبر ۲۰۱۵، سال ۲۰۱۶ را به عنوان رهبر دولت حزب لیبرال آغاز می‌کند. پس از یک دهه محافظه‌کاری و دفاع از دولت کوچک تحت نخست‌وزیری استفان هارپر، آقای تروود در نظر دارد تا از طریق سیاست‌های کینزی مانند اشتغال بخش عمومی بر اساس منابع ناشی از کسری بودجه و افزایش بار مالیاتی

پر درآمد‌ها اقتصاد را بهبود ببخشد. این محرک به اقتصاد کمک خواهد کرد در حالی که بهبود بهای نفت نیز به افزایش صادرات کمک خواهد کرد.

| مکزیک                                                         |
|---------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۲.۸ درصد                                         |
| درآمد سرانه: ۹۰۸۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۱۷۷۶۰ دلار)    |
| تورم: ۳.۷ درصد                                                |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۳ درصد |
| جمعیت: ۱۲۸.۶ میلیون نفر                                       |

دولت رئیس‌جمهور، انریکه پنا نیه تو، که در نیمه نخست دوره ریاست‌جمهوری با اشتیاق به دنبال اصلاحاتی برای بازتر کردن بخش‌هایی تحت حمایت دولت مانند انرژی و مخابرات بود، اکنون فرصت خواهد یافت که بر مبارزه با فرهنگ ایجاد گروه‌های تبه‌کاری مسلح و فساد گسترده تمرکز کند، اقدامی که می‌تواند از فشار سیاسی بر دولت و همچنین خشم عمومی بکاهد. اقتصادی با ضعف دیرپا کمک‌حال دولت نبوده و دولت به خاطر کاهش صادرات و درآمد‌های ناشی از کاهش بهای نفت از منابع کمتری برای ریخت و پاش برخوردار بوده است. افزایش تدریجی بهای نفت از وخامت این شرایط خواهد کاست.

| ایالات متحده امریکا                                             |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۲.۵ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۵۷۶۲۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۵۷۶۲۰ دلار)     |
| تورم: ۱.۷ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۲.۲ درصد |
| جمعیت: ۳۲۹.۹ میلیون نفر                                         |

در حالی که کشور برای انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس نمایندگان در ماه نوامبر آماده می‌شود، انتخابات مقدماتی در ایالت‌ها بر صحنه سیاسی امریکا تسلط خواهند داشت. باراک اوباما نمی‌تواند بار دیگر برای ریاست‌جمهوری تلاش کند و بسیاری از رقبای دموکرات و جمهوری‌خواه برای به دست آوردن سمت او تلاش خواهند کرد. هر چند کمپین هیلاری کلینتون شروع خوبی نداشت اما او هنوز اصلی‌ترین نماینده دموکرات‌ها است و احتمالاً رئیس‌جمهور آینده خواهد بود. گروه پرسروصدای رقبای جمهوری‌خواه به سرعت شاهد ریزش‌هایی خواهد بود و نامزد نهایی غافلگیرکننده خواهد بود (راهنمایی اینکه این نامزد فردی از خانواده بوش نخواهد بود). نرخ بهره افزایش خواهد یافت اما نه آن قدر که اقتصادی را که به‌خوبی رشد خواهد کرد از مسیر خارج کند.

| امریکای لاتین                                                   |
|-----------------------------------------------------------------|
| آرژانتین                                                        |
| رشد اقتصادی: ۱.۴ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۱۳۵۰۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۲۲۶۸۰ دلار)     |
| تورم: ۲۵.۸ درصد                                                 |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۳.۱ درصد |
| جمعیت: ۴۳.۶ میلیون نفر                                          |

در دور نخست انتخابات ریاست‌جمهوری در اکتبر ۲۰۱۵ دانیل سیولی، فرماندار استان بوینوس آیرس، از حزب حاکم و نماینده مخالفان یعنی مائوریسیو ماکری، شهردار بوینوس آیرس، موفق

شدند به دور بعدی بروند که پیش‌بینی نتیجه آن به‌سختی امکان‌پذیر است (تاریخ انتشار سالنامه اکونومیست پیش از دور دوم انتخابات که با پیروزی آقای ماکری همراه بود منتشر شده بود). میراثی خطرناک همراه با اقتصادی شکننده، فسادى همه‌گیر و زیرساخت‌های فرسوده در انتظار فرد پیروز خواهد بود. بازگرداندن ثبات نیازمند دوره‌ای از ریاضت اقتصادی خواهد بود که به آزمونی برای سنجش صبری ملتی تبدیل خواهد شد که مترصد حضور اعتراضی در خیابان‌ها هستند.

### بولیوی

|                                                               |
|---------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۴.۳ درصد                                         |
| درآمد سرانه: ۳۴۹۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۶۶۵۰ دلار)     |
| تورم: ۴.۵ درصد                                                |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۲ درصد |
| جمعیت: ۱۱.۲ میلیون نفر                                        |

رئیس‌جمهور، اوو مورالس، و حزب جنبش سوسیالیسم از حمایت پایدار اقشار کم‌درآمد روستایی بهره برده‌اند و پیشنهاد برای برداشتن سقف قانونی تعداد دوره‌های ریاست‌جمهوری برای یک نفر به‌راحتی تصویب خواهد شد که راه را برای چهارمین دور ریاست‌جمهوری پیاپی آقای مورالس در سال ۲۰۱۹ باز خواهد کرد. کاهش بهای مواد خام باعث خواهد شد که دولت مجبور بشود از منابع انباشته‌شده در دورانی که بهای مواد خام گران بود استفاده کند.

### برزیل

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: منفی ۰.۷ درصد                                      |
| درآمد سرانه: ۷۵۴۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۱۵۵۹۰ دلار)      |
| تورم: ۶.۶ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۷.۸ درصد |
| جمعیت: ۲۰۶.۱ میلیون نفر                                         |

کاهش رتبه اعتباری اوراق قرضه دولتی برزیل به بی‌ارزشی در اواخر سال ۲۰۱۵ حس بدبینی ایجادشده نسبت به دومین دور ریاست‌جمهوری دیلما روسف را تشدید کرد. شرایط مالی سختگیرانه‌تر پس از دست‌و‌دل‌بازی‌های دور نخست قرار بود ثبات بیشتر را به ارمغان بیاورد اما باعث خشم رأی‌دهندگان شده است. نرخ مقبولیت خانم دیلما در حال سقوط است و مخالفان از همین حالا به دنبال استعفاى او یا حتی اعلام جرم علیه او هستند. اینکه خانم دیلما تا انتهای دوره ریاست‌جمهوری دوام بیاورد یا خیر به این بستگی دارد که رقبایش بخواهند وضعیت آشفته برزیل را اکنون در اختیار بگیرند یا در انتهای دوره ریاست‌جمهوری در سال ۲۰۱۸.

### شیلی

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۳.۱ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۱۳۲۴۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۲۳۴۵۰ دلار)     |
| تورم: ۴.۴ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۲.۲ درصد |
| جمعیت: ۱۸.۱ میلیون نفر                                          |

در حالی که رئیس‌جمهور، میشل باشله، و حزب چپ‌گرایی او با کاهش محبوبیت، تظاهرات خیابانی و حملات مخالفان مواجه می‌شوند اما اقتصاد سالم بر هرج و مرج‌های سیاسی سایه خواهد افکند. بهای رو به رشد فلز مس و تصویر روشن‌تری از تجارت به رشد اقتصاد کمک خواهد کرد. دولت که با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم می‌کند به دنبال اصلاحات در بخش آموزش و بازار کار خواهد بود و مبارزه با فساد و اصلاح قانون اساسی را نیز دنبال خواهد کرد.

### کلمبیا

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۳.۴ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۵۸۸۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۱۴۱۴۰ دلار)      |
| تورم: ۳.۵ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۲.۵ درصد |
| جمعیت: ۴۸.۶ میلیون نفر                                          |

در صورتی که مذاکرات صلح با شورشیان چپ‌گرای فارک کامل شود، اقتصاد رشد خواهد کرد اما موانع قدرتمندی مانند چریک‌هایی که به‌سختی چانه می‌زنند، مخالفت سیاسی و افکار عمومی بدبین بر سر راه این مذاکرات قرار دارند. با وجود این، این مذاکرات یکی از اولویت‌های رئیس‌جمهور، خوان مانوئل سانتوس، خواهد بود که دوست دارد موفقیت مذاکرات به میراث او تبدیل شود. افزایش بهای مواد خام و تقاضای رو به افزایش در جهان توسعه‌یافته محرک مثبتی برای اقتصاد خواهد بود.

### کوبا

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۴.۴ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۸۶۱۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۱۳۲۲۰ دلار)      |
| تورم: ۳.۹ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۳.۲ درصد |
| جمعیت: ۱۱.۲ میلیون نفر                                          |

گذار قابل توجهی از اقتصاد دولت‌محور و انقلابی تحت رهبری برادران کاسترو به سوی اقتصاد بازتر با ساختاری مطلوب‌تر برای کسب و کارها تحت رهبری نسل جدیدی از رهبران در راه خواهد بود که نماد آن نیز بازگشایی سفارت آمریکا در هاوانا در اواسط سال ۲۰۱۵ بود. رفع تدریجی تحریم‌ها از سوی آمریکا، بازگشت سرمایه‌گذاری خارجی، افزایش نقدینگی در اختیار مصرف‌کنندگان و کاهش خطر پس زده شدن اصلاحات با واکنش مثبت اقتصاد همراه خواهد شد. هژمونی کمونیسم ناپدید نخواهد شد اما از قدرت تمرکززدایی خواهد شد و شفافیت نیز افزایش خواهد یافت.

### اکوادور

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۰.۷ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۷۰۸۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۱۲۱۰۰ دلار)      |
| تورم: ۳.۳ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۴.۵ درصد |
| جمعیت: ۱۵.۷ میلیون نفر                                          |

رئیس‌جمهور چپ‌گرا، رافائل کورتا، همچنین در میان پایگاه حامیان‌ش در طبقات کم‌درآمد محبوب باقی خواهد ماند اما دیگر گروه‌ها در حال از دست دادن صبر خود هستند. کاهش بهای نفت به مدل اقتصادی مبنی بر تامین مخارج بخش عمومی از محل درآمدهای نفتی آسیب زده که نشان‌دهنده ناکامی در تنوع بخشیدن به اقتصاد در زمانی است که بازار نفت رونق داشت. افزایش ملایم قیمت نفت در سال ۲۰۱۶ به اقتصاد کمک خواهد کرد و تصمیم جنجالی مبنی بر حفاری در پارک ملی یاسونی نیز به افزایش درآمد خواهد انجامید. اعتبارات خارجی به‌خصوص از سوی چین تسکینی برای مشکلات مالی کوتاه‌مدت خواهند بود.

## باراکونه

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۳.۹ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۴۳۴۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۸۹۸۰ دلار)       |
| تورم: ۴.۷ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): مثبت ۲.۴ درصد |
| جمعیت: ۷.۱ میلیون نفر                                           |

رئیس‌جمهور، هیراسیو کارتس، پس از مجموعه‌ای از اصلاحات در دوران نخست که شامل تغییرات در نظام مالیاتی بخش کشاورزی و اصلاح قوانین مربوط به شراکت بخش خصوصی و دولتی می‌شد، اکنون دریافته که ادامه اصلاحات مشکل‌تر خواهد بود. اعضای مجلس سنا، حتی آنها که عضو حزب حاکم هستند، استحکام خود را بازیابی کرده‌اند و در مورد اصلاحاتی که منافع آنها را تهدید می‌کند دولت را مجبور به سازش می‌کنند در حالی که در مجلس نمایندگان اتحادهای پیچیده‌تری باعث خواهد شد که روند اصلاحات کندتر شود. آقای کارتس ممکن است از نمایندگانی که به او وفادارند بهره‌برداری با ایجاد تغییرات در قانون اساسی راه را برای انتخاب مجددش در سال ۲۰۱۸ هموار سازد.

## برو

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۳.۹ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۶۲۵۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۱۱۵۲۰ دلار)      |
| تورم: ۳.۵ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۰.۲ درصد |
| جمعیت: ۳۱.۵ میلیون نفر                                          |

در حالی که کشور برای انتخابات در ماه آوریل آماده می‌شود، رئیس‌جمهور، اولانتا هوماما، شانس کمی برای پیروزی دارد. مجموعه‌ای از رسوایی‌ها برای دولت مشکل‌ساز شده، باعث سقوط وزرای کابینه شده، به محبوبیت رئیس‌جمهور آسیب زده و حزب حاکم را دچار مشکل کرده است. کیکو فوجیموری، دختر رئیس‌جمهور اسبق در حصر، پیش‌تاز نظرسنجی‌هاست در حالی که گزینه‌های دیگری مانند آلن گارسیا که برای دو دوره ریاست‌جمهوری را در اختیار داشت، آلخاندرو تولدو، یک رئیس‌جمهور سابق دیگر، و پدرو پابلو کوژینسکی، نخست‌وزیر سابق، او را تعقیب می‌کنند. افزایش بهای مواد خام رشد اقتصادی را تقویت خواهد کرد.

## اروگوئه

|                                                               |
|---------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۳.۲ درصد                                         |
| درآمد سرانه: ۱۵۶۲۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۲۲۰۱۰ دلار)   |
| تورم: ۸ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۳ درصد |
| جمعیت: ۳.۴ میلیون نفر                                         |

رئیس‌جمهور، تابار و اسکز، مجبور است با بدهی‌های دولتی رو به افزایش دست و پنجه نرم کند آن هم بدون اینکه متحدان چپ‌گرایش را در دولت ائتلافی آزرده کند. نقاط مشترکی که رئیس‌جمهوری میانه‌رو با سابقه مدیریت معقول اقتصاد طی دور نخست ریاست‌جمهوری در یک دهه قبل، با مخالفان در راست میانه دارد به او کمک خواهند کرد. با پیشرفت کند اصلاحات، ناآرامی‌هایی از سوی اتحادیه‌های کارگری قابل تصور است. در منطقه‌ای که بیشتر کشورها دچار مشکلات اقتصادی‌اند، رشد اقتصادی اروگوئه قابل احترام است.

## ونزوئلا

|                                                                  |
|------------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۶.۲ درصد                                            |
| درآمد سرانه: ۱۶۸۳۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۱۵۷۹۰ دلار)      |
| تورم: ۱۲۹.۹ درصد                                                 |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۱۰.۸ درصد |
| جمعیت: ۳۰.۹ میلیون نفر                                           |

رئیس‌جمهور، نیکولاس مادورو، تلاش خواهد کرد که تا انتهای دوره ریاست‌جمهوری که در سال ۲۰۱۸ به پایان می‌رسد در سمتش باقی بماند آن هم به رغم دورنمای فاجعه‌بار اقتصادی و حمایت عمومی ناچیز. مخالفان به خاطر اشتباهات خودشان و حیل‌های دولت پراکنده‌اند. اگرچه کاهش قیمت نفت و کاهش تولید از درآمدهای دولت کاسته اما وام‌های چینی راهگشا بوده‌اند. با وجود این، سطح زندگی همچنان پایین خواهد آمد، جرم و جنایت بیشتر خواهد شد و اقتصاد دوباره سقوط خواهد کرد.

## خاورمیانه و آفریقا

### الجزایر

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۱.۸ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۴۳۹۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۱۴۴۲۰ دلار)      |
| تورم: ۴.۹ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۷.۶ درصد |
| جمعیت: ۴۰.۸ میلیون نفر                                          |

ساختار قدرت اقتدارگرا با مرکزیت عبدالعزیز بوتفلیقه که چهارمین دور ریاست‌جمهوری‌اش را سپری می‌کند همچنان باقی خواهد ماند چرا که مخالفان سرکوب شده‌اند و بزرگ‌ترین دشمن رئیس‌جمهور، کهلویت سن و وضعیت سلامت است. تنش‌های اجتماعی نیز افزایش یافته در حالی که شورش افراط‌گرایان به‌سختی سرکوب می‌شود. دولت برای جبران بهای پایین نفت به اندوخته‌هایش رو آورده است.

### آنگولا

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۴.۴ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۴۱۷۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۷۴۰۰ دلار)       |
| تورم: ۹.۹ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۲.۱ درصد |
| جمعیت: ۲۵.۸ میلیون نفر                                          |

رئیس‌جمهور، ژوزه ادوآردو دوس سانتوس، که از سال ۱۹۷۹ قدرت را در اختیار دارد پیش از پایان دوره قانونی‌اش در سال ۲۰۲۲ از قدرت کنار خواهد رفت اما نه در سال ۲۰۱۶. به جان آن، حزب او برای تطهیر چهره‌اش تلاش خواهد کرد آن در حالیکه چهره‌های مخالف که می‌توانند تهدیدی محسوب شوند دستگیر می‌شوند. افزایش اندک در بهای نفت به اقتصاد کمک خواهد کرد اما شرایط بد کسب و کار همچنان مانع سرمایه‌گذاری خواهد بود.

## کامرون

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۵.۲                                                |
| درآمد سرانه: ۱۱۲۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۳۱۶۰ دلار)       |
| تورم: ۲.۱ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۴.۴ درصد |
| جمعیت: ۲۴ میلیون نفر                                            |

رئیس‌جمهور هشتاد و چند ساله، پل بیا، وارد چهارمین دهه از حکمرانی‌اش شده و غیرقابل دستیابی به نظر می‌رسد. اگر شرایط سلامت او وخیم شود، نبود برنامه روشن برای جانشینی به معنی به خطر افتادن نظم است که اقتدار او ایجاد کرده است و به همین خاطر حزیش هم نگران آینده است. هرچند شهروندان از شرایط فعلی راضی نیستند اما با در نظر گرفتن ظرفیت رژیم برای سرکوب، این نارضایتی تفاوت اندکی ایجاد خواهد کرد.

## مصر

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۴.۳ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۳۸۶۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۱۲۰۴۰ دلار)      |
| تورم: ۸.۹ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۹.۲ درصد |
| جمعیت: ۸۶.۴ میلیون نفر                                          |

انتظار می‌رفت که انتخابات مربوط به قوانین جدید به تحکیم موقعیت رئیس‌جمهور، عبدالفتاح سیسی بینجامد همراه با رژیمی که کنترل خود بر کشور را شدیدتر می‌کند. بخشی از قوانین اخیر که با هدف جذاب‌تر کردن اقتصاد برای سرمایه‌گذاری خارجی و بخش خصوصی، افزایش مالیات پرداخت‌ها و بازسازی بخش نیرو تنظیم شده بود احتمالاً به بهبود رشد در آینده بینجامد.

## اتیوپی

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۵.۱ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۵۷۸ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۱۶۳۰ دلار)        |
| تورم: ۸.۵ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۳.۷ درصد |
| جمعیت: ۱۰۱.۹ میلیون نفر                                         |

حزب حاکم صد درصد کرسی‌های پارلمان را در انتخابات ۲۰۱۵ به دست آورد، پس جای تعجبی نیست که دولت هیچ انتقادی را تحمل نمی‌کند و همه جنبش‌های اعتراضی را سرکوب می‌کند. حزب حاکم مدل اقتصاد مبنی بر سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و حمایت از صنایع محلی در مقابل رقبای خارجی را پیگیری خواهد کرد.

## عراق

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۵.۸ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۵۰۶۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۱۴۶۷۰ دلار)      |
| تورم: ۲.۵ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۹.۶ درصد |
| جمعیت: ۳۶.۶ میلیون نفر                                          |

کارزار مبارزه با دولت اسلامی (داعش) ادامه خواهد یافت و تلاش‌ها و اهداف مشترک میان ایران و آمریکا نیز به آن کمک خواهد کرد. حتی هنگامی که منطقه‌ای پس گرفته شود، جنگجویان دولت اسلامی امنیت را تضعیف خواهند کرد. کردها در شمال به خاطر بهای به‌شدت پایین نفت با فشار اقتصادی مواجه خواهند شد و فشار سیاسی را از بابت تلاش برای گذار نرم در رهبری متحمل خواهند شد. در بلندمدت، ثبات نیازمند همکاری میان گروه‌های شیعه، سنی و کرد است و بهای شکست عراقی چندپاره خواهد بود.

## ایران

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۶.۱ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۶۱۳۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۱۸۰۷۰ دلار)      |
| تورم: ۱۴.۱ درصد                                                 |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۲.۵ درصد |
| جمعیت: ۸۰ میلیون نفر                                            |

در حالی که رفع تحریم‌های غرب بابت برنامه هسته‌ای ایران به باز شدن اقتصاد می‌انجامد، سال بزرگی برای اقتصاد ایران خواهد بود. افزایش قابل توجه در تولید نفت - حدود ۵۰۰ هزار بشکه روزانه تنها در سال ۲۰۱۶ - دورنمای اقتصاد را متحول خواهد کرد. سرمایه‌گذاران خارجی برای بازگشت به یکی از جذاب‌ترین بازارهای منطقه صف خواهند بست. انتخابات مجلس نمایندگان و مجلس خبرگان، یک نهاد قدرتمند مربوط به روحانیت، در ماه فوریه، به تقویت جایگاه اصلاح طلبان خواهد انجامد که باعث پیشبرد تنش‌زدایی خواهد شد.

## اردن

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۴ درصد                                             |
| درآمد سرانه: ۴۹۷۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۱۱۱۳۰ دلار)      |
| تورم: ۳ درصد                                                    |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۶.۵ درصد |
| جمعیت: ۷.۹ میلیون نفر                                           |

شاه عبدالله دوم برای جلب رضایت منتقدان وعده اصلاحات سیاسی جزئی را خواهد داد اما برای تضمین حفظ قدرتش روی نیروهای نظامی و قانون‌گذاران وفادار حساب خواهد کرد. تظاهرات پراکنده‌ای ممکن است رخ دهند اما نه در حدی که بقای رژیم را تهدید کنند. کمک‌های آمریکا به پذیرش ۱.۴ میلیون پناهجوی سوری یاری خواهد رساند.

## کنیا

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۵.۵ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۱۳۶۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۳۱۷۰ دلار)       |
| تورم: ۵.۲ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۸.۱ درصد |
| جمعیت: ۴۷.۳ میلیون نفر                                          |

رئیس‌جمهور، اوهورو کنیاتا، اصلاحات قانونی مهمی را محقق کرده که شامل گذار به تمرکززدایی در دولت و در نتیجه افزایش شفافیت می‌شود اما همچنین فضا را برای تلاش جهت تأثیرگذاری بر لایه‌های مختلف دولت بازتر خواهد کرد. مقررات‌زدایی، خصوصی‌سازی و بهبود زیرساخت‌ها همگی در دستور کار قرار دارند. سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد خانوارها به خاطر رشد شهرنشینی به رشد اقتصاد می‌انجامد.

## لبنان

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۲.۳ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۹۴۱۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۱۵۷۶۰ دلار)      |
| تورم: ۱.۲ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۷.۶ درصد |
| جمعیت: ۵.۷ میلیون نفر                                           |

جنگ در کشور همسایه یعنی سوریه و همراه با آن مواجهه با سرازیر شدن پناهجویان و ناامنی در مرزها بر هر موضوع داخلی در لبنان سایه خواهد افکند. رقابت‌های درونی و جناحی به دولت ائتلافی آسیب خواهند زد. سرمایه‌گذاری خارجی افزایش خواهد یافت که بخشی از آن به خاطر نقل مکان شرکت‌ها از سوریه به لبنان است.

## لیبی

|                                                                  |
|------------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: منفی ۸.۸ درصد                                       |
| درآمد سرانه: ۵۲۹۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۱۲۹۳۰ دلار)       |
| تورم: ۱۳.۹ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۲۸.۳ درصد |
| جمعیت: ۶.۳ میلیون نفر                                            |

هیچ نتیجه روشنی را نمی‌توان برای نبرد قدرت میان دولت اسلام‌گرای غیررسمی در طرابلس و دولت شناخته‌شده از سوی مجامع بین‌المللی اما متزلزل در شهر شرقی بیضا متصور بود. شورشیان دولت اسلامی (داعش) به بی‌ثباتی‌های کشور دامن خواهند زد. تلاش گروه‌های رقیب برای در اختیار گرفتن تولید نفت به تداوم تولید آن آسیب خواهد زد.

## مراکش

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۴.۱ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۳۰۶۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۸۲۲۰ دلار)       |
| تورم: ۱.۶ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۴.۸ درصد |
| جمعیت: ۳۴.۸ میلیون نفر                                          |

حزب حاکم تسلطش بر مجلس را در انتخابات نوامبر ۲۰۱۶ حفظ خواهد کرد اما بار دیگر برای تصویب قوانینی که در مورد آنها اتفاق نظر وجود ندارد نیازمند ائتلاف خواهد بود. شاه محمد ششم همچنان تصمیم‌گیرنده نهایی خواهد بود. روی آوردن به ریاضت اقتصادی که برای کاهش کسری بودجه لازم است اعتراضاتی خیابانی را شعله‌ور خواهد کرد اما نه در حدی که زنگ خطری برای رژیم محسوب شود.

## نیجریه

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۳.۵ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۲۷۵۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۶۱۲۰ دلار)       |
| تورم: ۹.۴ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۱.۴ درصد |
| جمعیت: ۱۸۷ میلیون نفر                                           |

رئیس‌جمهور تازه، محمدو بوهاری، از سرمایه‌سیاسی‌اش برای حل معضلاتی مانند فساد اداری، ناامنی و سطح زندگی پایین بهره خواهد برد اما صبر رأی‌دهندگان با انتظارات بالا اندک خواهد بود. تضاد منافع در میان حزب حاکم تلاش‌ها برای بهبود مدیریت بخش نفت را محدود خواهد کرد. رشد اقتصادی الهام‌بخش نخواهد بود.

## عربستان سعودی

|                                                                  |
|------------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۲.۳ درصد                                            |
| درآمد سرانه: ۲۳۹۶۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۵۵۳۴۰ دلار)      |
| تورم: ۳.۵ درصد                                                   |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۱۱.۴ درصد |
| جمعیت: ۳۱.۱ میلیون نفر                                           |

اصلی‌ترین وظیفه شاه جدید، سلمان بن عبدالعزيز آل سعود، که در اواخر سال ۲۰۱۵ هشتادساله می‌شود، مدیریت گذار به نسل بعدی حاکمان است. رقابت منطقه‌ای با ایران که در جنگ داخلی یمن سر باز کرده ممکن است تشدید شود. عربستان درگیر جنگ قیمتی در بازار نفت با استخراج‌کنندگان آمریکایی نفت شیل شده اما خودش هم از بابت قیمت ارزان نفت آسیب می‌بیند.

## آفریقای جنوبی

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: ۲.۲ درصد                                           |
| درآمد سرانه: ۵۹۰۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۱۳۵۳۰ دلار)      |
| تورم: ۵.۱ درصد                                                  |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۳.۵ درصد |
| جمعیت: ۵۵ میلیون نفر                                            |

رئیس‌جمهور، جاکوب زوما، تلاش می‌کند تا در دومین و آخرین دور ریاست‌جمهوری‌اش با بهره‌گیری از محرک مالی و سیاست‌های صنعتی اقتصاد را به جلو براند. بهبود شرایط اقتصادی در میان شرکای تجاری آفریقای جنوبی به رشد اقتصاد این کشور کمک خواهد کرد. اما شبکه ناکارآمد توزیع برق و نیروی کاری با توانایی‌های محدود اقتصاد را عقب نگه خواهد داشت. تظاهرات به خاطر بیکاری و نابرابری ادامه خواهند یافت.

## سوریه

|                                                                |
|----------------------------------------------------------------|
| رشد اقتصادی: منفی ۱.۳ درصد                                     |
| درآمد سرانه: ۱۳۸۰ دلار (شاخص برابری قدرت خرید: ۳۹۱۰ دلار)      |
| تورم: ۲۳.۶ درصد                                                |
| کسری یا مازاد بودجه (نسبت به تولید ناخالص داخلی): منفی ۱۱ درصد |
| جمعیت: ۱۷.۹ میلیون نفر                                         |

رژیم بشار اسد حتی با وجود حمایت روسیه برای بقا در سال آینده به‌سختی تلاش خواهد کرد. هیچ دورنمایی از پایان نزاع داخلی در سوریه با او یا بدون او قابل تصور نیست چرا که خروج اسد از قدرت به افزایش هرج و مرج در میان گروه‌هایی می‌انجامد که به دنبال تصاحب جایگاه او هستند؛ به‌خصوص که دوطرفه بودن نظام بین‌الملل در این مورد نیز به افزایش هرج و مرج منجر می‌شود: در یک سو روسیه و ایران قرار گرفته‌اند و در سوی دیگر آمریکا، اتحادیه اروپا و کشورهای حوزه خلیج فارس.

این بخش به صورت  
ویژه به بررسی یک  
موضوع مهم اقتصادی  
می‌پردازد

راهبرد





میرمحمدصادقی هم دلیل رخدادن رشوه و همگانی شدن آن در کشورها، عدم شفافیت است. یعنی اگر روابط اداری شفاف باشند و همه مسائل و وظایف و حقوق ارباب رجوع مشخص باشد و مجوزها و تصمیم‌ها دل‌پخواهی نباشند، فساد کاهش پیدا می‌کند.

# نبرد علیه فساد

## چرا رتبه فساد اقتصادی در ایران بالاست؟

### فریده عنایتی

از هر ۴ نفر، یک نفر در جهان رشوه می‌دهد. یعنی در یک خانواده چهارنفره، حداقل یک نفر برای راه‌افتادن کارش رشوه داده است. مثل پدر خانواده که برای گرفتن مجوز، بعد از یک سال رفت‌وآمد در نهایت با دادن رشوه بالاخره جوازش را می‌گیرد و روی جمله کلیشه‌ای «هو ایران کار بدون رشوه و پارتی پیش نمی‌ره» صحنه می‌گذارد. همین رشوه‌دادن‌ها و کار راه‌انداختن در طی یک سال در جهان، عددی حول و حوش یک تریلیون دلار را به وجود می‌آورد؛ به طوری که سازمان ملل می‌گوید رشوه پرداخت‌شده در افغانستان معادل یک چهارم تولید ناخالص داخلی این کشور بوده است.

فساد اداری و اقتصادی در کشورها، نشان‌دهنده فعالیت‌های زیرمیزی، اشکال رشوه، خویشاوندگاری، پارتی‌بازی و تعارض منافع است که اصولاً با بروکراسی‌های غیرضروری و مازاد بر نیاز بیش‌تر می‌شود. چرا که هر چه اقدامات چهره‌به‌چهره متصدی و ارباب رجوع بیش‌تر باشد، امکان فساد و رشوه هم بیش‌تر می‌شود. به همین دلیل هم کاهش بروکراسی‌های بی‌مورد و کم‌کردن ارتباط مستقیم، خود به‌تنهایی راهی در جهت بهبود وضعیت فساد اداری و اقتصادی در کشورهاست. به هر حال، براساس تحقیقات سازمان شفافیت بین‌الملل (Transparency International)، رشوه‌گیری به‌عنوان یکی از بدترین اشکال فساد در دستگاه‌های دولتی رو به گسترش است و وضعیت رشوه‌خواری در کشورهای آسیای مرکزی بدتر شده است. براساس گزارش این سازمان، دادن رشوه، بیش‌تر در زمینه دریافت پروژه‌های ساخت‌وساز و دولتی مؤثر است. بانک جهانی هم به تازگی به مناسبت روز جهانی مبارزه با فساد، نتایج تحقیقاتش را در کشورهای جهان منتشر کرده است. بر اساس این تحقیقات که در ۱۳۷ کشور جهان انجام شده، ۱۴ درصد از کل معاملات دولتی با رشوه انجام می‌شود. این رشوه‌ها نیز مربوط به قبض‌های آب و برق، صدور مجوز و دریافت مالیات بوده که با هدیه دادن یا پرداخت وجه نقدی همراه بوده است. به این ترتیب، طبق گزارش بانک جهانی از هر ۷ معامله دولتی، یک معامله با پرداخت رشوه صورت گرفته است.

براساس گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل، در سال ۲۰۱۴، رتبه فساد اداری ایران ۱۳۶ بوده است. در حالی که این رتبه در سال ۸۴، ۸۸ و در سال ۸۸، ۱۶۸ بوده است. در دولت سید محمد خاتمی، ستادی با عنوان ستاد سلامت نظام اداری و مقابله با فساد ایجاد شد که مأموریتی گسترده برای آن تنظیم شده بود. اما از این ستاد و برنامه‌های اجرا شده در آن هیچ گزارشی منتشر نشد. به گفته فرشاد مومنی، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، نبود یا منتشر نکردن آمار فساد اداری در ایران تا جایی پیش رفت که حتی چند سال قبل، سازمان شفافیت بین‌الملل، که روند فساد مالی ایران و جهان را سال‌به‌سال گزارش می‌دهد، اعلام کرد به‌طور مشخص از سال ۱۳۸۴ به بعد و از زمانی که ترکیبی پیچیده در طیف وسیعی از سیاست‌های اقتصادی نادرست در دستور کار اقتصاد ایران قرار گرفت، بی‌سابقه‌ترین سطوح فساد هم در اقتصاد ایران اتفاق افتاد. البته که مثل همیشه، به آمارهای بین‌المللی انگ ضد ایرانی بودن چسبانده شد، اما در نهایت، به سفارش فرهنگستان علوم، مطالعه‌ای در زمینه فساد، با سرپرستی دکتر فرامرز رفیع‌پور صورت گرفت

که نشان می‌داد آمارهای سازمان شفافیت بین‌الملل، به‌نوعی سهل‌گیرانه و خوشبینانه بوده است، چرا که میزان فساد اداری در ایران، بسیار بیش از آن چیزی است که این سازمان منتشر کرده است. با توجه به مصادیق فساد در تعریف این سازمان، آمار رواج فرهنگ رشوه‌دادن در شرکت‌های ۲۸ کشور دنیا، که در مجموع ۸۰ درصد سرمایه‌گذاری و تجارت جهان را در اختیار دارند، بررسی شد و نتایج این بررسی نشان داد هیچ‌کدام از این کشورها عاری از موارد پرداخت رشوه نبوده‌اند. در سال گذشته میلادی، اولین کشورهایی که کمترین رشوه در آن‌ها صورت گرفته و از سلامتی اداری و اقتصادی بیش‌تری برخوردارند، به‌ترتیب، کشورهای دانمارک، نیوزلند و فنلاند بوده‌اند و در مقابل سه کشور سومالی، کره شمالی و سودان هم در قعر جدول قرار داشته‌اند. با این حال، در قوانین جزایی جهان معاصر به‌طور مفصل به این جرم توجه شده است. وجود کنوانسیون‌های بین‌المللی متعهد به مبارزه با فساد اداری مؤید این مدعاست؛ همچون کنوانسیون OECD در سال ۱۹۹۷ یا کنوانسیون مربوط به فساد اداری استراسبورگ ۱۹۹۹. به گفته حسین میرمحمدصادقی، حقوقدان و سخنگوی اسبق قوه قضاییه، در اسناد و کنوانسیون مبارزه با فساد هم، که به کنوانسیون مریدا معروف است و در کشور مکزیک بسته شده، به این موضوع پرداخته شده است. در آن‌جا مصادیق مختلف از جمله ارتشا، مورد بررسی قرار گرفته و ایران هم چند سال پیش، با تصویب مجلس به این کنوانسیون پیوست و الان ماده نه قانون مدنی هم براساس همین کنوانسیون به این موضوع پرداخته و باید اجرا شود. اما با این حال، یا قوانین پاسخگوی مشکلات و فساد اداری حال حاضر کشور نیست یا این که اجرای این قوانین با مشکل مواجه است، چرا که به گفته فرشاد مومنی، استاد اقتصاد دانشگاه علامه، شناخت کانون‌های اصلی بروز رانت، ربا و فساد مشکل نیست و برآوردها نشان می‌دهد که بیش از ۸۰ درصد این موارد در یک مجموعه جهت‌گیری‌های سیاسی خاص و کانون‌های مشخص در عرصه اجرا، قرار دارند. حسین راغفر دیگر اقتصاددان هم درباره عوامل بروز و جلوگیری از فساد می‌گوید: «اگر انجام امور اداری برای صدور یک مجوز، مستلزم اقدامات طولانی باشد، چه بسا بستر ساز شکل‌گیری یک فرهنگ مخرب در نظام اداری شود. هزینه‌ها و آثار چنین فرایندهایی برای اقتصاد کشور می‌تواند بسیار سنگین باشد. شکل‌گیری فساد مستلزم ترفیع، ترکیب و تلفیق چند فرایند است. اولین مورد انحصار صدور مجوز است. مورد دوم، صلاح‌دید صدور و عدم صدور مجوز و پاسخگو نبودن در برابر اختیاراتی است که یک مأمور می‌تواند داشته باشد. به این ترتیب، افراد می‌توانند به این سو بروند که مجبور به پرداخت هدیه شوند؛ که به‌عنوان رشوه از آن نام برده می‌شود.

به این ترتیب، به گفته راغفر، در صورتی که این چند وجه شکل بگیرد، پدیده فساد امری قطعی خواهد بود. البته به اعتقاد او، فرایندهای جلوگیری از آن هم از این مسیر می‌گذرد. باید انحصار را کم کرد و امکان صلاح‌دیدهای فردی و شخصی را در فرایند اداری به حداقل رساند و در نهایت این که افراد باید پاسخگو باشند.

به هر حال، باید دید شفافیت تا چه حد می‌تواند ریشه‌های فساد اقتصادی را در کشور از بین ببرد؛ وقتی که آدم‌ها حتی برای تمیز تر شدن جلوی در خانه‌شان، پول بیش‌تری به رفتگر می‌پردازند.

جدول رتبه‌بندی شاخص فساد اداری و اقتصادی ایران در ده سال گذشته

| رتبه | سال  |
|------|------|
| ۱۳۶  | ۲۰۱۴ |
| ۱۴۴  | ۲۰۱۳ |
| ۱۳۳  | ۲۰۱۲ |
| ۱۲۰  | ۲۰۱۱ |
| ۱۴۶  | ۲۰۱۰ |
| ۱۶۸  | ۲۰۰۹ |
| ۱۴۱  | ۲۰۰۸ |
| ۱۳۱  | ۲۰۰۷ |
| ۱۰۶  | ۲۰۰۶ |
| ۸۸   | ۲۰۰۵ |
| ۸۷   | ۲۰۰۴ |

جدول رتبه‌بندی شاخص فساد اداری و اقتصادی در بهترین و بدترین کشورها در سال ۲۰۱۴

| کشور        | رتبه | امتیاز |
|-------------|------|--------|
| دانمارک     | ۱    | ۹۲     |
| نیوزلند     | ۲    | ۹۱     |
| فنلاند      | ۳    | ۸۹     |
| سوئد        | ۴    | ۸۷     |
| سوئیس       | ۵    | ۸۸     |
| سودان جنوبی | ۱۷۱  | ۱۵     |
| افغانستان   | ۱۷۲  | ۱۲     |
| سودان       | ۱۷۳  | ۱۱     |
| کره شمالی   | ۱۷۴  | ۸      |
| سومالی      | ۱۷۴  | ۸      |

پاسخ‌های علینقی مشایخی به آینده‌نگر:

# فساد اقتصادی از کجا می‌آید؟

دلایل بروز فساد اقتصادی به سه دسته تقسیم می‌شود

## محبوبه فکوری

فساد اقتصادی، عبارتی است که این‌روزها شنیدنش برای بسیاری از مردم ایران، دیگر غیرعادی نیست. ظهور و تکرار پدیده‌های جدیدی از فساد در اقتصاد ایران طی سال‌های گذشته، این واژه را برای مردم اندکی ملموس‌تر کرده است. شاید آن‌ها اکنون دیگر کمتر نسبت به آن حساسیت به خرج می‌دهند. تا همین چند وقت پیش، به‌زبان آوردن اصطلاحاتی مانند اختلاس و مفسده اقتصادی، چندان مرسوم نبود و حتی واژه‌هایشان در دهان بسیاری از عامه مردم، نمی‌چرخید. اکنون اما حالو روز طور دیگری شده است، مسببش هم اقتصاد غیرشفاف و غیررقابتی ایران است. علینقی مشایخی، اقتصاددان و استاد دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف، با اشاره به ریشه‌های شکل‌گیری و بروز و ظهور فساد اقتصادی معتقد است بی‌توجهی به این عوامل، قبح عمل خلاف و ایجاد فساد را می‌ریزد و در نهایت منجر به افزایش و گسترش آن می‌شود. گفت‌وگوی آینده‌نگر با او را در ادامه می‌خوانید.

**ریشه‌های فساد در اقتصاد ایران چیست و چرا اقتصاد ایران تا این اندازه مستعد بروز فسادهایی است که به‌صورت دوره‌ای، طی سال‌های اخیر در اقتصاد ایران بروز و ظهور پیدا کرده است؟**

شاید بشود دلایل بروز فساد را در سه دسته تقسیم کرد که دسته اول حول و حوش «افراد» شکل می‌گیرد. بالاخره وقتی افراد، در شرایطی قرار بگیرند که زندگی آن‌ها متناسب با عرفی که در جامعه وجود دارد، تأمین نباشد، می‌لغزند و وقتی لغزش شروع شد، ابعادش می‌تواند به مرور بزرگ‌تر شود. فرض کنید کارکنانی که در دولت یا مراجع تصمیم‌گیری اقتصادی همچون بانک‌ها قرار می‌گیرند، افرادی باشند که در چارچوب مقررات دولتی، حقوقشان زندگی متعارفی را برایشان تأمین نکند. خب، آن‌ها در جایگاهی قرار دارند که می‌توانند منابع مالی را تخصیص دهند، قراردادهای را به پیمانکاران بدهند و خریدهای عمده را صورت دهند. با این شرایط، آمادگی لغزش پیدا می‌کند و وقتی لغزش شروع شد، آن‌گاه حدش مرتب جلو می‌رود و قبحش ریخته می‌شود و در این صورت، مرتب می‌تواند به مراحل بالاتر برسد. این یکی از حوزه‌هایی است که می‌تواند به‌دلیل نظام‌های مدیریت منابع انسانی و عدم تنظیم درست پرداخت‌ها، در دسرساز شود.

دسته دوم، سازمان‌ها، مدیریت آنها و روش‌های جاری در سازمان‌هاست که امکان بروز تخلف را فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، نظام حاکمیتی و نظام نظارت‌درونی، آنچنان محکم نیست که بتواند تخلف را تشخیص دهد، کشف کند یا درست و به‌موقع جلوی آن را بگیرد. البته هر زمان که این نظام‌ها درست باشند، ولی زمینه ارتکاب تخلف در افراد وجود داشته باشد، باز هم ممکن است آن زمینه‌ها یا کارمندان، شبکه‌هایی درست کنند و با نظام‌هایی که در سازمان‌ها برای مقابله با فساد وجود دارند، مقابله کنند؛ اگر چه برخی سازمان‌ها نیز می‌توانند فاقد نظارت‌ها و مکانیزم‌هایی باشند که جلوی تخلف را بگیرد.

دسته سوم زمینه‌ساز فساد، بسترهای کلان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که این بسترهای کلان، زمینه‌ساز دو دسته پیشین بروز فساد می‌شود، به این معنا که وقتی مدیریت کلان اقتصاد کشور طوری باشد

که رانت و تقسیم امتیازات در آن وجود داشته باشد، این تقسیم رانت و امتیازات زمینه‌ای را فراهم می‌کند که کسانی که بتوانند این امتیازات را تقسیم کنند و دچار تخلف شوند؛ وقتی مدیریت کلان اقتصادی طوری باشد که در آن اقتصاد، تورم وجود داشته باشد و توازن بین درآمدها یا هزینه‌های دولت درست نباشد و به‌عبارتی هزینه دولت بیشتر از درآمدش باشد و از سوی دیگر، دولت نتواند متناسب با تورم، کارمندان را تأمین کند، در محیط تورمی، قدرت خرید کارکنان پایین می‌آید و همین امر، زمینه‌ای می‌سازد که افراد برای تأمین خود، به تخلفات اقتصادی روی بیاورند، یعنی مدیریت کلان اقتصادی، عواملی را ایجاد می‌کند که افراد را به سمتی سوق می‌دهد که به فساد اقتصادی رو بیاورند.

**به عواملی اشاره کردید که مدیریت کلان اقتصادی عامل ایجاد آن‌ها است و بستر ساز بروز و ظهور فساد می‌شود. شما به‌عنوان یک اقتصاددان، چه مواردی تعریف می‌کنید؟**

این عوامل را می‌توان در مواردی همچون بی‌ثباتی در اقتصاد، ایجاد تورم زیاد، هزینه‌های زیاد دولت نسبت به درآمدهایش و ناتوانی و فقر دولت برای تأمین ارباب جمعی‌اش خلاصه کرد. این موارد یا مدیریت کلان اقتصادی، بستر رانت‌جویی را فراهم می‌کند و در نتیجه امتیازاتی را به کسانی که در دولت صاحب امضا هستند، تخصیص می‌دهد و با تخصیص آن هم، این افراد امتیازاتی دارند که می‌توانند مرتکب تخلفات اقتصادی شوند. همچنین در بستر مدیریت کلان جامعه، اگر قوه قضاییه از توان و جایگی کافی برخوردار نباشد که نسبت به تخلفات، به‌خصوص تخلفات بزرگ اقتصادی، با سرعت، قاطعیت و شفافیت برخورد کند، خود این عدم برخورد چند پیامد دارد: یکی این که تخلف راعادی کرده قبح آن را می‌ریزد و ذهنیت مردم را نسبت به تخلف، ساده‌سازی می‌کند و حتماً جامعه به سمت این تفکر می‌رود که عده‌ای، رقم‌های بزرگی را می‌خورند و می‌برند و کسی هم کاری به کارشان ندارد. حتی ممکن است این تصور در ذهن هر فردی از آحاد جامعه شکل گیرد که ما هم می‌توانیم کارهای دیگری کنیم و پول‌های خوبی هم به‌دست آوریم؛ بنابراین ذهنیت جامعه به سمتی گرایش پیدا می‌کند که افراد می‌توانند این کار و تخلف اقتصادی را ادامه دهند و مجازاتی هم در انتظارشان نباشد. بنابراین قوه قضایی باید به‌خصوص با تخلفات بزرگ به‌صورت سریع و بر اساس حق و عدالت برخورد کند.

نکته دیگر این که اگر نظام سیاسی در مدیریت کلان کشور طوری باشد که متخلفان را تحت حمایت خود قرار دهد و به متخلفان پوششی برای انجام تخلف دهد، انجام تخلف از سوی چنین افرادی بسیار گسترده می‌شود و مردم به‌سادگی برای خود توجیه می‌کنند که بالاخره عده‌ای اختلاس و فساد می‌کنند و حمایت هم می‌شوند، بنابراین چرا ما این کار را نکنیم و از اینجاست که ترمز جلوگیری از فساد بریده و فساد فراگیر می‌شود.

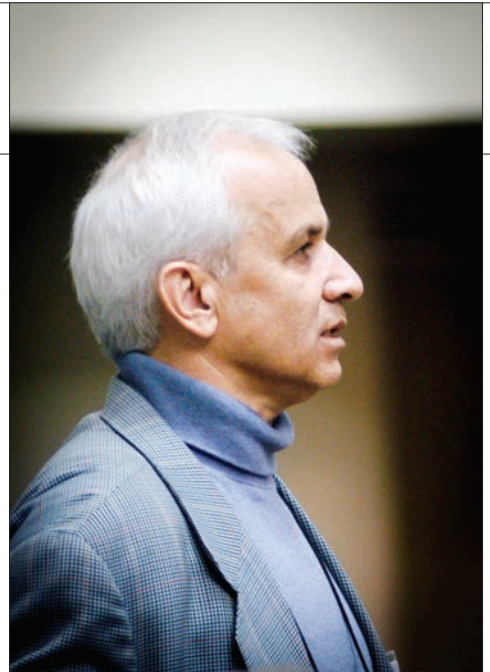
**به عوامل ایجادکننده فساد اشاره کردید. حال برای این که جلوی فساد و افزایش آن گرفته شود، چه اقداماتی باید انجام داد؟**

من سه لایه فردی، سازمانی و کلان مدیریت جامعه را عنوان کرده و به این نکته اشاره کردم که نیروهایی وجود دارند که فساد را به‌وجود می‌آورند

در زمینه سیاسی نیز باید سیاستمداران و افرادی که نفوذ سیاسی دارند، مراقبت کنند که به‌هیچ‌وجه از متخلفان حمایت نکنند و آن‌ها را پوشش ندهند و سعی کنند که دور و بر آن‌ها تمیز باشد



برخورد با مفسدان اقتصادی باید بسیار قاطع باشد. فساد آفتی است که اگر به اقتصادی وارد شود، مانع رشد و شکوفایی اقتصاد آن می شود و به مردم هم اححاف می کند.



فساد می کنند، بسیار قاطع باشد و امکان حیات اقتصادی از آن ها گرفته شود. به عبارت دیگر، اگر فساد جدی است، باید با مفسدان، به عنوان افرادی که مفسد فی الارض هستند، برخورد شود. برای این که این اتفاقات رخ دهد، باید نظام، سیاستمداران و افرادی که نفوذ سیاسی دارند، از این روند حمایت کنند و این شائبه را به وجود نیاورند که این افراد تحت حمایت هستند. وقتی هم برخورد قاطع با آن ها نشود، این شائبه در جامعه به وجود می آید که این ها حمایت سیاسی می شوند؛ بنابراین وقتی هم چنین مفسدانی وارد نظام سیاسی می شوند، نظام سیاسی متهم به این خواهد شد که درگیر فساد است و بنابراین قضیه از ریشه غیر قابل علاج می شود. به هر حال ما باید بدانیم که اگر اقتصاد رقابتی و شفاف نباشد، رانت ایجاد می شود. ولی اگر امتیازاتی وجود نداشته باشد که بشود آن ها را تقسیم کرد، آن گاه زمینه فساد را از بین می رود، چرا که اگر دخالت دولت در تخصیص منابع و چرخش اقتصادی کاهش یابد، همین امر، فساد را کم می کند.

**طولانی شدن روند رسیدگی به پرونده افرادی که دچار مفسده اقتصادی شدند، تا چه اندازه به جامعه و اقتصاد و اعتماد عمومی، آسیب وارد می کند؟**

طولانی شدن قطعاً آسیب جدی خواهد بود. برای همین مهم است که قوه قضاییه با سرعت، چابکی، دقت و قاطعیت با فساد برخورد کند؛ چرا که اگر روند رسیدگی به طول انجامد، مردم احساس می کنند که به طور جدی، با فساد برخورد نمی شود یا این شائبه تقویت می شود که نکنند افرادی که نفوذ سیاسی دارند، از اختلاس کنندگان حمایت می کنند. در یک جمله اگر بخواهم بگویم، چنین شائبه هایی برای نظام اجتماعی کشور سم است.

**نظارت مجلس برای جلوگیری از فساد تا چه اندازه مؤثر است. در برخی مفسده های بزرگ، کمتر دیده می شود که از سمت مجلس موضع قاطعانه گرفته شود. به نظر شما پارلمان یک کشور چقدر می تواند مانع بروز فساد شود؟**

پارلمان ها می توانند در روند رسیدگی و نظارتی مؤثر باشند؛ البته اشکال از این جا آغاز می شود که در روند گسترش فساد، چه بسا برخی از عناصر پارلمانی هم به پرونده های فساد مرتبط شوند؛ این موضوع این شائبه را ایجاد می کند که عناصر نظام سیاسی وارد حمایت از مفسدان اقتصادی شده اند یا حتی خود آن ها هم با این فساد درگیر هستند. اگر این شائبه تقویت شود که آن هایی که وظیفه نظارت و پرسشگری دارند هم دقت کافی به خرج نمی دهند، آن گاه اعتماد عمومی، که سرمایه اجتماعی یک جامعه است، از نظام اقتصادی و سیاسی سلب می شود و همان طور که گفتم، هر کسی شروع به فساد کرده و احساس می کند که چرا او نباید درگیر فساد و تخلف باشد. بنابراین ممکن است که فساد آن قدر همه گیر شود که دیگر کسی نماند که مساله را تمیز کند.

**به هر حال، مبارزه با فساد باید از نقطه ای شروع شود. مؤثرترین راه به نظر شما چیست؟ چرا که طی سال های قبل، فاصله نمایان شدن سیگنال هایی که از ظهور و بروز مفسدان در اقتصاد ایران نمایان شده، کم و کمتر شده است.**

به نظر من، باید از سطوح بالا و فسادهای کلان شروع کرد و باید آن ها را کشف و با آن ها برخورد سریع کرد و سپس به لایه های پایین تر رسید. همچنین برای انجام این کار، باید قوه قضاییه را به لحاظ قضاتی که مسلط به رسیدگی به این مسائل هستند، تقویت کرد. گام بعدی، مقررات زدایی از دولت است. مقررات دولت باید کم و شفاف شود. سومین مساله این است که رقابت را زیاده تر کنیم و امتیازاتی را که به هر نحوی به سازمان ها و افراد خاص می دهیم، قطع کنیم. باید برخورد را از کلان شروع کرد و از لایه های بالاتر سازمان ها به سمت پایین انتقال داد.

و شایع می کنند. بنابراین، برای این که از ایجاد فساد جلوگیری شود، باید در هر سه جبهه کار کرد. در مدیریت کلان باید سعی کرد که زمینه های ایجاد رانت و دادن امتیاز را از بین برد و رقابت را به وجود آورد. در حوزه قوه قضاییه، باید شفافیت، صراحت و سرعت را مدنظر قرار داد و به لحاظ آبرویی و معنوی و حتی مادی با افراد متخلف برخورد کرد. متخلفان باید جریمه شوند و مال هایی را که برده اند، پس دهند. ضمن این که در زمینه سیاسی نیز باید سیاستمداران و افرادی که نفوذ سیاسی دارند، مراقبت کنند که به هیچ وجه از متخلفان حمایت نکنند و آن ها را پوشش ندهند و سعی کنند که دور و بر آن ها تمیز باشد. در رابطه با سازمان های اقتصادی بزرگ مثل بانک ها، که منابع زیادی در اختیار دارند، هم باید نظام های حکمرانی و بازرسی و حسابرسی هوشمند را تقویت کرد تا اگر تخلفی اتفاق افتاد، هر چه زودتر آن را کشف کنند. در حوزه افراد نیز باید در جهت این موضوع حرکت کرد که در سازمان هایی که کارمندانشان امکان صاحب امضا شدن دارند، باید به نحوی کارمندان را به لحاظ مالی تأمین کرد که وسوسه نشوند. البته ممکن است این امر، کاری زمان بر و کمی سخت تر از ساماندهی سایر حوزه ها باشد. موضوع دیگر این است که اگر جلوی تورم گرفته شود و دولت نیز انضباط داشته باشد، می توان زمینه بروز فساد را کاهش داد؛ به این معنا که حجم دولت را کوچک کرد و از نظر سازمانی، اقتصاد را مقررات زدایی کرد؛ یعنی هر چقدر مقررات بیشتر باشد، زمینه وقوع فساد بیشتر می شود. وقتی فضای کسب و کار و مقررات به حد استاندارد باشد، آن گاه زمینه بروز فساد کم رنگ می شود؛ چرا که مقررات زیاد زمینه امتیاز دادن را زیاد می کند و این امر، فساد را بیشتر می کند. وقتی که دولت، خود را کوچک کرده و مقررات زدایی کند، به راحتی می تواند کارمندان خود را تأمین کند و این موضوع، زمینه بروز فساد را از بین می برد. برای از بین بردن فساد در سازمان های دولتی، همه حوزه ها باید وارد عمل شوند و به صورت هم زمان، کار را پیش برند. نمی شود از یک حوزه توقع داشت به تنهایی، همه مسائل را حل کند و البته نمی شود هیچ حوزه ای را نیز نادیده گرفت.

**طی سال های گذشته افرادی را شاهد بوده ایم که با رقم های کلان، در اقتصاد ایران اختلاس کرده اند یا فساد را به وجود آورده اند که اقتصاد را تا مدت ها متأثر کرده است. برخی از آن ها طی ماه های گذشته اعلام کرده اند که می خواهند دوباره به بازار کسب و کار برگردند. این موضوع چقدر می تواند بر اعتماد فعالان اقتصادی خدشه وارد کند؟ بسیار زیاد. برخورد با مفسدان اقتصادی باید بسیار قاطع باشد. فساد آفتی است که اگر به اقتصادی وارد شود، مانع رشد و شکوفایی اقتصاد آن می شود و به مردم هم اححاف می کند؛ بنابراین باید برخورد با افرادی که**

در روند گسترش فساد، چه بسا برخی از عناصر پارلمانی هم به پرونده های فساد مرتبط هستند، این موضوع این شائبه را ایجاد می کند که عناصر نظام سیاسی وارد حمایت از مفسدان اقتصادی شده اند

# لزوم بازبینی نظام تدبیر اقتصادی

بایزید مردوخی از لزوم پاکسازی اقتصاد از عوامل به وجودآورنده فساد می گوید

احمد میر خدائی

در طبقه نهم ساختمان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در اتاقی آفتاب گیر و آرام، اقتصاددان سر دو گرم چشیده ای، متین و آرام پشت میز نشسته و از فساد می گوید. بایزید مردوخی، که اکنون مشاور وزیر رفاه در زمینه سیاست گذاری و توسعه است، در ابتدای گفت و گو ترجیح می دهد که فساد را تعریف کند و با تعریف فساد از دو منظر، معتقد است که باید حساب این دو را از هم جدا کرد. می گوید هر کدام از این دو در جای خود مهم و قابل رسیدگی است. به گفته او، آنچه در فضای بین المللی مهم تلقی می شود و عاملی برای تعیین رتبه بندی سلامت اقتصادی کشورهاست، فساد ناشی از سیاست های اقتصادی و اجتماعی و به طور عام ناشی از نظام تدبیر اقتصادی است. او فساد اداری و ضعف نظام تدبیر را عاملی قلمداد می کند که می تواند زمینه ساز فساد در هر بخشی باشد و در انتها با این هشدار که اقتصاد آزاد بدون دولت مقتدر و آگاه، فساد و رانت به وجود می آورد، لزوم بازبینی نظام تدبیر کشور و اقتصاد از سوی هیأتی ذی-صلاح و دارای قدرت تصمیم گیری را گوشزد می کند. گفت و گو «آینده نگر» با این اقتصاددان را در ادامه می خوانید.

**بهرتر است بحث را از این موضوع آغاز کنیم که به نظر شما فساد به چه مسأله ای اطلاق می شود و مهم ترین عواملی که باعث می شود فساد و رانت خواری به این گستردگی در اقتصاد ایران وجود داشته باشد، چیست؟**

از دو منظر می توان به فساد نگاه کرد. یکی از آن ها دیدگاه حقوقی است؛ در این دیدگاه، عملی فساد نام دارد که از نظر حقوقی بتوان با استناد به ماده ای در قوانین مختلف، آن عمل را انحراف و تباهی تلقی کرد. تکلیف این نوع فساد روشن است و پرونده های متعددی نیز در این بخش در دادگستری و قوه قضاییه وجود دارد که مربوط به همین نوع فساد است. جنبه دیگر فساد، که بسیار هم حائز اهمیت است، ناشی از سیاست های اقتصادی و اجتماعی است و شاید بهتر است بگویم که به طور عام، ناشی از نظام تدبیر اقتصادی است؛ به این معنا که سیاست هایی اتخاذ می شود و گاهی به شکل قانون و گاهی به صورت برنامه درمی آید که همه جوانب موضوع را کاملاً بررسی نمی کنند و در نتیجه عده ای، چه اشخاص حقیقی و چه حقوقی، تلاش می کنند از آن سیاست، خود را کنار بکشند و مشکل خودشان را حل کنند. این هم نوعی فساد است، وقتی افرادی از سیاست مقبول عامه یا سیاستی که قانون یا برنامه تعیین کرده است، خروج پیدا می کنند می توان نامش را فساد گذاشت. مرتکبان این نوع فساد مانند فساد نوع اول، که پرونده های آن در دادگستری موجود است، فقط مردم عادی نیستند بلکه مقامات کشوری و دولتی هم می توانند جزو مرتکبان این نوع فساد باشند. مثلاً یک دستگاه اجرایی بودجه مشخصی دارد که باید آن را به مسائل معینی که در برنامه مشخص شده است، برساند؛ وقتی قانون به رئیس آن دستگاه، اجازه عدول از حد و حدود تعیین شده در بودجه و برنامه را نداده و او از حدود تجاوز کند، نوعی فساد است. این نوع فساد، ممکن است هیچ نوع مدعی ای در جامعه نداشته باشد، مدعی این فساد باید در سطوح

بالای تصمیم گیری کشور، مانند سازمان مدیریت و برنامه ریزی باشد که بتواند بگوید این دستگاه از این محدوده برنامه یا بودجه خارج شده است.

البته این نوع فسادها معمولاً دیده نمی شوند، با این وجود نباید خودمان را فقط محدود به فساد نوع اول کنیم. رانت خواری هم که نوعی فساد به حساب می آید و در بسیاری از موارد ناشی از ضعف نظام تدبیر اقتصادی است. به عنوان نمونه نظارت در بخش هایی ناقص است و در نتیجه عده ای، حقیقی یا حقوقی به کسب امتیازاتی می پردازند که به موجب قانون یا عرف این امتیازات به آنها تعلق ندارد. مثلاً اگر سیستم بانکی، نظارت کافی روی عوامل یا شعبه های خود نداشته باشد، ممکن است یکی از موارد و مصادیق فساد را به وجود بیاورد، چرا که سپرده های نزد سیستم بانکی متعلق به مردم است و اگر قرار باشد وامی پرداخت شود باید به تساوی و طبق شرایط قانونی به متقاضیان داده شود اما وقتی یک شعبه بانکی بتواند به جای این که این سپرده ها را با رعایت اصل امانت داری به متقاضیان ذی حق بدهد، آن را به دوست، فامیل یا کمپانی بزرگی بدهد که از نظر قانونی توجیه پذیر نیست، فساد و رانت خواری اتفاق افتاده است که در کشور ما این نوع موارد هم بسیار متداول است. تنها سیستم بانکی نیست، حتی در مراجعه به بسیاری از دستگاه ها، اگر آشنا یا به اصطلاح پارتی داشته باشید کار راحت تر انجام می شود. این نوع فساد در جامعه بسیار زیاد است، به گونه ای که اگر کسی از این راه های فسادآمیز که پیش روی اکثریت باز است، استفاده نکند به او می گویند که منفعل، بی عرضه و بی صلاحیت است؛ چرا که از این موقعیت ها و راه های آسان تر استفاده نکرده است. در جامعه فسادآمیز، به صورت تدریجی و مرتب از تعداد آدم های به اصطلاح بی عرضه اجتماع کم می شود؛ یعنی افراد از بی عرضگی خارج می شوند و به استفاده از موقعیت ها و راه های پیش رو تن می دهند که باید در سطح کلان با این وضعیت برخورد کرد و چاره ای برای آن اندیشید.

**آیا در بقیه کشورها هم همین عوامل باعث بروز فساد می شوند؟**

اصولاً آنچه در سطح بین المللی تحت عنوان فساد از آن نام می برند، فساد اداری است و دستگاه قضایی با دیگر فسادهایی که در جامعه وجود دارد، برخورد می کند اما فساد اقتصادی هم اگر جنبه اداری داشته باشد و به وسیله یک مقام اداری، که شرح اختیارات و وظایفش تعریف شده، انجام شود، اهمیت پیدا می کند. همین فساد اداری در دنیا برای رتبه بندی کشورها مورد محاسبه قرار می گیرد و گرنه در سطح بین المللی، کاری به پرونده های فساد خصوصی موجود در دستگاه قضایی ندارند و آنها را در این رتبه بندی وارد نمی کنند.

**در کشور ما، نهادها و ارگان های زیادی مسئولیت نظارت**

در جامعه فسادآمیز، به صورت تدریجی و مرتب از تعداد آدم‌های به اصطلاح بی‌عرضه اجتماع کم می‌شود؛ یعنی افراد از بی‌عرضگی خارج می‌شوند و به استفاده از موقعیت‌ها و راه‌های پیش رو تن می‌دهند که باید در سطح کلان با این وضعیت برخورد کرد و چاره‌ای برای آن اندیشید.



است و طبیعی هم بود که عده‌ای سعی کنند، هر چه بیشتر زیر چتر حمایتی باشند و مورد لطف و حمایت دستگاه مجری این قانون قرار بگیرند. این مسأله بعد از به وجود آمدن دولت مدرن، پیش و بعد از انقلاب در کشور متداول شد. مثلاً مالیات یکی از زمینه‌هایی است که بر بخش خصوصی اثرگذاری دارد و البته مالیات یکی از حوزه‌هایی است که فساد در آن راه یافته است. یکی از مهم‌ترین دلایل آن نیز روش نادرست اجرای شیوه‌های مالیاتی است. مثلاً مغازه‌ای سه ماه از سال باز و ۹ ماه بسته بوده، اگر مأمور مالیات به خود زحمت تحقیق ندهد تا بفهمد که مغازه واقعاً چقدر در طی سال فعال بوده، ممکن است یکباره با اتکالی رقم سال گذشته، مبلغ مالیات را تعیین و برای مغازه‌دار ایجاد مشکل کند. از این دست اتفاقات در این حوزه زیاد رخ می‌دهد و در نتیجه فشار برای این که نوعی فساد و رانت‌خواری در این حوزه به وجود بیاید نیز از همین جا شروع می‌شود. تعداد این اتفاقات هم فراوان است. شاید به این دلیل باشد که سازمان مالیاتی ما آن قدر پیشرفته و جامع نیست که به مراجعه و قضاوت شخصی نیاز نداشته باشد. همه این فشار ناشی از سوءنیت دستگاه یا مأمور مالیاتی نیست بلکه ناشی از نقص نظام آماري اطلاعاتی و ناشی از پیچیدگی قوانین مالیاتی ماست و کمتر کسی است که گرفتار این مسائل نشده باشد.

#### ❶ مشکلات به وجود آمده را نمی‌توان به نوعی به تکرر و تعدد قوانین و تبصره‌ها مرتبط دانست؟

این هم یکی از مشکلات جدی ماست. البته باید گفت که خوشبختانه وزارت امور اقتصادی و دارایی در این زمینه کار بسیار خوبی انجام داده است که امیدوارم نتیجه مطلوب از این کار بگیرند. محاسبه کرده‌اند ما از زمان مشروطیت تا امروز دو هزار و ۸۰۰ فقره قانون داشته‌ایم. یک هزار و ۸۰۰ نوع مجوز در کشور داریم. این ارقام با دیگر کشورها هم مقایسه شده مثلاً آلمان برای هر نوع فعالیت اقتصادی فقط ۱۶۰ نوع مجوز دارد. ما باید به فکر به روز کردن قوانین خود باشیم، این کار بارزشی است و امیدوارم هیأتی در سطح بالا این وظیفه این را بر عهده بگیرد که این قوانین را امروزی کند و تضادها و تناقضات آن را بشناسد و از همه مهم‌تر این که ببیند آیا این قوانین به راه‌اندازی اقتصاد، رونق اقتصادی، صادرات، ایجاد اشتغال و ارزش افزوده کمکی می‌کند یا نه؟

#### ❷ بر عملکرد سیستم‌های اداری و مالی را دارند، چرا با وجود این نظارت‌ها، باز هم فساد چشم‌گیر است؟

یکی از مشکلات نظام اداری ما وجود همین دستگاه‌های نظارتی متعدد است که فضا را طوری کرده‌اند که مثلاً برخی از افراد مسئول، به راحتی و با افتخار می‌گویند «من زیر هیچ کاغذی را امضا نکرده‌ام»؛ یعنی عمل نکردن به مسئولیت خود را افتخار می‌دانند. حالا چرا این باعث افتخار شده است؟ یک جنبه آن به دلیل همین نظارت‌هاست. به قدری نظارت‌ها پیچیده و متعدد است که مسئولان احساس می‌کنند بهتر است خودشان را دچار مشکل نکنند و در این حالت، وظیفه‌ای را که در قبال مردم و جامعه دارند، انجام نمی‌دهند یا به قدری با تأخیر انجام می‌دهند که دیگر امضا و فرمان آن‌ها خاصیتی ندارد. این مسأله در همه جای کشور به چشم می‌خورد و البته باید گفت که در استان‌ها بسیار بیشتر است. در حقیقت سیستم نظارتی و تمرکز به حدی شدید است که برای هر امضای کوچکی یک مدیر کل یا یک معاون مدیر کل و مقام استانی باید به مرکز بیاید و تأییدیه بگیرد و بعد کار انجام شود. در مورد استخدام‌ها و برکناری‌ها هم همین وضعیت وجود دارد؛ به این ترتیب می‌توان گفت که یکی از مشکلات تأثیرگذار در بروز فساد، تمرکز شدید اداری است که در کنار لایه‌های مختلف نظارتی که وجود دارد، باعث کندی کار می‌شود.

#### ❸ آیا این کندی کار چگونه باعث فساد می‌شود؟

یک پروژه که باید ظرف سه ماه مطالعات اولیه آن انجام و ظرف شش ماه مجوزهای آن صادر شود و از کلنگ تا کلیدش باید یک سال و نیم به طول بینجامد، به دلیل همین مشکلات نظارتی و تصمیم‌گیری، اگر سه سال به طول بینجامد باز هم نوعی فساد محسوب می‌شود، چرا که منابعی که صرف این پروژه شده است باید بعد از یک سال و نیم به بازدهی برسد اما وقتی بیشتر طول می‌کشد، معنایش این است که منابع ملی را بدون بازدهی معطل کرده‌ایم.

#### ❹ پس به طول انجامیدن پروژه، احتمال بروز فساد اقتصادی و اختلاس را هم بیشتر می‌کند؟

این بحث دیگری است و اگر اختلاسی اتفاق بیفتد، همان نوع فساد می‌شود که با کشف توسط قانون اتفاق افتاده است و باید در دستگاه قضایی پیگیری می‌شود.

#### ❺ شاید بسیاری فکر می‌کنند هر جا فساد هست، یک سر آن به بخش دولتی و موارد مرتبط با آن برمی‌گردد اما به نظر می‌رسد بخش خصوصی ایران نیز درگیر فساد است و بدون رانت و فساد نمی‌تواند به فعالیت خود ادامه دهد. این مسأله را قبول دارید؟ چرا این گونه است؟

بخش خصوصی ما از قدیم در زمینه‌های جدید مانند صنعت، اساساً زیر چتر حمایتی دولت پا گرفته است. هر چه دولت گسترده‌تر و به صورت قانونی در مسایل اقتصادی وارد شده، میل به کسب حمایت‌های دولتی در بخش خصوصی نیز افزوده شده است. مثلاً تا زمانی که تعرفه و حقوق گمرکی و این بحث‌ها نبود، هر تاجری خودش تشخیص می‌داد که بازار به چه چیزی نیاز دارد و خودش وارد می‌کرد، رانتي هم در کار نبود. با نرخ ارز خرید می‌کرد و با نرخ برابری ارز آن با ریال نیز کالا را در داخل می‌فروخت. اما وقتی دولت مدرن، گسترده‌تر شد، ضرورت قانون‌گذاری در بسیاری از مسائل اقتصادی نیز پیش آمد. این قوانین گاهی بدون توجه به آثار اقتصادی یا بدون توجه به آموزش مخاطبان این قانون، اعمال و اجرا شده

اگر وضعیت فعلی استمرار پیدا کند، تعداد پرونده‌های قوه قضائیه در این حوزه، روز به روز بالاتر می‌رود. اگر کاری نکنیم، فساد همگانی‌منجر به بی‌کفایتی کل دستگاه‌های دولتی می‌شود. من همیشه به اصلاح نظام تدبیر اعتقاد داشته و بیان کرده‌ام که در حاکمیت باید فرصتی مغتنم به یک هیأت ذی‌صلاح با قدرت تصمیم‌گیری بالا داده شود تا نظام تدبیر ما را بررسی و اصلاح کند

وقتی دولت مدرن، گسترده‌تر شد، ضرورت قانون‌گذاری در بسیاری از مسائل اقتصادی نیز پیش آمد. این قوانین گاهی بدون توجه به آثار اقتصادی یا بدون توجه به آموزش مخاطبان این قانون، اعمال و اجرا شده است و طبیعی هم بود که عده‌ای سعی کنند هرچه بیشتر زیر چتر حمایتی باشند و مورد لطف و حمایت دستگاه مجری این قانون قرار بگیرند

به اقدام وزارت اقتصاد اشاره کردید که در تلاش است که از تعدد قوانین و مجوزها بکاهد. به نظر شما آیا ممکن است با انجام این نوع کارها، در چشم‌انداز آینده با وضعیتی روبه‌رو شویم که فساد اقتصادی، اعم از رانت و اختلاس، کم شود؟

ما ناگزیر هستیم که در این راه قدم برداریم. این دیگر انتخاب ما نیست بلکه اجبار است. اگر وضعیت فعلی استمرار پیدا کند، تعداد پرونده‌های قوه قضائیه در این حوزه، روزبه‌روز بالاتر می‌رود. اگر کاری نکنیم، فساد همگانی منجر به بی‌کفایتی کل دستگاه‌های دولتی می‌شود. من همیشه به اصلاح نظام تدبیر اعتقاد داشته و بیان کرده‌ام که در حاکمیت، باید یک فرصت مغتنم به یک هیأت ذی‌صلاح با قدرت تصمیم‌گیری بالا داده شود تا نظام تدبیر ما را بررسی و اصلاح کند. ما در بسیاری جاها تداخل‌های متعددی داریم. از صدر نظام تدبیر باید هماهنگی نظام ارتباطی سه قوه بازبینی شود. در مرحله بعد، باید توجه کنیم که سیستم بخشی‌نگر قوه مجریه نیز باید اصلاح شود. به عنوان مثال، در حال حاضر هر کدام از وزارتخانه‌های اقتصادی کشور، یک بخش از اقتصاد را اداره می‌کند که باعث ایجاد نوعی مسابقه برای تأمین منابع به صورت بخشی می‌شود. باید بررسی شود آیا این بخشی‌نگری و بخشی‌بودن به توسعه اقتصادی کشور کمک کرده است یا نه؟ به نظر من، مجموع این بخشی‌نگری‌ها گاه باعث کمبود و کسری بودجه و گاه باعث اتلاف منابع می‌شود. بازنگری کلی ساختار قوه مجریه اساساً ضروری است و همراه با آن، بازنگری همه قوانینی متعددی که در حال حاضر داریم.

منظورتان از بخشی‌بودن دولت این است که دستگاه‌ها و وزارتخانه‌های کشور به جای این که به صورت همراه و هماهنگ به سوی هدف توسعه اقتصادی حرکت کنند، با هم رقابت می‌کنند؟ بله و مهم‌تر این که در کسب اعتبارات و منابع و حتی در کسب مجوزهای قانونی، مسابقه و رقابت وجود دارد.

به نظر می‌رسد ما همیشه در حال برنامه‌ریزی کردن برای رشد اقتصادی کشور و توسعه آن هستیم، اما در بسیاری موارد کار از کانال خود پیش نمی‌رود و همین موضوع سرمایه‌گذاران را از ادامه مسیر ناامید می‌کند. به نظر شما فساد اقتصادی تا چه اندازه می‌تواند مانع توسعه اقتصادی شود؟

در پاسخ به این سوال، بهتر می‌دانم که باز هم درباره موضوع دوم فساد، که ابتدای بحث به آن اشاره شد، صحبت کنم. به نظر من، ما اگر همین وضعیت را ادامه دهیم و چاره‌ای برای رفع این مشکل پیدا نکنیم، سیاست‌های اقتصادی به درستی طراحی و اجرا نخواهند شد و باید منتظر باشیم که بهره‌وری در دولت بیش از پیش کاهش پیدا کند؛ چرا که دولت یک نهاد است که باید در قبال داده‌هایی که هزینه می‌کند، ستانده‌هایی نیز به جامعه بدهد. این ستانده‌ها شامل ارزش افزوده، رفاه، آسایش، امنیت و نظایر آن می‌شود. این ستانده‌ها در قیاس با آن داده‌ها باید معنی‌دار باشد تا ما بتوانیم آن را از نظر علمی، بهره‌وری بنامیم. در توضیح داده و ستانده باید بگویم بودجه دولت از منابع عمومی برداشته می‌شود که به مردم ایران تعلق دارد؛ این نهاد است. دولت در طول سال با این نهاد در شکل بودجه و برنامه سالانه کار می‌کند تا رفاه، آسایش و امنیت به مردم جامعه ارائه دهد. اگر هزینه‌کردها در مقابل دستاوردها متناسب نباشد، به معنای آن است که بهره‌وری پایین بوده و بنابراین باید این بهره‌وری افزایش پیدا کند. به عنوان مثال، آمار ساعت کار مفید کارکنان دولت، باید بهبود پیدا کند. مردم ما نسبت به مردم دیگر کشورها هیچ مشکلی ندارند، بلکه مشکل

ما در مدیریت و مقررات و فضای حاکم بر دستگاه‌های اداری است. برای ارائه برنامه‌های توسعه، زحمتی کلان با هزینه‌ای گزاف صرف می‌شود اما مثل برنامه پنجم، تنها ۱۰ تا ۱۵ درصد آن اجرا می‌شود. قوانین در مرحله اجرا دچار مشکل می‌شوند و اولین اثر آن وجود انبوه پرونده‌ها در دستگاه قضایی است. تا وقتی که ما این اصلاحات را انجام ندهیم، این عقب‌ماندگی‌ها را خواهیم داشت که می‌توان نام تمام آنها را فساد یا رانت گذاشت. باید سعی کنیم تا وضعیتمان در آینده فرق کند، در غیر این صورت، توسعه اقتصادی نیز در چنین فضایی ناممکن خواهد بود و به عقیده من، راه چاره، اصلاح کلی نظام تدبیر کشور و اقتصاد، اعم از قوانین، مقررات، بخشنامه‌ها و مصوبات مختلف و مکرر دستگاه‌هاست. باید سعی کرد که هر شخصیت یا دستگاهی بر حسب قانونمند بودنش، قضاوت شود.

در ابتدای صحبت‌تان به این موضوع اشاره کردید که با پیدایش دولت مدرن در کشور، زمینه فساد نیز به وجود آمد. به نظر شما در چه دورهای، فساد، رانت و اختلاس بیشتر بوده است؟

به نظر من در دوره بعد از انقلاب، زمینه ایجاد فساد بیشتر شده است. یک دلیل عمده هم این است که بعد از انقلاب، به طور منطقی، مقامات انقلاب تشخیص دادند که ما با این دوره جدید به قوانین جدید نیاز داریم و در نتیجه پس از پیروزی انقلاب، کمیته‌هایی درست شد که قوانین موجود را بررسی کنند. آدم‌های صالح و به اصطلاح برجسته‌ای در این کمیته‌ها بودند اما متأسفانه شروع جنگ تحمیلی اجازه نداد این کمیته‌ها مأموریت خود را انجام دهند. در نتیجه مجموعه‌ای از قوانین از زمان مشروطیت تا سال‌های ۵۷ و ۵۸ برای ما مانده بود و با فروخته شدن آتش جنگ هم فرصتی برای بررسی، بازبینی و اصلاح داده باقی نماند. شورای انقلاب، که اولین مجلس قانون‌گذاری ما بود، در آن زمان از روی اضطرار و نیاز قوانینی تصویب کرد اما قوانین موجود، جز برخی از قوانین که اصلاحاتی در آن‌ها انجام شد، کاری از پیش نبرد. مثلاً در قانون برنامه و بودجه یکی دو مورد که با قانون اساسی هماهنگی نداشت، حذف شد اما مابقی قانون برنامه و بودجه تا امروز هم باقی مانده است. این مسأله سبب شد که ما انبوهی از قوانین پیش و بعد از انقلاب داشته باشیم؛ معمولاً هم فرصت تنقیح قوانین هم در مجلس شورای اسلامی وجود نداشته است. پیش از انقلاب، دستگاه و نهادی با نامی نزدیک به عنوان «مرکز تنقیح قوانین» در مجلس بود که هر قانون پیشنهادی به مجلس را ابتدا بررسی می‌کرد تا مشخص شود این قانون با کدام یک از قوانین گذشته، تناقض یا هماهنگی دارد و یا تکراری است و پس از بررسی این موارد، به آن پرداخته می‌شد. در سال‌های بعد از انقلاب، فرصت این کارها کمتر شد. البته سعی می‌کردند درباره قوانین جدیدی که مطرح می‌شد، دقت کنند و گاهی به این اکتفا می‌کردند که در آخرین ماده قوانین مصوب بعد از انقلاب بنویسند که «کلیه قوانین مغایر با این قانون باطل است».

من برای خوانندگان مجله شما یک پیام دارم. کلام ژان تیروول، برنده جایزه نوبل اقتصاد ۲۰۱۴، را عیناً بازگو می‌کنم: «اقتصاد بازار، به یک دولت قوی نیاز دارد. دولت مدرن دولتی است که در مقابل لابی‌ها مقاومت می‌کند و قادر به انجام اصلاحات است.» ما حالا از یک طرف اقتصاد آزاد را تبلیغ می‌کنیم و چند نشریه هم سعی می‌کنند آن را تئوریزه کنند؛ می‌گویند باید اقتصاد دولتی را کنار بگذاریم و اقتصاد آزاد داشته باشیم. باید این کلام را جدی بگیریم و باید بدانیتم اقتصاد آزاد، بدون دولت مقتدر و آگاه، فساد و رانت به وجود می‌آورد.

یکی از دلایل ماندگاری تحریم در بسیاری از کشورهای جهان وجود همین مافیای قدرت است. خوشبختانه در اقتصاد ایران این مافیای قدرت، به هر دلیلی موفق به ادامه تحریم و فشار نشد و تحریم‌ها در حال برداشته شدن است.

احمد میدری، اقتصاددان و معاون امور رفاهی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی:

## تحریم‌ها به فساد اقتصادی دامن زد

راه‌اندازی دولت الکترونیک راهکار نهایی رفع فساد در کشور است



وجود فساد در اقتصاد کشور موضوع تازه‌ای نیست؛ می‌توان آن را یکی از قدیمی‌ترین همراهان اقتصاد ایران دانست، آنچه همیشه از آن انتقاد می‌شود و آنچه همیشه هست. اما این موضوع در چند سال اخیر سر و صدای بیشتری کرده است و هر از گاهی خبری از رو شدن یکی از مفاسد اقتصادی به گوش می‌رسد و به نظر می‌آید که این مشکل به جای برطرف شدن در حال گسترش است؛ هرچند که بیشتر موارد اتفاق افتاده در دولت قبل بوده و در دولت جدید نمایان می‌شود. در عین حال مفاسد پیش آمده در این حوزه موجب شده است اعتماد مردم در خصوص عملکرد سیستم‌های نظارتی سلب شود چرا که ارقام فسادهای نمایان شده این روزها آن قدر بزرگ است که مردم عادی به این می‌اندیشند که چگونه در یک سیستم می‌توان چنین ارقامی را اختلاس کرد؟

احمد میدری، اقتصاددان و معاون امور رفاهی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی اگر چه دلایل ایجاد فساد و رانت در کشور را متفاوت و البته ریشه‌دار می‌داند، معتقد است که آنچه در سال‌های اخیر باعث افزایش رانت‌خواری و فساد شد، بحث تحریم‌های اقتصادی است. وی البته مباحث بانکی و فساد ناشی از عملکرد بانک‌ها در کشور را یکی از مهم‌ترین بخش‌های ایجادکننده فساد می‌داند و البته شیوه‌های نظارت بر بانک را مورد انتقاد قرار می‌دهد. میدری می‌گوید: در طول عمر حدوداً دوساله دولت، در حوزه‌های مختلف شاهد انتشار اخبار فساد هستیم و دستگیری‌هایی که در این زمینه انجام شده نشان می‌دهد بخش‌های مهمی از حاکمیت و دولت به دنبال کنترل فساد هستند. افشاگری‌هایی که وزیر نفت انجام داد و شفاف‌سازی‌ای که در خصوص تخلفات این حوزه شد، نشان‌دهنده کاهش فساد یا حداقل عزمی برای کنترل آن است. معاون امور رفاهی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، راه‌اندازی دولت الکترونیک را راهکار نهایی رفع فساد می‌داند که به عقیده وی، اجرای آن با مقاومت گروه‌هایی روبه‌رو خواهد بود. گفت‌وگوی «آینده‌نگر» با این اقتصاددان را در زیر می‌خوانید.

نمی‌خواهم بگویم راه‌حل این است که بانکداری را دوباره دولتی کرد؛ بلکه باید ضعف سیستم نظارتی بانک مرکزی را رفع کرد. ضعف سیستم نظارتی بانک مرکزی و سایر نهادهای نظارتی در عملیات بانکداری عاملی است که هم‌زمان با افزایش بانکداری خصوصی و مقررات‌زدایی‌هایی که در این حوزه انجام شده، انگیزه‌های بیشتری برای ایجاد رانت و فساد به وجود آورده است. وقتی رقابت بین

بر طبق آمارهای جهانی، شاخص سطح سلامت اقتصاد ایران پایین است و به تازگی نیز برده از فسادهای بزرگی برداشته شده است که تاییدکننده وجود فساد در اقتصاد کشور است. به نظر شما دلیل رشد روز افزون فساد در ایران چیست و چه عواملی بستر رشد فساد را مهیا می‌کنند؟

دلایل ایجاد فساد و رانت، متفاوت و برخی ریشه‌دار است، اما آنچه در سال‌های اخیر باعث افزایش رانت‌خواری و فساد شد، بحث تحریم‌های اقتصادی است. اقتصادهایی که دچار تحریم می‌شوند، برای تامین نیازهای کشور نمی‌توانند از مجاری رسمی استفاده کنند حال آنکه استفاده از مجاری غیررسمی موجب ایجاد فساد بیشتری می‌شود. دلیل اصلی ایجاد پرونده متهم نفتی که این روزها در حال رسیدگی است، نیز بحث تحریم‌هایی است که علیه کشور وضع شده بود و استفاده از مجاری غیررسمی را ایجاب کرد. البته فساد ناشی از محدودیت‌های تحریمی مختص ایران نیست. حتی بعد از جنگ جهانی اول نیز زمانی که دولت آلمان تحریم شد، فساد اقتصادی در آن کشور افزایش یافت. در دیگر کشورها هم این تجربه وجود دارد. فساد ناشی از تحریم، گاهی آن قدر ریشه‌دار می‌شود که باند‌ها و مافیایی که از این مجاری ناسالم، درآمد‌های سرشار کسب می‌کنند، چه در کشور تحریم‌شده و چه در کشورهایی که به کشور تحریم‌شده کالارسانی می‌کنند، خواهان ادامه‌دار شدن تحریم می‌شوند و یکی از دلایل ماندگاری تحریم در بسیاری از کشورهای جهان وجود همین مافیای قدرت است. خوشبختانه در اقتصاد ایران این مافیای قدرت، به هر دلیلی موفق به ادامه تحریم و فشار نشد و تحریم‌ها در حال برداشته شدن است. در دوران تحریم در سیستم بانکی، فروش نفت، صنایع نفتی، لوله‌سازی و محصولات خوراکی شاهد وجود این فساد بودیم و هزینه‌هایی که در اثر افزایش تحریم‌ها به اقتصاد تحمیل می‌کردند به طور مشخص افزایش هزینه‌های زندگی و افزایش رانت‌خواری بوده است. این یکی از عوامل اصلی است که در سال‌های اخیر، باعث افزایش فساد در اقتصاد ایران و رانت‌خواری شد. نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد این است که از ابتدای دهه ۸۰ بحث بانکداری خصوصی در ایران مطرح شد درحالی که بانک مرکزی، به دلیل نوپا و جدید بودن بانکداری خصوصی، قادر به کنترل آن نبود. نظام بانکی در ایران مانند دیگر کشورها بخش عمده‌ای از انباشت سرمایه را در اختیار دارد. گرچه در بانکداری دولتی نیز ناکارآمدی‌های مختلفی وجود دارد و خدمات پایینی هم به مردم می‌دهند اما مدیران دولتی، با مقررات بسیار سختی روبه‌رو هستند و کنترل‌هایی که می‌شود امکان فساد را نه اینکه صفر کند اما انگیزه‌ها و امکان بروز آن را نسبت به بانکداری خصوصی بسیار کاهش می‌دهد.

راهکار رفع این مشکل را چه می‌دانید و به نظر شما چگونه می‌توان از نشر فساد توسط سیستم بانکی جلوگیری کرد؟

به خصوص موسسات پولی فاقد مجوز بانک مرکزی از حمل سلاح نیز خطرناک‌تر است و این نوع موسسات باید تحت کنترل و نظارت بانک مرکزی قرار بگیرند.

**به نظر می‌رسد سیطره فساد تا جایی است که تنها با فساد اقتصادی در دولت و نهادهای وابسته به آن مواجه نیستیم بلکه بخش خصوصی اقتصاد نیز با حجم گسترده‌ای از رانت و فساد همراه شده است. نظر شما در این باره چیست؛ چه چیزی باعث انتشار و نشر همه‌جانبه فساد و رانت در اقتصاد شده است؟**

به جز دلایلی که برای بروز رانت و فساد بر شمرده دلایل دیگری نیز وجود دارند که مقدم بر دلایل اخیر هستند. در مورد علت‌های ریشه‌دارتر ایجاد رانت باید به مقررات پیچیده و دست‌وپاگیر اشاره کرد. شاخص محیط کسب‌وکار، که پیچیدگی نظام اداری را اندازه‌گیری می‌کند، در مورد ایران بسیار نامطلوب است. همچنین مقررات دست‌وپاگیر یکی از عواملی است که باعث ریشه‌دار شدن فساد می‌شود. انبوه مقررات، عاملی برای ایجاد رانت است و راهکار آن هم در عموم کشورها همان‌طور که گفتم وجود دولت الکترونیک است.

**در ایران هم بحث دولت الکترونیک مطرح شده است، اما اجرای آن به‌کندی پیش می‌رود؛ دلیلش را چه می‌دانید؟**

فکر می‌کنم سرعت رشد و گسترش دولت الکترونیک، بیش از آنکه به اراده مسئولان رده‌بالا بستگی داشته باشد، به همکاری سازمان‌ها و نظام کارشناسی کشور بستگی دارد. مثلاً وقتی خواهیم ثبت شرکت‌ها را الکترونیکی کنیم، باید اداره ثبت شرکت‌ها با سازمان تامین اجتماعی و نظام بانکی امکان تبادل داده‌های الکترونیکی و اطلاعات داشته باشد اما متأسفانه همکاری بین دستگاهی در ایران بسیار کم است. بخشی از نبود همکاری بین دستگاهی به دلیل عدم همکاری کارشناسان است؛ حتی در زمان‌هایی، با وجود اینکه مسئولان رده‌بالا خواستار همکاری هستند، همکاری در سطوح پایین دستگاه اداری اتفاق نمی‌افتد و همه اینها دست به دست هم می‌دهند تا کاری که باید، انجام نشود یا روند اجرای آن کند باشد.

**چرا کارشناسان همکاری نمی‌کنند؟ منظوری این است که چه منافعی وجود دارد که مانع انجام کار به شکل صحیح و اصولی می‌شود؟ به هر حال حداقل همه در حرف عنوان می‌کنند که فساد بد است اما چرا در عمل همکاری لازم وجود ندارد؟**

انجام امور به صورت بین دستگاهی به نوعی توافق و فرهنگ کار مشترک نیاز دارد. مثلاً وقتی می‌بینیم در گمرک ما فساد وجود دارد دلیل آن عدم همکاری بین گمرک، سازمان بنادر، موسسه استاندارد و نیروی انتظامی است؛ یعنی رفع فساد در گمرک، امری است که برای آن باید همه دستگاه‌های مرتبط، همکاری کنند. به هر حال نمی‌خواهم بگویم مسائل زیاد پیچیده است اما امور بین دستگاهی است و توافقات بین دستگاهی هم به این دلیل که دستگاه‌های اداری در ایران دستگاه‌های عمودی هستند، بسیار سخت انجام می‌شود. فساد به‌وجود آمده به این دلیل هم موجب می‌شود برخی نخواهند کار به صورت درست انجام شود تا از منافع آن بهره‌مند شوند. اما موضوع اصلی که مانع شکل‌گیری این نوع همکاری است، این است که دستگاه‌های ایران مستقیماً به وزارت‌خانه وصل هستند و در انبوه کارهایی که به وزارت‌خانه سپرده شده، توافقات بین دستگاهی عملاً به فراموشی سپرده می‌شود، در حالی که مثلاً در بسیاری از کشورها، دستگاه‌ها در سطح شهر زیر نظر نهادهای مانند شهرداری یا استانداری

بانک‌های خصوصی افزایش پیدا کرد، بانک‌ها مجبور شدند برای جذب منابع بیشتر از سوی مردم، مقررات بانکداری را دور بزنند و در کوتاه‌مدت سودهای بالایی به آنها بدهند. موضوع مهم‌تری هم که باید به آن اشاره کرد عملکرد آن دسته از موسسات پولی و اعتباری است که زیر نظارت بانک مرکزی نیستند و از عوامل اصلی ایجاد فساد محسوب می‌شوند. در کشورهایی مانند آمریکا، حمل اسلحه آزاد است اما وجود بانک بدون مجوز نظام بانکداری ممکن نیست. یعنی در این کشورها وجود بانک بدون نظارت و مجوز بانک مرکزی از حمل سلاح خطرناک‌تر تلقی می‌شود، چرا که حمل سلاح می‌تواند یک نفر یا ۱۰ نفر را بکشد، اما بانک‌هایی که زیر نظارت بانک مرکزی نیستند یا دارای مجوزند اما به مقررات عمل نمی‌کنند با ایجاد تورم، زمینه افزایش تمام جرایم اقتصادی و اجتماعی را فراهم می‌کنند. آن فساد که چند سال قبل تحت عنوان سه هزار میلیارد تومان کشف شد نیز به این دلیل رخ داد که بانک مرکزی از ضمانت‌نامه‌های صادره در بانک، بی‌اطلاع بود و زمانی که این ضمانت‌نامه‌ها نقض شدند، بانک مرکزی از آن مطلع شد؛ در حالی که در کشورهای دیگر امکان ندارد ضمانت‌نامه بانکی بدون اطلاع بانک مرکزی صادر شود. به نظر من، ضعف موجود در عملیات بانکداری که بانک مرکزی نمی‌تواند آن را کنترل کند، یکی از عوامل ایجاد فساد است و برای مبارزه با فساد این ضعف باید برطرف شود.

**به عملکرد ضعیف سیستم‌های نظارتی به خصوص در حوزه بانک اشاره کردید. به نظر می‌رسد که ما نهادهای نظارتی زیادی داریم، چرا با وجود این همه نهاد نظارتی باز هم شاهد این حجم گسترده از فساد هستیم، این موضوع کمی عجیب نیست؟**

دنیا به این نتیجه رسیده که نظارت نباید با حضور فیزیکی همراه باشد؛ در حقیقت حضور فیزیکی، مرحله آخر نظارت است. ما در بخش سیستم‌های دیجیتال و الکترونیک نقص داریم. به عنوان مثال در حوزه بانکداری، کنترل موثر این است که عملیات بانک‌ها همگی به صورت نامحسوس تحت کنترل باشد، اگر فرض کنیم ۱۰ نهاد نظارتی بگذاریم اما اطلاعات را کنترل نکنیم، باز هم فساد و رانت‌خواری ایجاد می‌شود. در مورد همین ضمانت‌نامه‌هایی که گفتم نیز باید سازوکاری باشد که صدور هر ضمانت‌نامه‌ای حتماً تحت نظارت بانک مرکزی انجام شود. در برخی از کشورها بحث چک‌های الکترونیکی رواج دارد که بسیار در مبحث کاهش فساد اقتصادی موثر است اما در ایران هنوز چک الکترونیکی نداریم. چک الکترونیکی یکی از ابزارهایی است که فساد را بین کنش گران اقتصادی کم می‌کند.

**اراده ایجاد ابزارهایی مانند چک الکترونیک وجود ندارد یا به نظر شما در حال حاضر توان و ساختار اجرای این نوع راهکارها وجود ندارد؟**

حقیقت این است که در کشور ما سیستم اداری با ضعف‌های مختلفی روبه‌رو است و همین ضعف جلوی بسیاری از کارهای درستی را که باید انجام شود می‌گیرد. به عنوان مثال نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم آنچه که به عنوان مثال در نظام بانکی ما رخ می‌دهد متفاوت از چیزی باشد که مثلاً در سیستم گمرک، مالیاتی، تامین اجتماعی و غیره رخ می‌دهد. سیستم اداری در ایران کند است و متأسفانه وقتی به نمونه‌ای مانند موسسات مالی غیرمجاز می‌رسیم می‌بینیم با وجود اینکه بانک مرکزی خواستار مقابله است و اراده دارد اما گویا کسانی که می‌توانند خارج از این اراده فعالیت کنند، پر قدرت‌تر هستند. به هر حال جامعه باید به این بلوغ برسد که وجود موسسات فاقد مجوز

بحث ضعف بانک مرکزی و وجود موسسات مالی که انگیزه‌های زیادی برای سوءاستفاده از خلأهای نظارتی بانک مرکزی دارند نیز پدیده‌ای است که در چند سال اخیر تشدید شده است. واگذاری‌های گسترده و بدون شفافیت و خارج از بورس نیز در واقع یکی از عوامل تشدید فساد در اقتصاد بوده است. در کل می‌توان گفت متأسفانه فساد در چند سال اخیر به سرعت افزایش پیدا کرده است



در کشور ما سیستم اداری با ضعف‌های مختلفی روبه‌رو است و همین ضعف جلوی بسیاری از کارهای درستی را که باید انجام شود می‌گیرد. به عنوان مثال نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم آنچه به عنوان مثال در نظام بانکی ما رخ می‌دهد متفاوت از چیزی باشد که مثلاً در سیستم گمرک، مالیاتی، تامین اجتماعی و غیره رخ می‌دهد.

### آیا این بی‌اعتمادی و رواج ناامیدی را می‌توان بحران اجتماعی قلمداد کرد؟

متأسفانه همین‌طور است. هزینه‌های فساد بسیار سنگین است. مواردی مانند کاهش هم‌بستگی اجتماعی، کاهش سرمایه اجتماعی، گسترش بی‌اعتمادی بین مردم و دولت و شاید بدتر از همه گونه‌های یأس که افراد فکر می‌کنند اگر به فساد تن ندهند یا در گروه‌های سازمان‌یافته فساد حضور نداشته باشند نمی‌توانند به رشد و رونق و درآمد اقتصادی دست پیدا کنند، همه از پیامدهای منفی فساد است.

### ❶ فساد در همه کشورها کم و بیش وجود دارد. کشورهای موفق چه کرده‌اند تا مساله فساد نابود شود یا به شکل کشور ما چشمگیر نباشد؟

تئوری کلی کاهش فساد تحت عنوان «چک اند بالانس» (Check and balance) یعنی توازن و کنترل قدرت مطرح می‌شود. این اصلی است که در سطح فوقانی قدرت مانند استقلال قوه قضائیه، مقننه و مجریه نمود پیدا می‌کند. همچنین برای کنترل قدرت، بحث رسانه‌های مستقلی مطرح است که می‌توانند با آشکار کردن فسادها، مقدمات کاهش بروز فساد را آماده کنند. البته توازن و کنترل قدرت ابعاد مختلفی دارد. مثلاً در سطح کلان کشور استقلال سه قوه و استقلال رسانه‌ها از دولت اهمیت زیادی دارد. به طور مثال در دستگاه‌های اجرایی نیز باید سیستم خزانه‌داری و ذی‌حسابی مستقل از مدیر اجرایی باشد. مثلاً دیوان محاسبات مستقل از دستگاه اجرایی است. البته ما بسیاری از این اشکال را در کشور خود می‌بینیم اما در پیاده کردن آنها خطاهایی وجود داشته است. به طور مثال در ایران یک ذی‌حساب که عضو نهاد نظارتی از طرف مجلس است، می‌تواند استعفا دهد و به استخدام دستگاه اجرایی دربیاید. این در کشورهای دیگر ممنوع است و فرد نمی‌تواند از یک نهاد نظارتی وارد یک دستگاه اجرایی شود چرا که به عنوان یک ناظر از یک دستگاه اجرایی ایرادهای متعددی می‌گیرد و بعد این دستگاه اجرایی برای اینکه بتواند این ایرادها را کنترل کند و قانون را دور بزند او را به استخدام خود درمی‌آورد. درست است که بعداً یک ذی‌حساب جدید وارد سیستم ناظر می‌شود اما اصلاً نهاد نظارتی نباید اجازه دهد نیرویش وارد یک دستگاه اجرایی شود. در ایران این بُعد از توزیع قدرت رعایت نمی‌شود. گفته شده ذی‌حساب‌ها باید از مدیران اجرایی دستگاه مستقل باشند اما راهکارهایی پیدا شده که این ذی‌حسابان افشاگری‌هایی می‌کنند و بعد استخدام دستگاه می‌شوند. از دیگر مواردی که می‌تواند به توازن و کنترل قدرت و در نتیجه کنترل فساد کمک کند، وجود گروه‌های تخصصی و قدرت‌های سیاسی تشکلیافته البته به شرط تکرر و شفافیت درونی است. به‌جز عواملی که ذکر شد، وجود سیستم‌های اخذ مالیات قوی در کشورها نیز می‌تواند تاثیر بسزایی در کنترل فساد داشته باشد چرا که وقتی دولت‌ها نیازمند اخذ مالیات می‌شوند، شفاف‌سازی‌های زیادی در اقتصاد رخ می‌دهد. در واقع گفته می‌شود نظام‌های مالیاتی برای اینکه بتوانند درآمدهای لازم را برای دولت وصول کنند، اطلاعاتی از افراد به دست می‌آورند که حتی سازمان‌های امنیتی هم این اطلاعات را ندارند. از این رو باید اهمیت و جایگاه نظام مالیاتی را نیز به رسمیت بشناسیم و آن را ارتقا دهیم. در حقیقت از هر سو نگاه کنیم، راه‌اندازی دولت الکترونیک، راهکار نهایی رفع فساد است که البته اجرای آن با مقاومت گروه‌هایی روبه‌رو خواهد بود و عدم همکاری بین دستگاهی به دلایلی نیز از دیگر موانع این مسیر است.

هستند. البته منظورم این نیست که تا زمانی که نتوانیم دولت محلی داشته باشیم هماهنگی بین دستگاهی انجام نمی‌شود؛ در همین سیستم هم می‌توانیم کارها را به‌سامان کنیم. اقدامات خوبی مانند پلیس ۱۰+ در نتیجه همکاری بین دستگاهی انجام شد و امروزه مردم می‌توانند بسیاری از کارها را بدون مراجعه مستقیم به نهادهای دولتی انجام دهند. این نوع تجربه‌ها و شیوه‌های اجرای آن را باید به دیگر حوزه‌ها نیز سرایت داد تا با فساد و رانت‌خواری کمتری روبه‌رو شویم.

### ❷ به نظر شما در کدام یک از دولت‌ها و دوره‌ها وضعیت فساد و رانت بیشتر بوده است؟

عدد و رقمی در این زمینه وجود ندارد اما همان‌طور که گفتم در سال‌های تحریم، شاهد افزایش گسترده فساد بودیم که در تاریخ کشور بی‌سابقه بوده است. اختلاس‌های سه هزار میلیارد تومانی و ۱۸ هزار میلیارد تومانی، مسائلی که در تامین اجتماعی و حوزه نفت اتفاق افتاد نشان داد در دوره اخیر و هم‌زمان با تشدید تحریم‌ها فساد نیز بسیار بالا بوده است. بحث ضعف بانک مرکزی و وجود موسسات مالی که انگیزه‌های زیادی برای سوءاستفاده از خلأهای نظارتی بانک مرکزی دارند نیز پدیده‌ای است که در چند سال اخیر تشدید شده است. واگذاری‌های گسترده و بدون شفافیت و خارج از بورس نیز در واقع یکی از عوامل تشدید فساد در اقتصاد بوده است. در کل می‌توان گفت متأسفانه فساد در چند سال اخیر به‌سرعت افزایش پیدا کرده است.

### ❸ آیا دولت یازدهم در دو سال اخیر توانسته این فساد را مهار کند؟

در طول عمر حدوداً دوساله دولت، در حوزه‌های مختلف شاهد انتشار اخبار فساد هستیم و دستگیری‌هایی که در این زمینه انجام شده نشان می‌دهد بخش‌های مهمی از حاکمیت و دولت به دنبال کنترل فساد هستند. افشاگری‌هایی که وزیر نفت انجام داد و شفاف‌سازی‌ای که در خصوص تخلفات این حوزه شد، نشان‌دهنده کاهش فساد یا حداقل عزمی برای کنترل آن است. به طور کلی اعتقاد دارم زمانی که در نظام سیاسی، جناح‌های مختلف حضور داشته باشند موازنه قدرت باعث کاهش فساد می‌شود. در حال حاضر که همراه با دولت یازدهم، قدرت‌های مختلف نیز در صحنه رسمی سیاست حضور فعال دارند، احتمال فساد کاهش می‌یابد. هر زمانی که صدا و سیما، مستقل از قوه مجریه، موضع‌گیری روشن داشته باشد و از دولت انتقاد کند نیز احتمال فساد کم می‌شود. از این رو با مجموعه مواردی که ذکر شد به نظر می‌رسد در این دولت نسبت به دولت قبل، باید شاهد فساد به‌مراتب کمتری باشیم.

### ❹ فساد چه تاثیری بر توسعه کشور دارد؟ آیا رابطه‌ای بین این دو هست؟

قبلاً برخی، مانند هانتینگتون، معتقد بودند که فساد نقش روغن را برای چرخ‌های خشک نظام بوروکراسی ایفا می‌کند. اما بعدها فهمیدند این نظریه شاید برای فسادهای اندک درست باشد اما فساد در سطح گسترده باعث می‌شود ضربه اساسی به هم‌بستگی اجتماعی وارد آید، سیستم اداری کارکردهای خود را از دست بدهد و فرایند توسعه به‌شدت مختل شود. از این رو امروزه شکی وجود ندارد که فساد، حتی در همان سطح اندک فساد اداری هم، برای توسعه بسیار مضر و مختل‌کننده است.

### ❺ رواج فساد به گونه‌ای بی‌اعتمادی مردم نسبت به دولت‌ها را به دنبال دارد و ناامیدی‌هایی هم در اجتماع و جامعه ایجاد می‌کند.

فساد ناشی از تحریم، گاهی آن قدر ریشه‌دار می‌شود که باند‌ها و مافیایی که از این مجاری ناسالم، درآمدهای سرشار کسب می‌کنند، چه در کشور تحریم شده و چه در کشورهایی که به کشور تحریم‌شده کالارسانی می‌کنند، خواهان ادامه‌دار شدن تحریم می‌شوند و یکی از دلایل ماندگاری تحریم در بسیاری از کشورهای جهان وجود همین مافیای قدرت است

بهمن کشاورز در گفت‌وگو با آینده‌نگر وضعیت قوانین مرتبط با فساد را بررسی کرد

## خلاء نظارتی داریم

وجود نهادهای نظارتی متعدد، موجب می‌شود که مسائل از جهات مختلف رصد شود. البته این رصد شدن، منوط به انجام وظیفه صحیح از سوی همه این نهادهای نظارتی است.

مریم موسی‌پور

داریم و شاید حتی تعداد این سازمان‌های نظارتی بیش از اندازه نیز هستند. اما متأسفانه این سازمان‌ها به‌موقع وارد عمل نمی‌شوند و باید از آن‌ها به‌طور جدی خواسته شود که به‌موقع نظارت کنند و باید روند کاری این سازمان‌ها را نیز کنترل کرد. مثلاً اگر سوابق اختلاس‌ها و خیانت در امانت‌هایی که در بانک‌ها اتفاق می‌افتد را بررسی کنید، متوجه می‌شوید که باید خیلی قبل‌تر از این‌که کار به اختلاس برسد، مشاهده و کشف می‌شد. اما می‌بینیم که عملکرد بخش نظارتی ضعیف بوده است و در مرحله کشف تخلف و اختلاس نیز ممکن است این بحث مطرح شود که عدم نظارت ناشی از نوعی تخلف اداری بوده است و نه جرم. بنابراین، کسی بابت این تخلف اداری مجازات کیفری نمی‌شود بلکه مثلاً با بحث اختلاس یا جرمه یا تعلیق از کار یا حداکثر اخراج از کار قضیه ختم به خیر می‌شود. حال آن‌که، به‌ازای عدم نظارت درست، ممکن است رقم‌های بسیار بسیار سنگینی به‌شکل اختلاس جابه‌جا شده باشد. به هر حال، قانون در حال اجراست اما آنچه که در زمینه‌های مالی و اقتصادی مطرح می‌شود این است که بعضاً چشم‌پوشی‌ها و قصورهای صورت می‌گیرد که منجر به رخ دادن مفاسد بزرگ می‌شود و وقتی این مفاسد تحقق یافت، این‌که بعداً با مرتکبان آن چه کنیم، مشکل زیادی را حل نمی‌کند. نهایتاً این‌که اگر دستان به مرتکب رسید، مثلاً می‌توانیم او را اعدام کنیم اما این عمل، وجوه از دست‌رفته و اموال ضایع‌شده را بر نمی‌گرداند.

آیا فکر نمی‌کنید که زیاد بودن نهادهای نظارتی و موازی‌کاری آن‌ها با یکدیگر، نه تنها جلوی فساد را نمی‌گیرد بلکه ممکن است خود به مشکلی در این حوزه تبدیل شود؟

معتقدم که وجود نهادهای نظارتی متعدد موجب می‌شود که مسائل از جهات مختلف رصد شود. البته این رصد شدن، منوط به انجام وظیفه صحیح همه این نهادهای نظارتی است. البته در مورد موضوعی که شما به آن اشاره کردید، شاید بهتر باشد این سازمان‌ها برای جلوگیری از تداخل عملیات و خنثی‌سازی برنامه‌ها و کنش‌های یکدیگر، ستاد مشترک یا دفتر هماهنگی یا چیزی شبیه به این داشته باشند تا مشکلی پیش نیاید. تاجایی هم که به یاد دارم، تشکیل سازمانی به نام سازمان مبارزه با مفاسد اقتصادی نیز در برنامه‌های مسئولان وجود داشت که احتمال می‌دهم لایحه یا طرح آن هم چنان در مجلس باشد. البته در زمانی که این طرح را دیدم، ملاحظات و اشکالاتی نیز در آن به نظر می‌رسید که همان زمان آن‌ها را به رسانه‌ها اعلام کردم. با توجه به موضوعاتی که به آن‌ها اشاره کردم، به نظر من، وجود نهادهای نظارتی گوناگون نه مضر، بلکه مفید است زیرا این نهادها می‌توانند کار یکدیگر را نیز کنترل و ممیزی کنند و به‌هر حال این موضوع، شاید از مواردی باشد که وجود سازمان‌های موازی در آن، بلاشکال است.

همان‌طور که اشاره کردید، شاید ما خلاء قانونی در بخش مبارزه با فساد نداشته باشیم اما بسیاری از فعالان اقتصادی معتقدند که ما در بخش قوانین اقتصادی، مانند قانون تجارت، با مشکلات زیادی مواجه

فساد در کشور ما به‌خصوص در بخش اقتصادی اتفاق می‌افتد. برخی دلایل رخ دادن آن را مرتبط با قوانین و مقررات اقتصادی می‌دانند که شفاف و به‌روز نیستند، زیاد و دست‌وپاگیر هستند، متناقض‌اند و قابل سوءاستفاده کردن و در نهایت می‌توانند یکی از عوامل ایجادکننده فساد باشند. برخی نیز معتقدند قوانین مبارزه با فساد نیز چندان کارآمد نیستند و مشکلی را حل نمی‌کنند. هر چه هست، قانون، به‌خصوص در ایران، پیچیده است و توضیحات مرتبط با آن نیازمند شخصی است که با هزارتوی آن آشنا باشد. به سراغ بهمن کشاورز، حقوقدان و وکیل دادگستری، رفتیم. وی اگر چه ضعف قوانین و تعدد و تکثر آن در حوزه اقتصاد را قبول دارد و آن را یکی از عوامل به‌وجود آورنده فساد می‌داند، اما در بخش قوانین مبارزه با فساد معتقد است که خلاء قانونی وجود ندارد و آنچه که موجب ایجاد فساد می‌شود، نه خلاء قانونی که خلاء نظارتی است. گفت‌وگوی ما را با وی بخوانید.

فساد در بخش‌های مختلف جامعه، به‌خصوص بخش اقتصادی کشور، دیده می‌شود. برخی معتقدند که ما در این زمینه خلاء قانونی داریم و همین موضوع موجب می‌شود که شاهد افزایش فساد در جامعه باشیم.

درست است که ما با فساد، به‌خصوص در بخش اقتصادی کشور، مواجهیم اما من معتقدم که فساد به‌وجود آمده اصلاً به‌دلیل خلاء قانونی در این زمینه نیست. در حقیقت اگر مشکلی هست، این مشکل در اجرای قانون و احیاناً در برداشت‌های ناصواب و نادرست از قانون است. در غیر این صورت، مثلاً ماده ۲ تشدید مجازات اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری، که بحث تحصیل مال نامشروع را مطرح می‌کند، برخلاف اصول حاکم بر قوانین قضایی، بسیار وسیع است و موارد زیادی را در برمی‌گیرد. بنابراین، من فکر نمی‌کنم که در این بخش مبارزه با فساد، خلاء قانونی وجود داشته باشد.

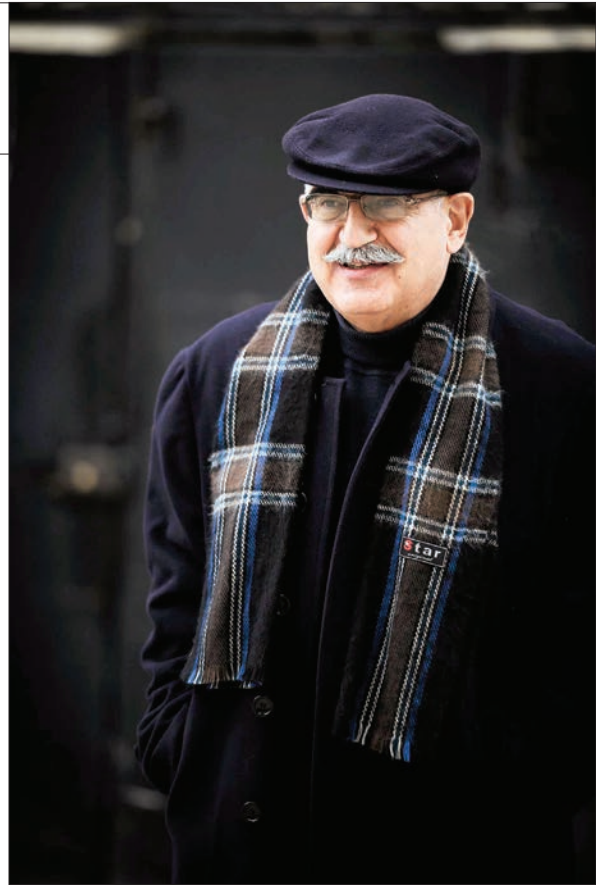
اگر خلاء قانونی وجود ندارد، چرا ما با این همه فسادهایی مواجه می‌شویم که مرتکبان آن به جزای کارهای خود نرسیده‌اند و ما همیشه شاهد رونمایی از فسادهای جدیدی در کشور هستیم؟

به‌نظر می‌رسد آنچه که شرایط فعلی ما را به‌وجود آورده است، نه نبود قانون، بلکه عدم نظارت به‌موقع هست. ما زمانی متوجه نبود نظارت درست می‌شویم که فساد رخ می‌دهد. اگر شما پرونده فساد رخ داده در کشور را مشاهده و بررسی کنید، متوجه می‌شوید که متأسفانه نظارت در زمان لازم اعمال نشده است و اگر نظارت اعمال می‌شد، فساد رخ نمی‌داد یا حداقل در مراحل ابتدایی، شناسایی و تعقیب می‌شد و به این ترتیب، تبعات کمتری داشت. ولی به‌دلیل عدم نظارت به‌موقع و جدی، می‌بینیم که فسادها ریشه می‌گیرند و گسترش می‌یابند.

از نبود نظارت صحبت کردید. به نظر می‌رسد ما نهادهای نظارتی زیادی داریم که به‌نوعی کار آنها شناسایی تخلفات و کشف فساد است. چطور می‌شود که باز هم شما ضعف را در همین نقطه می‌دانید؟ همان‌طور که شما هم اشاره کردید، ما به‌اندازه کافی سازمان نظارتی

ما به‌اندازه کافی سازمان نظارتی داریم و شاید حتی تعداد این سازمان‌های نظارتی بیش از اندازه نیز هستند. اما متأسفانه این سازمان‌ها به‌موقع وارد عمل نمی‌شوند و باید از آنها به‌طور جدی خواسته شود که به‌موقع نظارت کنند و باید روند کاری این سازمان‌ها را نیز کنترل کرد

وجود نهادهای نظارتی متعدد موجب می‌شود که مسائل از جهات مختلف رصد شود. البته این رصد شدن، منوط به انجام وظیفه صحیح همه این نهادهای نظارتی است.



❖ به برخی چشم پوشی‌ها و قصورهای اداری اشاره کردید. این چشم‌پوشی‌ها از کجا نشأت می‌گیرند؟ مگر ما در این موارد، قانون نداریم؟

این موضوع را باید از اهل آن، یعنی متخصصان امور اداری و مالی و امثال آن‌ها سوال کنید. مسلم آن است که کسانی موظف به انجام امور خاصی در زمان خاصی هستند و اگر وظیفه خود را انجام ندهند، نتیجه آن همین مواردی می‌شود که می‌بیند. البته من بسیار خوشحال شدم که چندی قبل دیدم قانون مشهور «از کجا آورده‌اید» بالاخره تصویب شد. امیدوارم اگر این قانون به‌صورت جدی اجرا شود، مقدار زیادی از مشکلات ما در حوزه فساد و حوزه‌های دیگر حل بشود.

❖ آیا نبود این قانون در قوانین ما خلأ نبود؟

برخی معتقد بودند که در این زمینه خلأ داشتیم اما به نظر من، در این مورد نیز خلأی نداشتیم. من معتقد بودم که قانون ۱۳۳۷، با وجود استدلالی که بعضاً می‌شد و عنوان می‌کردند که با تصویب اصل ۱۴۲ قانون اساسی، این قانون منسوخ شده است، منسوخ نبود و این قانون قابل جمع شدن با قانون ۱۴۲ بود. اما به هر حال حدود ۱۰ سال این موضوع معطل بود. حالا که تصویب شده است امیدواریم به‌خوبی اجرایی شود و مکان‌های خالی را پر کند و جلوی بسیاری از فسادها را بگیرد. البته نمی‌توان گفت که قوانین ما کامل هستند و هیچ مشکلی در این حوزه وجود ندارد، چرا که قوانین ساخته ذهن بشر هستند اما خب به نظر من، این آخرین متنی را که من دیدم، و البته هنوز متن نهایی را ندیده‌ام، با توجه به این که دامنه آن از دامنه قانون ۱۳۳۷ بسیار وسیع‌تر شده است و افراد بیشتری را در بر می‌گیرد، می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

❖ در کشورهای دیگر، مشاهده می‌کنیم که قوانین بسیار موجز و شفاف نگاشته می‌شوند اما به‌نظر می‌رسد در ایران ما به نوشتن قانون‌های بلند و پیچیده علاقه‌مند هستیم. آیا موقع قانون‌نویسی، قانون‌نویسان ما نمونه قانون کشورهای دیگر را بررسی نمی‌کنند؟ مشکل ما در این بخش چیست؟

بله، این مشکل وجود دارد. قانون‌نویسی فنی تخصصی است و محتوای قانون چیزی جز شکل است. باید دقت کنیم که محتوای قانون را متخصصان هر رشته مشخص می‌کنند اما تنظیم شکلی آن بر عهده کارشناسان و متخصصان قانون‌نویسی است. رشته اخیر، یعنی قانون‌نویسی، نیز چیزی است که باید آموخته شود و تا آنجا که من می‌دانم در کشور ما رشته مستقلی در این خصوص وجود ندارد و می‌توانم بگویم اشکالی که بیان کردید، شاید ناشی از این رهگذر باشد. طولانی‌بودن قوانین و پیچیدگی آن‌ها نیز ایجادکننده مشکل است و باید سعی کرد تا قوانین به‌صورت موجز و مفید نگاشته شوند. البته منظور صرفاً موجز و کوتاه‌بودن قانون نیست بلکه قانون باید بر مبنای اصول مشخصی تنظیم شود.

❖ خوب ما فرض می‌کنیم که فساد رخ داده است و دستگاه‌های نظارتی بعد از انجام شدن فساد، متوجه رخ دادن آن می‌شوند و از قضا متهمان هم دستگیر و به قوه قضائیه معرفی می‌شوند. به نظر شما عملکرد قوه قضائیه در مقابل متهمان باید چگونه باشد که حداقل آن‌هایی که هوای انجام فساد در سر دارند، تا حدودی از عاقبت کار بترسند؟

پاسخ به این سوال را می‌توانم خلاصه کنم؛ دقت، سرعت، قاطعیت، رعایت اصول و آیین دادرسی و بالاخره رفتار یکسان با همه متهمان توصیه‌ای است که می‌توانم در این خصوص داشته باشم و از نظر من تأثیرگذارترین نوع برخورد با متهمان برای تأثیرگذاری بر آن‌هایی است که در فکر سوءاستفاده و انجام تخلف و فساد هستند.

هستیم. آن‌ها از تکرر و تعدد قوانین گلیامند هستند و معتقدند که وجود این حجم از قوانین، که هم به‌روز نیستند و هم در مواردی در تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرند، موجب می‌شود که برخی سودجویان از خود قانون برای انجام تخلف و فساد سوءاستفاده کنند. آیا نقص قوانین در این حوزه را قبول دارید؟

بدون تردید قانون تجارت ما به‌روز نیست و باید روزآمد باشد که این کاری بسیار دقیق و فنی و تخصصی است. فراموش نکنیم که یک‌بار هم این اقدام با صرف وقت و هزینه فراوان انجام شد و البته بی‌نتیجه ماند. این اشکال که در مورد قوانین اقتصادی و قوانین مربوط به تجارت مطرح می‌شود، تنها منحصر به این مورد نیست. شما اگر اولین مجموعه قوانین ما را، که چیزی در حدود صد و چند صفحه است، با آخرین مجموعه، که حدود بیش از دو هزار صفحه است، مقایسه کنید، متوجه عظمت مشکل خواهید شد و وقتی به‌یاد بیاورید که سالی ۳ هزار صفحه مقرر اعم از قانون، آیین‌نامه و غیره تولید می‌شود، آن‌گاه متوجه خواهید شد که آنچه که تنقیح قوانین و تعیین قوانین ناسخ و منسوخ نامیده می‌شود، کاری بس مهم و اساسی است؛ که البته این کار از سال‌ها قبل آغاز شده و ادامه داشته و دارد و در نهایت باید نتیجه کار به‌صورت مدون و با تفکیک زمینه‌ها و قوانین مختلف به‌طور منظم منتشر شود و در اختیار نیازمندان بخش‌های مربوطه قرار گیرد.

قانون‌گذاری و تنقیح و تفسیر قوانین کاری بسیار دقیق، دشوار و تخصصی است. متأسفانه در قوانین ما معمولاً به این اکتفا می‌شود که در آخرین ماده قانون گفته شود: «کلیه قوانین مغایر منسوخ است» و به‌این ترتیب تشخیص نسخ بر عهده مجری یا دادگاه گذاشته می‌شود و این کافی و وافی به مقصود نیست و مشکل ایجاد می‌کند، بنابراین، آنچه در خصوص اجمال و ابهام و پیچیدگی قوانین اقتصادی از جانب اهل اقتصاد گفته می‌شود تا آنجا که می‌توانم تشخیص دهم، صحیح است و می‌تواند زمینه‌های سوءاستفاده و همان‌گونه که شما اشاره کردید، زمینه فساد را آماده کند.

متأسفانه در قوانین ما معمولاً به این اکتفا می‌شود که در آخرین ماده قانون گفته شود: «کلیه قوانین مغایر منسوخ است» و به‌این ترتیب، تشخیص نسخ بر عهده مجری یا دادگاه گذاشته می‌شود و این کافی و وافی به مقصود نیست و مشکل ایجاد می‌کند. بنابراین، آنچه در خصوص اجمال و ابهام و پیچیدگی قوانین اقتصادی از جانب اهل اقتصاد گفته می‌شود، تا آنجا که می‌توانم تشخیص دهم، صحیح است

سعید لیلانز در گفت‌وگو با آینده‌نگر مطرح کرد:

# رشد فساد زیر سایه درآمد نفتی

تعداد زیاد دستگاه‌های نظارتی نشان می‌دهد فساد در ایران بسیار ریشه‌دارتر از چیزی است که فکر می‌کنیم

مریم موسی‌پور

برخی معتقدند اگر کل اقتصاد را خصوصی هم کنیم باز بخش خصوصی به گونه‌ای رشد کرده که فقط با سیستم فساد می‌تواند کار خود را پیش ببرد.

بله و به همین دلیل، من هنگام صحبت با شما واکان را با دقت انتخاب می‌کنم. من از آزادسازی اقتصادی صحبت می‌کنم نه از خصوصی‌سازی. چون آزادسازی اقتصادی بسیار مقدم، ریشه‌ای‌تر و فراتر از خصوصی‌سازی است. ممکن است، مدت‌ها پس از آزادسازی اقتصادی، خصوصی‌سازی انجام نشود ولی حداقل، اجازه داده شود که دستگاه‌های دولتی با هم رقابت کنند. ما در ایران بیش از یک بانک دولتی، شرکت هواپیمایی دولتی، شرکت خودروسازی دولتی و شرکت بیمه دولتی داریم، اما آنها هم نمی‌توانند به‌درستی با هم رقابت کنند؛ در این شرایط، نوع قوانین بر مبنای رانت و فساد است و بخش خصوصی هم سعی می‌کند در این فضا خود را سر و سامان دهد. من اعتقاد ندارم که از ابتدا و ذاتا ملت یا بخش خصوصی کشوری فاسد است. این نوع اعتقادات را بخشی از فاشیسم و نژادپرستی می‌دانم؛ این سیستم‌ها هستند که وقتی سامان داده می‌شوند، بخش خصوصی را تشویق می‌کنند که به دنبال بهترین و راحت‌ترین محل برای کسب درآمد برود. هنگامی که دلار ۱۲۰۰ تومانی و دلار ۳۶۰۰ تومانی داریم، هر کسی خود را به مقامات بانک مرکزی نزدیک‌تری می‌کند تا از امکانات بیشتری برای رانت‌جویی بهره‌مند شود. در این شرایط نباید تلاش کنندگان برای استفاده از این رانت را سرزنش کرد، بلکه سرزنش متوجه سیستم و قوانین و مقررات وضع شده است. من معتقدم در حال حاضر بخش خصوصی ایران تا بن دندان آلوده به فساد است اما وقتی بوروکرات‌هایی که در شعبه‌های بانکی نشسته‌اند وام بانکی را در زد و بندهایی به بخش خصوصی می‌دهند، آن‌چنان که گویی هرگز قرار نیست بازگردانده شود، اگر شما بودید، نمی‌گرفتید؟

پس شما راهکار مبارزه با فساد را آزادسازی اقتصادی می‌دانید؟  
بله، البته باید نقش و سهم نفت در اقتصاد ایران کاهش یابد به گونه‌ای که کار کردن و فکر کردن و ایجاد ارزش افزوده و تولید ثروت، موضوعیت پیدا کند. این اتفاق اگر بیفتد خودبه‌خود نقش دولت در اقتصاد شروع به کم شدن می‌کند و دخالت حاکمیت در اقتصاد کاهش می‌یابد و حاکمیت، منابع و رانت‌ها را بدون توجه به اینکه استفاده کنندگان از این منابع، عقلانیت به خرج می‌دهند یا خیر به وفاداران خود نمی‌دهد و گشاده‌دستی نمی‌کند و شاهد جمع شدن بساط فساد خواهیم شد. به هر حال وفور منابع یکی از عوامل اصلی ایجاد فساد در اقتصاد ایران است و به نظر من اگر وفور منابع برداشته و حذف شود و کمیابی منابع که به علم اقتصاد موضوعیت می‌دهد اتفاق بیفتد، آن‌گاه می‌بینیم که خودبه‌خود شعار آوردن پول نفت سر سفره مردم، به شعار اقتصاد مقاومتی تبدیل می‌شود. آوردن پول نفت سر سفره مردم بازتاب نفت ۱۵۰ دلاری است و اقتصاد مقاومتی بازتاب نفت ۴۰ دلاری است. پس در اینجا اراده دستگاه‌های حکومتی و دولت‌ها کوچک‌ترین اهمیتی ندارد. آن اتفاقی که در قعر مناسبات اقتصادی و اجتماعی یک کشور می‌افتد شکل‌دهنده مسیر فساد یا صلاح یک کشور است.

بحث جالب شد. ما در شرایط فعلی، هم بحث مبارزه فراگیر با فساد

سعید لیلانز، تحلیل‌گر مسائل اقتصادی و استاد دانشگاه شهید بهشتی، فساد به وجود آمده در ایران را در نتیجه نوسانات درآمدهای نفتی و وفور منابع می‌داند، آن چیزی که به دولت‌ها اجازه می‌دهد منابع را با دستی گشاده میان وفاداران به خود توزیع کنند. لیلانز تنها راه حل شسته شدن فساد از چهره اقتصاد ایران را نیز آزادسازی اقتصادی عنوان می‌کند: تنها راهکار این است که اقتصاد ایران آزاد شود. باید مقررات‌زایی شود، باید به سمت کوچک شدن سهم و اندازه دولت در اقتصاد پیش رفت. باید به حداکثر رقابتی شدن میل کرد و هم‌زمان باید توانست در کشور دموکراسی برقرار کرد. وی البته معتقد است که دولت یازدهم در شرایط کمبود منابع، موفق شده است جلوی اصلی‌ترین منافذ فساد را بگیرد. گفت‌وگوی «آینده‌نگر» با وی را در زیر می‌خوانید.

بهتر است در همین آغاز بحث به اصل مطلب اشاره کنیم؛ هیچ‌کس

منکر وجود فساد اقتصادی در کشور نیست، دلیل وجود فساد در اقتصاد

کشور را چه می‌دانید؟

هر بار که به علل و ریشه‌های بروز فساد اقتصادی فکر کرده‌ام، نتوانسته‌ام به بیش از دو عامل ریشه‌ای برسم. دلایل زیادی می‌تواند برای بروز فساد وجود داشته باشد اما هر کدام از این دلایل به نوعی وابسته به یکی از این دو عامل ریشه‌ای است. عامل اول، افزایش اندازه دخالت دولت در اقتصاد است؛ یعنی وقتی سهم دولت در اقتصاد افزایش پیدا می‌کند، بهره‌وری اقتصادی کاهش می‌یابد، تصمیمات اقتصادی غیرعقلانی و تصمیم‌گیری‌ها رانت‌گونه می‌شود و رانت‌زایی می‌کند و در یک فضای رانت‌زایی طبیعی است که میکروب فساد پرورش پیدا می‌کند. عامل دوم هم استبداد سیاسی است که حداقل در ایران تا حدی برخاسته از عامل اول است. یعنی وقتی سهم دولت در اقتصاد افزایش پیدا می‌کند و اندازه دولت بزرگ می‌شود، همین موضوع موجب بروز استبداد سیاسی هم می‌شود و این دو عامل به سرعت میکروب فساد را درون اقتصاد ایران می‌پراکند و به نظر من، ریشه این دو عامل نیز، حداقل در اقتصاد ایران به نوسانات درآمدهای نفتی و وفور منابع برمی‌گردد.

پس نهادهای نظارتی ما چه می‌کنند؟

اتفاقاً نهادهای نظارتی زیادی داریم، وجود این همه دستگاه نظارتی، نشان می‌دهد که فساد در ایران بسیار ریشه‌دارتر و ساختاری‌تر از آن چیزی است که در ابتدا فکر می‌کنیم، اما از آنجایی که ما به اساس مبارزه با فساد یعنی آزادسازی اقتصادی و آزادسازی سیاسی یا وجود فضای انتقاد و افشاگری اعتقاد نداریم، خود این دستگاه‌ها بعد از تشکیل شدن به بخشی از مساله فساد تبدیل می‌شوند، یعنی به جای اینکه بخشی از راه حل باشند، بخشی از مشکل می‌شوند. سیستماتیک شدن فساد در اقتصاد ایران نشان می‌دهد که دستگاه رسیدگی به فساد خود دچار مشکل فساد شده‌اند. تا به حال در هیچ‌جای دنیا به صرف تعداد یا اقتدار دستگاه‌های نظارتی، کسی ندیده است که بشود جلو فساد را به صورت موثر گرفت.

یکی از سوالات من هم همین است. به نظر می‌رسد فساد در اقتصاد

ایران به گونه‌ای نهادینه شده و در کنار فساد دولتی، با فساد در بخش خصوصی هم مواجه هستیم. حتی این وضعیت تا جایی پیش رفته که

اقتصاد ایران باید آزاد شود. باید مقررات‌زایی شود، باید به سمت کوچک شدن سهم و اندازه دولت در اقتصاد پیش رفت. باید به حداکثر رقابتی شدن میل کرد و هم‌زمان باید توانست در کشور دموکراسی برقرار کرد

فساد همه چیز را نابود می کند. نه تنها روند تشکیل سرمایه را بلکه شیرازه های اخلاقی کشور را نیز از بین می برد، از همین روست که ما آثار بی اعتمادی مردم به نظام را در عدم انصراف از یارانه ها به خوبی مشاهده می کنیم. تمام کسانی که می توانند خلاقیت و نوآوری تکنولوژیکی داشته باشند، یا نمی توانند کاری کنند یا کشور را ترک می کنند. در این شرایط چراغ علم فرومی میرد



**را داریم و هم بحث اجرای اقتصاد مقاومتی را؛ سوال اینجاست که اجرای اقتصاد مقاومتی باعث می شود فساد کمرنگ شود یا باید فساد کمرنگ شود تا اجرای اقتصاد مقاومتی امکان پذیر شود؟**

هیچ کدام؛ این دو مخلوق و محصول یک عامل بنیادین دیگر هستند که خارج از کنترل حاکمیت است؛ این موارد حاصل نوسانات درآمدهای نفتی کشور است. در سال های ۸۵ تا ۸۶ که ایران با سیلابی از درآمدهای نفتی مواجه شده بود، دولت وقت، جلوی افزایش قیمت هرگونه کالا و خدمات دولتی اعم از آب و برق و گاز و تلفن و سوخت تا سیمان، فولاد، مواد اولیه و خوراک پتروشیمی ها را گرفت. در این وضعیت بازار عجیب و غریبی برای سیمان یا مثلاً وام بانکی ایجاد شده بود که حتی کار آن به آگهی در روزنامه ها رسید. حالا چرا دولت این کار را نمی کند؟ برای اینکه منابعی ندارد تا بین وفاداران خود تقسیم کند. آن موقع منابع فراوان بود؛ سیمان را دولتی و دونرخی کرده بودند و فقط سهمیه های سیمان یا وام بانکی با مابه التفاوت عظیمی را که سالانه ۱۵ تا ۲۰ میلیارد دلار رانت برای وام گیرندگان ایجاد می کرد به افراد خاصی از وفاداران دستگاه می دادند و حالا که نیست، چیزی هم توزیع نمی شود و سال به سال هم قیمت کالاها و خدمات دولتی افزایش پیدا می کند. در شرایط فعلی کمترین اختلاف را در قیمت بنزین داخلی با قیمت بنزین جهانی داریم که در ۳۵ سال اخیر نمونه آن را نداشته ایم. اینها بازتاب نداشته منابع است. از این رو وقتی منابع کم می شود هم اقتصاد مقاومتی موضوعیت پیدا می کند هم دیگر چیزی برای فساد ورزیدن وجود نخواهد داشت. همین بحث ها و جدلهایی که درون حاکمیت برای مبارزه جدی با فساد دیده می شود و گاهی هم به برخوردهای سیاسی می انجامد، بازتاب نداری است، والا کسی خود را به زحمت این دعوای نمی انداخت.

**به نظر شما در کدام یک از دولت ها فساد بیشتر بوده است؟**

فساد کم و بیش در همه دوره ها وجود داشته است و کلاً میزان آن با میزان وفور منابع ارتباط دارد. سازمان یافته ترین دوره فساد در ایران به سال های ۸۴ تا ۹۲ برمی گردد که ایران به بیشترین حد از وفور رسید. باید بگویم آنچه اتفاق می افتد مربوط به آدم ها یا اسامی نیست بلکه مربوط به تحولات عمیق اقتصادی و اجتماعی در کشور است به همین دلیل است که در دوره ای که ۷۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی داشتیم بیشترین حجم فساد در اقتصاد ایران اتفاق افتاد؛ درست مانند ۵ سال آخر حکومت پهلوی و اگر دوباره این وفور منابع اتفاق بیفتد باید باز انتظار داشته باشیم که همان اتفاق بیفتد.

**دولت یازدهم چه عملکردی در مقابله با فساد داشته است؟**

به نظر من در شرایط فعلی، کمبود منابع کمک بسیار زیادی برای مهار فساد کرده است. من یکی از موفقیت های خوب دولت آقای روحانی را

پیشگیری از فساد و بستن منافذ اولیه فساد در ایران می دانم. برای اولین بار بعد از ۱۰ سال در دولت یازدهم نرخ سود بانکی از نرخ تورم بالاتر است؛ همین مساله حذف رانت ناشی از وام بانکی را که ۱۵ تا ۲۰ میلیارد دلار در سال بود به دنبال داشت. همچنین شاهد تغییر نرخ خوراک پتروشیمی ها بودیم که در یک حرکت سازمان یافته در دولت قبل، سهامشان به صورت عمدی خصوصی شده بود و سالانه چند میلیارد دلار، ثروت بادآورده نصیب سهام داران آنها می کرد. یک گام بسیار مهم دیگر این بوده که مابه التفاوت قیمت دلار در بازار رسمی و آزاد به حداقل ممکن در چهار سال اخیر رسیده است. البته اختلاف فعلی هم فساد به دنبال دارد. همچنین دیگر شاهد تغییر ناگهانی تعرفه های گمرکی نیستیم. هرگاه دولتی به صورت ناگهانی تعرفه های گمرکی را تغییر می دهد شک نکنید که فساد در حال بروز است. مثلاً دستکاری در نرخ تعرفه واردات موبایل در اوایل دولت احمدی نژاد حدود یک میلیارد دلار فساد ایجاد کرد. به نظر من، در شرایط فعلی اقتصاد ایران پیش بینی پذیر و باثبات شده است. اینها مهم ترین گام های ممکن است که دولت می تواند در مسیر جلوگیری از فساد بردارد. همچنین باید توجه کنیم که دولت در ایران قادر به برخورد با فسادها نیست بلکه می تواند جلوی منافذ فساد را بگیرد و به نظر من دولت یازدهم موفق شده است جلوی اصلی ترین منافذ فساد را با اقداماتی که گفته شد، بگیرد.

**وجود فساد در اقتصاد کشور چه تاثیری بر روند توسعه کشور دارد؛**

**ضمن اینکه به نظر می رسد آشکار شدن فسادهای بزرگ در اقتصاد**

**ایران، مردم را به شدت نسبت به دولت بی اعتماد کرده است؟**

بله، دقیقاً همین طور است، فساد همه چیز را نابود می کند. نه تنها روند تشکیل سرمایه را، بلکه شیرازه های اخلاقی کشور را نیز از بین می برد، از همین روست که ما آثار بی اعتمادی مردم به نظام را در عدم انصراف از یارانه ها به خوبی مشاهده می کنیم. تمام کسانی که می توانند خلاقیت و نوآوری تکنولوژیکی داشته باشند، یا نمی توانند کاری کنند یا کشور را ترک می کنند. در این شرایط چراغ علم فرومی میرد. حالا در ایران کسب علم هیچ فضیلتی ندارد. برای همین است که علم زنانه شده است، گرچه با خوشحالی می گویم ۶۵ درصد دانشجویان را دختران تشکیل می دهند. اما این موضوع نشان می دهد که علم آموزی برای پسران هیچ فضیلتی ندارد تا از این مسیر بخواهند به درآمد و ثروت برسند. شیرازه اخلاقی جامعه فرومی پاشد، بی اعتمادی به دولت ها تشدید می شود، ناهنجاری های عجیب و غریب در ساختار سیاسی و اجتماعی ایران ناشی از همین بساط است و البته هیچ توسعه ای هم اتفاق نمی افتد.

**در دیگر کشورها هم کم و بیش فساد در اقتصاد وجود دارد. راهکار**

**کشورهای موفق برای جلوگیری از فساد چه بوده است؟**

همان طور که گفتم تنها راهکار این است که اقتصاد ایران باید آزاد شود. باید مقررات زدایی شود، باید به سمت کوچک شدن سهم و اندازه دولت در اقتصاد پیش رفت. باید به حداکثر رقابتی شدن میل کرد و هم زمان باید توانست در کشور دموکراسی برقرار کرد. بدون یک نظام آزاد رسانه ای که در آن هر کسی هر زمانی دلش خواست بتواند نقد کند، همواره باید منتظر درجه ای از فساد باشیم. فرق گذاری بین انتقاد سازنده و غیرسازنده را هم قبول ندارم. انتقاد، انتقاد است یا درست یا غلط، اما وقتی چشم بینا و گوش شنوای ملت را می بیندیم ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار در سال دزدی می شود. من حجم سرقت از اقتصاد ایران در سال های ۸۴ تا ۹۲ را بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیارد دلار برآورد کردم. مقامات دولت جدید، ابتدا می گفتند این عدد اغراق آمیز است اما حالا که پیش تر رفته اند می بینند درست است. بنابراین باید ساختارها را درست کنیم تا بتوانیم به نتیجه برسیم؛ اگر به دنبال حل این معضل هستیم.

سازمان یافته ترین دوره فساد در ایران به سال های ۸۴ تا ۹۲ برمی گردد که ایران به بیشترین حد از وفور رسید. باید بگویم آنچه اتفاق می افتد مربوط به آدم ها یا اسامی نیست بلکه مربوط به تحولات عمیق اقتصادی و اجتماعی در کشور است به همین دلیل است که در دوره ای که ۷۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی داشتیم بیشترین حجم فساد در اقتصاد ایران اتفاق افتاد

# فساد ریشه کن می شود؟

## پارلمان بخش خصوصی با فساد می جنگد

نهم دسامبر (هجدهم آذر) روز بین المللی مبارزه با فساد است. در سراسر جهان مبارزه با فساد اقتصادی و اداری صورت می گیرد و هر کشور رتبه و امتیازی جدا بنابر اقداماتش دریافت می کند. در ایران رتبه فساد اقتصادی و اداری در سال ۱۳۶، ۲۰۱۴ بود، که البته نسبت به سال گذشته بهبود ده پله ای داشت. اما اگر قرار بر مقایسه با سال ۸۴، یعنی شروع به کار دولت نهم باشد، باید گفت که در آن سال، رتبه فساد اقتصادی ایران ۸۸ بود. اما در مدت ۴ سال، این رتبه به ۱۶۸ رسید. امسال در آستانه روز بین المللی مبارزه با فساد، اتاق تهران همایشی تحت عنوان «مبارزه با فساد، ارتقای سلامت اداری» برگزار کرد که در آن روسای اتاق تهران و ایران به نمایندگی از بخش خصوصی به بیان دغدغه های خود از فساد پرداختند. البته در این جلسه، مسئولان و افراد صاحب نظر دیگری هم حضور داشتند. افرادی از جمله مصطفی پورمحمدی وزیر دادگستری و فرشاد مومنی اقتصاددان.



### بخش خصوصی در مبارزه با فساد کمک کند

مصطفی پور محمدی  
وزیر دادگستری

سال گذشته اجلاس مبارزه با فساد با حضور سران قوا و ۱۴ سخنران از میان مقامات کشوری برگزار شد که در ابتدای آن پیام مقام معظم رهبری نیز قرائت شد. در آن پیام، رهبر معظم انقلاب بیان داشتند در مورد مبارزه با فساد بیشتر شعار داده شده تا عملی صورت گرفته باشد. باید توجه کرد روز جهانی مبارزه با فساد، صرفاً به فساد اداری محدود نمی شود و بخش خصوصی نیز نباید خود را از این جریان جدا کند. به طور حتم سهم دولت در مبارزه با فساد بیشتر است اما سایر بخش ها نیز صاحب سهم هستند و باید وظایف خود را به خوبی ادا کنند. ضرورت دارد در مورد سلامت اقتصادی و اداری فکر کنیم؛ به ویژه پس از اجرای برجام و لغو تحریم ها که اگر سازوکارها را اصلاح نکنیم، غل و زنجیر سنگین تری خواهیم داشت. البته یکی از عوامل تشدید فساد، سیاست های تحریمی است و این موضوع به قطع نامه اجلاس مبارزه با فساد که ماه گذشته در سن پترزبورگ روسیه برگزار شد، افزوده شده است. باید توجه کرد که فساد از ظرفیت های اقتصادی می کاهد و سرمایه اجتماعی را از بین می برد و در عین حال رشد اقتصادی را کاهش می دهد. اما عزم دولت برای مبارزه با فساد جدی است. در دو سال و نیم گذشته نشان داده ایم که دولت در راه مبارزه با فساد جدی است و از آنجا که مردم از شعارها خسته شده اند، قصد نداریم به فضا سازی بپردازیم و امیدواریم این تلاش ها به فرجام برسد. به هر حال، رئیس جمهوری در جلسات رأی اعتماد و مراسم تحلیف هم به برنامه های شان برای مبارزه با فساد اشاره کرده بودند. دولت بیش از هر رویکرد دیگری به پیشگیری می اندیشد و بر اساس این رویکرد، پرونده های فساد را با جدیت مطرح می کند؛ البته با توجه به مقوله تحمل پذیری اجتماعی، بخشی از این پرونده ها مطرح شده و بخشی مطرح نمی شود. این البته منافی شفافیت و شفاف سازی نیست. همچنین باید توجه کرد که یکی از این اقدامات پیشگیرانه، نظم مالی دولت است. در مدتی که از عمر دولت یازدهم سپری شده از تقسیمات کشوری که یکی از عوامل بزرگ شدن دولت است، جلوگیری شده است. حال آنکه، تقسیمات کشوری یکی از مطالبات نمایندگان مجلس است که دیوان سالاری زیادی به دنبال دارد. دولت از

دولت بیش از هر رویکرد دیگری به پیشگیری می اندیشد و بر اساس این رویکرد، پرونده های فساد را با جدیت مطرح می کند؛ البته با توجه به مقوله تحمل پذیری اجتماعی، بخشی از این پرونده ها مطرح شده و بخشی مطرح نمی شود. این البته منافی شفافیت و شفاف سازی نیست

جذب نیرو جلوگیری کرده است؛ و جذب نیرو در این دولت در مواردی صرفاً از طریق آزمون انجام گرفته است. کنترل هزینه های جاری یکی دیگر از مصادیق انضباط مالی دولت است. دولت در این مدت از پول پر قدرت استفاده نکرد و این موضوع یکی از عوامل کنترل تورم بود. همچنین واگذاری اراضی دولتی متوقف شده است. موضوع زمین و تغییر کاربری اراضی، یکی از زمینه های شکل گیری رانت است که دولت، مراقبت ویژه ای را به آن معطوف کرده است. یکی دیگر از مجاری شکل گیری فساد، عدم تبعیت از قانون است. جالب است بدانید که در سال ۱۳۹۱ حدود ۳۳ درصد مصوبات دولت توسط هیات تطبیق نقض شده که این رقم در سال ۱۳۹۲ به ۳ درصد و در سال ۱۳۹۳ به یک درصد رسیده است. بنابراین دولت خود را در اجرای مصوبات ملزم می داند. مقررات نیز چالش جدی در فضای کسب و کار ایجاد کرده است. به همین سبب سعی می کنیم آیین نامه های جدید نسبت به آیین نامه های قبلی سهولت بیشتری ایجاد کند. برای مثال، طبق یکی از همین مقررات، بازرگانان ملزم می شدند برای تجارت خارجی مهر سفارت خانه های مربوطه را هم دریافت کنند. اما ما زیر بار آن نرفتیم. یا در مورد اخذ برگه عدم سوء پیشینه که برای شروع کسب و کار ضروری بود، این تفکر در دولت وجود داشت که مگر همه مردم مجرم هستند؟ بنابراین تصمیم بر لغو آن گرفته شده است که نیازمند مصوبه مجلس است و دولت لغو آن را با جدیت مورد پیگیری قرار داده است.

آیین نامه قانون گردش آزاد اطلاعات سال گذشته، پس از پنج سال که از تصویب این قانون می گذشت، تصویب شد و سازمان ها ملزم شده اند که ظرف سه سال، سازوکارهایی برای ارائه اطلاعات خود به صورت شفاف طراحی کنند و حتی به موجب این آیین نامه، عملکرد وزارت خانه ها نیز رصد می شود. نظام بانکی و نظارت دقیق روی آن و اصلاح نظام پولی، بانکی و موسسات مالی اقدام ویژه دولت در مسیر مبارزه با فساد است. نگرانی جدی ای که در این بخش وجود دارد این است که نظام بانکی یار اقتصاد نیست و برخی از فعالانی که وارد نظام بانکی شده اند، مشکلاتی را ایجاد کرده اند. یکی از محوری ترین مسائل که در برنامه ششم مطرح شده این است که اگر در اصلاح نظام بانکی موفقیتی حاصل نشود، تحول اقتصادی نیز محقق نخواهد شد سهم نظام بیمه نیز در اقتصاد اندک است و برخی حواشی در اقتصاد به دلیل سهم ضعیف این بخش در اقتصاد است. مبارزه با پولشویی نیز در دولت جدی است و به دلیل تلاش ها و گزارش هایی که به نهادهای بین المللی ارائه شده، موضوع پولشویی از دایره نقاط ضعف اقتصاد ایران خارج شده است. اکنون میلیون ها حساب بانکی وجود دارد که دارندگان این حساب ها مشکلاتی در زمینه اسناد هویتی دارند. به همین سبب، ظرف سه ماه گذشته، بانک های دولتی دو بار مورد بازرسی قرار گرفته اند و به آنها نمره داده شده است. بانک های خصوصی نیز قرار است تحت این نظارت و رتبه بندی قرار گیرند و به آنها نمره داده شود. بانک ها موظف هستند گزارش مبارزه با پولشویی خود را به شورای عالی مبارزه با پولشویی ارائه کنند. ما در مورد نظام پولی و مالی کشور بسیار سختگیر هستیم و تصمیم داریم اگر کسی شفاف عمل نکند، نامش را افشا کنیم. دولت در پی کوچک سازی، شفاف سازی، کمک به فعالان اقتصادی و ایجاد بازار آزاد، رقابتی و صادرات محور است. سال ۱۳۹۴، سالی است که آثار تحریم ها و رکود به بدترین شکل خودنمایی کرده است.



با توجه به جایگاه کشورمان در این رتبه‌بندی‌ها می‌توانیم بگوییم کشور ما از ۷۷ درصد کشورهای جهان دچار فساد بیشتری است یا به عبارتی دیگر فقط ۲۳ درصد کشورهای جهان هستند که بیشتر از ما درگیر فساد شده‌اند.



## کانون‌های اصلی رانت و فساد در ایران غیر شفاف است

فرهاد مومنی  
اقتصاددان

باید برای مبارزه با فساد به یک فهم نظری دقیق از این مسأله رسید و بدون آن مبارزه با فساد تنها صرف هزینه و وقت خواهد بود. بدون فهم نظری حتی تلاش‌هایی که از روی حسن‌نیت است نیز به نتیجه نمی‌رسد. مبارزه با فساد از سال ۱۳۵۲ آغاز شده است اما تاکنون تنها به تعداد نهادهایی که پرچم مبارزه با فساد را دارند افزوده شده و وضعیت فساد نیز سال به سال بدتر شده است. مبارزه با فساد در کشور ما حاوی اقداماتی پراکنده، غیرمنسجم و بعضاً متناقض بوده است. در دولت قبل شاهد بودیم که نفر اول اجرایی کشور خودش می‌خواست وقت بگذارد و مشکلات همه شهروندان را تک‌تک حل کند. بعد به ایشان تذکر داده شد که برای این کار حداقل ۴۵۰ سال باید وقت اختصاص داده شود. باید همه از تظاهر دست برداریم و به طور عملی به حل مسأله بپردازیم. با توجه به جایگاه کشورمان در این رتبه‌بندی‌ها می‌توانیم بگوییم کشور ما از ۷۷ درصد کشورهای جهان دچار فساد بیشتری است یا به عبارتی دیگر فقط ۲۳ درصد کشورهای جهان هستند که بیشتر از ما درگیر فساد شده‌اند. البته تلاشی شده تا فساد کم شود، اما ظرف سال‌های اخیر مشکل فساد در کشور کاهش نیافته است. ماکس وبر می‌گوید دولت دارای یک امتیاز انحصاری است و آن هم حق اعمال خشونت است، در نتیجه اگر رفتارهای مالی دولت به‌هنگار و نظام‌مند نباشد این سازمان به حقوق مردم مانند حق مالکیت تعدی خواهد کرد. در اواخر قرن هجدهم در اروپا به اینکده وضع اغلب کشورهای اروپای غربی از نظر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی همسان بود اما انگلستان پیشگام انقلاب صنعتی شد چون رفتارهای مالی دولت به‌قاعده و هنجار بود. در شرایطی که امکان تعدی نهاد دولت به حقوق مردم وجود داشته باشد، مردم به سمت کار تولیدی نمی‌روند. در این شرایط نگاه‌ها به سمت فعالیت‌هایی می‌روند که نیازی به سرمایه زیاد نداشته باشد، کوتاهمدت و موقتی باشد و البته در آمد چندان بالایی هم نداشته باشد. در این شرایط است که می‌گویند جامعه با امتناع توسعه مواجه شده است. چهار متغیر از عوامل اصلی ایجاد فساد در ایران هستند. شفافیت یکی از این متغیرهاست، هر چند در ماه‌های اخیر اخبار خوبی در خصوص مقابله با فساد شنیده‌ایم اما همچنان کانون‌های اصلی رانت و فساد در ایران غیرشفاف است. به عنوان مثال هیچ سند رسمی نمی‌توان یافت که در آن درآمدهای ارزی کشور از طریق فروش نفت به طور مشخص اعلام شده باشد. درآمدهای نفتی، نحوه اجرای قوانین گمرکات و مناقصات دولتی از کانون‌های شکل‌گیری فساد در کشور بوده‌اند. برای نمونه می‌گوییم که ما مبادلات کالا را براساس آنچه در گمرکات کشور خودمان و گمرک امارات ثبت شده است برای یک دوره ۱۰ ساله مورد بررسی قرار دادیم و با اختلاف ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی مواجه شدیم. علاوه بر شفافیت، رفتارهای مالی دولت هم باید به‌قاعده شود. اگر بخش خصوصی می‌خواهد در جهت توسعه گام بردارد باید در این زمینه کوشا باشد.



## مبارزه با فساد مهم‌ترین دغدغه بخش خصوصی

محسن جلالپور  
رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

در ملاقات‌های خصوصی با هیات‌های تجاری از کشورهای مختلف، آنها یک مطالبه جدی دارند و آن نحوه مقابله و مواجهه ایران با موضوع فساد اقتصادی و رانت است و انتظار دارند که اطمینان کافی و همه‌جانبه

برای حضور سرمایه‌گذاران در ایران به آنها داده شود. فساد به مانند موربانه است که زیرپوستی عمل می‌کند و پیش می‌رود و در نهایت بنیان مجموعه‌ای را که در آن رسوخ کرده است، خواهد ریخت و این در حالی است که دولت و حاکمیت بعضاً از این موضوع غفلت کرده‌اند. در حال حاضر از لحاظ شاخص فساد اداری، کشور ما در میان ۱۷۴ کشور جهان در جایگاه ۱۳۶ است و این در حالی است که کشور ما از ۱۰۰ نمره مبارزه با فساد، امتیازی بالاتر از ۲۸ را به دست نیاورده است. کاهش سرمایه‌های اجتماعی و تحلیل رفتن آن در توسعه کشور، از جمله موضوعاتی است که طی سال‌های اخیر به گسترش فساد در ایران دامن زده است. بزرگ بودن دولت در ایران یکی دیگر از دلایل پیدایش فساد اقتصادی در کشور بوده است و این در حالی است که از نظر منطقه‌ای، دولت در ایران تا ۵ برابر بزرگ‌تر از کشورهای این حوزه است و حتی در مقایسه با برخی کشورها تا ۱۵ برابر برآورد شده است. اما به هر حال بازبینی در قوانین و مقررات و تعدیل آن یکی از راه‌های کاهش فساد اقتصادی و اداری در کشور است. در حال حاضر برخی از وزارت‌خانه‌ها اقدام به کاهش و تعدیل قوانین و مجوزها کرده‌اند که اتفاق خوبی است و باید این اقدام را به سایر دستگاه‌ها نیز تسری داد. اما جدی‌ترین خواسته بخش خصوصی ایجاد مانیفست جامع مبارزه با فساد است.



## اقدام جمعی علیه فساد

مسعود خوانساری  
رئیس اتاق تهران

رونق اقتصادی و توسعه کشور نیازمند سرمایه‌گذاری و به کارگیری آن است، حال آنکه سرمایه‌گذاری از محل داخلی به دلیل مشکلاتی که بانک‌ها با آن دست به گریبان هستند، در حال حاضر تاحدودی امکان‌پذیر نیست از این رو، امروز نیاز به جذب سرمایه‌گذاری خارجی برای توسعه کشور به شدت احساس می‌شود. طی ماه‌های اخیر و پس از توافق هسته‌ای، هیات‌های اقتصادی و تجاری متعددی از کشورهای جهان راهی ایران شده‌اند. هیات‌های خارجی در ملاقات با بخش خصوصی و اتاق‌های بازرگانی آمادگی خود را برای سرمایه‌گذاری در کشور اعلام کرده‌اند؛ اما این پرسش اساسی را نیز مطرح می‌کنند که میزان شفافیت و درجه فساد در ایران چگونه است و تا چه اندازه می‌توانند نسبت به حضور در فضایی عاری از فساد اطمینان حاصل کنند؟ خوانساری با طرح این مسئله که اعداد و ارقام کشف شده طی سال‌های اخیر با عنوان اختلاس، بدبینی نسبت به حاکمیت و دولت را تشدید کرده است، افزود: «بخش خصوصی، فساد را صرفاً در اختلاس نمی‌بیند بلکه انواع سخت‌گیری‌ها در کسب‌وکار، مانع‌تراشی‌های بی‌منطق در مقابل صاحبان کسب‌وکار، عدم شفافیت در دستگاه‌های دولتی و حاکمیتی و نیز وجود مجوزهای متعدد، در شکل‌گیری فساد و رانت در کشور موثر بوده است.

کوچک کردن دولت و تقویت بخش خصوصی واقعی نخستین گام در عرصه مبارزه با فساد است و دولت باید پای خود را از تصدی‌گری‌ها خارج کرده و تنها به نقش حاکمیتی خود بپردازد. بازگشت اقتدار بیشتر به دستگاه‌های نظارتی و تمرکز بر شفاف‌سازی دستگاه‌ها و نیز فعالیت آزاد رسانه‌ها را از دیگر باورهای بخش خصوصی ایران برای مبارزه با فساد اقتصادی است.

در حال حاضر از لحاظ شاخص فساد اداری، کشور مادر میان ۱۷۴ کشور جهان در جایگاه ۱۳۶ است و این در حالی است که کشور ما از ۱۰۰ نمره مبارزه با فساد، امتیازی بالاتر از ۲۸ را به دست نیاورده است. کاهش سرمایه‌های اجتماعی و تحلیل رفتن آن در توسعه کشور، از جمله موضوعاتی است که طی سال‌های اخیر به گسترش فساد در ایران دامن زده است

# برجام، سکوی پرتاب اقتصاد یا محل فرود؟

آیا تا پایان سال ۹۵، ایران به رشد اقتصادی قابل توجهی می‌رسد؟

مشارکت ایران و عراق، محمد امیرزاده نایب رئیس دوم کمیسیون گردشگری اتاق تهران، محمدرضا انصاری عضو کمیسیون تسهیل تجارت و توسعه صادرات اتاق تهران، ناصر ریاحی عضو کمیسیون گردشگری اتاق تهران، مهدی شریفی نیک‌نفس نایب رئیس کمیسیون انرژی و محیط زیست اتاق تهران، محمد نجفی عرب رئیس کمیسیون اقتصاد سلامت اتاق تهران، مهدی پازوکی استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، احمد حاتمی یزد مدیرعامل سابق بانک صادرات، هادی زنوز استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی و طهماسب مظاهری رئیس کل سابق بانک مرکزی را درمورد رشد اقتصادی سال‌های ۹۴ و ۹۵ می‌خوانیم.

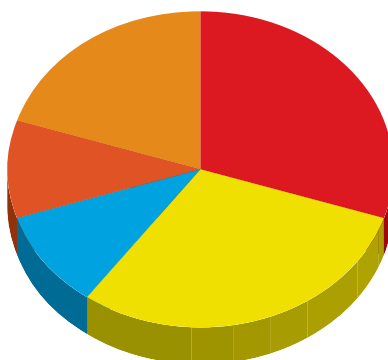
سال ۹۴ شاهد رشد اقتصادی بالاتر از ۱، یعنی بین ۱ تا ۱/۵ درصد خواهیم بود. این درحالی است که براساس نظر ۱۰ درصد دیگر، این رقم منفی خواهد شد و ۱۰ درصد هم عددی را پیش‌بینی نکردند. در ارتباط با رشد اقتصادی پایان سال ۹۵ نیز، ۶۰ درصد پیش‌بینی کردند که این رقم بین ۲ تا ۳ درصد خواهد بود، ۱۰ درصد رشد اقتصادی را بین ۱ تا ۲ درصد عنوان کردند و ۳۰ درصد نیز رقم خاصی را اعلام نکردند. علاوه بر پیش‌بینی رشد اقتصادی سال ۹۴ و ۹۵، صاحب‌نظران اعلام کردند که اطمینان ۱۰۰ درصدی نسبت به آمارهای دولتی در خصوص رشد اقتصادی دارند. در ادامه، نظرات یحیی آل اسحاق رئیس اتاق

## سمیرا قزوینی، زینب کوهیار

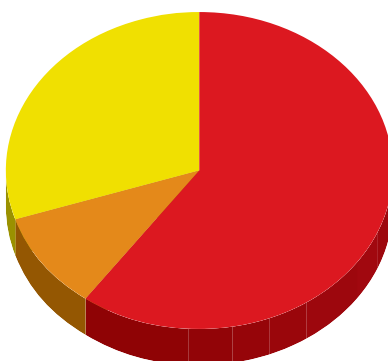
با وجود اینکه آمار مراجع بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول، نشان از موفقیت ایران در کنترل تورم و رساندن نرخ تورم به نصف در سال ۲۰۱۴ دارد، اما آنچه که اقتصاد ایران همچنان با آن دست به گریبان است و اقتصاد را دچار مشکل کرده است رکود اقتصادی است؛ رکودی که در پی تحریم‌ها و همچنین افزایش قیمت نفت در دولت‌های نهم و دهم، در ایران گسترش یافت. علاوه بر این، نبود زیرساخت‌های لازم اقتصادی، و سیاست‌های غلط در دولت‌های گذشته راه را برای رسیدن به رشد اقتصادی ناهموار کرده است. هرچند دولت یازدهم اقداماتی برای خارج شدن از رکود انجام می‌دهد، اما این معضل همچنان غیرقابل مهار باقی مانده است. به اعتقاد برخی کارشناسان، اقتصاد ایران زمانی از رکود بیرون می‌آید که ایران تعاملات خود را با دنیا از سر گیرد و این امر جز با اجرای درست برجام محقق نمی‌شود. در پی انتشار گزارش اخیر آژانس بین‌المللی انرژی درباره فعالیت هسته‌ای ایران و برطرف شدن ابهاماتی که علیه ایران مطرح بود، امری که مقدمه‌ای بر اجرای کامل برجام از سوی آمریکا خواهد بود، باید دید در آستانه بازگشت ایران به صحنه اقتصاد جهانی، همان‌طور که کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند، زمینه رشد و توسعه اقتصادی برای ایران فراهم خواهد شد یا خیر. با توجه به اینکه ماه‌های پایانی سال ۹۴ را پشت سر می‌گذاریم و از آنجا که تا شروع برداشته شدن سخت‌ترین تحریم‌های اقتصادی علیه ایران حدود یک ماه باقی مانده است، باید دید آیا تا پایان سال به رشد اقتصادی قابل قبولی دست پیدا می‌کنیم؟ اما با توجه به اینکه موسسه مالی مورگان استنلی، اقتصاد ایران را آخرین اقتصاد بزرگ دنیا می‌داند که بعد از پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی، قرار است به سیستم اقتصاد جهانی بپیوندد و همچنین، امید بسیاری از کارشناسان و فعالان اقتصادی به اجرای برجام، این سوال مطرح است که آیا سال ۹۵، سالی برای خیز اقتصادی ایران خواهد بود؟

در این خصوص نظرات برخی از فعالان و کارشناسان اقتصادی را جویا شدیم. ۳۰ درصد صاحب‌نظران، معتقدند که رشد اقتصادی سال ۹۴، رقمی بین صفر تا ۱ خواهد بود، ۳۰ درصد رشد اقتصادی بالاتر از یک درصد ۲۰ درصد نیز بر این باورند که این عدد رقمی نزدیک به صفر است، اما ۱۰ درصد نیز اعتقاد داشتند در

## رشد اقتصادی پایان سال ۹۴ چه عددی خواهد بود؟



## پیش‌بینی شما از رشد اقتصادی پایان سال ۹۵ چه عددی است؟



## رشد اقتصادی پایان سال ۹۴ چه عددی خواهد بود؟

**سید حامد واحدی**

عضو هیات رئیسه اتاق تهران



با توجه به شرایط کلی اقتصاد ایران و تداوم دو فصل متوالی رکود، نباید منتظر رشد اقتصادی بالایی باشیم، بنابراین رشد اقتصادی امسال زیر یک درصد است.

**ناصر ریاحی**

عضو هیات نمایندگان اتاق تهران



پیش‌بینی‌ها حاکی از عدد صفر یا کمی بالاتر است، تنها تلاشی که می‌توان کرد این است که منفی نشود، اما به هر حال، فکر می‌کنم حدود صفر باشد و به ۱ هم نرسد.

**مهدی شریفی نیک‌نفس**

عضو هیات نمایندگان اتاق تهران



پیش‌بینی این عدد سخت است، با اینکه تورم تا حدودی کنترل شده است، اما رکود همچنان باقی است. در صنعت خودرو شاهد بودیم که حرکتی انجام شد ولی صنایع دیگر به‌خصوص صنایع واسطه‌ای دچار رکود هستند، الان، هم انبارهای مواد اولیه و هم انبارهای محصولات پر هستند و نقدینگی هم در بازار وجود ندارد، بنابراین پیش‌بینی من این است که اگر رشد اقتصادی منفی نشود، در حدود ۱ تا ۱/۵ درصد باقی بماند.

**طهماسب مظاهری**

رئیس کل سابق بانک مرکزی



فکر می‌کنم رشد اقتصادی امسال را دو و نیم درصد اعلام کنند

**محمد امیرزاده**

رئیس کمیسیون زیربنایی اتاق ایران



طبق پیش‌بینی‌هایی که شده است، رشد اقتصادی امسال روی ۱ درصد خواهد بود. اگرچه تورم ما عمیق است، اما فکر می‌کنم محرک اقتصادی که برای خودرو و لوازم خانگی در نظر گرفته شد، باعث می‌شود که به هر حال توزیع انجام شود و اثر گذار است. اما آنچه که می‌تواند اثر عمیق بگذارد، شروع پروژه‌ها و طرح‌های عمرانی بزرگ مثل آزادراه‌ها، اسکله‌ها و پتروشیمی‌هاست.

**مهدی بازوکی**

اقتصاددان



من هیچ عددی را پیش‌بینی نمی‌کنم. نرخ رشد اقتصادی ایران در شش‌ماه اول سال گذشته بیش از ۳ درصد بود است و طبق آمار بانک مرکزی، نرخ رشد شش‌ماه اول سال ۱۰۹۴، درصد اعلام شد، در واقع رشد اقتصادی کاهش پیدا کرده است. سال ۹۴، سال سختی است، کماکان تحریم‌ها و یک سری مشکلات اقتصاد وجود دارد. به هر جهت برنامه اخیر دولت برای خروج از رکود به عنوان مسکن انجام شد، اما دولت باید توجه کند که در برنامه بلندمدت، یعنی برنامه ششم توسعه که از اول سال ۹۵ قرار است انجام شود، برنامه‌های کوتاه‌مدت را به برنامه‌های بلندمدت وصل کند.

**محمود نجفی عرب**

رئیس کمیسیون سلامت اتاق تهران



به نظر من، بعید است که رشد بیشتر از ۱ درصد داشته باشیم. فکر می‌کنم رشد اقتصادی کاهش پیدا نکند و همین ۱ درصد باقی می‌ماند.

**یحیی آل اسحاق**

عضو هیات نمایندگان اتاق تهران



نمی‌توانم دقیق حدس بزنم. اگر ۱ درصد باقی بماند خوب است.

**احمد حاتمی یزد**

اقتصاددان



رشد اقتصادی تابعی از میزان سرمایه‌گذاری است که در کشور انجام می‌شود. بنابراین هر چقدر برای تولید کالا و خدمات سرمایه‌گذاری بیشتر شود، رشد اقتصادی بیشتری هم خواهیم داشت. در سال جاری ما موانع بسیار عمده‌ای در راه سرمایه‌گذاری داشتیم که مهم‌ترین آن تحریم بود و همبای آن کاهش قیمت نفت و درآمدهای دولت. امسال، نه در بخش دولتی و نه خصوصی، سرمایه‌گذاری زیادی انجام نشده است، بنابراین رشد اقتصادی امسال خیلی چشمگیر و جالب نخواهد بود، حتی پیش‌بینی می‌شود نزدیک به صفر باشد.

**بهروز هادی زنوز**

اقتصاددان



فکر می‌کنم رشد اقتصادی پایان سال ۹۴ حداکثر، ۴ درصد شود.

**محمدرضا انصاری**

نایب رئیس اتاق ایران



حدس‌های متفاوتی مطرح شده است. به نظر من و با توجه به رکود حاکم، رشد اقتصادی در ادامه سال جاری منفی خواهد بود.

۳/۵

درصد

پیش‌بینی رشد اقتصادی امسال

۵

درصد

پیش‌بینی رشد اقتصادی سال ۹۵ کشور

۱

درصد

پیش‌بینی رشد اقتصادی امسال

۱۳

درصد

رشد منفی صنعتی فصل تابستان امسال

۱۹

درصد

رشد منفی صنعتی فصل بهار امسال

## پیش‌بینی شما از رشد اقتصادی پایان سال ۹۵ چه عددی است؟

**محمدرضا انصاری**  
نایب رئیس اتاق ایران



به سیاست‌گذاری‌های امروز و برخورد اقتصاد جهانی بعد از برداشتن تحریم‌ها و اجرای برجام با اقتصاد ایران بستگی دارد. من فکر می‌کنم رشد اقتصادی سال ۹۵ مثبت است و شاید به ۲ تا ۳ درصد رشد اقتصادی در این سال برسیم.

**سید حامد واحدی**  
عضو هیات رئیسه اتاق تهران



بالاترین رشدی که باید انتظارش را داشته باشیم عددی بین نیم درصد تا یک درصد است. با این وجود برخی گمانه زنی‌ها نیز نشان می‌دهد که احتمال وقوع رشد منفی هم وجود دارد. با این وجود امیدواریم امسال هم با رشد مثبت به سرانجام برسد چرا که اقتصاد ایران به امید نیاز دارد.

**یحیی آل اسحاق**

عضو هیات نمایندگان اتاق تهران



اگر بتوانیم با اقتصاد جهانی تعاملات خوبی داشته باشیم و برجام به‌درستی اجرا شود، ۲ درصد رشد اقتصادی خواهیم داشت.

**محمد امیرزاده**

رئیس کمیسیون زیربنایی اتاق ایران



پیش‌بینی‌ها این است که سال آینده هم همین روند را داشته باشیم. ممکن است با سرمایه‌گذاری‌ها و پیشنهادهایی که در راه است، این رقم به ۲ تا ۳ درصد هم برسد. من خیلی امیدوارم و تصورم این است که خارجی‌ها حتماً برنامه دارند و پیشنهادهایی هم که می‌دهند پیشنهادهای خوبی است.

**مهدی پازوکی**

اقتصاددان



اگر تحریم‌ها برداشته شود و بازارهای بین‌المللی به روی ایران باز شود و بتوانیم با کشورهای جهان به‌خصوص کشورهای توسعه‌یافته، در راستای منافع ملی ایران مرادوه اقتصادی داشته باشیم، من آینده را خوب می‌بینم. اگر ارتباط با جهان، باعث انتقال دانش فنی و تکنولوژی به ایران شود، با توجه به مزیت‌های نسبی ایران، یعنی انرژی ارزان و نیروی انسانی تحصیل کرده ارزان، زمینه برای افزایش تولید ملی وجود دارد و از آن طرف هم نظام تصمیم‌گیری اقتصادی باید یک نظام بهینه براساس منافع ملی باشد و نه تحت تأثیر گروه‌های تندرو.

**احمد حاتمی یزد**

اقتصاددان



اگر سال آینده تحریم‌ها برداشته شود و منابع ارزی ایران آزاد شود و دولت هم برنامه‌هایی را که برای رشد اقتصادی دارد انجام دهد، رشد اقتصادی قابل توجهی خواهیم داشت. الان، ظرفیت‌های خالی زیادی در اقتصاد کشور وجود دارد، اما به دلیل تحریم‌ها، واحدهای اقتصادی ما همه بازیر ظرفیت کار می‌کنند. اگر برجام با موفقیت پیش برود، در درجه اول از این ظرفیت‌های خالی موجود استفاده می‌شود و در درجه دوم ظرفیت‌های جدید ایجاد و پروژه‌های نیمه‌تمام نیز تکمیل می‌شود.

**مهدی شریفی نیک‌نفس**

عضو هیات نمایندگان اتاق تهران



شریفی نیک‌نفس: عددی در ذهن ندارم، اما از اول ژانویه که قرار است تحریم‌ها برداشته شود، اگر سرمایه‌گذاری‌های لازم در بخشی از صنعت انجام شود و بتوانیم صادرات، غیر از فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی، را افزایش دهیم، باعث می‌شود که پیش‌بینی‌های تقاضا در اقتصاد حرکت کند و این قطعاً اثرات مثبت خود را دارد. اگر دولت بتواند به صنایع دیگر کمک کند، مثلاً بانک‌ها در بحث ال‌سی داخلی، ضمانت‌نامه‌ها و اعتبار خریدار کمک کنند، انگیزه ایجاد می‌شود و توان خرید مردم بالا می‌رود، اقتصاد حرکت می‌کند و گردش نقدینگی باعث رونق می‌شود.

**ناصر ریاحی**

عضو هیات نمایندگان اتاق تهران



بستگی زیادی به تکلیف برجام دارد، از طرفی هم پیش‌بینی می‌شود قیمت نفت تا سال‌ها بالا نرود. رشد اقتصادی ایران خیلی وابسته به فروش نفت است. متأسفانه زیرساخت‌ها هم کافی نیست، بودجه دولت هم که کاهش پیدا کرده است و کسی خوش‌بین نیست که رشد اقتصادی زیادی داشته باشیم. بسته‌های خروج از رکود هم زیاد کارساز نبوده است. خلاصه، عوامل رشد اقتصادی فراهم نیست. بعید می‌دانم عدد قابل ملاحظه‌ای باشد. اما پیش‌بینی کارشناسان این است که در بهترین حالت ۳ درصد باشد.

**بهروز هادی زنوز**

اقتصاددان



فکر می‌کنم رشد اقتصادی سال ۹۵، ۲ تا ۳ درصد باشد.

**محمود نجفی عرب**

رئیس کمیسیون سلامت اتاق تهران



به نظر من اگر داستان برجام به نتیجه خوبی برسد، می‌توان امیدوار بود که با افزایش درآمدهای دولت و تزریق منابع به اقتصاد به‌ویژه تولید، رشد ۱ تا ۲ درصدی را در سال ۹۵ شاهد باشیم.

**طهماسب مظاهری**

رئیس کل سابق بانک مرکزی



در سال ۹۵ به ۱ تا ۲ درصد رشد اقتصادی خواهیم رسید.

## چقدر به آمارهای دولتی در مورد رشد اقتصادی اطمینان دارید؟

**محمدرضا انصاری**  
نایب رئیس اتاق ایران



از گذشته اطمینان بیشتری دارم.

**سید حامد واحدی**  
عضو هیات رئیسه اتاق تهران



به هر حال چاره ای به غیر از اطمینان به آمارهای دولتی نداریم. متأسفانه در ایران یگانه محلی که آمارهای اقتصادی را منتشر می کند دولت یا نهادهای شبه دولتی است. بنابراین اگر این آمارها را نپذیریم بدیلی هم برای آن نداریم. تنها جایگزین آمارهای دولتی برای ما توجه به اطلاعات نهادهای بین المللی مانند بانک جهانی است.

**یحیی آل اسحاق**  
عضو هیات نمایندگان اتاق تهران



آمار رشد اقتصادی از دو نهاد مرکز ملی آمار و بانک مرکزی ارائه می شود. از نظر حقوقی و قانونی هم، وظیفه مرکز ملی آمار است که آمار صحیح را منتشر کند. من در وهله اول، آمار مرکز ملی آمار را قبول دارم و در وهله دوم، به آمار بانک مرکزی اطمینان می کنم. این موضوع در دولت قبل هم مطرح بود. تا زمانی که آمارهای اقتصادی توسط دولت ارائه می شود مشکل اطمینان و اعتبار این آمارها وجود دارد. بهتر است به فکر جایگزینی صالح باشیم.

**ناصر ریاحی**  
عضو هیات نمایندگان اتاق تهران



راه دیگری جز اطمینان به این آمارها نیست. با توجه به وضع موجود، نمی توانم آمار نادرست بدهم، اما آنچه که قابل تردید است، پیش بینی هاست. یک سری مسائل خارج از دست دولت است، مثل قیمت نفت. بنابراین نباید به پیش بینی ها اتکا کرد و باید به آمار اطمینان داشت.

**مهدی پازوکی**  
اقتصاددان



آمارهایی که منابع رسمی می دهند قابل اطمینان است، مراجع بین المللی مثل صندوق بین المللی پول و بانک جهانی هم آمارهای بانک مرکزی را قبول دارند و بانک مرکزی هم آمارهایش را مدتی در دولت قبل منتشر نمی کرد، اما معمولاً این آمارها مآخذ علمی دارند و قابل استناد هستند. یعنی وقتی دنیا این آمارها را قبول دارد، ما دیگر نباید آنها را زیر سوال ببریم. به نظر من آمارهای بانک مرکزی از منابع موثق برای شاخص های کلان اقتصادی ایران است.

**احمد حاتمی یزد**  
اقتصاددان



هم مرکز آمار ایران و هم بانک مرکزی براساس یک نظام آماری علمی طراحی شده اند. اگرچه اینها با هم متفاوت است، اما هر دو تا حد زیادی قابل اتکا هستند. وقتی شما منبع آماری دیگری ندارید، راه دیگری ندارید جز اینکه به همین ها اتکا کنید.

**مهدی شریفی نیک نفس**  
عضو هیات نمایندگان اتاق تهران



من در مورد مرکز آمار زیاد اطلاعی ندارم، اما بانک مرکزی از آنجا که توسط صندوق بین المللی پول مدیریت و نظارت می شود، فکر می کنم آمارهایش درست و قابل اطمینان باشد.

**محمود نجفی عرب**  
رئیس کمیسیون سلامت اتاق تهران



طی این سالها آمارهای غلط، زیاد داده شده، اما الان آمادهای شفافتر شده است. به هر شکل، باید امیدوار بود. من به آمارهای دولتی اطمینان دارم. آمارهای غلط موجب شده است تا اطمینان فعالان اقتصادی به وضعیت اقتصادی کشور از میان برود. مبنای انواع تحلیل ها برای فعال اقتصادی همین آمارهاست که امروز در مورد صحت آنها اختلاف نظر جدی وجود دارد. با این وجود چگونه باید برای آینده اقتصادی کشور برنامه ریزی صورت گیرد. ابهام آماری در نهایت منجر به این می شود که حتی سرمایه گذار خارجی هم برای ورود به اقتصاد ایران با شک و تردید مواجه شود.

**بهروز هادی زنوز**  
اقتصاددان



من به آمارهای دولتی اطمینان دارم.

**محمد امیرزاده**  
رئیس کمیسیون زیربنایی اتاق ایران



من به آمارهای دولتی اطمینان دارم، به نظر من، حرکشان علمی است. حتی آن زمان که بحث می شد که دولت آمار نمی دهد، دستگاههایی که آمار می دادند آمارهایشان واقعی و براساس شاخص ها بود. اگر دست فرد بود، آن زمانی که رشد اقتصادی ما منفی شد، می توانستند بگویند مثبت است، اما این کار را نکردند. به این راحتی نیست که بخواهند عددسازی کنند.

**طهماسب مظاهری**  
رئیس کل سابق بانک مرکزی



به هر حال در هر آماری تردید هایی هست. چاره ای جز اطمینان کردن به آمار نداریم.



**دوست حسینی:** جمع موجودی انبار کارخانه‌ها از جمله خودروسازان و سایر صنایع، ۶ هزار میلیارد تومان اعلام شد. آقای سیف هم اعلام کرد که اگر مسئله موجودی انبار کارخانه‌ها در همه بخش‌ها با ۶ هزار میلیارد تومان حل می‌شود، این رقم تامین خواهد شد



**خسرو تاج:** اگر خودروسازان پولی برای پرداخت به قطعه‌سازان نداشته باشند، صنعت قطعه‌سازی با چالش مواجه خواهد شد. ۶۰۰ هزار نفر اشتغال در این بخش برآورد می‌شود به همین دلیل با وجود آشکالاتی که در این صنعت وجود دارد، نمی‌توان نسبت به آن بی‌تفاوت بود و باید از آن دفاع کرد



**غنی‌نژاد:** کارت اعتباری در همه‌جای دنیا مرسوم است اما کارت اعتباری را بانک می‌دهد. این موضوع ارتباطی به وزارت صنعت ندارد. وقتی وزارت صنعت وارد می‌شود و مسئله این‌گونه مطرح می‌شود که اعتبار بانرخ پایین‌تر داده شود، رانت ایجاد می‌شود

میزگرد تحلیلی آینده‌نگر در مورد بسته تحریک تقاضا با حضور مجتبی خسرو تاج، موسی غنی‌نژاد، فرشاد فاطمی احمد دوست حسینی، یحیی آل اسحاق، ابراهیم بهادرانی و احمد عزیزی

## ثبات اقتصاد کلان قربانی تحریک تقاضا می‌شود؟

خود را در این زمینه اعلام بفرومایند تا پس از آن بحث‌های کارشناسی نیز مطرح شود.

**خسرو تاج:** بعد از اینکه سیاست‌گذاران اقتصادی تصمیم گرفتند که با اجرای طرح‌های جدید تحرکی در اقتصاد ایجاد کنند، برنامه‌ریزی‌ها در بخش صنعت نیز انجام شد. بانک مرکزی سه طرح را برای ایجاد تحرک در بازار در دستور کار قرار داد. یکی از این سه طرح مربوط به بخش خودرو است. در حال حاضر نسبت به تولید سال گذشته حدود ۳۵۰ هزار دستگاه عقب‌هستیم. این کمبود در فروش خودرو، قطعه‌سازان را هم با چالش مواجه ساخته چراکه اگر خودروسازان پولی برای پرداخت به قطعه‌سازان نداشته باشند، صنعت قطعه‌سازی با چالش مواجه خواهد شد. ۶۰۰ هزار نفر اشتغال در این بخش برآورد می‌شود به همین دلیل با وجود آشکالاتی که در این صنعت وجود دارد، نمی‌توان نسبت به آن بی‌تفاوت بود و باید از آن دفاع کرد. در جریان اجرای سیاست‌های جدید و بنا بر آنچه آقای سیف و همکارانشان در جلسات بانک مرکزی مطرح کردند، تعداد ۱۰۰ هزار فقره وام برای پرداخت در بخش خودرو متقبل شدند و اعلام کردند که بیش از این نمی‌توانند تامین اعتبار کنند. اما آقای نعمت‌زاده با توجه به شرایط فعلی صنعت و رسیدن به سطح تولید سال گذشته نظرشان بر روی ۳۵۰ هزار وام خودرو بود. در ایام بررسی در نهایت تصمیم گرفته شد که فعلاً از عدد و رقم صحبت نشود تا کار اجرا آغاز شود و بر مبنای استقبال مردم نسبت به این موضوع، تصمیم‌گیری شود. قرار بر این شد که سقفی در این زمینه اعلام نشود چراکه تجربه داشتیم که در صورت اعلام سقف ممکن است صف تشکیل شود و تجمع شکل بگیرد. اما برخی از



محمد عدلی

بسته اقتصادی دولت که قرار است برای شش ماه به تحریک تقاضا کمک کند، وارد مسیر اجرایی شده است. اختصاص اعتبار برای تقویت قدرت خرید و تحریک تقاضا در این بسته با فروش اقساطی خودرو آغاز شد. بسته اقتصادی دولت در این بخش تنها ۶ روز دوام آورد تا دولت با تامل بیشتری برای اجرای بخش‌های دیگر آن پیش برود. اعطای کارت اعتباری تا سقف ۱۰ میلیون تومان برای فروش کالاهای مصرفی با دوام در بخش عمومی مکمل بخش مربوط به فروش خودرو خواهد بود تا کارخانه‌هایی که با ازدیاد موجودی انبار و کاهش فروش مواجه شده‌اند بتوانند در نیمه دوم سال از رکود مطلق رهایی یابند. در بخش تولید نیز قرار است بسته دولت منجر به فروش اعتباری کالاهای واسطه‌ای شود تا تولیدکنندگان بتوانند مواد اولیه خود را که محصول نهایی برخی شرکت‌های تولیدی است به طور اعتباری خریداری کنند. بسته شش‌ماهه دولت با این مشخصات وارد فاز اجرایی شده اما انتقادهایی به نحوه تامین منابع مالی و آثار آن بر اقتصاد کلان وارد شده است. آینده‌نگر در میزگردی به بررسی کارشناسی زوایای مختلف این طرح پرداخته است. در این میزگرد مجتبی خسرو تاج قائم‌مقام وزیر صنعت، معدن و تجارت به عنوان یک مقام دولتی و از مجریان این طرح در کنار موسی غنی‌نژاد، فرشاد فاطمی، احمد دوست حسینی، یحیی آل اسحاق، ابراهیم بهادرانی و احمد عزیزی به عنوان کارشناسان اقتصادی قرار گرفت. خسرو تاج از جزئیات این طرح سخن گفت و کارشناسان اقتصادی و بازرگانی نیز تحلیل‌های خود را نسبت به آن ارائه کردند تا زوایای مختلفی از بسته جدید دولت نمایان شده باشد. متن کامل این میزگرد را می‌خوانید.

**بسته جدید دولت برای تحریک تقاضا در مسیر اجرا قرار گرفته است.** در بخش خودرو برخی رخدادهای مانند ناهماهنگی بانک مرکزی و وزارت صنعت، معدن و تجارت خود را نشان داد و مسائلی را ایجاد کرد. ابتدا آقای خسرو تاج که از نزدیک در جریان اجرای طرح بوده‌اند و جلساتی را با مسئولان بانک مرکزی داشته‌اند، دیدگاه‌ها و اطلاعات



**فازمی:** تاکنون هیچ تحلیل کمی راجع به تاثیر این طرح‌ها بر متغیرهای اقتصاد کلان انجام نشده است. یعنی برآوردی از سوی مسئولان نشده است که مثلا میزان اعتبار طرح را اعلام کنند، تاثیر آن بر نقدینگی و پایه پولی را مشخص کنند و اعلام شود که اثر آن بر تورم و سایر پارامترها در کوتاهمدت و بلندمدت چگونه است



**عزیزی:** از نظر نهادهای بانک مرکزی وارد سطح جدیدی از درگیری با مسائل خرد شده است که نمونه آن حتی در کشورهای عقب‌افتاده دیده نشده است. این برای کشور خطرناک است. بانک مرکزی متصدی تامین منابع، مصارف، ریسک، موجودی کارخانه‌ها و سایر مسائل مربوط به کارت اعتباری شده است که سطحی از آشفتگی را در سطح بانکی ایجاد می‌کند



**آلاسحاق:** حداقل به اندازه آثار مسکنی که دولت از آن صحبت می‌کند در بازار تا حدودی تحرک ایجاد شده است. استقبال از خرید خودرو نیز این را نشان داد. اگر در مورد تامین منابع، خطرات و ریسک آن نیز چشم‌انداز روشنی داشته باشیم، می‌توان نگاه مثبتی به طرح داشت

لیزینگ‌ها و بانک‌ها وارد می‌شوند و فروش اعتباری کالاها را برای متقاضیان ترتیب می‌دهند. طرح فروش مدت دار خودرو می‌تواند در فازهای مختلف و با ویژگی‌های متفاوت اجرایی شود و یکی از این فازها در خصوص خروج خودروهای اسقاطی عمومی همچون تاکسی و وانت‌بار است.

**بخش منتقدان می‌گویند که چرا این مبلغ بالا تنها به بخش خودرو اختصاص یافته است در حالی که انتقادهای زیادی به کیفیت تولیدات آنها وجود دارد؟**

**خسرو تاج:** فروش ۱۳۰ هزار خودرو با میانگین وام ۲۰ میلیونی نشان می‌دهد که اعتبار ۲ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومانی برای این کار پرداخت خواهد شد. این مبلغ در مقایسه با رقم کلی تسهیلات بانکی چندان بالا نیست. نمی‌دانم برخی چگونه می‌گویند که باید صنعت خودرو را تعطیل کرد. چگونه می‌توان به این راحتی در مورد یک صنعت سخن گفت و صورت مسئله را پاک کرد. معتقدیم که مسائل و مشکلات این بخش باید با کمک اهل فن حل شود نه اینکه حکم به تعطیلی صنعتی با این وسعت داد. ضمن اینکه طرح پیش روی دولت تنها مربوط به خودرو نیست. همین‌طور که گفتیم سه سرفصل در این بسته وجود دارد.

**بخش دیگری از این بسته که مربوط به کالاهای واسطه‌ای است و مخاطب آن تولیدکنندگان هستند، چه ویژگی‌هایی دارد؟**

**خسرو تاج:** طرح دوم مربوط به خرید دین کالاهای واسطه‌ای است. یک لیست از کارخانه‌هایی که کالاهای واسطه‌ای در موجودی انبار خود دارند، تهیه و به بانک ارائه شده است. بانک‌ها اعلام کرده‌اند که کارخانه‌ها به همین سبک این کالاها را به طور اقساط بفروشند و اسناد آن نظیر چک را به بانک ببرند تا بعد از تنزیل، پول آن را دریافت کنند.

**فاطمی:** این طرح شامل کدام کالاها می‌شود؟

**خسرو تاج:** از همه واحدهای تولیدی خواسته شد تا کالاهایی را که در شرایط رکود در انبار دارند اعلام کنند. از کارخانه‌هایی که کالای واسطه‌ای تولید می‌کنند تا کارخانه‌های تولیدکننده سیمان و فولاد در این طرح موجودی انبار خود را اعلام کرده‌اند و قرار است روش فروش اقساطی و خرید دین از سوی بانک انجام شود. ۹ گروه کالایی که هر کدام تعداد زیادی کارخانه را در زیرمجموعه خود دارند، شناسایی شده و در هر نوع کالا، بانک عامل نیز مشخص شده تا محل مراجعه دقیق معرفی شده باشد. قرار است بانک‌ها شرایط تنزیل یا نرخ ترجیحی احتمالا ۱۶ درصد سالانه را به این بخش‌ها

همکاران در بانک مرکزی به چهار بانک عامل بخش نامه فرستادند و سهم ۲۵ هزار تایی را برای هر کدام تعیین کردند. اعلام سقف درسهایی دارد که قبلا در فروش سکه در بانک‌ها تجربه شده بود. به همین دلیل قرار شده بود بدون اعلام سقف، کار آغاز شود و بعد از رصد اوضاع تصمیم‌گیری شود. بخش نامه به بانک‌ها اما سقف را مشخص کرده بود. شرایط دیگری که در نظر گرفته شد این بود که هر نفر تنها یک خودرو می‌تواند در این طرح خریداری کند اما از آنجا که مطمئن نبودیم استقبال خوبی از طرح بشود منعی برای اینکه تمام اعضای خانواده، خودرو را خریداری کنند، گذاشته نشد. با توجه به شرایطی که در فضای کسب و کار خودرو تردید وجود داشت که چنین استقبالی شود اما پرداخت نقدی ۲۰ درصدی و کارمزد نسبتا پایین برای آن موجب شد تا مورد استقبال قرار گیرد. طی ۵ روز این ظرفیت تکمیل شد. در این فاصله بانک مرکزی اطلاعیه‌هایی را برای توقف طرح صادر کرد. این موضوع به آقای نعمت‌زاده هم اطلاع داده شد اما ایشان سقف ۱۰۰ هزار وام را از ابتدا قبول نداشت و به دنبال فرصتی بود تا در جلسه‌ای با رئیس‌جمهور موضوع را مطرح کند و بگوید که معلوم نیست با این وضعیت نرخ رشد سال گذشته حفظ شود. اما آقای سیف هم نگران بالاتر رفتن تعداد بودند. به همین دلیل اطلاعیه توقف را صادر کردند. جلسه‌ای هم به همراه خودروسازان در بانک مرکزی داشتیم که مقرر شد دیگر ثبت‌نامی صورت نگیرد اما از آنجا که ۱۳۰ هزار نفر برای خرید خودرو ثبت‌نام کرده بودند، آقای نعمت‌زاده به خودروسازان گفتند که باید به تعهد خود عمل کنند.

**با وجود اینکه قرار بود این بسته تولید داخل را از رکود خارج کند، خودروهای چینی نیز در این طرح فروخته شد. دلیل این اقدام چه بود؟**

**خسرو تاج:** مجموع فروش خودروهای چینی به حدود یک هزار عدد نرسیده است. استقبال بر روی خودروهای پراید، پژو ۴۰۵ و ۲۰۶ و تندر ۹۰ متمرکز بوده است. از ابتدا هم مشخص بود چراکه سهم خودروسازان چینی از تولید حدود ۵ درصد است و اینکه گفته می‌شود چینی‌ها بازار خودرو را در اختیار گرفته‌اند، با آمار نمی‌خواند. درمورد یکی از خودروسازان که روز جمعه را برای سرویس دهی به کارمندان دولت در ایام اجرای طرح اختصاص داده بود، تنها در این روز ۱۵ هزار دستگاه از سوی کارمندان خریداری شده است. این موضوع نشان داد که اگر شبکه بانکی وارد شود، می‌توان بسیاری از بخش‌هایی را که با رکود مواجه هستند به سمت خروج از رکود سوق داد. در کشورهای دیگر نیز شرایط برای فروش کالاهایی نظیر خودرو به همین شکل است.

اعلام کنند. موجودی هر کارخانه نیز مشخص و اعلام شده است و بانکها قراردادهایی را که در همین سقف موجودی باشد، حاضرند تنزیل کنند.

**❶ برخی ترندهایی را نسبت به وصول این اسناد و چکها وارد می‌دانند و هشدار می‌دهند که حجمی از بدهی انباشته شود. برای این موضوع چه تدبیری اندیشیده شده است؟**

**خسرو تاج:** در مورد کالاهای واسطه‌ای نیز شرایط مانند فروش خودرو است. در فروش خودرو چک‌ها از سوی خودروسازان ظهورنویسی می‌شود یعنی ضمانت چک‌ها از سوی خودروساز داده می‌شود. اگر خریدار خودرو وجه چک را پرداخت نکند، مسئولیت آن با خودروساز است و در فروش کالای واسطه‌ای هم بانک می‌گوید مسئولیت با فروشنده کالا است. پیگیری‌ها از سوی فروشنده انجام می‌شود. کارخانه فروشنده چک و سفته را دریافت می‌کند، پس از ظهورنویسی به بانک می‌دهد و با نرخ ترجیحی وجه آن را تنزیل و دریافت می‌کند. در مورد این طرح که بخش دوم از بسته است باید تاکید شود که قرارداد میان یک کارخانه و کارخانه‌ای دیگر منعقد می‌شود. دو واحد تولیدی برای معامله کالایی که محصول یک کارخانه و مواد اولیه کارخانه دیگر محسوب می‌شوند وارد مذاکره و قرارداد می‌شوند و اسنادی که رد و بدل می‌شود برای تنزیل نزد بانک برده می‌شود. به عنوان مثال کارخانه تولید فولاد می‌تواند ورق تولیدی خود را به طور قسطی به خودروسازان بفروشد و اسنادی را که دریافت می‌کند برای تنزیل به بانک ببرد و پول نقد بگیرد.

**❷ در این زمینه اشاره کردید که کارخانه‌ها موجودی انبار خود را اعلام کرده‌اند تا بر اساس آن برای فروش اعتباری با همکاری بانک تصمیم‌گیری شود. مگر در مورد خودرو هم قرار نبود بنابر موجودی خودروسازان عملیات فروش اقساط انجام شود؟**

**خسرو تاج:** در مورد خودرو شرایط متفاوت بود. خودرو تنها کالایی بود که چنین نگاهی در مورد آن نبود. آقای نعمت‌زاده از ابتدا این موضوع را اعلام کردند اما بانک مرکزی به دلیل محدودیت منابع تفسیرش این است که بر اساس موجودی کارخانه‌ها، اعتبار پرداخت شود، اما این موضوع در مورد سایر کالاهای مطرح بود نه برای خودرو. در مورد خودرو موضوع تنها موجودی انبار نبود. در این بخش به دنبال این هستیم که عقب‌افتادگی میزان تولید را نسبت به سال گذشته جبران کنیم. میزان عقب‌افتادگی هم در این بخش حدود ۳۵۰ هزار خودرو است.

**❸ فروش اعتباری کالا در این طرح با چه جزئیاتی گنجانده شده است؟**  
**خسرو تاج:** بخش سوم طرح مربوط به فروش اعتباری کالا است. برنامه بانک مرکزی این است که این طرح برای همه اجرا شود و جامعه مخاطبش عمومی باشد. بر اساس همان الگویی که در دنیا رایج است، به افراد پس از اعتبارسنجی کارت اعتباری داده می‌شود و این افراد از زمانی که خرید انجام می‌دهند، بدهکار می‌شوند. قرار است فعلاً این طرح با بازپرداخت حدود ۱۸ ماهه انجام شود. بعد از خرید، به افراد میزان اقساط در مدت زمان ۱۸ ماه اعلام می‌شود. نرخ سود در این بخش ۱۲ درصد است.

**❹ اختلاف این نرخ با نرخ سود رایج بانکی چگونه جبران می‌شود؟**  
**خسرو تاج:** مصرف‌کننده به میزان ۱۲ درصد سود پرداخت می‌کند اما نکته اینجاست که تولیدکنندگان برای ورود به این طرح باید چند درصدی به شبکه بانکی پرداخت کنند. در واقع از قیمت نهایی محصول درصدی تخفیف به بانک داده می‌شود تا نرخ سود اعتبار پرداخت‌شده به سطح نرخ سود رایج برسد و یارانه‌ای در این زمینه پرداخت نشود. در حال حاضر سامانه‌ای طراحی شده است که بیش از ۱۲ هزار کد کالا به آن وارد شده است. کارخانه‌ها برای ورود به این سامانه و فروش اعتباری محصولاتشان باید تخفیف مورد نظر را بدهند. هنگامی که خریدار برای خرید کالایی که کد آن در سامانه ثبت شده اقدام می‌کند، کارت خود را می‌کشد و با این فرآیند پول از جانب بانک با کسر

درصد تخفیف به کارخانه پرداخت می‌شود. کارخانه خودش کارمزد فروشنده را می‌پردازد و خریدار هم از آن زمان بدهکار می‌شود که باید از طریق اقساط به بانک آن را بپردازد.

**فاطمی:** با توجه به اینکه ۱۲ درصد سود تسهیلات از طرف خریدار پرداخت می‌شود و مثلاً ۵ درصد تخفیف هم از سوی کارخانه در ابتدا داده می‌شود نرخ موثر سود در این طرح بیشتر از ۱۲ به علاوه ۵ درصد می‌شود چرا که آن ۵ درصد درجا داده می‌شود و بانک بر مبنای اصل قیمت بدون تخفیف، سود ۱۲ درصد را محاسبه و از مشتری دریافت می‌کند. به این صورت رقم نهایی سود به نرخ بالاتری می‌رسد که احتمالاً نزدیک به نرخ سود رایج خواهد بود.

**خسرو تاج:** یکی از مشکلات این است که کارخانجات در ارائه کد کالا ضعیف هستند. تعدادی از واحدها در کدگذاری کالاهای خود برای ورود به سامانه از برنامه عقب ماندند. این در حالی است که از همان ابتدا سامانه طراحی شد و فراخوان داده شد که تمام کارخانه‌ها وارد شوند.

**❶ در برخی از صنایع نظیر لوازم خانگی، مونتاژ سهم بالایی از تولید دارد. آیا کالاهای مونتاژی هم اعتباری فروخته خواهند شد؟**

**خسرو تاج:** تاکید بر این است که تولیدات داخل در طرح حضور داشته باشند اما به هر حال در بسیاری از صنایع برای تولید کالای نهایی، کالاهای غیر داخلی هم استفاده می‌شود. مونتاژ هم در تولید داخل سهم دارد. در نهایت بایستی فرآیند تولید در داخل کشور شکل گرفته باشد.

**❷ مکانیزم اجرایی اعطای کارت اعتباری چیست؟ چه کسانی می‌توانند این کارت‌ها را دریافت کنند؟**

**خسرو تاج:** اعطای کارت اعتباری در بسیاری از موارد نیاز به اعتبارسنجی از سوی بانک ندارد. مثل کارمندان دولت و بازنشستگان، تنها کافی است که یک گواهی کسر از حقوق ارائه دهند تا این کارت را دریافت کنند. وزارت آموزش و پرورش و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی که صندوق‌های بازنشستگی را در زیرمجموعه دارد در این زمینه کار را آغاز کردند. وزارت آموزش و پرورش با بانک ملی و وزارت رفاه با بانک رفاه مذاکره کردند. این دستگاه‌ها به کارمندان‌شان اطلاعیه می‌دهند و در صورت اعلام آمادگی، گواهی کسر حقوق آنها را صادر می‌کنند تا کارت آنها از سوی بانک صادر شود. سامانه اطلاعاتی کالایی هم وجود دارد و دفترچه راهنمایی هم از نمایندگی‌ها به صاحبان کارت داده خواهد شد. در این روش می‌توان خرید اینترنتی را هم انجام داد.

**❸ تنها کارمندان و بازنشستگان مشمول این طرح می‌شوند؟**  
**خسرو تاج:** قرار است کار از این بخش آغاز شود سپس سایر گروه‌ها نیز اضافه شوند. به غیر وابستگان به دستگاه‌ها و سازمان‌ها، واحدهای صنفی هم که دارای پروانه کسب هستند در مراحل بعد می‌توانند اضافه شوند. ممکن است در مرحله‌ای از کار گروه‌های دیگری هم مشمول شوند. شناسایی این گروه‌ها کار بانک است. ضمن اینکه سامانه کالاهای پویا است و هر دو هفته یکبار می‌توان کالاهایی را به آن اضافه کرد.

**❹ قیمت کالاهای چگونه تعیین می‌شود؟**  
**خسرو تاج:** در چند سال گذشته و براساس مصوبات، این کالاهای مشمول قیمت‌گذاری نبوده است. مثلاً لوازم خانگی هیچ‌گاه از سوی دولت قیمت‌گذاری نشده است زیرا از شرایط رقابتی برخوردار هستند. نظارتی بر روی عملکرد واحدهای صنفی وجود دارد که بر اساس ضوابط تعیین‌شده کارمزد معاملات تعیین شده است. در این ضوابط، کارمزد فروش برای بخش‌های مختلف نظیر پوشاک، لوازم خانگی و... مشخص شده است. این دستورالعملی برای واحدهای صنفی است اما قیمت‌گذاری برای کارخانه تولیدی وجود ندارد. در این سیستم

**خسرو تاج:**  
در فروش خودرو چک‌ها از سوی خودروسازان ظهورنویسی می‌شود یعنی ضمانت چک‌ها از سوی خودروساز داده می‌شود. اگر خریدار خودرو وجه چک را پرداخت نکند، مسئولیت آن با خودروساز است و در فروش کالای واسطه‌ای هم بانک می‌گوید مسئولیت با فروشنده کالا است



**بهادرانی:** همه می‌دانیم که طرح تحریک تقاضا، یک مُسکن است چرا که تخلیه موجودی انبار نمی‌تواند رونق ایجاد کند. اگر قرار است اقدام ریشه‌ای شود باید هزینه‌های تولید کاهش یابد. برای این کار هم باید فضای کسب و کار را اصلاح کرد. اصلاح فضای کسب و کار چندان نیاز به اعتبار ندارد اما آن را رها کرده‌ایم و به چنین طرح‌هایی روی آورده‌ایم.

**آل اسحاق:** در این شرایط آیا برآوردی وجود دارد که استقبال مردم از وام ۱۲ درصدی چگونه خواهد بود؟ به هر حال مسئله خودرو نشان داد که استقبال بالایی خواهد شد. باید مشخص شود که آیا اعتبارات موجود می‌تواند این میزان استقبال را پوشش دهد. در موضوع خرید دین هم نگرانی این است که بانک مرکزی به یکباره کار را متوقف کند.



**دوست حسینی:** به نظر می‌رسد بانک مرکزی بر اساس اطلاعاتی که وزارت صنایع ارائه کرد، سقف را حدود ۶ هزار میلیارد تومان در نظر گرفت. حتی در آن نشست نام بخش‌های مختلف نظیر فولاد، سیمان، لوازم خانگی و سایر صنایع برده شد و موجودی همه آنها بر اساس ارزش ریالی از سوی وزارت صنعت حدود ۶ هزار میلیارد تومان اعلام شد. بر همین اساس آقای سیف گفت که تدبیری برای تأمین این اعتبار در نظر می‌گیریم تا مشکل رکود صنایع حل شود. بنابراین تصور بانک مرکزی این مبلغ است. دو موضوع در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد. یک طرف ماجرا موجودی انبار کارخانه‌ها از جمله خودروسازان است که اعداد و ارقام مشخصی دارد اما سوی دیگر ماجرا انتظارات و نیازهای مردم است که ممکن است بیش از این اعتبارات در نظر گرفته شده باشد همان‌طور که در مورد خودرو خود را نشان داد. به عنوان مثال در طرح خرید دین برای واحدهای تولیدی، شرایط مشخص است چرا که کارخانه‌ای که موجودی انبار دارد باید مشتری خود را بر اساس حجم موجودی مشخص شده پیدا کند، از او چک بگیرد و آن را برای تنزیل به بانک ببرد. اما در طرح کارت اعتباری یک سوی ماجرا باز است. باید هم باز باشد و آن هم بخش نیاز مردم است. استدلال وزارت صنعت در این بخش می‌تواند این باشد که مردم باید به‌مانند همه دنیا کارت اعتباری خرید داشته باشند. ضمن اینکه می‌توان باتوجه به بازپرداخت اقساطی که صورت می‌گیرد یک مکانیسم گردش ایجاد کرد تا مبالغ اقساط بار دیگر به عنوان اعتبار جدید به مردم ارائه شود و سالانه هم درصدی به این مبلغ اضافه و شارژ شود. این روش تأمین مالی کم‌ضررترین نوع اعتباردهی و انبساط پولی در شبکه بانکی است.



**آل اسحاق:** ثبت‌نام‌کنندگان در این طرح هم قابل کنترل اند.

**غنی‌نژاد:** کارت اعتباری در همه‌جای دنیا مرسوم است اما کارت اعتباری را بانک می‌دهد. این موضوع ارتباطی به وزارت صنعت ندارد. وقتی وزارت صنعت وارد می‌شود و مسئله این گونه مطرح می‌شود که اعتبار با نرخ پایین‌تر داده شود، رانت ایجاد می‌شود. سال‌هاست که در کشور سیاست‌هایی که منجر به رانت می‌شود اجرا شده است. تجربه نشان می‌دهد که هر جا رانت ایجاد شود، رانت‌خوارها از سیاست‌گذاران باهوش‌ترند. این طرح هم این گونه است. وقتی رانتی ایجاد می‌شود، رانت‌خوارها به میدان می‌آیند و آن را می‌برند. باید به فلسفه این طرح فکر کرد. اگر قرار است اعطای کارت اعتباری به عنوان امکانی که تاکنون وجود نداشته است، به وجود آید، اقدام بسیار خوبی است اما کارت اعتباری به رانت ارتباط ندارد. رویه درست این گونه است که بانک وضعیت مالی مشتری‌اش را بررسی می‌کند و بر اساس آن اعتباری برای مشتری در نظر می‌گیرد. نرخ سود را هم بانک تعیین می‌کند نه اینکه جای دیگری حتی بانک مرکزی نرخ سود را مشخص کند. هر وقت این گونه شود رانت ایجاد می‌شود. بعضی از مدیران خود را خیلی باهوش تصور می‌کنند و فکر می‌کنند سیستمی را طراحی می‌کنند که هیچ سوءاستفاده‌ای نشود اما در ایران آن افراد رانت‌خوار باهوش راه نفوذ را پیدا می‌کنند. در حال حاضر نمی‌توان این راه‌ها را پیدا کرد اما در زمان اجرا مشخص خواهد شد که سود این کارت‌ها نصیب چه کسانی خواهد شد. سال‌هاست می‌خواهیم شرایط مناسبی ایجاد کنیم که افشار ضعیف از آن بهره ببرند اما رانت‌خوارها از آن استفاده



قرار بر رقابت است و شرایط انحصاری نیست. رقابت در صنایع زیاد است. شرایط فروش اعتباری این محصولات نیز برای کارخانه‌ها نقدی محسوب می‌شود چرا که آنها پول نقد را دریافت می‌کنند و بانک اعتبار را می‌دهد. به همین دلیل جذابیت زیادی برای کارخانه‌ها وجود دارد که برای فروش بیشتر در این طرح با هم رقابت کنند و قیمت‌ها نیز با تخفیف ارائه شود. قیمت‌ها در سامانه نمی‌آید و مشتری در فروشگاه با قیمت‌ها مواجه می‌شود. آنچه در کارت قرار می‌گیرد اعتبار است که سقف آن حداکثر ۱۰ میلیون تومان تعیین شده است به این معنی که بسته به اعتبارسنجی و نیاز متقاضی می‌توان اعداد کمتری را نیز برای آن در نظر گرفت. متقاضیان برای هر خرید خود طی روزهای مختلف صورت اقساط دریافت خواهند کرد و در نهایت این اقساط با هم جمع می‌شود و در پایان ماه در قالب یک قسط پرداخت می‌شود.

**از نظر کلان در بخش بازرگانی و سیستم توزیع کالا چگونه این طرح**

**قابل توجیه است؟**

**خسرو تاج:** این طرح تحولی در نظام بازرگانی کشور ایجاد می‌کند چرا که گرایش‌های مصرفی در مناطق مختلف و با قیمت‌های مختلف مشخص خواهد شد. اطلاعات خوبی از این سامانه استخراج خواهد شد که برای مدیریت بخش بازرگانی بسیار مفید خواهد بود. به طور لحظه‌ای می‌توان اطلاعات را از سامانه استخراج کرد و متوجه شد که چه کالایی با چه قیمتی در کدام منطقه به فروش رسیده است و از این طریق می‌توان با رفتار مصرفی مردم آشنایی بیشتری پیدا کرد. این موضوع برای نظام برنامه‌ریزی بسیار موثر است و شفافیت بالایی به معاملات می‌دهد. معتقدم آن دسته از کارخانه‌هایی که به این طرح نپیوسته‌اند، بزرگ‌ترین دغدغه‌شان همین موضوع شفافیت است. در این سیستم نمی‌توان غیرشفاف عمل کرد. اگر در معاملات به این سمت برویم بسیار مفید خواهد بود چرا که معامله با پول نقد کاهش می‌یابد و شفافیت اطلاعاتی بالایی ایجاد می‌شود.



**آل اسحاق:** مسئله منابع بانک در این زمینه بسیار مهم است. در بخش خرید دین که کارخانه‌ها وارد کار می‌شوند این موضوع حساسیت بالایی دارد. در حال حاضر گفته شده است که بر اساس موجودی انبار کارخانه‌جات می‌توان فروش قسطی را انجام داد و فروشنده کالا اسناد را به بانک تحویل می‌دهد تا پس از تنزیل مبلغ خود را دریافت کند. نکته این است که بانک‌ها تا چه میزان اعتبار برای این کار هزینه می‌کنند. ممکن است مانند مسئله خودرو، طرح‌های دیگر هم آغاز شود و پس از چند روز بانک بگوید که دیگر اعتبار ندارد و طرح را متوقف کند.



**خسرو تاج:** در حال حاضر موجودی انبار کارخانه‌ها بر اساس وزن و تعداد کالاها استخراج شده اما حتماً باید ارزش کالاهای موجود در انبارها نیز محاسبه شود تا بر مبنای ارزش و اعتبار موجود کارها پیش برود.



**دوست حسینی:** جلسه‌ای در بانک مرکزی در همین مورد برگزار شد که این موضوع مورد سوال قرار گرفت. مجموع اعتبارات در نظر گرفته‌شده برای این بسته از بانک مرکزی سوال شد. مدیران وزارت صنعت هم حضور داشتند و آماری از موجودی انبار کارخانه‌ها اعلام کردند. طبق گزارش که آنجا داده شد، جمع موجودی انبار کارخانه‌ها از جمله خودروسازان و سایر صنایع، حدود ۶ هزار میلیارد تومان اعلام شد. آقای صالحی‌نیا معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت این رقم را به عنوان معادل ریالی موجودی انبار کارخانه‌ها اعلام کرد. آقای سیف هم اعلام کرد که اگر مسئله موجودی انبار کارخانه‌ها در همه بخش‌ها با ۶ هزار میلیارد تومان حل می‌شود، این رقم تأمین خواهد شد. بر این اساس سقف برای بانک مرکزی مشخص شده بود.

### آل اسحاق:

در حال حاضر گفته شده است که بر اساس موجودی انبار کارخانه‌جات می‌توان فروش قسطی را انجام داد و فروشنده کالا اسناد را به بانک تحویل می‌دهد تا پس از تنزیل مبلغ خود را دریافت کند. نکته این است که بانک‌ها تا چه میزان اعتبار برای این کار هزینه می‌کنند.

کرده‌اند. اعطای کارت اعتباری هم همین است. تفاوتش این است که گفته می‌شود سامانه طراحی شده است اما این توهم است که فکر کنیم با سامانه می‌توان راه رانت را بست.

**فاطمی:** با دیدگاه دکتر غنی‌نژاد موافقم. ساده‌انگارانه است

که تصور کنیم سوءاستفاده صورت نمی‌گیرد. به عنوان مثال فروشنده می‌تواند برای فروش کالای خارجی هم به نوعی از این کارت‌ها به نفع خودش بهره‌برد به این صورت که پول نقد را از مشتری بگیرد و از کارت اعتباری مربوط به خود یا اطرافیانش آن را پرداخت کند تا عملاً یک وام ارزان برای خودش دست و پا کرده باشد. این احتمال هم وجود دارد که تولیدکنندگان لوازم خانگی قیمت خود را بالا ببرند تا آن تخفیفی را که بابت نرخ سود به بانک می‌دهند پوشش دهند. در حال حاضر می‌توان لوازم خانگی را با قیمتی کمتر از نرخ کارخانه از فروشگاه‌های خرده‌فروشی خریداری کرد چراکه آنها از سود خود کم می‌کنند. در شرایط جدید فروشنده لوازم خانگی می‌تواند کالای قسطی را ۱۰ درصد بالاتر بفروشد. از این طریق اختلاف قیمت حدود ۱۳ درصدی بین کالای قسطی و نقدی خود را نشان می‌دهد که نامش رانت است. مسئول این فرآیند وزارت صنعت و آقای خسرو تاج نیست. نکته بسیار مهم در مورد طرح‌های گنجانده‌شده در بسته دولت این است که تاکنون هیچ تحلیل کمی راجع به تاثیر این طرح‌ها بر متغیرهای اقتصاد کلان انجام نشده است. یعنی برآوردی از سوی مسئولان نشده است که مثلاً میزان اعتبار طرح را اعلام کنند، تاثیر آن بر نقدینگی و پایه پولی را مشخص کنند و اعلام شود که اثر آن بر تورم و سایر پارامترها در کوتاه‌مدت و بلندمدت چگونه است. تحلیل کمی دقیق که نشان دهد متغیرهای اقتصاد کلان چه تاثیری از این طرح می‌برند دیده نشده است که این یک ضعف بزرگ است. از این دولت انتظار چنین برآوردهایی می‌رود. واقعیت این است که وقتی کار با خودروسازان شروع می‌شود، باقی بخش‌ها مطالبه‌گری می‌کنند و به میدان می‌آیند تا سهم بگیرند. به عنوان مثال معاون توسعه روستایی رئیس‌جمهور اعلام کرده است که تا سقف ۴ میلیارد تومان به تعاونی‌های دارای ۱۰۰ عضو با نرخ سود ۲ درصدی، وام داده می‌شود. وقتی این راه باز شود دیگر معلوم نیست به کجاها کشیده شود. نکته دیگر که مشابه آن در مسکن مهر رخ داد به بازپرداخت وام‌ها مربوط می‌شود. در شرایط فعلی به‌خصوص در مورد خودرو بنده تردید جدی نسبت به بازپرداخت اعتبار داده‌شده، دارم مگر اینکه مکانیسم به گونه‌ای باشد که خودروسازان از چرخه دریافت پول حذف شوند. در این صورت هم بانک‌ها با وصول چک، منابع را به بانک مرکزی پس نخواهند داد.

**خسرو تاج:** در زمان وصول اقساط، خودرو در رهن

خودروسازان است. به همین دلیل زمان اقساط از ۷ به ۴ سال کاهش یافت چراکه طبق اعلام خودروسازان پس از ۴ سال دیگر خودرو بخشی از عمر خود را کرده و ارزش آن کاهش می‌یابد. برای کاهش ریسک، زمان بازپرداخت ۴ ساله شد تا درصد بازگشت پول بیشتر باشد. بانک‌ها هم فقط حاضر شدند که اعتبارات ۴ ساله را تنزیل کنند و اعلام کردند که اگر مدت بیشتر شود، خودروسازان باید ریسک آن را بپذیرند.

**فاطمی:** من اگر یک خودروساز باشم می‌گویم وقتی موفق به دریافت ۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان اعتبار شده‌ام، چند سال بعد هم می‌توانم مثلاً ۶۰۰ میلیارد تومان آن را استمهال کنم. نکته دیگر در این بخش این است که اکثر خودروهای فروخته در این طرح، خودروهای ارزان‌قیمت بود. پراید و تیبیا بیشترین فروش را داشته است. بنده هم اگر این طرح ادامه داشت و صفی در کار نبود خودروی خود را تعویض می‌کردم چراکه می‌فهمم نرخ سود ۱۶



### خسرو تاج:

اگر شبکه بانکی وارد شود، می‌توان بسیاری از بخش‌هایی را که با رکود مواجه هستند به سمت خروج از رکود سوق داد. در کشورهای دیگر نیز شرایط برای فروش کالاهایی نظیر خودرو به همین شکل است. لیزینگ‌ها و بانک‌ها وارد می‌شوند و فروش اعتباری کالاهای برای متقاضیان ترتیب می‌دهند

درصد بهتر از ۲۵ درصد است. نکته دیگر من این است که دولت از تکریمی شدن نرخ تورم سخن می‌گوید اما مردم از دریافت وام ۱۶ درصدی برای مدت ۴ سال استقبال می‌کنند. مفهومی این است که تورم انتظاری تکریمی نشده است. موضوع دیگر این است که بر روی عدم پرداخت اقساط توسط مردم در طرح کارت اعتباری حساب نشده است. در دیگر نقاط دنیا عدم پرداخت اقساط در کارت اعتباری با جریمه تصاعدی در نرخ سود مواجه می‌شود اما در ایران جریمه حداکثر ۶ درصد است به همین دلیل احتمال دارد خیلی‌ها با عدم بازپرداخت آن چندان به جریمه‌اش فکر نکنند و این گونه تحلیل کنند که اگر چند سال آینده گذران به بانک افتاد این مبلغ را پرداخت می‌کنند.

**اگر امکان دارد در مورد ماهیت طرح از نظر سیاست‌گذاری کلان اقتصادی، تحلیل خود را ارائه دهید.**

**بهاردانی:** چند نکته مثبت در این طرح وجود دارد. اینکه بعد از کارت نقدی، اعطای کارت اعتباری در دستور کار قرار گرفته، یکی از این نکات مثبت است که اگر راه بیفتد تحولی ایجاد خواهد کرد. نکته مثبت دیگر تنزیل چک‌ها است. این پدیده قبل از انقلاب وجود داشت اما پس از انقلاب هنوز چنین امکانی فراهم نشده بود. این راه می‌تواند گشایش‌هایی ایجاد کند. برخی نکات منفی نیز در این طرح خود را نشان می‌دهد. نگاه به این طرح نگاه اقتصاد آزاد نیست بلکه نگاه قیمت‌گذاری است. نمی‌توان بدون آنکه پایه قیمت کالا مشخص باشد، اعلام کرد که ۵ درصد از قیمت آن تخفیف داده شود تا نرخ سود تنظیم شود. باید یک قیمت پایه‌ای باشد که بتوان برای آن تخفیف در نظر گرفت. به همین دلیل این طرح بر مبنای قیمت‌گذاری است تا اقتصاد آزاد. از همان ابتدا سازمان حمایت شماره تلفنی اعلام کرد تا تخلفات در این طرح گزارش شود. این نشانه‌ها مشخص می‌کند که نگاه به این طرح، رقابتی نیست. همه می‌دانیم که این طرح یک مسکن است چراکه تخلیه موجودی انبار نمی‌تواند رونق ایجاد کند. اگر قرار است اقدام ریشه‌ای شود باید هزینه‌های تولید کاهش یابد. برای این کار هم باید فضای کسب و کار را اصلاح کرد. اصلاح فضای کسب و کار چندان نیاز به اعتبار ندارد اما آن را راه کرده‌ایم و به چنین طرح‌هایی روی آورده‌ایم. ضمن اینکه یک رانت و سوبسیدی ایجاد می‌شود که بانک‌ها را از دولت طلبکار خواهد کرد. یک سوال این است که این اعتبار از چه محلی پرداخت خواهد شد. سال گذشته کل سیستم بانکی ۳۴۰ هزار میلیارد تومان بوده است. در حال حاضر با این تنگنای اعتباری احتمالاً مبالغی که در این طرح پرداخت می‌شود از طرف دیگر از تولید درج می‌شود. از کمکی که به طور مستقیم به تولید می‌رسد کاسته خواهد شد و در قالب این طرح پرداخت خواهد شد تا به طور غیرمستقیم رونق ایجاد کند. اگر اعتبار جدیدی از این طریق پرداخت شود می‌تواند تاثیرگذار باشد اما زمانی که اعتبار سیستم بانکی محدود است، در همان سقف تنها جابه‌جایی صورت می‌گیرد. آزادسازی ۲ درصدی سپرده قانونی برای تامین منابع این طرح نیز با شبهه مواجه است. به طور کلی این طرح از نظر اقتصاد کلان با علامت سوال‌های زیادی مواجه است که باید بررسی شود. البته همان‌طور که گفتیم نکات مثبتی هم در این طرح وجود دارد.

**عزیزی:** من فکر نمی‌کنم این طرح در ارائه کارت اعتباری و تنزیل مسئله مثبتی را رقم بزند. در مورد تجربه کارت اعتباری در جهان لازم است ذکر شود که نرخ سود کارت اعتباری در کشورهای اروپایی حتی برای مشتری‌های بسیار معتبر بانکی بین ۱۰ تا ۱۴ درصد است. این افراد حداکثر ۵ درصد دارندگان کارت اعتباری هستند. به عنوان مثال متوسط نرخ سود کارت اعتباری در لندن ۲۵ درصد است. کارت اعتباری با نرخ سود ۳۶ درصدی هم وجود دارد. در کشورهایی که نرخ سود سپرده کوتاه‌مدتشان نیم تا یک درصد





**فاطمی:** اکثر خودروهای فروخته در این طرح، خودروهای ارزان قیمت بود. پراید و تیبا بیشترین فروش را داشته است. بنده هم اگر این طرح ادامه داشت و صفی در کار نبود خودروی خود را تعویض می کردم چراکه می فهمم نرخ سود ۱۶ درصد بهتر از ۲۵ درصد است.

خودرو هم بیش از آنکه رضایت ایجاد شود نارضایتی ایجاد شد. برای آن حدود ۱۰۰ هزار نفری که موفق به خرید شدند، رضایت ایجاد شد اما باقی افراد نارضایتی شدند. از همه بیشتر خودروسازان احساس رضایت کردند چون یک رانت نصیبشان شد. در طرف دیگر میلیون ها نفر که احساس می کنند سرشان کلاه رفته، نارضایتی شده اند. در مورد کارت اعتباری هم این اتفاق رخ خواهد داد چراکه به عده ای این امکان خواهد رسید و عده ای از آن بی نصیب می مانند. به همین علت نارضایتی ایجاد می شود. عده ای نمی توانند درست از آن استفاده کنند که به جمع نارضایتان می پیوندند. در این میان رانت خواران می توانند از آن بهره ببرند. بر همین اساس می گویم که از نظر اقتصاد سیاسی هم نمی توان این طرح را توجیه کرد. در حال حاضر برخی دیدگاه ها در شبکه های اجتماعی نشان دهنده ایجاد نارضایتی است. معلوم نیست این طرح ها چگونه مورد مطالعه قرار می گیرند. آنچه از طرح برمی آید این است که پایه پولی را افزایش می دهد و دستاوردهای تورمی را به خطر می اندازد. ریسک حتمی در زمینه اقتصاد کلان وجود دارد و نتیجه ای که در زمینه اقتصاد سیاسی به دنبال آن هستند نیز به دست نخواهد آمد.

**آقای دوست حسینی:** اگر امکان دارد جمع بندی خود را از مباحث مطرح شده بفرمایید.

**دوست حسینی:** به نظر می رسد بزرگ ترین ضعف بسته تحریک تقاضا این باشد که در بدنه کارشناسی به خوبی مورد تحلیل و بررسی قرار نگرفته است چراکه در همین میزگرد دوستان نکاتی را مطرح کردند که نشان داد از نظر کارشناسی ابهامات و سوالات جدی در مورد این بسته مطرح است هر چند که به هر حال از آن به عنوان یک مُسکن یاد می شود و سیاست گذاران معتقدند که برای عبور از یک شرایط بد تصمیم گرفتند که به این سیاست روی بیاورند. نقدهایی که به این بسته وارد شده نشان می دهد که خطر ایجاد نارضایتی به جای ایجاد رضایت و همچنین امکان بی ثباتی اقتصاد کلان وجود دارد. در این شرایط اگر برنامه جامع برای کنترل پیامدهایی که پیش بینی می شود اندیشیده نشود، این پیامدها دستاورد تحریک موقت تقاضا را هم از بین خواهد برد. نکته دیگر که آقای دکتر عزیزی هم به آن اشاره کردند این است که بانک مرکزی با این طرح درگیر مشغله های روزمره نظام بانکی شده است در حالی که ماموریت های مهمی مثل پیاده سازی و برقراری معیارها و اصول بانکداری مدرن و سالم و به ویژه ساماندهی موسسات اعتباری غیرمجاز را در دستور کار دارد.

**خسرو تاج:** این مباحث باید در تیم اقتصادی در زمان تصمیم گیری مطرح می شد چراکه الان در مسیر اجرا قرار داریم با وجود این، از طرح این مباحث استفاده کردم. پاسخ هایی هم برای برخی دیدگاه های مطرح شده دارم اما در زمانی دیگر در مورد این مسائل بحث خواهیم کرد. حضور مدیران بانک مرکزی که در طراحی و اجرای سیاست های فوق الذکر نقش کلیدی داشتند نیز در جلسات آتی ضروری خواهد بود. آنچه که حقیق با اجرای طرح مدت دار فروش خودرو می توانم عرض کنم این است که نقش سیستم بانکی و نرخ تسهیلات در تحریک بازار و تقاضا و خروج از رکود بسیار کلیدی است و دولتمردان روی این تجربه می توانند به خوبی حساب کنند. با توجه به نوع خودروهای فروخته شده، می توان تصور کرد که از چه افراد و گروه هایی خریدار خودرو بوده اند که تا به حال به دلیل نبود قدرت خرید، قادر به خرید خودرو نبوده اند. ادامه طرح های این چنینی در جایگزینی خودروهای فرسوده با خودروهای نو می تواند منافع دیگری را برای نوسازی ناوگان حمل و نقل عمومی و پاکي هوا دربر داشته باشد.

است چنین نرخ سودی برای کارت اعتباری دریافت می شود. کارت اعتباری دومین ابزار بسیار گران مالی است. در مورد طرح جدید، دولت عدم تعهد به کارشناسی و فقدان تعهد به منطق و عقلانیت را به سطح جدیدی می رساند. در دولت گذشته با مسکن مهر، اقتصاد آسیب جدی دید. در این دوره شاید با این طرح اتفاقات ناخوشایندی بیفتد چراکه همه کالاها در آن درگیر هستند. در مورد مسائلی که حاضران در این نشست به عنوان نکات مثبت طرح از آنها یاد کردند نیز ابهامات زیادی وجود دارد. در مورد نرخ سود کارت های اعتباری که ذکر کردم چه اختلافی با سایر دنیا دارد. در مورد میزان اعتبار و محل تامین آن هم ابهامات زیادی وجود دارد. به نظر می رسد بانک مرکزی بانک ها را متقاعد کرده است تا در این طرح مشارکت کنند و بانک ها هم با چانه زنی به دنبال آن هستند که همه منابع مورد نیاز را از بانک مرکزی دریافت کنند و نرخ سود بالایی را هم طلب می کنند. بر این اساس از نظر نهادی بانک مرکزی وارد سطح جدیدی از درگیری با مسائل خرد شده است که نمونه آن حتی در کشورهای عقب افتاده دیده نشده است. این برای کشور خطرناک است. بانک مرکزی متصدی تامین منابع، مصارف، ریسک، موجودی کارخانه ها و سایر مسائل مربوط به کارت اعتباری شده است که میزانی از آشفتگی را در سطح بانکی ایجاد می کند.

دوستان اشاره کردند که راه اندازی کارت اعتباری و تنزیل اسناد تجاری نکات مثبت این طرح است اما به نظر من این دو از این مسیر راه نخواهد افتاد و حتی ممکن است خطرهایی برای ایجاد بدی تا اگر طرح خوبی هم در این زمینه بخواهد پیشنهاد شود، در آینده نتواند فعال شود. به طور کلی فکر می کنم این طرح، سطحی از بی ثباتی را در اقتصاد کلان به راه خواهد انداخت و هم بی ثباتی بخش مالی را تشدید خواهد کرد. در مورد نرخ سود مورد نظر طرح هم به نظر می رسد به شکل اداری از سوی وزارت صنعت و بانک مرکزی در حال تحمیل به بانک ها است تا اینکه از یک نظام اقتصادی برخوردار باشد.

**آقای آل اسحاق:** اگر امکان دارد در مورد مسائل بازگانی داخلی و تاثیر طرح دولت بر بازار نظر خود را بفرمایید.

**آل اسحاق:** آنچه از دورنمای بازار با آغاز اجرای بسته جدید دولت نمایان شده، نشان از ایجاد تحرک در بازار دارد. حداقل به اندازه آثار مُسکنی که دولت از آن صحبت می کند در بازار تاحدودی تحرک ایجاد شده است. استقبال از خرید خودرو نیز این را نشان داد. اگر در مورد تامین منابع، خطرات و ریسک آن نیز چشم انداز روشنی داشته باشیم، می توان نگاه مثبتی به طرح داشت به شرطی که جوانب امر سنجیده شده باشد. به این معنی که در مورد منابع مالی، بانک مرکزی تصمیم نهایی را بگیرد و محاسبات دقیق آن را داشته باشد تا بر اساس رقم دقیق بتوان کنترل و هدایت منابع را انجام داد. از طرف دیگر باید خطر عدم بازگشت بخش مهمی از این منابع را هم در نظر گرفت. پیش بینی من این است که درصدی از این مبالغ بازخواهد گشت. معوقات در این زمینه را باید در اقتصاد کلان مورد محاسبه قرار داد و اگر برای نظام بانکی قابل تحمل است، باید به آن تن داد. در این صورت باید بپذیریم که این طرح اثر مُسکن را در اقتصاد دارد و به تحریک تقاضا در بازار نیز کمک می کند.

**آقای غنی نژاد:** برخی چنین مطرح کرده اند که از نظر اقتصاد سیاسی این طرح دارای توجیه است چراکه ایجاد رضایت در بخش عمومی می کند. نظر شما در این زمینه چیست؟

**غنی نژاد:** بله، مطرح می کنند که اگر به لحاظ اقتصادی توجیه چندانی برای این طرح وجود ندارد اما از نظر اقتصاد سیاسی قابل توجیه است. اما دیدگاه من این است که از نظر اقتصاد سیاسی هم این طرح تاکنون شکست خورده است و در آینده هم شکست بدتری خواهد خورد. در طرح فروش اعتباری

**غنی نژاد:**  
مدیران خود را خیلی باهوش تصور می کنند و سیستمی را طراحی می کنند که هیچ سو، استفاده ای نشود اما در ایران آن افراد رانت خوار باهوش راه نفوذ را پیدا می کنند. در حال حاضر نمی توان این راه ها را پیدا کرد اما در زمان اجرا مشخص خواهد شد که سود این کارت ها نصیب رانت خوارها خواهد شد





بازار که روزی می توانست فتحعلی شاه قاجار را به امضای قانون اساسی وادار کند، حالا با ظهور مگامال‌ها، چندپاره شده است. مگامال‌های امروزی صرفاً با بازار رقابت نمی کنند، بلکه کل شهر را متأثر از خود می سازند

# قیام «مال» ها علیه بازار

شکل جدید «مصرف» در شهرها، مناسبات اجتماعی را عوض کرده است

## ریحانه سادات یاسینی

ساعت حدود ۷ شب پنجشنبه است و خیابان‌های پایتخت به سبک تمام جمعه‌شب‌ها شلوغ هستند. خیابان شکوفه، در منطقه پیروزی و جنوب شرق تهران، یکی از پرترافیک‌ترین خیابان‌های تهران است که رفت‌وآمد جمعیت انبوه آن تنها مختص به آخر هفته‌ها نیست. بیشتر زن‌ها چادر مشکی به سر دارند و پوشش مردان نیز ساده است. گوشه‌ای از خیابان وانتی بار خیارش را می‌فروشد و گوشه‌ای دیگر، مغازه کوچکی پر از بطری‌های کوچک و دبه‌های بزرگ آب‌لیمو است. لباس‌فروشی‌های خیابان باریک، با ویت‌ترین‌های ساده‌شان سوت و کورند. شبیه یکی دو سوپرمارکتی که در فاصله خیابان پیروزی تا میدان شکوفه، با نورهای کم‌رنگ در خیابان شلوغ گم شده‌اند. نزدیکی‌های میدان شکوفه، یکی از قدیمی‌ترین و مذهبی‌ترین محلات تهران، دو فروشگاه ازدحام زیادی دارند. یکی از آنها فروشگاه زنجیره‌ای کورش است که با شعار «همیشه تخفیف» در هر زمان ۳۰ درصد تخفیف روی کل خرید مشتریان می‌دهد. داخل فروشگاه کورش، تمام اجناس سوپرمارکت‌ها تنها در فضایی بزرگتر چیده شده‌اند. یکی از مشریان کورش و اهالی محل می‌گوید: «قیمت‌های اینجا واقعا خیلی خوب است. کمتر از یک سال است که در محل ما باز شده اما همیشه از همین‌جا خرید می‌کنم. روی کل خریدهایم، هر بار ۲۰۳۰ هزار تومانی تخفیف می‌خورد که برای این خرده‌ریزهای آشپزخانه خیلی تخفیف خوبی است. البته دلم هم برای بقالی‌ها می‌سوزد، از وقتی این فروشگاه‌ها در پیروزی زیاد شده، مدام تعداد آنها کمتر و کاسبی‌شان کساد شده است.»

خیابان پیروزی، از میدان شهدا تا میدان کلاهدوز، محله قدیمی تهران که نسل اول و دوم اهالی‌اش از اصلی‌ترین نیروهای انقلاب به شمار می‌آمدند، چند سالی است که تغییر چهره داده است. طرح تعریض خیابان اجرا شده و به‌جز چند مورد، تقریباً تمام فروشگاه‌ها و مغازه‌ها تخریب شده، به عقب رفته و چهره‌هایی مدرن به خودشان گرفته‌اند. زمانی تنها فروشگاه زنجیره‌ای اتکا در این محل وجود داشت. اما حالا جانبو، کورش و یکی دو فروشگاه بزرگ دیگر نیز به این محل اضافه شده و چند پروژه بزرگ نیز در حال ساخت است. فرهنگ خرید در شرق و جنوب شرق تهران، با آمدن مال‌هایی که نظام توزیع را عوض کرده‌اند، عوض شده است. اما در آن سوی شهر، «مگامال»ها اوضاع دیگری را رقم زده‌اند. اقبال شاکری، عضو شورای شهر تهران می‌گوید: «گاهی آن قدر مجتمع کورش مشکل ترافیکی ایجاد می‌کند که بزرگراه ستاری مسدود می‌شود.» مجتمع فرهنگی - تجاری کورش، یکی از مگامال‌های مدرن ایران است که در زمینی به مساحت ۱۰ هزار متر مربع بنا شده و ۱۶ هزار متر مربع از آن به ۱۲ سالن سینما اختصاص داده شده است. همه‌چیز در این مگامال فراهم است، از سرزمین بازی ژوپیت گرفته تا ۵۰۰ واحد تجاری، رستوران و فودکورت. دختر جوانی که بعضی از آخر هفته‌های خود را در این مجموعه می‌گذراند می‌گوید: «در مجتمع کورش همه‌چیز که برای خوش گذشتن لازم باشد، فراهم است. نیازی نیست آدم با این ترافیک‌های سنگین در جاهای مختلف شهر بچرخد. البته بالا‌دیوم زعفرانیه هم خیلی خوب است، اما خب آنجا خیلی مجلل و گران‌قیمت است»

و شاید یکی دوبار در سال با دوست‌هایم برویم.»

مجتمع‌های تجاری خاص و بزرگ، مگامال‌ها، در غرب و شمال تهران جالفاخته‌اند و در مناطق شرقی و جنوبی شهر نیز، مال‌ها در حال گسترش هستند

## «مالی شدن» ایران چطور اتفاق افتاد؟

«در اقتصاد سنتی، بازار چیزی بیشتر از یک فروشگاه بود. انبار غله بود. کارگاه بود. بانک و کانون دینی کل جامعه هم بود. آنجا بود که زمین‌دارها محصولشان را می‌فروختند، صنعت‌گران کالاهايشان را تولید می‌کردند، بازرگانان اجناسشان را معامله می‌کردند، آنهایی که پول لازم داشتند می‌رفتند وام می‌گرفتند و همان‌جا هم بود که تجار مسجد و مدرسه می‌ساختند و پولش را می‌دادند. به علاوه، بازار نه توده‌ای بی‌شکل و بی‌قاعده حاصل کنار هم قرار گرفتن تصادفی بازرگانان بود. بلکه مجموعه‌ای منظم از اصناف بود. هر صنعتی، هر کسبی و هر حرفه غیر تخصصی‌ای سازمان، سلسله‌مراتب، سنن و حتی در مواردی زبان منحصر به فعالان خودش را داشت. سال ۱۳۰۵، بیشتر از صد صنف مختلف از صنعتگران، حدود هفتاد صنف از کسبه و چهل صنف از کسانانی وجود داشت که کار تخصصی نمی‌کردند. یا منابع مالی در اختیار متقاضیان می‌گذاشتند. انقلاب مشروطه، جنبشی برخاسته از بازار بود. نیروها و نفوذش از اصناف می‌آمدند، پشتیبان مالی‌اش کسبه بودند، علما حمایت معنوی‌اش می‌کردند و نظریه‌پردازی‌اش هم کار چندتایی روشن‌فکر غرب‌آشنا بود.» یرواند آبراهامیان، مورخ ارمنی ایرانی، در کتاب «مردم در سیاست ایران»، نقش اصلی تحولات در دوران مشروطه را به بازار می‌دهد و در ابتدای صحبتش این‌طور بازاریان را تبیین می‌کند. از تصویر تاریخی او، حالا مغازه‌هایی در محدوده میدان امام خمینی تهران باقی مانده که هنوز باربرها جنس‌های سنگین را روی کمرشان جابه‌جا می‌کنند و خانه‌های اطراف بازار در خیابان‌های شوش، خیام و... در دهک اول و دوم، فقیرترین‌های جامعه، جای می‌گیرند. بازاری که در تاریخ معاصر ایران، محل اصلی تحولات سیاسی و اجتماعی بود، حالا با تحول شیوه توزیع، در هم شکسته است. مال‌ها علیه بازار سنتی قیام کرده و مردم را از سطح شهر و بازارها به داخل پاساژها و مجتمع‌ها کشانده‌اند. فرهنگ خرید و مصرف آن قدر تغییر کرده که جامعه‌شناسان برای این ویژگی عصر مدرن، عبارت «The Malization» (مالی شدن) را ساخته‌اند.

موج گسترده مال‌سازی در شهرهای بزرگ ایران به راه افتاده و سرمایه‌گذاری انبوهی در آن صورت گرفته است. در حال حاضر بیش از ۲۶۰۰ مال در کل کشور یا در دست ساخت است یا به‌تازگی مراحل ساخت آن تمام شده است. شهر مشهد در حال حاضر ۱۲۷ مجتمع تجاری دارد، ۸۷ مجتمع تجاری نیز در آن در حال احداث است و ۴۰ مجتمع دیگر نیز به‌تازگی به بهره‌برداری رسیده است. با این حساب به‌زودی مال‌های مشهد دو برابر می‌شوند. تهران نیز با داشتن ۶۵ مال در حال احداث یا به بهره‌برداری رسیده، در رده دوم پس از مشهد قرار دارد. به این ترتیب تهران و مشهد، از شهر خیابان‌ها و سوپرمارکت‌های چند دهه قبل، به شهر مال‌ها و مراکز خرید دهه ۹۰ تبدیل می‌شوند. دکتر عباس کاظمی، استاد سابق علوم ارتباطات

در فصل گذشته در فوتبال ایران، ۳۲۰ میلیارد تومان هزینه شده است. که حدود ۹۰ درصد آن برای دستمزد مربیان و بازیکنان شاغل در لیگ در نظر گرفته شده است

۷۷.۷

درصد

از مردم ایران بر اساس مشاغلشان، به روایت مرکز آمار، در طبقه متوسط جای می‌گیرند. طبقه متوسط‌بیشترین حضور را در مال‌ها دارند.

۲۶۰

مال

در کشور وجود دارد.

و مطالعات فرهنگی دانشگاه تهران، برای تحلیل جامعه‌شناختی این مسائل در مجله «اندیشه پویا» می‌نویسد: «ما با پدیده - مالی شدن - شهر مواجهیم، که کنایه به دو فرآیند درهم‌تنیده و مستمر دارد. وجه آشکار مالی شدن شهر، که گسترش مال‌ها و مراکز خرید است، به گونه‌ای که مال‌ها در نهایت جایگزین شهر می‌شوند و در نتیجه مردم از درون کوچه‌ها و خیابان‌ها به مال‌ها مهاجرت خواهند کرد. همین امر، مراکز خرید را مهم‌ترین عنصر هویتی و وجودی شهر خواهد کرد. شهر به معنای چیزی آن بیرون (خیابان، بازار سنتی و...) عملاً به درون مال‌ها و مجتمع‌های تجاری سوق یافته و بیش از آنکه بازنمای فضای بیرونی (outdoor-space) باشد، در حال تبدیل شدن به شهری درونی (Indoor-city) است. وجه دوم مالی شدن شهر، هرچه بیشتر قرار گرفتن ما زیر نوعی خاص از اقتصاد مالی و سرمایه‌گذاری تجاری جدید است که بر اساس آن شهر از نو هویت می‌یابد. شهری که ذیل بمباران مصرف، هزینه و سرمایه‌گذاری اقتصاد مصرف قرار گرفته است. شهری که با پول، کالا، مد و برندها بیشتر هویت می‌یابد تا با عناصر دیگر. بدین سان اخلاق شهروندی جدیدی در حال ظهور است که بیش از همه با امر مصرف گره می‌خورد.»

تأسیس و ساخت مراکز خرید در ایران، به دهه ۴۰ می‌رسد، همان زمانی که میزان درآمدهای نفتی اوج گرفته بود. ساختمان پلاسکو در خیابان جمهوری و بازار صفویه در خیابان ولی عصر تهران، از اولین مراکز خریدی بودند که با فضایی پوشیده و مسقف، از بازار سنتی تهران جدا شدند. تأسیس فروشگاه‌های زنجیره‌ای در ایران نیز به دهه‌های ۴۰ و ۵۰ برمی‌گردد که انبجار قیمت نفت تجربه شد. در سال ۱۳۲۸ تجربه‌های جهانی به ایران رسید و نخستین فروشگاه زنجیره‌ای با نام تعاونی مصرف سپه آغاز به کار کرد. بعد از آن، اولین شعبه فروشگاه زنجیره‌ای فردوسی در سال ۱۳۳۶ در خیابان فردوسی افتتاح شد، بعد از مدتی به فروشگاه شهر و روستا تغییر نام داد و بعد از انقلاب به یکی از زیرمجموعه‌های وزارت بازرگانی ملحق شد.

فروشگاه زنجیره‌ای کورش در سال ۱۳۴۹ با شرکت حمید کاشانی اخوان و احمد خیامی تأسیس شد و در نهایت تا پیش از انقلاب به ۱۴ فروشگاه رسید. بعد از انقلاب این فروشگاه‌ها با نام فروشگاه قدس زیر نظر بنیاد مستضعفان فعالیت کردند و در نهایت در اواخر دهه ۷۰ همراه فروشگاه‌های شهر و روستا تعطیل شدند. اما انقلاب سال ۵۷ هم به طور موقت تب مصرف‌گرایی را پایین آورد و هم بازاریان با ایفای نقش جدی در انقلاب، نیرومندتر شدند. دهه ۷۰ اما با شهردار شدن غلامحسین کرباسچی، دوره جدیدی از حیات مصرفی تهران شروع شد. مراکز خرید مختلف، ابتدا توسط شهرداری تهران احداث و بعد به بخش خصوصی واگذار شد. این تحولات هم‌زمان با پایان جنگ بود. زمانی که شکل زندگی مردم عوض شده و شیوه خرید کوپنی نیز در حال تغییر بود. عباس کاظمی در این باره می‌گوید: «از ابتدای دهه ۷۰ شهرداری تهران فروشگاه‌های شهروند را تأسیس کرد که با سایر فروشگاه‌های بعد

از انقلاب متفاوت بود. این فروشگاه‌های زنجیره‌ای جدید، گام‌های اولیه‌ای بودند برای فهم دموکراتیزه شدن خرید و مصرف در زندگی روزمره. با این فروشگاه‌ها مفهوم حق خریدار و مصرف‌کننده و در اختیار گذاشتن کالاها با استاندارد و بسته‌بندی مطلوب‌تر برای یک جامعه مصرفی ممکن شد. مردم کم‌کم در میان برندها و انواع متعدد از یک محصول حق انتخاب یافتند و به طور کلی هویت جدیدی از خرید برای تولید و عرضه‌کنندگان کالا پدیدار شد که باید آن را اقبال می‌کردند، به آن احترام می‌گذاشتند و سلاقیش را هم در نظر می‌گرفتند. به این ترتیب آنچه فروشگاه‌های زنجیره‌ای خلق کردند، گونه جدیدی از خریدار بود که پیش از این وجود نداشت. حالا مراکز خرید بزرگ بیشتر با نوع جدید مصرف‌کننده شناخته می‌شود تا خریدار. به عبارت دیگر، فروشگاه‌های زنجیره‌ای به کنش خرید کردن شکل و معنای تازه‌ای دادند اما با ظهور مراکز خرید بود که خرید رفتن و شکل فراغتی رفتن به خرید بدون آنکه ضرورتاً کالایی ابداع شود ممکن شد.»

ابتدای تأسیس فروشگاه‌های زنجیره‌ای توسط کرباسچی، بازار سنتی مقاومت‌هایی داشت و عده‌ای معتقد بودند کرباسچی می‌خواهد نقش بازار سنتی را که در دست جناح سیاسی راست بود، کم‌رنگ کند. اما هرچه بود، با قرارداد بستن سازمان‌های مختلف با فروشگاه‌های زنجیره‌ای، شیوه هل دادن سبدهای خرید چرخدار در بین مردم جا افتاد و در قالبی کهنه، در فروشگاه‌هایی بدون خلاقیت، شکلی رخوت‌انگیز به خود گرفت. در میانه‌های دهه ۸۰ اما با شهردار شدن محمدباقر قالیباف، ساخت مگامال‌ها شروع شد. مجتمع‌های تجاری غول‌پیکری مانند پلاذیوم، آرگستر، سام‌ستر و کورش، در شمال و غرب تهران احداث شدند. حالا در دهه ۹۰، مگامال‌ها هر کدام به شهری جذاب تبدیل شده‌اند. شیوه‌های جدید مصرف دنیای مدرن در غرب، به ایران نیز رسیده و تا جایی پیش رفته است که در بین ۱۰ مگامال بزرگ دنیا، ایران رتبه ۶ و ۸ را برای شهرهای توریستی اصفهان و شیراز در اختیار دارد. بازار در تاریخی‌ترین موقعیت‌های سیاسی ایران، مرکز اصلی تحولات بود تا جایی که می‌توانست با اعتصاب و تعطیلی، فتحعلی‌شاه را در سال ۱۲۸۵ وادار به امضای قانون اساسی کند. به روایت احمد کسروی در کتاب «تاریخ مشروطه ایران» ۲۰ هزار نفر عهد کرده بودند «تا امضا شدن قانون اساسی بازار را باز نخواهیم کرد». نماینده بریتانیا نیز گزارش داده بود: «کل تجار و بازرگانان را بگیر تا حمال‌ها رفتند بست نشستند در تلگراف‌خانه». حالا در دهه ۱۳۹۰ نه تنها اقتدار سیاسی بازار در هم شکسته است، بلکه به روایت کاظمی، چندپاره شده است: «مگامال‌های جدید برخلاف مراکز خرید در دهه ۷۰ مکانی چندمنظوره‌اند. در دهه ۷۰ مراکز خرید صرفاً به عنوان مکان‌هایی برای خرید کالا طراحی شده بودند اما در دهه ۹۰ مگامال‌ها هویت فراغتی را در خود غالب کرده‌اند و مجموعه‌ای از فضای بازی برای کودکان، فضاهای رستورانی و فودکورت، فضای هنری و سینمایی، فضاهای خرید به تفکیک علایق نسلی و سنی را در خود جای داده‌اند. ما اکنون با فرآیند انتقال مرکز شهر به مگامال‌ها مواجهیم. مراکز خرید دهه ۷۰ قدرت مقابله با بازار را نداشتند و تک‌بعدی به پیش رفتند اما مگامال‌های امروزی صرفاً با بازار رقابت نمی‌کنند، بلکه کل شهر را متأثر از خود می‌سازند. مگامال‌ها می‌خواهند جایگزین حضور مردم در شهر شوند و مردم را به جای حضور در خیابان برای همیشه درون خود نگاه دارند حالا بازار نه آنکه دیگر قدرتی نداشته باشد، بلکه میدان قدرت اقتصادی در شهر چندپاره شده است. شهر تهران بین مگامال‌ها و بازار، دو لایه متفاوت از شهروند را درون خود پرورش می‌دهد. مال‌ها برای شهروندانی ساخته شدند که درون شهر زندگی می‌کنند و درون همین شهر به خرید می‌روند، و توسعه مال‌ها در کشور ما برخلاف الگوی آمریکایی که اساسش بر حومه‌نشینی بود، جلو نرفت. تجربه توسعه مال‌ها در قلب شهر، به شکل‌گیری فضای زیست شهری جدیدی منجر شده است.»

| منطقه                 | ۲۰۰۸  | ۲۰۱۳  | ۲۰۱۸  |
|-----------------------|-------|-------|-------|
| آمریکای شمالی         | ۷۷۸.۷ | ۸۷۰.۷ | ۱۰۲۸  |
| اروپای غربی           | ۴۷۳.۵ | ۴۶۲.۸ | ۴۶۲.۸ |
| آسیا و حوزه اقیانوسیه | ۱۷۱.۱ | ۲۴۰.۳ | ۲۴۰.۳ |
| آمریکای جنوبی         | ۸۴    | ۱۱۲   | ۱۱۲   |
| اروپای شرقی و مرکزی   | ۶۲.۹  | ۷۶.۹  | ۷۶.۹  |
| خاورمیانه و آفریقا    | ۱۸.۶  | ۲۹.۶  | ۲۹.۶  |

پایگاه داده‌پردازی استاتیس‌تا، میزان فروش هایپرمارکت‌ها را بر اساس هر منطقه در جهان منتشر کرده و از سال ۲۰۱۸ نیز پیش‌بینی ارائه داده است.



اگرچه صنعت سال نو میلادی گسترده است و گردش مالی قابل توجهی دارد، اما از سال ۲۰۱۲ تا کنون رو به ضعف نهاده است که بعضی از تحلیل گران علت آن را، بحران اقتصادی و پایین آمدن توان خرید مردم می دانند

## صنعت کاج و بابانوئل

گردش مالی صنعت کریسمس چقدر است؟

### مهاراسخ

نزدیکی های دی ماه و بهترین اسباب بازی فروشی ها و فروشگاه هایی که لوازم تزئینی و کادویی می فروشند، عوض می شود. تقریباً در تمام آن ها، کاج های متنوع و پیرمرد های چاق قرمز پوش با ریش سفید بلند دیده می شود. قیمت آن ها نیز متنوع است؛ یک درخت کریسمس ۹۰ سانتی را می توان با ۶۰ هزار تومان خرید اما برای خرید درختی دو متری، باید ۶۰۰ هزار تومان هزینه کرد. قیمت بعضی انواع الکترونیکی درخت ها، که دانه های برقی از جنس یونولیت تولید می کنند، به دو میلیون تومان هم می رسد. بسته به کشور تولید کننده نیز، قیمت ها عوض می شود. فروشندگان می گویند برگ های درخت چینی به سرعت می ریزند اما تایلندی ها قابل شست و شو هستند و می توان سال های بعد نیز از آن ها استفاده کرد. گوی های شیشه ای روی درخت ها نیز در بسته های ۹ تایی، حدود ۷۰ هزار تومان قیمت دارند. عروسک های ۵۰ سانتی متری بابانوئل نیز حدود ۹۰ هزار تومان قیمت دارند و در اندازه های یک و نیم متری، به حدود ۵۰۰ هزار تومان هم می رسد.

بر اساس گزارش های میدانی، تنها مسیحیان ایران از این کالاها استقبال نمی کنند، سایر مردم نیز آنچه را که «صنعت کریسمس» تولید می کند، دوست دارند. اما دو ماه بعد از این، نه عروسک های حاجی فیروز زیبا و خیره کننده ای در ویترین ها وجود دارد، نه مردم حاضرند به اندازه بابانوئل، برای آن پول بدهند. حاجی فیروز، مرد سیاه رو با لباس قرمزی که پشت چراغ قرمزها می رقصد و رانندگان در دایره اش پول می ریزند، نتوانسته مانند بابانوئل آسمانی که در قطب شمال زندگی می کند، با گوزن ها سفر می کند و از راه شومینه برای بچه ها هدیه می آورد، به نماد فرهنگ و صنعت تبدیل شود؛ صنعتی که این روزها جهانی شده و از غرب تا شرق دنیا، بازار داغی را در فصل سرما ایجاد می کند.

### اقتصاد تریلیون دلاری کریسمس

یکی از سایت های اقتصادی آمریکایی می نویسد: «اقتصاد کریسمس بسیار مهم است. زیرا کریسمس فصل اوج فروش برای بسیاری از خرده فروشان در سراسر جهان است. فروش هدایا و لوازم تزئینی به طرز چشم گیری اوج می گیرد. در ایالات متحده آمریکا، فصل فروش کریسمس از اوایل ماه اکتبر شروع می شود. در کانادا، تاجران کمپین های تبلیغاتی شان را قبل از هالووین شروع می کنند و بازاریابی خود را گام به گام تا روز یازده نوامبر پیش می برند. در انگلستان و ایرلند، فصل خرید کریسمس از اواسط نوامبر شروع می شود و مردم تا زمانی که چراغ های خیابان روشن باشد، مشغول خرید هستند.»

بر اساس اطلاعات سایت های اقتصادی غربی، در ایالات متحده یک چهارم هزینه های هر شخص در طول سال مربوط به فصل

کریسمس است. بر اساس اطلاعات اداره آمار آمریکا، در سال ۲۰۰۴، درآمد فروشگاه های سراسر کشور از ۲۰۸ میلیارد دلار به ۳۱ میلیون و ۹۰۰ میلیارد دلار در ماه دسامبر افزایش پیدا کرد. آمارها نشان می دهد حتی در کتاب فروشی ها میزان خرید ۱۰۰ درصد افزایش پیدا می کند و در طلا فروشی ها به ۱۷۰ درصد افزایش می رسد. صنعت خرده فروشی در ایالات متحده در طول تعطیلات سال ۲۰۱۳، بیش از سه تریلیون دلار به دست آورد. فروش این صنعت در طول کریسمس، ۱۹.۲ درصد از فروش آن در کل سال است. در همان سال، بیش از ۷۶۸ هزار نفر نیروی جدید در این صنعت استخدام شدند تا افزایش تولید را جبران کنند. درخت کریسمس نماد اصلی و سنت جدایی ناپذیر این آیین مسیحیت است. در سال ۲۰۱۲، حدود ۳۳ میلیون درخت واقعی کریسمس فروخته شد و هر خریدار به طور متوسط ۳۵ دلار برای این درخت پرداخت کرد. در سال ۲۰۱۳ نیز، خرده فروش های آمریکایی در کل ۱۹/۱ میلیارد دلار از فروش درخت واقعی کریسمس درآمد کسب کردند.

یکی از سنت های ویژه سال جدید میلادی، «جمعه سیاه» یا Black Friday است. اسم این آخرین جمعه نوامبر، از منطق فروش و بازاریابی آمده است. فروشگاه ها کالاهايشان را از اول سال می فروشند و در ماه نوامبر، به زمانی می رسند که دیگر هر چه بفروشند، فقط برایشان سود حساب می شود. آن ها در این روز خط قرمز فروش را رد می کنند و وارد خط سیاه می شوند. بر اساس این تئوری، فروشگاه ها و خرده فروش ها بعد از گذشت ۱۱ ماه از سال، دغدغه فروش را پشت سر گذاشته اند. به همین دلیل حراج هایی فوق العاده با تخفیف های ۱۰ درصد تا ۹۰ درصد برگزار می کنند و تا روز کریسمس هر چه به دست آورند، سود خالص محسوب می شود. در جمعه سیاه، همه فروشگاه ها رأس یک ساعت، معمولاً ۵ صبح باز می شوند و خریداران به این فروشگاه ها هجوم می برند. فروشگاه ها و برندهای معتبر از ۱۰ تا ۹۰ درصد تخفیف می گذارند. ازدحام خرید در این روز به حدی بوده است که از سال ۲۰۰۶ تا به حال، ۷ نفر در این روز به خاطر خرید کریسمس، کشته شده اند. صنعت خرده فروشی آمریکا در سال ۲۰۱۴، ۹/۵۰ میلیارد دلار درآمد کسب کرد که با توجه به همان منطق سیاه و قرمز بازاریابی، تمام آن سود بوده است.

اگرچه صنعت سال نو میلادی گسترده است و گردش مالی قابل توجهی دارد، اما از سال ۲۰۱۲ تا کنون رو به ضعف نهاده است که بعضی از تحلیل گران علت آن را، بحران اقتصادی و پایین آمدن توان خرید مردم می دانند. در سال ۲۰۱۲، میزان کل خرده فروشی در جمعه سیاه ۵۹.۱ میلیارد دلار بود و هر شخص به طور متوسط، ۴۲۳.۶ دلار خرید کرده بود. اما در سال ۲۰۱۴، کل فروش به حدود ۹ میلیارد دلار سقوط کرد و خرید متوسط هر فرد، به ۳۸۰.۹ دلار رسید.

۹/۵۰

میلیارد دلار

درآمد کل

خرده فروشی های

آمریکایی در جمعه

سیاه سال ۲۰۱۴

۸۰۳

د دلار

هر فرد آمریکایی

به طور متوسط برای

خرید هدیه کریسمس

صرف می کند

۳

تریلیون دلار

صنعت خرده فروشی

آمریکایی کریسمس

۲۰۱۳ درآمد داشت

# نفس دوباره در جان توریسم

بعد از توافق هسته‌ای، چشم جهان به صنعت گردشگری ایران باز شده است

امور خارجه ایران، کمپینی را برای گردشگری ایران در شبکه‌های اجتماعی راه‌اندازی کند: «در ۲۴ نوامبر سال گذشته در محل مذاکرات، فرش ایرانی در کنار ۷ پرچم کشورهای دنیا قرار گرفته بود. من از این صحنه عکس انداختم و توییت کردم «توافق روی فرش ایرانی اتفاق افتاد». از همان زمان پروژه کمپین «ایران را باید دید» مطرح شد و در مقابله با پروژه ایران‌هراسی قرار گرفت.»

کمپین #Must See Iran از اینستاگرام شروع شد و موجی را در شبکه‌های اجتماعی به راه انداخت. در صفحه این هشتگ، بیش‌تر از ۵۰۰ هزار عکس از جاذبه‌های مختلف ایران وجود دارد. از استکان‌های کمرباریک چای در جنگل‌های شمال گرفته تا ستاره‌باران آسمان کویر، همه‌چیز تصویری از جاذبه‌های ایران در این صفحه پیدا می‌شود. این عکس‌ها توسط ایرانی‌ها و حتی توریست‌های خارجی با هشتگ «ایران را باید دید» پست شده‌اند. در یکی از تصاویر، ده زن با لباس‌های رنگی سنتی کنار هم قرار گرفته‌اند، توریستی خارجی آن را پست کرده و به انگلیسی نوشته است: «ایران مقصد شگفت‌انگیزی برای سفر است.» عراقچی می‌گوید: «این حرکت مردمی توانست به‌سرعت عده زیادی از مردم را به خود جلب کند و هشتگ ایران را باید دید، پای ثابت تصاویر مردمی از آثار باستانی تا غذاهای سنتی ایرانی شد. حضور در شبکه اجتماعی جهانی و استقبال تمام دنیا از آن، تا جایی پیش رفت که جیم اسکینو، دبیر بخش امنیت ملی شبکه جهانی سی‌ان‌ان با انتشار دو تصویر از سردر بازار بزرگ تهران و غذای سنتی دیزی، از جاذبه‌های گردشگری ایران تعریف کرد. شبکه‌های اروپایی و آمریکایی همچون واشنگتن پست، نیویورک تایمز، بلومبرگ و رادیو ملی سوئیس از این صفحه بازدید کردند و به معرفی آن پرداختند.»

بعد از توافق هسته‌ای، صنعت گردشگری ایران مورد توجه رسانه‌های بین‌المللی قرار گرفت و حتی تب‌وتاب توره‌های اروپایی را برای ایران‌گردی برانگیخت. تاجایی که روزنامه دیلی تلگراف لندن توری ۱۲ روزه برای بازدید از ایران ترتیب داد و معرفی کرد که هزینه آن روزی یک میلیون تومان بود. لوفیگاره، روزنامه فرانسوی نیز باغ‌های ایرانی و جاذبه‌های گردشگری ایران را به خوانندگان فرانسوی‌زبان معرفی کرده است: «آن ماری سلزک مدیر انجمن ملی باغبانی فرانسه (SNHF) در بهار گذشته سفر فوق‌العاده‌ای به ایران داشت. این گیاه‌شناس باتجربه توانست از باغ‌های مجلل در شهرهایی با قدمت هزاران ساله همچون تهران، شیراز و اصفهان دیدن کند. همچنین فابریس نوده لانتگلو، خبرنگار این روزنامه نیز هنگام تهیه گزارش تازه خود از ایران فرصت یافت به باغ گیاه‌شناسی مشهد، دومین شهر بزرگ ایران که شهری مذهبی برای شیعیان محسوب می‌شود، سفر کند. این تصاویر نتیجه سفر این دو گزارشگر از سفر به زیباترین باغ‌های ایرانی در کشوری است که با جاذبه‌های فراوان در محل تلاقی شرق و غرب است. توافق هسته‌ای به‌دست‌آمده در تابستان گذشته در حال پایان دادن به بیش از ۳۰ سال انزواست.»

این روزنامه در گزارشی دیگر از نمایشگاه تخصصی گردشگری پاریس از بازگشت ایران به کاتالوگ توره‌های گردشگری و رونق صنعت گردشگری کشور نوشته است: «پس از توافق تاریخی میان قدرت‌های

«یک کشور متنوع و جذاب، پر از گنجینه‌های هیجان‌انگیز برای بازدیدکنندگان، تخت‌جمشید بزرگ‌ترین چیزی است که باید ببینید؛ پایتخت باستانی داریوش و خشایارشا که به‌خوبی حفظ شده است. اصفهان نیز دوست‌داشتنی است. اما جاهای کمترشناخته‌شده‌ای نیز در ایران وجود دارد که می‌تواند حس ماجراجویی به ارمغان بیاورد. سعی کنید تخت‌سلیمان و همدان در شرق، یا رشته‌کوه البرز و سواحل جنوبی دریای خزر را حتماً ببینید. بسیاری از تحلیل‌گران بر این باورند که با ثبات سیاسی، ایران می‌تواند عنوان پربازدیدترین کشور جهان اسلام را از مصر بریابد.» روزنامه انگلیسی گاردین، در گزارشی که به‌تازگی منتشر کرده، ایران را چنین توصیف کرده است. در شروع این مطلب آمده است: «گردشگری خاورمیانه می‌تواند احیا شود؟ رمز و راز و ثروت جهان اسلام، گردشگران خارجی را جذب خود می‌کند. اما تروریسم، صنعت را در مصر و تونس و حتی کشورهایی که به‌طور مستقیم با آن درگیر نبوده‌اند، ویران کرده است. آیا راهی برای برگشت وجود دارد؟» در این گزارش، وضعیت گردشگری کشورهای مختلف خاورمیانه بررسی شده و رویکرد کلی آن نشان‌دهنده قدرت احیای توریسم در این منطقه بوده است. جانی بیلبی، بنیان‌گذار تور ماجراجویی مرزهای وحشی به گاردین می‌گوید: «ما در سال ۲۰۱۳، دو گروه گردشگر را به ایران بردیم. اما سال آینده در حال برنامه‌ریزی برای ۱۵ یا ۱۶ گروه هستیم.»

گردشگری خاورمیانه سال‌ها تحت تاثیر وجود گروه‌های تروریستی بوده است. ایران، موقعیتی خاص‌تر نیز در منطقه داشته است. سیدعلی عراقچی، در زمان مذاکرات هسته‌ای به عنوان کارمند بخش آی تی در یکی از دفاتر سازمان ملل در ژنو حضور داشته است، او روایت می‌کند: «بسیاری از همکارانم در آنجا تفاوت بین ایران و عراق را نمی‌دانستند. فکر می‌کردند ایران همان عراق است. ایران جاذبه‌های زیادی دارد اما بیشتر مردم دنیا، تنها در معرض تبلیغات منفی بودند و از پروژه‌های ایران‌هراسی تاثیر گرفته بودند.»

همین مسئله باعث شد تا برادرزاده سیدعباس عراقچی، معاون وزیر

بر اساس گزارش مسترکارت، توریست‌ها سال ۲۰۱۵ بیشترین پول را در کشورهای زیر خرج کرده‌اند.

| رتبه | شهر         | کشور                | مخارج توریست‌های بین‌المللی |
|------|-------------|---------------------|-----------------------------|
| ۱    | لندن        | انگلستان            | ۲۰/۲ میلیارد دلار           |
| ۲    | نیویورک     | ایالات متحده آمریکا | ۱۷/۳ میلیارد دلار           |
| ۳    | پاریس       | فرانسه              | ۱۶/۶ میلیارد دلار           |
| ۴    | سئول        | کره جنوبی           | ۱۵/۲ میلیارد دلار           |
| ۵    | سنگاپور     | سنگاپور             | ۱۴/۶ میلیارد دلار           |
| ۶    | بارسلونا    | اسپانیا             | ۱۳/۸ میلیارد دلار           |
| ۷    | بانکوک      | تایلند              | ۱۲/۳ میلیارد دلار           |
| ۸    | کوالالامپور | مالزی               | ۱۲ میلیارد دلار             |
| ۹    | دوبی        | امارات متحده عربی   | ۱۱/۶ میلیارد دلار           |
| ۱۰   | استانبول    | ترکیه               | ۹/۳ میلیارد دلار            |

ماه گذشته بعد از حمله تروریستی به پاریس، صنعت گردشگری این کشور با ضربه شدیدی مواجه شد و سهام شرکت‌های تفریحی و مسافرتی آن به شدت سقوط کرد.



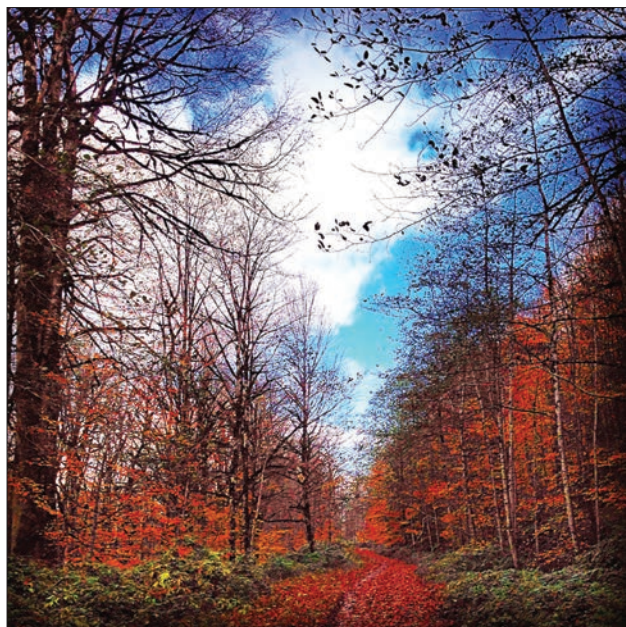
چشم‌اندازی از درون غار ایوب، یکی از غارهای استان کرمان



نمایی از طبیعت کردستان



کنبد نمکی جاشک در استان بوشهر



پاییز در جنگل‌های شمال

عکس‌ها: علی محمد خوانساری / طبیعت ایران می‌تواند به یکی از جاذبه‌های مهم گردشگری کشور تبدیل شود که توان جذب گردشگران داخلی و خارجی را دارد.

سلطانی‌فر، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری نیز به‌تازگی گفته است: «طبق آخرین آمار سازمان جهانی گردشگری، در سال ۲۰۱۴ سهم ایران از گردشگران خارجی افزایش یافته و برای اولین بار ایران در ردیف ۴۷ کشور برتر از لحاظ گردشگر ورودی در دنیا قرار گرفته است. در سال ۲۰۱۴، سهم ایران از گردشگری حدود ۵ میلیون و ۴۴ هزار گردشگر بوده است که رشد متوسط سالانه ۱۲ درصدی را در دو سال گذشته نشان می‌دهد. این در حالی است که روند رشد گردشگری در قاره آسیا سالانه ۵۰ درصد و در جهان ۴۶ درصد بوده است.»

غربی و جمهوری اسلامی ایران، این کشور به عنوان یکی از مقاصد مهم گردشگری، با قدرت به تبلیغات آنلاین‌های مسافرتی بازمی‌گردد. از مارس ۲۰۱۳ تا مارس ۲۰۱۴، ایران میزبان نزدیک به ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار گردشگر بوده است؛ مقامات این کشور امیدوارند این تعداد در ۱۰ سال آینده به بیش از ۲۰ میلیون نفر برسد.

بانک به‌تازگی گزارشی منتشر کرده که نشان می‌دهد ۲۱ میلیون نفر بیشتر از سال گذشته سفر کرده‌اند و بنابراین، گردشگری جهانی ۴ درصد رشد کرده است. گردشگری در منطقه خاورمیانه نیز رشد ۴ درصدی داشته است.

# گردش مالی «صنعت تلویزیون» در جهان چقدر است؟

## مشکل تأمین درآمد سازمان صداوسیما، محتوای برنامه‌های آن را به چالش کشیده است

### ریحانه سادات یاسینی

مدل، هدف حفظ وضع موجود، ترویج ایدئولوژی‌ها و مبانی فرهنگی اصلی جامعه است. مالکیت عمومی هم از مالکیت دولتی جدا نیست. در شرایط دموکراتیک این مدل تشکیل می‌شود تا خدماتی را به مخاطبان ارائه دهد. مالک اصلی در حوزه عمومی، مردم است. در مدل خصوصی، افراد به اعتبار شخصیت حقیقی‌شان رسانه‌ای را در تملک می‌گیرند؛ برعکس مدل عمومی، که شخصیت حقوقی مبنای اعتبار است. در مدل خصوصی، هدف می‌تواند کسب سود و تجاری باشد. البته الزام تجاری نیست و می‌تواند فرهنگی و اجتماعی هم باشد. این مدل‌ها در کل جهان جا افتاده‌اند ولی صداوسیما ایران در یک مدل نمی‌گنجد. طبق ماده ۷۵ قانون اساسی سازمان صداوسیما ایران باید دولتی باشد، اما هیچ جای قانون گفته نشده که رادیو و تلویزیون، که خود صنعت است، باید تابع سازمان صداوسیما و انحصار دولت باشد.

منتظر قائم توضیح می‌دهد که درون هر کدام از مدل‌ها منافع اقتصادی کلانی در جریان است و «صنعت تلویزیون» بسیار گسترده‌تر از صناعی مثل نساجی و... است؛ در حالی که نگاه صنعتی به آن هنوز جا نیفتاده: «مالکیت صداوسیما در ایران، مدل انحصاری یگانه است. حتی مدل عمومی هم انحصاری نیست و به سمت مدل‌های چندگانه پیش‌رفته است. اما در صداوسیما ما سعی می‌شود درون مدل دولتی، با راه‌اندازی کانال‌های متعدد، به سیاق مدل‌های چندگانه رفتار شود. این مسائل اقتصادی و مالکانه، در محتوای برنامه‌ها هم اثر می‌گذارد. تلویزیون صنعت پیچیده‌ای است و فقط نصب کابل‌های آن، میلیاردها تومان هزینه دارد. همین مسائل اقتصادی، یکی از بزرگ‌ترین دلایلی بوده که همیشه با خصوصی‌سازی بخش‌های محدودی از صداوسیما مخالفت می‌شده است. اما در جهان جدید، جایی برای انحصار دولتی وجود ندارد. رسانه انگلیس هم ترکیبی از مدل عمومی و خصوصی است و ۵ کانال سراسری بیشتر ندارد.»

◀ **صنعت تلویزیون در جهان چطور در آمد کسب می‌کند؟**  
در ابعاد جهانی، دریافت حق اشتراک و پخش آگهی‌های بازرگانی،

موهای جوگندمی دارد و ریش خاکستری‌رنگش تا زیر چانه‌اش می‌رسد. قد بلند است و با شانه‌های پهن، صدای کلفت و نگاه جدی‌اش، قامت استادان اصیل دانشگاه را تداعی می‌کند. از دانشجویان دهه هفتادی کلافه است و بارها به‌شدت از نسل آن‌ها انتقاد کرده است. او سه سال پیش، زمانی که عزت‌الله ضرغامی برای دومین بار در دوران ریاست یازده‌ساله‌اش بر صداوسیما، حاضر شده بود در جمعی دانشگاهی حاضر شود، در تالار ابن‌خلدون دانشگاه تهران درباره بزرگ‌بودن سازمان، خطاب به ضرغامی گفته بود: «یک طنزی بین ما وجود دارد، می‌گوییم اگر چه سازمان صداوسیما ۵۰ هزار نفر کارمند دارد و حقوق می‌گیرند، اما از آن تعداد فقط هزار نفر کار می‌کنند و ۴۹ هزار نفر دیگر نظارت می‌کنند.»

حالا مهدی منتظر قائم، مدیر گروه علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران، در یکی از کلاس‌های بزرگ دانشکده علوم اجتماعی با حدود ۵۰ دانشجو، دو جلسه است که از شیوه مالکیت در تلویزیون صحبت می‌کند: «مالکیت رسانه‌ها به‌طور کلی به سه دسته عمومی، خصوصی و دولتی تقسیم می‌شود. در مدل دولتی، نوع و ماهیت دولت‌ها اهمیت دارد. دولت می‌تواند در طیفی از توتالیتر (استبدادی) تا دموکراتیک باشد. در این



جدول تعرفه‌های آگهی صدا و سیما به ازای هر ثانیه در دی ماه ۹۴ که نسبت به فروردین، ۴۰ درصد افزایش قیمت داشته است (به هزار تومان)

| طبقه برنامه                   | ۱      | ۲      | ۳       | ۴       | ۵       | ۶       | ۷       | ۸       | ۹       | ۱۰      | ۱۱      | ۱۲      | ۱۳      |
|-------------------------------|--------|--------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|
| قبل برنامه - زیر نویس         | ۱۴۰۰۰۰ | ۲۱۰۰۰۰ | ۲۹۴۰۰۰  | ۳۹۲۰۰۰  | ۵۰۴۰۰۰  | ۶۳۰۰۰۰  | ۷۷۰۰۰۰  | ۹۲۴۰۰۰  | ۱۰۹۲۰۰۰ | ۱۲۷۴۰۰۰ | ۱۴۷۰۰۰۰ | ۱۱۶۸۰۰۰ | ۱۹۰۴۰۰۰ |
| بین برنامه - قبل تقدیم برنامه | ۲۸۰۰۰۰ | ۴۲۰۰۰۰ | ۵۸۸۰۰۰  | ۷۸۴۰۰۰  | ۱۰۸۰۰۰۰ | ۱۲۶۰۰۰۰ | ۱۵۴۰۰۰۰ | ۱۸۴۸۰۰۰ | ۲۱۸۴۰۰۰ | ۲۵۴۸۰۰۰ | ۲۹۴۰۰۰۰ | ۳۳۶۰۰۰۰ | ۳۸۰۸۰۰۰ |
| بین تقدیم برنامه              | ۵۶۰۰۰۰ | ۸۴۰۰۰۰ | ۱۱۷۶۰۰۰ | ۱۵۶۸۰۰۰ | ۲۰۱۶۰۰۰ | ۲۵۲۰۰۰۰ | ۳۰۸۰۰۰۰ | ۳۶۹۶۰۰۰ | ۴۳۶۸۰۰۰ | ۵۰۹۶۰۰۰ | ۵۸۸۰۰۰۰ | ۶۷۲۰۰۰۰ | ۷۶۱۶۰۰۰ |
| بعد برنامه - بعد تقدیم برنامه | ۱۱۲۰۰۰ | ۱۶۸۰۰۰ | ۲۳۵۲۰۰  | ۳۱۳۶۰۰  | ۴۰۳۲۰۰  | ۵۰۴۰۰۰  | ۶۱۶۰۰۰  | ۷۳۹۲۰۰  | ۸۷۳۶۰۰  | ۱۰۱۹۲۰۰ | ۱۱۷۶۰۰۰ | ۱۳۴۴۰۰۰ | ۱۵۲۳۲۰۰ |
| حک آرم                        | ۳۵۰۰۰  | ۵۲۵۰۰  | ۷۳۵۰۰   | ۹۸۰۰۰   | ۱۲۶۰۰۰  | ۱۵۷۵۰۰  | ۱۹۲۵۰۰  | ۲۳۱۰۰۰  | ۲۷۳۰۰۰  | ۳۱۸۵۰۰  | ۳۶۷۵۰۰  | ۴۲۰۰۰۰  | ۴۷۶۰۰۰  |
| رپورتاژ آگهی                  | ۹۸۰۰۰  | ۱۴۷۰۰۰ | ۲۰۵۸۰۰  | ۲۷۴۴۰۰  | ۳۵۲۸۰۰  | ۴۴۱۰۰۰  | ۵۳۹۰۰۰  | ۶۴۶۸۰۰  | ۷۶۴۴۰۰  | ۸۹۱۸۰۰  | ۱۰۲۹۰۰۰ | ۱۱۷۶۰۰۰ | ۱۳۳۲۸۰۰ |



حق اشتراک تلویزیون در بریتانیا سالانه ۱۴۵.۵ پوند برای هر خانه است و نپرداختن این مبلغ برای کسانی که برنامه‌های تلویزیونی را به صورت مستقیم تماشا می‌کنند، جرم محسوب می‌شود.

# ۱۳

میلیارد دلار

درآمد بی‌بی‌سی از  
حق اشتراک در سال  
۲۰۱۴

# ۱۰۶۲

میلیارد تومان

بودجه صداوسیما در  
لایحه بودجه  
۹۴

# ۱۷۱

میلیارد دلار

درآمد تلویزیون  
آمریکا در سال  
۲۰۱۴

گفت سازمان صداوسیما ایران، حدود ۲ هزار میلیارد تومان بودجه در اختیار دارد. البته سهرابی، مدیر کل روابط عمومی صداوسیما، می‌گوید این سازمان به ۳ هزار میلیارد تومان بودجه دولتی نیاز دارد. محمد سرافراز، رئیس سازمان صداوسیما، مدتی پیش گفته بود: «کمک دولت به رسانه ملی ۱۰۰۰ میلیارد تومان است و برای این که عمق فاجعه را متوجه شوید باید بدانید در سفر اخیر رئیس جمهوری به استان گیلان، برای ساخت ۱۱ کیلومتر آژادراه منجیل - رشت ۹۰۰ تا ۱۰۰۰ میلیارد تومان اختصاص یافت. یعنی رسانه‌ای با ابعاد ملی و محلی و منطقه‌ای ۱۰۰۰ میلیارد تومان کمک بگیرد، آن وقت ۱۱ کیلومتر آژادراه هم ۱۰۰۰ میلیارد تومان می‌شود.» صداوسیما می‌گوید در خصوص طلب‌شان از دولت هم صحبت‌هایی داشتند که با واکنش مشاور فرهنگی رئیس‌جمهور روبه‌رو شد. حسام‌الدین آشنا در فیس‌بوک خود نوشته است: «این روزها مطالب مختلفی درباره وضعیت مالی صداوسیما طرح می‌شود. واقعیت این است که این سازمان تا دلتان بخواهد با روش‌های مختلف از منابع عمومی مطالبه می‌کند اما هیچ طلبی از بودجه رسمی و مصوب ندارد.»

گزارش‌های تحقیقی و بررسی آمارهای مختلف نشان می‌دهد درحالی که صنعت رسانه‌ای غرب، روزبه‌روز قدرت‌مندتر می‌شود، هنوز در ایران مشکلات مربوط به مالکیت و تأمین اقتصادی سازمان صداوسیما بعد از آن صنعت رادیو و تلویزیون حل نشده و سازوکار مشخصی برای آن وجود ندارد. اساتید علوم ارتباطات و رسانه معتقدند تا زمانی که بحث‌های تأمین مالی برای یک سازمان رسانه‌ای روشن نباشد، نمی‌توان از آن انتظار تولید محتوای مناسب داشت. مهدی منتظر قائم، مدیر گروه علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران، بحث کلاسیک را درباره مالکیت تلویزیون، این‌طور تمام کرد: «صداوسیما ما الان حتی تابع مدل دولتی هم نیست. از دولت بودجه می‌گیرد، اما در راستای اهداف آن نیست. این سازمان ابتدا باید دولتی شود تا نظم بگیرد. بعد از یک دوره سه‌چهار ساله، مدل دولتی تبدیل به عمومی شود. بعد از آنکه دولت‌زدایی شد، توسط خود نیروهای صداوسیما رسانه‌های خصوصی نیز می‌توانند راه‌اندازی شوند.»

دومین اصل در آمد برای صنعت تلویزیون محسوب می‌شود. بسیاری از رسانه‌های غربی در مدل عمومی، از جمله بی‌بی‌سی، با گرفتن حق اشتراک از مخاطبان‌شان پول در می‌آورند. در بریتانیا، حق اشتراک تلویزیون سالانه ۱۴۵.۵ پوند برای هر خانه است و نپرداختن این مبلغ برای کسانی که برنامه‌های تلویزیون را به صورت مستقیم تماشا می‌کنند، جرم محسوب می‌شود.

تابستان امسال دولت بریتانیا اعلام کرد بی‌بی‌سی موظف خواهد شد که حق اشتراک افراد بالای ۷۵ سال را خود به‌عهده بگیرد. بر اساس این تصمیم، در چند سال آینده ۶۵۰ میلیون پوند از بودجه سالانه بی‌بی‌سی، حدود یک-پنجم از کل بودجه آن، کاهش خواهد یافت. تعدادی از هنرمندان سرشناس به این تصمیم دولت بریتانیا اعتراض کردند و در نامه‌ای سرگشاده نوشتند: «بی‌بی‌سی کوچک‌شده به راحتی به معنای بریتانیای کوچک‌شده است.» به گزارش گاردین، میزان درآمد صنعت تلویزیون در بریتانیا مرز ۱۳ میلیارد دلار را نیز شکسته است. در سال ۲۰۱۳ درآمد بی‌بی‌سی از حق پخش، ۱۲.۸ میلیارد دلار بود. این رقم در سال ۲۰۱۴/۱۳ درصد افزایش یافت؛ که البته بیشتر آن، به دلیل پوشش جام جهانی برزیل بود.

با وجود پرداخت حق اشتراک در بسیاری از مدل‌های تلویزیونی کشورهای توسعه‌یافته، آگهی‌های تجاری، یکی از اصلی‌ترین منابع کسب درآمد محسوب می‌شود. درآمد بی‌بی‌سی از پخش تبلیغات نیز در سال ۲۰۱۴/۱۳ درصد افزایش یافت و به ۳.۸ میلیارد دلار رسید. صنعت تلویزیون در آمریکا نیز درآمد قابل توجهی دارد. بنا به تحقیقات پایگاه داده پر دای استاتیستا در سال ۲۰۱۲، تلویزیون آمریکا ۶۱.۹ میلیارد دلار از محل آگهی‌های بازرگانی، ۱۰.۹ میلیارد دلار از حق اشتراک و مجموعاً ۱۷۱ میلیارد دلار درآمد کسب کرد. پیش‌بینی می‌شود این رقم در سال ۲۰۱۷ به ۲۱۷.۹ میلیارد دلار برسد که ۷۲.۳ میلیارد دلار آن سهم تبلیغات و ۱۴۵.۶ میلیارد دلار، سهم حق اشتراک خواهد بود.

با جست‌وجوی اینترنتی در وبسایت‌های خبری و آماری انگلیسی‌زبان، به راحتی می‌توان به منابع درآمد رسانه‌های آمریکایی و انگلیسی از محل آگهی‌ها و حق پخش دسترسی پیدا کرد. اما در خصوص صداوسیما ایران، با زیر و رو کردن خبرگزاری‌ها و صحبت‌های مسئولین مختلف نیز نمی‌توان به اعداد و ارقام دقیقی رسید. در این زمینه، نزاع‌هایی وجود دارد که تسویه حساب آن، به بخش‌های خبری نیز رسیده است. چند ماه پیش، کامران نجف‌زاده در یکی از قسمت‌های صرفاً «جهت اطلاع» در بخش خبری ۲۰:۳۰ گفت: «اگر می‌بینید خبرها به این صورت شده، بدانید حقوق ما دست دولته و اگر غیر این عمل کنیم، بودجه صداوسیما را نمی‌دهند و حقوق ما را قطع می‌کنند. پس مجبوریم بگیریم همه جا آرومه... امشب شب ۵شنبه است، فاتحه بخوانیم برای آنان که که رفتند و راحت شدند.»

بر اساس گزارش روابط عمومی سازمان صداوسیما، بودجه جاری و عمرانی این سازمان بر اساس قانون بودجه سال ۱۳۹۳، ۹۶۷ میلیارد تومان بوده و در سال ۹۴ نیز هزار و ۶۷ میلیارد تومان بودجه به این سازمان اختصاص یافته است. بنابراین بودجه صداوسیما در سال اخیر ۱۰ درصد رشد داشته است. هم‌چنین به گفته مسئولین صداوسیما، این سازمان در سال گذشته از محل پخش آگهی ۸۹۰ میلیارد تومان درآمد داشته و دولت، این سازمان را موظف کرده تا امسال ۱۲۰۰ میلیارد تومان از این محل درآمد کسب کند. با این حساب می‌توان

| بودجه صداوسیما طی سال‌های ۸۴ تا ۹۲ |                                        |                      |       |                       |
|------------------------------------|----------------------------------------|----------------------|-------|-----------------------|
| سال                                | بودجه مذکور در قانون<br>(میلیارد ریال) | رشد سالانه<br>(درصد) | تورم  | عدد ثابت<br>در سال ۹۲ |
| ۱۳۸۴                               | ۲۷۸۴                                   | *                    | *     | ۱۲۳۰۳                 |
| ۱۳۸۵                               | ۳۱۳۴                                   | ۵۷/۱۲                | ۸۸/۱۱ | ۱۲۳۷۸                 |
| ۱۳۸۶                               | ۳۹۸۶                                   | ۱۹/۲۷                | ۴۴/۱۸ | ۱۳۲۹۳                 |
| ۱۳۸۷                               | ۴۷۵۶                                   | ۳۲/۱۹                | ۳۷/۲۵ | ۱۲۶۵۱                 |
| ۱۳۸۸                               | ۵۴۸۱                                   | ۲۴/۱۵                | ۷۵/۱۰ | ۱۳۱۶۴                 |
| ۱۳۸۹                               | ۶۷۹۴                                   | ۹۶/۲۳                | ۴۰/۱۲ | ۱۴۵۱۷                 |
| ۱۳۹۰                               | ۶۸۹۴                                   | ۴۷/۱                 | ۴۹/۲۱ | ۱۲۱۲۵                 |
| ۱۳۹۱                               | ۹۲۱۸                                   | ۷۱/۳۳                | ۵۴/۳۰ | ۱۲۴۲۰                 |
| ۱۳۹۲                               | ۹۴۷۹                                   | ۸۳/۲                 | ۷۳/۳۴ | ۹۴۷۹                  |
| جمع                                | ۵۲۵۲۶                                  |                      |       | ۱۱۲۳۳۰                |

قوانین بودجه سال‌های ۸۴ لغایت ۹۲ / منبع: بانک مرکزی

# کارتون خوابی در حاشیه بازار

گزارش - گفت‌وگوی آینده‌نگر درباره اعتیاد و کارتن خوابی در پایتخت

و به دنبال آن تعطیلی خیلی از واحدهای تولیدی، منجر به بیکاری کارگران ساده‌ای شد که با حداقل دستمزد وزارت کار در حاشیه‌های تهران با پول پیش دو تا سه میلیون تومان زندگی می‌کردند. مصاحبه‌های زیادی با کارتن خواب‌ها داشتیم و در تحقیقات میدانی خودم به این نتایج رسیده‌ام. آنها ماهیانه زیر ۳۰۰ هزار تومان هم کرایه می‌دادند. وقتی به صورت ناگهانی هزینه‌های زندگی افزایش پیدا کرد، پول پیش آنها هم به ۷-۸ میلیون رسید. این افراد به صورت هم‌زمان هم بیکاری را تجربه کردند و هم نتوانستند اجاره‌شان را پرداخت کنند. انباشتنی مشکلاتشان به اینجا رسید که در آخر، صاحب‌خانه هم آنها را جواب کرد و سر از خیابان درآوردند. اواخر سال ۹۲ وقتی به پارک می‌رفتم و وضعیت کارتن خواب‌ها را می‌دیدم، متوجه شدم آن‌ها به صورت خانوادگی ماه‌ها در پارک زندگی می‌کنند. اولین بار که از کارتن خوابی خانوادگی گفتم همه تعجب می‌کردند و همان‌جا بود که بحث کارتن خوابی زنان هم رشد کرد.»

به تعبیر دانشور، بعد از بحران اقتصادی، اعتیاد هم در بین زنان رشد کرد: «حضور زنان در پارک و عدم حمایت از آنها باعث شد به اعتیاد رو بیاورند. فروپاشی خانوادگی و آسیب‌دیدگی عزت نفس این افراد باعث می‌شد به هر کاری دست بزنند. انباشتنی این مشکلات در طول زمان و غفلت خیلی از دستگاه‌ها باعث فقر غلظت یافته شد. در این مقطع شهرداری حساس شد و با راه‌اندازی مددسراها و سامان‌سراها اقدام به جمع‌آوری این افراد کرد. اما در این طرح مددسراها هم اولویت با مردان بود و برای زنان پیش‌بینی نشده بود. یک مرکز بیشتر راه‌اندازی نکردند که ظرفیت ۱۴۰ نفر را داشت در صورتی که تعداد کل زنان کارتن خواب ۱۷۰۰ تا ۲ هزار نفر گزارش شده بود. بعداً مددسرای لویزان هم اضافه شد. اما لویزان هم فقط ویژه زنان بود و اصلاً جایی برای اسکان کودکان و شیرخوران نداشتیم و نداریم.»

دانشور سال ۱۳۸۲ شرکتی معدنی تأسیس کرد و در حال حاضر بهره‌برداری از سه معدن بزرگ سنگ آهن در شاهرود، رفسنجان و بیجار را برعهده دارد. او می‌گوید بعد از دیدن خلأها در حوزه بازپروری زنان معتاد، خودش دست به کار شده است: «هوسسه مهرآفرین را با یک چهارم از درآمد فعالیت اقتصادی‌ام، یعنی صادرات مواد معدنی راه‌انداختم و در آنجا محلی را برای این مادران و کودکان تدارک دیدیم. ابتدا در کل مسافرخانه‌های تهران فقط یکی حاضر شد با ما همکاری کند. الان هم با توجه به حساسیت ماجرا و بحث فروش نوزادان، کارتن خوابی گسترده وارد ششمین سال می‌شود. این زنان هر کدام بارداری را سه‌چهار بار تجربه می‌کنند، بچه‌هایشان در پارک به دنیا می‌آیند، در همان‌جا بزرگ می‌شوند و مشکلات خیلی زیادی به وجود می‌آید و بحث فروش نوزادان نیز به راه می‌افتد. اولین بار که در این باره صحبت کردم، خیلی‌ها حساس شدند و واکنش شدیدی نشان دادند. اولین واکنش هم مربوط به رهبری بود. ایشان دو جلسه سه‌ساعته وقت گذاشتند، به گزارش‌ها گوش کردند و به نهادهای متولی دستور دادند در این زمینه اقدام جدی انجام دهند. شهرداری نیز مرکز شفق را در کهریزک که ظرفیت پذیرش ۷۰۰ زن را دارد، راه‌اندازی کرد.»

بسیاری از معضلات و آسیب‌های اجتماعی، در محله‌های اطراف بازار تهران پدید آمده و رشد کرده‌اند. جایی که نبض فعالیت اقتصادی جریان

یک طرف خیابان، مغازه‌های کفش‌فروشی کنار هم قرار گرفته‌اند. بعضی‌هایشان ویترونی مدرن دارند و کتانی‌هایی با مارک‌های معروف می‌فروشند. بعضی دیگر نیز هنوز به سیاق دهه شصت و هفتاد، باقی مانده‌اند. از کفش‌های سی‌هزار تومانی گرفته تا برندهای سیصد هزار تومانی در اینجا پیدا می‌شود. آن طرف خیابان، مغازه‌های فروش چرخ و سایر ابزارهای خیاطی کنار هم قرار گرفته‌اند. خیابان خیام، میدان امام خمینی و خیابان وحدت اسلامی، مانند همیشه آخر هفته‌هایش شلوغ و پرازحام است. کاسب‌ها مشغول چرتکه انداختن روزمره هستند و باربرها با بسته‌هایی سنگین روی کمر، از میان مردمی که کیسه‌های خرید در دست دارند، می‌گذرند. در نزدیکی این شلوغی، محله هرندی قرار دارد و بیشتر تهرانی‌ها می‌دانند نباید گذرشان به آن سمت بیفتد. محله‌ای که به روایت سردار ساجدی‌نیا، فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ، ۱۶ هزار معتاد در آن وجود دارد.

فاطمه دانشور، رئیس کمیسیون اجتماعی شورای شهر تهران به «آیندنگر» می‌گوید: «در این محله، ۵ هزار پلاک ثبت شده است. خانوارهای زیادی داخل یک خانه زندگی می‌کنند. می‌توان گفت به ازای هر پلاک، ۶۰ نفر در یک خانه زندگی می‌کنند که به صورت مجردی اتاق اجاره کرده‌اند. اکثریت افراد هم معتاد هستند و بنابراین آمار نیروی انتظامی دور از ذهن نیست. آسیب‌های اجتماعی را با غلظت شدیدی در اطراف بازار بزرگ تهران داریم. جایی که ۵ درصد از کل اقتصاد کشور در دستش است. معضلات در آنجا توسط کارگران ارزان قیمت به وجود می‌آید و به محله هرندی در نزدیکی خیابان وحدت اسلامی کشیده می‌شود. در آنجا خانه‌های مجردی زیادی وجود دارد که منشأ بسیاری از مشکلات در محدوده بازار است. اما بازار با توجه به پتانسیل و توان بالا، نقش خودش را برای پیشگیری، حل یا کمتر کردن این مشکلات ایفا نکرده است.»

## ← کارتن خوابی خانوادگی روی پوست شهر

«نوزاد ۴ ماهه‌ای که اوردوز کرده بود، مرد». این تیر سال گذشته، در رسانه‌ها سر و صدای زیادی کرد. عرشیا، نوزاد ۴ ماهه، از یک پدر و مادر معتاد متولد شده بود. از ابتدای تولد نارسایی قلبی داشت و در خانه‌ای که محل مصرف مواد مخدر بود، نفس می‌کشید و بعد از ۴ ماه و دوبار ایست قلبی، به علت اوردوز ناشی از مصرف مواد مخدر، زندگی‌اش به پایان رسید. این نوزاد، در محله «لب خط» در جنوب تهران متولد شده بود. نوزادان زیاد دیگری نیز شبیه او در خانواده‌های معتاد به دنیا می‌آیند، حتی در خانواده‌هایی که کارتن خواب هستند. در سال ۸۶ حدود دو هزار کارتن خواب در کل تهران زندگی می‌کردند، این تعداد در سال ۹۲ به ۱۲ هزار و سال ۹۳ به ۱۵ هزار رسید. پیش‌بینی می‌شود تعدادشان در سال ۹۴، به ۲۴ هزار نفر برسد. فاطمه دانشور، عضو شورای شهر و عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، این آمار را از کارتن خوابی مطرح می‌کند و درباره علل آن می‌گوید: «بحث کارتن خواب‌ها یکی از پدیده‌های جدید اعتیاد است که به دنبال مهاجرت‌ها از روستاها و کشورهای همسایه شکل گرفته و در سال‌های گذشته با شدت زیادی هم رشد کرده است. عمده‌ترین دلیل این اتفاق مشکلات اقتصادی بود که کشور تجربه کرد. افزایش یکباره قیمت دلار

۱۵

هزار  
نفر در سال ۹۳ در  
تهران کارتن خوابی  
می‌کردند

۱۶

هزار  
معتاد در محله  
هرندی تهران زندگی  
می‌کنند





در کشورهای پیشرفته، بنگاه‌های اقتصادی صرفاً به فعالیت اقتصادی خودشان نمی‌پردازند بلکه به خاطر مسئولیت اجتماعی، در بحث آسیب‌های اجتماعی هم ورود می‌کنند.

بخشی است. دستگاه‌های متولی از جمله شهرداری، نیروی انتظامی، وزارت بهداشت، آموزش و پرورش، مجلس، قوه قضاییه و هلال احمر، همه وظیفه دارند با مشارکت متقابل معضل کارتن‌خوابی را حل کنند. اگر یکی از آنها نباشد، انگار بقیه هم نیستند.» او ادامه می‌دهد: «در حال حاضر شهرداری و نیروی انتظامی هستند، ولی بقیه نیستند. نهاد ریاست‌جمهوری در این زمینه فعال نیست. مشارکت جدی از سمت آنها ندیده‌ام. واکنش و حساسیت جدی از سمت دولت مشاهده نکردم. اهمال کاری بزرگی هم متوجه مجلس است که در این مدت کمترین وقت را برای اصلاح قوانین گذاشته است. مردم در این حوزه مطالبه‌گر بوده‌اند اما قانون لایحه حمایت از کودکان ۸ سال است که در مجلس معطل است و این فاجعه است.»

بنابراین روایت جامعه‌شناسان و مقامات قضایی، زمان دسترسی به مواد مخدر در تهران بین ۵ تا ۱۰ دقیقه است. در یکی از حلیی آبادهای پایتخت، افغان‌های زیادی زندگی می‌کنند که روزگارشان را با ضایعات‌فروشی می‌گذرانند. یکی از آنها، مرد ۵۰ ساله‌ای است که اعتیاد شدیدی دارد و با کار کردن زن و بچه‌اش، زندگی می‌کند. او می‌گوید: «از وقتی به ایران آمدم اعتیادم بیشتر شد. می‌گویند افغانستان محل اصلی مواد است، اما واقعا در ایران راحت‌تر مواد گیر می‌آوریم.»

دانشور درباره سرعت و سهولت دسترسی به مواد مخدر می‌گوید: «این هم باز مربوط به دستگاه‌های متولی و ستاد مبارزه با مواد مخدر است. ما همسایه افغانستان هستیم که بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد در دنیاست و ایران محل گذر آن مواد است. چون مسیر توزیع از اینجا می‌گذرد و ما هم برنامه درستی برای مقابله با آن نداریم، به میزان خیلی زیادی مواد در دسترس است. به طور کلی سیستم‌های نظارتی ضعیف هستند و به لحاظ قانونی خلأ جدی داریم. هنوز در زمینه مواد روان‌گردان صنعتی خلأهای قانونی وجود دارد. هنوز کسی که شیشه مصرف می‌کند و در اثر توهم قتل مرتکب می‌شود، در قانون به صورت صریح مشخص نشده که حکمش چیست. بچه‌های افراد مبتلا به اعتیاد شیشه، امنیت ندارند و اتفاق‌های بدی برایشان می‌افتد اما هیچ ساز و کاری برای حمایت از آنها وجود ندارد.»

ریشه حاشیه‌نشینی، اعتیاد، قتل و سایر بزهکاری‌ها به اقتصاد می‌رسد. در شرایطی که خط فقر تهران به روایت اقتصاددانانی مانند حسین راغفر، به ۳ میلیون تومان برای خانواده‌های ۴ نفره رسیده است، خانواده‌های دهک‌های یکم و دوم با درآمد ماهانه زیر ۵۰۰ هزار تومان زندگی می‌کنند. میانگین هزینه دختانیات در خانوارهای شهری، ۰٫۴ درصد است، اما در خانواده‌های دهک یکم، ۱٫۴ درصد از هزینه‌ها به مواد دخانی اختصاص دارد. این هزینه در خانوارهای دهک دهم، صفر است. البته این اعداد و ارقام، بر اساس آمارهای بانک مرکزی است که در مصاحبه با خانواده‌ها به دست آمده است. کارشناسان اقتصادی و اجتماعی اعتقاد دارند رقم دقیق هزینه‌های دخانی، هیچ‌وقت از سوی خانواده‌ها اعلام نمی‌شود.

فاطمه دانشور نیز در تمام صحبت‌هایش، بر مسائل اقتصادی و عملکرد نادرست نهادهای مختلف تأکید زیادی دارد: «یک سری بحران‌های اقتصادی را پشت هم تجربه کردیم و این باعث شد قشر پایین‌دست و جامعه کارگری با مشکلات جدی مواجه شود. یکی از آنها به این دلیل است که نهادهای حمایتی برای پیشگیری عمل نکردند. نه تنها نهادهای حمایتی نداریم، بلکه در برنامه‌های توسعه از اول تا پنجم و احتمالاً هم برنامه ششم که در دست تدوین است، این بحث‌ها به صورت جدی و کارشناسی وارد نشده است. یکی از اقدامات غلط دولت قبلی ادغام وزارت‌خانه‌های کار، تعاون و رفاه اجتماعی با یکدیگر بود. در نتیجه این ادغام، تمام مسائل اجتماعی ما به یک معاونت اجتماعی در وزارت کار محدود شده، که متولی اداره آن هم اقتصاد خوانده و نگاه تخصصی و اجتماعی به معضلات جامعه ندارد.»



عکس: رضا معطرزین

دارد و مشکلات اجتماعی، به چشم بسیاری از کاسبان نمی‌آید. دانشور، زن شناخته‌شده در فضای کارآفرینی، می‌گوید: «تمام بنگاه‌های اقتصادی مسئولیت اجتماعی دارند که به آن CSR گفته می‌شود. در خیلی از کشورهای پیشرفته، بنگاه‌های اقتصادی صرفاً به فعالیت اقتصادی خودشان نمی‌پردازند بلکه در بحث‌های اجتماعی هم ورود می‌کنند. ولی بنگاه‌های کشور ما هنوز به طور جدی به این بحث‌ها ورود نکرده‌اند. خیلی‌ها شاید فعالیت‌های خیریه انجام می‌دهند، اما کارهایشان به ساخت مدرسه محدود می‌شود و هنوز به بحث آسیب‌های اجتماعی حساس نشده‌اند. به عنوان فعال اقتصادی، باید از خودم و بقیه ببرسم که چقدر در به وجود آمدن این مشکلات نقش داشته‌ایم و چقدر برای انجام وظیفه در قبال جامعه، برنامه داشته‌ایم؟»

## ← معتاده‌ها کودک می‌کشند

حوالی بازار تهران، نزدیکی‌های ظهر مادری پسرش را برای خریدن نان به بیرون از خانه می‌فرستد. چند دقیقه بعد اما، همسایه‌ها هر اسان زنگ خانه‌اش را می‌زنند و خبر از پیدا کردن جسد سپهر ده‌ساله می‌دهند. جسد کودکی که به روایت پلیس، به شکل خشنی با چاقو سر بریده شده بود. قاتل این کودک که در شهر یور امسال کشته شد، گفته بود چیزی از صحنه قتل به یاد نمی‌آورد: «بچه را که دیدم یاد بچگی خودم افتادم چون خیلی شبیه بچگی خودم بود. من دروغ نمی‌گویم. من بیمارم. صحنه قتل را هم اصلاً یادم نیست. فقط یادم است که چاقو را برداشتم.» بیماری او، اعتیاد و توهم تشخیص داده شده بود. اشکان ۳۵ ساله می‌گوید: «از مادرم پول می‌گیرم تا مواد بخرم. اگر او پول ندهد و وسایلم و کفش‌هایم را می‌فروشم. سال ۸۲ در یک بانک کار می‌کردم اما ۵ سال بعد وقتی فهمیدند معتام اخراج کردند.»

فاطمه دانشور، رئیس کمیسیون اجتماعی شورای شهر تهران به «آینده‌نگر» می‌گوید نهادهای مختلف برای حل این مشکلات، کم‌کاری کرده‌اند: «در بحث آموزش مشکلات زیادی وجود دارد. مردمی که در اطراف کارتن‌خواب‌ها زندگی می‌کنند، آموزش ندیده‌اند که باید چه برخوردی با آنها داشته باشند. گزارش شده که بچه در هنگام رفتن به مدرسه، توسط کارتن‌خواب‌ها سر بریده شده است. کارتن‌خواب معتام توهم داشته و سر بچه را بریده است. صدا و سیما نقش آموزش‌دهنده خودش را به درستی ایفا نکرده و والدین در اطراف کارتن‌خواب‌ها نیز آموزش ندیده‌اند. راهکار این قضیه بین

۲

هزار

زن در تهران  
کارتن‌خواب هستند

آسیب‌های  
اجتماعی در  
اطراف بازار  
بزرگ تهران  
شدیدتر از هر  
جای دیگر است،  
بازاری که ۵  
درصد از اقتصاد  
کل کشور در  
دست آن است



میز گردی با حضور پرویز عقیلی کرمانی، مسعود نیلی، علینقی مشایخی، احمد عزیزی و احمد دوست حسینی در مورد الزامات کاهش نرخ بهره بانکی و طرح انتشار اوراق بدهی

## بازار سرمایه بار تامین مالی را از دوش بانک‌ها برمی‌دارد؟

محمد عدلی

نرخ تورم روند نزولی خود را طی دو سال اخیر با سرعت بالایی طی کرد تا جایی که این شاخص از سطح ۴۵ درصد در میانه سال ۹۲ به حدود ۱۴ درصد رسیده است. نرخ سود بانکی اما هنوز نتوانسته خود را با کاهش نرخ تورم هماهنگ کند. نرخ سود سپرده‌های بانکی به طور رسمی ۲۰ درصد است و برخی موسسات پولی ارقام بالاتری را نیز برای آن در نظر می‌گیرند. عدم کاهش نرخ سود بانکی را یکی از دلایل رکود و کند بودن رشد اقتصادی می‌شناسند. تحلیل گران اقتصادی از افزایش تقاضا در بازار پول نسبت به عرضه آن به عنوان اصلی‌ترین دلیل عدم کاهش نرخ بهره بانکی یاد می‌کنند. در این شرایط پیشنهاد انتشار اوراق قرضه و اوراق بدهی در اقتصاد مطرح شده است. طراحان این پیشنهاد معتقدند که از این طریق می‌توان بنگاه‌های بزرگ اقتصادی را به بازار اوراق هدایت کرد و تقاضا را در بازار پول کاهش داد تا زمینه برای نزول نرخ بهره بانکی فراهم شود. پرویز عقیلی کرمانی از کارشناسان و مدیران با سابقه بانکی از این طرح دفاع می‌کند و آن را راه‌گشا می‌داند. عقیلی در میزگرد «آینده‌نگر» به دفاع از این طرح پرداخته است و اقتصاددانان دیگر یعنی مسعود نیلی، علینقی مشایخی، احمد عزیزی و احمد دوست حسینی به بررسی و تحلیل این پیشنهاد پرداخته‌اند. متن کامل این گفت‌وگوشنود را می‌خوانید.

**بالا ماندن نرخ سود بانکی در شرایطی که نرخ تورم کاهش یافته** به یک مسئله اساسی در اقتصاد ایران بدل شده است. این موضوع اختلاف نظرهایی را به دنبال داشته است. ریشه این موضوع در تقاضای بالا از بانک‌ها عنوان می‌شود. آقای عقیلی کرمانی طرحی را در مورد انتشار اوراق مرابحه مطرح ساخته‌اند و آن را راه‌حلی برای کاهش تقاضا از بانک‌ها و در نتیجه کاهش نرخ سود بانکی می‌دانند. اگر امکان دارد ایشان نکات مورد نظر خود را در این زمینه بفرمایند و بعد نظرات دیگر مطرح شود.

**عقیلی کرمانی:** باید شرایطی ایجاد شود که نرخ سود بانکی به طور واقعی و نه دستوری کاهش یابد. عدم کاهش نرخ سود بانکی به موازات کاهش نرخ تورم یکی از نشانه‌های بروز پدیده کساد در اقتصاد است. مسئله اینجاست که فشار بالا بر سیستم بانکی به عنوان اصلی‌ترین منبع تامین مالی در اقتصاد موجب شده تا در شرایطی که اوضاع بانک‌ها از نظر منابع به دلایل مختلف مناسب نیست، تقاضای بالایی وجود داشته باشد و نرخ بهره پایین نیاید. حل مشکلات اقتصاد کشور از طریق تامین منابع از محل منابع سیستم بانکی امکان‌پذیر نیست. سیستم بانکی قادر به تامین توانان کسری بودجه دولت و نیازهای مالی بخش خصوصی نیست. وضعیت سیستم بانکی در کشور وخیم است. حجم مطالبات معوق بسیار بالاست. پرداخت اعتبارات دچار تغییر مفهوم شده و در عمل به جای تامین سرمایه در گردش تبدیل به تامین منابع دائمی و سرمایه شده است که اتفاق بسیار خطرناکی است. در این شرایط انتشار اوراق استقراضی برای برداشتن بخشی از بار از روی دوش سیستم بانکی و کمک گرفتن از بازار سرمایه مورد نظر است. این پدیده در جهان به کار گرفته شده است. کشور چین که تا سال ۲۰۰۰ اوراق قرضه منتشر نمی‌کرد، در مدت ۱۳ سال با سرعت قابل توجهی در این مسیر گام برداشت. طی ۱۳ سال و در سال ۲۰۱۴

احمد عزیزی:

در حال حاضر اشتباهی در بخش خصوصی برای خرید اوراق نیست. در دنیا هم سرمایه‌گذاران نهادی و شرکت‌ها اوراق را می‌خرند نه افراد. وقتی بحران اعتماد داریم و کسی به حرف کسی اعتماد نمی‌کند، ابزارهای خرد و کلان هم معرفی کنیم کمک بزرگی به ما نخواهد کرد

اوراق قرضه منتشرشده در این کشور به ۳۰ تریلیون یوان معادل ۴۰۳ تریلیون دلار رسید تا رتبه سوم را در این زمینه داشته باشد. آمریکا و ژاپن نیز به ترتیب برابر با ۲۵ و ۱۳ تریلیون دلار اوراق قرضه منتشر کرده‌اند که بالاترین سطح در جهان محسوب می‌شود. بر همین اساس در تئوری‌های مالی، تامین مالی از طریق دولت‌ها با ریسک صفر انجام می‌شود اما در ایران به دلیل عملکرد بد دولت و بی‌اعتمادی در روابط مالی، کسی حاضر نیست با دولت طرف شود. بانک‌ها به مشتری می‌گویند وثیقه ارائه بده و پول بگیر اما ما با دولت طرف نمی‌شویم چرا که معلوم نیست چه زمانی و چقدر از آن را می‌دهد. ریسک کشوری به همین دلیل در ایران بالاست.

بر این اساس دو سال پیش پیشنهادی به آقای آخوندی وزیر راه و شهرسازی دادم. آن زمان بدهی‌های دولت ۲۴۰ هزار میلیارد تومان بود. در شرایطی که منابع دولت از مالیات و فروش نفت است، رکن بعدی که می‌تواند مطرح شود، موضوع استقراض است. تا امروز دولت یا مستقیم یا غیرمستقیم از بانک مرکزی استقراض کرده است در حالی که در کشورهایی نظیر آمریکا کسر بودجه دولت ارتباطی با منابع بانک مرکزی ندارد بلکه با انتشار اوراق قرضه و دریافت وام از مردم آمریکا یا دیگر اقتصادها کسری بودجه را تامین می‌کنند. برای این کار نیاز به سیستم خزانه‌داری منظم است تا با سررسید بدهی، به‌موقع پرداخت انجام شود. و اگر دولت پول ندارد، قبل از آن اوراق جدید می‌فروشد و سر موقع دین سررسیدشده خود را پرداخت می‌کند.

**نرخ بهره بانکی در شرایط منطقی چگونه باید تعیین شود؟**

**عقیلی کرمانی:** فرمول نرخ بهره که فیشر آن را طرح کرده، می‌گوید که نرخ بهره اسمی برابر است با نرخ بهره واقعی به اضافه نرخ تورم به اضافه عامل ریسک. نرخ واقعی بهره در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. در کشورهایی که مصرفی نامیده می‌شوند، بالاتر از کشورهایی است که بیشتر پس‌اندازکننده هستند. به طور میانگین این نرخ در دنیا بین ۱ تا ۳ درصد است. در کشورهایی مثل ژاپن یا مثل کشورهای اروپای غربی که انتظار تورمی وجود ندارد، این نرخ ۱ تا ۱/۵ درصد است. وقتی دولت آمریکا ۳۰ ساله پول قرض می‌کند، نرخ بهره‌اش کمی بالاتر از ۳ درصد می‌ایستد. دلیلش این است که در این کشور توانستند تورم را با سیاست پولی درست از بین ببرند. در دهه ۱۹۸۰ طی دو سال این کار را کردند.

**در حال حاضر بدهی دولت در ایران چقدر است؟ آیا می‌توان با انتشار اوراق بدهی این مسئله را در اقتصاد حل کرد؟**

**عقیلی کرمانی:** مجموع بدهی دولت حدود ۳۲۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. ۱۴۰ تا ۱۵۰ هزار میلیارد تومان به سیستم بانکی بدهکار است. حدود ۴۰ تا ۵۰ هزار میلیارد تومان به پیمانکاران بدهی دارد و مابقی را هم به تامین اجتماعی و سازمان‌های دیگر بدهکار است. اگر ابزاری درست کنیم که بتوان این بدهی‌ها را از طریق فروش اوراق پرداخت کرد، بار بزرگی از روی دوش سیستم بانکی برداشته خواهد شد. عموم بدهی‌های دولت داخلی است. کل رقمی که به عنوان بدهی‌های خارجی ایران ثبت شده ۶





تا ۹ میلیارد دلار است که بسیار کم است. بدهی ما به ریال و داخلی است. باید اوراق بدهی مدت‌دار یعنی از ۳ ماهه تا ۱۲ ساله برای آن منتشر شود. زمان سررسید این اوراق بستگی به سازمان‌ها و شرکت‌های طلبکار دارد. سازمان تامین اجتماعی و سازمان‌های این چنینی می‌توانند قسمت آخر اوراق را بگیرند و قسمت اولش یعنی اوراق با سررسید کوتاه‌مدت را پیمانکاران یا بخش‌هایی که منابع کوتاه‌مدت لازم دارند، دریافت کنند. اگر ۳۲۰ هزار میلیارد تومان را با نرخ ۳ هزار تومانی دلار رسمی محاسبه کنیم می‌شود ۱۰۷ میلیارد دلار. این رقم نسبت به ۴۲۵ میلیارد دلار که تولید ناخالص داخلی ایران است می‌شود حدود ۲۵ درصد آن. کل بدهی‌های دولت ۲۵ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور است. در حالی که ژاپن بدهی‌اش ۲۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی‌اش است. این رقم در ایتالیا ۱۳۰ درصد، در کره جنوبی ۳۴ درصد و در ترکیه ۳۶ درصد است. اگر بدهی‌های دولت را به سه دسته تقسیم کنیم می‌توان برای آن اوراق با سررسید کوتاه‌مدت ۳ ماه تا ۱۸ ماه، میان‌مدت که ۴۰ درصد آن است ۲ تا ۶ و نیم سال و درازمدت از ۷ تا ۱۲ سال منتشر کرد.

#### چه نرخی باید برای این اوراق در نظر گرفت؟

نکته مهم همین است. مدت‌زمان تا سررسید اوراق در تعیین نرخ مهم است. هرچه مدت‌زمان تا سررسید کوتاه‌تر باشد، نرخ کمتر است و آن را شکل نرمال می‌گویند. اما سال ۱۳۶۷ بانک مرکزی اشتباهی کرد که باید در این راه از آن درس گرفت. معمولاً نرخ بدهکاری بانک‌ها به بانک مرکزی تنها نرخی است که بانک مرکزی می‌تواند تعیین کند. در ایران سال ۶۷ وقتی نرخ تورم بالا بود و شرکت‌های مضارب‌های در حال خارج کردن پول از بانک‌ها بودند، بانک مرکزی می‌خواست با تورم مقابله کند به همین دلیل نرخ بهره کوتاه‌مدت بالاتر از نرخ درازمدت شده بود. اوراق قرضه یک‌ساله و پنج‌ساله را با یک نرخ داده‌ایم که اصلاً معنی ندارد. بانک مرکزی به جای اینکه در تعیین نرخ دخالت نکند و فقط عرضه و تقاضا را تعیین کند، تغییر مهمی در این زمینه صورت داد. با این کار تورم را در اقتصاد نهاده‌ایم. با تعیین نرخ هم برای کوتاه‌مدت و هم برای بلندمدت که یکی را ۸ و دیگری را ۱۴ درصد تعیین کردند، عملاً تورم در فرمول نرخ بهره نهاده شد.

برای تعیین نرخ اوراق باید به انتظار بازار توجه شود. وقتی می‌خواهیم نرخ تورم تکرر قمی و در حدود ۴ یا ۵ درصد شود، باید اوراق بدهی دولت با نرخ ۲ تا ۳ درصد بالاتر از نرخ تورم انتشار یابد. یعنی اگر تورم ۵ درصد باشد، نرخ بهره اوراق بلندمدت ۱۲ ساله باید ۸ درصد باشد.

#### فشاری را که اشاره کردید بر سیستم بانکی وجود دارد و مانع

کاهش نرخ سود می‌شود بیشتر تشریح می‌کنید؟

**عقیلی کرمانی:** در حال حاضر میزان تسهیلاتی که بانک‌ها پرداخت کرده‌اند و در سیستم حسابداری به عنوان بدهی‌های تسهیلاتی آورده می‌شود حدود ۷۸۰ هزار میلیارد تومان است. یعنی بانک‌ها این میزان تسهیلات داده‌اند. در این مقطع با توجه به نقدینگی ۸۷۰ هزار میلیارد تومانی می‌توان برآورد کرد که نسبت تسهیلات پرداختی به نقدینگی حدود ۹۰ درصد است که نشان می‌دهد وضعیت در این زمینه بهتر شده است. زمانی جمع تسهیلات نسبت به نقدینگی ۱۰۷ درصد بوده است اما امسال به نظر می‌رسد حدود ۹۰ درصد است. در این شرایط سوال این است که چرا نرخ بهره پایین نمی‌آید. علت این است که تقاضای همه بخش‌ها در سیستم بانکی جمع شده است. انتظار داریم بانک‌ها هم بخش خصوصی را کمک کنند، هم کمبودهای دولت را جبران کنند و هم بقیه هزینه‌های بانک‌ها را پوشش دهند. اگر فشار را از سیستم بانکی کم کنیم

نرخ بهره پایین می‌آید. انتشار اوراق بدهی بخشی از بار تامین مالی را روی دوش بازار سرمایه می‌اندازد. با تشویق بنگاه‌های بزرگ به سمت تامین مالی از بازار سرمایه که از طریق تخفیف مالیاتی و نرخ سود پایین‌تری که اوراق نسبت به وام بانکی دارند، انجام می‌شود، فشار از سیستم بانکی کاسته می‌شود و نرخ بهره می‌تواند پایین بیاید. در مقطعی از زمان ۴ بانک خصوصی با نرخ سود ۳۰ درصد تسهیلات می‌دادند در حالی که با نرخ ۱۴ درصد سپرده جمع می‌کردند. طولی نکشید که به خاطر رقابت و پولی که در بانک‌ها جمع شده بود، فاصله ۱۶ درصدی به ۴ درصد رسید. نرخ سود تسهیلات در آن مقطع به ۲۳ و نیم رسید و نرخ سپرده نیز ۱۸ شد. رقابت باعث شد این فاصله کم شود.

اقتصاد ایران بانک‌محور است. کشور آلمان هم این گونه است اما با انتشار اوراق قرضه در بازار سرمایه دائماً نسبت اوراق به تسهیلات بانکی را افزایش دادند. در کشور آمریکا حجم اوراق قرضه بیش از ۴ برابر کل تسهیلات بانکی است. این نسبت در ایران کمتر از یک است.

#### آیا ظرفیت افزایش سهم اوراق قرضه نسبت به تسهیلات بانکی در اقتصاد ایران وجود دارد؟

**عقیلی کرمانی:** برای ارزیابی توان تحمل و پذیرش اوراق قرضه در بازار باید از نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی استفاده کرد. این نسبت در کشور آلمان ۹۰ درصد است. نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی در ترکیه و آمریکا از ۵۶ درصد و ۸۵ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۶۰ و ۹۰ درصد در سال ۲۰۱۴ رسید. در ایران هم در سال ۲۰۱۰ این نسبت ۶۱٫۵ درصد بوده اما در سال ۹۴ به ۶۵ درصد رسیده است. با توجه به این شاخص به اندازه کافی نقدینگی وجود دارد و به نظر می‌رسد توان پذیرش اوراق در کشور مناسب است.

#### اگر امکان دارد مثالی عینی در این زمینه ذکر کنید تا موضوع روشن شود.

**عقیلی کرمانی:** اگر یک شرکت بزرگ در بازار استقراضی اوراق با نرخ بهره ۲۵ درصد بفروشد، در شرایطی که نرخ سود بانکی ۲۰ درصد است، منطق سرمایه‌گذاری حکم می‌کند به سمت بازاری حرکت شود که سود بیشتری می‌دهد. پس مردم به جای آنکه پول خود را به عنوان سپرده به بانک بپارند، آن را به بازار استقراض می‌آورند و اوراق شرکت

#### عقیلی کرمانی:

مجموع بدهی دولت حدود ۳۲۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. ۱۴۰ تا ۱۵۰ هزار میلیارد تومان به سیستم بانکی بدهکار است. حدود ۴۰ تا ۵۰ هزار میلیارد تومان به پیمانکاران بدهی دارد و مابقی راه‌هم به تامین اجتماعی و سازمان‌های دیگر بدهکار است

های بزرگ را خریداری می کنند. نظر من بر این است که این اوراق همراه با تضمین بانکی عرضه شود. علت تضمین بانک این است که نظام رتبه بندی و اعتبارسنجی در اقتصاد وجود ندارد. البته این شرط هم وجود دارد که هیچ بانکی نمی تواند از سقف اعتباری که برای یک شرکت مثل ایران خودرو یا فولاد مبارکه تعیین کرده، رقم بالاتری را تضمین کند. در این شرایط پول سپرده گذار در بانک از حساب سپرده مشتری به حساب اوراق که حساب جاری شرکت ناشر است، منتقل می شود بدون آنکه پولی از سیستم بانکی خارج شود. به عبارتی شرکت ناشر اوراق، پول دریافتی را در سیستم بانکی و حساب جاری، سپرده گذاری می کند و خرید کالا و دیگر هزینه های خود را از آن طریق انجام می دهد. عملاً پولی از سیستم بانکی خارج نمی شود اما هزینه پول برای بانک از ۲۰ درصد (سود سپرده سرمایه گذاری) به صفر (سود سپرده جاری) تقلیل می یابد. شرکت بزرگ هم با این عملیات به تولید می رسد و با بازگشت منابع به سیستم بانکی فضا برای دسترسی بهتر بنگاه های کوچک و متوسط به منابع بانکی فراهم می شود. از این طریق نرخ سود در سیستم بانکی کاهش می یابد و علاوه بر آن تامین مالی بنگاه های بزرگ از طریق بازار بدهی انجام می شود تا از بار سنگین تامین مالی بر دوش بانک ها نیز کاسته شود. در نتیجه همه از جمله دولت، نظام بانکی، بنگاه های اقتصادی و مردم سود خواهند برد. لازمه تحقق اهداف این طرح استمرار روند کاهش نرخ تورم است.

**بنگاه های بزرگ که در حال حاضر از بانک ها تسهیلات دریافت می کنند و در این راه موفق هم هستند، چگونه به سمت انتشار اوراق و تغییر مسیر در تامین مالی سوق پیدا خواهند کرد؟**

**عقیلی کرمانی:** باید بنگاه ها برای انتشار این اوراق تشویق شوند. بنگاه هایی که اظهارنامه مالیاتی داده اند و عملکرد مالی درستی دارند، بسته به گردش موجودی انبار می توانند معادل ۵۰ درصد رقم فروش خود اوراق منتشر کنند. در این شرایط شفافیت هم افزایش پیدا می کند. می توان برای بنگاه ها تشویق مالیاتی در نظر گرفت که این تخفیف در قالب کسر درصدی از مالیات پایان سال مالی متناسب با نرخ بهره فروش اوراق باشد. البته بعد از کاهش هزینه پول دیگر تشویق مالیاتی ضروری نخواهد بود. راه حل منطقی کاهش نرخ بهره بانکی این است که این اتفاق از طریق مکانیسم بازار رخ دهد و این اتفاق در گرو ایجاد یک بازار استقراری یا بدهی متشکل است. اگر این بازار در ابعاد کلان راه اندازی شود و هر شرکتی که به تامین مالی نیاز دارد از این طریق نیاز خود را برآورده کند، خودبه خود زمینه لازم فراهم می شود تا در بازار استقراری که رقابتی هم هست، نرخ سود کاهش یابد. بانک مرکزی در صورت نیاز می تواند اوراق بخرد و بفروشد که از این طریق نرخ را نیز می تواند افزایش یا کاهش دهد و در نهایت بر منحنی نرخ بازده اثر بگذارد. در واقع بدون دخالت دستوری و تعیین نرخ بهره، بانک مرکزی امکان مدیریت نوسانات نرخ بهره را خواهد داشت.

**آقای عزیزی اگر امکان دارد شما نظرتان را در این مورد بفرمایید. آیا مسئله فعلی اقتصاد با این طرح قابل حل است؟**

**عزیزی:** در حال حاضر با بحران اعتماد عمومی مواجه هستیم. به هم ریختگی ساختاری و مشکلات عظیم نیز در اقتصاد وجود دارد. این مسائل که ذکر شد، جایگزین راه حل برای آن مشکلات نیست. جایگزین مشکلات بخش مالی و بانکی هم نیست. در این شرایط هر ابزار یا هر نهاد مقرراتی معرفی کنیم، مشکلات دیگری داریم که در حل مسائل اصلی و ساختاری ناکارآمد است. در حال حاضر اشتباهی در بخش خصوصی برای خرید اوراق نیست. در دنیا هم سرمایه گذاران نهادی و شرکت ها اوراق را می خرند نه



افراد. وقتی بحران اعتماد داریم و کسی به حرف کسی اعتماد نمی کند، در این شرایط ابزارهای خرد و کلان هم معرفی کنیم کمک بزرگی به ما نخواهد کرد. با نهایت احترام، کاملاً با دیدگاه آقای عقیلی مخالفم که این اوراق را سیستم بانکی تضمین کند. خرید اوراق توسط مردم و با تضمین بانک ها با فرض کاهش فشار بر سیستم بانکی متضاد است. تضمین بانک برای دریافت وام از دیگران باری از دوش نظام بانکی بر نمی دارد و در این صورت عملاً خودش، خودش را خنثی می کند.

تئوری های نرخ بهره در اقتصاد وجود دارد اما تکاپوی دولت و بانک مرکزی این است که در میدان عمل چه باید بکنند. اگر بانک مرکزی اختیار نداشته باشد که تاکنون نداشته است، پاسخ گو هم نباید باشد. اگر بانک مرکزی اختیار داشته باشد و نتواند یک محدودهای را به مانند نرخ ارز برای نرخ بهره ایجاد کند و این محدوده بتواند کف و سقف را با عرضه و تقاضای پول بر قدرت و غیر بر قدرت تنظیم بکند، نمی توانیم سیاست پولی موثر داشته باشیم. اصلاحات ساختاری اولین اقدام لازم است که نمی توانیم خود را از آن فارغ کنیم. آخرین اقدام هم این است که باید دامنه ای از نرخ بهره قابل قبول را برای اقتصاد تعیین کنیم و بگوییم در این دامنه رشد و اشتغال و ثبات سیستم پولی تامین می شود. اگر نتوانستیم آن دامنه را ایجاد کنیم دیگر حرفی باقی نمی ماند. در شرایط فعلی از بانک مرکزی نمی توان انتظار بالایی داشت چرا که طی ۳۰-۴۰ سال گذشته اختیاری به آن نداده ایم. ترازنامه کل سیستم بانکی تخریب شده است. یک سری موارد کیفی و غیر کمی هم هست که باید در اقتصاد حل شود. اگر مسائل کمی هم حل شود چون مسائل کیفی همچنان پابرجاست، اتفاقی رخ نمی دهد.

**آقای دکتر نیلی نظر شما در مورد کارکرد پیشنهادی که آقای دکتر عقیلی مطرح کردند، چیست؟**

**نیلی:** برداشت من از مطلبی که آقای دکتر عقیلی ذکر کردند این است که بنگاه های بزرگ از طریق بازار سرمایه تامین مالی شوند و بنگاه های کوچک و متوسط از سیستم بانکی. این جهت گیری درست است و باید بر همین اساس عمل شود. اگر بخواهیم بنگاه های بزرگ از طریق بازار سرمایه تامین مالی شوند، یک راه رایج این است که اوراق بدهی منتشر شود. این کار در حال حاضر یک چالشی دارد که البته یک پیشنهاد ابتکاری هم ایشان ذکر کردند. ابتکارشان این است که انگیزه مالیاتی داده شود که اینجا مشکلی به نام مقاومت وزارت امور اقتصادی و دارایی مانع است. یک چالشی هم در این مسیر وجود دارد که من هم با نظر آقای عزیزی موافقم که تضمین بانکی برای این اوراق مسئله ساز است. در حال حاضر در جلسات تصمیم گیری بر روی این موضوع بحث هایی صورت می گیرد. راجع به اینکه اگر اوراق بدهی ها را بخواهیم برای بنگاه ها ترویج کنیم، رتبه بندی نداریم و بلافاصله این مسئله مطرح می شود که بانک ها تضمین بدهند معلوم نیست با چه منطقی این نتیجه گیری صورت می گیرد. اگر فرضاً دولت و بنگاه های بزرگ به عنوان دو نهاد اصلی که در کشور باید محور توسعه باشند، نتوانند لوازم اعتمادبخش برای اوراق خود فراهم کنند، با چه پشتوانه ای بانک باید این اوراق را تضمین کند؟ از این جهت چالشی پیش می آید و پیشنهاد تضمین این اوراق توسط بانک ها قابل دفاع به نظر نمی رسد و در حال حاضر در جلسات با مخالفت بانک مرکزی مواجه شده است. این موضوع اگر در این بخش حل نشود، دیگر مسئله پیش نمی رود و متوقف می شود. انتقال ریسک بنگاه ها از طریق تضمین بانک به بانک ها می تواند ضربه شدیدتری باشد به بدنه نظام بانکی کشور.

**یعنی طرحی که بدهی های دولت را ساماندهی کند، نمی تواند کارساز باشد؟**

## عقیلی کرمانی: وقتی می خواهیم نرخ تورم تک رقمی و در حدود ۴ یا ۵ درصد شود، باید اوراق بدهی دولت با نرخ ۲ تا ۳ درصد بالاتر از نرخ تورم انتشار یابد. یعنی اگر تورم ۵ درصد باشد، نرخ بهره اوراق بلندمدت ۱۲ ساله باید ۸ درصد باشد



در ظرف اقتصاد ایران برای سال ۹۵ و ۹۶ نگنجد. با این موضوع موافقم که موانع قانونی موجود بر سر راه گسترش بازار بدهی باید رفع شود تا این بازار بزرگ شود. این بزرگ شدن به نسبت بازار سرمایه بزرگ است اما به نسبت اندازه اقتصاد ایران چندان نمی‌تواند بزرگ باشد. در نتیجه اصلاحات نظام بانکی بر هر چیز دیگر در اقتصاد ایران مقدم است. وابستگی بالای اقتصاد ایران به بانک‌ها ایجاب می‌کند که به بهبود شرایط بانکی پرداخته شود.

**آیا این عملیات می‌تواند به سیستم تامین مالی نظم بدهد و بنگاه‌های بزرگ را به سمت بازار سرمایه سوق دهد تا فقط بنگاه‌های کوچک سراغ بانک‌ها بیایند؟**

**نبلی:** گزارشی را سال گذشته پژوهشکده پولی و بانکی مهیا کرده بود راجع به اینکه تسهیلات بانکی چقدر به بنگاه‌های بزرگ و چقدر به بنگاه‌های کوچک اختصاص یافته است که نشان می‌داد بنگاه‌های بزرگ سهم بالایی دارند. پیشنهاد دکتر عقیلی برای ایجاد انگیزه در بنگاه‌های بزرگ از طریق تخفیف مالیاتی برای تامین مالی از بازار سرمایه می‌تواند این انگیزه را تا حدودی ایجاد کند اما نکته این است که طبق گزارش پژوهشکده پولی و بانکی، بانک‌ها هم انگیزه ندارند به بنگاه‌های کوچک و متوسط وام بدهند. به دلایل مختلف ترجیح می‌دهند به بنگاه‌های بزرگ وام بدهند. برای این موضوع هم باید چاره‌ای اندیشید. وقتی خود بانک تمایل دارد به جای وام‌دهی به یک‌هزار بنگاه کوچک به یک بنگاه بزرگ وام بدهد تا برای گرفتن وثیقه، ارزش‌گذاری و سایر مقدمات با چالش کمتری مواجه باشد، این موضوع با چالش مواجه خواهد شد.

**عقیلی کرمانی:** وقتی تقاضایی از سوی بنگاه‌های بزرگ نباشد و منابع در اختیار بانک باشد، چاره‌ای ندارند که به بنگاه‌های کوچک تسهیلات بدهند.

**مشایخی:** نباید این گونه فکر کنیم که با یک پیشنهاد قرار است همه مسائل کشور از جمله ساختار بانکی حل شود. همه قبول داریم که باید بازار سرمایه توسعه پیدا کند و ابزارهای جدید در آن متولد شود که این پیشنهاد می‌تواند قدمی در این جهت باشد. بنابراین نباید به دنبال حل همه مسائل از طریق انتشار اوراق بدهی بود. اینکه مکانیسمی گذاشته شود که بنگاه‌های بزرگ بتوانند با نرخی کمتر از تسهیلات بانکی از بازار سرمایه تامین مالی کنند و در این راه انگیزه‌های تخفیف مالیاتی هم داشته باشند، جواب‌گو خواهد بود. سرعت آن هم هرچقدر می‌تواند باشد، لازم نیست

**نبلی:** در شرایط موجود این موضوع بهبودی ایجاد خواهد کرد اما این گونه نیست که بگوییم تحولی بزرگ در نرخ بهره ایجاد خواهد کرد. قبول دارم که اگر تقاضای بنگاه‌های بزرگ از بانک‌ها به بازار سرمایه



منتقل شود، موضوع تخصیص منابع را اصلاح می‌کند اما به نظرم مشکل نرخ بهره اینجا نیست. مشکل نرخ بهره ریشه‌اش به این برمی‌گردد که نقدینگی قفل شده است. یک نفر از من سوال می‌کرد: «اینکه می‌گویند پول‌ها از بانک خارج شده و جایی قفل شده، چه معنی می‌دهد؟ پول که همیشه در بانک است. کسی هم که خانه خریداری می‌کند پول را به حساب فروشنده واریز می‌کند و پول عملاً از حسابی به حسابی دیگر رفته و از بانک خارج نشده است اما اینکه می‌گویند پول از بانک خارج شده و مثلاً در بخش ساختمان قفل شده چه مفهومی دارد؟» در جواب باید گفت که اسم این بیماری که در حوزه مالی اقتصاد با آن مواجهیم، عدم نقدشوندگی دارایی بانک‌ها است. یعنی آن پولی که باید به صورت برگشت تسهیلات به بانک برگردد، به عنوان سپرده به بانک می‌آید در نتیجه بانک برای نگهداری این پول باید هزینه پرداخت کند و به آن سود بدهد. در نتیجه نرخ سود سپرده در فرآیند جمع‌آوری سپرده بالا می‌رود. وقتی وامی گرفته شده و به بانک بازپرداخت نشده است، به عنوان سپرده و با سود بالای ۲۰ درصد به بانک بازمی‌گردد در حالی که باید با هزینه صفر به بانک بازمی‌گشت. بنابراین برداشت من این است که مسئله مطالبات معوق، بدهی‌های دولت و سرمایه‌گذاری که بانک‌ها در بخش‌هایی مثل ساختمان انجام داده‌اند بیشترین تأثیر را در مسئله نرخ بهره گذاشته است. در حال حاضر کاهش نرخ مستغلات پایین آمده ارزش دارایی بانک‌ها با کاهش مواجه شده که اثر بدی گذاشته است. باید این موضوع را حل کنیم. طرح آقای دکتر عقیلی از این جهت که جابه‌جایی منابع از بنگاه‌های بزرگ و بنگاه‌های کوچک و متوسط را به عنوان یکی از موانع از پیش پای نرخ بهره برمی‌دارد، قابل قبول است اما تحولی در مسئله نرخ بهره ایجاد نمی‌کند. برای این موضوع باید مسئله بدهی‌ها را حل و فصل کرد.

چالش دیگری که وجود دارد این است که بازار اوراق در اقتصاد باید درست شود، بازار بدهی هم باید درست شود اما باید مراقب بود آن بلایی که بر سر سیستم بانکی در دهه ۸۰ آمد، این بار حادث نشود. آن زمان حجم تسهیلات بدون آنکه ظرفیت آن در بانک‌ها ایجاد شود، به یکباره رشد کرد. باید زیرساخت‌ها و چارچوب‌های لازم برای این کار ایجاد شود بعد ابزار آن به راه بیفتد. در دهه ۸۰ بدون آنکه نظام کنترلی درستی وجود داشته باشد، در حجم بالایی تسهیلات پرداخت شد و در حال حاضر مسئله مطالبات معوق را به وجود آورده است.

**بازار سرمایه ظرفیت کافی و زیرساخت لازم برای این فرآیند را دارد؟**

**نبلی:** اگر بخواهیم در بازار سرمایه به طور قاعده‌مند در جهت گسترش بازار بدهی حرکت کنیم، سرعت این حرکت از یک میزانی نمی‌تواند بیشتر باشد. شاید نشود در مقیاسی که آقای دکتر عقیلی از آن صحبت می‌کنند بازار اوراق بدهی را در محدوده ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار میلیارد تومان راه‌اندازی کرد. چنین ظرفیتی وجود ندارد که چنین حجمی از اوراق در اقتصاد ایران باشد.



آقای دکتر عقیلی با مقایسه ارقام بدهی با حجم نقدینگی و تولید ناخالص داخلی، نتیجه‌گیری کردند که انتشار این حجم اوراق مشکلی به وجود نمی‌آورد. نمی‌دانم چه عددی در ذهن ایشان است اما اگر از ارقامی در حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان برای این بازار صحبت می‌کنیم، شاید

**مسعود نبلی:**  
هم دولت و هم  
بنگاه‌های بزرگ  
با مشکل کمبود  
اعتبار مواجه  
هستند. دو نهاد  
اصلی که در  
کشور باید محور  
توسعه باشند  
به شدت بی‌اعتبار  
هستند. اگر بانک  
بخواهد این  
اوراق را تضمین  
کند چالشی  
پیش می‌آید که  
در حال حاضر  
مخالفت بانک  
مرکزی مواجه  
شده است

همه مسائل را حل کند، همین که این باب را باز کند خوب است. **نبیلی:** آقای عقیلی این پیشنهاد را به عنوان موضوعی که همه مسائل را می تواند حل کند، مطرح کردند.

**مشایخی:** ایشان گفتند در جهت کاهش نرخ بهره عمل می کند که به نظرم درست است و این مکانیسم کار می کند. اما چند سوال در این زمینه وجود دارد. بنگاه های بزرگ نظیر یک خودروساز با در اختیار گرفتن پول، چقدر بهره وری واقعی خواهد داشت؟ چرا که این ریسک قرار است این گونه منتقل شود. فرض کنید پول در اختیار خودروساز باشد اما خودرویی که تولید می کند زیان ده باشد، ریسک آن به بازار سرمایه منتقل می شود. تاکنون این ریسک به بانک ها منتقل شده و در شرایط جدید قرار است به بازار سرمایه منتقل شود و ممکن است اعتبار آن را کاهش دهد. اما اگر بنگاه ها از نظر بهره وری، بازدهی داشته باشند و حتی بانک ها با پشتوانه دولت بتوانند آنها را تضمین بکنند تا این فرآیند راه بیفتد، نتایج مثبتی به دنبال خواهد داشت. بنابراین باید پیشنهادها را در محدوده های که قرار است مسائلی را حل کنند، مورد بررسی قرار داد. در شرایط فعلی هیچ پیشنهادی نیست که بتواند همه مسائل کشور از جمله فساد و ساختار بانک ها را حل و فصل کند. در این راه اما مسئله بازدهی بنگاه ها باید مورد توجه قرار گیرد و با انتخاب های مشخص در این راه قدم برداریم.



**عقیلی کرمانی:** وقتی شهر دویی این برنامه را به اجرا گذشته و اوراق ۳۰ ساله منتشر می کند، نشان می دهد که چنین فرآیندی یعنی انتشار اوراق با بهره متغیر شدنی است. وقتی از اوراق دولتی صحبت می کنیم منظور این است که دولت بدهکار به طلبکارانش اوراق می دهد و این اوراق وارد بازار می شود. سرسید این اوراق متغیر است و در بازار با سرسیدهای متفاوت اوراق وجود خواهد داشت. کسانی که دلشان می خواهد این اوراق را بفروشند، چرخه خرید و فروش درست می کنند و رفته رفته این فرآیند و فرمول ایجاد می شود. چون قدم اول را دولت برداشته است، مطالباتی را که امروز از دولت می رود با آن می پردازد. نکته این است که باید خزانه داری منظمی وجود داشته باشد تا هر سرسیدی که می رسد، اوراق کوتاه مدت یا دراز مدت را بسته به نیاز بازار، بفروشد که از آن به بعد بدهی های ما مرتب بپردازد. الگوی انضباط آغاز شود تا دولت در زمان سرسید بدهی اش را بپردازد. اگر درآمد مالیات یا درآمد نفت ندارد، تنها کاری که می تواند بکند این است که اوراق جدید منتشر کند و بدهی را بپردازد. بورس هم این آمادگی را دارد که به اصلاح این فرآیند بپردازند. خریداران اوراق قرضه حتما بنگاه ها خواهند بود. شرایطی دیده ایم که از طریق شعب بانک ها عملیات خرید و فروش انجام شود اما بانک ها موظفاند عملیات را در فرابورس ثبت کنند. باید وسایل این کار فراهم شود. فراموش نشود که چین در مدت ۱۰ تا ۱۲ سال چنین بازاری را ساخت و ارزش آن ۴ تریلیون است. اینکه از روز اول آیه یاس بخوانیم که ما گرفتاری زیاد داریم و نباید کاری انجام دهیم، درست نیست. باید کارهایی را انجام دهیم تا حرکتی ایجاد شود و بعد سراغ کارهای بعدی رفت.



#### مسعود نبیلی:

اگر تقاضای بنگاه های بزرگ از بانک ها به بازار سرمایه منتقل شود، موضوع تخصیص منابع را اصلاح می کند اما به نظرم مشکل نرخ بهره اینجا نیست. مشکل نرخ بهره ریشه اش به این برمی گردد که نقدینگی قفل شده است

بدهی ها متوقف شود. برخی کشورهای عربی این گونه اند، وقتی قیمت نفت بالا می رود حقوق پرداخت می کنند و زمانی که قیمت پایین می آید آن را متوقف می کنند. با این سیستم نمی توان به پرداخت بدهی های دولت در زمان بی پولی امیدوار بود. به همین دلیل باید ابزارهای جدید در بازار ایجاد شود. وقتی موضوع اوراق مشارکت و اوراق قرضه مطرح می شود به این دلیل است که اقتصاد کشور به سمت اقتصاد کشورهای پیشرفته سوق پیدا کند. اینکه اگر دولت پول داشت بدهد و وقتی پول نداشت ندهد که همیشه امکان پذیر است. دولت ها می توانند بدهی داشته باشند اما باید انضباطی در کار باشد. اوراق بفروشند و بدهی یا کسری بودجه را از طریق صحیح تامین کنند.

**عزیزی:** اینکه گفته می شود دولت با بدهی صفر خوب نیست و دولت می تواند بدهکار باشد، موضوع درستی نیست. دولت با بدهی صفر خوب است. اگر رونق بود پس انداز کند و وقتی رکود بود هزینه کند. این اصل ثبات اقتصادی است.



**عقیلی کرمانی:** این حرف کاملا صحیح است اما در کتاب ها است، در عمل شدنی نیست. ما زمانی که پول داریم، ولخرجی می کنیم و عملا اینجا شدنی نیست.

**نکته ای در مورد تعادل در بازارها مطرح است. در صورتی که سایر بازارها در تعادل نباشد و منابع به سمت بازاری دیگر برود، چنین ابزاری جواب گو خواهد بود؟**

**عقیلی کرمانی:** خیلی از بازارها در تعادل نیستند. من هم قبول دارم. یکی از مشکلات اساسی ما این است که ببینیم نرخ تورم از ۴۵ به ۱۰ رسیده است اما نرخ بهره بانکی تکان نمی خورد. خلاصه بحث من این است که محدودیتی داریم که در آن گیر افتاده ایم. تنها یک سیستم بانکی داریم که می خواهد هم کسری بودجه دولت را تامین کند، هم به شرکت ها رسیدگی کند و هم هزینه های خود را پوشش دهد. صحبت من این است که گزینه دیگری را فعال کنیم تا گزینه ها زیادتیر شود و نرخ بهره پایین بیاید. وقتی تقاضا با صف مواجه است، قانون ورشکستگی هم نداریم و بانک حدود ۲۸ درصد به سپرده بهره می دهد، نمی توان کاری انجام داد. چه بازاری هست که چنین بازدهی داشته باشد؟ چون قانون ورشکستگی نداریم، بانک با سپرده ای که می گیرد تنها وضعیت خود را نگه می دارد. اگر قانون ورشکستگی وجود داشت، بعد از سه ماه زیان دهی باید بانک تعطیل شود اما این امکان را نداریم. کمبودهایمان زیاد است بنابراین باید رفته رفته کارهایی را انجام دهیم. آلترناتیوهای مختلفی باید تعریف کنیم تا نرخ بهره پایین بیاید.



**آقای دکتر عزیزی به مشکلات بنیادی نظیر بحران اعتماد و مسائل زیرساختی بانکی اشاره کردند و گفتند که این موضوع نمی تواند این مشکلات را حل کند. آقای دکتر عقیلی نظر شما چیست؟**

**عقیلی کرمانی:** وجود مشکلات ساختاری را نمی کنم اما می گویم نباید آیه یاس بخوانیم. باید هر کدام به اندازه ای سعی کنیم و قدمی برداریم. مشکلات سیستم بانکی واقعا قابل توجه است. وقتی می بینیم در برخی کشورها چه انضباط و شرایطی فراهم است و ما اینجا درگیر چه مسائلی هستیم، تاسف می خوریم اما چه می توان کرد. شرایط این گونه است. اگر بتوانیم فشار را از سیستم بانکی برداریم شاید بتوانیم بهتر اصلاحات را انجام دهیم. در حال حاضر همه به سیستم بانکی فشار



## احمد عزیزی:

باید دامنه‌ای از  
نرخ بهره قابل  
قبول را برای  
اقتصاد تعیین  
کنیم و بگوییم در  
این دامنه رشد  
و اشتغال و ثبات  
سیستم پولی  
تامین می‌شود.  
اگر نتوانستیم آن  
دامنه را ایجاد  
کنیم دیگر حرفی  
باقی نمی‌ماند

به رتبه سوم در آن رسید.

**نبیلی:** این موضوع را در دولت دنبال کرده‌ایم و پیش هم رفته است اما با دو مشکل مواجه شده است. مسئله تضمین بانک‌ها مورد چالش است. همچنین باید وزارت اقتصاد را متقاعد کنیم تا به تخفیف مالیات تن دهد. این دو موضوع اگر حل شود، این راه مثبت خواهد بود.

**آیا وزارت اقتصاد به دلیل آنکه سوددهی این اوراق موجب رکود بازار سهام و بورس نشود، با این طرح مخالفت نمی‌کند؟**

**نبیلی:** این پیشنهاد را خود بازار سرمایه‌ای‌ها مطرح کرده‌اند و با آن موافق‌اند. مشکل همان دو مسئله است. اول تضمین بانک‌ها که بانک مرکزی مخالف است و دوم مسئله تخفیف مالیات که وزارت اقتصاد با آن مخالفت می‌کند.

**دوست حسینی:** باید روشن شود که این دو مسئله چگونه قابل حل است. روشن است که اگر بانک‌ها را بیشتر از این درگیر نکنیم بهتر است. مسئله مالیات هم باید روشن شود. باید در مورد میزان تخفیف مالیاتی نیز بحث شود تا بتوان برآوردی از نوع تشویق بنگاه‌های بزرگ ارائه داد.

**عقیلی کرمانی:** در مورد تضمین بانک باید بگوییم هدف ما این نیست که فقط ایزاری درست شود و فقط آن را تماشا کنیم. بازار عادت کرده است که اوراق با تضمین بانکی ارائه شود. این در حالی است که در شرایط عادی الزامی وجود ندارد اما چون نظام رتبه‌بندی شرکت‌ها در ایران وجود ندارد، این موضوع مطرح شده است. در محیطی که نظام رتبه‌بندی وجود دارد، می‌توان تضمین بانکی را در مورد یک نوع اوراق ارائه داد و در موارد دیگر تضمین بانکی ارائه نداد. الزامی در این زمینه نیست. منظور من این است که برای سه سال که بانک‌ها می‌توانند تضمین دهند، این کار را انجام دهند تا نظام رتبه‌بندی در ایران راه بیفتد. برای تضمین بانکی هم محدودی تعیین شده تا بانک‌ها از سطح مشخصی بالاتر نروند.

**دوست حسینی:** تا اینجا به نظرم ابعاد پیشنهاد و شعاع اثربخشی آن به خوبی روشن شد. اینکه لاقل در این جمع کسی ادعا ندارد که پیشنهاد ارائه شده طرحی است جامع که با اجرای آن تنگنای مالی اقتصاد رفع می‌شود و تمام مشکلات بانکی کشور برطرف می‌گردد، بلکه اگر نقایص آن رفع شود می‌تواند در حد خود گامی برای رفع برخی از تنگناها به شمار آید. دو ایراد اساسی نیز بر این پیشنهاد وارد شده است، یکی تضمین اوراق بدهی توسط سیستم بانکی است و اشکال آن این است که مشکل را نمی‌توان یا نباید با ایجاد مشکل دیگر حل کرد مگر اینکه اطمینان حاصل شود که مشکل بعدی به میزان قابل توجهی کوچک‌تر و کم‌اهمیت‌تر از مشکل اول است. تا اینجا بحث‌ها چنین نتیجه‌ای نیز به دست نیامد و حتی بعضی بر این نظر بودند که انتقال این ریسک می‌تواند مشکلی با ابعاد وسیع‌تر برای نظام بانکی به بار آورد. مسئله دیگر حصول اطمینان از اثربخشی مشوق مالیاتی پیشنهادی برای رونق دادن به بخش واقعی اقتصاد است به گونه‌ای که اعتبار یا تخفیف مالیاتی پیشنهادی عاملی برای رفع تنگنای مالی و رشد تولید و سودآوری بیشتر آن در سال‌های پیش رو شود و تخفیف درصدی از مالیات با افزایش بازدهی تولید و زیاد شدن سود و در نتیجه مالیات متعلقه جبران شود. بنابراین اگر موافق باشید در نشست دیگری این دو چالش و اشکال مطرح‌شده مورد تجزیه و تحلیل و تبادل نظر قرار گیرد و اگر امکان‌پذیر باشد راهی منطقی برای پاسخ‌گویی به آنها و برون‌رفت از آن جست‌وجو شود.

می‌آورد و به دنبال تسهیلات هستند. وضعیت بانک‌ها بسیار بد است. بانک‌ها نباید سرمایه‌گذاری می‌کردند اما کارخانه زده‌اند، نیروگاه دارند و در سیستم تسهیلات‌دهی شان عملیاتی انجام داده‌اند که وضعیت را دشوارتر کرده است.

**عزیزی:** برای بازار بدهی دولت نه سازمان و نه کنترل‌کننده داریم. **عقیلی کرمانی:** من می‌گویم که این ۳۲۰ هزار میلیارد تومانی را که به عنوان بدهی دولت مطرح است تعیین تکلیف کنیم و برای آن هر سیستمی که لازم است راه بیندازیم و برای آن فرمول تعریف کنیم.

**عزیزی:** بلایی که سر سیستم بانکی آوردیم، می‌خواهیم سر بدهی دولت هم بیاوریم. فقط صحبت می‌شود که باید اوراق منتشر شود و روی ابزار آن بحث می‌شود اما نظر من این است که با انتشار این اوراق نه در بخش دولتی و نه در بخش خصوصی مشکلی حل نمی‌شود بلکه ممکن است مشکلی هم اضافه شود.

**عقیلی کرمانی:** ما باید کاری بکنیم که برای دولت اعتبار بخیریم تا در برابر پرداخت بدهی شرمند نباشد. دولت‌هایی وجود دارند که ده برابر ما بدهی دارند و بدون درآمد نفت توانسته‌اند آن را به‌موقع بدهند.

**عزیزی:** خلاصه حرف من این است که نباید تاکید بر انتشار باشد. **عقیلی کرمانی:** تاکید من بر انتشار نیست. حرف من این است که بدهی‌های فعلی را چاره‌اندیشی کنیم و سامانی بدهیم تا از این بعد به طور مرتب پرداخت شود.

**آقای دوست حسینی اگر امکان دارد شما دیدگاهتان را در مورد بحث‌هایی که صورت گرفت بفرمایید.**

**دوست حسینی:** امیدوار هستیم که به یک روش کاربردی برای حل مسئله تنگنای مالی در کشور برسیم چراکه بنگاه‌های اقتصادی به طور جدی با این مسئله مواجه هستند و از این نظر تحت فشار قرار دارند. آقای دکتر عقیلی پیشنهاد دادند که روش‌هایی به کار گرفته شود که بنگاه‌های بزرگ تشویق شوند تا برای تامین مالی به بازار سرمایه رجوع کنند تا بانک‌ها منابع خود را به بنگاه‌های کوچک و متوسط اختصاص دهند. اگر این اتفاق رخ دهد قطعاً کار بخش خصوصی آسان‌تر خواهد شد و دسترسی بنگاه‌ها به منابع وضعیت بهتری خواهد داشت. نکته بعدی این است که با این اقدام فشار تقاضا از روی سیستم بانکی برداشته می‌شود و این موضوع به کاهش نرخ بهره بانکی کمک خواهد کرد. البته این مسیر با چالش‌هایی نیز مواجه خواهد بود. ممکن است دولت نیز متحمل هزینه شود چراکه باید تخفیف مالیاتی برای بنگاه‌های بزرگ در نظر بگیرد. با وجود این به نظر می‌رسد مهم این است که گام اول را برداشت.

**عزیزی:** نکته اساسی این است که اگر ساختارها غلط باشد، هرچه ابزارهای این چنینی تعریف شود نتیجه معکوس می‌دهد.

**عقیلی کرمانی:** چین طی ۲۵ سال متوالی نرخ رشد اقتصادی بالای ۱۰ درصد داشته است. یک دلیل عمده آن این است که اصول را رعایت کرده است. در مقطعی تعدادی کارشناس از خارج کشورشان آوردند و بدون اینکه ذخایر و موقعیت ایران را داشته باشند، ما الان می‌گوییم در اقتصاد ایران رشد بالای ۸ درصد نمی‌توان داشت. اگر ما نمی‌توانیم این ضعف را پوشش دهیم، از خارج کشور افرادی را بیاوریم تا کمک کنند و راه‌حل نشان دهند. انتشار اوراق بدهی چیزی است که چین در ۱۲ سال

این صفحات به موضوعات  
اجتماعی و کلان کشور که  
در بستر توسعه تعریف  
می‌شوند، می‌پردازد.

## اقتصاد سیاسی



# متن‌های حاشیه‌نشین

## گزارشی درباره پدیده شکاف مرکز - پیرامون در ایران

مولود حاجی زاده

حس تحقیر برای «شوان» طنابی بافت تا خود را با آن حلق آویز کند؛ پسری ۱۰ ساله از شهرستان کردنشین اشنویه. مسئولان مدرسه از او، که فرزند کارگری ساده بود، طلب کمک‌های مالی کرده بودند؛ طلبی خارج از توان خانواده‌اش. او بین تجربه دوباره تحقیر شدن میان هم‌کلاسی‌هایش و پایان زندگی، راه دوم را انتخاب کرد. شوان در ۱۰ سالگی خودکشی کرد. جامعه ایران از شنیدن این خبر در بهت فرو رفت اما خیلی زود، خبر خودکشی کودکی را که حاصل فقر، تبعیض و تحقیر بود، به فراموشی سپرد. شوان کرد بود؛ از شهری کوچک و فقیر که در فاصله چندصد کیلومتری‌اش سبک زندگی هم‌سالان او جور دیگری بود. او شاید قربانی نابرابری در ساختاری است که سقف خواسته‌های برخی از مردمانش را در حد مطالبات اولیه گروهی دیگر از مردم همان کشور قرار داده است؛ قربانی توسعه‌نیافتگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در یک ساختار مرکز-پیرامون. پدیده شکاف مرکز-پیرامون، بر مبنای هر مکتب و جریان فکری که تعریف شود، انتهایش به یک‌جا ختم می‌شود: به نابرابری، توسعه‌یافتگی و نیافتگی و به شکاف اقتصادی و اجتماعی؛ مفهومی که در حوزه نظام بین‌الملل به تقسیم‌بندی شمال و جنوب کشورها منتهی می‌شود و در ساختار درونی ایران به استان‌های مرکزی و حاشیه‌ای و جایی که برخی استان‌های کشور با یک عقب‌ماندگی تحمیل‌شده چنددهه‌ساله روبه‌رو می‌شوند و برخی دیگر بیش از سایر مناطق، در تمام داشته‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی سهمیم هستند.

اصل ۴۸ قانون اساسی می‌گوید: «در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، نباید تبعیض در کار باشد. به‌طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد». اما آیا به‌واقع در شهری که شوان در آن متولد شد و به زندگی خود پایان داد، تبعیضی در استفاده از درآمدهای ملی و توزیع فعالیت‌های اقتصادی نسبت به سایر شهرها و به‌خصوص کلان‌شهرها وجود نداشت؟ این تبعیض فقط سهم کردنشینان مرزی نیست. لرها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها، گیلک‌ها، عرب‌ها و حتی آذری‌زبان‌های استان‌های حاشیه‌ای و مرزی، هر کدام به‌تناسب خود، سهمی از تبعیض در توزیع فعالیت‌های اقتصادی و درآمدهای ملی داشته و دارند؛ تبعیضی که نتیجه‌اش بیکاری بیشتر، توسعه کمتر در ظرفیت‌های انسانی، افزایش درگیری و نزاع اجتماعی، مهاجرت و... شده است.

مهاجرت یکی از آخرین تلاش‌هایی است که ساکنان استان‌ها و شهرهای حاشیه‌ای و کمتر توسعه‌یافته کشور برای فرار از کمبودها و کاهش شکاف زندگی‌شان با ساکنان شهرهای بزرگ انجام می‌دهند. زمانی که سرمایه‌گذاری‌ها در مناطق خاصی تجمیع شده است، مهاجران به امید یافتن شغل و تغییر سطح زندگی‌شان، شهرهایشان را می‌گذارند و می‌روند تا به جمع ۱۳ میلیون نفر حاشیه‌نشینان کشور اضافه شوند؛ سال‌ها زندگی در استان‌های حاشیه‌ای کشور و پس از آن هم، سکونت در حاشیه شهرهای

بزرگ. آن‌هایی که تمکن مالی بهتری دارند به دل کلان‌شهرها می‌زنند، اما بقیه اغلب در حاشیه شهرها مستقر می‌شوند. شکاف‌ها اما به قوت خود باقی می‌ماند. آن‌ها آن‌طور که محسن رنایی تعبیر می‌کند، راهی جز «مدارای نجیبانه یا فقر» ندارند؛ چه در شهرهای خود و چه در حاشیه کلان‌شهرها. با مهاجرت از حاشیه به مرکز هم چیزی تغییر نمی‌کند. شهرها و استان‌های حاشیه‌ای هم‌چنان با توسعه‌نیافتگی، بیکاری و فقر روبرو هستند. روند مهاجرت‌های دهه‌های اخیر و تداوم شکاف مرکز-پیرامون این را نشان می‌دهد. ریشه مسأله به ساختارهای نظام متمرکز برمی‌گردد؛ به جایی که ساختارهای سنتی و رویکرد سیاسی دست‌به‌دست هم می‌دهند تا بنیان‌گذار توسعه‌ای نامتوازن در داخل یک خاک شوند. البته شعارها چیز دیگری می‌گویند: عدالت، برابری، شهروند درجه‌یک بودن تمام ایرانیان، اما در عمل و در زمان توزیع درآمدهای ملی و سرمایه‌گذاری‌ها، همه‌چیز متفاوت است. نتیجه شکافی است که میان شعارها با واقعیت به‌وجود می‌آید؛ کمتر توسعه‌یافتگی، بیکاری و فقر برای استان‌ها و شهرستان‌هایی که در کناره‌های خطوط مرزی کشور قرار گرفته‌اند.

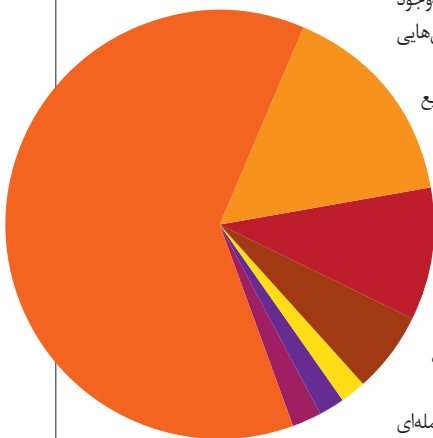
اما آیا تمام این شکاف‌ها به صرف توسعه‌نیافتگی اقتصادی و توزیع ناعادلانه درآمد و سرمایه‌گذاری در مناطق پیرامونی پدید آمده است؟ در ژئوپلیتیکی که تمام اقوام ایرانی در مناطق پیرامونی آن قرار گرفته‌اند؟

اصل ۱۹ قانون اساسی چنین می‌گوید: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیازشان نخواهد بود». آیا تمام ایرانی‌ها، فارغ از قومیت و مذهبشان، آن‌طور که قانون اساسی می‌گوید، شهروند درجه اول به‌شمار می‌آیند؟ آیا اهل سنت در ایران مشابه جمعیت شیعه در ساختارهای سیاسی کشور مشارکت دارند؟

«احساس تبعیض به‌مراتب از خود تبعیض خطرناک‌تر است»، جمله‌ای که بارها و بارها مسئولان سیاسی کشور آن را گفته‌اند، اما آیا در عمل هم تلاشی برای رفع این احساس تبعیض صورت گرفته است؟ احساس تبعیض، دیوار بی‌اعتمادی را بلندتر کرده و به انسداد سیاسی می‌انجامد. تا زمانی که تمام شهروندان، از هر قومیت و مذهب، احساس نکنند که شهروند درجه‌یک هستند، احساس تبعیض می‌کنند؛ حتی اگر تبعیضی هم در کار نباشد.

در کنار توسعه‌یافتگی اقتصادی، توسعه‌یافتگی سیاسی و اجتماعی نیز بخشی از جمعیت را در حاشیه قرار می‌دهد. در واقع جغرافیای سیاسی و اقتصادی، آن‌ها را به جمعیت پیرامونی یک کشور تبدیل می‌سازد. بر این اساس، اگر قرار به برداشتن شکاف باشد، باید در کنار توسعه‌یافتگی اقتصادی و اجتماعی، فکری هم برای برداشتن موانع توسعه سیاسی بشود. مشارکت فعال اجتماعی و سیاسی قومیت‌ها و مذاهب در ساختار سیاسی، می‌تواند احساس شهروند درجه‌اول بودن را برای آن‌ها ایجاد کند. برای تغییرات پارادایمی توسعه، دیگر نه با تبیین‌های ساده تک‌علتی، که با تبیین‌های چندمتغیری است که می‌توان در یک ساختار واقع‌گرایانه به کاهش شکاف مرکز - پیرامون رسید.

آمار جمعیتی اقوام ایران



- ۶۲ درصد فارسی زبان
- ۱۶ درصد آذری زبان
- ۱۰ درصد کرد زبان
- ۶ درصد لُر و بختیاری
- ۲ درصد بلوچ
- ۲ درصد عرب
- ۲ درصد ترکمن

بررسی شکاف توسعه‌ای در نظام متمرکز با مناطق پیرامونی در گفت‌وگو با جواد اطاعت

## توسعه‌نیافتگی استان‌های حاشیه‌ای تعمیدی نبوده است

مولود حاجی زاده

توسعه ساختارهای سیاسی و اقتصادی کشور را سال‌هاست در قالب مباحث تئوری و آکادمیک دنبال می‌کند. حالا هم وقتی صحبت از مفهومی تحت عنوان شکاف مرکز - پیرامون به میان می‌آید، ابتدا به مباحث تئوریک آن در قالب سه مکتب فکری متمرکز بر موضوع اشاره می‌کند. جواد اطاعت که این روزها به رسم سال‌های گذشته در دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی به تدریس مشغول است، اصلی‌ترین عامل شکل‌گیری شکاف منفی میان استان‌های مرزی و مرکزی را ساختار نظام متمرکز می‌داند که نتیجه‌اش بازماندن برخی استان‌های حاشیه‌ای از روند توسعه بوده است. اما در جریان ریشه‌یابی این پدیده، او به برنامه‌های توسعه اقتصادی و تمرکز سرمایه‌گذاری‌ها در استان‌های محدودی اشاره می‌کند که به تجمیع قدرت و ثروت در برخی استان‌ها منتهی شدند. این استاد دانشگاه شهید بهشتی در گفت‌وگویی مشروح علاوه بر ابعاد اقتصادی، مشارکت داده نشدن یکسان قومیت‌ها و به‌خصوص مذاهب دیگر در ساختار اداری و سیاسی را عامل دیگری می‌داند که می‌تواند در کنار شکاف اقتصادی، فضا را برای واگرایی در سطح ملی آماده کند.

**بحث شکاف مرکز و پیرامون به لحاظ تئوریک در مفاهیم بین‌الملل و در ساختار سیاسی - اقتصادی مناطق مختلف دنیا مورد بررسی قرار گرفته، اما تا چه اندازه می‌توان این مفاهیم تئوریک را از بعد توسعه‌نیافتگی به ساختار جغرافیای سیاسی - اقتصادی ایران تعمیم داد؟**

ابتدا بهتر است این موضوع را از بعد تئوری مورد بررسی قرار دهیم. بحث شکاف مرکز و پیرامون در عرصه نظام بین‌الملل، بحثی بسیار جدی بوده و هست و صاحب‌نظران بسیاری در سال‌های متمادی روی این موضوع کار کرده‌اند. سوال اصلی‌ای که در این حوزه به آن پرداختن این بوده که چرا برخی کشورها و مناطق توسعه‌یافته شدند و برخی توسعه‌نیافته. به طور مشخص سه مکتب مختلف روی این موضوع تمرکز و کار کردند. یکی مکتب نوسازی یا مدرنیزاسیون است؛ مکتبی که خاستگاهش عمدتاً دانشگاه‌های آمریکای شمالی است و موضوع توسعه‌نیافتگی را از منظر داخلی کشورهای هدف به بحث می‌گذارد. صاحب‌نظران این مکتب معتقدند که تبدیل جوامع سنتی به مدرن، فرآیندی است که باید در قالب دوران گذار سپری شود تا کشورهای توسعه‌نیافته به توسعه‌یافته تبدیل شوند. افرادی همچون لرنر، ماریون لوی، هربرت اسپنسر و گابریل الموند، توسعه را از منظر کشورهای توسعه‌یافته غربی مورد مطالعه قرار دادند. این مکتب علت اصلی توسعه‌نیافتگی را در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه عامل درونی تلقی می‌کند و مسائلی مانند فرهنگ سنتی، فقدان انگیزه پیشرفت، فرهنگ سیاسی ملت‌ها، دولتهای استبدادی، سرمایه‌گذاری اندک و ناکارآمدی دولت‌ها را عواملی معرفی می‌کند که موجب توسعه‌نیافتگی کشورهای پیرامونی شدند. اما در مقابل اینها، مکتب وابستگی (dependency theory) قرار دارد؛ مکتبی که در واقع در تقابل با مکتب نوسازی شکل گرفته است. این گروه، عامل توسعه‌نیافتگی کشورها را استعمار خارجی می‌داند و برعکس مکتب نوسازی که درون‌گرا بود، نظریه‌شان بر برون‌گرایی است. این مکتب فکری، مکتب نوسازی را مورد انتقاد قرار داده و معتقد است که عامل توسعه‌نیافتگی را باید در روابط استثمارگرانه، تجربه استعمار و ایجاد شکاف بین مرکز و پیرامون، در کشورهای توسعه‌نیافته جست‌وجو کرد. افرادی مانند آندره گوندر فرانک، سمیر امین، والت وایت روستو و کاردوسو، روابط و مناسبات ناعادلانه بین‌المللی را عامل توسعه‌نیافتگی کشورها تلقی می‌کنند. یک مکتب سومی هم وجود

قبل از انقلاب، زمانی که تصمیم‌گرفته می‌شود ایران به کشوری صنعتی تبدیل شود و رو به پیشرفت حرکت کند، در برنامه‌های توسعه‌ای، مناطق خاصی از کشور را به عنوان مراکز پیشنهاده می‌دهند که سرمایه‌گذاران صنعتی در آنجا سرمایه‌گذاری کنند. شهرهایی مانند تبریز، اراک، اصفهان و اهواز، در برنامه‌های توسعه مدنظر قرار می‌گیرند

دارد که به بحث توسعه‌نیافتگی پرداخته و آن مکتب والرش‌تاین است. امانوئل والرش‌تاین در واقع توسعه‌نیافتگی کشورها را در یک فرآیند تاریخی مورد بحث قرار می‌دهد. او این مسئله را از قرن ۱۵ میلادی مورد واکاوی قرار داده و نظریه «مرکز، پیرامون و شبه‌پیرامون» را مطرح می‌کند. والرش‌تاین در واقع مسئله را در قالب پویای تاریخی نظام جهانی مورد بررسی قرار می‌دهد.

**بر این اساس فکری می‌کنم مفهوم مرکز - پیرامون را در ایران می‌توان بر مبنای نظریات مکتب نوسازی مورد ارزیابی قرار داد.**

اجمالاً اینکه نظریه مرکز - پیرامون را ما در روابط بین‌الملل داریم، روابط بین شمال و جنوب؛ کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته. اما برخی درون یک واحد سیاسی هم از این تئوری استفاده می‌کنند و براساس آن معتقدند این فرآیند در داخل کشورها هم وجود دارد. اگر نگوییم فرآیند استثمار، اما حداقل اینکه دولت‌ها در کشور به گونه‌ای عمل کردند که مناطق خاصی از کشور مثل تهران، مشهد، اصفهان، شیراز و تبریز توسعه‌یافته شدند و مناطق پیرامونی کمتر توسعه پیدا کردند.

**بنای این شکاف از چه زمانی در کشور گذاشته شد؛ صرفاً باید ریشه بروز آن را از زمان آغاز برنامه‌های توسعه‌ای جست‌وجو کرد؟**

قبل از انقلاب، زمانی که تصمیم گرفته می‌شود ایران به کشوری صنعتی تبدیل شود و رو به پیشرفت حرکت کند، در برنامه‌های توسعه‌ای، مناطق خاصی از کشور را به عنوان مراکز پیشنهاده می‌دهند که سرمایه‌گذاران صنعتی در آنجا سرمایه‌گذاری کنند. شهرهایی مانند تبریز، اراک، اصفهان و اهواز، در برنامه‌های توسعه مدنظر قرار می‌گیرند. بعد از انقلاب این نگرش تا حدودی تغییر می‌کند و تقریباً در اغلب شهرهای کشور شهرک‌های صنعتی ایجاد می‌کنند و به اشتباه تصور می‌شود که با ایجاد شهرک‌های صنعتی، مناطق توسعه‌نیافته، توسعه‌یافته می‌شوند. در نتیجه تمام اقداماتی از این دست، در شهری مثل تهران، تمرکز ثروت به وجود آمده که دلیل اصلی آن نظام متمرکز در ایران است. معمولاً در کشورهایی که به شیوه متمرکز اداره می‌شوند، اختیارات به مناطق پیرامونی داده نمی‌شود و سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی و دولتی عمدتاً در کانون‌های جمعیتی شکل می‌گیرد چرا که امکانات و خدمات بیشتری در این مناطق وجود دارد که باعث می‌شود سرمایه‌گذاران تشویق به سرمایه‌گذاری در آنجا شوند. به‌رغم اینکه تهران کارویژه‌ش سیاسی بوده است و مرکزیت سیاسی دارد قاعداً باید سایر کارویژه‌ها به مناطق دیگر کشور محول می‌شد اما می‌بینیم که تهران در کنار کارویژه سیاسی، کارویژه آموزشی هم پیدا می‌کند و بزرگ‌ترین مراکز آموزشی - فرهنگی در تهران تجمیع شده است. بزرگ‌ترین مراکز تجاری - بازرگانی و مهم‌ترین مراکز خدماتی در تهران قرار دارد. این کارویژه‌ها در پایتخت تجمیع شده؛ حتی در بحث صنعت هم ما این مشکل را داریم. به همین خاطر است که هم‌اکنون اغلب شهرهای بزرگ ما با مشکلات حاد زیست‌محیطی روبه‌رو هستند. بنابراین، سیاست‌ها در قبل و بعد از انقلاب تغییر کرده اما به دلیل اینکه ساختارها متحول نشده، آن اهداف و سیاست‌هایی که بعد انقلاب تعقیب می‌شده نتیجه نداده، کمالاتی برعکس به حجیم‌تر و بزرگ‌تر شدن دولت هم منتهی شده و این حجیم‌تر شدن و متمرکز شدن دولت هم کمک کرده تا برخی مناطق کشور رشد و توسعه پیدا کنند و مناطق پیرامونی تضعیف شوند.



عکس: رضا معطریان

دولتمردان یک نگاه عالمانه و کلان نسبت به اداره کشور ندارند. ما بحث مهمی که در جغرافیای اقتصادی داریم مکان‌یابی سرمایه‌گذاری یا همان بحث آمایش سرزمین، مزیت نسبی و هزینه فایده است که وقتی مجموع این عوامل را کنار هم قرار دهیم به این نتیجه می‌رسیم که سرمایه‌گذاری‌های مختلف باید در کدام یک از مناطق کشور صورت بگیرد.

امکانات رفاهی برایشان ایجاد شود اما شغل نداشته باشند، جمعیت یک منطقه پایدار نخواهد بود. توجه به اصل آمایش یعنی توجه به پتانسیل‌ها و امکانات و اصل مزیت نسبی. برای مثال یکی از بحث‌های اساسی که سال‌هاست بنده آن را با توجه به بحران آب مطرح می‌کنم آن است که باید تمام سرمایه‌گذاری‌ها به سواحل جنوب ایران سوق داده شود تا بر این اساس بتوان مشکل کمبود آب را برطرف کرد. چه سرمایه‌گذاری‌های مربوط به خود دولت و چه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و حتی خارجی.

اما روند کنونی ترغیب سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری‌های جدید، بیانگر وجود چنین نگرشی در میان دولتمردان نیست.

این بدان دلیل است که دولتمردان یک نگاه عالمانه و کلان نسبت به اداره کشور ندارند و همواره در این خصوص اشتباهات فاحشی می‌کنند. برای مثال ما گاز را از ۱۰۵ کیلومتری ساحل عسلویه از پارس جنوبی استخراج می‌کنیم و با لوله‌کشی آن را در سواحل عسلویه پالایش می‌کنیم و بعد این گاز را تا کرمانشاه و مناطق مرکزی کشور می‌بریم تا به کارخانه پتروشیمی‌ای برسانیم که در شهرهای مختلف تأسیس شده است. این از آن روست که برای احداث یک مجتمع پتروشیمی، پروژه تحقیقاتی اولیه انجام نشده است. ما بحث مهمی که در جغرافیای اقتصادی داریم مکان‌یابی سرمایه‌گذاری یا همان بحث آمایش سرزمین، مزیت نسبی و هزینه فایده است که وقتی مجموع این عوامل را کنار هم قرار دهیم به این نتیجه می‌رسیم که سرمایه‌گذاری‌های مختلف باید در کدام یک از مناطق کشور صورت بگیرد. در حال حاضر در برخی از شهرهای کشور کارخانه‌جات پتروشیمی در دست ساخت است؛ درست در شهرهایی که در تأمین آب آشامیدنی دچار مشکل هستند کارخانه‌جات پتروشیمی احداث می‌شود که به حجم قابل ملاحظه‌ای آب برای خنک کردن کوره‌هایش نیاز دارد. احداث مجتمع پتروشیمی در زاگرس یا مناطق مرکزی کشور بدان معناست که باید هزینه‌ای انجام شود که ابتدا گاز را از سواحل خلیج فارس به مناطق داخلی کشور منتقل کنیم و دوباره هزینه کنیم که تولیدات آنها یعنی مواد پتروشیمی را به خلیج فارس برگردانیم تا از آنجا به خارج از کشور صادر کنیم. اگر هزینه و فایده می‌کردیم، مسلمان‌هایی از این دست صورت نمی‌گرفت. اینها مشکلات زیست محیطی هم به همراه دارند. اینها اشتباهات فاحشی است که قبل از انقلاب و البته بیشتر بعد از انقلاب انجام شده و نشان می‌دهد که ابتدا باید شناخت صحیحی از اداره کشور داشته باشیم و با انجام مطالعات علمی سیاست‌گذاری، و سپس اقدام کنیم. مثل داستان فیل در تاریکی مولاناس که کلیت فیل را کسی نمی‌بیند. کلیت نظام سیاسی باید برنامه‌های کلان طراحی کند و در آن برای سرمایه‌گذاری‌های مختلف اقتصادی از رهنمودهایی که کارشناسان و صاحب‌نظران در اختیارش قرار می‌دهند، استفاده کند. در این خصوص باید بحث پراکنش جمعیت را هم در نظر بگیریم. مهاجرت‌ها مسئله بسیار مهمی است، در حالی که کمترین توجه به آن می‌شود. دولت به جای اینکه در این زمینه خودش به توازن و تعادل جمعیت جهت بدهد، انفعالی عمل می‌کند. به عنوان نمونه جمعیت شمال و شمال غرب کشور برای یافتن کار به سمت شهرهای بزرگ هجوم می‌آورند که بتوانند از طریق مشاغل کاذب معیشتشان را بگذرانند، دولت هم در این میان مداخله عمل می‌کند و برای این جمعیتی که هجوم آورده امکان اسکان فراهم می‌کند. مثلاً در اطراف تهران شهرهای اقماری تأسیس می‌کند که بتواند مسکن ارزان‌قیمت را در اختیار این جمعیت قرار دهد. نتیجه این اقدام آن می‌شود که به مرور حجم عظیمی از جمعیت به دشت تهران هدایت می‌شود که این مسئله نه تنها پیآمدهای مخرب زیست‌محیطی دارد، بلکه به تجمع فساد، فحشا و اعتیاد در اطراف تهران می‌انجامد. مهم‌تر آنکه می‌تواند مشکلات امنیتی برای کشور ایجاد کند. اگر شورش گرسنگان و بیکاران را در نظر بگیریم، آن وقت پایتخت در معرض مشکلات جدی قرار خواهد گرفت.

یکی از تبعات همین شکاف میان مرکز و پیرامون در حوزه اقتصادی و اجتماعی تغییر ساختار جمعیتی این استان‌ها و تبدیل آنها به استان‌های مهاجرفرست است. این مسئله به لحاظ ساختاری می‌تواند ابعاد گسترده‌تر و در عین حال نگران‌کننده‌تری به خود بگیرد؟

آن عاملی که باعث مهاجرپذیری و مهاجرفرست شدن مناطق مختلف می‌شود، سرمایه‌گذاری در مناطق مهاجرپذیر و عدم سرمایه‌گذاری در مناطق مهاجرفرست است. مناطقی که در آنها سرمایه‌گذاری شده و ایجاد اشتغال و کار می‌شود، مهاجرپذیر و مناطقی که امکان کار و اشتغال در آنها وجود ندارد، مهاجرفرست می‌شوند. زمانی که مردم بیکار باشند برای یافتن کار به سایر مناطق کشور مراجعه می‌کنند که این موضوع ناشی از سیاست‌های نادرست است. بعد از انقلاب اشتباه بزرگ‌تری هم رخ داد و آن اینکه دولت‌ها به جای اینکه تمرکز خود را بر سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی برای ایجاد اشتغال، تولید و درآمد معطوف کنند، منابع را صرف خدمات‌رسانی به مناطق مختلف کشور کردند. مسئولان تصور می‌کردند اگر در یک روستا آب، برق، جاده آسفالت، خطوط تلفن و مراکز آموزشی و بهداشتی ایجاد کنند، جمعیت در آنجا پایدار می‌شود و باقی می‌ماند، در حالی که عامل اصلی‌ای که جمعیت را در یک منطقه حفظ می‌کند، وجود شغل و درآمد و کسب ثروت است. بسیاری از روستاهای کشور که تمام امکانات خدماتی در آنها مهیا است، از جاده مناسب گرفته تا آب آشامیدنی، برق، تلفن، مدرسه و... به مرور زمان به روستاهای متروکه تبدیل شده‌اند و جمعیت آنجا را ترک کرده است. در واقع در این مناطق به اولویت‌بندی‌ها توجه نشده است. اولویت اولیه باید بر سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی در مناطق مختلف متمرکز می‌شد. یک مثال بزنم؛ زمانی که از دروازه قرآن شیراز به سمت شهرستان مرودشت حرکت می‌کنید، به ترتیب پالایشگاه شیراز، مجتمع پتروشیمی، گروه صنعتی آرمایش، مجتمع صنعتی گوشت، سد دروزن و مجتمع‌های مختلف تولیدی و صنعتی را مشاهده می‌کنید. اینها تلاش‌هایی در جهت سرمایه‌گذاری بوده است که باید تداوم پیدا می‌کرد. اما برعکس بعد از انقلاب تلاش‌های زیادی در این منطقه صورت گرفته اما عمده‌ها از نوع خدماتی بوده است. اینها خدماتی ضروری است اما ما در اولویت‌بندی‌ها دچار اشتباه شده‌ایم. دولت باید سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی را در مناطقی که پتانسیل آن وجود دارد، براساس اصل آمایش سرزمین و مکان‌یابی صنعتی انجام دهد تا به ایجاد شغل، تولید و درآمد بینجامد. وقتی درآمد ایجاد شود خود مردم می‌توانند برای خودشان امکانات رفاهی فراهم کنند و برعکس اگر تمام

آن عاملی که باعث مهاجرپذیری و مهاجرفرست شدن مناطق مختلف می‌شود، سرمایه‌گذاری در مناطق مهاجرپذیر و عدم سرمایه‌گذاری در مناطق مهاجرفرست است. مناطقی که در آنها سرمایه‌گذاری شده و ایجاد اشتغال و کار می‌شود، مهاجرپذیر و مناطقی که امکان کار و اشتغال در آنها وجود ندارد، مهاجرفرست می‌شوند.

# مانع پردشدگی قومی و مذهبی در مناطق حاشیه‌ای شویم

علی دینی ترکمان از رویکرد مرکز - پیرامون در ساختار سیاسی کشور می‌گوید

مولود حاجی زاده

تمام‌نمایی از آینده کشورهای توسعه‌نیافته هستند. یعنی، فرآیند توسعه را به صورت خطی می‌بیند که لاجرم کشورهای گروه دوم نیز توسعه پیدا می‌کنند و به سطح توسعه‌یافتگی می‌رسند. همه این مفروضات از سوی رویکرد مرکز-پیرامون که نظریه وابستگی یا نظام اقتصاد - جهانی نیز نامیده می‌شود به‌شدت مورد نقد قرار می‌گیرد. از منظر رویکرد مرکز - پیرامون توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی دو روی مقابله سکه واحدی هستند، یعنی، علت اصلی توسعه‌یافتگی برخی از کشورها که مرکز اقتصاد - جهانی هستند، جذب منابع اقتصادی و انسانی کشورهای پیرامونی از طریق قرار دادن آنها در دام وابستگی است.

## و نقش دولت مرکزی در این ساختار چیست؟

به نظر من در الگوی مرکز - پیرامون جایی برای دولت کارآمد وجود ندارد. دولتی که می‌تواند از طریق طراحی نظام آمایش سرزمین قوی، تا حدی بر کارکردی‌های مذکور توسعه در چارچوب نظام سرمایه‌داری غلبه کند و موجب توسعه کم و بیش متوازن منطقه‌ای بشود. دولتی که می‌تواند از طریق طراحی یک سیاست صنعتی قوی تا حدی از میزان وابستگی فناورانه به عنوان اصلی‌ترین رشته پیوند وابستگی خود را رهایی بدهد. نقد من به الگوی مرکز - پیرامون و نظریه‌هایی نظیر آن، این است که همه‌چیز را به کنار گذاشتن نظام سرمایه‌داری احاله می‌دهد. این در حالی است که امکان‌پذیری چنین پروژه‌ای چندان در چشم‌انداز قرار ندارد. بنابراین، اعتقاد کامل و نه منتقدانه به آن موجب می‌شود که امکانات در دسترس چون تلاش برای کارآمدسازی نظام حکمرانی در سطح ملی نیز از دست برود.

و حالا به عقیده شما در نبود دولتی کارآمد که بتواند بر این کارکردی‌ها غلبه کند، توسعه نامتوازن مرکز و مناطق حاشیه‌ای کشور به اندازه‌ای عمیق شده که بتوان شکاف میان مرکز و حاشیه را شکافی «نهاده‌یافته» شده در ساختار جغرافیای سیاسی کشور دانست؟

وقتی شکاف سطح توسعه میان استان‌هایی همچون تهران، اصفهان، آذربایجان، فارس و خراسان در یک سو و استان‌هایی چون سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویر احمد، گلستان، کردستان و ایلام را در سوی دیگر ارزیابی می‌کنیم، شکاف بسیار زیادی دیده می‌شود که جز این نمی‌توان گفت که این شکاف نهاده‌یافته شده است. منتها در متن جامعه و اقتصاد ایران همه‌چیز را نباید به سرمایه جهانی ربط بدهیم. بسیاری از اشتباهات نظام حکمرانی ما در این نهاده‌یافته شدن نقش داشته است. برای مثال، افزایش جمعیت در دهه ۱۳۶۰ که موجب انفجار جمعیت شد به علاوه فرموله‌سازی سیاست نادرستی برای تامین مسکن، موجب گسترش افقی کلان‌شهرها به‌ویژه تهران شد. این گسترش افقی، منابع مالی‌ای را که می‌توانست صرف زیرساخت‌سازی تولیدی و رفاهی در مناطق پیرامونی شود بلعید. پروژه‌های سرمایه‌گذاری بسیار زیادی که طی کلنگ‌زنی‌های غیرکارشناسی، یکی پس از دیگری افتتاح و نیمه‌کاره رها شدند، هم موجب بروز مشکلی به نام مطالبات معوقه شدند و هم منابعی را که می‌توانست در مناطق محروم مورد استفاده قرار بگیرد از بین برده‌اند. این موارد انصافاً ربطی به سرمایه جهانی ندارد. اینها مصادیقی از ضعف نظام حکمرانی ماست که تلاش‌هایش برای تامین عدالت به ضد خودش تبدیل شده است. چون در

عدالت زمانی معنا پیدا می‌کند که تک‌تک اجزای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یک ساختار را تحت سیطره در آورده باشد؛ به‌ویژه ساختاری با عنوان ملت را. اما خروج هر یک از این اجزا از زیر سایه عدالت، به سرعت پیامدهایی را با عناوین مختلفی چون ظلم، تبعیض، شکاف، آسیب، ناهنجاری و بسیاری از عناوین دیگر شکل می‌دهد. توسعه هم یکی از همین پیامدهاست که می‌تواند با یک شکاف، به دو مفهوم توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته تبدیل شود. علی دینی ترکمان معتقد است ریشه تمام این عدم توازن‌ها و مشکلات را باید در نظام حکمرانی ضعیف جست‌وجو کرد؛ ضعفی که او آن را «تودر تویی نهاده‌ی» نام‌گذاری کرده است. این اقتصاددان در عین حال از درهم‌تنیدگی توسعه در ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن گفته و معتقد است بدون همسویی و رشد متوازن این سه رکن، توسعه به مفهوم واقعی رخ نمی‌دهد. نتیجه این عدم رشد و همسویی سه رکن توسعه هم می‌شود شکاف در قالب مرکز - پیرامون؛ آنچه که سال‌هاست مناطقی را نه تنها به لحاظ جغرافیایی که به لحاظ اقتصادی، مشارکت سیاسی و حتی اجتماعی در حاشیه قرار داده است. علی دینی ترکمان در این گفت‌وگو به تشریح ابعاد مختلف رویکرد مرکز - پیرامون در سطح ملی و ساختارهای سیاسی و اقتصادی کشور می‌پردازد.

بحث شکاف مرکز و پیرامون در عرصه نظام بین‌الملل در قالب چند مکتب فکری مورد بررسی قرار گرفته اما آیا همین بحث را می‌توان با نگاه تئوریک به درون مرزهای سیاسی ایران تعمیم داد؟ به عبارتی چقدر می‌توان بحث مرکز و پیرامون را در قالب توسعه‌یافتگی برخی استان‌های مرکزی و توسعه‌نیافتگی استان‌های مرزی مورد بررسی قرار داد؟

رویکرد مرکز-پیرامون هم قابل استفاده برای تحلیل رابطه نابرابری اقتصادی در مقیاس جهانی و پیامدهای آن در فرآیند توسعه است و هم قابل استفاده در سطح ملی. این دو از منظر این رویکرد قابل تفکیک از هم نیستند. سازوکاری که در داخل موجب بروز شکاف توسعه میان مراکز و پیرامون و حتی گسترش آن در گذر زمان می‌شود همان سازوکاری است که در مقیاس جهانی عمل می‌کند. این سازوکار چیزی نیست جز منطق انباشت سرمایه. همان‌طور که مراکز ملی به دلیل قدرت اقتصادی بیشتر و سرمایه متمرکز در آنها منابع اقتصادی و انسانی پیرامون را جذب می‌کنند و مانع توسعه آنها می‌شوند، در مقیاس جهانی هم مراکز جهانی، منابع اقتصادی و انسانی پیرامون جهانی را جذب می‌کنند و مانع توسعه آنها می‌شوند. سرمایه ملی جزئی از سرمایه جهانی است و سرمایه جهانی به مانند موتور مکنده‌ای منابع را به سوی خود جذب و نابرابری‌ها یا به تعبیر آندره گوندر فرانک «توسعه توسعه‌نیافتگی» را تشدید می‌کند. از این منظر مادام که نظام سرمایه‌داری باقی است، این کارکرد مرکز-پیرامونی نیز استمرار پیدا می‌کند. مکتب نوسازی که در اندیشه‌های اقتصاددانانی چون روستو بازتاب پیدا کرده است مورد نقد رویکرد مرکز-پیرامون است. بنابراین، این دو را نمی‌توان با هم جمع کرد. رویکرد نوسازی معتقد به این است که رشد اقتصادی دارای آثار رخنه به پایین است. وقتی مراکز رشد می‌کنند آثار مثبت این رشد سرریز مناطق پیرامونی می‌شود و آنها نیز توسعه پیدا می‌کنند. در بحث توزیع درآمد در چارچوب فرضیه کوزنتس معتقد است رشد اقتصادی موجب هم‌گرایی شدن توزیع درآمد میان کار و سرمایه در طول زمان می‌شود. همین‌طور معتقد است کشورهای توسعه‌یافته آینه

وقتی شکاف سطح توسعه میان استان‌هایی همچون تهران، اصفهان، آذربایجان، فارس و خراسان در یک سو و استان‌هایی چون سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویر احمد، گلستان، کردستان و ایلام را در سوی دیگر ارزیابی می‌کنیم، شکاف بسیار زیادی دیده می‌شود که جز این نمی‌توان گفت که این شکاف نهاده‌یافته شده است

واقع امر این است که دولت هنوز متمرکز عمل می‌کند. بخش عمده بودجه متعلق به وزارت‌خانه‌ها و سایر نهادهای ملی است. بودجه استانی سهم بالایی ندارد. تمرکززدایی یعنی هم افزایش سهم بودجه استانی و هم اجازه دادن به آنها برای تصمیم‌گیری‌های مهم غیرامنیتی. ساختار نظام اداری ما به گونه‌ای سرشته شده که استان‌ها بدون هماهنگی با مرکز نمی‌توانند تصمیمات مهم بگیرند.



#### مشارکت سیاسی و اجتماعی این گروه‌ها نیز متمرکز شد؟

این‌دو به هم مرتبط هستند. توسعه اقتصادی بدون توسعه سیاسی و اجتماعی پیش نمی‌رود و توسعه سیاسی بدون توسعه اقتصادی دچار مشکل می‌شود. این‌دو واحدی به نام «توسعه همه‌جانبه» را شکل می‌دهند که از هم قابل تفکیک نیستند. اگر نگاه سیاسی و اجتماعی نظام حکمرانی بازتر بشود و در چارچوب شعار ایران برای همه ایرانیان قواعد رسمی تنظیم شود، در این صورت، به لحاظ اقتصادی هم توانایی فرموله‌سازی راهکارهای صحیح برای حل مسائل را پیدا می‌کند و اگر توانایی لازم برای فرموله‌سازی صحیح مسائل در عرصه اقتصادی را پیدا کند در این صورت می‌تواند شعار ایران برای همه ایرانیان را به پیش برد و تضادهای قومیتی و مذهبی را به تعامل سازنده تبدیل کند. این‌دو در یک رابطه دیالکتیکی قرار دارند که اگر در جهت مثبت قرار بگیرند، همدیگر را در مداری فزاینده تقویت و درجه ادغام اجتماعی به عنوان شاخص نهایی توسعه را حداکثر می‌کنند.

**به طور مشخص آیا به لحاظ اجرایی و با توجه به فضای عمومی کشور در حوزه‌های مختلف، می‌توان احساس کرد که تمایل به فاصله گرفتن از ساختار دولت متمرکز و تسریع قدرت و امکانات به صورت یکسان در تمام کشور وجود دارد. در این خصوص آیا بحث آمایش سرزمین که در برنامه ششم هم گنجانده شده، می‌تواند اثرگذار باشد؟**

واقع امر این است که دولت هنوز متمرکز عمل می‌کند. بخش عمده بودجه متعلق به وزارت‌خانه‌ها و سایر نهادهای ملی است. بودجه استانی سهم بالایی ندارد. تمرکززدایی یعنی هم افزایش سهم بودجه استانی و هم اجازه دادن به آنها برای تصمیم‌گیری‌های مهم غیرامنیتی. ساختار نظام اداری ما به گونه‌ای سرشته شده که استان‌ها بدون هماهنگی با مرکز نمی‌توانند تصمیمات مهم بگیرند.

پیشبرد فرآیند توسعه در چارچوب آمایش سرزمین، مستلزم اختصاص بودجه بیشتر به مناطق محروم‌تر است. مستلزم تهیه نقشه راه صنعتی، کشاورزی، خدماتی، گردشگری و علمی متناسب با توانمندی‌های جمعیتی و سرزمینی مناطق و استان‌های مختلف کشور است. واقع امر این است که در گذشته چنان بد عمل کرده‌ایم که دیگر برای این کار فرصت‌های خیلی خوبی نداریم. همانند تلاشی که برای حفظ محیط زیست می‌شود. جنگل‌ها و دامنه‌های کوهپایه‌ها از جمله همین کوه‌های تهران به مناطق مسکونی تبدیل شده است. باید بسیار زودتر با آینده‌نگری امروز را می‌دیدیم و مانع از تخریب محیط زیست می‌شدیم. دیگر کار چندانی نمی‌توان کرد. به تعبیر فیزیک‌دانان وقتی آن‌تروپی سیستم بر اثر اصطکاک نیروها افزایش پیدا می‌کند انرژی از دست‌رفته بیشتر می‌شود. این انرژی از دست‌رفته قابل جبران نیست. درست مانند ما که عمر از دست‌رفته را نمی‌توانیم برگردانیم. تنها کاری که می‌توانیم بکنیم افزایش راندمان کاری و تلاش بیشتر کردن از این پس است. البته این افزایش راندمان مستلزم تقویت نظام حکمرانی است. بدون تامین این الزام باز هم منابع به شکل‌های مختلف هدر خواهد رفت.

چرخه سیاست‌گذاری، به‌جای اتخاذ راهکارهای درست برای پاسخ‌گویی به مشکلات، راهکارهای نادرست اتخاذ شده که علت آن بی‌توجهی به جایگاه تخصص بوده است. نمونه اخیرتر آن طرح پنگاه‌های زودبازده است.

**با همین رویکرد باید تسریع پدیده‌هایی همچون بیکاری، مهاجرت، بزهکاری اجتماعی و حتی فساد در برخی استان‌های مرزی را ناشی از همین گسترش افقی کلان‌شهرها و شکاف حاشیه و مرکز دانست؟**

بله. البته به علتی که عرض کردم ما درگیر مشکلات ساختاری بیکاری و تورم و مسائل اجتماعی هستیم. این مشکلات در کلان‌شهرها هم وجود دارد. با وجود این، دامنه و ابعاد آن در مناطق پیرامونی بیشتر است. به همین علت مهاجرت از مناطق پیرامونی به مناطق مرکزی وجود دارد.

**و صرفاً ریشه این شکاف را باید در ضعف نظام حاکمیتی در تامین عدالت دانست یا در این میان می‌توان ریشه آن را در عوامل دیگری هم جست‌وجو کرد، از جمله بحث‌های قومیتی و ایدئولوژیک میان شیعه و سنی؟**

همان‌طور که عرض کردم ریشه مشکلات را باید در نظام حکمرانی ضعیف جست‌وجو کرد. این ضعف ریشه در وضعیتی دارد که نام آن را «تودرتویی نهادی» گذاشته‌ام. این تودرتویی نهادی موجب بروز موازی‌کاری شدید، اتلاف منابع و پاسخ‌گویی ضعیف و بی‌ثباتی در ساختارهای سازمانی شده است. علاوه بر این، روزمرگی و نبود نگاه بلندمدت و راهبردی از جمله ویژگی‌های دیگر نظام حکمرانی ماست. سی سال پیش باید امروز را می‌دیدیم و امروز باید سی سال آینده را ببینیم و بر مبنای آن برنامه‌ریزی کنیم. این نگاه، نگاه مدرن به اقتصاد و جامعه است که لازمه آن درک جایگاه تخصص‌گرایی و شایسته‌سالاری است. در نبود تخصص‌گرایی و شایسته‌سالاری، مدیریت در تله روزمرگی گرفتار می‌شود و توانایی اتخاذ رویکردی راهبردی را پیدا نمی‌کند.

اما از سوی دیگر، قطعاً بحث‌های قومیتی و مذهبی هم در شکل‌گیری نیروهای گریز از مرکز چه در مناطق قومیتی مثل آذری‌نشین و چه در مناطق سنی‌نشین تأثیر داشته است. بدون اعتقاد به شعار «ایران برای همه ایرانیان» و تخصیص منابع، امکانات و پست‌ها بر مبنای معیار تخصص‌گرایی و شایسته‌سالاری نمی‌توان حکمرانی قوی داشت.

**به رغم این موضوع یعنی وجود بحث‌های قومیتی و مذهبی به‌ویژه در استان‌های حاشیه‌ای، آیا می‌توان احساس کرد که نظام متمرکز اهتمامی به کاهش یا حل این مسائل در استان‌های فوق دارد یا مدارای این استان‌ها با توسعه‌نیافتگی موجب گره خوردن با این مسائل شده است؟**

واقعیت این است که به لحاظ ایدئولوژیک دست‌کم بخش‌هایی از قدرت، با شعار ایران برای همه ایرانیان، که در آن حقوق شهروندی همه باید تامین شود، تا حدودی مسئله دارند. این می‌تواند موجب بروز حس تحقیر در میان هم‌وطنان شریف آذری، کرد، بلوچ، لر، ترکمن و گیلک شود. تنها راهکار اساسی برای ممانعت از طردشدگی اجتماعی در چنین مناطقی، احترام حداکثری به حقوق مدنی، سیاسی و شهروندی آنان است. یعنی هم مطالبات برحق مدنی آنان از جمله احترام به آیین‌های فرهنگی و زبان‌شان باید مورد تایید و حرمت قرار داشته باشد، هم باید مطالبات سیاسی‌شان مورد احترام قرار گیرد. هم باید از حداقل‌های زندگی که جزئی از حقوق شهروندی‌شان است، برخوردار شوند.

**آیا صرفاً با رویکرد توسعه‌ای در این مناطق شامل سرمایه‌گذاری اقتصادی، ایجاد زیرساخت، ایجاد شغل و کاهش تورم می‌توان علاوه بر توسعه یافتگی اقتصادی، بحث هم‌گرایی قومی و مذهبی را هم بهبود بخشید. یا برای این مسئله باید علاوه بر مباحث توسعه‌ای بر افزایش**

تنها راهکار اساسی برای ممانعت از طردشدگی اجتماعی در چنین مناطقی، احترام حداکثری به حقوق مدنی، سیاسی و شهروندی آنان است. یعنی هم مطالبات برحق مدنی آنان از جمله احترام به آیین‌های فرهنگی و زبان‌شان باید مورد تایید و حرمت قرار داشته باشد، هم باید مطالبات سیاسی‌شان مورد احترام قرار گیرد. هم باید از حداقل‌های زندگی که جزئی از حقوق شهروندی‌شان است، برخوردار شوند

# عقب ماندگی استان های مرزی از برنامه های توسعه

## گفت و گو با استاندار ایلام درباره توسعه استان های مرزی

### ریحانه سادات یاسینی

بررسی گزارش های مرکز آمار ایران و بانک مرکزی نشان می دهد زندگی و معیشت در استان های مرزی و حاشیه ای نسبت به کل کشور، همیشه با محرومیت همراه بوده است. نرخ بیکاری عمومی کشور در تابستان ۱۰/۹۴ درصد بوده و استان مرزی کرمانشاه با ۱۶ درصد، بیکارترین استان کشور بوده است. ایلام نیز با نرخ ۱۲/۶ درصدی بیکاری، در ردیف بیکارترین استان کشور قرار دارد؛ که البته شاخص بیکاری آن نسبت به تابستان ۱/۴۰۹۳ درصد کم تر شده است. معضلات اقتصادی و اجتماعی در استان های مرزی به هم گره خورده است. به روایت قنبر نژاد، نماینده معاونت راهبردی قوه قضاییه در کمیته پیشگیری از خشونت، ایلام جزو سه استان کشور است که بالاترین میزان قتل و خودکشی در آن ها اتفاق افتاده است. محمدرضا مروارید، استاندار ایلام در دولت یازدهم، پای گفت و گو با آینده نگر نشست است.

برای برنامه ششم توسعه آماده و ارسال کردیم که برای استان های غربی در حکم زیربنا هستند.

چند مورد از این پیشنهادات را به صورت مصداقی مطرح می کنید؟ احکام کلی است. یکی از مهم ترین آن ها پیوستن مراکز این استان ها به شبکه ریلی کشور است. وقتی به طور کلی دستور ابلاغ شود، بعد از آن در بودجه نیز برایش سهم خاصی در نظر می گیرند. یک پیشنهاد این بود که ۲۰ درصد از درآمدهای استان در خود استان هزینه شود. هم چنین بحث آزادراه سازی مطرح شد و به طور کلی، شاخص هایی که بیشتر مربوط به کارهای زیربنایی می شود مورد بحث قرار گرفت.

ابتدای بحث درباره عدم توجه به توسعه منطقه های حاشیه ای، گفتید این مسئله طبیعی است. توجه نکردن به رفاه مناطق حاشیه آنقدر همیشگی بوده که حالا به یک مسأله طبیعی تبدیل شده است. این موضوع، در بحث توسعه کلان کل کشور چه تأثیری می تواند داشته باشد؟

این بحثی است که در ۲۰-۳۰ سال گذشته همیشه مطرح بوده است. باید برنامه جامع و آمایش سرزمین وجود داشته باشد و برای هر سرزمینی با توجه به ظرفیت هایش برنامه ریخته شود. اما اجرایی کردن این آمایش را همیشه طول می دهند. زمانی هم که به پایان می رسد، می گویند داده هایش قدیمی شده و باید دوباره شروع کنیم. واقعیت این است که چانه زنی خیلی در گرفتن بودجه نقش دارد. استان ما قبلاً کسی را در هیأت دولت نداشته، ولی الان حداقل دو سه نفر را در حد معاون وزیر داریم. همین مسئله می تواند خیلی به بحث های توسعه ای استان کمک کند.

همین عدم آمایش دقیق و مسائل این چنینی، در سطح کلان چه آسیب هایی برای کشور به همراه دارد؟

مربوط به بحث مهاجرت هاست. در حال حاضر آسیب های حاشیه نشینی شهرهای بزرگ و کلان شهرها مشکلات زیادی را ایجاد کرده که عمدتاً به دلیل مهاجرت و عدم توجه به توسعه روستاها اتفاق افتاده اند. در دولت جنگ، طرحی برای مناطق محروم در سطح نخست وزیری داشتیم، ولی بعداً به حاشیه رفت. حالا دولت یازدهم هم معاونت روستایی ایجاد کرده و باید به روستا به عنوان زیربنای توسعه کشور نگاه کنند. یکی از مشکلات اصلی ما مربوط به روستاهای مرزی است. بسیاری از ساکنان روستاهای مرزی با توجه به نبود امکانات، روستاها را خالی می کنند. رواج استفاده از اینترنت و رسانه های نوین هم شرایطی را رقم زده که همه به راحتی می دانند کجا کار هست و کجا می توانند راحت زندگی کنند. استان ایلام در ۵ سال از دولت احمدی نژاد ۵۰ هزار نفر از جمعیتش کم شد. در کل، طی سال های اخیر ما صد هزار نفر مهاجر داشتیم. اگرچه تولدهای جدید هم داشته ایم ولی خارج شدن حدود ۱۰۰ هزار نفر برای یک استان ۶۰۰ هزار نفری خیلی زیاد است. اگر در شهرهای کوچک کارهای توسعه ای انجام شود و سطح زندگی تا حدودی به شهرهای بزرگ شبیه شود، خیلی ها ترجیح می دهند در وطن خودشان بمانند و با مشکلات ناشی از مهاجرت درگیر نشوند. کسانی که در روستای خودشان شخصیتی دارند و از مقام و منزلت اجتماعی برخوردارند، بر اثر فقر و بیکاری در تهران و اصفهان

در آمارهای مربوط به بیکاری و در آمد خانوار، هر قدر جست و جو می کنیم، می بینیم وضعیت خوبی ندارند. دلایل وریشه های این که ایلام در بیش تر شاخص های اقتصادی جایگاه پایینی، چیست؟

دلایل تاریخی است. ایلام به این علت که استانی دور از مرکز و پایتخت بوده، هیچ وقت زیربنایی قوی مثل جاده و فرودگاه نداشته است. جمعیت استان هم کم است و این خودش مشکل بزرگی است. اگر جمعیت زیاد باشد، با خودش توسعه می آورد. قبل از انقلاب ایلام ۲۰۰ هزار نفر جمعیت داشته و الان به ۶۰۰ هزار نفر رسیده است. قبل از انقلاب، ایلام هیچ وقت وضعیت خوبی نداشت. بعد از انقلاب هم بلافاصله جنگ شروع شد. ایلام مرزهای طولانی دارد، آن زمان هم ۴۳۰ کیلومتر مرز داشت و تمام استان تحت تأثیر جبهه قرار گرفت. در نتیجه ۸ سال اول بعد از انقلاب، استان درگیر جنگ بود. بعد از جنگ هم بازسازی شروع شد اما تحت عنوان بازسازی، فقط به خرابی های شهری ناشی از جنگ رسیدند. با توجه به مجموعه این دلایل، ایلام همواره نسبت به استان های دیگر از مواهب توسعه ای عقب بوده است. ولی از سال های ۷۰ به بعد توسعه اش با سرعت نسبتاً بالاتری شروع شد. جاده ها و فرودگاه و کارخانجات مادر مانند سیمان تأسیس شدند و در سال ۷۶، تأسیساتی برای استفاده از ذخایر نفتی و گازی ایجاد شد. ایلام بعد از خوزستان و بوشهر، سومین استان ایران است که بیش ترین منابع نفتی را دارد. در سال های میانی دهه هفتاد، از یکی از میدان ها شروع به برداشت کردند و پالایشگاه درست شد. الان هم در این استان دو میدان نفتی وجود دارد. ۴-۵ سالی هست که استان به روال توسعه افتاده است. دولت جدید وقتی روی کار آمد، ایلام از نظر بیکاری دومین استان ایران بود. خوشبختانه بر اساس آمارگیری تابستان امسال، ایلام در این شاخص هفتمین استان کشور شده است. اگر به همین روال جلو رویم، تا پایان دولت می توانیم این استان را به میانگین برسانیم.

طی ۵ برنامه توسعه که تا به حال داشتیم، توجه خاصی به مرکز و پایتخت بوده و از مناطق حاشیه ای غفلت شده است. این مسئله را در تبیین محرومیت های ایلام چطور می بینید؟

طبیعی است. در مراکز تصمیم گیر واقعاً ایلام سهمی نداشته است. نه فقط ایلام، بقیه استان های حاشیه ای کشور هم سهمی نداشته اند. امسال با کمک استاندارهای زاگرس نشین که در غرب کشور هستند، پیشنهادهایی

# ۸۱

هزار نفر

از جمعیت بالای ۶  
سال ایلام بی سواد  
هستند

استان ایلام در  
۵ سال از دولت  
احمدی نژاد  
۵۰ هزار نفر از  
جمعیتش کم  
شد. در کل طی  
سال های اخیر  
ما صد هزار نفر  
مهاجر داشتیم



در حالت معمول جهانی، اگر هر ساعتی بارندگی از ۱۳ میلی متر بیش تر شود، به بحران می رسد. در ایلام طی یک ساعت ۱۷۹ میلی متر بارندگی شد.

۷/۸

هزار نفر  
از مردم ایلام دارای  
مدرك فوق لیسانس و  
دکتر هستند

۱۸

هزار نفر  
از جمعیت فعال ایلام  
بیکار هستند

سیل اخیر  
را سازمان  
هواشناسی  
از قبل اطلاع  
و هشدار داده  
بود. ماهم روی  
پیشگیری آن  
خیلی کار کردیم.  
برای مثال از چند  
روز قبل از وقوع  
سیل، در بعضی  
شهرستان هایمان  
از گروه های  
عشایری تعهد  
گرفته بودیم  
که در بعضی  
مسیرها حاضر  
نباشند

اثر سیل فوت شدند که آن هم می توان گفت بر اثر بی احتیاطی خودشان و توجه نکردن به هشدارها بود. چون در ۲۰ سال گذشته بارندگی زیاد نبوده، در نزدیکی چند تا از مسیل هایمان زمین کشاورزی و خانه ساخته شده بود و آن ها آسیب دیدند. بعضی جاها آبخیز درست کرده بودیم که خوب جواب داد.

به صورت عملیاتی فقط به بحث عشایر اشاره کردید. غیر از آن دیگر چه اقداماتی داشتید؟

بعضی از مسیل ها را از پیش لایروبی کرده بودیم و این خودش خیلی مؤثر بود. اما در طول ۲۰-۳۰ سال گذشته روی بعضی ها را پوشانده بودند و بعضی ها خیابان شده بود که در جریان سیل، تخریب شد. مسیل هایی را که فکر می کردیم ممکن است با بارندگی پر شوند و هم چنین بعضی پل ها را، تخلیه کرده بودیم.

بعد از بحث سیل، مسافرت های زیارتی اربعین، نام ایلام را در رسانه های کشور پر رنگ کرد. امسال، وضعیت مرز مهران برای اربعین چطور بود؟

امسال تقریباً یک میلیون نفر از مرز ایلام عبور کردند. آن هایی که ویزا گرفته بودند، مشکلی نداشتند. اما تعدادی از افراد بدون ویزا آن جا جمع شده بودند و جلوی کار را می گرفتند و مشکلاتی را ایجاد کردند. اما در نهایت عملیات اعزام و پذیرش ورودی ها به خوبی انجام شد.

سنت زیارت اربعین در سال های اخیر خیلی بیش تر از قبل مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به افزایش تردد از مرز مهران، این مسأله می تواند برای استان مرزی ایلام پیامدهای مثبت اقتصادی داشته باشد؟

قطعاً آثار مثبتی دارد. مرز مهران پر ترددترین مرز زمینی کشور است. حداقل دو میلیون نفر در طول سال در حالت عادی رفت و آمد می کنند که برای مراسم اربعین، به سه میلیون نفر می رسد. البته افرادی که از این مرز تردد می کنند، گردشگر نیستند، زائرند و مشخص است که زائر نسبت به توریست کمتر خرج می کند. درباره اربعین، خیلی چیزها بیشتر صولاتی است. ولی در هر حال توقف هایشان در استان و وسایل نقلیه ای که یک ماه رفت و آمد دارند، مزیت های اقتصادی نیز برای استان ایجاد می کنند. با توجه به این که در روز هزار کامیون کالا صادر می شود، قصد داریم منطقه آزاد مهران را ایجاد کنیم. قرار است این طرح در هیأت دولت و مجلس مطرح شود. اگر منطقه آزاد مهران عملیاتی شود، وضعیت استان بهبود قابل توجهی پیدا می کند. همین الان هم افرادی برای تأسیس کارخانجاتی با هدف بازار عراق برنامه ریزه می کنند. پیش بینی می کنیم یکی از پایه های اصلی توسعه استان، همین منطقه آزاد مهران شود. در دهلران هم وزارت کشور تشخیص داده که مرز جدیدی با استان عماره، روبروی دهلران، باز کنیم و در حال مذاکره با عراقی ها هستیم. در صورت راه اندازی این مرز، بهبود خوبی برای وضعیت اقتصادی تجربه خواهد شد.

آخرین بحث در خصوص استان های مرزی غرب هم مربوط به داعش است. خطرات تروریستی به حدی جدی بوده که حتی چهره پابخت هم امنیتی شده است. در ایلام مشکلات جدی وجود ندارد؟ نه، تا به حال مشکل جدی نبوده است. خوشبختانه استان های روبروی ما، مانند عماره از حضور نیروهای داعش پاک هستند. البته استان دیانه روبروی کرمانشاه است و تا ۴۰ کیلومتری مرز آن جا درگیری هایی وجود داشت، ولی در پاک سازی های اخیر دور شدند. نیروهای امنیتی، اطلاعاتی و هم چنین سپاه و مرزبانی اشراف خوبی به منطقه دارند و تا کنون مشکلی در این زمینه نداشته ایم. خود ارتش هم تا ۵۰ کیلومتری مرز ما مراقبت های ویژه ای داشته است.



حاشیه نشین می شوند.

در پیش نهاداتی که برای برنامه ششم مطرح کردید، همه چیز مربوط به بحث های زیربنایی ساختاری و اقتصادی بود. می بینیم که استان های حاشیه ای از نظر وضعیت اجتماعی، فرهنگی نیز مشکلات زیادی دارند. در این حوزه ها کاری صورت گرفته است؟ حقیقتاً کارهای زیادی انجام شده است. ما از نظر تعداد دانشجو نسبت به جمعیت، دومین استان کشور هستیم. ۵۰ هزار نفر دانشجو داریم و توسعه دانشگاه ها خوب بوده است. سهمیه بندی منطقه ای برای رفتن به دانشگاه خیلی مؤثر بوده است. این طور نیست که اوضاع خیلی نابسامان باشد. آخرین کتابی که سازمان برنامه در خصوص شاخص های فرهنگی اجتماعی ارائه داده نشان می دهد که استان ایلام رشد خوبی داشته و به میانگین شاخص های کشوری رسیده است. ولی باز هم نیاز است که اقدامات زیادی انجام بگیرد.

استان های مرزی کشور از یک طرف با اوضاع نابسامان اقتصادی مواجه هستند و از طرف دیگر، به مرزهای همسایه دسترسی راحتی دارند. این ویژگی ها باعث می شود قاچاق در معیشت مردم نقش زیادی داشته باشد. معضل قاچاق در ایلام به چه شکل است؟ این جا اصلاً قاچاق وجود ندارد. چون مردم ایلام خیلی مقید هستند و نسبت به قوانین احترام می گذارند. از طرفی استان های روبرو هم مردم مقیدی دارند و اخلاق شان شبیه ایرانی ها است. به همین دلیل اصلاً قاچاق نداریم.

استان ایلام در یکی دو ماه اخیر چند بار در سرخط خبرها قرار گرفته است. اصلی ترین بحث هم در خصوص سیل شدید استان بوده است. این سیل چطور شکل گرفت و چطور توانستید مدیریت بحران داشته باشید؟

سیل اخیر را سازمان هواشناسی از قبل اطلاع و هشدار داده بود. ما هم روی پیشگیری آن خیلی کار کردیم. برای مثال از چند روز قبل از وقوع سیل، در بعضی شهرستان هایمان از گروه های عشایری تعهد گرفته بودیم که در بعضی مسیرها حاضر نباشند. اما بر اساس آمار وزارت نیرو و سازمان هواشناسی، این میزان حجم بارندگی در ۱۲۰ سال گذشته بی سابقه بوده است. هواشناسی پیش بینی می کرد که شاید تا ۹۰ میلی متر بارندگی اتفاق افتد اما در واقع، حدود ۴۳۰ میلی متر بارندگی شد. ۳۲۵ میلی متر از این میزان هم تنها در یک شبانه روز اتفاق افتاد. در رودخانه سیمره که وارد کرخه می شود، حرکت آب در روز قبل از وقوع سیل ۷ متر مکعب در ثانیه بود، اما در روز بعدش به ۸۰۰ متر مکعب رسید. واقعاً وحشتناک بود. اگر پیش گیری نمی شد احتمالاً تعداد زیادی تلفات داشتیم. در کل سه نفر در



همه آنچه باید درباره صنعت نساجی بدانید

## چرخ‌های نساجی کند می‌چرخند

نگاهی به ۳ چالش، ۶ فرصت و ۳ پرسش اصلی در صنعت نساجی

ولی خلیلی

میلیارد دلاری، به گفته مهدی یکتا، دبیر انجمن تولیدکنندگان و صادرکنندگان پوشاک، سهم ایران حدود ۷/۶ میلیارد دلار است؛ یعنی کمتر از ۲ درصد. علاوه بر این اعداد باید به این موضوع هم توجه داشت که در حال حاضر حدود ۷۰ درصد نیاز داخلی در حوزه نساجی از خارج از کشور وارد و تأمین می‌شود، که بخش عمده‌ای از این واردات نیز سال‌هاست که دچار بیماری قاچاق شده است. با همه این شرایط، در این گزارش به دنبال ترسیم وضعیت کنونی صنعت نساجی هستیم. چالش‌های اصلی این صنعت کدام است و در مقابل، مزیت‌ها و ظرفیت‌ها چیست؟ چه پرسش‌های اصلی مطرح است و چگونه می‌توان بر چالش‌ها چیره شد؟ برای تهیه این گزارش با محمد مروجف رئیس هیأت مدیره انجمن نساجی ایران، و مهدی یکتا، دبیر انجمن تولیدکنندگان و صادرکنندگان پوشاک، گفت‌وگو شده است و آن‌ها در بخش‌های مختلف به چالش‌ها، مزیت‌ها و پرسش‌های اصلی پاسخ داده‌اند.

در جنوب تهران و در نزدیکی حرم شاه عبدالعظیم، بقایای به‌جای مانده از کارخانه عظیم نساجی وجود دارد که حالا دو سالی می‌شود سوله‌های آن به یک فروشگاه بزرگ زنجیره‌ای تبدیل شده و دیگر نه خبری از کارخانه است و نه کارگرانی که صبح‌به‌صبح نخ‌ها را دوک کنند و البته نه سوت کارخانه‌ای که به صدا دربیاید. صنعت نساجی در ایران، یکی از قدیمی‌ترین صنایع نوین کشور محسوب می‌شود که اولین واحد آن، حدود ۱۱۳ سال پیش در سال ۱۲۸۱ هجری شمسی، راه‌اندازی شد. اما با وجود گذشت بیش از یک قرن، حال و روز این صنعت چگونه است؟ آیا چرخ‌های واحدهای نساجی رو به جلو و توسعه می‌چرخند، در جامی‌زنند یا این که عقب‌گرد دارند؟ کل تجارت صنعت نساجی در جهان نزدیک به ۵۰۰ میلیارد دلار ارزش دارد که می‌توان گفت تقریباً نصف آن در انحصار چینی‌ها و نصف دیگرش هم دست بقیه کشورهاست و البته سهم ایران در این بازار بسیار پایین و ناچیز است. در تجارت عمده این صنعت ۵۰۰



عکس ها: رضا معطریان

## ۳ چالش اصلی صنعت نساجی

### ۱ کمبود مواد اولیه

مسئله عمده صنعت نساجی، مواد اولیه است. ما در سال ۱۳۵۳، حدود ۲۳۷ هزار تن پنبه تولید می کردیم که از این میزان حدود ۸۰ هزار تن آن در صنایع نساجی داخل مصرف می شد و مابقی اش را به عنوان طلای سفید صادر می کردیم اما این مقدار حالا به حدود ۵۰ هزار تن رسیده است و این مسئله اصلی صنعت نساجی کشور است. باید توجه داشته باشیم که اصلا رشد صنعت نساجی در ایران، پس از سر و سامان دادن به تولید پنبه اتفاق افتاد که عمدتاً در خراسان، داراب فارس و مازندران تولید می شد و حالا به دلیل کمبودها، مجبور به واردات هستیم.

نیاز کنونی ما در کشور ۱۸۰ هزار تن پنبه در سال است، در شرایطی که تنها ۵۰ هزار تن تولید می کنیم و این یعنی کمبود ۱۳۰ هزار تنی. البته در این بین، مقداری مواد مصنوعی جایگزین می کنیم اما خب به همان میزان که مواد مصنوعی وارد می شود، از کیفیت ۱۰۰ درصد پنبه کاسته می شود. از طرف دیگر، در حال حاضر ایران تنها از ازبکستان پنبه وارد می کند زیرا به خاطر قوانین گمرکی و وزارت جهاد و کشاورزی و هم چنین، حساسیت ها نسبت به آلودگی خاصی که درباره آفتی به نام کرم سرخ وجود دارد (البته راه حل هایی

برای از بین بردن آن نیز وجود دارد)، ما نمی توانیم از کشورهایی نظیر هندوستان پنبه وارد کنیم و این خود، چالش های جدیدی را به وجود آورده است؛ زیرا ازبکستان از نظر سیستم بانکی سالم و مجهز نیست که LC قبول کند و مجبور هستیم از طریق صرافی ها پول جابه جا کنیم که این خود هزینه ها را حداقل ۵ درصد بالاتر می برد و از سوی دیگر، شانس استفاده از ارز مبادله ای را، که حدود ۳ هزار تومان است، از ما می گیرد و باید ارز آزاد را به قیمت ۳ هزار و ۶۰۰ تومان خریداری کنیم

### ۲ قاچاق

قاچاق معضلی بسیار جدی در حوزه نساجی است. عدم توان رقابت پذیری کالاهای داخلی با کالاهایی که به شکل قاچاق وارد می شوند، چالش مهمی است که صنعت نساجی کشور، به خصوص پوشاک و پارچه، سال هاست با آن درگیر است و این قاچاق از مرزهای دریایی و خشکی و عمدتاً از چین و ترکیه صورت می گیرد. البته آمارهای دقیق و مستندی از حجم قاچاق به صورت دقیق وجود ندارد ولی برآوردها نشان می دهد که حداقل ۷۰ درصد پوشاک ما از طریق قاچاق وارد کشور می شود. برای پارچه هم شرایط مشابه است. برای مثال، براساس آمارهای رسمی و بین المللی، سال گذشته ۲۲۰ هزار تن پارچه از هندوستان وارد شده که تنها ۵۰ هزار تن آن به طور رسمی از طریق گمرک صورت گرفته و مابقی از طریق مناطق آزاد یا قاچاق وارد شده است؛ ۸۰ هزار تن از طریق مناطق آزاد و ۹۰ هزار تن قاچاق. بنابراین، قاعدتاً بزرگترین تهدید بازار نساجی و پوشاک قاچاق کنونی است که سیاست های دولت گذشته، به خصوص استفاده از دلارهای نفتی، به آن دامن زده و انگیزه های مادی واردات و قاچاق را افزایش داده است و حاصل آن، علاوه بر عدم توانایی رقابت کالاهای داخلی با قاچاق، درجا زدن صنعت نساجی و بیکاری و ورشکستگی بسیاری از واحدهای تولیدی بوده است. وقتی دو دونه می خواهند مثلاً مسابقه دو ۱۰۰ متر بدهند، هر دو روی یک خط می ایستند و این گونه نیست که یکی را روی خط استارت بگذارند و دیگری را ۱۰ متر جلوتر از او؛ شرایط کنونی بازار نساجی کشور و نسبت آن با قاچاق نیز به این شکل است.

### ۳ افت دانش و تکنولوژی

متأسفانه، در سال های گذشته سطح دانش این صنعت در کشور ما به دو دلیل افت کرده است: یکی این که آخرین باری که تکنولوژی و ماشین آلاتمان را نوسازی کردیم، سال ۱۳۸۰ یعنی ۱۴ سال پیش بود و دومین دلیل هم این که نیروهای تحصیل کرده و نخبه ای که در این حوزه و در مقاطع مختلف تحصیل کرده اند و باید وارد این صنعت شوند، متأسفانه وارد این صنعت و جذب آن نمی شوند و عملاً این اتفاق سطح علمی این صنعت را پایین آورده و باعث عقب ماندگی آن شده است. این دو عامل باعث شده سطح سواد، تکنولوژی و دانش فنی در حوزه تولید، فروش، توزیع و صادرات بسیار پایین باشد. از طرف دیگر، ارتباط بین فارغ التحصیل و مدیران صنعت نساجی بسیار ضعیف است و در واحدهای دانشگاهی افرادی تربیت نمی شوند که به درد این صنعت بخورند و به روز باشند. مثلاً ما در حوزه صادرات نساجی به چه احتیاج داریم؟ به افرادی که از نساجی و هم زمان امور بازرگانی بین المللی سر رشته داشته باشند اما چنین فردی را نداریم و دانشگاهی هم وجود ندارد که آموزش بدهد.

نساجی می تواند  
موتور اشتغال کشور  
باشد

سهم سرمایه گذاری  
۵ درصد

سهم اشتغال  
۱۲ درصد

۷۸

هزار میلیارد ریال  
کل سرمایه گذاری در  
صنعت نساجی

۲۲۸

هزار نفر  
اشتغال صنعت  
نساجی و پوشاک

۳۵

میلیون تومان  
سرمایه گذاری برای  
ایجاد یک شغل در  
صنعت نساجی

۷۰۰

میلیون تومان  
سرمایه گذاری برای  
ایجاد یک شغل در  
صنعت پتروشیمی

## فرصت صنعت نساجی

### اشتغال زایی بالا با سرمایه گذاری پایین

عمده کشورهایی که با مشکل اشتغال روبه‌رو بوده‌اند، وارد صنعت نساجی شده‌اند؛ از آن جمله می‌توان به چین، ویتنام، کامبوج، هند و بنگلادش اشاره کرد. دلیل آن، این است که از یک سو، میزان و قابلیت اشتغال‌زایی در این صنعت بسیار بالاست و از سوی دیگر میزان سرمایه‌گذاری برای ایجاد شغل پایدار هم در آن نسبت به صنایع دیگر بسیار پایین‌تر است. اگر برای ایجاد یک فرصت شغلی در صنعت پتروشیمی باید ۷۰۰ میلیون تومان سرمایه‌گذاری کرد، این عدد در صنعت نساجی بین ۳۰ تا ۳۵ میلیون تومان است. ایران می‌تواند با برنامه‌ریزی دقیق از این مزیت استفاده کند و بخش مهمی از چالش بیکاری کنونی را از طریق توسعه صنعت نساجی از بین ببرد و البته تولید و رشد اقتصادی را هم به همراه داشته باشد.

### بازار مصرف بزرگ

مهم‌ترین مزیت صنعت نساجی کشور، بازار بسیار بزرگ مصرف آن است. به ازای هر نفر شما در نظر بگیرید که ما نیاز به انواع پوشاک، لباس و وسایلی داریم که به صنعت نساجی مرتبط است. از سوی دیگر، ایرانی‌ها به پوشش،

مد و لباس توجه ویژه نشان می‌دهند و حتی حاضر هستند برای پوشاک هزینه کنند. بنابراین، وجود بازار بزرگ مزیت مهمی در کشور ما محسوب می‌شود که در حال حاضر ما تنها قادر به تأمین ۳۰ درصد نیاز داخلی‌اش هستیم. بنابراین، سرمایه‌گذاری در این بازار می‌تواند کشش بسیاری داشته باشد. براساس آمارها، اگر ما سرانه مصرف پارچه داخلی را ۲۰ متر حساب کنیم، نیاز داخلی ما حداقل یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون متر در سال است و اگر همه شرایط مهیا باشد، ما تنها می‌توانیم ۸۰۰ میلیون متر آن را در داخل تولید کنیم و این خود نشان می‌دهد که بازار داخلی ایران به‌شدت پویا و بزرگ است. علاوه بر این‌ها، باید به این نکته هم توجه داشت که در کنار بازار داخل و جمعیت ۷۸ میلیون نفری، کشورهای همسایه هم می‌توانند بازار مهمی باشند.

### ارزش افزوده بالا

ارزش افزوده محصولات تولیدی در صنعت نساجی نسبت به بسیاری از صنایع بالاتر است؛ البته به‌غیر از صنایع آی‌تی و های‌تک. به‌عنوان مثال، یک واحد تولیدی نیم‌کیلو پنبه را به قیمتی کمتر از یک دلار خریداری می‌کند و با عملیاتی که روی آن انجام می‌شود، یک تی‌شرت ۷۰-۸۰ دلاری تولید می‌شود. بنابراین با سرمایه‌گذاری در این صنعت می‌توان انتظار تولید ارزش افزوده‌ای بالا و محصولاتی متنوع داشت که نیازی به بازاریابی چندانی هم ندارند.

## از تعرفه ترجیحی تا تلاش برای جذب سرمایه‌گذار خارجی

### ۳ پرسش و پاسخ‌هایی از رئیس هیأت مدیره انجمن نساجی و دبیر انجمن تولیدکنندگان و صادرکنندگان پوشاک

بسیاری معتقدند که راه خروج از شرایط کنونی رکود و حل مشکل واحدهای تولید و صنعتی در کشور، از جمله واحدهای نساجی، در جذب سرمایه‌گذار به‌خصوص سرمایه‌گذار خارجی است. آیا شما با این موضوع موافق هستید و فکر می‌کنید ما می‌توانیم در صنعت نساجی شاهد جذب سرمایه‌گذاران خارجی باشیم؟ با توجه به این که در ماه‌های گذشته هم هیأت‌های متعدد خارجی از کشورهای مختلف به ایران سفر کرده‌اند؟

**محمد مروج، رئیس هیأت مدیره انجمن نساجی ایران:** به‌صورت کلی سرمایه‌گذاری، چه داخلی و چه خارجی، زیرساخت‌هایی لازم دارد که ما هم‌اکنون در کشور این شرایط را نداریم. توجه داشته باشید زمانی که فضا مهیا باشد، اول شاهد حضور سرمایه‌گذاران داخلی خواهیم بود، بعد ایرانیان خارج از کشور و در مرحله نهایی، می‌توانیم انتظار حضور سرمایه‌گذاران خارجی را داشته باشیم. به‌نظر من هنوز حتی بستر برای حضور سرمایه‌گذاران داخلی هم فراهم نیست، چه رسد به خارجی‌ها! شمار نظر داشته باشید با توجه به عدم ثبات قوانین، قیمت ارز، نرخ سود بانکی و... چطور می‌توان انتظار حضور سرمایه‌گذاران را داشت؟ بعید می‌دانم در شرایط فعلی کشور سرمایه‌گذاران



دولت در مقابل امتیازاتی که به ترکیه داده، برای واردات کالاهای نساجی و پوشاک با تعرفه گمرکی پایین چه امتیازاتی را دریافت کرده است و اصلاً چرا از این صنعت، که در شرایط سختی قرار دارد، استفاده کرده و فضا را برای شرکت‌های ترکیه‌ای باز گذاشته است؟ هم‌چنین در پاسخ به این سؤال که آیا این قرارداد تعرفه ترجیحی تاثیری داشته است یا نه و آسیبی به بازار داخلی زده یا نه؟ باید گفت که تأثیر محسوس نبوده است، زیرا رکودی که بر بازار حاکم است، باعث شده رونقی در بازار وجود نداشته باشد تا بتوان شکسته شدن قیمت‌ها را به‌دلیل تعرفه ترجیحی متوجه شد. ب‌نظرم بخش مهمی از اعتراض‌هایی که به تعرفه ترجیحی شاهدیم، ناشی از بی‌اطلاعی است. مثلاً خیلی از همکاران ما فکر می‌کردند که دولت ایران به دولت ترکیه کمک می‌کند که محصولات پوشاک و پارچه‌اش را در بازار ایران پخش کند ولی واقعیت این نبود. ولی بخش دیگری از اعتراض‌ها، که به‌نظرم بحق است، به عدم مشورت با بخش خصوصی برمی‌گردد و فعالان این اعتراض را دارند که چرا دولت و مسئولان از آن‌ها و نهادهای بخش خصوصی همچون اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی نظرخواهی نکرده‌اند و عملاً برای بخش خصوصی، بدون حضور خودشان تصمیم گرفته‌اند؟

یکی از اقداماتی که از سوی وزیر صنعت، معدن و تجارت دولت یازدهم صورت گرفته و اعتراض‌های بسیاری هم به آن شد، بحث تعرفه ترجیحی در نساجی و پوشاک است؛ این تعرفه ترجیحی چیست، چرا به آن اعتراض وجود دارد؟ تأثیر امضای این تعرفه ترجیحی در صنعت نساجی کشور چه بوده است؟

### مهدی یکتا، دبیر انجمن تولیدکنندگان و صادرکنندگان پوشاک:

به‌صورت کلی، قراردادهای تعرفه ترجیحی چیز بدی نیست. در این نوع قراردادها



کشورهایی که دنبال توسعه صادرات هستند، سعی می‌کنند با انعقاد قراردادهایی، که اصطلاحاً به PTA و FTA مشهورند، مزیت‌هایی نسبی برای کالاهای خود در بازار هدف ایجاد کنند. به‌عنوان مثال، کشور ترکیه با خیلی از کشورها قرارداد امضا کرده و یک‌سری امتیاز داده و امتیازاتی گرفته است تا در حوزه کالاهای حیاتی و حساس خود، که صادراتشان برای این کشور مهم است، تسهیلاتی از کشور مقابل دریافت کند. مثلاً در حوزه نساجی و پوشاک، که ارزش افزوده بالایی برای این کشور دارد، قرارداد تعرفه‌های ترجیحی به امضا رسانده است. اما نکته مهم در این بین برای فعالان بخش نساجی این است که



اگر میانگین کلی فعالیت صنعت نساجی را در نظر بگیریم، واحدها امروز با حدود ۳۰ درصد ظرفیتشان فعالیت دارند؛ یعنی کمتر از نصف و دلیل اصلی این موضوع هم رکود حاکم بر بازار است.



گسترش چشم‌گیری یافته است و از آن‌جا که ایران واحدهای پتروشیمی فعال بسیاری دارد و از ذخایر گاز و انرژی برخوردار است، این موضوع و تهیه مواد اولیه شیمیایی هم می‌تواند مزیت دیگر کشور ما در سال‌های آینده باشد.

#### ۴ حضور زنان

بخش مهمی از نیروی اشتغال به‌کار در صنعت نساجی جهان را خانم‌ها تشکیل می‌دهند؛ به‌خصوص در صنعت پوشاک. از همین‌رو می‌توان به این صنعت به نوان فرصتی برای کاهش نرخ بیکاری زنان در کشور فکر کرد. در حال حاضر، در ایران با نرخ بالای بیکاری زنان روبه‌رو هستیم و شاید نساجی بتواند راهی برای باز کردن این گره باشد. از همین‌رو، هم‌اکنون نیز طرح‌هایی با عنوان شهرها و شهرک‌های پوشاک زنان در کشور وجود دارد که قرار است از سوی بخش خصوصی و با کمک وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در شهرهای مختلف راه‌اندازی شود.

#### ۵ صنعت سبز

صنعت نساجی نسبت به صنایع دیگر آلودگی بسیار کمتری دارد و از همین‌رو، به‌عنوان صنعت سبز و دوستار محیط زیست از آن یاد می‌شود که آلودگی‌های زیست‌محیطی، صوتی و... چندان تولید نمی‌کند. بنابراین، الزامی هم برای خروج واحدهای صنعتی نساجی از شهرهایی مانند تهران وجود ندارد.

#### ۶ صنعت پتروشیمی

در سال‌های گذشته، بحث استفاده از مواد پتروشیمی در صنعت نساجی

کارخانه‌های نساجی در خاورمیانه و دنیا باشد که بانک‌ها آن را تصاحب کرده‌اند و اعلام ورشکستگی کرد. در حال حاضر نیز یک گروه آنجا را اجاره کرده و با ۲۰ درصد ظرفیت فعالیت می‌کنند. اما اگر میانگین کلی فعالیت صنعت نساجی را در نظر بگیریم، واحدها امروز با حدود ۳۰ درصد ظرفیتشان فعالیت دارند؛ یعنی کمتر از نصف و دلیل اصلی این موضوع هم رکود حاکم بر بازار است. رکود در شرایطی اتفاق افتاده که قدرت خرید مردم به‌شدت کاهش پیدا کرده و کالایی مثل پوشاک، که اولویت دوم یا سوم مردم است، به اولویت ششم و هفتم تبدیل شده؛ یعنی کرایه منزل، مواد غذایی و خیلی از هزینه‌های دیگر، جایگزین خرید پوشاک شده است. از طرف دیگر توجه داشته باشید که تمام درآمدهای نفتی سرشاری که در دولت گذشته وجود داشته است، خرج هیچ و پوچ شده و حالا دولت منابعی در اختیار ندارد تا بتواند به حمایت از واحدهای صنعتی بیايد و کمبود نقدینگی کنونی را برطرف کند یا سرمایه در گردش به واحدها تزریق کند و همه این فشارها باعث شده تا امسال شاهد بدترین شرایط صنعتی در بین سال‌های گذشته باشیم. من خودم، در طول این سال‌ها هیچ‌گاه چنین وضعیتی را در صنعت نساجی ندیده بودم. اکنون شاهدیم با وجود این که به‌سمت پایان سال می‌رویم و کارخانه‌ها باید فعالیتشان را بیشتر کنند، خیلی‌ها تصمیم به توقف تولید گرفته‌اند. علاوه بر این، در سال قبل و سال جاری در صنعت نساجی شاهد تعدیل نیرو هم بوده‌ایم اما آمار دقیقی از آن وجود ندارد که بخواهیم آن را اعلام کنیم.

فکر می‌کنم ما جزو صنایعی هستیم که وضعیتان کمی بهتر از دیگران است زیرا بسیاری از صنایع با ظرفیت‌های پایین‌تر از ۳۰ درصد فعالیت می‌کنند. توجه داشته باشید که یکی از مشکلات اصلی رکود فعلی، پایین آمدن قدرت خرید است که طبق محاسبات سعید لیلان، اقتصاددان، تا حدود ۴۰ درصد کاهش یافته است و در این بین حتما خرید پوشاک و کالاهای دیگر نساجی، که جزو کالاهای اساسی خانواده‌هاست، تحت تأثیر این شرایط قرار گرفته است. مصرف‌کننده عمده کالاهای واحدهای نساجی، ثروتمندان شمال شهری نیستند. مصرف‌کنندگان کالاهای داخلی ماف طبقات متوسط و رو به پایین هستند و موقعی که پول نداشته باشند، توان خرید هم ندارند. بنابراین، عامل اصلی که به رکود در صنعت نساجی دامن زده، اصطلاحاً می‌گوییم «کوچک شدن بازار» است.

#### مهدی یکتا، دبیر انجمن

تولیدکنندگان و صادرکنندگان

پوشاک: ببینید، بیش از ۹۹ درصد

صنعت نساجی ایران متعلق به

بخش خصوصی است و در بخش

خصوصی هم ورشکستگی مفهوم ندارد. مدیر بخش

خصوصی یا یک کارخانه را که دارای توجیه اقتصادی

است، راه‌اندازی می‌کند و ادامه کار می‌دهد یا این که

اگر کار به نتیجه نرسد و سودآوری نداشته باشد، واحد را

تعطیل می‌کند. در حال حاضر تنها واحد ورشکسته

نساجی کشور، یک واحد دولتی به نام آرتا تجارت زرین در

اردبیل است که شاید بشود گفت یکی از بزرگ‌ترین



خارجی، در عرصه‌هایی غیر از صنایع نفت و صنایع وابسته به نفت، سرمایه‌گذاری کنند و در صنعت نساجی هم شاهد حضور سرمایه-گذاران خارجی نخواهیم بود. البته ما نیاز بسیار زیادی به سرمایه‌گذاری جدید داریم زیرا عملاً صنعت نساجی ما به‌قول یکی از آقایان نه برای امروز و دیروز که برای خیلی قبل است و ما به‌شدت از تحولات جهانی عقب افتاده‌ایم و برای به‌روز شدن نیاز به سرمایه‌گذاران جدید داریم ولی خب به‌نظرم شرایط به‌گونه ای نیست که شاهد حضورشان باشیم. علاوه بر این، درباره هیأت‌هایی هم که به ایران می‌آیند، باید به این نکته دقت کنیم که آن‌ها برای فروش تجهیزات، ماشین‌آلات، کالا و... می‌آیند و نه سرمایه‌گذاری و راه‌اندازی واحدهای تولیدی. مثلاً ما گروه‌هایی از هند و آلمان داشتیم که به ایران آمده بودند ولی تنها قصد فروش ماشین‌آلات داشتند.

#### شاهد رکودی سخت در اکثر صنایع کشور

هستیم. وضعیت صنعت نساجی به چه شکلی است؟

در حال حاضر واحدهای نساجی به‌صورت میانگین

با چند درصد ظرفیت فعالیت می‌کنند؟ آیا شاهد

ورشکستگی هستیم؟

محمد مروج، رئیس هیأت مدیره

انجمن نساجی ایران: رکود مانند

صنایع دیگر گریبان نساجی را هم

گرفته و خیلی هم جدی است.

هم‌اکنون به‌صورت میانگین،

واحدهای نساجی کشور در بخش‌های مختلف با چیزی

حدود ۴۰ تا ۴۵ درصد ظرفیت واقعی فعالیت می‌کنند. البته





## کمپانی داعش

تروریست‌ها چطور پول درمی‌آورند؟ چطور باید با آنها مقابله کرد؟ چطور به آنها کمک می‌کنیم؟

حملات تروریستی به پاریس که در شش نقطه از این شهر رخ داد و بیش از ۱۲۵ نفر را کشت، توسط گروه تروریستی داعش انجام شد. در این شماره، مطالبی درباره اقتصاد این گروه و نیز روش‌های مقابله با آنها مطرح شده است. تلاش شده نظرات گوناگون درباره داعش گرد هم آیند؛ هفته‌نامه اکونومیست از زاویه‌ای متمایل به راست نوشته است که باید از تمام فرصت‌های حمله نظامی به داعش استفاده کرد و از آن سو، گاردین متمایل به چپ نوشته است که با هراسان شدن از حمله‌ها، به این گروه کمک می‌شود. یک روز پیش از حمله به پاریس، بیروت نیز مورد حمله واقع شده بود و نیویورک تایمز نقد می‌کند که چرا این حمله به اندازه حمله پاریس دیده نشد.

## ترور تنها با همکاری ما موفق می‌شود

پاسخ جنگ طلبانه به قتل عام پاریس آرزوهای داعش را برآورده می‌کند

قدرت ترور نه بر خود آن عمل بلکه بر عواقب آن تکیه دارد. عمل آن، مرگ و تخریب است که به خودی خود وحشتناک است. واکنش آن چیزی است که به ترور نیروی کششی سیاسی را می‌دهد. همانند اسامه بن لادن در یازده سپتامبر، داعش می‌خواهد که جهان عنان اختیار از کف بدهد، وضعیت فوق‌العاده اعلام شود، آزادی‌ها زیر پا گذاشته شود، به مسلمانان میانه‌رو اتهام زده شود و شهرهای اسلامی بمباران شوند. با تسلیم شدن در مقابل این خواهش‌ها، غرب به طور وسیعی قدرت ترور و احتمال تقلید از آن را افزایش می‌دهد.

فکر کنید که دشمنان از شما می‌خواهد چه کنید و برعکس آن عمل کنید. این ضرب‌المثل جنگی نمی‌تواند مورد بی‌اعتنایی قرار بگیرد. از وقتی که قتل عام در پاریس رخ داد، جهان به رویاهای داعش پاسخ داده است. عمل آنها در شهرت غرقه شده است، مرتکبان ترور با هتاک‌ی مورد ستایش واقع شده و به عنوان جنگجویانی که جنایتکار نیستند تعریف شده‌اند. نتیجه عملی نفرت‌انگیزترین وحشت ابتدای ملی و سپس بین‌المللی شده است. تمام جهان در شبکه ترس از داعش گرفتار شده‌اند. این وحشیانه‌ترین خیال‌پردازی‌ها است که به واقعیت تبدیل شده است.



سایمون جنکینز



اجتماعات مسلمانان است که انگلستان ثابت کرده در این زمینه به طور چشم‌گیری موفق بوده است.

بن لادن نشان داد که کشتار جمعی آسان‌ترین سوخت برای روشن کردن آتش سیاست هراس است؛ هراسی که قضاوت دموکراتیک را منحرف می‌کند، واکنش بیش از حد به بار می‌آورد و دشمنان وحشتناک جدید و بیشتری درست می‌کند. قساوت انسانی به اندوهگین شدن و همدلی نیاز دارد. قتل عام پاریس یک تراژدی بود. اما نباید به عملی برای جنگ ختم شود.

جنگ یک درگیری بین کشورهاست. کشتار یکپارچگی هیچ کشوری را تهدید نمی‌کند. این تهدید فقط از اینجا نشأت می‌گیرد که ما چطور به آن کشتار واکنش نشان بدهیم و بازی‌ای را که تروریست‌ها می‌خواهند، انجام دهیم. رفتار اخیر داعش در پاریس ادعای آنها را برای برپا کردن جنگ اثبات می‌کند. وقتی ما آن قدر قوی هستیم که به آنها بی‌اعتنایی نشان بدهیم، چرا باید آنها را به سمت پیروزی هدایت کنیم؟

منبع: گاردین

به نظر می‌رسد که چشم رهبران غربی علت مسئله را نمی‌بینند. پاپ از جنگ جهانی سوم سخن گفته است. دیوید کامرون از هیتلر و نازی‌ها نام برده است. هردو نقل قول، نشان از دانش تاریخی محدود دارد. پول‌های بیشتری به سمت سخت‌افزارهای نظامی سرازیر شده است. فرانسه پایتخت داعش، رقه، را بمباران کرده است که بدون شک، این بمب‌ها که از آسمان می‌آیند، در عمل به همان اندازه افراد بی‌گناهی را می‌کشند که اسلحه‌ها در زمین آدم می‌کشند.

هر نوع لابی علیه آزادی با دستپاچگی از سایه بیرون می‌آید و می‌داند که زمان این کار فرارسیده است. وزیر کشور انگلستان، ترزا می، که به‌درستی هشدار داده است «روش زندگی ما در حال تغییر است»، انگار که به وسیله دستان داعش نقش بازی می‌کند. او از نیروهای فعال در حوزه شنود درخواست کرده که دست به این کار بزنند و و رئیس او نیز خود را با چرچیل مقایسه کرده و ۲ میلیارد پوند را به سمت «تجهیزات نیروهای ویژه» سرازیر کرده است. نیروهای ویژه هیچ ارتباطی با بمب‌گذاران انتحاری ندارند. آنچه نیاز است، نیروهای اطلاعاتی در داخل

# کمپانی داعش

## چطور نفت به سوخت تروریسم تبدیل می شود؟

### اریکا سالومون، گای چازان، سام جونز

در حوالی حوزه نفتی العمر در شرق سوریه، در حالی که هواپیماهای جنگی بالای سر پرواز می کنند، صفی از کامیون ها در طول ۶ کیلومتر به هم فشرده شده اند. برخی از راننده ها یک ماه برای پر شدن کامیونشان از نفت خام صبر می کنند.

دکه های فروش فلافل و چای از زمین سبز شده اند تا سوروسات راننده ها را فراهم کنند. دلان گاهی کامیون های خود را بدون مراقب هفته ها تنها می گذارند و در انتظار نوبتشان می مانند. اینجا سرزمین داعش است؛ سازمانی تروریستی که قسمت هایی از خاک سوریه و عراق را تحت کنترل خود در آورده است. تجارت نفت هدف اصلی اتحاد نظامی بین المللی ای عنوان شده که علیه این گروه می جنگد. اما هنوز این تجارت بدون نگرانی ادامه دارد.

نفت، طلای سیاه، بودجه پرچم سیاه داعش را تامین می کند؛ این ماده سوخت ماشین جنگی گروه است، برق فراهم می کند و به تروریست های متعصب قدرت حیاتی علیه همسایگانشان می بخشد. اما بیش از یک سال پس از اینکه باراک اوباما، رئیس جمهور امریکا، یک اتحاد بین المللی برای جنگ علیه داعش به راه انداخت، تجارت پر جنب و جوش در العمر و دست کم در هشت حوزه نفتی دیگر به نشانه ای از تنگنایی تبدیل شده که کارزار علیه داعش با آن روبه روست؛ چطور خلافت را ساقط کند بدون اینکه زندگی تعداد تخمین زده شده ۱۰ میلیون نفری شهروندان مناطق تحت کنترل داعش با بی ثباتی مواجه شود و متحدان غرب نیز تنبیه نشوند؟

اعتطاف پذیری داعش و ضعف کارزار علیه این گروه به رهبری امریکا، به روسیه این بهانه را داده است که دخالت پررنگ و مستقل خود را در سوریه داشته باشد. با وجود تمام تلاش ها، ده ها مصاحبه با دلان سوری و مهندسان نفت و نیز مقامات امنیتی غربی و کارشناسان نفتی، از یک عملیات پراکنده و نامنظم شبیه یک شرکت نفتی دولتی نشان می دهد که علی رغم کوشش های بین المللی برای نابود کردن آن، از نظر اندازه و مهارت رشد کرده است.

شرکت نفت داعش به صورت جزء به جزء مدیریت شده ای، خیلی فعال کارگران ماهر را به کار گرفته است؛ از مهندسان گرفته تا آموزش دهندگان و مدیران را. تخمین های دلان محلی و مهندسان از میزان تولید نفت خام در حوزه استحفاظی داعش در حدود ۳۴ تا ۴۰ هزار بشکه نفت در روز است. نفتی که سر چاه فروخته می شود، بین بشکه های ۲۰ تا ۴۵ دلار به فروش می رسد که روزانه درآمد میانگین ۱.۵ میلیون دلاری را برای نظامی های داعش به ارمغان می آورد.

یک فرمانده جنگجویان سوری در حلب که از مناطق تحت کنترل داعش گازوئیل می خرد - حتی در شرایطی که نیروهای خود را برای مبارزه با این گروه به خط مقدم می برد - می گوید: «این وضعیتی است که آدم را هم به خنده و هم به گریه می اندازد. اما ما انتخاب دیگری نداریم. آیا کس دیگری هست که به ما سوخت بدهد؟»

### نفت به عنوان یک سلاح استراتژیک

استراتژی نفتی داعش در مدت زمانی طولانی ساخته شد. از زمانی که

این گروه در سال ۲۰۱۳ در سوریه وارد صحنه شد، مدت ها قبل از اینکه به موصل در عراق برسد، تروریست ها به نفت به عنوان یک تکیه گاه در چشم اندازشان برای دولت اسلامی نگاه می کردند. شورای این گروه، نفت را به عنوان بنیاد بقای شورش خود و مهم تر از آن، حمایت مالی هدف بلند پروازانه خود که تاسیس یک خلافت است، شناسایی کرده بود.

قسمت اعظم نواحی نفتی تحت کنترل داعش در شرق سوریه واقع شده؛ جایی که داعش در سال ۲۰۱۳، کمی بعد از ترک کردن شمال غرب جاپای محکمی برای خود درست کرد؛ شمال غرب از نظر استراتژیک جایی مهم بود اما نفت نداشت. این منطقه از آن زمان برای تثبیت تسلط بر تمام شرق سوریه بعد از سقوط موصل در سال ۲۰۱۴، مورد استفاده قرار گرفته است.

وقتی که داعش به سوی شمال عراق رانده شد و موصل را گرفت، بر حوزه های نفتی کرکوک، استان شمال شرقی عراق نیز احاطه پیدا کرد. محلی ها می گویند که در بیشتر روزهایی که آنها کنترل منطقه را در دست داشتند، نظامی ها امنیت حوزه های نفتی را برقرار می کردند، مهندسان به آنجا فرستاده می شدند تا عملیات استخراج نفت و کشتی رانی به سمت بازار را شروع کنند.

یک شیخ محلی از شهری کوچک نزدیک کرکوک، می گوید: «آنها آماده بودند؛ آنها کسانی را آنجا داشتند که امور مالی را انجام دهند، تکنیسین هایی را داشتند که روند برداشت و ذخیره را انجام دهند. آنها صدها کامیون را از کرکوک و موصل آوردند و شروع به بار کردن و صدور نفت کردند.» او می افزاید که به طور میانگین هر روز ۱۵۰ کامیون پر می شد که هر کدام تقریباً ۱۰ هزار دلار نفت را با خود می برد. داعش در ماه آوریل این حوزه های نفتی را در نبرد با ارتش عراق از دست داد اما تخمین زده شده است در ۱۰ ماهی که کنترل منطقه را در دست داشت، حدود ۳.۶ میلیون دلار درآمد کسب کرد.

در حالی که القاعده، یک شبکه جهانی تروریستی، به کمک های مالی از سوی حامیان ثروتمند خارجی وابسته است، داعش قدرت مالی خود را از درون خود به دست می آورد چرا که تولید کننده انحصاری کالای اساسی ای است که در حجم وسیعی در سرتاسر منطقه ای که تحت کنترل دارد، به مصرف می رسد. حتی بدون داشتن توانایی صادرات، وضعیت داعش می تواند رضایت بخش باشد چون بازار عظیمی در سوریه و عراق برای نفت این گروه وجود دارد.

گازوئیل و بنزین تولید شده در منطقه داعش تنها در حوزه استحفاظی این گروه مصرف نمی شود بلکه به مناطقی می رود که درگیر جنگ هستند؛ مثل شمال سوریه که در اختیار شبه نظامیان مخالف دولت این کشور است. منطقه برای بقای خود به سوخت داعش وابسته است. بیمارستان ها، فروشگاه ها، تراکتورها و ماشین آلاتی که قربانیان را از زیر آوار بیرون می کشند، با ژنراتورها و موتورهای کار می کنند که با نفت داعش پر می شوند.

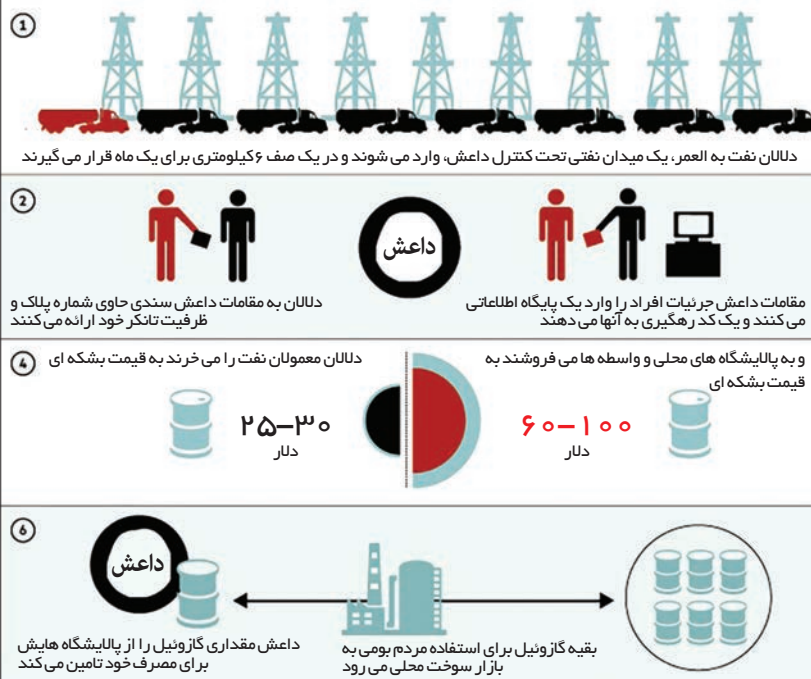
یک دلال نفتی که هر هفته از منطقه تحت اشغال شبه نظامیان سوری حلب برای خرید سوخت به منطقه داعش می آید، می گوید: «هر لحظه، گازوئیل ممکن است تمام شود. داعش می داند که بدون گازوئیل زندگی ما کاملاً تمام شده است.»

# ۱۰۶۰۰

تعداد  
حملات هوایی به  
پشتیبانی امریکا از  
اوت ۲۰۱۴

# ۱۹۶

تعداد  
حملاتی که  
زیرساخت های نفتی  
داعش را هدف قرار  
دادند



مسیر منتهی به چاه به دقت بازرسی می شود.

بر اساس گفته های یک دلال نفت در استان حسکه در شمال شرق سوریه، در میدان نفتی الجبسه، روزانه بین ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ بشکه نفت تولید می شود و روزانه بین ۳۰ تا ۴۰ کامیون که هر کدام ۷۵ بشکه گنجایش دارد، از این میدان نفت خارج می کنند.

## شبکه توزیع داعش

اما بزرگ ترین میدان نفتی داعش العمر است؛ بر اساس گفته های دلالی نفتی که به طور مرتب از آنجا خرید می کند، سیستم توزیع نفت داعش با صف ۶ کیلومتری آن، کند است اما بازیگران بازار خود را با آن سازگار کرده اند. راننده ها یک سند با شماره پلاک ماشین و تانکر خود به مقامات داعش ارائه می کنند و آنها نیز اطلاعات را وارد یک پایگاه داده می کنند و به هریک از آنان یک شماره می دهند.

اغلب آنها به روستاها و خانه های خود می روند و بعد از دو-سه روز بازمی گردند تا به وسیله هایشان سر بزنند. دلالان می گویند در اواخر ماه برخی از راننده ها برمی گردند و چند شب در کنار وسیله های خود در چادر می خوابند تا نوبتشان برسد. این کامیون ها نفتی را که می گیرند به پالایشگاه های محلی می فروشند یا به دلالان خردتر با ماشین های کوچک تر می فروشند تا نفت را به شهرهای غربی تر مثل حلب یا ادلیب برسانند.

با این حال، بخت داعش از نفت دیری نخواهد پایید. بمباران نیروهای متحد، دخالت روسیه و قیمت پایین نفت، بر درآمدهای این گروه فشار وارد می کند. بزرگ ترین تهدید برای تولید نفت داعش، قدیمی ترین میدان های نفتی سوریه است. این گروه فناوری شرکت های بزرگ خارجی را برای جلوگیری از کاهش تولید از چاه های نفتی قدیمی، در اختیار ندارد. نیاز داعش به سوخت برای عملیات نظامی خود به معنی نفت کمتر برای فروش در بازار نیز هست.

با این همه، در مناطق تحت اختیار داعش، تروریست ها کنترل تولید را در اختیار دارند و کمبودی برای تقاضا نیست. یک تاجر که در نزدیکی حلب کار می کند، می گوید: «هر کسی اینجا به گازوئیل نیاز دارد؛ برای آشامیدن، برای کشاورزی، برای بیمارستان ها، برای اداره ها. اگر گازوئیل قطع شود، هیچ زندگی ای اینجا نیست. داعش این را می داند و نفت کارت بنده آنهاست.»

منبع: فایننشیل تایمز

## یک شرکت ملی نفت

استراتژی داعش برای ساختن تصویری از دولتی در حال ساخته شدن ادامه پیدا کرده است و این گروه تلاش می کند که صنایع نفتی خود را با تقلید از شرکت های ملی نفت اداره کند. بر اساس گفته های سوری هایی که داعش تلاش کرده آنها را به کار گیرد، این گروه دست به شکار مهندسان می زند، به کسانی که تجربه لازم را دارند دستمزدهای رقابتی پیشنهاد می کند و کارکنان آینده را ترغیب می کند تا برای اداره منابع انسانی درخواست استخدام بفرستند.

دلالانی که نفت داعش را می خرند و مهندسانی که در حوزه های تحت کنترل داعش کار کرده اند، می گویند که یک کمیته سیار کارشناسان داعش از حوزه های نفتی بازدید می کنند، بر تولید نظارت دارد و با کارگران درباره عملیات مصاحبه می کند. این کمیته همچنین اعضای داعش را که در شرکت های نفتی عربستان سعودی یا مناطق دیگر امیرنشین خاورمیانه کار کرده اند، برای راه اندازی مهم ترین امکانات خود منصوب می کند.

استخدام کنندگان داعش به طور فعال سعی در جذب کردن تعدادی از تکنیسین ها دارند. «رامی» که از نام واقعی خود استفاده نمی کند، قبل از اینکه به یک فرمانده شبه نظامی مخالف دولت سوریه تبدیل شود، در یکی از حوزه های نفتی سوریه کار می کرده است. کمی بعد، یکی از امرای نظامی داعش در عراق از طریق واتس آپ با او تماس می گیرد. او می گوید: «او به من قول داده بود که می توانم هر سمتی را که خواستم، انتخاب کنم. او گفت: تو می توانی خودت دستمزدت را تعیین کنی.» رامی سرانجام این پیشنهاد را رد کرد و به سمت ترکیه متواری شد.

داعش از میان حامیاناش در خارج از مرزها نیز افراد را استخدام می کند. ابوبکر البغدادی، رهبر داعش، بعد از سقوط موصل در سخنرانی خود نه تنها جنگجویان بلکه مهندسان، پزشکان و دیگر کارگران ماهر را فراخواند. بر اساس گفته های یک مهندس عراقی نفت که درخواست نامش ذکر شود، گروه داعش اخیراً یک مهندس مصری را که در سوئد زندگی می کرده به عنوان مدیر جدید پالایشگاه قیاره در شمال عراق منصوب کرده است.

نقش مرکزی نفت همچنین منعکس کننده وضعیت ساختار قدرت داعش است. روش حکومت این گروه در سرزمین های تحت تسلطش به شدت غیرمتمرکز است. در هر منطقه، والی هایی که از سوی شورای مرکزی حکومت نظارت می شوند، کنترل منطقه را در اختیار دارند. با این حال، نفت در کنار ارتش و عملیات امنیتی و محصولات رسانه ای پیشرفته این گروه، به طور متمرکز به وسیله رهبران سطح بالا کنترل می شود. یک مقام ارشد امنیتی غربی می گوید: «آنها حول نفت سازماندهی شده اند. این مسئله ای کلیدی است که از مرکز کنترل می شود و مسئله اصلی شورای داعش است.» تا همین اواخر، امیر نفت داعش ابوسیف بود؛ یک تونسی که طبق گزارش پنتاگون، نام واقعی اش فتح بن اون بن جلدی مراد التونسی بود و در حمله نیروهای ویژه آمریکایی در ماه مه امسال کشته شد. طبق گفته مقامات امنیتی آمریکایی و اروپایی، اسناد گران بهایی از عملیات نفتی داعش همراه جسد او پیدا شد. این اسناد به نهایت دقت، میزان عملیات، درآمد از چاه ها و هزینه ها را در بر داشت. این اسناد نشان می دادند که داعش یک روش عمل گرایانه برای تعیین قیمت نفت به کار می برد؛ این گروه به دقت از تفاوت تقاضا در سرتاسر مناطق تحت کنترل خود بهره می برد تا سوددهی را به بیشترین حد برساند.

نظارت بر چاه های نفت به دقت به وسیله «امنیت» که پلیس مخفی داعش است، انجام می شود تا اطمینان حاصل شود که درآمدها آن جایی می روند که تعیین شده است و تنبیه های وحشیانه برای کسانی که نظر گرفته می شود که این کار را نکنند. نگهبانان در اطراف ایستگاه های پمپاژ گشت می زنند، اطراف هر حلقه چاه با کیسه های شن محافظت شده و هر خریدار نفت برای ورود به

نقش مرکزی  
نفت همچنین  
منعکس کننده  
وضعیت ساختار  
قدرت داعش  
است. روش  
حکومت این گروه  
در سرزمین های  
تحت تسلطش  
به شدت  
غیرمتمرکز است.  
با این حال، نفت  
در کنار ارتش و  
عملیات امنیتی  
و محصولات  
رسانه ای  
پیشرفته این  
گروه، به طور  
متمرکز به وسیله  
رهبران سطح بالا  
کنترل می شود

## چطور باید

## به حمله داعش پاسخ داد؟

مبارزه نظامی علیه داعش باید در هر جبهه‌ای برپا شود



برقرار می‌کنند. وقتی به مسافرت می‌روند، از دادگاهی شدن می‌گریزند. سرویس‌های امنیتی به کنترل دسترسی به چنین داده‌هایی نیاز دارند. تروریست‌ها در بستر امنیتی‌ای که حفاظت از اطلاعات شخصی درست کرده شکوفا می‌شوند و البته دستگاه‌های امنیتی نیز ممکن است از قدرت خود سوءاستفاده کنند. راه‌حل این است که یک چارچوب قانونی برای این کار درست شود. قانون می‌تواند منعطف باشد و البته این انعطاف فقط باید در موارد بخصوص وجود داشته باشد. بعد از اینکه رئیس‌جمهور فرانسه در پی حملات به پاریس وضعیت فوق‌العاده اعلام کرد - و می‌تواند این وضعیت را با رأی پارلمان تا سه ماه نیز ادامه دهد- پلیس می‌توانست در سرتاسر فرانسه بدون اجازه دست به حمله بزند. برخی از این حملات منجر به دستگیری شد و برخی مانند حمله ۱۸ نوامبر در حوالی پاریس، به شلیک و ممانعت از اجرای یک طرح حمله تروریستی دیگر. در این مواقع، اعمال قدرت‌های اضطراری کوتاه‌مدت قابل توجیه است چون خطر حملات تروریستی متعاقب اولین حملات به بیشترین حد می‌رسد. اما پارلمان فرانسه باید مراقب باشد چون اگر جست‌وجوهای بدون اجازه کتبی به یک امر عادی تبدیل شود، مطمئناً سوءاستفاده از آن را در پی خواهد داشت.

همچنین باید در نظر داشت که منابع برای چنین کارهایی محدود است؛ در هفته بعد از حمله به پاریس، انگلستان اعلام کرد که اندازه نیروهای امنیتی خود را ۱۵ درصد افزایش می‌دهد و میزان هزینه برای امنیت سایبری خود را نیز دو برابر می‌کند. هاولند نیز قول داده است که افسران پلیس و قضات بیشتری را به خدمت بگیرد. به نظر می‌رسد برخی از دیگر کشورها چندان در این موضوع دقیق نشده‌اند. بسیاری از کسانی که در حمله داعش شرکت داشتند، از اطراف شهر مولنیک در بلژیک آمده بودند که جمعیت مسلمان زیادی در آن زندگی می‌کنند. به طور کلی، تعداد کسانی که از بلژیک به داعش در سوریه می‌پیوندند، بیش از هر کشور اروپایی دیگری است. سطح سرویس‌های امنیتی در بلژیک ضعیف است. مسئله بلژیک مهم است چون پیمان شینگن مرزهای بین ۲۶ کشور اروپایی را کم‌رنگ کرده است. شینگن یک ارزش سمبلیک و اقتصادی است اما همچنین میزان امنیت اروپا را به واسطه ربطی که به کشورهای ضعیف‌تر دارد، پایین می‌آورد. بنابراین اسلحه‌های نیمه‌خودکار به راحتی می‌توانند از کشورهای حوزه بالکان به دست تروریست‌ها در پاریس برسند. بنابراین کشورهای عضو پیمان شینگن نیاز دارند که بیشتر با جهان خطرناک سازگار شوند. همچنین آنها باید یک ناحیه بدون مرز برای فعالیت‌های پلیسی و امنیتی خود درست کنند.

### ← جست‌وجو برای سیر بلا

برعکس داخل اتحادیه که نیاز است مرزها برداشته شوند، استفاده از یک مرز بیرونی قدرتمند برای مسدود کردن راه مهاجران ارزش‌های آزادی‌خواهی

کشتار پاریس به وسیله داعش در ۱۳ نوامبر حمله به تمام لذت‌های زندگی مردم بود. تروریست‌ها هر کسی را که جلوی اسلحه‌شان بود، در رستوران، در کنسرت یا در مسابقه فوتبال هدف قرار دادند. این اتفاق ممکن بود در هر شهر بزرگی رخ دهد. ممکن بود برای شما رخ دهد. دست‌اندازی داعش اکنون بسیار از سوریه و عراق فراتر رفته است. ماه گذشته در بمب‌گذاری در یک هواپیمای مسافربری روسیه بر فراز مصر، ۲۲۴ نفر کشته شدند. داعش مرگ را در سرتاسر خاورمیانه و شمال آفریقا گسترش داده است. این هفته آنها قسم خورده بودند که تعدادی از مسیحیان مجاهد را در واشنگتن و حوالی آن بکشند. پاریس تنها ده ماه پیش مورد حمله تروریست‌ها واقع شده بود. این شهر از نظر خدمات امنیتی در وضعیت هشدار شدیدی است اما هنوز داعش می‌تواند به آنجا وارد شود و عده‌ای را بکشد یا ناقص کند. جهان نیازمند این است که دفاع قوی‌تری در برابر حملات داعش انجام داد اما سوال اینجاست که چطور می‌تواند این کار را بکند؟

### ← ابتدا شناخت دشمن

داعش بنای خود را بر محاسبات وحشیانه گذاشته است. این گروه معتقد است که حملاتش موجب ترغیب افراط‌گرایی خواهد شد که گروه تلاش می‌کند جذبشان کند. این حملات باعث می‌شود افراطی‌هایی که داعش را خوار می‌شمارند نیز اقناع شوند. در ماه فوریه امسال، تبلیغات داعش یک منطقه خاکستری را توصیف می‌کرد که حد فاصل وفاداری افراد به بنیادگرایی و وفاداری‌شان به کشوری بود که آنها به طور کامل به آن احساس تعلق نمی‌کردند. داعش می‌خواهد که تروریست‌ها را از این منطقه خاکستری بیرون بیاورد و به سرزمین‌های تحت خلافت خود جذب کند.

بنابراین پاسخ به این فعالیت‌ها نیز باید همراه با محاسبه باشد. در یکی از صبح‌های بعد از حمله، فرانسوا هولاند، رئیس‌جمهور فرانسه، گفت که داعش باید نابود شود. این گفته خوبی است اما برای تروریست‌هایی که دوست دارند آشوب در خاورمیانه بالا بگیرد، بسیار مطلوب است. چنین جنگی می‌تواند طولانی باشد و همچنین نیاز به سیاست‌هایی دارد که کشورها در آن دخیل شوند. به یاد داشته باشید که غرب دو چیز را دارد که باید از آن محافظت کند؛ جان شهروندان و ارزش‌های آزادی‌خواهانه رواداری و حاکمیت قانون که زیربنای جامعه‌اش را تشکیل می‌دهد. وقتی که این امور مورد حمله قرار می‌گیرد، باید سیاست‌هایی را برای به کمترین حد رساندن آسیب به ارزش‌ها اتخاذ کند تا بیشترین حفاظت را از آنها به عمل آورد. متأسفانه با به هم ریختن امنیت، این اصل از اولین مواردی است که از دست می‌رود.

حرکت برای رسیدن به یک جهان امن‌تر از خانه شروع می‌شود؛ با قدرت‌های قانونی درست. تروریست‌ها معمولاً به صورت آنلاین و در گروه‌های کوچک به افراطی‌ها ملحق می‌شوند. آنها به صورت الکترونیک با هم ارتباط

برعکس داخل اتحادیه که نیاز است مرزها برداشته شوند، استفاده از یک مرز بیرونی قدرتمند برای مسدود کردن راه مهاجران ارزش‌های آزادی‌خواهی را تضعیف می‌کند بدون اینکه اروپا را امن‌تر کند



ارتش‌های نوین برای بیرون راندن تروریست‌ها از یک سرزمین خوب عمل می‌کنند؛ هرچقدر که برای ساختن دوباره سرزمین‌ها بعد از جنگ، بد عمل کنند. عملیات نظامی باید بیرون رفتن القاعده در عراق شد.



و جهان را با خطر بزرگ‌تری مواجه می‌کند. آنها جنگ در افغانستان و عراق را شاهد می‌آورند. اما از آن درگیری‌ها باید درس گرفت؛ برای هدف گرفتن داعش که یک گروه نسبتاً کوچک است، بدترین اتفاق طول کشیدن جنگ است. ارتش‌های نوین برای بیرون راندن تروریست‌ها از یک سرزمین خوب عمل می‌کنند؛ هرچقدر که برای ساختن دوباره سرزمین‌ها بعد از جنگ، بد عمل کنند. عملیات نظامی باید بیرون رفتن القاعده در عراق شد. بعدتر، ماندن رهبر این گروه که در پاکستان مخفی شده بود، باعث تضعیف آن شد.

اکنون داعش نیز مثل القاعده در افغانستان، کنترل سرزمین‌هایی را در دست دارد. بیرون راندن این گروه از این مناطق مفید خواهد بود چون داعش از این مناطق پول درمی‌آورد و هزاران تروریست بالقوه را جذب می‌کند و آموزش می‌دهد. حتی با اینکه داعش از موصل بیرون رانده شده، برای بسیاری از بنیادگرایان ساکن آن نواحی یک حکومت مطلوب شناخته می‌شود.

شاید یک استراتژی جایگزین این باشد که منتظر ماند تا داعش خودبه‌خود نابود شود. اما این یک امید بیهوده است؛ درگیری‌های عقیدتی در خاورمیانه و رقابت روسیه با آمریکا در این منطقه، باعث شعله‌ور ماندن تنش خواهد بود و دیپلماسی صرف می‌تواند به بقای داعش برای دهه‌ها منجر شود.

بعد از حملات داعش، عملیات نظامی فرانسه و نیز افزایش نیروهای نظامی به وسیله آمریکا و انگلیس علیه این گروه را شاهد بودیم. همه اینها عالی است اما کافی نیست. نابودی داعش به معنی گرفتن رقه و موصل است. این کار به ارتش نیاز دارد. برنامه تاکنون حمایت از نیروهای عراقی و نگرستن به کردها و همدلی با مبارزان در سوریه بوده است. این برنامه به خوبی به هدف نمی‌رسد. کردها اهداف دیگری دارند و عراقی‌ها و سوری‌ها نیز برای یک جنگ بزرگ آماده نیستند.

نیکولا سارکوزی، رئیس‌جمهور سابق فرانسه، گفته است که روسیه باید سوریه را ترغیب کند تا از نیروهای خود علیه داعش استفاده کند. این ایده خوبی است اما ممکن است به مخالفت کشورهای سنی منجر شود. راه حل بهتر این است که به رهبری سازمان ملل، نیروهای نظامی ترکیه، عربستان سعودی و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با داعش به مبارزه برخیزند چون این گروه، سرزمین‌های سنی نشین را تصرف کرده است؛ به خصوص ترکیه که خود قربانی حملات تروریستی داعش نیز شده است. آمریکا و کشورهای غربی نیز می‌توانند از این نیروها پشتیبانی کنند و از ناتو نیز کمک بگیرند. با این حال، استقرار چنین نیروهایی هنوز از حمایت‌های سیاسی برخوردار نیست.

نیروی نظامی به خودی خود کافی نیست؛ عملیات نظامی می‌تواند در کوتاه‌مدت بقیه جهان را امن تر کند اما این انتقاد صحیح است که تروریست بنیادگرایانه تنها وقتی پایان می‌پذیرد که خاورمیانه در صلح زندگی کند. بنابراین هدف موازی باید این باشد که قدرت‌های منطقه‌ای تلاش کنند شیعه، سنی، علوی و کرد در کنار هم در سوریه و عراق زندگی کنند و در حکومت نیز نمایندگی شوند. بنابراین باید قدرت بغداد بیشتر و سوریه نیز از جنگ داخلی رها شود. افسوس که در این زمینه هنوز نتیجه‌ای حاصل نشده است. دیپلماسی کار آسانی نیست و نباید با پیشرفت نکردن دیپلماسی جلوی عملیات نظامی گرفته شود. اما رسیدن به توافق سیاسی باید شامل تمام طرف‌ها باشد؛ از جمله روسیه و ایران.

به نظر می‌رسد که رقه فاصله بسیار زیادی با خیابان‌های پاریسی دارد که در جمعه شب، ورود خودروها به آن آزاد است. اما کشتارها نشان داد که چقدر آسان ایده‌های وحشیانه می‌تواند از مرزها بگذرد. زندگی‌های بی‌گناه هنوز در خطرند. آنها ممکن است سال‌ها در خطر باشند. همه اینها دلیل بیشتری برای واکنش در زمان کنونی هستند؛ واکنش علیه هر حلقه از زنجیر تروریسم.

منبع: اکونومیست

را تضعیف می‌کند بدون اینکه اروپا را امن تر کند. حالا که مشخص شده یکی از حمله‌کنندگان به پاریس کسی بوده که از راه یونان به اروپا وارد شده، بیرون راندن مهاجران که از سوی سیاستمداران اروپا و آمریکا پیشنهاد شده، عمل اشتباهی است.

متحدان صدراعظم آلمان، انگلار مرکل، بعد از حملات پاریس استدلال می‌کنند که موج پناهجویان باید کنترل شود. حتی با وجود اینکه آمریکا یک سیستم موشکافانه برای بازبینی پیش‌زمینه پناهجویان دارد، دهها فرماندار ایالتی در این کشور گفته‌اند که پذیرش ۱۰ هزار سوری باید متوقف شود. دو نامزد جمهوری خواه که خیلی تخفیف قایل شده‌اند، گفته‌اند که باید فقط سوری‌های مسیحی در آمریکا پذیرش شوند. از نظر رأی‌دهندگان آمریکایی، تروریسم بنیادگرایانه و مهاجرت در مقیاس وسیع با هم آمیخته شده‌اند؛ شاید به این دلیل که بسیاری از همدستان تروریست‌ها جزو مهاجران هستند و نیز شاید هردو نشانه دولتی هستند که نمی‌تواند حوزه استحفاظی خود را کنترل کند. به نظر می‌رسد سیاستمداران جریان اصلی از ترس راست‌گرایان پوپولیست، از چالش‌های پذیرش مهاجران خودداری می‌کنند اما اگر آنها می‌خواهند در یک جامعه آزاد زندگی کنند، وظیفه دارند از ارزش‌های آن حفاظت کنند. منطق بازگرداندن مهاجران بسیار ناقص است؛ چه از نظر عملی و چه اخلاقی. واضح است که خطر از صافی نگذشتن مهاجران وجود دارد و اروپا باید تازه‌واردان را رصد کند. اما دست کم پنج تن از کسانی که به پاریس حمله کردند، اروپایی بودند نه مهاجر. کسی که بخواهد خود را به یک حمله تروریستی برساند، همیشه می‌تواند باند‌های قاچاق انسان را پیدا کند تا او را به داخل بفرستند. تعدادی از مهاجران از راه جزایر یونان به داخل وارد می‌شوند که خود قربانی وحشیگری تروریست‌ها بوده‌اند؛ گاهی به دست اروپاییانی که به سوریه رفته‌اند تا به داعش بپیوندند. بنابراین برای اروپایی که جلوی مسلمانان دیوار کشیده، اروپایی‌ها کار را سخت و راه بازگشت تروریسم را هموار می‌کنند.

## مبارزه و گفت‌وگو

جهان به همان اندازه که باید مرزهای خود را امن کند و کاری کند که تروریست‌ها راحت‌تر شناخته شوند، نیازمند این است که با داعش در حوزه استحفاظی خود آن، در سوریه و عراق مبارزه شود. این کار شامل استقرار نیروهای زمینی ارتش‌های غربی نیز می‌شود.

برخی از افراد، مخصوصاً از جناح چپ، اعتقاد دارند که درگیری نظامی نه می‌تواند از ارزش‌های غربی دفاع کند و نه از امنیت غرب. اگر روشن نباشد که عملیات نظامی چطور پایان می‌پذیرد، کشتن مردم به سختی قابل توجیه است. اضافه بر این، وحشیگری تروریست‌ها تنها از میان خاکستر برمی‌خیزد

شاید یک استراتژی جایگزین این باشد که منتظر ماند تا داعش خودبه‌خود نابود شود. اما این یک امید بیهوده است؛ درگیری‌های عقیدتی در خاورمیانه و رقابت روسیه با آمریکا در این منطقه، باعث شعله‌ور ماندن تنش خواهد بود و دیپلماسی صرف می‌تواند به بقای داعش برای دهه‌ها منجر شود

# تروریست علیه اقتصاد

## گزارشی تحقیقی درباره داعش، منبع درآمد و همچنین تاثیر آن در بازارهای جهانی

سید کمال هادیانفر، رئیس پلیس فتا گفت: ۵۳ تن از حامیان تفکر داعش که در داخل کشور اقدام به حمایت از این گروه در فضای مجازی کرده بودند، دستگیر شدند که این افراد به محاکم قضایی معرفی شده و برخی از آنان که از روی غفلت یا ناآگاهی اقدام به این کار کرده بودند، با تعهد آزاد شدند اما کسانی که در جرم خود اقرار داشتند، دستگیر شدند. علاوه بر این هم در یک سال و هشت ماه گذشته، پلیس فتا ۲۸۵ سایت و پروفایل حامی داعش و گروه‌های تروریستی را شناسایی کرده؛ از این تعداد ۱۰۸ سایت در خارج از کشور بوده و از طریق اینترنت با آن برخورد شده است. به گفته هادیانفر، عمده این افراد در استان‌های مرزی کشور بودند. به هر حال، بعد از چند حمله گسترده و هم‌زمان داعش در پاریس که ۱۱ سپتامبر فرانسه نام گرفت، دست‌کم ۱۵۳ نفر کشته و ۲۰۰ نفر زخمی شدند. همین حملات هم باعث شد تا فرانسه وضعیت اضطراری اعلام کند و ۱۵۰۰ نظامی را به پاریس بفرستد. البته حضور داعش در منطقه و جهان، تنها امنیت مردم در مکان‌های عمومی را مختل نکرده است، شاید در کنار این ناامنی، اختلالات اقتصادی بیشتر به چشم بیاید.

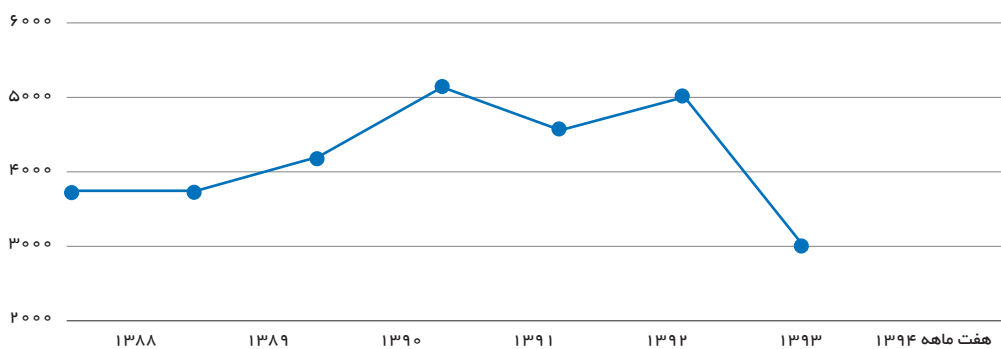
### داعش اقتصاد منطقه را مختل کرد

یکی از بازارهای اصلی صادراتی ایران در منطقه، کشور عراق است. عراقی که از سال ۹۲، یعنی بعد از حضور داعش در آن، مرادداشت با ایران افت کرده است. البته که از دو سال قبل‌تر از آن، همین وضعیت در مورد سوریه رخ داد و حالا هم ترکیه در گیرودار با داعش و دعوا با روسیه است و اینها حتما اقتصاد ایران را به هم می‌ریزند. به هر حال، هر چه که باشد، از ابتدای سال ۹۴، ۳ میلیارد دلار کالا از ایران به کشور عراق صادر شده است. اما به گفته کارشناسان و مسئولان مختلف، به طور قطع وجود داعش در منطقه خاورمیانه، در هر کشور از این منطقه که باشد، اولین تاثیرات مخربش را روی اقتصاد خواهد گذاشت و این بیشتر از همه چیز، متوجه سرمایه‌گذاری است.

میدان فردوسی، ورودی مترو، مردی با لباس مخصوص ضدگلوله و اسلحه ایستاده و کیف‌های بعضی از مردم را می‌گردد. جلوی یک پسر را می‌گیرد و کوله‌پشتی‌اش را می‌گردد. البته پایین پله‌ها، داخل مترو، دو مأمور دیگر هم حضور دارند. می‌گویند متروی چهارراه ولی عصر مأمورهای بیشتری دیده می‌شوند. البته این مأمورها تنها در داخل مترو نیستند. داخل خیابان، میدان‌های اصلی، نیروهای ویژه اسلحه به دست و خیلی جدی حضور دارند و در خیابان‌های مختلف ایست‌های بازرسی دیده می‌شود. شب‌ها هم که هوا تاریک می‌شود، با چراغ قوه داخل ماشین‌ها نور می‌اندازند تا مطمئن شوند چه کسانی داخل ماشین هستند. این تصویر این روزهای تهران است. تهرانی که بعد از حمله تروریستی داعش به پاریس، اقدامات ضدتروریستی و پیشگیرانه را در پیش گرفته است. البته سردار حسین ساجدی‌نیا، فرمانده انتظامی تهران بزرگ درباره حضور این مأموران در سطح شهر گفت: حضور پلیس در سطح شهر باعث افزایش احساس امنیت و ایجاد آرامش شهروندان می‌شود. به جهت آمادگی بیشتر برای مقابله با هرگونه تهدید احتمالی، نیروهای پلیس در سطح شهر تهران در حال تمرین عملیاتی هستند. البته در این تمرین‌های عملیاتی از نیروهای یگان ویژه، یگان امداد، تیم‌های چک و خنثی‌سازی بمب، واحدهای ۱۱۰ و نیروهای نامحسوس مرد و زن استفاده شده است. در کنار صحبت‌های ساجدی‌نیا، عبدالرضا رحمانی فضلی، وزیر کشور هم درباره حضور نیروهای ویژه در خیابان‌ها گفت: مانور در تهران به این علت بود که میزان آمادگی نیروهای ما برای مقابله با هر حادثه‌ای در شرایط حساس سنجیده شود و ارتقا یابد. اما بعد از این مانورهای شهری که خیلی بیشتر و جدی‌تر از مانور به نظر می‌آید، امیر احمدرضا پوردرستان، فرمانده نیروی زمینی ارتش می‌گوید: رزمایش ضدتروریستی نزاجا متناسب با تهدیدات داعش در اطراف تهران برگزار می‌شود که در آن از توان بالگردی هم استفاده خواهد شد. با اینکه تا دهم آذرماه، فرمانده انتظامی تهران بزرگ مدعی بود دستگیری عضو داعش در تهران نداشته‌ایم، یک هفته بعد از آن،

ایران پیش از حضور داعش در عراق ظرفیت ۶۱ درصدی صادرات صنایع را داشت که حالا این ظرفیت به ۴۰ درصد رسیده و طبیعی است که این کاهش متاثر از خرابی‌های و ناامنی‌های داعش در شهرهای مختلف عراق است

روند صادرات ایران به عراق



صادرات غیرنفتی ایران به عراق (میلیون دلار)





براساس برآورد رویترز، داعش بیش از ۶۰ درصد ظرفیت تولید نفت سوریه و ۱۰ درصد ظرفیت تولید نفت عراق را در اختیار دارد. رویترز در گزارشی در اکتبر ۲۰۱۴ برآورد کرد که این گروه در مجموع، ظرفیت تولید روزانه ۱۲۰ هزار بشکه نفت را دارد که درآمدی ۲ تا ۴ میلیون دلاری در روز برایش به همراه می‌آورد.

هسته اولیه  
داعش، ۱۵ اکتبر  
۲۰۰۶ و پس از  
نشست شماری از  
گروه‌های مسلح  
در عراق شکل  
گرفت. آن زمان،  
نام گروه «دولت  
اسلامی در عراق»  
و سرکرده آن  
ابوعمر البغدادی  
بود که البته خیلی  
دوام نیاورد و در  
سال ۲۰۱۰ بر اثر  
حمله نیروهای  
مشترک عراقی  
و آمریکایی در  
عملیاتی در  
منطقه «الثرثار»  
کشته شد

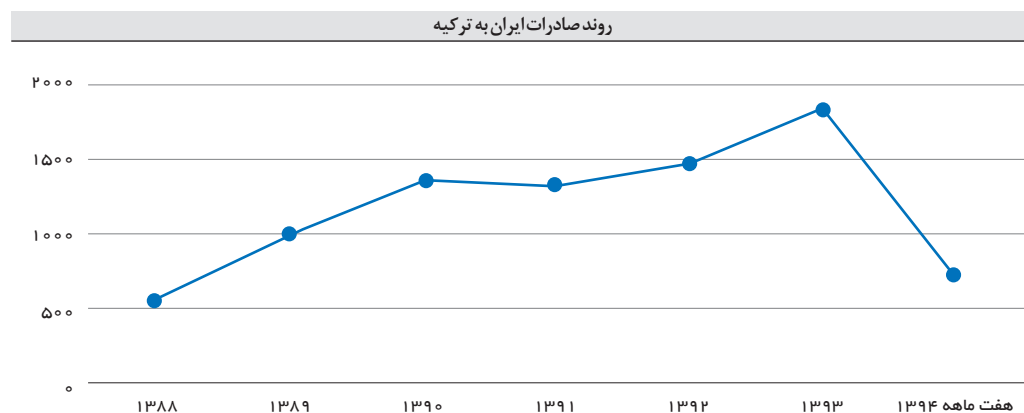
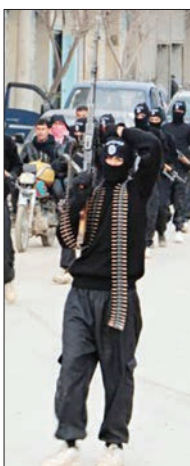
کشورهای پیشرفته ۶ هزار میلیارد دلار تخمین زده شده است. کشورهای توسعه یافته زمینه نامنی را در کشورهای دیگر برای فروش تجهیزات و تاسیسات و تسلیحات خودشان فراهم می‌کنند. ما شاهد بودیم که کشورهای مثل عربستان و قطر در دهه گذشته به دلیل همین نامنی‌ها چقدر مهمات و تاسیسات مختلف از این کشورها خریدند. این خریدها هم در بخش نرم افزار و هم در بخش سخت افزار انجام شده است. با این خریدها اقتصاد توقف یافته کشورهای توسعه یافته به حرکت درمی‌آید. به گفته او، اثرات اولیه حضور چنین گروهی در کشورهای خاورمیانه بحث تامین تسلیحات و تجهیزات نظامی است. مرحله بعدی که زمینه استفاده کشورهای توسعه یافته را فراهم می‌کند، بازسازی مناطق تخریب شده در اثر جنگ و ویرانی ناشی از حضور داعش در منطقه است که باز زمینه‌ای برای حرکت اقتصاد کشورهای توسعه یافته است. ما در بحث یمن، عراق، افغانستان و سوریه دیدیم که این کشورها خودخواسته زمینه بهر برداری و تامین منافع مادی‌شان را با ایجاد نامنی فراهم کردند. در گذشته طالبان حضور داشت و امروز داعش در همین پروژه تعریف می‌شود و همین اهداف را محقق می‌کند تا غرب بتواند بالای ۶ هزار میلیارد دلار از منطقه خاورمیانه خارج کند.

البته در حالی که حضور داعش در منطقه، حداقل اقتصاد و صادرات ایران را با مشکل مواجه کرده است، خبری از تغییر در بازارهای مالی و بورس جهانی دیده نمی‌شود. گویی که اقتصاد جهان دیگر با هر اتفاقی دچار نوسان نمی‌شود و باید اتفاقی حتی بزرگ‌تر از حادثه پاریس رخ دهد. حتی به گزارش سی‌ان‌ان مانی، «ترور وحشتناکی که در پاریس به وقوع پیوست با واکنش آرام و ملایمی از سوی بازارهای مالی جهانی در روز دوشنبه مواجه شد. بازار بورس در پاریس به دنبال کشته شدن ۱۲۹ نفر در حمله تروریستی انعطاف بسیاری از خود نشان داد. در عین حال شاخص وال استریت نیز افزایش قابل ملاحظه‌ای داشت. شاخص با ۲۳۸ واحد افزایش به بزرگ‌ترین افزایش هفتگی خود در سه هفته اخیر رسید. البته این نکته نباید از نظر دور بماند که حمله تروریستی در شبی رخ داده است که فردای آن بازار تعطیل بوده و در نتیجه فرصتی ایجاد شد تا هیجانات سرمایه‌گذاران فروکش کند. واکنش آرام نشان دهنده این است که حمله تروریستی در پاریس اقتصاد جهان و ایالات متحده آمریکا را دگرگون نخواهد کرد.» دیگر گزارش‌های جهانی هم نشان از عدم تغییر بازار داشتند و همگی حاکی بودند که بورس و بازارهای پولی و مالی دیگر به اتفاق و حادثه عادت کرده‌اند و به این راحتی‌ها افت و خیز پیدا نمی‌کند؛ حالا چه داعش باشد چه گروه‌های تروریستی دیگر.

براساس گزارش‌های منتشر شده، در حالی که صادرات غیرنفتی ایران به عراق از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱ سیری آرام و صعودی را طی کرده و در سال ۱۳۹۱ از مرز ۵ میلیارد دلار عبور کرده، در سال ۱۳۹۲ هم‌زمان با قدرت‌گیری داعش در منطقه، با نوعی افت مواجه شده و به حدود ۴٫۶ میلیارد دلار رسیده است. از جمله محصولاتی که صادراتش به عراق کاهش پیدا کرده سیمان است. چرا که داعش با بر هم زدن فعالیت‌های عمرانی و ساختمانی، ساخت و ساز را در عراق کاهش داده و در نتیجه عراقی‌ها سیمان کمتری از ایران می‌خرند. این در حالی است که عراق همیشه اولین کشور خریدار سیمان ایران بوده است. علاوه بر این مسائل، عده‌ای از کارشناسان، افت زیاد قیمت نفت هم را هم از چشم داعش می‌بینند. چرا که این گروه تروریستی، نفت سوریه را به راحتی با نصف قیمت در مرز ترکیه به صورت قاچاق می‌فروشد. بر اساس گزارش‌های منتشر شده، فروش نفت اولین منبع درآمد داعشی‌ها عنوان شده است.

مرتضی لطفی، عضو هیات نمایندگان اتاق تهران و مدیرعامل هلدینگ سیمان فارس و خوزستان معتقد است: ایران پیش از حضور داعش در عراق ظرفیت ۶۱ درصدی صادرات صنایع را داشت که حالا این ظرفیت به ۴۰ درصد رسیده و طبیعی است که این کاهش متاثر از خرابی‌ها و نامنی‌های داعش در شهرهای مختلف عراق است. ۳۰ صد از چرخه اقتصاد عراق در سال‌های حضور داعش در این کشور معلق مانده و این میزان در سوریه به ۶۰ درصد رسیده است. علاوه بر افت صادرات محصولات مختلف ایران به عراق، آمار هفت‌ماهه سال ۱۳۹۴ صادرات ایران به ترکیه به ۷۲۹ میلیون دلار رسیده که نسبت به سال‌های قبل، نشان از کاهش دارد.

در کنار ترکیه و عراق که این روزها دیگر کمتر مشتری محصولات و کالاهای ایرانی هستند، سوریه از مدت‌ها قبل از این جریان دچار مشکل شد. چرا که داعش از قبل‌تر در این کشور حضور داشت و جنگ‌های داخلی سوریه هم پیش‌تر از داعش وجود داشت. این باعث شد صادرات ایران به این کشور از ۳۷۱ میلیون دلار در سال ۸۸ به ۳۶۲ میلیون دلار در سال ۹۰ برسد. نگاهی به تاریخ نشان می‌دهد اولین بار نیست که اتفاقات مختلف، معادلات اقتصادی را در جهان به هم می‌زنند. البته نگاهی رادیکال به این ماجرا را حیدر مستخدمین حسینی، ثنوریسین برنامه اقتصادی وزیر اقتصاد مطرح می‌کند. او معتقد است که کشورهای توسعه یافته برای خروج از رکود کشورهای خود و ایجاد تحرک در بازار، در برخی مناطق جهان فضای ناامن ایجاد می‌کنند. او می‌گوید: جابه‌جایی سرمایه مورد انتظار در مناطق بحران‌زده به اقتصاد



صادرات غیر نفتی ایران به ترکیه (میلیون دلار)

## ← داعش از کجا آمد؟

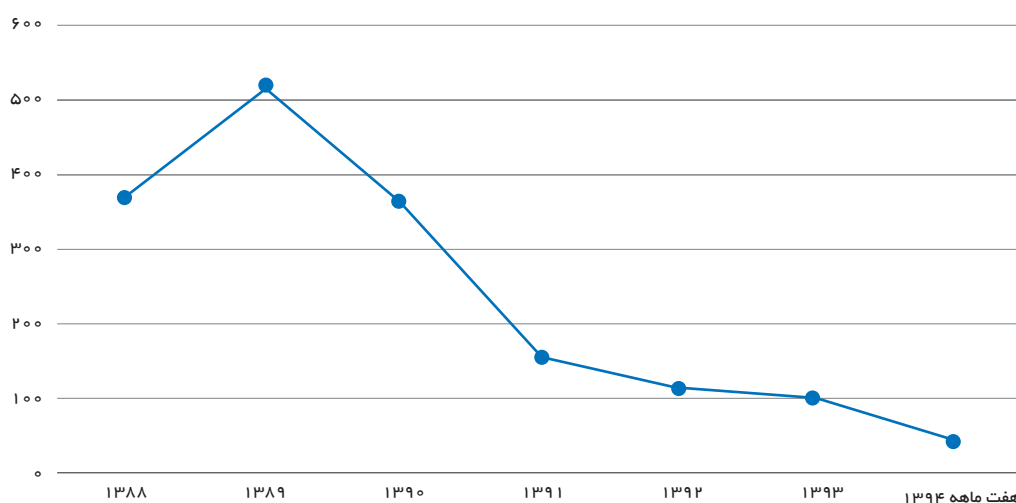
داعش مخفف عبارت «الدوله الاسلامیه فی العراق والشام» است، البته چند وقتی بعد از جهانی شدنش، عراق و شام را از نامش حذف کرد، اما هنوز هم در جهان به اسم همان داعش یا (د.ع.ش) شناخته می‌شود. مرکز فعالیت این گروه غرب آسیا، یعنی سوریه و عراق است. هسته اولیه این گروه ۱۵ اکتبر ۲۰۰۶ و پس از نشست شماری از گروه‌های مسلح در عراق شکل گرفت. آن زمان، نام گروه «دولت اسلامی در عراق» و سرکرده آن ابوعمر البغدادی بود که البته خیلی دوام نیاورد و در سال ۲۰۱۰ بر اثر حمله نیروهای مشترک عراقی و آمریکایی در عملیاتی در منطقه «الثرثار» کشته شد. ده روز بعد سرکرده جدید معرفی شد. چند وقت بعد هم فیلمی از مردی با هیكلی تنومند و ریش‌ها و ابایی سیاه و البته ساعتی طلایی‌رنگ که در دست راستش خودنمایی می‌کرد، منتشر و اعلام شد که او، ابوبکر البغدادی همان رئیس جدید است. ساعت ابوبکر البغدادی آن قدر در جهان بازتاب داشت که روزنامه انگلیسی ساندی تلگراف درباره آن نوشت: «ساعتی که بغدادی در دست راستش دارد، تنها چیزی است که در ظاهر این مرد سیاه‌پوش که خود را به هیبت آخرین خلیفه عباسی در بغداد درآورده، قابل توجه است. این ساعت یا از برند رولکس یا امگا است که ارزش آن ۶ هزار دلار تخمین زده می‌شود.» ابوبکر با ساعت ۶ هزار دلاری‌اش، حملات تروریستی را گسترش داد. اواخر سال ۲۰۱۱، گروه «جبهه النصره لاهل الشام» به عنوان شاخه «دولت اسلامی در عراق» تشکیل و در نهایت دو سال بعد، یعنی در سال ۲۰۱۳، به گروه اصلی پیوست. در همین سال، ابوبکر البغدادی، سرکرده «دولت اسلامی در عراق» در پیامی صوتی ادغام «جبهه النصره» و «دولت اسلامی در عراق» را اعلام کرد تا بدین ترتیب گروه «دولت اسلامی در عراق و شام» شکل بگیرد. براساس گزارش همشهری آنلاین، تاریخچه پیدایش داعش به تشکیل گروه «توحید و جهاد» به سرکردگی ابومصعب الزرقاوی در سال ۲۰۰۴ و بیعت او با اسامه بن لادن، سرکرده سابق القاعده، برمی‌گردد. این گروه با گسترش عملیات خود به یکی از قدرتمندترین گروه‌های تروریستی در عراق تبدیل شد، تا اینکه الزرقاوی در سال ۲۰۰۶ در اظهاراتی ضبط‌شده به صورت مصور از تشکیل «شورای مجاهدین» به سرکردگی عبدالله رشید البغدادی

خبر داد. پس از هلاکت زرقاوی در سال ۲۰۰۶ «ابومزه المهاجر» به عنوان سرکرده این گروه تعیین شد. در پایان آن سال نیز گروه «دولت اسلامی عراق» به ریاست ابوعمر البغدادی تشکیل شد. اما هر دو کشته شدند. بسا این حال، رئیس جدید گروه، عملیات زیادی را در این مدت رقم زده است. بر اساس گزارش‌ها و آمارهای منتشرشده، داعش در نیمه دوم سال ۲۰۱۳ نزدیک به ۱۴۰۰ خانه را در عراق منفجر و ویران کرد. طی این حملات ۱۹۹۶ نفر کشته و ۳۰۲۱ نفر زخمی شدند. عناصر داعش در ۲۰ خرداد ۹۳ در اقدامی بی‌سابقه به موصل مرکز استان نینوا یورش بردند و ظرف چند ساعت این شهر را تصرف کردند. آنان همچنین چند روستا را در صلاح‌الدین تحت کنترل خود درآوردند. سلاح‌ها و مهمات و تجهیزات کشف‌شده از عناصر داعش بیاتر گسترده‌گی حمایت‌های خارجی از این گروه تروریستی در عراق است. عناصر داعش در سوریه در مناطقی از استان‌های رقه، حلب، حومه لاذقیه، ریف دمشق، دیرالزور، حمص، حماه، حسکه و ادلب پراکنده هستند و در برخی از این مناطق نیز کنترل کامل را به دست گرفته‌اند.

## ← نفت، راه نجات داعش

اصولا گفته می‌شود که درآمد گروه‌های تروریستی از طریق قاچاق مواد مخدر است. اما به درآمد گروه داعش، باید فروش نفت، فروش آثار باستانی، استفاده از زمین‌های کشاورزی، برده‌داری و... را هم اضافه کرد. این درآمدها به اندازه‌ای است که داعش بولدارین گروه تروریستی جهان نام گرفته است. به گفته مؤسس نعیم، معاون ارشد مؤسسه آمریکایی موقوفه کارنگی برای صلح بین‌الملل در امور طرح‌های اقتصادی بین‌المللی، در افغانستان پرورش خشخاش اصلی‌ترین منبع درآمد تروریست‌ها به شمار می‌رود. سازمان ملل ادعا می‌کند که ۸۶ درصد تریاک در جهان از خشخاش‌های افغانستان تامین می‌شود که منبع اصلی بودجه تروریست‌ها در این منطقه به شمار می‌رود. فروش مواد مخدر و درآمد حاصل از خشخاش، روشی سنتی برای کسب درآمد تروریست‌ها است. آنها هم به تناسب رشد جهانی و اقتصاد توسعه پیدا کرده‌اند و از روش‌های جدید درآمد به دست می‌آورند. شاید هیچ گروه تروریستی‌ای مانند داعش نتوانسته باشد به چاه‌های نفت دسترسی پیدا کند.

روند صادرات ایران به سوریه



صادرات غیرنفتی ایران به سوریه (میلیون دلار)

جابه‌جایی سرمایه مورد انتظار در مناطق بحران‌زده به اقتصاد کشورهای پیشرفته ۶ هزار میلیارد دلار تخمین زده شده است. کشورهای توسعه‌یافته زمینه ناامنی را در کشورهای دیگر برای فروش تجهیزات و تاسیسات و تسلیحات خودشان فراهم می‌کنند. ما شاهد بودیم که کشورهای مثل عربستان و قطر در دهه گذشته به دلیل همین ناامنی‌ها چقدر مهمات و تاسیسات مختلف از این کشورها خریدند

رئیس پلیس فتا گفت: ۵۳ تن از حامیان تفکر داعش که در داخل کشور اقدام به حمایت از این گروه در فضای مجازی کرده بودند، دستگیر شدند. علاوه بر این هم در یک سال و هشت ماه گذشته، پلیس فتا ۲۸۵ سایت و پروفایل حامی داعش و گروه‌های تروریستی را شناسایی کرده؛ از این تعداد ۱۰۸ سایت در خارج از کشور بوده و از طریق اینترنت با آن برخورد شده است.

بر اساس گزارش‌ها و آمارهای منتشرشده، داعش در نیمه دوم سال ۲۰۱۳ نزدیک به ۱۴۰۰ خانه را در عراق منفجر و ویران کرد. طی این حملات ۱۹۹۶ نفر کشته و ۳۰۲۱ نفر زخمی شدند

داعش بیش از ۶۰ درصد ظرفیت تولید نفت سوریه و ۱۰ درصد ظرفیت تولید نفت عراق را در اختیار دارد. رویترز در گزارشی در اکتبر ۲۰۱۴ برآورد کرد که این گروه در مجموع، ظرفیت تولید روزانه ۱۲۰ هزار بشکه نفت را دارد که درآمدی ۲ تا ۴ میلیون دلاری در روز برایش به همراه می‌آورد. از طرف دیگر، براساس آنچه که واشنگتن تایمز منتشر کرده است، داعش هر ماه ۵۰ میلیون دلار از فروش نفت به دست می‌آورد. اما سوال اساسی هنوز پاسخ داده نشده: داعش چطور کسب درآمد می‌کند؟ سایت آتلانتیک این‌طور جواب می‌دهد: «مسئله‌مقداری از درآمد دولت اسلامی به مزارع حاصلخیز برمی‌گردد. مزارعی که بدون به‌کارگیری حتی یک تراکتور می‌تواند از سیلوهای گندم عراق، ۲۰۰ میلیون دلار درآمد به این گروه برساند. فراتر از این جریان، سراسر دجله و فرات و زمین‌های حاصلخیز اطراف آن در دست شبه‌نظامیان است. به گفته مقامات کشاورزی سازمان ملل، نیمی از تولید گندم سوریه، یک‌سوم از تولید گندم عراق و یک‌سوم تولید جوی عراق در دست داعش است. به این ترتیب، این گروه می‌تواند هر سال ۲۰۰ میلیون دلار از برداشت این محصولات به دست آورد. حالا آمریکا چگونه می‌تواند به زمین‌های زراعی حملات هوایی انجام دهد؟» واشنگتن پست هم در گزارشی درباره منبع درآمد داعش نوشته است: «درآمد دولت اسلامی از فعالیت‌های مختلف و متفاوت و در طول زمان در نوسان است. درآمدهای این گروه به‌شدت متنوع است، یعنی اگر یک منبع مالی تعطیل شود، این گروه از منبعی دیگر درآمد کسب می‌کند. با این حال، روش اصلی کسب درآمد داعش، فروش نفت و آثار باستانی و اخاذی است. بر اساس برآوردهای موسسه راند، درآمد کل دولت اسلامی از کمتر از یک میلیون دلار در اواخر سال ۲۰۰۸، به یک میلیون دلار در سال ۲۰۰۹ افزایش پیدا کرد و در سال ۲۰۱۴ به ۳ میلیون دلار در روز رسید.»

البته گزارش‌های مختلف، علاوه بر درآمدها به هزینه‌های این گروه هم توجه کرده‌اند. هزینه‌هایی از جمله به راه انداختن عملیات تروریستی در شهرهای مختلف، حمله به شهرهای عراق و سوریه، و حقوق و مزایای اعضایش. براساس گزارش واشنگتن پست، حقوق بعضی از مبارزان داعشی، ۴۰۰ دلار در ماه است که از حقوق یک کارمند عراقی بیشتر است. به هر حال، داعش هم برای اینکه برایش کار کنند، مجبور است دستمزد بدهد.

به همین دلیل هم این طلای سیاه، چنان درآمدی برایشان رقم زده است که بتوانند هم در عراق و سوریه و هم در دیگر کشورهای دنیا به راحتی عملیات تروریستی انجام دهند. به هر حال عملیات تروریستی خرج دارد. جابه‌جایی نفت عراق و سوریه منبع درآمد تمام‌نشدنی داعشی‌ها شده است. به گفته احمد چلبی، دبیر کنگره ملی عراق، گروه داعش با فروش نفت در سوریه هزینه عملیات خود را در سوریه و عراق تأمین می‌کند. البته این فروش نفت آنها به اندازه فروش نفت دولت‌های عراق و سوریه نیست، اما به هر حال، همین میزان هم برای یک گروه تروریستی رقم بسیار بالایی است. به طور مثال، بلومبرگ چند وقت پیش در گزارشی نوشت: داعش سالانه ۵۰۰ میلیون دلار درآمد نفتی دارد. همین نفت‌فروشی در کنار دیگر منابع درآمدی باعث شده تارسانه‌های بین‌المللی لقب ثروتمندترین ارتش تروریستی جهان را به داعش بدهند. بلومبرگ در این باره نوشته است: «مقامات آمریکایی برآورد کرده‌اند که این گروه به‌غیر از منابع نفتی، سال گذشته حدود ۵۰۰ میلیون تا ۱ میلیارد دلار از طریق بانک‌های عراقی به دست آورده است. بخشی از درآمد آنها نیز از طریق قاچاق آثار باستانی و خون‌پهایی است که از خانواده‌های قربانی آدم‌ربایی به دست می‌آورند.» همین مقدار درآمد هم البته می‌تواند تا سال‌ها این گروه را به راحتی تغذیه کند. البته آمریکا تصور می‌کرد درآمد اصلی داعش از طریق نفت پالایش شده باشد؛ به همین خاطر سال گذشته حمله‌هایی از سوی آمریکا به پالایشگاه‌های نفتی صورت گرفت. اما بلومبرگ می‌نویسد واقعیت این است که این گروه نفت خام را به واسطه‌ها و دلال‌ها می‌فروشد و خودشان آن را پالایش نمی‌کنند. به هر حال، همین اقدام آمریکا باعث شد تا آنها مقداری از درآمد نفتی‌شان را از دست بدهند. البته کاهش قیمت نفت هم در این مساله دخیل بوده است. به این ترتیب، کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی نه تنها بر اقتصاد کشورهای عضو اوپک و جهان تاثیر گذاشته بلکه درآمد گروه داعش را هم کم کرده است. در هر صورت تابستان ۲۰۱۴، قیمت نفت بشکه‌ای ۱۱۴ دلار بود و حالا زیر ۴۰ دلار معامله می‌شود. به این ترتیب، براساس گزارش ان‌بی‌سی، آمریکا سن، تحلیل‌گر نفتی موسسه انرژی اسپکت معتقد است که به دلیل همین خسارت‌ها، تولید نفت این گروه از روزانه ۱۱۰ هزار بشکه به ۴۰ هزار بشکه کاهش پیدا کرده است. با این حال، براساس برآورد رویترز،

## ۱۲ راه کسب درآمد داعش

|                          |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                          |
|--------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| نفت                      | بیشترین درآمد داعش از میدان‌های نفت سوریه و عراق است. براساس گزارش‌های منتشرشده، داعش نقش را به مرز ترکیه می‌برد و آنجا به صورت قاچاق می‌فروشد. آنها به دلیل قاچاق بودن، نفت را خیلی ارزان به فروش می‌رسانند. البته درآمد آنها بعد از حملات هوایی آمریکایی‌ها کاهش پیدا کرد. براساس گزارشی که واشنگتن پست منتشر کرده، داعش در حال حاضر با مشکل کمبود مهندس و کارشناس مواجه است.          |
| مالیات یا اخاذی          | افرادی که در قلمرو داعش زندگی می‌کنند، مجبور به دادن مالیات‌های مختلف هستند. چرا که این گروه برای همه چیز مالیات می‌گیرد. براساس گزارش تامسون رویترز، سیستم اخاذی و مالیات می‌تواند در سال ۲۶۰ میلیون دلار برای این سازمان تروریستی درآمد تولید کند.                                                                                                                                     |
| آدم‌ربایی برای باج‌گیری  | سازمان ملل متحد در اکتبر سال گذشته تخمین زد که داعش ۳۵ تا ۴۵ میلیون دلار تنها از طریق آدم‌ربایی برای باج‌گیری، درآمد داشته است.                                                                                                                                                                                                                                                          |
| ثروتمندان اهداگر         | داعش در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴، ۴۰ میلیون دلار از تجار و بازرگانان، خانواده‌های ثروتمند و دیگر اهداکنندگان در عربستان سعودی، قطر، کویت و امارات متحده عربی درآمد کسب کرده است.                                                                                                                                                                                                                    |
| فروش آثار باستانی        | داعش در سرزمین‌های باستانی به سر می‌برد. به همین دلیل هم فروش و قاچاق آثار باستانی این سرزمین‌ها، درآمد خوبی نصیبش می‌کند. به طوری که درآمد آثار باستانی دومین منبع درآمد این گروه بعد از فروش نفت است. از ابتدای سال جاری، این گروه حداقل ۴۵۰۰ مکان فرهنگی و تاریخی را تحت کنترل خود درآورده است. آمریکا حجم کل تجارت آثار باستانی داعش را بیش از ۱۰۰ میلیون دلار در سال تخمین زده است. |
| بانک‌های عراق            | داعش در سال ۲۰۱۴ حداقل نیم میلیارد دلار پول نقد از طریق تصرف شعبه‌های بانک‌های دولتی در شمال و غرب عراق به دست آورده است.                                                                                                                                                                                                                                                                |
| فروش دیگر اموال غارت‌شده | داعش از طریق فروش وسایل و ابزار باقی‌مانده در زمین‌های تحت اشغالش درآمد به دست می‌آورد. این محصولات می‌تواند حتی تجهیزات ساخت‌وساز، ژنراتور، کابل برق، ماشین، دام، میلان و سایر محصولات باشد.                                                                                                                                                                                            |
| املاک و مستغلات          | داعش از مزایده اموال مردم کشته‌شده یا فرار کرده، پول به دست می‌آورد.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                     |
| جنگجویان خارجی           | جنگجویانی که از کشورهای خارجی به داعش می‌پیوندند یا خودشان از می‌آورند.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                  |
| کشاورزی                  | بخشی از زمین‌های حاصل‌خیز عراق و سوریه در دست داعش است. به گزارش تامسون رویترز، اگر این محصولات با ۵۰ درصد تخفیف هم در بازار سیاه فروخته شود، باز هم می‌تواند بیش از ۲۰۰ میلیون دلار در سال برای داعش درآمد داشته باشد.                                                                                                                                                                  |
| فسفات، سیمان و گوگرد     | تامسون رویترز، منابع فسفات می‌تواند حتی با تخفیف، به اندازه ۵۰ میلیون دلار در سال برای داعش درآمد داشته باشد، همچنین اسید سولفوریک و اسید فسفریک می‌تواند درآمد ۳۰۰ میلیون دلاری ایجاد کند.                                                                                                                                                                                              |
| قاچاق انسان              | برده‌داری و خرید و فروش انسان‌ها توسط داعش زیاد صورت می‌گیرد.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            |

منبع: واشنگتن پست

# پاریس دیده شد، بیروت فراموش شد

یک روز پیش از حمله به پایتخت فرانسه، داعش در مرکز لبنان کشتار به راه انداخته بود

## آن بارنارد

علی عواد ۱۴ ساله وقتی که اولین بمب ترکید، در حال خرد کردن سبزی بود. عادل ترموس وقتی که دومین انفجار رخ داد، جلوی یک دکه قهوه‌فروشی نشسته بود. خدر علاءالدین، دانشجوی ثبت‌نام‌کرده در رشته پرستاری، در راه رسیدن به محل شیفت شبش در بیمارستان آموزشی در دانشگاه آمریکایی‌های بیروت بود. هر سه نفر جان خود را در دو حمله انتحاری در بیروت، به همراه ۴۰ نفر دیگر از دست دادند. آنها نیز مانند بسیاری دیگر که یک روز بعدتر جان خود را در پاریس از دست دادند، به طور تصادفی کشته شدند و در هنگام انفجار، در یک ناحیه پر جنب‌وجوش شهری، مشغول کارهای معمول بعدازظهرهای خود بودند.

هر دو انفجار در جنوب بیروت و مرکز پاریس باعث ایجاد موجی از ناراحتی و بی‌نظمی در روزهای تعطیل در بازارها و کافه‌ها شد. اما تنها بعد از حمله پاریس بود که از سراسر جهان موج همدلی به سمت فرانسه سرازیر شد؛ موجی که از حمله یازده سپتامبر به امریکا تاکنون سابقه نداشته است. بناهای تاریخی و مهم سراسر جهان به رنگ‌های پرچم فرانسه درآمنند، سخنرانی رئیس‌جمهوری امریکا بر دفاع از «ارزش‌های مشترک» تاکید کرد، فیس‌بوک به کاربران خود پیشنهاد کرد که با یک کلیک تصویر پروفایل خود را به رنگ پرچم سه‌رنگ فرانسه درآورند، رسانه‌های اجتماعی برای اطمینان دوستان کاربران، سیستمی را فعال کردند که کاربران صحت و سلامت خود را به دیگران اعلام کنند؛ کاری که قبل از این فقط برای سوانح طبیعی سابقه داشت و روز قبل از حمله به پاریس، برای حمله بیروت فعال نشده بود.

عالیه فارس، یک دکتر لبنانی، در وبلاگ خود نوشته است: «وقتی که مردم من می‌میرند، هیچ کشوری به خود زحمت نمی‌دهد که رنگ ساختمان‌های یادبود خود را به رنگ پرچم آنها دریاورد. وقتی که مردم می‌میرند، هیچ کشوری اعلام عزای نمی‌کند. مرگ آنها اعلام می‌شود اما یک نقطه بی‌ربط در چرخه خبرهای بین‌المللی است؛ یک اتفاق که در جایی از

عالیه فارس،  
یک دکتر لبنانی،  
در وبلاگ خود  
نوشته است:  
«وقتی که مردم  
من می‌میرند،  
هیچ کشوری  
به خود زحمت  
نمی‌دهد که رنگ  
ساختمان‌های  
یادبود خود را  
به رنگ پرچم  
آنها دریاورد.  
وقتی که مردم  
می‌میرند، هیچ  
کشوری اعلام عزای  
نمی‌کند.»

جهان رخ داده است.» آن معنی ضمنی که بسیاری از مفسران لبنانی را ناراحت کرده، این است که جان اعراب اهمیت کمتری دارد. بدتر اینکه کشور آنها که با وجود درگیری‌ها در کشورهای همسایه نسبتاً آرام است، به عنوان کشوری پذیرفته شده که در آن قتل عام یک هنجار است.

در حقیقت، آن دوره‌ای که لبنان درگیر جنگ داخلی بود و بمب‌ها در شهرهای این کشور مرتب منفجر می‌شدند، مربوط به سال ۱۹۹۰ بود. لبنان درگیر موج‌هایی از ترور سیاستمداران، درگیری‌های خیابانی و جنگ بوده است. در سال ۲۰۰۶، هواپیماهای صهیونیستی ردیف‌های کامل آپارتمان‌های بیروت را نابود کرد. اما یک سال بعد از آن، آرامش نسبی حکم فرما شد. در حالی که جنگ داخلی در سوریه به سال چهارم خود رسیده و حدود ۴ میلیون نفر را آواره کرده، لبنان درگیر مسائلی داخلی مثل فساد، کمبود برق و آب آشامیدنی و در این اواخر، جمع‌آوری زباله است. داعش مدت‌ها بود که تهدید می‌کرد جنگ و درگیری را به غرب خواهد کشاند. مطمئناً حمله به پاریس و بیروت با یکدیگر تفاوت‌هایی دارد. پاریس مدت‌ها بود که چنین حمله‌هایی را به خود ندیده بود اما در بیروت بمب‌گذاری هرگز به طور کامل غایب نبوده است. از سوی دیگر، درگیری‌های مذهبی در منطقه‌ای که لبنان در آن واقع است و موفقیت حزب‌الله در کنترل منطقه و محبوبیت این گروه، رقبای مذهبی را در ایجاد درگیری تشویق می‌کند و نواحی پررفت‌وآمد شهری این کشور را به یک هدف برای این کار تبدیل کرده است. در این میان، حدود یک میلیون نفر از آوارگان سوری در لبنان هستند؛ کشوری که ۴ میلیون نفر جمعیت دارد و تعدادی از مردم آن به همراه آوارگان سوری در حال سوار شدن به قایق قاچاقچیان انسان برای رفتن به اروپا هستند.

حملات تروریستی در حال رقابت با فشارهای سیاسی در اروپا برای جلوگیری از پذیرش مهاجران است. وقتی که مشخص شد دست‌کم یک نفر از تروریست‌های پاریس از کسانی که بوده که درخواست پناهندگی در اروپا داشته، تعدادی از رقبای سیاسی مخالف مهاجرت از این فرصت استفاده کردند و خواهان بستن درهای اروپا شدند.

شکاف بین توجه به حملات تروریستی در اروپا و خاورمیانه یا لبنان وقتی به وجود می‌آید که به درگیری‌ها در لبنان نگاه شود. نور خباز، یکی آواره سوری که بر اثر بمباران‌ها از شهر خود حلب فرار کرده، می‌گوید: «تصور کنید آنچه در پاریس اتفاق افتاد، در طول پنج سال هر روز برای ما اتفاق افتاده است.» او چند سال پیش به لبنان آمده و به عنوان دستیار فعال در کمک‌های انسان‌دوستانه در بیروت کار می‌کند. خباز اضافه می‌کند: «حالا تصور کنید که همه این اتفاقات بدون همدلی جهانی برای از دست رفتن جهان انسان‌های بی‌گناه رخ داده و هیچ رسانه‌ای یک دقیقه هم برای آن خبر ویژه پخش نکرده و هیچ رهبر و مقام دولتی در کشورهای جهان غرب هم خشونت‌ها را محکوم نکرده است. از خودتان بپرسید چطور به بچه خود توضیح خواهید داد که حمله‌ای تروریستی به شهر زیبای شما توجه سراسر جهان را برانگیخت اما حمله به شهر زیبای ما، چنین توجهی در پی نداشت.»

منبع: نیویورک تایمز





امریکایی‌های لاتین تبار دارای درآمد کمتری از امریکایی‌های سفیدپوست هستند اما میزان مرگ و میر در آنها کمتر است. در کل کشورهای امریکای لاتین نیز این آمار کمتر است؛ اصولاً آن قدری که ما فکر می‌کنیم، وضع زندگی لاتین تبارها وخیم نیست.

## یأس عمومی در طبقه متوسط امریکا

محقق نشدن رویای امریکایی باعث ناامیدی طبقه متوسط ایالات متحده شده است



پل کروگمن  
برنده جایزه نوبل اقتصاد

مناطق شمال شرق و کالیفرنیا، جایی که تامین اجتماعی زیاد و ارزش‌های سنتی تضعیف شده است، بالا و در حال افزایش است. در این میان، امید کم به زندگی در مناطقی به چشم می‌خورد که در امریکا به «کمربند انجیل» معروف است؛ مناطقی سنتی و مذهبی.

اما قضیه به همین سادگی نیست؛ ماجرای فرهنگ و مذهب تأثیرات بسیار پیچیده‌تری دارد. از سوی دیگر، مثلاً امریکایی‌های لاتین تبار دارای درآمد کمتری از امریکایی‌های سفیدپوست هستند اما میزان مرگ و میر در آنها کمتر است. در کل کشورهای امریکای لاتین نیز این آمار کمتر است؛ اصولاً آن قدری که ما فکر می‌کنیم، وضع زندگی لاتین تبارها وخیم نیست. خوب، ادامه دادن این مسائل به چه دردی می‌خورد؟ دیتون در آخرین مصاحبه خود گفته است که سفیدپوستان امریکایی روایت زندگی خود را از دست داده‌اند. ما این حرف را می‌توانیم این طور بگوییم که آن رویای امریکایی به تحقق نپیوسته و امریکایی‌های طبقه متوسط انتظارشان برآورده نشده و نمی‌توانند خود را با واقعیت وفق دهند.

با این حال، دقیقاً نمی‌توانیم بگوییم که چرا یأس در میان طبقه متوسط امریکا در حال گسترش است. من تنها کسی نیستم که بین میزان مرگ و میر و یأس در جامعه و سیاست‌های دست راستی ارتباطی قایل هستم. با این حال، سیاست‌های ارائه شده نیز به راحل مطلوبی منجر نشده است. راحل این طبقه نه اخراج مهاجران و پوشیدن کلاه بیس بال و فریاد زدن شعارهاست و نه کاهش مالیات بر دارایی‌های سرمایه‌ای. بنابراین شما می‌توانید بفهمید که چرا برخی از رأی‌دهندگان به سیاستمدارانی تکیه می‌کنند که دست‌کم به نظر می‌رسد دردهای مردم را می‌فهمند.

شاید انتظار داشته باشید که من راحل قطعی را به شما بگویم. اما در شرایطی که مراقبت‌های بهداشتی، کف دستمزد بالاتر، کمک‌های تحصیلی و نظایر آن می‌تواند به امریکایی‌ها کمکی کند، بعید می‌دانم که این راحل‌ها برای معالجه یأس عمومی جامعه امریکا کافی باشد.

منبع: نیویورک تایمز

چند هفته پیش، رئیس‌جمهور اوباما وقتی که درباره امریکا با الحن انتقادی شدیدی صحبت می‌کرد، در حال درآوردن ادای جمهوری خواهان بود و پیام تلخ خود را با ظاهر شدن مثل یک گربه عبوس شدت بخشید. سخنان او نکته‌ای دربر داشت؛ با نرخ بیکاری که از دهه ۱۹۹۰ دیده نشده است و با درصد امریکایی‌های تحت پوشش بیمه سلامت قرار گرفته در بالاترین رکورد، تخمین تلخ و غم‌انگیز دشمنان سیاسی‌اش مغایر با واقعیت به نظر می‌رسد. هنوز یک سایه تاریک در حال گسترده شدن بر بخشی از جامعه ماست و دلیل آن را واقعاً درک نمی‌کنیم.

نظرات زیادی و برخی از آنها به درستی، درباره مقاله علمی جدید دو اقتصاددان به نام‌های آنگوس دیتون (برنده جایزه نوبل) و آن کیس وجود دارد که نشان می‌دهد مرگ و میر در میان جامعه متوسط سفیدپوست امریکایی از سال ۱۹۹۹ افزایش یافته است. این وخامت اوضاع در حالی اتفاق افتاده است که نرخ مرگ و میر به طور ثباتی هم در دیگر کشورها و هم در میان گروه‌های مختلف در کشور خودمان نیز کاهش یافته است.

مسئله بدتر، مواردی است که باعث مرگ و میر شده است. اصولاً امریکایی‌های سفیدپوست به طور روزافزونی خود باعث مرگ خود به صورت مستقیم یا غیرمستقیم می‌شوند. خودکشی در حال بالا رفتن است و همین‌طور، مرگ بر اثر مسمومیت به مواد مخدر و نیز بیماری‌های مزمن کبدی ناشی از مصرف مشروبات الکلی افزایش یافته است. این دلایل در دیگر زمان‌ها و مکان‌ها دیده شده‌اند؛ مثلاً در امید به زندگی در روسیه پس از فروپاشی کمونیسم به چشم می‌خورد. اما این وضعیت، حتی به صورت تضعیف شده آن، در امریکا حیرت‌آور است. یافته‌های دیتون - کیس الگویی شناخته شده است؛ تعدادی مطالعه و تحقیق وجود دارند که نشان می‌دهند امید به زندگی در میان سفیدپوستان با تحصیلات کم در اغلب مناطق امریکا کاهش یافته است. افزایش خودکشی و مصرف بیش از حد مواد دارویی نیز مسئله شناخته شده‌ای است. فرهنگ عمومی نیز بر استفاده از مواد الکلی سنگین تأکید زیادی دارد و خبر تازه‌ای نخواهد بود اگر بگوییم که مواد مخدر به مشکل کانونی جامعه امریکا تبدیل شده است. اما چه چیزی باعث همه‌گیری این رفتار خودتخریب‌گرانه شده است؟

اگر بخواهید به آنچه معمولاً گفته می‌شود باور داشته باشید، باید گفت که دلیل همه این مسائل خطای جناح لیبرال‌ها بوده است. برنامه‌های سخاوتمندانه اجتماعی که لیبرال‌ها بر آن تأکید دارند، فرهنگ وابستگی و یأس را خلق کرده است و در همین حال، دانشمندان علوم انسانی عرفی ارزش‌های سنتی را متزلزل کرده‌اند. اما در کمال شگفتی باید گفت که این مسائل با شواهد مغایرت دارند.

مسئله اول این است که افزایش مرگ و میر منحصر پدیده‌ای امریکایی است. امریکا ضعیف‌ترین سیستم رفاه دولتی را دارد و نقش ارزش‌های مذهبی و سنتی در آن، بیش از هر کشور توسعه یافته دیگری است. دولت سوئد به فقرای خود بسیار بیشتر از ما کمک می‌کند و گروه وسیعی از نوزادان سوئدی اکنون بدون عقد زناشویی متولد می‌شوند؛ با این حال، میزان مرگ و میر در میان طبقه متوسط سوئد، به اندازه نصف امریکایی‌ها است.

شما الگوی مشابهی را در سرتاسر امریکا می‌بینید؛ امید به زندگی در



# داستان بی‌پایان بدهی‌ها در اقتصاد جهان

از ابتدای قرن حاضر، می‌توان انبوهی از مشکلات جهانی اقتصادی ناشی از بدهی را ردیف کرد

باعث افزایش خرید مسکن شد و نتایج زیان‌بار آن نیز در پی آمد. در منطقه یورو، درآمد خوب آلمانی‌ها باعث رونق حوزه مسکن در ایرلند و مخارج عمومی در یونان شد.

وقتی که حباب‌ها در اقتصادهای بزرگ جهان می‌ترکد و دوران ورشکستگی فرا می‌رسد، نرخ‌های بهره بانکی به کمترین حد خود در تاریخ می‌رسد و جهت جریان سرمایه تغییر می‌کند. بنابراین پول از کشورهای ثروتمند به سمت کشورهای فقیر سرازیر می‌شود. بنابراین در این کشورها افراد بسیاری با سرعت زیادی قرض می‌گیرند و انبوهی از بدهی به وسیله شرکت‌ها برای انجام پروژه‌های عظیم و خرید کالاهای گران روی هم انباشته می‌شود. به طور کلی، میزان بدهی در بازارهای نوظهور از ۱۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۹ به ۱۹۵ درصد رسیده است. بدهی شرکت‌ها از ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۸ به تقریباً ۷۵ درصد رسیده است. نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی چین در پنج سال گذشته به حدود ۵۰ درصد افزایش یافته است.

اکنون این افزایش بدهی به پایان خود نزدیک می‌شود؛ رشد اقتصادی آهسته‌تر چین و تضعیف قیمت کالا در بازارهای جهانی نیمه تاریک ماجراست؛ حتی اگر بیشتر شدن ارزش دلار و افزایش نرخ بهره بانکی در آمریکا، بتواند مانعی برای سیل سرمایه ارزان باشد.

برخی از چرخه‌های بدهی به بحران و رکود ختم می‌شوند، مثل بحران اروپا، و برخی نیز به کاهش رشد اقتصادی ختم می‌شوند، مثل قضیه چین، چون کسانی که پول هزینه می‌کردند و وام‌دهندگان فعالیت خود را متوقف می‌کنند. مقیاس بدهی در بازارهای نوظهور نشان داده است که آنها از این طریق ضربه می‌خورند؛ تحقیقات نشان

داده است در کشورهایی که میزان بدهی بخش خصوصی آنها به بیش از ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش یافته، رشد اقتصادی سه سال پس از رسیدن میزان بدهی‌ها به اوج خود، به طور متوسط به اندازه ۳ درصد کاهش یافته است. اما اینکه چه درد و رنجی در آینده این کشورها وجود داشته باشد، به مولفه‌های بومی هر کشور وابسته است. گروهی از کشورها می‌توانند با کمی کاهش رشد اقتصادی، از مهلکه جان سالم به در ببرند. در اقتصادهای نوظهور، می‌توان از هر دسته، نمونه‌هایی را پیدا کرد. یونان یکی از کشورهایی است که مشکل بدهی‌اش به بحران منجر شد. برزیل از جمله کشورهایی است که مشکلات آن به کاهش رشد اقتصادی شدید ختم شده و هند نیز نمونه دسته سوم است که توانسته با کمترین هزینه‌ها مشکل بدهی خود را کنترل کند.

منبع: اکونومیست

نزدیک به ۱۰ سال پیش بود که حباب مسکن در آمریکا ترکید. شش سال پیش بود که بدهی‌ها در یونان به اوج رسید و بحران یورو را به راه انداخت. با متصل کردن قسمت‌های مختلف این سریال، می‌توانیم به یک جریان پر از ایجاد سریع بدهی و ورشکستگی اقتصادی متعاقب آن برسیم. اکنون حدود نیمی از اقساط بدهی در سراسر جهان به سر رسیده است. حالا نوبت بازارهای نوظهور است. سرمایه‌گذاران به تدریج دارایی‌های خود را از جهان در حال توسعه بیرون می‌آورند اما باید گفت که هنوز درد و رنج ناشی از کاهش سرعت رشد اقتصادی پیش رو است.

بحران بدهی در کشورهای فقیر اتفاق تازه‌ای نیست. از برخی جهات، این مسئله کمتر از درهم شکستن اقتصادها و واحدهای پولی در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی نیست. در حال حاضر، بازارهای نوظهور، کم و بیش، نرخ‌های مبادله ارزی منعطف‌تر، ذخایر بزرگ‌تر و سهم واحد پولی خارجی کمتری در بدهی‌های خود دارند. با این حال، مشکلات اقتصادی ناشی از بدهی‌های دارای عوارض تخریب‌کننده رشد اقتصادی، بیشتر از آن چیزی است که مردم انتظارش را می‌کنند؛ این مسئله می‌تواند اقتصاد جهانی را چنان ضعیف کند که فدرال رزرو به فکر افزایش نرخ بهره بانکی بیفتد.

## ← گاه‌شمار بحران‌ها

در هر سه بحران بزرگی که در قرن حاضر اقتصاد جهانی را گرفتار خود کرد، چرخه بحران از سیل سرمایه‌ها بین کشورها شروع شد، نرخ‌های بهره بانکی را کاهش داد و باعث تحریک شدن رشد اعتبارات شد. در آمریکا، میزان بالای پس‌انداز، بیشتر در کشورهای آسیایی،

برخی از چرخه‌های بدهی به بحران و رکود ختم می‌شوند، مثل بحران اروپا، و برخی نیز به کاهش رشد اقتصادی ختم می‌شوند، مثل قضیه چین، چون کسانی که پول هزینه می‌کردند و وام‌دهندگان فعالیت خود را متوقف می‌کنند





## چه کسی صاحب واقعی شرکت است؟

سهامداران فکر می کنند که مالکان کمپانی ها هستند اما اشتباه می کنند



**جان کی**  
استاد دانشکده اقتصاد لندن و  
کالج سنت جونز

در آن صورت هم آنها چیزی از شرکت را که باقی مانده باشد خواهند گرفت؛ چیزی ناچیز، طبق قانون هم عمل خواهد شد.

آنر در روزگار خودش ۱۱ شرکت را از نظر دارایی ارزیابی کرد و روابط بین شرکت و سهامداران آن را سنجید. تنها در دو شرکت این روابط برای سهامداران کمی رضایت بخش بود. در سه شرکت این روابط تا حدی رضایت بخش بود و در شش شرکت اصلا رضایت بخش نبود.

شواهد زیادی وجود دارد که تأیید می کند مدیران شرکت ها بیشتر از سهامداران مالک شرکت هستند. اگر شما برای یک فرد نا آشنا ویژگی های مالک بودن را برشمارید و وضعیت کنونی شرکت ها را برایش توضیح بدهید و سپس از او بپرسید که به نظر او چه کسی صاحب شرکت است، بعید است نگوید مدیران آن.

در پاسخ به این سوال که صاحب واقعی شرکت چه کسی است، باید گفت که هیچ کس صاحب شرکت نیست؛ یا بهتر است گفته شود هیچ کس بیشتر از کسی که صاحب رودخانه تیمز، گالری ملی انگلستان، خیابان های لندن یا هوایی که ما نفس می کشیم است، مالک شرکت ها نیست. انواعی از شکایت ها، قراردادهای و وظایف در اقتصاد مدرن وجود دارد و تنها گاهی اینها به خوبی با اصطلاح مالکیت توصیف شده است. حتی معنی زیادی ندارد که ما بپرسیم چه کسی مالک سهام شرکت است. این تنها یک نام است که روی برگه سهام درج می شود؛ کس دیگری تصمیم می گیرد که چه چیزی خریده یا فروخته شود، کس دیگری تصمیم می گیرد که سهامداران چطور دارای رأی باشند و کس دیگری از بازگشت سرمایه ناشی از فعالیت های شرکت سود می برد.

امروزه نه تنها ممکن بلکه معمول است که تمام این حقوق به وسیله افراد مختلفی تجربه شود. همان طور که چارلز هندی نوشته است، وقتی شما به شرکت های مدرن نگاه می کنید، می بینید که «اسطوره مالکیت به کنار رفته است». فکر کردن روشن درباره کسب و کار آسان تر خواهد بود اگر استفاده از کلمات را متوقف کنیم.

منبع: فایننشیال تایمز

سهامداران مالک شرکت ها هستند و وظیفه مدیران این است که ارزش سهامی را که سهامداران در اختیار دارند، به بیشترین حد برسانند. من به یاد ندارم چند بار تا به حال به من گفته شده است که «این یک قانون است».

اما این یک قانون نیست. البته نه در آمریکا، مثلاً به گفته لین استات، استاد دانشکده حقوق دانشگاه کرنل. سهامداران در انگلستان حقوق بیشتری دارند؛ اما حتی در آنجا نیز وظیفه مدیر شرکت این است که موفقیت شرکت را با میزان سودی که برای اعضای خود به دست می آورد، تبلیغ کند. اول شرکت به وجود می آید و بعد سود ناشی از موفقیت آن، به سمت اعضا جریان می یابد. در سال ۱۹۴۸، دادگاه تجدید نظر رأی داد که «سهامداران از نظر قانون مالک بخشی از شرکت نیستند». در سال ۲۰۰۳ هم مجلس لردها همین را دوباره تأیید کرد.

مالکیت یک مفهوم ساده نیست. معنی کلاسیک این مفهوم را ۵۰ سال پیش، محقق حقوق، تونی آنر، ارائه داده است. مالکیت، مانند دوستی، ویژگی هایی دارد و اگر یک رابطه میزان کافی از آن خصوصیت ها را داشته باشد، می توانیم آن را مالکیت توصیف کنیم. اگر من مالک یک شیء باشم، می توانم از آن استفاده کنم یا نکنم، آن را بفروشم، اجاره بدهم، به دیگران بدهم، دور بیندازم و اگر یک سارق در آن اختلاسی انجام داد، به پلیس شکایت ببرم. همچنین باید مسئولیت سوءاستفاده از آن را نیز بپذیرم و حق طلبکارانم را برای حبس آن در صورت داشتن بدهی نیز تأیید کنم.

اما سهام شرکت به سهامداران نه حق تملک آن را می دهد و نه حق استفاده از آن را. اگر سهامداران به فرضیات اساسی شرکت نگاه کنند، احتمال زیادی وجود دارد که این فرضیات بیشتر از آنها رویگردان شود تا آنها را بپذیرد. آنها حق بیشتری از دیگر مشتریانی ندارند که از خدمات شرکتی بهره می گیرند که صاحب آن اند. تنها آن بخش از سودهایی از شرکت که مدیران آنها تصمیم می گیرند بین سهامداران تقسیم شود، به آنها اختصاص می یابد و حتی برای فروختن دارایی های شرکت به جز فروش تمام شرکت در زمان انحلال، ندارند؛

سهام شرکت به  
سهامداران نه  
حق تملک آن را  
می دهد و نه حق  
استفاده از آن را.  
آنها حق بیشتری  
از دیگر مشتریانی  
ندارند که از  
خدمات شرکتی  
بهره می گیرند که  
صاحب آن اند



## بیکاری ناشی از فناوری و بازار کار

ماشین تنها می‌تواند جایگزین دانش صریح انسان شود



ایروینگ ولاداسکی -  
برگر

مدیر سابق آی‌بی‌ام و مشاور  
استراتژیک سی‌تی‌گروپ

موضوعات کمی به اهمیت آینده کار پیدا می‌شوند و همین مسئله ترس ما را از افزایش بیکاری ناشی از فناوری توجیه می‌کند. بازار کاری که احتمالا درگیر اقتصاد دیجیتال قرن بیست و یکم می‌شود، چطور خواهد بود؟ این سوال به طور وسیعی به بحث گذاشته شده اما در نهایت پاسخ مطلوبی برای آن پیدا نشده است. یکی از این بحث‌ها در سپتامبر گذشته، در «جلاس جهانی بیکاری ناشی از فناوری» در نیویورک رخ داد. در این اجلاس، من مدیریت میزگرد «فناوری و آینده بازار کار» را بر عهده داشتم و در آن، دیوید اوتر، اقتصاددان دانشگاه ام‌ای‌تی و جان مارکوف، گزارشگر روزنامه نیویورک تایمز، حضور داشتند. در بحث آنها ایده‌های خوبی مطرح شد اما در نهایت به پاسخ روشنی منجر نشد.

آخرین مقاله اوتر چنین عنوانی دارد: «چرا هنوز شغل‌های خیلی زیادی وجود دارند؟ تاریخ و آینده اتوماسیون محیط کار». این مقاله در پی این است که روشن کند چرا اتوماسیون قسمت عمده‌ای از شغل‌ها را ناپدید کرده است، آیا کاهش مشاغل با مهارت متوسط و دستمزد متوسط ادامه خواهد داشت و نیز تاثیر هوش مصنوعی، رباتیک و دیگر فناوری‌های پیشرفته چه خواهد بود.

هیچ بخشی نمی‌تواند مثل بخش کشاورزی آمریکا، گویای تاثیر فناوری بر تعداد شغل‌ها باشد؛ سهم مشاغل کشاورزی در بازار کار آمریکا از ۴۱ درصد در سال ۱۹۰۰ میلادی به ۲ درصد در سال ۲۰۰۰ رسید. همچنین کاهش‌های بزرگی در دیگر حوزه‌ها رخ داده است. در صنایع خودروسازی، ساختمان‌سازی و کارخانه‌ها، ماشین جایگزین کارگران پدی شده است. همچنین رایانه بسیاری از مناصب اداری و ثبتی را از بین برده است. با اینکه اتوماسیون محیط کار بسیاری از مشاغل را که طی قرن‌ها درست شده بودند نابود کرده، اما چرا هنوز خیلی از شغل‌ها باقی مانده‌اند؟

اوتر می‌گوید که اتوماسیون جایگزینی برای نیروی کار نیست بلکه یک مکمل برای کارگران است. در حقیقت، کارخانه‌ها با اتوماسیون بهره‌وری خود را بالا می‌برند و افزایش تولید در آنها، باعث می‌شود که تقاضای بیشتری

برای نیروی کار نیز داشته باشند. با این حال، روزنامه‌نگاران و حتی مفسران کارشناس نیز درباره جایگزینی ماشین‌ها با نیروی کار اغراق می‌کنند.

مشاغل درگیر تعدادی وظیفه یا روند هستند. برخی از این روندها کارهای یکنواختی هستند و برخی نیز به قضاوت، مهارت‌های اجتماعی و دیگر توانایی‌های انسانی بستگی دارند. ماشین‌ها جایگزین کارهای یکنواخت می‌شوند اما کارهای انسانی را باید کارگران انجام دهند. با این کار، میزان بهره‌وری کارکنان افزایش پیدا خواهد کرد چون روبات‌ها و رایانه‌ها کارهای یکنواخت و تکراری را بر عهده می‌گیرند و کارگران تمرکز خود را در جایی قرار می‌دهند که نیاز است بیشترین توجهشان به آنجا باشد.

اختراع خودپرداز بانک‌ها در دهه ۱۹۷۰، نمونه‌ای برای ارزیابی چگونگی تاثیر اتوماسیون بر بازار کار بود. وقتی که این ماشین‌ها وارد بانکداری آمریکا شد، نه در زمان ورود این وسیله به بازار و نه بعدتر، از تعداد صندوق‌داران بانکی کاسته نشد. تا سال ۲۰۱۰ میلادی، به طور تخمینی حدود ۴۰۰ هزار دستگاه خودپرداز در شبکه بانکی آمریکا وجود داشت. تعداد صندوق‌داران بانکی نیز از حدود ۵۰۰ هزار نفر در سال ۱۹۸۰ به ۵۵۰ هزار نفر در سال ۲۰۱۰ رسیده بود. کاسته نشدن از نیروی کار بانک‌ها دو دلیل داشت؛ نخست اینکه ماشین‌ها باعث شده بودند که تاسیس شعبه توسط بانک‌ها ارزان‌تر شود و تعداد شعبات بانکی بالاتر رفت و پرسنل بیشتری استخدام شدند. دومین دلیل نیز این بود که مسئولیت شمارش و حسابداری پول‌ها کمتر شده بود و پرسنل بانکی کار خود را بیشتر بر امور دیگری مثل دادن وام و اعتبار و گزینه‌های سرمایه‌گذاری متمرکز کردند.

در بازار کار آمریکا آنهایی که مهارت بالایی دارند، دستمزدهای بالا می‌گیرند، کسانی که مهارت کمتری دارند، دستمزدهای کمتری دریافت می‌کنند و سطح متوسط مهارت نیز به دستمزد سطح متوسط می‌رسد. در سه دهه گذشته، به لطف رشد آموزش و نیاز بالا، به تعداد افراد با مهارت بالا افزوده شده است. این مهارت‌ها عمدتاً قابل جایگزینی به وسیله ماشین نیستند و دستمزد آنها مرتب افزایش یافته است. مشاغل که مهارت‌های سطح متوسط می‌خواهند و می‌توان با قوانین تکراری معدودی از آنها را انجام داد، بیشتر احتمال جایگزینی با ماشین را دارند. از تعداد این مشاغل به‌خصوص از سال ۲۰۰۰ تاکنون، کاسته شده است. اما مشاغل که نیاز به مهارت کم و کار پدی دارند مثل مراقبت‌های بهداشتی یا خدمات نظافتی اما پیچیدگی بیشتری دارند و کمتر می‌توان آنها را به کارهای تکراری برای ماشین تبدیل کرد، با افزایش تقاضا روبرو هستند. تعداد این نوع مشاغل از سال ۲۰۰۰ افزایش یافته اما دستمزدهای آنها ثابت مانده یا حتی کاهش یافته است. بنابراین می‌توان دید که در دو دهه گذشته، بازار کار آمریکا و به تبع آن، دستمزدها به شدت قطبی شده است؛ یعنی از تعداد مشاغل با مهارت متوسط و دستمزد متوسط کاسته شده اما به تعداد مشاغل با مهارت بالا یا پایین افزوده شده است.

در سال‌های اخیر، هوش مصنوعی باعث شده ماشین‌ها کارهایی را انجام دهند که قبلاً انسان‌ها با توانایی‌های مربوط به هوش و شناخت خود انجام می‌دادند. حال باید گفت که آیا در آینده همان مشاغلی که در ترکیب با ماشین، به انسان نیز نیاز داشتند، از بین خواهند رفت؟ اوتر با الهام از نظریات ۵۰ سال پیش مایکل پولانی، دانشمند و فیلسوف، می‌گوید که احتمالاً این اتفاق نخواهد افتاد. دانش می‌تواند هم ضمنی و هم صریح باشد. پولانی می‌گفت: «انسان‌ها بیش از آنچه می‌گویند، می‌دانند.» دانش ضمنی باعث می‌شود که قابلیت‌هایی در انسان برای انجام یک شغل وجود داشته باشد که در ماشین نیست. با هوش مصنوعی و ماشین‌های هوشمند، می‌توان تنها دانش صریح انسان‌ها را شبیه‌سازی کرد.

منبع: وال استریت ژورنال

# یک قرن نوآوری با آی بی ام

پیشروی فناوری‌های روز جهان در قرن بیستم همچنان ادامه دارد

شرکت آی بی ام هنوز هم یکی از شرکت‌های مطرح جهان در عرصه فناوری است. این شرکت از ادغام سه شرکت قرن نوزدهمی به وجود آمد و در سال ۱۹۱۱ میلادی به صورت یک شرکت محاسبه جداول ثبت شده درآمد

منبع: نیویورک تایمز



شکست گری کاسپاروف از دیپ بلو که ماشین شطرنج‌باز آی بی ام بود



سیستم / ۳۶۰ آی بی ام که در سال ۱۹۶۴ ارائه شد

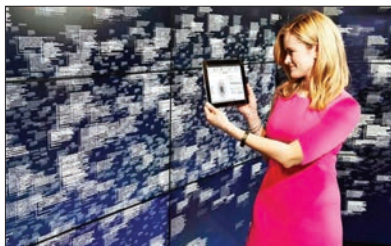


یک دستگاه ثبت حضور روزانه که در سال ۱۸۸۸ اختراع شد

دهه ۱۹۹۰

## دیپ بلو

شرکت آی بی ام توانایی محاسبات به وسیله رایانه‌ها را با دیپ بلو (آبی عمیق)، یک رایانه برنامه‌نویسی شده برای بازی شطرنج همچون قهرمانان این رشته، نشان داد. در ماه مه سال ۱۹۹۷، دیپ بلو استاد اعظم و قهرمان شطرنج جهان، گری کاسپاروف، را شکست داد. این یک پیروزی تاریخی برای هوش ماشینی بود.



ارانه واتسون هلت که یک تحلیل گر داده‌های مراقبت‌های بهداشتی است

دهه ۲۰۱۰

## واتسون

آی بی ام ابزار واتسون، یک فناوری هوش مصنوعی، را ساخته است که در مسابقه تلویزیونی «جغوپاردی» در سال ۲۰۱۱، در یک رقابت مشهور انسان‌ها را شکست داد و تنها ماشین از این نوع در بازار است. شرکت امیدوار است که واتسون یک موتور رشد باشد. آی بی ام به شدت روی دارایی‌هایی از نوع داده، از تصاویر پزشکی گرفته تا داده‌های آب‌وهوایی، سرمایه‌گذاری کرده است تا بتواند واتسون را در میان بسیاری از صنایع، هوشمندتر و مفیدتر بکند.

دهه ۱۹۶۰

## نقطه عطفی برای رایانه

شرکت ماشین‌های تجاری بین‌المللی سیستم / ۳۶۰ آی بی ام را ارائه کرد که با خانواده رایانه‌ها سازگار بود. شرکت این اختراع را مهم‌ترین محصولی دانست که در تاریخ فعالیتش عرضه کرده است.



پی‌سی یا رایانه شخصی که به سرعت در همه جا رواج یافت

دهه ۱۹۸۰

## رایانه قابل حمل

عصر جدیدی برای رایانه شروع شد و ورود آی بی ام به بازار رایانه‌های شخصی در سال ۱۹۸۱ تأییدی بر فناوری نوین بود. آی بی ام رایانه شخصی یا همان پی‌سی (personal computer) را به یک محصول رایج تبدیل کرد که در کسب‌وکار، مدارس و خانه‌ها مورد استفاده قرار گرفت. انتخاب مایکروسافت و اینتل به عنوان تولیدکنندگان اصلی قطعات، شرکت را به پیش راند.

۱۹۰۰ تا ۱۹۳۰

## روزهای نخست

آی بی ام در سال ۱۹۲۴ نام خود را به شرکت «ماشین‌های تجاری بین‌المللی» (International Business Machines) تغییر داد و تحت رهبری توماس جی. واتسون سینیور به شرکتی پیشرو در نوآوری و فناوری تبدیل شد. ماشین‌های اولیه مثل ماشین ساعت‌زنی بالا، مسیرهای بعدی را برای رسیدن به مکانیسم پردازش داده‌ها هموار کرد.



ماشین تحریر الکتریکی آی بی ام که در سال ۱۹۶۱ عرضه شد

دهه ۱۹۵۰

## تعیین مسیر با گروه طراح

آی بی ام یک برنامه طراحی شرکت را شروع کرد و الیوت نویس، معمار و طراح صنعتی برجسته، را برای تلاش در این مسیر استخدام کرد. نویس کسانی مثل پل رند، چارلز ایمس و ایرو سارینن را به شرکت آورد و برای طراحی هر چیزی، از ساختمان‌های شرکت و لوگوی هشت‌ستونی شرکت گرفته تا ماشین تحریر الکتریکی مشهور آی بی ام، سلکتریک، از آنها کمک گرفت.

# گرمایش زمین؛ دشمن فسیل‌های نفتی

برخی از غول‌های حوزه انرژی هنوز در حال جاخالی دادن در مسئله گرمایش زمین هستند

میلادی، سوخت‌های فسیلی سه‌چهارم حجم اولویت تقاضای انرژی در جهان خواهد بود. اما آژانس بین‌المللی انرژی که بازنامه‌های کشورهای مصرف‌کننده نفت است، گفته است که برای محدود کردن گرمایش زمین به ۲ درجه سانتی‌گراد، نیاز است که سهم سوخت‌های فسیلی به ۶۰ درصد سبد انرژی جهان در سال ۲۰۴۰ کاهش یابد. این آژانس کنار گذاشتن حجم زیادی از هیدروکربن‌ها را تخمین زده است با این حال، مدیرعامل آن، فاتح بیرویل، گفته است: «شرکتی فعال در حوزه انرژی نباید وجود داشته باشد که فکر کند سیاست‌های آب‌وهوایی بر کسب‌وکار آن تأثیر نخواهد گذاشت.»

تعدادی از شرکت‌های بزرگ نفتی تلاش می‌کنند که مبارزه را در این مسیر ادامه دهند و تلاش کنند که خود را مسئول نشان دهند. در ماه اکتبر، روسای ده شرکت بزرگ نفتی و گازی که هیچ‌یک از آنها از امریکا نبودند، دور هم جمع شدند و فعالیت‌های خود را هماهنگ کردند. آنها تصمیم گرفتند که روی مصرف بیشتر گاز طبیعی که میزان دی‌اکسید کربن کمتری تولید می‌کند، تمرکز کنند. شرکت شل که یک شرکت نفتی هلندی-انگلیسی است، شرکت مشاوره صنعت گاز بی‌جی را خریده است. اکورا ائولفسن، از شرکت مشاوره مک‌کینزی، می‌گوید: «شما می‌توانید استدلال کنید که شرکت‌های بزرگ نفتی می‌توانند به شرکت‌های بزرگ گازی تبدیل شوند.» شرکت نفتی فرانسوی توتال بیشترین سهام را در شرکت سان‌پاور، یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های فعال در حوزه انرژی‌های پاک دارد. دیگر شرکت‌های نفتی نیز در حال سرمایه‌گذاری در شرکت‌های فعال در انرژی‌های تجدیدپذیر هستند.

با این حال، هنوز شرکت‌های فعال در حوزه نفت خطر کاهش دارایی‌هایی را که در صنعت نفت و گاز سرمایه‌گذاری کرده‌اند کم تخمین می‌زنند؛ البته دلیل این اتفاق فقط این نیست که تقاضا برای توسعه این صنعت در سراسر جهان همچنان ادامه دارد. آنها برای نگه داشتن کسب‌وکار سوخت‌های فسیلی و البته کاهش کمتر دی‌اکسید کربن، از سه راه عمل می‌کنند. اولین راه آنها این است که استفاده از سوخت گاز را جایگزین سوخت آلوده‌تر زغال سنگ برای تولید برق کرده‌اند. دومین راه حل این است که چنین شرکت‌هایی انتظار دارند که میزان بهره‌وری از انرژی به حدی برسد که آلودگی کمتری داشته باشد؛ مثلاً در سوخت خودروها می‌توان کاری کرد که با سوخت‌های فسیلی مسافت بیشتری را با یک باک بنزین طی کرد. مسیر سوم نیز این است که شرکت‌های نفتی تمایل دارند میزان قابل توجهی از گاز طبیعی ناشی از چاه‌های نفت و پالایشگاه‌ها را که میزان بسیار زیادی متان تولید می‌کند، کاهش دهند. متان حتی بیش از دی‌اکسید کربن در نقش گازهای گلخانه‌ای باعث گرمایش زمین می‌شود. شرکت‌های نفتی که اکسون موبیل هم جزو آنها است، شرکت‌هایی هستند که میزان زیادی مالیات کربن به دولت‌ها پرداخت می‌کنند. این نیز روشی است که شرکت‌ها می‌توانند باقی بمانند اما منتقدان می‌گویند که چنین مالیاتی کارآمدی کافی ندارد و به معنی فروش آلودگی هوا به شرکت‌های ثروتمند است.

منبع: اکونومیست



کمتر ابزاری در صنعت نفت هست که به اندازه دسته‌های پمپ چاه نفت یا همان‌ها که شبیه به الاغ‌هایی هستند که به نشانه تایید سر تکان می‌دهند، به نشانه این صنعت تبدیل شده باشد. این فناوری از سال ۱۹۲۵ که ابداع شد تاکنون، تغییر کمی کرده است و در برخی میدان‌های روی زمین که از نفت اشباع هستند، به عنوان یادآورنده عطش جهان برای نفت عمل می‌کند. تا همین اواخر، حدود یک‌ششم نفت خام امریکایی‌ها از این رقصندگان باریک‌اندازی که معمولاً از چاه‌ها پمپاژ می‌کنند، به دست می‌آمد. این پمپ‌ها همچنین یک استعاره‌اند برای اینکه مشخص شود چطور روسای شرکت‌های نفتی به مخاطرات تغییرات آب‌وهوایی پاسخ داده‌اند. در کنفرانس جهانی تغییرات آب‌وهوایی که در پاریس برگزار می‌شود، صنایع نفتی انتظار دارند که خیلی چشم در چشم مورد بررسی دقیق قرار بگیرند. در دهه ۱۹۹۰ که انتقادات طرفداران محیط زیست با ایجاد کارزارهای انتخاباتی برای ترغیب به بحث درباره تغییرات آب‌وهوایی شدت گرفته بود، صنایع نفتی با افزایش سرمایه‌گذاری در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر واکنش نشان دادند. در انگلستان، شرکت‌هایی مثل جان براون و بریتیش پترولیوم، اعلام کردند که در حال حرکت به دوره بعد از نفت هستند. با این حال، ثبات افزایش قیمت نفت خام در دوران پس از بحران مالی جهانی، شرکت‌های نفتی را ترغیب کرد که با روی گرداندن از کسب‌وکار ضررده انرژی‌های سبز، پول‌های خود را به پای هیدروکربن‌ها بریزند.

اخیراً کاهش شدید قیمت نفت شرکت‌های نفتی را مجبور کرده است که از میزان پروژه‌های بزرگ نفتی کم کنند. همچنین بر اساس آنچه برای کنفرانس پاریس پیش‌بینی شده، بیش از ۱۵۰ کشور جهان قول خواهند داد که از میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای بکاهند. بناس که کشورها تلاش کنند میزان گرمایش زمین در حد ۲ درجه سانتی‌گراد محدود شود.

اگر این هدف بخواهد به نتیجه برسد، باید از میزان مصرف سوخت‌های فسیلی به مقدار قابل توجهی کاسته شود. این در حالی است که پیش‌بینی شده تقاضا برای مصرف چنین سوخت‌هایی در کشورهای دو سوی اقیانوس اطلس با قوت افزایش خواهد یافت. شرکت اکسون موبیل که بزرگ‌ترین شرکت تجارت نفت جهان است، تخمین زده است که حتی تا سال ۲۰۴۰

مدیرعامل آژانس بین‌المللی انرژی، فاتح بیرویل، گفته است: «شرکتی فعال در حوزه انرژی نباید وجود داشته باشد که فکر کند سیاست‌های آب‌وهوایی بر کسب‌وکار آن تأثیر نخواهد گذاشت»



هیچ مقداری از سود شرکت یا قیمت سهام ارزش این را نداشت که ما حتی به صورت غیرمستقیم در نابود کردن آن زیبایی توصیف‌ناپذیر دست داشته باشیم. بعد از اینکه قول دادیم از طلاهای به‌دست‌آمده از آن معادن شنی استفاده نکنیم، به مخالف سرسخت توسعه معادن در آن ناحیه تبدیل شدیم

## وقتی طلا به قیمت‌اش نمی‌ارزد

جواهر یا ساعتی که می‌خرید ممکن است زمین‌ها و آب‌های زیادی را آلوده کرده باشد



**مایکل جی. کوالسکی**  
مدیرعامل سابق و رئیس هیات مدیره شرکت تیفانی اند کمپانی

برای احساس مسئولیت اجتماعی خود توسعه داده‌اند. اما کل صنعت جواهرسازی باید با هم حرکت کنند تا برای مشتریان نیز این مسئله پذیرفته‌شده باشد و به طور جهانی، آثار اجتماعی و زیست‌محیطی آنها درک شود. باید سیستمی وجود داشته باشد که در آن، همه ذی‌نفعان معدن‌کاری شامل سازمان‌های اجتماعی در تعیین استانداردهای معدن‌کاری برای صنعت جواهرات، چه در زمینه مفاهیم و چه در زمینه اعمال حاکمیت، دارای نماینده باشند. نهادهای ناظر با ابعاد کم‌امروزی باید گسترش یابند تا دیگران را نیز دربرگیرند. داشتن نیت به‌تنهایی کافی نیست و این استانداردها باید شفاف، قابل بازرسی و مختص معدن‌کاری باشند و میزان کارایی آنها از نظر کمی قابل اندازه‌گیری باشد.

این استانداردها که مشابه آن را در حوزه‌های دیگر داریم، می‌تواند از آلوده کردن زمین، آب یا هوا و انتشار مواد سمی در محیط جلوگیری کند؛ به‌خصوص اینکه بسیاری از معادن در کنار رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و اقیانوس‌ها احداث می‌شوند. شاید پیش از انجام این کار نیز لازم باشد که هزینه‌های تعطیل شدن معادن آلوده‌کننده برآورد شود. خرده‌فروشان جواهر و ساعت، به همان اندازه صاحبان برندها، باید همکاری کنند تا بخش معدن ناچار شود موادی را تولید کند که بیشتر دارای شفافیت روند استخراج و مسئولیت‌پذیری باشد. آگاه‌سازی مشتریان نیز لازم است تا برندهایی معرفی شوند که آنها بداند با مسئولیت بیشتری مواد خود را استخراج کرده‌اند و جواهری را که به آنها می‌فروشند، باعث آلوده شدن یک منطقه نشده است. بنابراین باید گفت که زنجیره کاملی از معدن‌کاران و تولیدکنندگان تا فروشندگان و مشتریان باید آگاه و مایل باشند تا بتوان مانع از تخریب طبیعت توسط این صنعت شد.

منبع: نیویورک تایمز

جاهای کمی در جهان زیباتر از رودهای پر از ماهی سالمونی هستند که در بریستول بی در آلاسکا جریان دارند. من هفت سال پیش آنجا رفتم البته نه در مقام یک ورزشکار یا گردشگر دوستدار محیط زیست که بیشترین بازدیدکنندگان از آنجا را تشکیل می‌دهند، بلکه به عنوان یک مدیرعامل نگران از اینکه کسب‌وکارش می‌تواند به یک جای فوق‌العاده خسارت وارد کند.

من و همکارانم در سال ۲۰۰۸ وارد بریستول بی شدیم تا سرزمین بکری را ببینیم که مردم با معادن شنی که در آن ساخته بودند، به آن صدمه می‌زدند. معادن روباز طلا و مسی که در سرتاسر آن ناحیه گسترده شده است به همراه زباله‌های سمی آنها، می‌توانست به جریان رودخانه وارد شود و به هزاران متر مربع زمینی که حیات وحش بی‌نظیری - از جمله بزرگ‌ترین ماهی‌های سالمون جهان - دارد، صدمه وارد کند. این طلاها پس از استخراج به شرکت تیفانی اند کمپانی می‌رفت تا با آن جواهر درست شود.

نتیجه‌ای که به آن رسیدیم اجتناب‌ناپذیر بود؛ هیچ مقداری از سود شرکت یا قیمت سهام ارزش این را نداشت که ما حتی به صورت غیرمستقیم در نابود کردن آن زیبایی توصیف‌ناپذیر دست داشته باشیم. بعد از اینکه قول دادیم از طلاهای به‌دست‌آمده از آن معادن شنی استفاده نکنیم، به مخالف سرسخت توسعه معادن در آن ناحیه تبدیل شدیم. با این همه، آینده برستول بی همچنان نامطمئن است. مدتی است که شرکت‌های بزرگ معدنی پروژه‌های شنی را رها کرده‌اند و مخالفت‌های محلی علیه معدن‌کاران جهانی شده و در حال رشد است. آژانس حفاظت از محیط زیست تمام تلاش خود را تحت قانون آب‌های پاک به کار بسته تا در پروژه‌های معدنی آنجا تجدیدنظر صورت بگیرد، با این حال، فعالان اقتصادی آنجا آژانس را به دادگاه کشانده‌اند.

طرز رفتار با بریستول بی، یک مثال از مسئله‌ای بسیار بزرگ‌تر است؛ تعداد بسیار زیاد موارد استخراج معادن بدون احساس مسئولیت انسانی و محیط زیستی. من بسیار ناراحت شدم وقتی که فهمیدم ساختن یک تکه جواهر و فرآیندهای استخراج فلز قیمتی به‌کاررفته در آن، چقدر مسئولیت‌های اجتماعی و زیست‌محیطی دربردارد. البته باید گفت که وضع استخراج الماس بدتر از طلایی است که ما استخراج می‌کنیم و می‌توانیم خوشحال باشیم که یک صنعت مخرب‌تر در پشت سر ما ایستاده است. استخراج الماس هنوز با زیر پا گذاشتن حقوق بشر و استثمار اقتصادی درگیر است.

اما الماس تنها مشکل موجود نیست؛ استانداردهای ارزشمند کمی برای احساس مسئولیت معدن‌کاران در دیگر حوزه‌های سنگ‌های قیمتی وجود دارد. استخراج فلزات گران‌بها نیز میزان زیادی از مواد سمی را وارد زمین و آب اطراف خود می‌کند. توسعه پروژه‌های جدید معدن‌کاری این خطر را به همراه دارد که منابع فرهنگی ارزشمند و برخی از مناظر بسیار خارق‌العاده طبیعی را از بین ببرند. تعداد کمی از شرکت‌های تولید جواهرات سیاست‌هایی را



## بچه؟ رویای غیر ممکن

مشکلات مالی، نسلی را به وجود آورده که برای داشتن فرزند بسیار نگران‌اند



ریانون لوسی کسلت

چطور انسان از کودکی به بزرگسالی می‌رسد؟ آیا می‌تواند مستقلاً رشد کند؟ آیا باید به وسیله والدینش حمایت شود؟ آیا باید بعدتر کاری و خانهای برای خود داشته باشد؟ آیا باید شغل پایداری داشته باشد؟ بعدتر، آیا خودش می‌تواند یک پدر یا مادر برای فرزند خود باشد؟ اینها همه سوالاتی است که به طور سنتی در ذهن آدم‌ها درباره زندگی، بایات، مسئولیت و استقلال چرخ می‌زند. در نسل‌های گذشته زوجها تلاش می‌کردند که به بخشی از این موارد دست پیدا کنند تا بعدتر بتوانند فرزند بیاورند.

اما برای نسل جدید بسیاری از این لوازم مهیاست؛ اگر از من که ۲۸ ساله هستم بپرسید، باید بگویم که بسیاری از این معیارها به دست آمده است و قاعدتاً باید استنباط کنم که مدتی طولانی است مثل یک بزرگسال زندگی کرده‌ام.

من و همسرم با هم در یک خانه اجاره‌ای زندگی می‌کنیم که بین سه نفر مشترک است و اگر صاحب‌خانه اجاره را افزایش ندهد، هنوز می‌توانیم از پس اجاره‌خانه برآییم. سال گذشته ماهانه ۳۰۰ پوند به اجاره‌خانه ما افزوده شد. من به عنوان خبرنگار آزاد کار می‌کنم و کار ثابتی ندارم که بتوانم وام مسکن بگیرم و بنابراین نه‌تنها در لندن بلکه در هیچ‌جایی از انگلستان، من و همسرم نمی‌توانیم خانهای برای خودمان داشته باشیم. ما نمی‌توانیم از پدر و مادرمان هم پول بگیریم و اصلاً چرا باید آنها مدام به ما پول قرض بدهند. از همین حالا هم نگرانم که اگر آنها پیر شوند، چطور می‌توانند از پس هزینه‌های خودشان برآیند. من در حال رسیدن به دهه ۳۰ زندگی خودم هستم و نمی‌توانم نگران نباشم که اگر بخواهیم بچه‌ای داشته باشیم، چه اتفاقی خواهد افتاد.

میانگین سنی مادران انگلیسی برای اولین بار در سال ۲۰۱۳ به



۳۰ سال رسید. این مسئله نشان می‌دهد که مادران انگلیسی بیش از گذشته بر روی شغلشان تمرکز کرده‌اند تا اینکه تصمیم بگیرند بچه داشته باشند. خیلی کم درباره این زوجها که می‌خواهند بچه داشته باشند اما محیطشان مانع از اجرای این تصمیمشان می‌شود، چیزی به گوش می‌رسد.

من همیشه دوست داشته‌ام که بچه داشته باشم و به دلیل وجود سابقه معلولیت در خانواده‌ام، به من گفته شده است که بهتر است تا وقتی که جوان هستم - دست‌کم تا قبل از ۳۰ سالگی - این کار را نکنم. اما من در رکود درس خوانده‌ام، با انواع اقساط دانشجویی پرداخت‌نشده مواجه بوده‌ام، سال‌ها شغل پاره‌وقت و آزاد داشته‌ام و احساس می‌کنم که فقط به خودم متکی هستم. داشتن بچه در وضعیت فعلی من، غیرقابل فکر کردن است. اولین مسئله این است که مرخصی زایمان نمی‌توانم بگیرم و آنچه که دولت به عنوان زایمان به ما می‌دهد، ۱۳۹،۵۸ پوند در هفته است که اصلاً کفاف هزینه‌های ما را نمی‌دهد.

سال‌هاست که پذیرفته‌ام موقع باردار شدن، خانهای برای خودم نخواهم داشت و نگذاشته‌ام که این مسئله سد راهم شود. من خودم هم در یک خانه اشتراکی متولد شده‌ام که پدر و مادرم در اتاق زیرشیروانی آن زندگی می‌کردند. اما آن خانه بزرگ بود و حیاط داشت. اما سوال اینجاست که هم‌خانه ما که یک دختر مجرد شاغل است، آیا گریه‌های مداوم نوزاد ما را که در یک تخت دونفره باریک خوابیده، تحمل خواهد کرد. من فکر می‌کنم که هیچ‌کس تحمل نکند.

این موانع که گرفتاری‌های بسیاری در دوران بزرگسالی به وجود می‌آورد، منشأ بسیاری از ناراحتی‌ها و اضطراب‌هاست و من هم در این میان، تنها نیستم. برای بسیاری از افرادی که در دهه ۲۰ و ۳۰ زندگی خود هستند، رسیدن به رویاهایی که به عنوان یک آدم بزرگسال معمولی در نظر داشته‌اند، یک فانتزی دور است. افزایش نجومی قیمت خانه در ترکیب با این عقیده که خرید خانه یک نوع سرمایه‌گذاری است که باعث کمبود مسکن می‌شود، به این معنی است که اجاره‌نشین‌هایی مثل ما باید بیش از گذشته به صاحب‌خانه‌ها پول بدهند. میانگین اجاره مسکن امسال از ۲۱۱ هزار پوند شروع شده و نیاز به داشتن حساب بانکی با موجودی ۱۷ درصد آن، یعنی ۳۶ هزار دلار دارد. رکود، بی‌ثباتی و بیکاری بالا، پایین بودن سطح دستمزدها در ترکیب با کاهش مستمری‌ها و افزایش سال‌خورده‌گی جمعیت، همه وضعیت را برای بسیاری از افراد نسل من بدتر می‌کند و باعث می‌شود آنها فکر کنند نه‌تنها هیچ‌چیز در کوتاه‌مدت تغییر نخواهد کرد بلکه از ساختن یک زندگی خانوادگی پایدار هم جلوگیری می‌شود. در حالی که نسل‌های قبل‌تر از ما، می‌توانستند بچه داشته باشند، به طور رایگان تحصیل کنند و از تسهیلات مسکن برخوردار باشند، ما به‌درستی تصور می‌کنیم که سیاست‌های ریاضت اقتصادی امکان معمولی زندگی کردن را از ما گرفته است.

منبع: گاردین



والاستریت ژورنال و یواسای تودی دو روزنامه رقیب در امریکا از نظر تیراژ هستند. در سال ۲۰۱۳، تیراژ والاستریت ژورنال به همراه ۹۰۰ هزار نسخه دیجیتال آن، ۲،۴ میلیون بود که در همان زمان، یواسای تودی تنها ۱،۷ میلیون نسخه تیراژ داشت

## پرتیراژترین روزنامه چاپی امریکا

ردپای موداک در مهم‌ترین روزنامه اقتصادی ایالات متحده دیده می‌شود

اولین نسخه این روزنامه در ۸ ژوئیه سال ۱۸۸۹ میلادی منتشر شد. از همان ابتدا، صحت و گستردگی و جزئیات پوشش اخبار والاستریت ژورنال، احترام مخاطبان و موفقیت فروش را برای این نشریه به دنبال آورد

روزنامه «والاستریت ژورنال» تاکنون ۳۹ جایزه پولیتزر برده است که معتبرترین جایزه روزنامه‌نگاری در امریکاست. برخی از این جوایز به دلیل کارهای بزرگی داده شده است که روزنامه‌نگاران این نشریه در اتفاقات مهم تاریخی مثل حمله به برج‌های دوقلوی سازمان تجارت جهانی در یازده سپتامبر ۲۰۰۱ یا رسوایی شرکت‌های آمریکایی در ۲۰۰۳، انجام داده‌اند.

والاستریت ژورنال یک روزنامه متمرکز بر حوزه تجارت و امور مالی است که دفتر مرکزی آن در نیویورک واقع است و در تمام امریکا فروخته می‌شود اما اعتبار جهانی دارد. این روزنامه دو نسخه آسیایی و اروپایی هم دارد که دفاترشان به ترتیب در هنگ‌کنگ و بروکسل واقع شده است. والاستریت ژورنال که نامش را از محله جنوبی منهتن و مرکز بازار بورس و دفاتر تجاری گرفته، به وسیله چارلز داو، ادوارد جونز و چارلز برگزترسر، با مالکیت شرکت داو جونز اند کمپانی پایه‌گذاری شد و تصمیم اولیه‌اش بر این بود که اخبار کسب‌وکار و امور مالی را پوشش دهد. دایره‌المعارف بریتانیکا نوشته است که اولین نسخه این روزنامه در ۸ ژوئیه سال ۱۸۸۹ میلادی منتشر شد. از همان ابتدا، صحت و گستردگی و جزئیات پوشش اخبار والاستریت ژورنال، احترام مخاطبان و موفقیت فروش را برای این نشریه به دنبال آورد.

والاستریت ژورنال از زمان تاسیس تا دوران رکود بزرگ در سال ۱۹۲۹، این خطر را نکرد که به خارج از اخبار تجاری و اقتصادی وارد شود. اما از آن موقع، نوشتن گزارش‌های غیر خبری درباره موضوعات دیگر را نیز شروع کرد. بعد از جنگ جهانی دوم این روند افزایش یافت و تا دهه ۱۹۶۰، والاستریت ژورنال به طور مرتب دو گزارش غیر خبری در صفحه اول خود داشت که تنها گام‌به‌گام به موضوعات تجاری می‌پرداخت و همان مطالب را نیز با لحن شوخ و سرگرم‌کننده ارائه می‌کرد.

با اینکه تمرکز اصلی والاستریت ژورنال روی مطالب با موضوع تجارت است، اما صفحات نظرها و سرمقاله‌های آن، گستره وسیعی از یادداشت‌های به‌شدت پراطلاعات تجاری، سیاسی و اقتصادی، نامه‌های خوانندگان و نیز مرور و نقدهای هنری را شامل می‌شود. ساختار محتوایی این نشریه که سال‌هاست رایج شده، شامل جداول تمام فعالیت‌های بازارهای مالی و سهام در روزهای قبل و به همان دقت، گزارش‌ها و تحلیل‌های موضوعات تجاری روز است. در ابتدای قرن بیستم ویکم، تیراژ مجموع تمام نسخه‌های ویژه روز دوشنبه، نسخه‌های چاپ امریکا، آسیا و اروپای والاستریت ژورنال، حدود ۲ میلیون نسخه بود. از سال ۲۰۰۵، این نشریه انتشار یک ضمیمه آخر هفته را شروع کرد. همچنین انتشارات خواهر این نشریه نیز تاکنون شامل مجلات بارونز، فار ایسترن اکونومیک ریویو و اسمارت‌مانی است.

در سال ۲۰۰۷، شرکت غول رسانه‌ای جهان به نام نیوز کورپوریشن که متعلق به روبرت موداک است، شرکت ناشر والاستریت ژورنال یعنی داو جونز اند کمپانی را خرید. در نتیجه، والاستریت ژورنال توانست یک سری نوآوری در کنار خود داشته باشد؛ در سال ۲۰۰۷ موسسه راهبری آینده والاستریت ژورنال اروپا تاسیس شد که شامل مدارس و دانشگاه‌های

کسب‌وکار در سراسر اروپا بود که با هدف افزایش قدرت رهبری و پرورش مدیران تجاری آینده طراحی شده بود. در سال ۲۰۰۸ مجله WSJ که یک مجله بین‌المللی در زمینه مد و سبک زندگی لوکس است، منتشر شد که زیرمجموعه والاستریت ژورنال به حساب می‌آمد. در سال ۲۰۱۳، شرکت نیوز کورپوریشن زیرمجموعه‌های چاپی و رادیو و تلویزیونی خود را از هم جدا کرد و هر کدام را تحت لوای یک شرکت مادر جداگانه درآورد. مالکیت والاستریت ژورنال نیز به موسسه بازسازی‌شده نیوز کورپوریشن داده شد. والاستریت ژورنال و یواسای تودی دو روزنامه رقیب در امریکا از نظر تیراژ هستند. در سال ۲۰۱۳، تیراژ والاستریت ژورنال به همراه ۹۰۰ هزار نسخه دیجیتال آن، ۲،۴ میلیون بود که در همان زمان، یواسای تودی تنها ۱،۷ میلیون نسخه تیراژ داشت. اما سال بعد، مجموع میانگین تیراژ روزانه یواسای تودی از مجموع تیراژ والاستریت ژورنال پیشی گرفت. با این حال، والاستریت ژورنال بیشترین تیراژ چاپی را در امریکا داراست. در ماه می سال گذشته، خود والاستریت ژورنال به نقل از نهادهای نظارت تیراژ نشریات در امریکا، نوشت که میانگین تیراژ روزنامه یواسای تودی ۳،۳ میلیون نسخه است اما میانگین تیراژ چاپی این روزنامه تقریباً ۱،۲ میلیون نسخه است که ۳۶ درصد مجموع تیراژ را شامل می‌شود. یواسای تودی، مطالب خود را به صورت رایگان روی وبسایتش قرار می‌دهد اما والاستریت ژورنال برای خواندن مطالب از روی وبسایت، از خوانندگان پول می‌گیرد. میانگین تیراژ کلی این روزنامه ۲،۳ میلیون نسخه است که ۱،۴ میلیون نسخه از آن، به صورت چاپی در معرض فروش گذاشته می‌شود. نیویورک تایمز که سومین روزنامه پرتیراژ امریکاست، به طور میانگین ۲،۲ میلیون نسخه در روز تیراژ دارد که حدود ۶۸۱ هزار نسخه آن به صورت چاپی است.



# ۲۰ کمپانی بزرگ جهان را بشناسید

بانک‌های چینی طلایه‌دار کمپانی‌های قدرتمند دنیا در سال ۲۰۱۵

به‌روایت

Forbes

آمورپسیفیک متعلق به دومین فرد ثروتمند در کره جنوبی، کمپانی دالیان واندا به رهبری وانگ جیانلین ثروتمندترین مرد چین و کمپانی اکسل اسپرینگر، به لطف نرخ صعودی بازار سهام، افزایش تقاضا برای سرمایه‌گذاری و رونق نرخ اولیه عرضه عمومی در بازار جهانی کمپانی‌های بیشتری در سراسر دنیا فرصت عرضه اندام یافته‌اند. به طور مشخص نمود این مسئله را می‌توان در قاره آسیا مشاهده کرد و کمپانی موفق علی‌بابا یکی از مصادیق بارز این اتفاق است. ثبات در صنایع از ارتباطات گرفته تا داروسازی باعث ایجاد ۳۸ تریلیون دلار از طریق تراکنش مالکیت و ادغام M&A transaction در سال گذشته شده است که بر اساس اعلام دیلاجیک/Dealogic بالاترین رقم از سال ۲۰۰۸ تاکنون است. همین مسئله باعث شده هم‌اکنون بسیاری از کمپانی‌ها جایگاه بهتری نسبت به گذشته داشته باشند. به عنوان مثال کمپانی دارویی اکتویس پس از خریدن سهام دیگر کمپانی دارویی با نام ال‌رگن توانست از رتبه ۶۱۵ به رتبه ۲۵۰ صعود کند. همچنین کمپانی نوکیا با پیشنهاد ۱۷ میلیارد دلار برای خرید کمپانی آلکاتل لوسنت غول مخابراتی فرانسه وارد رقابت سختی با چین شده است. در شرق دور هم ثروتمندترین مرد آسیا لی کاشینگ در حال بازسازی امپراتوری خود با در اختیار گرفتن غول مخابراتی بریتانیا با عنوان O۲ است.

برندگان اصلی این کارزار عبارت‌اند از کمپانی فیس‌بوک که به لطف افزایش سود و درآمد جایگاه بهتری نسبت به سال‌های گذشته دارد. شرکت‌های هوایی آمریکایی که به دلیل کاهش قیمت نفت شرایط بهتری را سپری می‌کنند. در این میان اسامی کمپانی‌های استارباکس و مانستر بورچ/Monster Beverage نیز به چشم می‌خورد که به دلیل افزایش سود از جایگاه مناسب‌تری برخوردارند. و اما یکی از بزرگ‌ترین بازندگان غول نفتی برزیل پتروبراس است که جایگاهش به دلیل فساد مالی سقوط چشمگیری داشته است. آشفتگی در پتروبراس می‌تواند درس عبرتی برای کمپانی‌های نوظهوری باشد که در سال‌های اخیر به لیست کمپانی‌های برتر راه یافته‌اند. در میان دیگر بازندگان می‌توان به کمپانی‌های لیبرتی میدیا، مائل، تارگت، ای‌بی و فمیلی دالر اشاره کرد. هنگامی که صحبت بر سر صنایعی باشد که بازار کسب‌وکار جهانی را قدرت می‌بخشند، بانک‌ها و موسسات مالی متنوع در جایگاه نخست، کمپانی‌های نفت و گاز در رتبه دوم و کمپانی‌های ساخت‌وساز در جایگاه سوم قرار می‌گیرند.

طبق رسم هر ساله کمپانی‌های سراسر دنیا مورد ارزیابی قرار گرفتند تا جایگاه آنها در لیست برترین کمپانی‌های سال ۲۰۱۵ مشخص شود. این کمپانی‌ها بر اساس میزان درآمد، سود، دارایی‌ها و ارزش بازارشان به‌دقت بررسی شدند و در نتیجه برای اولین بار بزرگ‌ترین بانک‌های کشور چین چهار جایگاه نخست جدول را از آن خود کردند. بانک صنعت و تجارت چین برای سومین سال متوالی صدرنشین لیست شد، در حالی که بانک مرکزی چین با پنج پله صعود در رتبه چهارم و بالاتر از کمپانی مطرح مورگان چیس آمریکایی قرار گرفت. کمپانی برکشایر هاتاوی جایگاه پنجم خود را حفظ کرده و در نهایت کمپانی وارن بافت به عنوان بزرگ‌ترین و قدرتمندترین کمپانی آمریکایی در سال ۲۰۱۵ انتخاب شد.

نگاه کلی به تاریخچه ۱۳ ساله لیست کشورهای دارنده کمپانی‌های برتر دنیا نشان از تسلط چین و آمریکا بر بازار کسب‌وکار جهانی دارد. این دو کشور برای دومین سال متوالی ۱۰ جایگاه برتر این لیست را از آن خود کرده‌اند. با این همه نباید نادیده گرفت که ایالات متحده آمریکا رهبری بیش از ۵۷۹ کمپانی معتبر را به عهده دارد در حالی که چین رقمی کمتر از نصف یعنی ۲۳۲ کمپانی را رهبری و مدیریت می‌کند. در بین دیگر کشورها، ژاپن کشوری است که حضور کمپانی‌هایش در این لیست افزایش چشمگیری داشته است.

تسلط آمریکا و چین بر بازار کسب‌وکار جهانی، نقش دیگر کشورهای پیشرفته را نیز تحت تاثیر خود قرار داده است. ژاپن با در اختیار داشتن ۲۱۸ کمپانی معتبر بعد از آمریکا و چین در رتبه سوم قرار می‌گیرد. این در حالی است که بریتانیا با ۹۵ کمپانی مانند سال گذشته رتبه چهارم را برای خود حفظ کرده است. جایگاه قاره اروپا با جمع ۴۶۸ کمپانی به پس از قاره آسیا با ۶۹۱ کمپانی و آمریکای شمالی با ۶۴۵ کمپانی سقوط کرد. فرانسه جایگاه خود را بین پنج کشور برتر در این لیست از دست داد و جایگاه خود را به کره جنوبی واگذار کرد. و اما این لیست امسال میزبان دو کشور جدید است: آرژانتین و قبرس.

تعدادی از کمپانی‌های مطرح دنیا به لطف افزایش سود سالیانه‌شان برای اولین بار به این لیست راه یافته‌اند مانند کمپانی اکسپدیا یکی از بزرگ‌ترین کمپانی‌های ناشر بازی‌های ویدئویی در دنیا و کمپانی تیفانی عرضه‌کننده جواهرات لوکس. در این میان نام کمپانی‌هایی که توسط ثروتمندان دنیا اداره می‌شوند هم به چشم می‌خورد: کمپانی

کمپانی گوگل با وجود شهرت جهانی در میان ۲۰ شرکت بزرگ جهان جایی ندارد



**توضیح:** بعضی از کمپانی ها میزانی دارایی آنها کمتر از سود یا فروش آنهاست. بنابراین یک کمپانی با دارایی پایین در رتبه بالاتری در این رده بندی جای گرفته است.

|                                                                                                                                                                                              |                                                                                                                                                                                                    |                                                                                                                                                                                                      |                                                                                                                                                                                                    |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
|  <p><b>بانک چین</b><br/>چین</p> <p>میزان دارایی: ۲۴۵۸ میلیارد دلار<br/>میزان سود: ۲۷,۵ میلیارد دلار</p>     |  <p><b>بانک کشاورزی چین</b><br/>چین</p> <p>میزان دارایی: ۲۵۷۴ میلیارد دلار<br/>میزان سود: ۲۹,۱ میلیارد دلار</p>   |  <p><b>بانک ساخت و ساز</b><br/>چین</p> <p>میزان دارایی: ۲۶۹۸ میلیارد دلار<br/>میزان سود: ۳۷ میلیارد دلار</p>       |  <p><b>ای اسی بی سی</b><br/>چین</p> <p>میزان دارایی: ۳۳۲۲ میلیارد دلار<br/>میزان سود: ۴۴,۸ میلیارد دلار</p>     |
|  <p><b>پتروچینا</b><br/>چین</p> <p>میزان دارایی: ۳۸۷ میلیارد دلار<br/>میزان سود: ۱۷,۴ میلیارد دلار</p>      |  <p><b>اکسون موبایل</b><br/>آمریکا</p> <p>میزان دارایی: ۳۴۹ میلیارد دلار<br/>میزان سود: ۳۲,۵ میلیارد دلار</p>     |  <p><b>جی پی مورگان چیس</b><br/>آمریکا</p> <p>میزان دارایی: ۲۵۹۳ میلیارد دلار<br/>میزان سود: ۲۱,۱ میلیارد دلار</p> |  <p><b>برکشایر هاتاوی</b><br/>آمریکا</p> <p>میزان دارایی: ۵۳۴ میلیارد دلار<br/>میزان سود: ۱۹,۹ میلیارد دلار</p> |
|  <p><b>اپل</b><br/>آمریکا</p> <p>میزان دارایی: ۲۶۱ میلیارد دلار<br/>میزان سود: ۴۴,۵ میلیارد دلار</p>       |  <p><b>تویوتا</b><br/>ژاپن</p> <p>میزان دارایی: ۳۸۹ میلیارد دلار<br/>میزان سود: ۱۹,۱ میلیارد دلار</p>            |  <p><b>ولزفرگو</b><br/>آمریکا</p> <p>میزان دارایی: ۱۷۰۱ میلیارد دلار<br/>میزان سود: ۲۳,۱ میلیارد دلار</p>        |  <p><b>جنرال الکتریک</b><br/>آمریکا</p> <p>میزان دارایی: ۶۴۸ میلیارد دلار<br/>میزان سود: ۱۵,۲ میلیارد دلار</p> |
|  <p><b>چوردن</b><br/>آمریکا</p> <p>میزان دارایی: ۲۰۳ میلیارد دلار<br/>میزان سود: ۱۶,۴ میلیارد دلار</p>    |  <p><b>اچ اس بی سی</b><br/>بریتانیا</p> <p>میزان دارایی: ۲۶۳۴ میلیارد دلار<br/>میزان سود: ۱۳,۵ میلیارد دلار</p> |  <p><b>ولکس واگن</b><br/>آلمان</p> <p>میزان دارایی: ۴۲۵ میلیارد دلار<br/>میزان سود: ۱۴,۴ میلیارد دلار</p>        |  <p><b>رویال دوپچ شل</b><br/>هلند</p> <p>میزان دارایی: ۳۵۳ میلیارد دلار<br/>میزان سود: ۱۴,۹ میلیارد دلار</p>  |
|  <p><b>پایناموبایل</b><br/>چین</p> <p>میزان دارایی: ۲۰۹ میلیارد دلار<br/>میزان سود: ۱۷,۷ میلیارد دلار</p> |  <p><b>سیتی گروپ</b><br/>آمریکا</p> <p>میزان دارایی: ۱۸۴۶ میلیارد دلار<br/>میزان سود: ۷,۲ میلیارد دلار</p>      |  <p><b>سامسونگ</b><br/>کره جنوبی</p> <p>میزان دارایی: ۲۰۹ میلیارد دلار<br/>میزان سود: ۲۱,۹ میلیارد دلار</p>      |  <p><b>والمارت</b><br/>آمریکا</p> <p>میزان دارایی: ۲۶۶ میلیارد دلار<br/>میزان سود: ۱۹,۲ میلیارد دلار</p>      |

## قطره قطره جمع گردد

۱۰ سرمایه‌گذاری اجتماعی که به تولید انبوه رسیدند

### علی‌مقامی

سه نوع سرمایه‌گذاری اجتماعی وجود دارد:

#### ۱ حمایت مالی / donation

در این نوع تامین مالی، حمایت‌کننده‌ها به دلیل علاقه شخصی‌شان به آن پروژه کمک می‌کنند و معمولاً انتظار ندارند که پولشان بازگشت داده شود. در این حالت معمولاً برای جذب بیشتر حمایت‌کننده‌ها بعد از اجرای پروژه به آنها پاداش داده می‌شود، مانند بلیتی مجانی برای ورکشاپی که آن کسب‌وکار قرار است برگزار کند یا نسخه‌ای از کتابی که نویسنده برای نوشتن آن از حمایت مردم استفاده کرده است.

#### ۲ بدهی / debt

در این نوع کراودفاندینگ، حمایت‌کنندگان در ازای حمایتشان خواهان دریافت بهره هستند که این نوع تامین مالی برای کسانی که امکان دریافت وام ندارند، بسیار مناسب است. به طور مثال هنگامی که کسب‌وکاری که به‌تازگی شروع به کار کرده، پول و وقت کافی برای کسب وام ندارد، از روش debt پلتفرم‌های جمع‌سپاری استفاده می‌کند تا از عموم مردم حمایت مالی جذب کند و بعد از مدتی به طور منظم به حمایت‌کننده‌ها بهره پرداخت می‌کند.

سرمایه‌گذاری اجتماعی یا crowdfunding از دو واژه crowd به معنای انبوه مردم و funding به معنای تامین سرمایه تشکیل شده است. سرمایه‌گذاری اجتماعی در واقع کمپینی جهت دریافت حمایت مالی افراد مختلف جامعه به‌خصوص کاربران اینترنت از یک پروژه از طریق پرداخت بخشی از سرمایه مورد نیاز برای اجرای آن پروژه است. کراود فاندینگ برای حمایت از هنرمندان، استارت‌آپ‌ها و صاحبان ایده و کسب‌وکارهای نوپا مناسب است. در واقع به زبان ساده، کراودفاندینگ به تامین مالی یک پروژه یا ایده به وسیله تعداد زیادی از مردم و حجم کمی از پول (از هر فرد) گفته می‌شود. از قدیم کراودفاندینگ به روش سنتی خود مرسوم بوده، به عنوان مثال در هنگام ایجاد یک جاده بین دو شهر به دلیل اینکه این کار با هزینه یک نفر میسر نبود و عده زیادی از مردم هر کدام با پرداخت مقدار کمی پول این عمل را میسر می‌ساختند، امروزه با وجود ابزارهای آنلاین در کنار ابزار آفلاین (همانند خیریه‌ها یا حمایت‌آشنایان از یکدیگر)، حمایت مالی بسیار راحت‌تر صورت می‌گیرد.



۵



۴



۳



۲



۱

موسیقی شبیه گربه می‌شود. این هدفون دارای استاندارد است و در بالا چراغ دارد که موجب جلب توجه دیگران به هنگام شب می‌شود. این محصول نیز توانست محبوبیت خاصی به دست آورد و از ۲۱ هزار پشتیبان و سرمایه‌گذار مردمی، ۴/۳ میلیون دلار سرمایه جذب کند. این هدفون‌های ساده دو دختر طراح جوانشان را به میلیون‌های جدید بدل کردند.

#### ۵ کیک‌استارتر: مایکرو

این روزها تب پرینتر سه‌بعدی به راه افتاده و شرکت‌هایی از سرتاسر جهان در تلاش هستند تا با ارائه محصولاتی به کاربران امکان پرینت سه‌بعدی را بدهند. پرینتر سه‌بعدی مایکرو یکی از محصولاتی بود که در کیک‌استارتر توانست ۱۲ هزار سرمایه‌گذار مردمی جذب کند و از این طریق ۳/۴ میلیون دلار سرمایه فراهم کند. این محصول به گونه‌ای طراحی شده که می‌توانید آن را روی میز خود بگذارید. این محصول نسبت به سایر رقبای خود از اندازه کوچک‌تری برخوردار است.

#### ۶ ایندِیگوگو: جیبیو اینتلیجنس روبات

ربات جیبیو یک محصول بسیار جالب است که توسط

تا بتوان از طریق ماسوس آن را کنترل کرد. نمونه اولیه این دستگاه ۱۲۸ گیگ حافظه داشت. پروژه تولید این گوشی هوشمند دوگانه قرار بود سرمایه‌ای بالغ بر ۳۲ میلیون دلار از سرمایه‌های مردمی جذب کند اما تنها توانست پس از یک ماه و اندی تلاش به ۱۲/۸ میلیون دلار برسد و همین مسئله موجب توقف پروژه تولید آن شد.

#### ۳ کیک‌استارتر: تر: زانو

آنهایی که به دنبال یک هواپیمای بدون سرنشین کاملاً خودکار هستند که در کف دست جا شود و بتواند فیلم‌برداری اچ‌دی انجام دهد باید بیشتر در مورد زانو بدانند. این هواپیمای بدون سرنشین در واقع یک کواد کوپتر است که دارای چهار بال هلیکوپتری برای معلق ماندن در هوا است. این هواپیمای بدون سرنشین در کیک‌استارتر بسیار محبوب شد و توانست از طریق ۱۲ هزار نفر، ۳/۶ میلیون دلار جذب سرمایه کند.

#### ۴ ایندِیگوگو: اکسنت هدفونز

این هدفون با نام اکسنت، شبیه به گوش‌های گربه است و کاربر به هنگام به سر گذاشتن آن و گوش دادن به

#### ۱ پونو

با استفاده از پونو به دنیای جدیدی از موسیقی دیجیتال بروید. پونو پلیر یک دستگاه است که تا به حال چندین موسیقی‌دان از جمله نیل یانگ، تام پتی، و دیو ماتیوز از آن حمایت کرده‌اند. این دستگاهی برای ذخیره موسیقی است که تجربه جدیدی را پیش روی شما برای گوش دادن به موسیقی می‌گذارد. این دستگاه، موسیقی را با بهترین کیفیت ممکن تحویل شما می‌دهد و شما می‌توانید ترک‌های آهنگ‌های مختلف را با کیفیت بالا از طریق پونو استور همانند آی‌پاد اضافه کنید. گفته می‌شود که بیش از ۱۸ هزار نسخه از این دستگاه فروش رفته است.

#### ۲ ایندِیگوگو: اوبونتو اج

اوبونتو اج تمام توجهات را در سال ۲۰۱۳ پس از آنکه در وبسایت ایندِیگوگو به جذب سرمایه‌گذاری‌های مردمی پرداخت به خود جلب کرد. اوبونتو اج قرار بود که ترکیبی از یک گوشی هوشمند و یک کامپیوتر باشد و یک سیستم عامل دوگانه شامل اندروید و اوبونتو دسک‌تاپ داشته باشد

# KICKSTARTER

## ۳ مالکانه / equity

کسانی که به روش equity کسب و کار را تامین مالی می کنند به نوعی سهامدار آن کسب و کار می شوند. مثلاً در سایت Equitynet کسانی که مایل به سرمایه گذاری در استارت آپی هستند، ثبت نام می کنند و به نسبت پولی که سرمایه گذاری کرده اند سهام آن شرکت را دارا می شوند و در هر دوره مالی به آنها سود تعلق می گیرد.

## ← چرا یک کمپین جمع سپاری برای کسب و کار شما اهمیت دارد؟

یکی از مهم ترین مفاهیم در کارآفرینی و مخصوصاً کارآفرینی اینترنتی تولید خدمات و ارزش مطابق با نیاز بازار است. حتی ایده های خلاقانه ای که هنوز کسی آن را اجرا نکرده است نیز باید از همین منظر ارزیابی شود تا محصول یا خدماتی خلق نشود که مورد نیاز کسی نباشد. راه های زیادی برای امکان سنجی یک ایده وجود دارد که یکی از آنها می تواند جمع سپاری باشد. در واقع اگر یک محصول یا خدمت در مرحله اول بتواند مورد حمایت بخش قابل توجهی از مشتریان و مخاطبان خود قرار گیرد، یکی از مهم ترین بخش های کسب و کار یعنی مشتری را در اختیار دارد. البته این بدین معنی نیست که عدم موفقیت یک کسب و کار در دریافت حمایت، مساوی با عدم موفقیت در بازار نهایی است. اما به عنوان یک نشانه بسیار مهم و علامت هشدار باید به آن توجه کرد. شرکت کنندگان در یک برنامه گروهی حمایت از یک کسب و کار مانند سرمایه گذاران انتظار بازگشت هزینه را ندارند، بنابراین استرسی که سرمایه گذار یا شریک مالی برای به سرانجام رساندن کار به کارآفرین وارد می کند در اینجا وجود نخواهد داشت یا بسیار کمتر خواهد بود.

## ← سایت های معروف سرمایه گذاری اجتماعی

در حال حاضر سایت های موفق کراودفاندینگ متعددی برای تامین منابع مالی کارآفرینان و استارت آپ ها وجود دارند که تاکنون برای استارت آپ های زیادی در کشورهای اروپایی و آمریکایی جذب سرمایه کرده اند. استارت آپ هایی که با جذب سرمایه از همین طریق از یک ایده اولیه به کسب و کاری موفق تبدیل شده اند و در بالا به تعدادی از آنها اشاره شد. تعدادی از معروف ترین این سایت ها عبارتند از: کیک استارتر، سوموند، کراودرایز، راکت هاب، کراودفاندر و ایندیگو گو.

## ← برترین سرمایه گذاری های اجتماعی

سرمایه گذاری اجتماعی یا سرمایه گذاری مردمی امروزه به یکی از شایع ترین راه های پیشرفت شرکت های نوپای تکنولوژی تبدیل شده است. صاحبان ایده های مختلف و جدید به جای اینکه به دنبال گول های سرمایه گذاری باشند تا پس از گذراندن هفت خان، سرمایه های با مبالغ بالا و همچنین سود بالا دریافت کنند، به سراغ وبسایت های سرمایه گذاری مردمی می روند و کمک سرمایه گذاران خرد را جویا می شوند. شرکت های نوپا یا همان استارت آپ هایی که به تولید گجت های مختلف می پردازند توانسته اند از طریق همین سرمایه گذاری های مردمی میلیون ها دلار درآمد کسب کنند. از این رو در ادامه مطلب ۱۰ مورد از بهترین سرمایه گذاری های مردمی را که تا به حال انجام شده به شما نشان می دهیم که فراتر از سرمایه گذاری مردمی رفته و به تولید محصولاتی منجر شده اند که شهرت جهانی یافته اند.



۱۰



۹



۸



۷



۶

کنند ظاهر زیبایی به محصول خود بخشند و از نظر زیبایی با سایر محصولات رقابت کنند به سراغ ویژگی دیگر مهمی به نام «اندازه» رفتند. اندازه این هدفون بسیار کوچک تر از هدفون های معمولی است و برخلاف ظاهر کوچکش کیفیت بسیار خوبی از موسیقی را نیز به کاربران ارائه می دهد و به گونه ای با عبارت «فلفل نبین چه ریزه» مطابقت کامل دارد! این محصول توانست از ۸۴۰۰ نفر، ۱/۵ میلیون دلار سرمایه کسب کند.

### ۱۰ ایندیگو گو: جولا

تبلت جولا یکی از جدیدترین واردشوندگان به دنیای تکنولوژی است. این تبلت به جای استفاده از سیستم عامل اندروید گوگل که معمولاً توسط شرکت های سازنده گوشی های هوشمند استفاده می شود، از سیستم عامل سیلفیش استفاده کرده تا خود را از بقیه متمایز کند و امنیت کاربران خود را با استفاده از این سیستم عامل افزایش دهد. این تبلت توانست از ۲۱ هزار و ۵۰۰ نفر، ۲/۶ میلیون دلار سرمایه جذب کند.

این محصول بسیار محبوب شد و توانست با جذب ۱۹ هزار سرمایه گذار ۲/۴ میلیون دلار سرمایه کسب کند.

### ۸ اندیگو گو: کاناری

محصولاتی که مرتبط با امنیت محیط خانه هستند در سایت های جذب سرمایه گذاری مردمی از محبوبیت خاصی برخوردارند و در این بین می توان به محبوب ترینشان یعنی کاناری اشاره کرد که دارای یک دوربین اچ دی، چندین سنسور برای ثبت حرکات، دما و کیفیت هوای محیط و همچنین برای برقراری ارتباط با گوشی هوشمند است. از سایر ویژگی های این محصول جالب می توان به دید در شب، آژیر و... اشاره کرد که به مفید بودن آن برای استفاده در محیط خانه کمک دوچندان می کند. این محصول نیز توانست از ۷ هزار سرمایه گذار مردمی، ۲ میلیون دلار سرمایه کسب کند.

### ۹ کیک استارتر: ایرین

هدفون های ایرین یک جایگزین برای هدفون های ایل و سایر هدفون ها برای کسانی است که مدام به موسیقی گوش می دهند. سازندگان این هدفون به جای اینکه سعی

سینتیا بریزیل که یک کارشناس رباتیک است طراحی شده است. جیبویک ربات هوشمند است که دارای دو دوربین برای ردیابی صورت و عکس برداری از آن است و یک هوش مصنوعی برای تطبیق با محیط اطراف. این ربات همچنین می تواند با گوش دادن به صدای محیط با آن ارتباط برقرار کند. این ربات هوشمند توانست محبوبیتی نسبی در وبسایت ایندیگو گو کسب کند و با جذب ۵۵۰۰ نفر، ۲/۳ میلیون سرمایه مردمی به دست آورد.

### ۷ کیک استارتر: سنس

این محصول با نام سنس به شما امکان برخورداری از خواب بهتر را می دهد. این محصول مناسب کسانی است که اسیر زندگی های پُر استرس و پردغدغه امروزی شده اند و خواب نامنظمی دارند. این دستگاه تخم مرغ مانند دارای یک پیل است که به صورت وایرلس به گوشی هوشمند متصل می شود و به آن اطلاعاتی را ارسال می کند. این دستگاه به تحلیل محیط اطراف از جمله نور، حرکت و سایر اطلاعات می پردازد و برای خواب راحت به کاربران توصیه هایی می کند.

# در ستایش کمپین‌ها

چگونه یک کمپین سرمایه‌گذاری اجتماعی ایجاد کنیم؟

ریونیز آذر مسما

اهدانندگان به کمپین‌های سرمایه‌گذاری مردان جوان و نسبتاً پولدار هستند و این مسئله تأثیر مستقیم بر انواع تجارت‌های موفق به جذب سرمایه‌گذاری‌های مردمی دارد. داده‌نمایی‌های منتشر شده در سال گذشته توسط Vision Launch (بر اساس تحلیل‌های انجام شده بر ۴۰۰ هزار مورد از کمپین‌های سرمایه‌گذاری مردمی در کیک استارت و ایندیگوگو) نشان می‌دهد که پروژه‌های هنرمحور همچون موسیقی، فیلم، طراحی و غیره بیشترین میزان موفقیت را در جذب سرمایه‌های مردمی یعنی بالغ بر ۲۰ تا ۴۰ درصد از سرمایه‌های مردمی داشته‌اند در حالی که تجارت‌های کوچک کمترین میزان موفقیت را در جذب سرمایه‌های مردمی یعنی بالغ بر ۲/۱ درصد داشته‌اند. اما ایده‌های خلاق فناوری همچون Elevation Dock نیز مردم را به ایجاد سرمایه‌گذاری مردمی ترغیب می‌کنند.

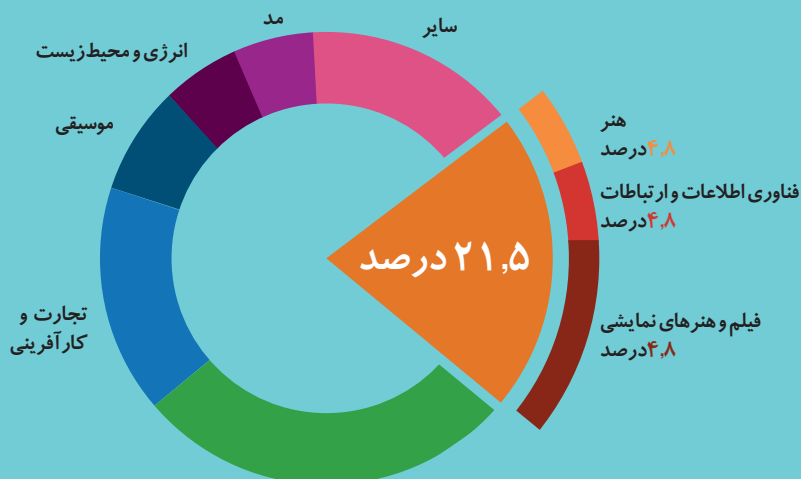
درک ایده‌تان راحت باشد: کمپین‌های سرمایه‌گذاری اجتماعی معمولاً مردم غیرمتخصص را هدف قرار می‌دهند و افراد در صورتی به ایجاد سرمایه‌گذاری ترغیب می‌شوند که ایده پروژه را به راحتی درک کنند. موفقیت عظیم کمپین Pebble Smartwatch به این دلیل بود که درک ویژگی‌های آن و همچنین سودهای حاصل از سرمایه‌گذاری آن بسیار راحت بود.

تمرکز پروژه بر تجارت الکترونیک «واحد تجاری به مصرف‌کننده» یا همان BYC باشد: محصولات که مستقیم به مشتریان هدف بدون

سرمایه‌گذاری اجتماعی روشی است که با جذب سرمایه‌های اندک مردمی از ایده‌ها و طرح‌های فنی شما پشتیبانی مالی می‌کند تا در صورت موفقیت این ایده‌ها به تولید انبوه برسند. امروزه این نوع سرمایه‌گذاری به یکی از اصلی‌ترین روش‌ها برای جذب سرمایه تبدیل شده است. در حال حاضر اشخاص زیادی از جمله دانشجویان، فیلم‌سازان و کارآفرینان از این روش استفاده می‌کنند. بسیاری از کارآفرینان این روش از سرمایه‌گذاری را بهترین فرصت برای عرضه ایده‌ها و محصولات به طور مستقیم به مشتریان هدف تلقی می‌کنند. همچنین خود فرایند جذب سرمایه مردمی در این روش موجب می‌شود تا کارآفرینان متوجه میزان کارآمدی و موثر بودن ایده‌ها و محصولات خود در ارتباط با مشتریان بشوند. یک کمپین موفق که توانسته سرمایه‌های خرد بسیاری را از تک‌تک افراد جذب کند می‌تواند توجه سرمایه‌گذاران کلان را نیز به خود جلب کند. اما اینها همه ظاهر قضیه است و اگر چه سرمایه‌گذاری یک پدیده عالی است اما باید مولفه‌های دیگر را هم در آن در نظر گرفت. آمار نشان می‌دهد که مردم یک سری تجارت‌ها و ایده‌ها را به بقیه ترجیح می‌دهند. اعتبار افرادی که در پشت یک پروژه هستند برای جذب سرمایه‌های مردمی اهمیت بسیاری دارد. اخیراً نتایج یک مطالعه نشان داده بهترین شانس برای جذب سرمایه‌های مردمی را افرادی دارند که «سفیدپوست، لاغر، جذاب و ترجیحاً خانم» باشند. اگر چه برخورداری از این خصوصیات یک برگ برنده است اما در اینجا به سایر مولفه‌هایی می‌پردازیم که پیش از گام گذاشتن در سرمایه‌گذاری مردمی باید به آنها توجه خاصی کرد.

سرمایه‌گذاری اجتماعی یک گزینه درست برای شماست اگر: ایده شما بسیار خوب و الهام‌بخش باشد: تحقیقات نشان می‌دهد که

مهم‌ترین عامل انگیزه‌بخش به مردم برای سرمایه‌گذاری اجتماعی این است که بدانند ایده‌های تجاری سرمایه‌گذاری شده توسط آنان در مدت زمان کوتاهی به واقعیت تبدیل می‌شود و نتیجه‌بخش است



مسائل اجتماعی

آینده‌نگر | tccim.ir | شماره چهل و سوم، دی ۱۳۹۴

۱۴۲





کمپین جذب سرمایه‌گذاری مردمی نباید نقطه شروع شما باشد؛ در واقع کمپین جذب سرمایه‌گذاری مردمی باید نتیجه یک راهبرد درازمدت از برقراری ارتباط آنلاین بین مشتریان و تجارت باشد و شما باید پیش از آنکه کمپین جذب سرمایه‌گذاری مردمی را آغاز کنید مقدمات آن را فراهم کرده باشید.

جامع و مشخص نیستید و اعتماد ایشان به شما از بین خواهد رفت. نیاز به سرمایه‌های بسیاری دارید: اگرچه تجارت‌های موفق همچون Pebble و Ouya وجود دارند که هرکدام به ترتیب ۱۰ میلیون دلار و ۸/۵ میلیون دلار جذب سرمایه کرده‌اند، اما آنها استثنا به شمار می‌روند و تحقیقات نشان می‌دهد که اکثر ایده‌های موفق در سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی در ابتدا با هدف جمع کردن سرمایه‌ای بین ۱۰۰ تا ۹۹۹۹ دلار یا به این عرصه گذاشته‌اند.

نتوانید برنامه‌های خود را در مدت‌زمان کوتاه پیاده‌سازی کنید: مهم‌ترین عامل انگیزه‌بخش به مردم برای سرمایه‌گذاری اجتماعی این است که بدانند ایده‌های تجاری سرمایه‌گذاری شده توسط آنان، در مدت‌زمان کوتاهی به واقعیت تبدیل می‌شود و نتیجه‌بخش است. بیشتر شرکت‌هایی که به جذب سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی پرداخته‌اند سعی می‌کنند چند ماه پس از اتمام دوره سرمایه‌گذاری، نسخه بتای محصول خود را به سرمایه‌گذاران و مشتریان عرضه کنند. پس اگر مدت‌زمان پیاده‌سازی پروژه شما زیاد است نباید به سراغ سرمایه‌گذاری اجتماعی بروید. حتی اگر مدت پیاده‌سازی پروژه کوتاه نیز باشد باید تضمین کنید که از پیش برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام داده‌اید. بسیاری از کارآفرینان که سعی داشته‌اند در زمان کوتاهی به هدف خود برسند متوجه شده‌اند که چالش‌های بسیاری پیش روی آنان قرار دارد که پیش از این نمی‌دانستند و این مسئله هزینه‌های زیادی برایشان دربر داشته و ضررهای زیادی متوجه آنها کرده است. افراد زیادی را برای کمک به خودتان در دسترس ندارید: برگزاری یک کمپین سرمایه‌گذاری مردمی و در تماس ماندن با هزاران نفر از سرمایه‌گذاران مردمی امری است که نیازمند منابع انسانی بسیاری است. اگر دایره کسانی که به شما در این راه کمک می‌کنند کوچک باشد، بهتر است پا به عرصه سرمایه‌گذاری اجتماعی نگذارید.

هیچ واسطه‌ای عرضه می‌شوند به طور قطع سرمایه‌های بیشتری را جذب خواهند کرد.

یک ساختار پشتیبانی قوی در قالب خانواده، دوستان و حتی مشتریان و ارتباطات تجاری دارید: جذب سریع سرمایه‌های مردمی برای ایجاد یک نیروی محرک رو به جلو بسیار حیاتی است و چه کسی بهتر از خانواده، دوستان و مشتریان شما می‌توانند این کار را برایتان انجام دهد. پشتیبانی اولیه از سوی افراد نزدیک به کارآفرینان موجب تقویت چشم‌انداز یک شرکت و ایجاد اعتماد برای سرمایه‌گذاری می‌شود.

تجارت شما و خود شما دارای یک وجهه بسیار قوی در رسانه‌های اجتماعی باشید: کمپین جذب سرمایه‌گذاری مردمی نباید نقطه شروع شما باشد؛ در واقع کمپین جذب سرمایه‌گذاری مردمی باید نتیجه یک راهبرد درازمدت از برقراری ارتباط آنلاین بین مشتریان و تجارت باشد و شما باید پیش از آنکه کمپین جذب سرمایه‌گذاری مردمی را آغاز کنید مقدمات آن را فراهم کرده باشید.

از سوی دیگر شما و تجارتتان برای سرمایه‌گذاری مردمی ساخته نشده‌اید اگر:

هنوز یک برنامه درست ندارید: اهداکنندگان در سرمایه‌گذاری اجتماعی به گونه‌ای سرمایه‌گذار هستند و تنها و تنها زمانی به سرمایه‌گذاری می‌پردازند که ببینند شما دارای یک برنامه متقاعدکننده و ثابت برای راه‌اندازی یک تجارت هستید. شما ممکن است برنامه خود را در قالب یک ویدیو یا داستان بیان کنید اما باید تمامی مبانی مدل تجاری خود را در آن بگنجانید؛ از جمله چه چیزی می‌خواهید به فروش برسانید، مشتریان شما چه کسانی هستند و ایده شما چگونه منجر به درآمدزایی خواهد شد. صاحبان ایده می‌توانند با استفاده از

کمپین‌های سرمایه‌گذاری مردمی یک بازخورد خوب دریافت کنند اما نباید از آن برای برنامه‌ریزی تجاری خود استفاده کنند چرا که در این صورت سرمایه‌گذاران متوجه می‌شوند که شما دارای یک برنامه



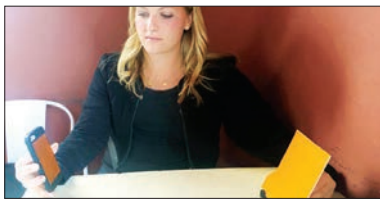
کمپین‌های سرمایه‌گذاری اجتماعی معمولاً مردم غیرمتخصص را هدف قرار می‌دهند و افراد در صورتی به ایجاد سرمایه ترغیب می‌شوند که ایده پروژه را به راحتی درک کنند. موفقیت عظیم کمپین Pebble به Smartwatch این دلیل بود که درک ویژگی‌های آن و همچنین سودهای حاصل از سرمایه‌گذاری آن بسیار راحت بود



# سلاطین استارت آپ‌ها

۱۰ استارت‌آپی که به وسیله کراف در ۲۰۱۵ به موفقیت رسیده‌اند

مانع از روشن شدن تصادفی آن و اتلاف باتری خواهد شد. در یک شارژ کامل از طریق یک پورت یواس‌بی عادی، چراغ لیزری بلیز می‌تواند برای مدت ۱۳ ساعت در بهترین حالت نوردهی خود باشد که شامل دو لیزر و یک لامپ ال‌ای‌دی چشمک‌زن می‌شود. البته این امکان وجود دارد که هر دوی این چراغ‌ها را در حالت «همیشه روشن» قرار دهید که به طور مشخص باعث کاهش عمر باتری آن خواهد شد. بلیز به عنوان یک پروژه کیک استارتر آغاز به کار کرد. در برابر چراغ‌های ال‌ای‌دی چشمک‌زن معمولی که می‌توانید از مغازه‌های محلی تهیه کنید، بلیز مسلماً لوازم جانبی گران‌قیمتی برای دوچرخه محسوب خواهد شد. ولی این قیمت حتماً زمانی که یک راننده در شرایط بحرانی، نور لیزر شما را ببیند و از برخورد به شما جلوگیری کرد، ارزش پیدایمی‌کند.

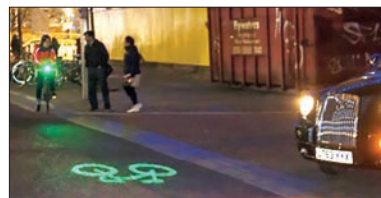


## یوبیم

استارت‌آپ یوبیم از نمونه اولین شارژر «بی سیم فراصوت» خود پرده برداشت. ایده سیستم شارژ بی سیم یوبیم اولین بار در نمایشگاه All Things D Science Fair مطرح شد و حالا پس از سه سال تحقیق و بررسی، استارت‌آپ سازنده بازگشته تا نمونه اولیه این تکنولوژی را معرفی کند. اما کدام ویژگی این سیستم شارژ بی سیم، غیرمعمول است؟ برخلاف دیگر سیستم‌های شارژ بی سیم که باید آنها را در یک مکان ثابت نگه داشت، تکنولوژی یوبیم به شما اجازه شارژ در حال حرکت را نیز می‌دهد. اگر این دستگاه آن‌طور که خالق آن ادعا می‌کند، بتواند به شارژ دستگاه‌ها بپردازد، شما قادر خواهید بود با حرکت در اتاق (و نه در فاصله‌های دور) به شارژ گوشی خود اقدام کنید. نحوه عملکرد این سیستم بدین صورت است که یک استیشن شارژ باریک ۵ میلی‌متری، الکتریسیته را دریافت و آن را به صوت تبدیل می‌کند و سپس در قالب فراصوت آن را ارسال می‌کند. پس از آن یک دستگاه گیرنده متصل به اسمارت فون یا هر دستگاه دیگری، اقدام به جذب این صوت و تبدیل آن به انرژی می‌کند. اما در این

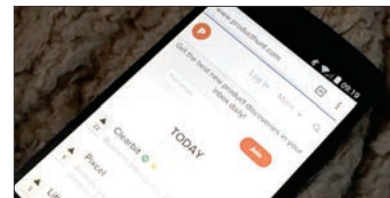
مباحث زیادی درباره راه‌اندازی کسب‌وکار، کار آفرینی و استارت‌آپ‌ها در حال جریان است. استارت‌آپ مفهوم جدیدی است و این باعث می‌شود بسیاری با معنای درست آن آشنایی نداشته باشند. براساس تعاریف مختلف از نویسندگان و محققان این حوزه، شاید بهترین و جامع‌ترین تعریفی را که برای استارت‌آپ بتوان ارائه کرد این است که استارت‌آپ یک سازمان موقت است که با هدف یافتن یک مدل کسب‌وکار تکرارپذیر و مقیاس‌پذیر به وجود آمده است. این روزها سرعت رشد و تکثیر استارت‌آپ‌ها یا همان شرکت‌های نوپا از سرعت تکثیر چراغ‌ها بیشتر شده است. از همین رو در این مطلب قصد داریم به ۱۰ مورد از موفق‌ترین استارت‌آپ‌های حوزه فناوری بپردازیم. نکته جالبی که در مورد این استارت‌آپ‌ها وجود دارد این است که تمام آنها توسط یک جمع‌سپاری مردمی حمایت شده‌اند.

صدا، نور، دما، رطوبت و ذرات هوا ترکیب می‌کند و به شما امکان می‌دهد تا بدانید چه چیزهایی باعث راحتی خواب و چه نکاتی باعث آزار شما در خواب می‌شوند. این گجت همچنین با توجه به چرخه خواب شما، ساعت و زمان دقیق بیدار شدن را اعلام می‌کند تا به بهترین نحو ممکن از خواب بیدار شوید و خوابیدن شما کارآمد باشد.



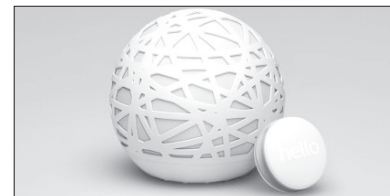
## بلیز

دوچرخه‌سواری کاری بسیار خطرناک است اگر احتیاط‌های لازم اتخاذ نشود. دوچرخه‌سواران می‌توانند سر تا پای خود را چراغ‌های چشمک‌زن آویزان کنند؛ ولی باز هم این احتمال وجود دارد که رانندگان خودرو و وسایل عبوری، آنها را تا زمانی که دیگر دیر شده نبینند. این مشکلی است که چراغ لیزری بلیز درصدد رفع آن از طریق تاباندن سیگنال خطر در فاصله‌ی چند متر جلوتر است. بر این اساس رانندگان متوجه پیش آمدن دوچرخه‌سواران خواهند شد و فرصت عکس‌العمل را خواهند داشت. این چراغ لیزری ضد آب، نشانه‌هایی را می‌تاباند که به‌سادگی برای شخص مقابل قابل فهم است و جلو آمدن شخص دوچرخه‌سوار را از طریق پرتو سبز مخصوصی که در هر ساعتی از روز و در هر آب و هوایی به‌خوبی قابل مشاهده است، اطلاع می‌دهد. این دستگاه به‌آسانی از طریق یک قلاب ثابت، به فرمان دوچرخه متصل می‌شود؛ بنابراین لازم نیست نگران گم شدن آن باشید. همچنین یک سوئیچ آهن‌ربایی که تنها هنگام وصل بودن بلیز به دوچرخه فعال می‌شود،



## پروداکت هانت

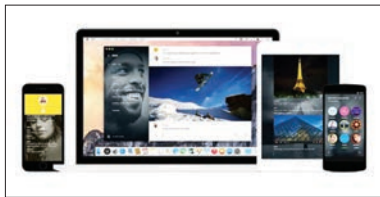
پروداکت هانت وب‌سایتی است که به شما امکان می‌دهد تا جدیدترین محصولات را کشف کنید و به اشتراک بگذارید. ممکن است باورتان نشود که این وب‌سایت در ماه نوامبر سال ۲۰۱۳ میلادی افتتاح شد و میزان شهرت آن در بین کاربران در حال حاضر به گونه‌ای شده است که از آن به عنوان اصلی‌ترین منبع برای یافتن جدیدترین محصولات یاد می‌شود. کاربران می‌توانند به راحتی محصولات خود را روی این وب‌سایت عرضه کنند. این سایت قسمتی برای اعلام نظر و رأی‌دهی دارد. محصولاتی که دارای بیشترین رأی از سوی کاربران هستند به بالای فهرست محصولات ارائه‌شده در هر روز صعود می‌کنند.



## هلو

این استارت‌آپ توسط تیل فلو و جیمز پراود به وجود آمده است که سازنده وسیله‌ای به نام سنس است. این گجت خواب و محیط اطراف شما را کنترل می‌کند تا خواب راحت‌تری داشته باشید. این وسیله در کنار تخت شما قرار می‌گیرد و داده‌های به‌دست‌آمده از الگوی خواب شما و اطلاعات محیط خواب شما را از جمله

بر اساس تعاریف مختلف از نویسندگان و محققان این حوزه، شاید بهترین و جامع ترین تعریفی را که برای استارت آپ بتوان ارائه کرد این است که استارت آپ یک سازمان موقت است که با هدف یافتن یک مدل کسب و کار تکرار پذیر و مقیاس پذیر به وجود آمده است.



### ← وایر

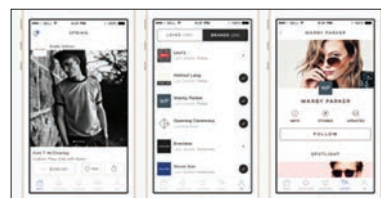
می توانید صدایتان را ضبط کنید و به صورت پیام بفرستید، یا از طریق ساندکلاد و یوتوب موسیقی یا ویدیوها را به اشتراک بگذارید. این اپلیکیشن تمام سرویس های پیام رسان شما را به صورت یک جا در اختیارتان قرار می دهد. این اپلیکیشن برای سیستم عامل های اندروید و آی اُس آیفون و آی پد و مکینتاش عرضه شده که در آینده نزدیک نسخه مرور گر آن هم آماده خواهد شد. اولین نکته ای که در وایر نظر شما را جلب خواهد کرد، رابط کاربری خاص و زیبای آن است. شما در این اپلیکیشن ساده ترین طراحی را خواهید دید. جسدی های حرکتی رکن اساسی آن را تشکیل می دهد. همان طور که گفتیم شما در اپلیکیشن وایر می توانید پیغام های خود را به دوستانتان، به صورت متنی، صوتی، ویدیویی و تصویری بفرستید. همچنین قابلیت تماس اینترنتی در این اپلیکیشن برای کاربران مهیا شده و تقریباً با کیفیت بسیار خوبی - بسته به وضعیت اینترنت شما - صدای دو طرف مکالمه را منتقل می کند. اپلیکیشن وایر پیوستگی خوبی با سرویس هایی همچون یوتوب و ساندکلاد دارد. بدین ترتیب که لینک ارسالی یا دریافتی شما در همان صفحه پخش خواهد شد. اپلیکیشن وایر که توسط موسس اسکایپ عرضه شده در ابتدای راه خود است و قطعاً در آینده می تواند به تمام تلفن های هوشمند و رایانه ها راه پیدا کند.



### ← DWNLD

DWNLD یک اپلیکیشن بی نظیر است که به کاربرانی که وبسایت های مختلفی را مدیریت می کنند امکان می دهد تا با استفاده از آن، اپلیکیشن وبسایت خود را بسازند. تا پیش از این اگر کسی می خواست اپلیکیشن وبسایت خود را بسازد باید کلی پول خرج می کرد. DWNLD اولین شرکتی نیست که دست به چنین کاری زده اما شرکتی است که چنین امکان بی نظیری را به کاربران ارائه داده؛ شما می توانید با استفاده از آن، اپلیکیشن وبسایت خود را با طراحی های دلخواه بسازید. این اپلیکیشن همچنین به شما امکان می دهد تا به اپلیکیشن خود عکس و ویدیو اضافه کنید. وقتی که اپلیکیشن مورد نظر خود را ساختید می توانید آن را در گوگل پلی استور منتشر کنید.

اجتماعی موبایلی مثل اینستاگرام موفقیتی کسب نکرد، هرچند بسیاری پیوستن آن به یاهو را عامل این عدم موفقیت می دانند. حالا به نظر می رسد با اسلک او دوباره مسیر موفقیت خود را پیدا کرده است. باترفیلد در گفت و گویی با ورگو درباره آینده ایمیل و اشتباهات مایکروسافت در انطباق دادن خود با قرن بیست و یکم سخن می گوید. در واقع محصول جدید او بسیار ایده آل تیم های کاری و شرکت ها است و این چیزی است که هنگام دالود اپلیکیشن به کاربران یادآور می شود: اسلک یک سرویس مسیج بر خط و آرشیو کردن پیام و جست و جو است و برای تیم های کاری مدرن ایجاد شده است.



### ← اسپرینگ

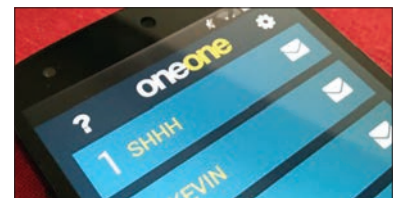
در اولین نگاه به اپلیکیشن اسپرینگ که توسط استارت آپ تکاستارز ساخته شده است متوجه می شویم که این اپلیکیشن یک اپلیکیشن خطرناک برای کاربرانی است که اعتیاد به خرید کردن دارند؛ ولی از سوی دیگر می توان به این اپلیکیشن به عنوان یک بازار آنلاین نگاه کرد که می تواند خرید کردن را برای کاربران آسان کند. در حال حاضر این اپلیکیشن فقط برای کاربران آمریکایی قابل استفاده است اما سازندگان آن در نظر دارند تا حوزه کاربران خود را به کشورهای دیگر هم گسترش دهند.



### ← بی آرسی کی

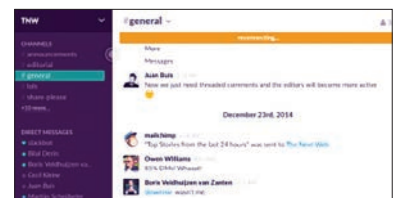
بی آرسی کی در واقع یک جعبه است که توانسته اینترنت را حتی در دورترین نقاط آفریقا نیز به ارمغان ببرد. قیمت آن ۱۹۹ دلار است. این محصول در حال حاضر در ۱۴۰ کشور دنیا قابل دسترس و استفاده است. شما برای راه اندازی بی آرسی کی نیاز به یک سیم کارت دارید که قابلیت دسترسی به اینترنت نسل سوم به بالا را داشته باشد. این دستگاه دارای یک آنتن برای تقویت اتصال به اینترنت است. سازندگان آن توانستند با استفاده از پلتفرم کیک استارت در تابستان امسال در یک دوره از سرمایه گذاری ۲,۱ میلیون دلار سرمایه جمع کنند.

بین محدودیت هایی نیز وجود دارد. به عنوان مثال در این تکنولوژی مانند وای فای امواج قادر به حرکت بین دیوارها نخواهند بود، به همین دلیل مجبورید جهت استفاده از این سیستم از چندین انتقال دهنده در اتاق های مختلف استفاده کنید. البته این استارت آپ وعده داده تا ورژن های بعدی این تکنولوژی فاصله های بیشتری را نیز پوشش دهند. خالق یوبیم اطمینان دارد که همه گیری این سیستم چون وای فای صد درصدی خواهد بود. وی همچنین عقیده دارد که به دلیل شارژ مداوم اسمارت فون ها با استفاده از این سیستم، وابستگی شرکت های تولید کننده اسمارت فون و گجت هایی از این قبیل به باتری های بزرگ نیز مرتفع می شود. از یوبیم می توان در ارسال داده های رمزنگاری شده نیز استفاده کرد؛ بدین معنی که این تکنولوژی آینده بسیار درخشانی در وسایل اینترنت اشیا/ Internet of Things نیز دارد.



### ← کوئیک دسک

کوئیک دسک یک پلتفرم ارتباط ناشناس است که به کاربران امکان می دهد تا به طور ناشناس با سایر افراد ارتباط داشته باشند و چیزهایی را که دوست دارند به اشتراک بگذارند. جالب است بدانید که تعداد کاراکترهایی که می توانید به اشتراک بگذارید فراتر از ۳۰۰ مورد نیست. کاربران می توانند به این پلتفرم از طریق وبسایت یا اپلیکیشن گوشی خود دسترسی پیدا کنند. کوین آبوش موسس این سایت که یک چهره جهانی در عرصه هنر بصری است این وبسایت را به عنوان یک پروژه هنر مفهومی ساخت. سازنده این وبسایت در واکنش به سایر رسانه های اجتماعی، به کاربران امکان داده است تا بدون نیاز به گذرگاه و نام کاربری وارد این سایت و از امکانات آن بهره مند شوند.



### ← اسلک

استوارت باترفیلد بنیان گذار اسلک، در دنیای تکنولوژی فردی شناخته شده به حساب می آید. آخرین استارت آپ او فلیکر بود که ابتدا به صورت یک پروژه شروع شد، اما سپس به یک سرویس اشتراک عکس تغییر مسیر داد. فلیکر اما با ظهور شبکه های

# قانون در حمایت از اسرار تجاری، مکارانه ضعیف است

گفت‌وگو با محمود صادقی، مؤسس رشته حقوق مالکیت فکری، در مورد مالکیت فکری در اقتصاد

احسان میزانی



مالکیت فکری در اقتصاد با عنوان حق مالکیت صنعتی - تجاری تعریف شده است تا فعالان اقتصادی برای ثبت ابداعات خود حاشیه امنی داشته باشند. برای بررسی شرایط مالکیت فکری در اقتصاد با دکتر محمود صادقی، مؤسس رشته حقوق مالکیت فکری و مدیر گروه حقوق مالکیت فکری دانشگاه تربیت مدرس گفت‌وگو کرده‌ایم. دکتر صادقی نایب رئیس انجمن علمی حقوق مالکیت فکری ایران و عضو انجمن بین‌المللی استادان و پژوهشگران حقوق مالکیت فکری (ATRIP) است و مطالعات قابل توجهی در زمینه مالکیت صنعتی داشته است.

ببیند نظام حقوقی از محصول فکر آنها حمایت می‌کند و با کسانی که از دستاوردهای فکری آنها سوءاستفاده می‌کنند برخورد می‌کند، انگیزه بیشتری برای نوآوری و خلاقیت و ابتکار پیدا می‌کنند. اما اگر قانون از آنها حمایت نکند دلسرد می‌شوند و انگیزه کار و خلاقیت و نوآوری در آنها سست می‌شود.

## چه مصادیقی برای مالکیت صنعتی می‌توان ذکر کرد؟

مصادیق اصلی مالکیت صنعتی شامل اختراع، طرح صنعتی و علامت تجاری می‌شود. اختراع به معنای ایده‌ای است که راه‌حل جدیدی را برای یک مشکل فنی در حوزه‌های مختلف صنعتی ارائه می‌کند. اختراع ممکن است فرآورده یا فرآیند باشد. در صورتی که اختراع جدید، حاوی ابداع و گام ابتکاری و دارای کاربرد صنعتی باشد، مخترع می‌تواند آن را در اداره ثبت اختراع به ثبت برساند و با دریافت گواهی‌نامه ثبت اختراع یا پتنت به مدت بیست سال اختصاصاً از آن بهره‌برداری کند.

طرح صنعتی به معنای ویژگی‌های ظاهری و زیبایی‌شناختی کالاها و محصولات اعم از طرح و رنگ و نقش و بافت خواه به صورت دوبعدی و خواه سه‌بعدی است که محصولات را چشم‌نواز و مشتری‌پسند می‌کند. طرح صنعتی حوزه بسیار گسترده‌ای دارد، از طرح ساعت مچی و جواهرات گرفته تا طرح و مدل وسایل صوتی و تصویری و وسایل نقلیه و منسوجات و فرش و گلیم و صنایع دستی. در صورتی که طرح صنعتی اصیل باشد طراح می‌تواند با ثبت آن در شعبه طرح‌های صنعتی اداره مالکیت صنعتی، حق بهره‌برداری انحصاری از آن را به مدت پانزده سال به خود اختصاص دهد. علامت تجاری به معنای نشانه‌ای است (اعم از حرف، کلمه، نقش و تصویر) که کالاها و خدمات یک تاجر یا بنگاه تجاری را از کالاها و خدمات تاجر یا بنگاه تجاری دیگر متمایز می‌سازد. این تمایز از یک سو برای صاحب علامت اعتبار و هویتی ویژه نزد مشتریان به وجود می‌آورد و به عنوان یکی از مؤلفه‌های برند نوعی رابطه و تعلق خاطر و وفاداری در آنها ایجاد می‌کند و از سوی دیگر به مشتری کمک می‌کند تا محصولات مورد نظر و مورد علاقه خود را از بین محصولات مشابه انتخاب کند. در صورتی که علامت دارای شرایط قانونی (تمایزبخش بودن و فریب‌آمیز نبودن) باشد صاحب علامت می‌تواند آن را در شعبه علائم تجاری اداره مالکیت صنعتی به ثبت برساند و حق بهره‌برداری از آن را به خود اختصاص دهد. مدت حمایت از علامت تجاری، برخلاف اختراع و طرح صنعتی، نامحدود است و مادام که صاحب علامت بخواهد می‌تواند با پرداخت حق‌الثبت‌های سالانه آن را تمدید کند. علاوه بر سه مصداقی که ذکر کردم، مالکیت صنعتی مصادیق دیگری نیز، از قبیل نشانه‌های منبع و مبدأ جغرافیایی، طرح مدارهای یکپارچه، گونه‌های جدید گیاهی و حمایت در برابر رقابت مکارانه نیز دارد، که توضیح آن مفصل است.

## قوانین بین‌المللی و داخلی در مورد مالکیت صنعتی به چه موضوعاتی توجه کرده‌است؟

مالکیت صنعتی در قوانین داخلی کشورها چندین قرن سابقه دارد و از نیمه دوم قرن نوزدهم نیز این موضوع وارد معاهده‌های بین‌المللی شده و تاکنون قریب ۳۰ معاهده بین‌المللی در خصوص آن وضع شده

## مالکیت فکری در فعالیت اقتصادی و بهبود فضای کسب‌وکار چه نقشی دارد؟

مالکیت فکری معادل اصطلاح Intellectual Property به معنای به رسمیت شناختن حقوق مالکانه برای صاحبان فکر و نوآوری نسبت به خلاقیت‌ها، نوآوری‌ها و آفرینش‌های فکری است و شامل دو حوزه ادبی - هنری و صنعتی - تجاری می‌شود. در حوزه ادبی - هنری، حق بهره‌برداری مادی و معنوی از محصولاتی مانند کتاب، فیلم، نمایش‌نامه، موسیقی، آثار هنری تجسمی، نرم‌افزار، اجراهای هنری و آثار صوتی، به خالقان، پدیدآورندگان و اجراکنندگان این آثار اختصاص می‌یابد و دیگران نمی‌توانند بدون اجازه آنها از این آثار بهره‌برداری کنند، یا آنها را متقلبانه به خود انتساب دهند. در حوزه صنعتی و تجاری، حق بهره‌برداری از محصولات صنعتی و تجاری و دانش‌بنیان، مانند اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری به مخترع، طراح، بنگاه و تاجر صاحب علامت اختصاص می‌یابد. این حمایت قانونی هم برای فرد و هم برای جامعه مفید است و توازن بین منافع خالقان آثار و نیازهای جامعه به وجود می‌آورد و جامعه هم به اشکال مختلفی از حمایت مالکیت فکری می‌تواند بهره‌مند شود؛ حمایت از مالکیت صنعتی باعث رواج رقابت سالم و منصفانه در بازار و جلوگیری از تقلب و رقابت مکارانه می‌شود. به عنوان مثال حمایت قانونی کارآمد از علائم تجاری به مشتری و مصرف‌کننده کمک می‌کند که کالا یا خدمات مورد نظر خود را با اطمینان انتخاب کنند. برعکس ضعف یا فقدان نظام قانونی کارآمد در این زمینه موجب رواج کالاهای تقلبی در بازار و در نتیجه سردرگمی و احساس عدم اطمینان در مصرف‌کننده می‌شود. بنابراین ملاحظه می‌شود که حمایت از مالکیت فکری می‌تواند موجب رقابت سالم، افزایش کیفیت کالاها، رشد فناوری و محصولات دانش‌بنیان و در یک کلمه رونق فضای کسب‌وکار شود.

## اهمیت و جایگاه مالکیت فکری در نظام نوآوری چیست؟

مالکیت فکری حلقه مکمل نظام نوآوری است. یکی از کارکردهای اصلی مالکیت فکری این است که برای صاحبان فکر و ایده‌های نو، انگیزه صرف فکر و منابع مالی برای خلاقیت و ابتکار بیشتر ایجاد می‌کند؛ افرادی که سرمایه مادی و ذهنی خود را به کار می‌برند و نوآوری می‌کنند اگر

به بعضی از موضوعات، مانند حمایت از رقابت منصفانه و مقابله با رقابت مکارانه و نیز حمایت از اسرار تجاری توجه کافی نشده است. همچنین اجزای قانونی مؤثر و کارآمدی برای حمایت از حقوق مالکیت فکری وضع نشده و آن مقدار هم که در قانون وضع شده نوعاً روی کاغذ است و در عمل به طور کامل اجرا نمی‌شود



افرادی که سرمایه مادی و ذهنی خود را به کار می‌برند و نوآوری می‌کنند اگر ببینند نظام حقوقی از محصول فکر آنها حمایت می‌کند و با کسانی که از دستاوردهای فکری آنها سوءاستفاده می‌کنند برخورد می‌کند، انگیزه بیشتری برای نوآوری و خلاقیت و ابتکار پیدا می‌کنند

در صورتی که  
علامت دارای  
شرایط قانونی  
(تمایزبخش  
بودن و فریب‌آمیز  
نبودن) باشد  
صاحب علامت  
می‌تواند آن را  
در شعبه‌های  
تجاری اداره  
مالکیت صنعتی  
به ثبت برساند و  
حق بهره‌برداری  
از آن را به خود  
اختصاص دهد.  
حمایت از مالکیت  
فکری می‌تواند  
موجب رقابت  
سالم، افزایش  
کیفیت کالاها،  
رشد فناوری  
و محصولات  
دانش‌بنیان و در  
یک کلمه رونق  
فضای کسب‌وکار  
شود



به‌ویژه پس از تغییر نظام ثبت اختراع از اعلامی به ماهوی در سال ۱۳۸۷ و بعضی ناکارآمدی‌های مدیریتی و نیز فقدان انسجام و هماهنگی آن با دیگر دستگاه‌ها، که ناشی از وجود آن در قوه قضاییه است، انتقادهایی را نسبت به این اداره موجب شده است. شاید تشکیل یک سازمان فرابخشی و ملی مالکیت صنعتی بتواند این ضعف‌ها را مرتفع سازد. اما سازوکارهای ضعیف و وجود مناسبات و رقابت‌های کوتاه‌فکرانه و بخشی‌نگر بین دستگاه‌های ذی‌ربط و بعضی از متولیان امر، انسان را به نوعی محافظه‌کاری و ترجیح حفظ وضع موجود متمایل می‌سازد. ما همواره نشان داده‌ایم که در به هم زدن نظم موجود و تخریب بناها و نهادهای دیرپا به‌خوبی عمل می‌کنیم اما از توانایی لازم برای ساختن نهادهای کارآمد برخوردار نیستیم، چرا که خراب کردن راحت‌تر از ساختن است. تجربه تخریب یک‌شبه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در دولت گذشته و آثار و پیامدهای مخرب آن زنگ خطری است که انسان را برای پشتیبانی از ایده تغییر نظام کنونی مالکیت صنعتی دچار تردید می‌کند. لایحه قانون جدید مالکیت صنعتی که اخیراً دولت تقدیم مجلس شورای اسلامی کرده مؤید این نگرانی است. این لایحه در واقع فرایند ثبت مالکیت صنعتی را تکه‌تکه می‌کند و آن را بین سه دستگاه یعنی وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت علوم و سازمان ثبت اسناد و املاک تقسیم می‌کند و پیش‌بینی می‌شود که نظام مالکیت صنعتی را دچار تشتت و ازهم‌گسیختگی بیشتری خواهد کرد.

**در شرایط فعلی فصل جدیدی از فعالیت کارآفرینان جوان آغاز شده است. استارت‌آپ‌ها با نوآوری‌های خود در حال راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید با شیوه‌های نو هستند، اهمیت مالکیت فکری برای این کسب‌وکارها که اساس آنها بر ایده است، بسیار بالاست. چگونه می‌توان این موضوع را در بخش کسب‌وکار به سطح مطلوب رساند تا امنیت بالایی احساس شود؟**

به نظر می‌رسد یکی از مؤلفه‌های مهم و اثرگذار در این حوزه ایجاد و تقویت فرهنگ مالکیت فکری (IP Culture) است. تا ضرورت احترام به مالکیت فکری، در تمام سطوح، به‌ویژه در سطح مدیران عالی کشور درک و احساس نشود و این ضرورت در تمام سطوح جامعه تبدیل به یک ارزش و هنجار عمومی نشود، نمی‌توان انتظار داشت که احساس امنیت نسبت به رعایت مالکیت فکری در بخش کسب‌وکار به سطح مطلوبی برسد. به نظر می‌رسد آموزش حقوق مالکیت فکری را باید از همان سطوح ابتدایی و متوسطه شروع کنیم و در سطح عمومی گسترش دهیم، به گونه‌ای که در باور عمومی تجاوز به دارایی‌های فکری و ناملوس، همانند غضب و تجاوز به اموال مادی و ملموس تلقی شود. البته تقویت ضمانت اجرای قانونی و قضایی، آموزش قضات و ضابطین دادگستری و نیز مدیریت صحیح و مناسب دارایی‌های فکری در سطوح فردی و سازمانی نیز از عوامل مؤثر در ایجاد و احساس امنیت نسبت به حقوق مالکیت فکری در بخش کسب‌وکار است.

**به نظر شما چرا بازار دارایی‌های فکری یا همان بورس ایده مشتری‌چندانی ندارد؟**

بازار دارایی‌های فکری یا بورس ایده در ایران به‌تازگی راه‌اندازی شده و من اطلاعات و آمار دقیقی از میزان معاملات و استقبال مشتریان از آن ندارم. اما با توجه به ضعف‌های ساختاری و بنیادی در زمینه حمایت از مالکیت فکری نمی‌توان انتظار بالایی از موفقیت این بازار در کشور ما داشت. وقتی افراد بتوانند بدون پرداخت هزینه از ایده‌ها و دارایی‌های فکری دیگران بهره‌برداری کنند و برخورد مناسب قانونی با آنها صورت نگیرد، طبعاً کمتر کسی حاضر می‌شود در ازای تحصیل این دارایی پول پرداخت کند. البته تا آنجا که من می‌دانم بورس ایده در سایر کشورها، از جمله کشورهای صنعتی پیشرفته که نظام مالکیت فکری کارآمدی دارند نیز رواج چندانی ندارد.

است. قدیمی‌ترین معاهده بین‌المللی در زمینه مالکیت صنعتی کنوانسیون حمایت از مالکیت صنعتی پاریس (مصوب ۱۸۸۶) است. این کنوانسیون ناظر به حمایت از اختراع، علائم تجاری و طرح‌های صنعتی است و مقرراتی نیز درباره مقابله با رقابت غیرمنصفانه دارد. در معاهده‌های بین‌المللی هر کشور عضو متعهد می‌شود از طریق اصولی چون اصل رفتار ملی، حق تقدم و شرط دولت کامل‌الوداد، در قلمرو خود از اتباع سایر کشورهای عضو حمایتی همانند حمایت از اتباع خود به عمل آورد. به طور کلی سطح حمایت از مالکیت صنعتی در قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی همواره روند رو به رشدی داشته است. با شکل‌گیری سازمان جهانی تجارت در سال ۱۹۹۴ مالکیت فکری به جزئی لاینفک از نظام تجارت بین‌المللی تبدیل شد. کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت مطابق موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (TRIPS)، که یکی از اسناد اصلی این سازمان است، موظف به رعایت و تضمین استانداردهای حمایتی حداقلی برای حقوق مالکیت فکری اتباع دیگر کشورهای عضو شده‌اند. سابقه وضع قانون در زمینه مالکیت صنعتی در کشور ما به حدود ۹۰ سال پیش، یعنی قانون ثبت علائم صنعتی و تجارتی (مصوب ۱۳۰۴) بازمی‌گردد و بعد از تیرماه سال ۱۳۱۰ قانون ثبت اختراعات و علائم تجاری جایگزین آن شد. این قانون تا سال ۱۳۸۶ به قوت خود باقی بود و در سال ۱۳۸۶ جای خود را به قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری داد. دولت ایران در سال ۱۳۳۸ به کنوانسیون مالکیت صنعتی پاریس پیوست و طی یک دهه گذشته به عضویت چندین معاهده بین‌المللی دیگر، از جمله موافقت‌نامه و پروتکل مادرید در خصوص علائم تجاری، موافقت‌نامه لیسبون و معاهده همکاری ثبت اختراع (PCT) درآمد.

**قوانین داخلی چه کمبودهایی دارد؟**

به رغم اینکه ایران هم از نظر پیشینه قانون‌گذاری و هم از نظر تنوع و جامعیت قوانین از وضع نسبتاً خوبی برخوردار است، پاره‌ای کمبودها در قوانین داخلی ما وجود دارد. یکی اینکه به بعضی از موضوعات، مانند حمایت از رقابت منصفانه و مقابله با رقابت مکارانه و نیز حمایت از اسرار تجاری توجه کافی نشده است. دیگر اینکه ضمانت اجرای قانونی مؤثر و کارآمدی برای حمایت از حقوق مالکیت فکری وضع نشده و آن مقدار هم که در قانون وضع شده نوعاً روی کاغذ است و در عمل به طور کامل اجرا نمی‌شود. همچنین در سال‌های اخیر، با وجود وضع قوانین جدید و تکمیل قوانین گذشته، نوعی تشتت و عدم انسجام و ناهماهنگی و بخشی‌نگری در دستگاه‌ها و مراجع ذی‌ربط به چشم می‌خورد. قوانین ما در حوزه مالکیت صنعتی به طور کلی با ترم‌های بین‌المللی انطباق دارد، اما در حوزه مالکیت ادبی هنری (معروف به کپی‌رایت)، برابر ماده ۲۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، قلمرو حمایت محدود به آثاری است که برای نخستین بار در ایران منتشر می‌شوند و آثاری که برای نخستین بار در خارج از کشور منتشر می‌شوند اصولاً مشمول حمایت قانون نیستند. بحث توسعه قلمرو حمایت از حقوق مؤلف در قانون داخلی و پیوستن به معاهدات بین‌المللی مربوط به کپی‌رایت سال‌ها است که در مراجع ذی‌ربط مورد بحث و بررسی قرار دارد و تاکنون مورد توافق متولیان امر واقع نشده است.

**تشکیل سازمان ملی مالکیت صنعتی را ضروری می‌دانید؟**

در قانون ۱۳۰۴ وظیفه ثبت علامت تجاری به عهده وزارت تجارت بود و با تصویب قانون ثبت اختراعات و علائم تجاری ۱۳۱۰ این وظیفه به عهده اداره ثبت اسناد نهاده شد. در سال ۱۳۵۴ اداره مالکیت صنعتی به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تشکیل شد که در سال ۱۳۸۷ به اداره کل ارتقا یافت. بنابراین این اداره دارای حدود ۸۰ سال قدمت و تجربه است. با وجود این، ضعف بدنه کارشناسی در این اداره،



## مردی از آینده

نگاهی به زندگی احمد بلندنظر ریش شورای ملی زیتون، کارآفرینی که در کویر، زیتون کاشت

از کشورهای مختلف و وزرا و رئیس‌جمهورهای دولت‌های گوناگون. در حالی که به تقدیرنامه‌هایش اشاره می‌کند، ماجرای دیدارش با سفیر استرالیا را تعریف می‌کند و می‌گوید: «سفیر استرالیا، دوتا سوال ازم پرسید؛ اول اینکه زیتون متعلق به آب و هوای مدیترانه‌ایه، چه‌جوری اینجا کاشتی؟ یعنی ما تا الان اشتباه می‌کردیم توی دانشگاه می‌گفتیم زیتون در مناطق خشک عمل نمی‌آد؟ سوال بعدیش هم این بود که چرا توی قم این مزرعه رو راه انداختم؟»

البته که دو سوال سفیر استرالیا، سوال خیلی از افرادی است که مزرعه فدک را در قم از نزدیک می‌بینند، اما بلندنظر به این راحتی‌ها جواب دو سوال را نمی‌دهد؛ او سوال‌های ذهن مخاطب را با خود به کل مزرعه می‌برد و جزء به جزء تعریف می‌کند. از ماشین پژو ۴۰۴ قدیمی‌اش که مدعی است با آن به اندازه ۱۵ بار دور کره زمین را چرخیده، می‌گوید یا از دامداری‌ای که برای ارگانیک نگه داشتن زیتون‌هایش راهاندازی کرده صحبت می‌کند. از پشت بام دفتر بلندنظر می‌توان کل مزرعه را دید. مزرعه‌ای که از یک سمت به دامداری می‌رسد و در مقابل، کوه‌ها، مرز انتهایی را مشخص می‌کنند. اما مزرعه او با اینکه ۱۲۰ هکتار مساحت دارد، بزرگ‌ترین مزرعه زیتون کشور نیست. به گفته بلندنظر، دو تا باغ ۷۰۰ هکتاری دیگر در کشور، یکی در داراب فارس و یکی هم در شمال کشور وجود دارد که از مزرعه او بزرگ‌ترند. البته همین مزرعه با اینکه به اندازه آن دو مزرعه دیگر بزرگ نیست، اما بازدید زیاد دارد؛ از مردم عادی تا کشاورزان، و سفرا و استادان کشورهای مختلف، چرا که محصولات مزرعه فدک کاملاً ارگانیک است. از همان پشت بام، ماشین قدیمی بلندنظر خودنمایی می‌کند. پژو ۴۰۴ قدیمی آبی‌رنگ که البته دیگر مانند روزهای اوچش چشم‌ها را خیره نمی‌کند. حتی دو چرخ سمت راستش هم دیگر در جایشان نیستند. اما او از آن به عنوان «عشق جوانی» یاد می‌کند. ماشینی که به اندازه میلیون‌ها

یازده کیلومتر آن طرف‌تر از جمکران، تا چشم کار می‌کند فقط کویر است و بیابان. اما یک تکه زمین سبز از دور توجه‌ها را به خود می‌کشد، زمینی که در ورودی‌اش، دو بادگیر بلند خودنمایی می‌کند. بادگیرهایی که در این بیابان درندشت، مشخصه شرکت «کشت و صنعت زیتون فدک سراج» است. شرکتی که در اقدامی نامتعارف، در هوای گرم و خشک قم، مزرعه زیتون راهاندازی کرده و تمام معادلات کشاورزی را به هم زده و البته موفق شده است.

احمد بلندنظر مردی است شق و رق از دهه ۲۰ که این اقدام پرریسک را انجام داده است. دفترش در مزرعه فدک، پر است از دعوت‌نامه‌های مختلف

بلندنظر در گلخانه‌هایش  
انوع و اقسام نهال‌های  
زیتون را پرورش می‌دهد.





عکس‌ها: رضا معطریان

معادن در نزدیکی‌های مزرعه که به نظرش خاک مرغوبی داشته از کامیونی ۱۰۰ تومن در سال ۵۸ تا کامیونی ۱۸۰۰ تومن در سال ۷۴ خریده است.

#### ← نداشتن آینده‌نگری، مشکل اصلی مردم

احمد بلندنظر متولد سال ۱۳۲۶ است و باغ فدک را سال ۱۳۵۹ راه‌اندازی کرده است. می‌گوید از همان ابتدای کار می‌دانسته که کشور با مشکل کم‌آبی مواجه می‌شود، بعد هم از اینکه مردم ایران آینده‌نگر نیستند شکایت می‌کند. او می‌گوید: «مصیبت این کشور اینست که از مسئولین تا مردم عادی کسی آینده‌نگری نمی‌کنه که تا فردا بشود، فکر فردا کنیم. اما این طوری نمی‌شه موفق بود. من سال ۶۹ فهمیدم که ایران با بحران آب روبه‌رو می‌شه. پیشگو نبودم ولی از علایم می‌فهمیدم. می‌دیدم این‌طور که چاه عمیق می‌زنن و این ازدهای آب‌خوار رو مرتب به عمق زمین می‌فرستن، عاقبت به‌خیری نداره.» او به علت همین پیش‌بینی‌هایش به دنبال روش‌های نوین آبیاری می‌رود. در جای‌جای مزرعه نشان این آبیاری نوین هم دیده می‌شود. مثل دستگاه آبیاری تحت فشارش که در میان مزرعه خودنمایی می‌کند یا ۴۰۰ کیلومتر لوله‌گذاری که وظیفه آبیاری قطره‌ای مزرعه را بر عهده دارند.

در باغ فدک، زمانی مارها به کمک می‌آیند. درست همان سالی که موش‌ها به مزرعه حمله کرده بودند. اما این همه سال، حتی یک مورد مارگزیدگی در مزرعه دیده نشده‌است. اینجا لانه دومار ناجی است.



کیلومتر، یار جاده‌ای او بوده است. البته جاده‌گردی از علایق احمد بلندنظر است. او می‌گوید: «سال ۵۳، از جاده لندن به منچستر تا میدون انقلاب با ماشین اومدم. سال گذشته هم از مرز ارمنستان و تاجیکستان تا پل گیشا رانندگی کردم.»

کمی آن طرف‌تر از ماشین قدیمی‌اش، دیگر مزرعه و درخت‌های بزرگ و کوچک زیتون شروع می‌شود. تک‌تک درخت‌ها برایش حس و حال جداگانه دارد. «هیچ محصولی تو ایران این‌طوری پیدا نمی‌کنید. کلکسیون ارقام مختلف زیتون رو اینجا درست کردیم. طوری که وزن بزرگ‌ترین زیتون در مزرعه فدک، ۱۵ برابر کوچک‌ترین اونه. یعنی اینجا از زیتون نیم‌گرمی تا پونزده‌گرمی وجود داره.» بعد هم سوال ذهنی آدم‌های مختلف را به رخ می‌کشد و ادامه می‌دهد: «صلا فکر می‌کردین تو قم باغ زیتون باشه؟» البته که باز هم جواب این سوال را نمی‌دهد، اما در بازدید کل مزرعه این سوال را بارها و بارها به رخ می‌کشد. در مزرعه فدک، کوچک‌ترین زیتون‌ها به اندازه غوره است. زیتونی که به قول صاحبش بزرگ‌تر از این نمی‌شود و بهترین زیتون برای روغن‌کشی است. بلندنظر برای اینکه ادعایش را ثابت کند، یک زیتون روی دست هر نفر می‌شکند و می‌گوید: «بین چه روغنی دارم. این طبیعی‌ترین روغنی که در خلقت وجود داره. اما هم تلخه و هم تنده.»

نگاه او به طبیعت، نگاهی قدردان است چرا که حتی حاضر نیست علف‌های اضافی روییده در مزرعه را هرز بنامد. او از این علف‌ها استفاده می‌کند و تاکید می‌کند: «لقب هرز برای علف، توهین به خلقت و طبیعته. عصاره همین گیاه‌ها برای کلیه مفیده و از کجا معلوم که چند سال آینده، از همین گیاه‌ها، درمان قطعی سرطان اختراع نشه.»

کمی آن طرف‌تر از همین علف‌ها، یک قسمت از مزرعه کاملاً خالی است و در آن محصولی کاشته نشده است. او درباره آن با کمی شیطنت و خنده می‌گوید: «این قسمت رو برای آینده‌نگری نگه داشتیم. اینجا رو می‌خوام یونجه بکارم و برای جنگ جهانی سوم نگه داشتیم. چون اگه کشور به هم ریختن و غذا در جهان با کمبود مواجه شد، بتونیم برای خودمون و کارگرا غذا تهیه کنیم. اینجا که نمی‌شه گندم کاشت، بنابراین باید از این محصولا بکارم.» جاده‌های خاکی از بخش‌های مختلف مزرعه عبور می‌کند. بخش‌هایی که نسبت به سطح جاده بالا و پایین است. احمد بلندنظر می‌گوید برای اینکه سطح خاک را به اندازه مورد نظر برساند، ۱۵ سال خاک خریده و ۵ هزار مترمکعب در هکتار جابه‌جا کرده است. او این میزان خاک را از دو

البته او مدعی است که معلمش در تمام این سال‌ها، طبیعت و کره زمین بوده و مشاور اقتصادی نداشته و تمام این راه و روش‌ها را در کتاب‌ها خوانده و تحقیق کرده است. او حتی گواهی ثبت اختراع هم دارد و می‌گوید: «بشر مخالف طبیعت؛ سم می‌زنه، اره می‌کنه، درخت می‌بره و به آتیش می‌کشه، اما من هیچ کدوم از این کارا رو انجام نمی‌دم. حتی زیتونا در فدک با اقدامات صفر نوترین کاشته می‌شن. این روش هم یعنی زیتون از زیتون تغذیه و رشد می‌کنه» او درباره این روش ابتدا به چالهای طولانی اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «توی این چاله، شاخه‌های هرس شده زیتون رو می‌ریزیم. البته همه‌جا این شاخه‌ها رو آتیش می‌زنن. اما فقط به قسمتی در امریکا دیدم که این کار رو انجام می‌داده. چون اونجا اگر بخوان شاخه‌های اضافی رو آتیش بزنی، اول باید مجوز بگیرن و بعد پلیس، جرثقیل و آتیش‌نشانی حضور داشته باشن، به همین دلیل در امریکا اصولاً سعی می‌کنن شاخه‌های هرس شده رو آتیش نزنن. به این ترتیب اقدامی که من انجام می‌دم اینه که شاخه‌های هرس شده رو داخل این چاله می‌ریزم. حتی بعضی از شاخه‌ها زیتون داره. روی این شاخه‌ها علف می‌ریزم. کود حیوانی رو با خاک مخلوط می‌کنم و می‌ریزم روی علفا. بعد به جوی آب درست می‌کنیم و آبیاری سنگین انجام می‌دم. این مواد شروع می‌کنن به تجزیه کردن مواد. با گذشت یک تا دو سال روی این چاله‌ها نهال زیتون می‌کارم. سسال اول و دوم و سوم که نهال رشد داره از مجموع این زیتونا و خاک تغذیه می‌کنه، بعد که ریشه‌ش وسیع شد و به مرحله زایش رسید از زیتون تغذیه می‌کنه. یعنی صفر نوترین. نمی‌تونید در هیچ کجای دنیا این روش رو پیدا کنید. برای همین روش ثبت اختراع داشتم. توی یه مقاله نکته‌های خوندن، یازده سال تحقیق و آزمون و خطا کردم تا این اختراع ثبت شد.» کمی آن طرف‌تر از همین چاله‌های اختراع شده، بلندنظر اجاق کباب‌پزی و سکو و آلاچیق درست کرده و سطل‌های بزرگ زباله کار گذاشته است. می‌گوید در مزرعه فدک، بازدید برای عموم آزاد است. البته که به گفته او، مردم در این بازدیدها ضرر و زیان‌های زیادی به باغ می‌زنند، با این حال، در باغ را به روی عموم نمی‌بندد، چرا که اعتقاد دارد اگر در مزرعه بسته شود، مردم فرهنگ یاد نمی‌گیرند. او می‌گوید: «مردم اول باید ببینن، صدمه بزنی و اشتباه کنن و تذکر بشنون تا بعد یواش‌یواش یاد بگیرن.»

در کنار همین آلاچیق‌ها، او قسمتی از زمین را بایر و دست‌نزنه نگه داشته است. به قول خودش این زمین را برای این، این‌طور نگه داشته است تا به مردم و آیندگان نشان دهد چقدر برای تبدیل آن به مزرعه زحمت کشیده شده است. او در این راه، مشکلات زیادی را تحمل کرده است. مشکلاتی از جمله سرمای سال ۸۶ که ۳۰ هزار درخت زیتونش را خشک کرد و به گفته خودش ضرر ۴ میلیارد دلاری به او زده است. به همین دلیل بلندنظر مجبور شده دوباره تمام درخت‌ها را از اول بکار. مشکل دیگرش هم حفظ ارگانیک



در مزرعه فدک، بزرگترین زیتون، ۱۵ برابر کوچکترین زیتون است.



بار بعضی درخت‌ها آنقدر زیاد است که شاخه‌ها را خمیده کرده‌است.



در کارگاه صنایع تبدیلی مزرعه فدک، زیتون‌ها به کنسرو تبدیل می‌شود و روغن زیتون‌های ارگانیک تولید می‌شود.



یونجه موردنیاز دام هم در خود مزرعه تولید می‌شود.

در مزرعه فدک، علاوه بر زیتون، پسته، به‌لیمو، گیاه اوکالیپتوس و درخت‌های انار هم دیده می‌شود. البته بلندنظر می‌گوید پسته و انار برای مردم است. انار را مردم خودشان کاشته‌اند و مصرف می‌کنند.



ریشه‌های نهال‌های زیتون در گلخانه‌ای مجزا به ترتیب و شرایط خاص کاشته می‌شود.



آبیاری تحت فشار، از جمله راهکارهایی بلندنظر برای کاهش استفاده از آب است.



در مزرعه بلندنظر، دامداری بزرگی هم وجود دارند تا کود سالم برای تولید زیتون ارگانیک را مهیا کنند.



ماشین احمد بلندنظر که با آن معادل ۱۵ بار دور کره زمین را رانندگی کرده است.

بودن محصولش است. او برای اینکه بتواند سلامت محصولش را در برابر هر نوع ماده شیمیایی حفظ کند، دامداری‌ای بزرگی راه‌اندازی کرده است. البته که گاوها در نهایت ماهی چندین تن شیر برایش تولید می‌کنند، اما او می‌گوید دامداری را بیشتر برای به دست آوردن کود طبیعی راه انداخته و اینکه شیر و گوشت هم غذای مردم است.

#### ← راز زیتون

انتهای بازدید که می‌شود، بلندنظر بالاخره راز راه‌اندازی مزرعه زیتون در قم را برملا می‌کند. او می‌گوید: «بعد از انقلاب فکر کردم که باید کشور رو خودمون بسازیم. پدرم روحانی کشاورز بود و همیشه توصیه می‌کرد که خارج از شهر کار کنیم. البته من اول گوش ندم، درس خوندم و تجارت کردم. اما بعدش شروع به ساختن کردم. من با نیت سازندگی و برای مردم غذا تولید کردم. سال ۷۶، سفیر استرالیا برای بازدید اومد و گفت می‌ره برای کشورش گزارش کنه که ایرانیا تونستن توی کویر زیتون بکارن. اون از من سوال کرد که توی ایران، قزوین، گرگان و خوزستان که منطقه‌های حاصلخیزترین، چرا اونجاها این کار رو انجام ندادی؟ چی پیدا کردی که اینجا اومدی؟ گفتم آقای سفیر، شما آدم خبرهای هستید؛ به نظر شما چند درصد از خاکای کشور ایران حاصلخیزه؟ در واقع، فقط پونزده درصد از خاکای ایران حاصلخیزه. اون زمان، جمعیت ایران ۶۰ میلیون نفر بود. یعنی با این میزان خاک، فقط برای ۹ میلیون نفر از مردم کشور می‌شد غذا تولید کرد، بنابراین اگر خارج از این مناطق بشه غذا تولید کرد، درسته و کار خاصی صورت گرفته، و گرنه تولید توی خاک حاصلخیز و آب فراوان که هنر نیست.»

سوال دوم این بود که چرا او بین همه محصولات مختلف کاشت زیتون را انتخاب کرده است. او این سوال هم این‌طور جواب داد: «یه دوستی داشتم که گلداری به من سر می‌زد. همیشه می‌گفت تو چرا زیتون می‌کاری؟ خیلی دردرس داره و اصلا سودآور نیست. بیا گل رز بکار، زود به بار می‌شیننه و سود می‌ده. بعد از اینکه چند بار رفت و اومد و اصرار بر حرفش داشت تا زیتونارو جمع کنم، یه خاطره‌ای برایش تعریف کردم. بهش گفتم جنگ که تموم شد، مادری خانواده نماز صبح خوانده نخونده، می‌رفتن صف می‌ستن تا روغن هیدروژنه سرطانی بخرن. همین الان اگر سرطانی هست از اون موقع باقی مونده. من تو صف‌های شهرهای مختلف از تهران و قم و بقیه شهرها، هیچ‌کس رو نمی‌بینم که تو صف گل یا گوجه باشه. اما زنای خانواده‌ها تو صف روغن بودن. واسه همین به این فکر بودم که روغنی تولید کنم که سرطان‌زا نباشه و در عوض سرطان رو هم ببره.»



## مردی علیه واردات

نگاهی به زندگی محمدکریم فضلی بنیانگذار صنایع گلرنگ

زندگی‌اش ابتدا راهی همدان شد و بعد به پایتخت آمد تا شاید بتواند شغل بهتری پیدا کند و به رویاهایش که راهاندازی کارخانه و واحدهای تولید و کارآفرینی بود برسد؛ آرزویی که شاید وقتی آن روزها با افراد مطرح می‌کرد کسی حتی یک درصد هم آن را باور نمی‌کرد و در آتیه او نمی‌دید. خودش خاطره‌ای از آن روزها دارد که در مصاحبه‌ای آن را این گونه تعریف کرده است: «خاطره‌ای که از این دوران به ذهنم می‌آید درباره انسان شریفی است که ما مدتی مستاجر او بودیم. من آن قدر درگیر فعالیت و کوشش برای انجام ایده‌هایم و زمینه‌سازی برای آنها بودم که گاهی نمی‌توانستم کرایه‌خانه را سر وقت بدهم اما صاحب‌خانه که فوق‌العاده انسان پاک و درستکاری بود، مدارا می‌کرد. یک روز صاحب‌خانه به من گفت که کاری برای شما پیدا کرده‌ام. شما می‌توانید در بازار به حسابداری بپردازید و ۲۵۰ تومان هم حقوقتان خواهد بود. صاحب‌خانه از روی خیرخواهی و نیز به خاطر عدم اطلاع از برنامه‌های من، این پیشنهاد را مطرح کرده بود. در جواب او گفتم که من به دنبال کارهای بزرگ هستم و می‌خواهم تلاش کنم که ان‌شاءالله هزاران نفر مشغول کار شوند و حقوق و درآمدشان هم حداقل ۱۰۰۰ تومان باشد، چون کسی با ۲۵۰ تومان و چنین مبلغ‌هایی نمی‌تواند زندگی خود و خانواده‌اش را اداره کند. صاحب‌خانه چون آدم بسیار با حسن نیت و مهربانی بود، چیزی نگفت و رفت اما حس کردم کمی ناراحت شده‌است. وقتی شب به منزل برگشتم، به همسرش گفتم که من فکر می‌کنم این جوان از فرط مشکلات و خستگی، مشکل ذهنی پیدا کرده چون با من از کارهای بزرگ صحبت می‌کرد! خانم صاحب‌خانه نیز که با همسر من صمیمی بود و از دیدگاه‌ها و وضعیت ما تا حدودی اطلاع داشت، به همسرش گفته بود که او به دنبال پیشرفت است و همیشه دنبال انجام کارهای بزرگ بوده و مطمئن باشید که مشکل فکری ندارد.»

نکته مهم در روحیه محمدکریم فضلی این است که او همیشه مرد روزهای سخت بوده‌است و هیچ‌گاه به‌سادگی مایوس نشده و از خواسته‌هایش دست نکشیده‌است؛ به گفته خودش در سال‌های ابتدایی که به تهران آمده بود (دو-سه سال اول) چرخ زندگی آن چنان که باید برایش نمی‌چرخید و با مشکلات بسیاری روبه‌رو بود و امکان کار برایش چندان به وجود نمی‌آمد اما با همه اینها محمدکریم به دنبال فرصتی بود تا تحولی اساسی در زندگی‌اش شکل دهد؛ «هرگز مایوس نشده و همیشه با امید زندگی کرده‌ام و همین روحیه همیشه راه را برای اتفاقات بزرگ در زندگی‌ام باز گذاشته‌است.»

### ← گره‌گشایی صابون‌سازی در زندگی

بعد از دو-سه سال تجربه فعالیت و کارهای مختلف، فکری ویژه به ذهن



فکر می‌کنید چند درصد از کسانی که سوار قطار بازی در مجتمع کورش می‌شوند و از شدت هیجان فریاد می‌زنند یا از پله‌های برقی این مجتمع بالا می‌روند و به خرید می‌پردازند، می‌دانند که بین مجموعه کورش با شامپوی گلرنگ، روغن فامیلا، اویلا، پوشک بچه مرسی، پودر و مایع سافتلن، حامی مالی سریال «شوخی کردم» و... یک ارتباط مشخص وجود دارد؛ مالک همه اینها گروه صنعتی گرنگ است که به دست محمدکریم فضلی تأسیس شد و حالا مدیریتش با فرزندش مهدی فضلی است.

محمدکریم فضلی متولد هفتم اردیبهشت ۱۳۱۱ در شهر تویسرکان استان همدان است و سال گذشته تولد ۸۳ سالگی‌اش را در گروه تولید گلرنگ با حضور کارمندان و مدیران این مجموعه جشن گرفت. او در خانواده‌ای مذهبی بزرگ شد و پدرش از بازرگانان خوشنام منطقه بود؛ محمدکریم کار را از کودکی نزد پدرش شروع کرد؛ خودش در مصاحبه‌ای که روی سایت مجموعه گلرنگ جای گرفته این گونه از آن سال‌ها و پدرش تعریف می‌کند: «خستین فعالیت اقتصادی و کاری خود را پس از انجام تحصیلات و قبل از ازدواج، نزد پدرم که عطار و عمده‌فروش بود، آغاز کردم. مرحوم پدرم از بازرگانان خوشنام و اهل فضل منطقه بود و در آن دوره نظرات و اندیشه‌هایی فراتر از روزگار خود داشت، در آنجا من با علاقه خاصی کار پدرم را ادامه می‌دادم و او نیز از نحوه کارم بسیار راضی بود.»

پس از پشت سر گذاشتن دوران نوجوانی، محمدکریم مسئولیت تشکیل خانواده را پذیرفت و در ۲۰ سالگی ازدواج کرد و بعد برای بهتر کردن شرایط

حاج محمدکریم فضلی در شهر تویسرکان استان همدان به دنیا آمد. او از همان کودکی و از طریق پدرش که عطاری داشت و از بازرگانان شهرشان بود با دنیای کار آشنا شد.

مهدی فضلی فرزند محمدکریم فضلی پس از فارغ‌التحصیلی به شرکت پاکشو پیوست و کار تولید را توسعه داد و چندین واحد جدید به مجموعه اضافه کرد.

«گروه صنعتی گلرنگ» به ریاست هیئت‌مدیره استاد حاج محمدکریم فضلی و انتخاب مهدی فضلی به سمت مدیرعاملی تأسیس شد.

شرکت تولیدی شیمیایی پاکشو تأسیس شد. این شرکت از آن زمان تاکنون رو به رشد و توسعه بوده و هم‌اکنون یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های صنعت شوینده کشور محسوب می‌شود.

آینده‌نگر | tccim.ir | شماره چهل و سوم، دی ۱۳۹۴



سلیمانی در مصاحبه‌ای درباره آینده شرکت‌هایش گفته: «روش من مثل دوی چهارصد متر است، صد متر اول را ما رقیتم، برای صد متر دوم کار را به مدیران جوان سپردیم و آنها هم باید صد متر سوم کار را به دیگران سپرند. من دنبال نوآوری و تأسیس شرکت‌های جدید هستم.»



محمدکریم فضلی متولد هفتم اردیبهشت ۱۳۱۱ در شهر تویسرکان استان همدان است و سال گذشته تولد ۸۳ سالگی‌اش را در گروه تولید گلرنگ با حضور کارمندان و مدیران این مجموعه جشن گرفت

فضلی: «همیشه نگران و ناراحت بودم که چرا ما باید همه چیز را وارد کنیم و خود نظاره‌گر کار و پیشرفت دیگران باشیم؟ ناراحت‌کننده‌تر اینکه می‌دیدم هم‌وطنانم به مصرف کالاهای خارجی افتخار هم می‌کنند و دنبال این گونه کالاها هستند»

### ◀ نسل دوم و دوران طلایی مجموعه گلرنگ

در این بین یکی دیگر از ویژگی‌های محمدکریم فضلی اعتقاد او به نیروی جوان به‌خصوص نیروی تحصیل کرده است. او همیشه تلاش کرده برای توسعه کار و تولید محصولات جدید از پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های نیروی جوان استفاده کند و اعتماد کامل به نیروی جوان نشان دهد. او حتی از یک جایی به بعد تصمیم گرفت سسکان هدایت واحدهای تولیدی‌اش را به پسرش مهدی بسپارد. محمدکریم فضلی از نیرو و انرژی پسرش برای نخستین بار در سال ۱۳۶۸ که او دانشجوی سال دوم دانشگاه تهران بود استفاده کرد؛ خودش گفته عشق و علاقه پسرش به کار او را تحت تأثیر قرار داده و همه اینها در نهایت باعث شد تا پدر پس از فارغ‌التحصیلی پسر در سال ۱۳۷۲ کار را به دست او بسپارد و خود کم‌کم کنار برود و نقش پدر معنوی، هدایتگری مجموعه و ریاست هیات مدیره را برعهده بگیرد.

با ورود مهدی فضلی به عنوان مدیرعامل به مجموعه در رویه مدیریت واحدهای تولید این مجموعه تحولات بسیاری اتفاق افتاد و خون تازه‌ای به مجموعه تزریق شد، توسعه شرکت سرعت بیشتری به خود گرفت و تعداد زیادی واحد تولیدی جدید همچون اوه، سافتلن و... به این مجموعه اضافه شدند تا جایی که هم‌اکنون تعداد واحدهای این مجموعه به نوشته سایت گلرنگ به بیش از ۴۰ واحد رسیده است و تنوع بسیار زیادی در تولید محصولات دارند که از واحدهای صنعتی و تولیدی تا واحدهای سوپرمارکت افق کوروش، مجتمع کوروش و سرمایه‌گذاری در ساخت فیلم و سریال و توزیع و... را شامل می‌شود.

یکی از مهم‌ترین تحولات این سال‌های این مجموعه راهاندازی هلدینگ گلرنگ یا گروه صنعتی گلرنگ در سال ۱۳۸۲ بوده است که شرکت‌های مختلفی همچون پاکشو، گل پخش اول، گلرنگ پخش، پدیده شیمی نیلی، پدیده شیمی پایدار، گلبرگ بهاران، ماریناسان، پخش پدیده پایدار، آربن پخش پیشرو و... را شامل می‌شود. این مجموعه علاوه بر حضور در صنایع آرایشی بهداشتی در یک دهه گذشته بخشی از تمرکز خود را روی تولید محصولات خوراکی همچون روغن نباتی گذاشته و اکنون انواع روغن‌ها را با مارک فامیلا، اوپلا و... تولید می‌کند.

براساس نوشته سایت این مجموعه، گروه صنعتی گلرنگ هم‌اکنون و بعد از گذشت نزدیک به نیم قرن از شروع فعالیت‌هایش با بنیان‌گذاری محمدکریم فضلی، بیش از ۱۰ هزار کارمند و کارگر دارد و سالانه بیش از یک میلیارد واحد محصول در شرکت‌های مجموعه گلرنگ ارائه می‌شود و به فروش می‌رسد، آمارهایی که به خوبی نشان می‌دهد چگونه با تلاش و کوشش یک مجموعه، صنعتی عظیم از دل یک کارگاه صابون‌سازی شکل گرفت و به همین دلیل هم هست که حاج محمدکریم فضلی به عنوان یکی از کارآفرینان برتر کشور بارها مورد تشویق و تقدیر قرار گرفته است و نام و برند گلرنگ در جشنواره‌های صنعتی بر سر زبان‌ها بوده است. گروهی صنعتی که به گفته مهدی فضلی هدف‌گذاری اصلی آن ورود به فهرست ۵۰۰ شرکت برتر جهان در سال‌های آینده است.

محمدکریم رسید و شاید همین موضوع بود که به مسیر زندگی او سروسکلی خاص داد و با کف و پودر شوینده آمیخته کرد و البته به راهاندازی واحدهای تولیدی بسیاری منتهی شد. پس از چند سال شکست در کارهای گوناگون محمدکریم تصمیم گرفت این بار شانس خود را در صابون‌سازی و مواد بهداشتی امتحان کند، کاری که در دوران نوجوانی از پدرش آموخته بود و در آن مهارت کافی داشت و از سوی دیگر هم به این نتیجه رسیده بود که در ایران آن چنان که باید و شاید در صنایع شویندگی پیشرفتی اتفاق نیفتاده و واحدهای تولید آن چنانی وجود ندارد، بنابراین تصمیم گرفت خود دست‌به‌کار شود. محمدکریم در ابتدا کارگاه کوچکی راهاندازی کرد و در مرحله اول مایع ظرف‌شویی تولید می‌کرد و پس از مدتی سفیدکننده را نیز به واحد تولیدی‌اش افزود و به همین صورت محصولاتی دیگر همچون پودر لباس‌شویی با برند «گلرنگ سوپر»، جرم‌گیر، شیشه‌شوی و نرم‌کننده لباس را نیز اضافه کرد. تحولاتی که همگی در اوایل دهه ۴۰ اتفاق افتاد و در نهایت به توسعه یافتن واحد تولیدی او و گسترش کارش منجر شد.

او در گفت‌وگویی که روی سایت واحد تولیدی گلرنگ قرار گرفته، گفته است: «همیشه نگران و ناراحت بودم که چرا ما باید همه چیز را وارد کنیم و خود نظاره‌گر کار و پیشرفت دیگران باشیم؟ ناراحت‌کننده‌تر اینکه می‌دیدم هم‌وطنانم به مصرف کالاهای خارجی افتخار هم می‌کنند و دنبال این گونه کالاها هستند. بنابراین تصمیم گرفتم باتوجه به تجربه کودکی صابون‌سازی و تولید محصولات شوینده را شروع کنم و با افرادی شروع به همکاری کردم که بتوانم از آنها کارهای تولیدی بیاموزم. خودم کارگاه کوچکی دایر کردم و بازاریابی مناسب محصولات خود را به طور گسترده و کلی در دست گرفتم و به بسیاری از بیمارستان‌ها، هتل‌ها و سازمان‌ها با عنوان «موسسه تولیدی و شیمیایی گلرنگ» محصولاتم را می‌فروختم. این روند تا اوایل دهه ۵۰ ادامه داشت تا اینکه به صورت رسمی شرکت «پاکشو» را تأسیس کردم و فعالیت‌هایم را بیش از گذشته توسعه دادم» البته در آن سال‌ها مقیاس کار محمدکریم فضلی ابتدا خیلی بزرگ نبود اما رفته‌رفته و سال به سال با تلاش و برنامه‌ریزی دقیق، پیشرفت و توسعه بیشتری در واحدهای تولیدی‌اش رخ داد و هم‌زمان بر تعداد کارگران و کارمندان اضافه شد و کار آن چنان گسترده شد که او به یک کارآفرین واقعی تبدیل شد و رویاهایش که روزی با مرد صاحب‌خانه مطرح کرد و او باورش نکرده، رنگ واقعیت به خود گرفت. او در این بین با چالش‌هایی هم دست به گریبان بود. برای مثال هم‌زمان با وقوع انقلاب و سال‌های جنگ و دفاع مقدس به دلیل نبود ارز برای واردات مواد اولیه، واحدهای تولیدی پاکشو همچون تعداد زیادی از واحدهای صنعتی دیگر کشور با مشکل مواجه شد اما محمدکریم فضلی صادرات را به هر قیمتی شده در دستور کار قرار داد و توانست از این راه ارز مورد نیاز واحدهایش را تأمین کند و تولیدی‌اش را در روزهای سخت از گردهای پریچ خم تحریم و جنگ تحمیلی نجات دهد بدون اینکه تعدیل نیرویی داشته باشد؛ خودش گفته است خط قرمز در آن سال‌ها تعدیل نیرو و اخراج کارگران بوده و هیچ‌گاه در این جهت قدمی برنداشته است.

مجمع شماره ۲ پاکشو افتتاح و گروه صنعتی پاکشو تشکیل شد. پاکشو به بورس اوراق بهادار تهران وارد شد. مجتمع فرهنگی تجاری کوروش افتتاح شد.

دانشگاه جامع علمی- کاربردی گلرنگ باهدف ارتقای سطح مهارت شاغلان بخش‌های مختلف صنعت بنیان گذاشته شد.

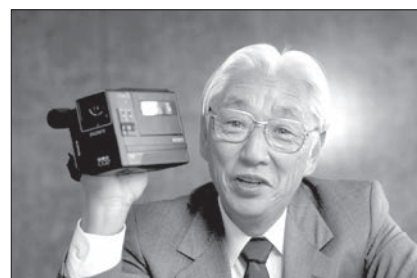


موسسه فرهنگی گلرنگ رسانه با مأموریت پخش فیلم‌های مطرح سینمایی در سراسر کشور و شرکت صنایع الکترونیک گلرنگ باهدف تکثیر دی‌وی‌دی فیلم‌های سینمایی، سرپال‌ها و... تأسیس شد.

# از اختراع رادیو ترانزیستوری تا تلویزیون رنگی

## نگاهی به زندگی موسس شرکت سونی، آکیو مورتا

در کنار تولید محصولات جدید و متنوع آکیو مورتا به دنبال فتح بازارهای مختلف و افزایش مشتریان خود در کشورهای گوناگون نیز بود و از همین رو مثلاً در سال ۱۹۵۳ برای بازاریابی و معرفی محصولات به آمریکا و اروپا سفر کرد



کارگاه اولیه سونی در ساختمانی موشک‌خورده و آسیب‌دیده در قلب توکیو راه‌اندازی شد تا جایی که وقتی باران می‌بارید روی وسایل چتر می‌گرفتند و آنها را می‌پوشاندند تا خراب نشوند

آیا می‌توانید تصور کنید دو نفر روی ویرانه‌های جنگ جهانی دوم، سنگ بنای شرکتی جهانی را بگذارند که خیلی زود رهبری بی‌رقیب اختراعات پی‌درپی محصولات و وسایل الکترونیکی و صوتی و تصویری را در جهان در دست بگیرد و همچنان با وجود گذشت حدود ۷۰ سال بزرگ‌ترین تولیدکننده لوازم صوتی و تصویری جهان باشد؟ شرکتی که کارگاه اولیه آن در ساختمانی موشک‌خورده و آسیب‌دیده در قلب توکیو راه‌اندازی شد تا جایی که وقتی باران می‌بارید روی وسایل چتر می‌گرفتند و آنها را می‌پوشاندند تا خراب نشوند؛ اما حالا به بزرگ‌ترین مجتمع تولید لوازم صوتی و تصویری دنیا تبدیل شده و یکی از موفق‌ترین برندهای جهان است با کارخانه‌ها و فروشگاه‌های متعدد و چندین هزار نفر کارگر. خالق همه اینها کسی نیست جز «آکیو مورتا» موسس شرکت «سونی» ژاپن که به همراه دوست و همکارش «ماسارو ایبوکا» جهان را برای زندگی به جای لذت‌بخش‌تری تبدیل کردند؛ آنها بودند که رادیوهای ترانزیستوری را تولید کردند، ضبط صوت‌های جیبی ساختند و رنگ را به تلویزیون‌ها آوردند تا تصاویر از حالت سیاه و سفید خارج شود.

آکیو مورتا در سال ۱۹۲۱ در شهر ناگویای ژاپن و در خانواده‌ای ثروتمند به دنیا آمد؛ پدرش از تجار و صاحبان صنایع مشهور کشور بود و انتظار داشت که آکیو به عنوان فرزند بزرگش راه او را ادامه دهد. او در کتاب خاطراتش «ترقی ژاپن، تلاش آگاهانه، یا معجزه» (ترجمه به فارسی از هاشم رجب‌زاده) نوشته که او مسئولیت‌های پسر ارشد خانواده را به عهده داشته و پدرش مصمم بود که به او امور بازرگانی را از همان دوران کودکی بیاموزد؛ پدر آکیو برای اولین بار فرزند یازده‌ساله‌اش را به دفتر شرکتش برد تا به او نشان دهد که شرکت چگونه اداره می‌شود؛ روزی که با حضور در جلسه هیات مدیره هم همراه بود. آکیو در یکی از مصاحبه‌هایش در این باره گفته: «مجبور بودم در تمام زمان خسته‌کننده جلسه

هیات مدیره در کنار پدرم بنشینم؛ در حالی که هنوز مدرسه ابتدایی می‌رفتم و با گفت‌وگوهای بی‌پایان که درباره کارهای تجاری شرکت بود آشنایی نداشتم. بسیاری از مواقع از آنجا که پدرم رئیس شرکت بود از مدیران دعوت می‌کرد که برای دادن گزارش‌های لازم و برگزاری جلسات به خانه ما می‌بایند و اغلب اصرار داشت که من هم در جلسات حضور داشته باشم و به دقت به آنچه گفته می‌شد گوش کنم. اغلب می‌گفت که تو از حالا رئیس شرکت هستی، پسر ارشد خانواده‌ای، این را به خاطر داشته باش.»

البته همه چیز آن گونه که پدر می‌خواست رقم نخورد زیرا فرزندش علاقه چندانی به کارهای پدر نداشت و دوست داشت تا مسیر خود را طی کند و زندگی را آن گونه که می‌خواهد بسازد، مسیری که راهش از تولید صنایع الکترونیکی می‌گذشت. او به دلیل شرایط مالی مناسب خانواده از کودکی با

تکنولوژی روز آشنا بود و همیشه برایش جذاب بود بداند که این وسیله‌ها چگونه کار می‌کنند؛ به یمن علاقه پدر به فناوری‌های جدید و وارداتی و محصولات خارجی در خانه آن‌ها ماشین لباس‌شویی جنرال الکتریک، یخچال وستینگ‌هاوس و وسایل الکتریکی دیگری همچون گرامافون وجود داشت و آکیو از بین آنها به گرامافون علاقه‌ای عجیب نشان می‌داد. او در مصاحبه‌ای در این باره گفته است: «مادر من به موسیقی کلاسیک غربی بسیار علاقه‌مند بود و صفحات بسیاری را برای گرامافون قدیمی خود می‌خرید. من بر این باورم که به خاطر مادرم بود که در من علاقه به وسایل صوتی الکتریکی پدید آمد. پدرم عقیده داشت اگر کسی موسیقی را دوست دارد باید به صدای خوب دسترسی داشته باشد. بنابراین، هنگامی که نخستین گرامافون جدید به بازار آمد اولین نفر در منطقه، ما بودیم که برای خرید آن پول فراوان خرج کریم. صدای کاملاً متفاوت دستگاه جدید نسبت به دستگاه قدیمی مکانیکی مرا گیج و متحیر کرد. من وسوسه شدم و سوالات بسیاری در ذهنم پدید آمد، شروع به خرید کتاب‌هایی درباره وسایل الکتریکی کردم. رویای من این بود که یک گرامافون الکتریکی بسازم و صدای خود را روی صفحه‌ای ضبط کنم. بالاخره به‌سختی موفق شدم به تنهایی یک گرامافون زمخت و یک رادیو بسازم، حتی توانستم صدای خود را روی صفحه‌ای ضبط کنم.»

همین کنجکاوی‌های کودکانه در نهایت باعث شد که آکیو مسیر آینده زندگی‌اش را انتخاب کند و در رشته فیزیک وارد دانشگاه اوزاکا شود. پس از پایان تحصیل که هم‌زمان با جنگ جهانی دوم بود او به عنوان افسر نیروی دریایی در دفتر فناوری، کار روی تکمیل دستگاه‌ها و سلاح‌های حرارت‌یاب و ادوات هدف‌گیر شبانه را آغاز کرد. در همان جا بود که با مهندس «ماسارو ایبوکا» نابغه و مخترع آشنا شد، او کسی بود که آمپلی‌فایری نیرومند ساخته بود که می‌توانست آشفته‌گی جریان مغناطیسی در اعماق آب را برای زیردریایی‌ها اندازه‌گیری کند. در این دوران دوستی عمیقی بین آکیو و ماسارو شکل گرفت که چند سال بعد به تاسیس شرکت مشترک آنها منجر شد.

با پایان جنگ پس از بمباران اتمی ژاپن در سال ۱۹۴۵ برای مدتی آکیو مورتا و ماسارو ایبوکا از هم جدا شدند، آکیو به شهرش برگشت و ماسارو در توکیو ماند و شرکت جدیدی تاسیس کرد. اما آکیو مورتا پس از مدت کوتاهی برای تدریس به توکیو بازگشت و اطلاع یافت که دوست و همکارش ماسارو سلسله مقالاتی در زمینه دستگاه‌های جدید الکتریکی در روزنامه معروف ژاپنی «آساهی شینبون» نوشته و شرکتی تاسیس کرده است. او به ملاقات دوستش رفت و با پیشنهاد او برای کار در شرکتش مواجه شد. آکیو مورتا در کتاب خاطراتش می‌نویسد: «تصمیم گرفتم در شرکت جدید ایبوکا به صورت محقق نیمه‌وقت کار کنم اما همیشه نقشه‌ها و طرح‌هایی برای راه‌اندازی شرکت جدیدمان داشتم تا اینکه او هم پذیرفت و «شرکت مهندسی مخابرات ژاپن» را در سال ۱۹۴۶ با مجموع سرمایه ۵۰۰ دلاری (۱۹۰ هزار یورو) و ۲۰ نفر نیرو راه‌اندازی کردیم؛ در واقع تاریخچه شرکت ما سرگذشت گروهی از مردمی است که سعی می‌کردند به من و ایبوکا کمک کنند تا بتوانیم به رویاهایمان برسیم.»

در آن زمان آکیو مورتا ۲۵ ساله و ماسارو ایبوکا ۳۸ ساله بود و رویای آنها ساخت وسایل الکتریکی جدید و نوآوری در این وسایل بود؛ محل فعالیت

آکیو موریتا درباره نام شرکت در کتاب خاطراتش نوشته: «کلمه لاتین SONUS را پیدا کردیم که به معنی صداست، مناسب بود زیرا کار ما پر از صدا بود. بنابراین، روی کلمه SONUS کار کردیم، هم‌زمان با این در آن ایام دو کلمه انگلیسی هم متداول شده بود SONNY یا SONNY-BOY که برخی به جوانان باهوش خطاب می‌کردند بنابراین تصمیم گرفتیم این نام را انتخاب کنیم اما متأسفانه کلمه SONNY در زبان ژاپنی به معنای از دست دادن پول فراوان است.»



باشد حتی مشتریان؛ او می‌گفت به‌جای اینکه از مردم بپرسیم چه چیزهایی مورد نیازشان است با ارائه محصولات جدید باید آنان را به دنبال خود بکشیم زیرا مردم نمی‌دانند چه کارهایی امکان‌پذیر است در حالی که ما می‌دانیم می‌توانیم چه دنیای جدیدی برای آنها بسازیم. در واقع در شرکت سونی آکیو نقش قلب مجموعه را بازی می‌کرد و به بازاریابی، توسعه فعالیت‌ها و شرکت‌داری می‌پرداخت و ماسارو ایبوکا مغز متفکر مجموعه بود که جهان آینده لوازم صوتی و تصویری را می‌ساخت و این همکاری بین این دو نابغه تا زمان مرگشان ادامه داشت؛ در ابتدا این ایبوکا بود که در سال ۱۹۹۷ در گذشت و چهار سال بعد هم آکیو در ۸۰ سالگی دیده از جهان فروبست در شرایطی که حدود ۱۰ سال بود مجله فوربز نام او را به فهرست ثروتمندترین مردان جهان افزوده بود. پس از مرگ او تمامی اموال و دارایی‌های او به همسر، دو پسر و تنها دخترش رسید و آنها نیز در این سال‌ها تلاش کردند تا میراث پدر یعنی شرکت سونی را همچنان در لوح افتخار نگه دارند؛ براساس آخرین آمارها این شرکت در سال ۲۰۱۳ بزرگ‌ترین و قدرتمندترین شرکت تولید لوازم صوتی و تصویری در جهان بود و بیش از ۷۲ میلیارد دلار درآمد داشت.

## ← مارک سونی چگونه شکل گرفت

آکیو موریتا درباره تغییر نام شرکت از «مهندسی مخابرات ژاپن» به سونی در کتاب خاطراتش نوشته: «در مسافرت نخست به خارج متوجه شدم که نام کامل ما، به ژاپنی، نام خوبی برای گذاشتن روی محصولات نیست. هیچ‌کس در خارج نمی‌تواند این گونه نام‌ها را تلفظ کند. ترجمه انگلیسی شرکت

مهندسی مخابرات ژاپن نیز بیش از حد بدترکیب بود. باید چیزی ابتکاری ارائه می‌دادیم و نام تازه‌ای پیدا می‌کردیم که هر دو کار را انجام می‌داد یعنی هم نام شرکت ما و هم علامت تجاری‌مان می‌بود. ایبوکا و من مدتی طولانی فکر کردیم و ده‌ها نام را بررسی کردیم و به فرهنگ‌ها مراجعه کردیم تا درباره نام شرکت تصمیم گرفتیم. کلمه لاتین SONUS را پیدا کردیم که به معنی صداست، مناسب بود زیرا کار ما پر از صدا بود. بنابراین، روی کلمه SONUS کار کردیم، هم‌زمان با این در آن ایام دو کلمه انگلیسی هم متداول شده بود SONNY یا SONNY-BOY که برخی به جوانان باهوش

خطاب می‌کردند بنابراین تصمیم گرفتیم این نام را انتخاب کنیم اما متأسفانه کلمه SONNY در زبان ژاپنی به معنای از دست دادن پول فراوان است پس مشکل جدیدی داشتیم و در نهایت تصمیم گرفتیم این

چالش را با جاذب یکی از حرف‌های N حل کنیم و این شد که برند ما صرفاً SONY شد و نتیجه هم کاملاً مثبت بود زیرا به خاطر سپردن آن آسان بود و در بازار هم مورد استقبال قرار گرفت و همین شد که در نهایت در ژانویه ۱۹۵۸ رسماً نام شرکت را به «سهامی سونی» تغییر دادیم و در دسامبر در بازار بورس نیویورک پذیرفته شد و این برند را در ۱۷۰ کشور و منطقه و در مقولات متعدد و نه تنها در الکترونیک به ثبت رساندیم.»

شرکت آنها طبقه سوم یک ساختمان نیمه‌مخروبه و جنگ‌زده بود. آکیو در خاطراتش نوشته: «به هر جا که نگاه می‌کردی خرابه‌های ناشی از بمباران مشاهده می‌شد. شکاف‌های زیادی در سقف وجود داشت، مواقع بارانی باید چتر بالای میزهایمان می‌گرفتیم. اقوام که برای دیدن من می‌آمدند باید آن اوضاع بد و ناجور شوکه می‌شدند چرا که من در ناگوای زندگی پسر رئیس یک شرکت معتبر را داشتم.»

اولین محصول شرکت آنها یک رادیو بود و بعد آنها به فکر تولید یک دستگاه ویژه افتادند: «ایبوکا تصمیم گرفته بود محصولی کاملاً جدید برای ژاپن تولید کند؛ دستگاه ضبط صوت نواری چیزی بود که او می‌خواست شرکت ما تولید کند. اما نور در واقع بخش اصلی پروژه ما بود که به نظر یک معما می‌رسید و کسی در ژاپن تجربه‌ای در خصوص نور ضبط مغناطیسی نداشت؛ حالا با گذشت سال‌ها همچنان برای ما باورنکردنی است که چگونه ایبوکا و من توانستیم به طور دستی آن نور را بسازیم.» ساخت انبوه نوارهای مغناطیسی (۱۹۴۹) و ضبط صوت (۱۹۵۰) بعد از تولید آزمایشی در کارخانه خیلی زود شروع شدند و البته مورد استقبال قرار گرفتند و همین موضوع به بزرگ‌ترین تبلیغ برای شرکت آنها تبدیل شد و انگیزه آکیو و ماسارو را افزایش داد تا هر چه بیشتر دست به نوآوری بزنند؛ موضوعی که خود آکیو هم معتقد است مهم‌ترین عامل موفقیت شرکت آنها در همه این سال‌ها بوده است.

در سال‌های بعد این دو شریک محصولات بسیار دیگری را برای نخستین بار روانه بازار کردند که برخی از مهم‌ترینشان شامل رادیو جیبی (سال ۱۹۵۷)، تلویزیون ترانزیستوری (۱۹۶۰)، تلویزیون‌های رنگی کروماترون (۱۹۶۴)، تلویزیون‌های رنگی ترینیترون (۱۹۶۵) و اولین دوربین فیلمبرداری خانگی (۱۹۶۵) می‌شود. علاوه بر اینها واکمن، مایکرو دیسک‌های کامپیوتری، فلاپی، پلی‌استیشن و ده‌ها محصول دیگر را شرکت آکیو و ماسارو جهانی کرد، موسسه‌ای که آنها بعد از مدتی و در آستانه راه‌اندازی نمایندگی‌هایی در سراسر جهان تصمیم گرفتند نامش را به «سونی» تغییر دهند.

در کنار تولید محصولات جدید و متنوع آکیو موریتا به دنبال فتح بازارهای مختلف و افزایش مشتریان خود در کشورهای گوناگون نیز بود و از همین رو مثلاً در سال ۱۹۵۳ برای بازاریابی و معرفی محصولات به آمریکا و اروپا سفر کرد و در سال ۱۹۶۰ با سفر به نیویورک شرکت سونی آمریکا را راه‌اندازی کرد. خود در کتاب خاطراتش اولین سفرش را این گونه نقل می‌کند: «می‌خواستیم ببینیم وضع دنیا چیست و جایگاه شرکت ما کجاست. بنابراین، برنامهریزی کردم که پس از تکمیل کارم در نیویورک، از اروپا نیز دیدن کنم. از کارخانه‌های فولکس واگن، مرسدس بنز، زیمنس و شرکت‌های کوچک بسیاری بازدید کردم. بازدید از شرکت فیلیپس هلند به من بینش تازه و دلگرمی داد. به مجسمه دکتر فیلیپس در جلو ایستگاه راه‌آهن خیره شدم. پیوسته در این فکر بودم که چگونه مردی که در محلی بسیار کوچک و دور دست نظیر آن شهر در یک مزرعه کشاورزی متولد شده توانسته کارخانه عظیمی را با فناوری بسیار بالا بنیاد کند. فکر کردم شاید ما هم بتوانیم چنین کاری را در ژاپن انجام دهیم. کاملاً یک رویا بود اما در نامه‌ای از هلند به ایبوکا نوشتم اگر فیلیپس توانسته چنین کاری انجام دهد پس ما نیز می‌توانیم.»

سخت‌کوشی، داشتن پشتکار و خوش‌بینی از جمله صفاتی هستند که آکیو به گفته خود از اجدادش به ارث برده بود و البته باعث موفقیت خیره‌کننده او در کارهایش شد. «پدرم به من هشدار می‌داد که در مورد تصمیم‌گیری‌های خود و نیز درباره دستورهایم به دیگران بسیار دقیق باشم و مسئولیت تمام کارهایم را به عهده بگیرم و به دنبال یافتن قربانی نباشم.» آکیو موریتا برای شرکت سونی شعار «روحیه سونی» را انتخاب کرده بود و معتقد بود سونی یک شرکت پیشگام است و قصد ندارد دنباله‌رو دیگران





منوی کامل فصل جوایز سینمای جهان

## مجسمه طلایی به چه کسانی می‌رسد؟

از اواسط آذر تا هفته اول اسفند که اسکار برگزار می‌شود  
تقریباً هر هفته گروهی از منتقدان بهترین‌های سال گذشته را اعلام می‌کنند



متفاوت اروپایی و فیلم «آدم‌کش» هوشیائو شین به عنوان نماینده آسیا. از حالا به بعد تازه فیلم‌های مهم آمریکایی که شانس اسکار دارند اکران خواهند شد. از دی‌ماه به بعد در سینمای جهان به فصل جوایز معروف است. وقتی انجمن‌ها و جشنواره‌های مختلف نامزدهایشان را معرفی می‌کنند. این جوایز در حقیقت راه را برای اسکار باز می‌کنند. از همین امروز تا آخر ژانویه موعد برگزاری‌شان است (با یک وقفه در تعطیلات کریسمس). اولینشان هم حلقه منتقدان نیویورک است که زودتر از بقیه انجمن‌های منتقدان و گلدن گلوب و اسکار برندگان را اعلام می‌کند. بیش از ۱۰۰ گروه وجود دارند که از آثار سینمایی تقدیر می‌کنند. اینجا قطعاً نمی‌شود همه جوایز را معرفی کرد. این مروری کوتاه روی مهم‌ترین‌هایشان است. وقتی این مطلب را می‌خوانید تعدادی از انجمن‌های منتقدان برترین‌های سال ۲۰۱۵ را در حوزه سینما معرفی کرده‌اند و شاید بهتر با راه و رسمشان آشنا شوید.

### صوفیا نصرالهی

باید اعتراف کنیم که سال گذشته وضعیت فیلم‌های سینمای جهان بهتر بود. خیلی از کارگردانان بزرگ و مهم فیلم ساخته بودند: از مستقل‌هایی مثل ریچارد لینکلتر و ووس اندرسون بگیرد تا کارگردان متفاوتی مانند پل توماس اندرسون و البته دیوید فینچر. کریستوفر نولان فیلم بزرگ «میان‌ستاره‌ای» را ساخته بود و تازه نوبت به اسکار که رسید هیچ کدام از این فیلم‌ها جوایز اصلی را نگرفتند. برنده اصلی «بردمن» الخاندرو گونزالس ایناریتو بود. امسال ولی هنوز فیلم‌های مهم از راه نرسیده‌اند. لاقلاً آن دسته از فیلم‌هایی که ممکن است شانس گرفتن اسکار داشته باشند، هنوز به نمایش درنیامده‌اند. ۲۰ فیلم برتری که مجلات سایت‌اندساوند و کایه‌دوسینما معرفی کرده‌اند بیشتر فیلم‌هایی هستند که در جشنواره کن به نمایش درآمدند. آثار

### حلقه منتقدان نیویورک چه کسانی هستند؟

سال ۱۹۳۵ این انجمن توسط منتقدان مقیم نیویورک تشکیل شد و این اواخر آنها اولین گروه منتقدانی هستند که جایزه‌های سالانه‌شان را اعلام می‌کنند.

چه وقت جوایز را اعلام می‌کنند؟  
هفته اول دسامبر.

برندگان بزرگ سال گذشته چه کسانی بودند؟

سال گذشته برخلاف ۲۰۱۳ انتخاب کاملاً قابل پیش‌بینی بود: «پسریجگی» ریچارد لینکلتر برنده بهترین فیلم و بهترین کارگردانی شد. فیلمی کاملاً خلاف جریان اصلی هالیوود. فیلمی که ساختنش ۱۲ سال طول کشیده بود و از شش سالگی تا هجده سالگی پسری به اسم میسون را روایت می‌کرد. تیموتی اسپال که جایزه کن را گرفته

بود برای «آقای ترنر» جایزه انجمن نیویورک را هم گرفت گرچه در اسکار به جایی نرسید. ماریون کوتیار هم برای دو فیلم «مهاجر» و «دو روز، یک شب» برنده شد که بعداً نامزد اسکار هم شد ولی جایزه را نگرفت. انجمن نیویورک اما سال قبل ترش خیلی‌ها را متعجب کرده بود و انتخابش باعث ابراز ناراحتی تعداد کمی از مخاطبان هم شد. فیلم «کلاه‌برداری آمریکایی» دیوید او. راسل در رشته‌های بهترین فیلم، بهترین بازیگر زن مکمل و بهترین فیلمنامه انتخاب شد. بقیه برنده‌ها هم کیت بلاتشست و جرد لتو بودند. «۱۲ سال بردگی» که رکورددار نامزدی در همه بخش‌های جدی بود فقط جایزه کارگردانی را برد.

امسال جایزه به چه کسی می‌رسد؟

حدس زدنش کار سختی است. «پل جاسوس‌ها» ی اسپیلبرگ برایشان احتمالاً زیادی جریان اصلی است. «کارول» ساخته تاد هینز انتخاب محتمل‌تری است.



از دی ماه به بعد در سینمای جهان به فصل جوایز معروف است. وقتی انجمن‌ها و جشنواره‌های مختلف نامزدهایشان را معرفی می‌کنند. این جوایز در حقیقت راه را برای اسکار باز می‌کنند. از همین امروز تا آخر ژانویه موعده برگزاری شان است (با یک وقفه در تعطیلات کریسمس).

## ← انجمن ملی نقد

چه کسانی هستند؟

آنها قدیمی‌ترین گروه منتقدان هستند. سال ۱۹۰۹ این گروه تشکیل شده و البته شامل همه منتقدان هم نیست. عضویت در این انجمن به برگزیدگان حرفه‌ای‌ها، فیلمسازان، استادان، دانشجویان و مشتاقان سینما تعلق می‌گیرد که باعث می‌شود گلچین جوایزشان حسابی گسترده باشد.

چه وقت جوایز را اعلام می‌کنند؟

هفته اول دسامبر.

برندگان بزرگ سال گذشته چه کسانی بودند؟

معمولاً انتخاب‌های جسورانه‌ای دارد که البته گاهی می‌شود صفت پرت را هم به آنها اطلاق کرد! درواقع از روی برندگان انجمن ملی نقد به سختی می‌توانید پیش‌بینی

برای جوایز بزرگ‌تر مثل اسکار یا گلدن گلوب داشته باشید. سال گذشته «پسرپچی» هم جزو نامزدهایشان بود که بقیه انجمن‌ها انتخابش کردند. «بردمن» ایناریتو هم که اسکار گرفت یکی دیگر از کاندیداها بود اما درنهایت جایزه آنها به «خداحافظی با زبان» ژان لوک گدار رسید. اولین فیلم فیلمساز کارگشته فرانسوی به شیوه سه‌بعدی که البته دیدنش اصلاً کار آسانی نیست. حتی خیلی از طرفداران گدار هم نتوانستند فیلم را تا آخر تحمل کنند.

امسال جایزه به چه کسی می‌رسد؟

پیش‌بینی‌اش کار خیلی سختی است. جزو محدود انجمن‌هایی هستند که به کارگردانان پیشکسوت بیشتر روی خوش نشان می‌دهند درنتیجه شاید بشود روی «پل جاسوس‌ها» ی استیون اسپیلبرگ اینجا حساب کرد. شاید هم به جبران سال گذشته و نادیده گرفتن ایناریتو، فیلم امسال او یعنی «ز گور برگشته» را انتخاب کنند.

بردمن-فیلم مهم پارسال



## ← حلقه منتقدان لس آنجلس

چه کسانی هستند؟

این انجمن سال ۱۹۷۵ تشکیل شد و از اسمش هم پیداست که مربوط به منتقدان مقیم لس آنجلس است. این حلقه معمولاً سعی می‌کند انتخاب‌های روشنفکرانه‌تری نسبت به حلقه نیویورک یا انجمن ملی نقد داشته باشد.

چه وقت جوایز را اعلام می‌کنند؟

۷ دسامبر.

برندگان بزرگ سال گذشته چه کسانی بودند؟

یکی از متفاوت‌ترین جوایز سال گذشته مربوط به آنها بود. حلقه منتقدان لس آنجلس به تام هاردی و فیلم مستقل و تحسین شده «لاک» توجه کردند. بازیگری که در تمام مدت ۹۰ دقیقه فیلم پشت فرمان ماشین نشسته بود و بازی‌اش همه را حیرت‌زده کرد اما بقیه انجمن‌ها و اسکار نادیده‌اش گرفتند. اما بقیه جوایز خیلی هم عجیب نبود. پاتریشیا آرکت و ریچارد لینکلتر جایزه بهترین بازیگر زن و بهترین کارگردانی را برای فیلم «پسرپچی» گرفتند. «پسرپچی» به عنوان بهترین فیلم هم انتخاب شد.

امسال جایزه به چه کسی می‌رسد؟

به نظر می‌رسد به همان فیلم‌هایی توجه کنند که انجمن منتقدان نیویورک توجه می‌کند. اما منتظر چند انتخاب شو که کننده هم باشید. اینجا هم احتمال «کارول» زیاد است. اما فیلم دیگری که ممکن است منتقدان لس آنجلس به آن توجه بیشتری نشان بدهند «Spot-light» ساخته تام مک‌کارتی است. کارگردانش اسم و رسم چندانی ندارد اما سرآه سوژه‌ای رفته که خیلی جنجالی و حساسیت‌برانگیز است. این درام بیوگرافیک به ماجرای آزار بچه‌ها در بطن کلیسای کاتولیک می‌پردازد. اگر بعد از اکران و اتیکان نسبت به فیلم عکس‌العملی نشان دهد خیلی جای تعجب نخواهد داشت. امتیاز فیلم هم پیش کاربران سایت IMDb و هم نزد منتقدان متاکریتیک خیلی بالا است و تقریباً همه یک‌صدا ساختار و درام فیلم را ستایش کرده‌اند.

## ← جایزه اتحادیه کارگردانان

چه کسانی هستند؟

۶۷ سال است که این اتحادیه جایزه می‌دهد و فقط ۷ بار جایزه بهترین کارگردان آنها با اسکار مطابقت نداشته است.

چه وقت جوایز را اعلام می‌کنند؟

۱۳ ژانویه روز معرفی نامزدهاست و ۷ فوریه روز برندگان.

برندگان بزرگ سال گذشته چه کسانی بودند؟

آنها هم در بخش بهترین فیلم داستانی و هم بهترین فیلم مستند جایزه می‌دهند. در تلویزیون هم جوایزی اهدا می‌کنند. سال گذشته الخاندرو گونزالس ایناریتو برای «بردمن» جایزه را ربود.

امسال جایزه به چه کسی می‌رسد؟

ایناریتو شانسش کمتر از سال گذشته است اما کونتین تارانتینو، استیون اسپیلبرگ و دیوید او. راسل از بخت بیشتری برخوردارند. کارگردان‌های بی‌نام و نشان‌تر مثل تام مک‌کارتی سازنده «Spotlight» و جان کراولی سازنده درام عاشقانه «بروکلین» هم می‌توانند شگفتی‌آفرینان امسال باشند.

نفرت انگیز-فیلم مهم امسال



### ← بفتا

چه کسانی هستند؟

این جایزه توسط آکادمی هنر سینما و تلویزیون انگلستان از سال ۱۹۴۸ اهدا می‌شود. درواقع اسکار انگلیسی است به‌جز اینکه برخلاف بقیه جایزه‌های ملی حضور فیلم از کشورهای دیگر هم مجاز است. هرچند جایزه معتبری است و شامل همه فیلم‌های انگلیسی‌زبان هم می‌شود اما بیشتر تمرکزشان روی محصولاتی است که کارگردان و گروه بازیگران بریتانیایی داشته باشند.

چه وقت جوایز را اعلام می‌کنند؟

۹ ژانویه نامزدها معرفی می‌شوند و یک ماه بعد ۸ فوریه برنده‌ها را اعلام می‌کنند. برندگان بزرگ سال گذشته چه کسانی بودند؟

برخلاف سنت انگلیسی و با وجود فیلم‌های قدرتمندی مثل «بازی تقلید» درباره دانشمند انگلیسی، آلن تورینگ با بازی بازیگر مشهور انگلیسی بندیکت کامبریج یا فیلم «تئوری همه‌چیز» ساخته جیمز مارش، فیلمساز انگلیسی با بازی بازیگران انگلیسی، قدرت «پسرچی» ریچارد لینکلین داوران بفتا را هم مقهور خودش کرد و جایزه بفتای بهترین فیلم و بهترین کارگردانی را گرفت. به‌جز آن در زمینه بازیگری جایزه‌هایشان به ردمین، مور، آرکت و سیمونز کاملاً شبیه اسکار از کار درآمد.

امسال جایزه به چه کسی می‌رسد؟

بین انگلیسی‌های مطرح امسال ریدلی اسکات را داریم. کیت بلاتشت استرالیایی تبار هم تقریباً انگلیسی محسوب می‌شود و بین انگلیسی‌ها خیلی محبوب است. امسال هم که بازی‌اش در «کارول» همه را مجذوب کرده. اگر بخواهند جایزه را به غیر انگلیسی‌ها بدهند گزینه‌های متعددی روی میز خواهد بود.

### ← گلدن گلوب

چه کسانی هستند؟

انجمن مطبوعات خارجی هالیوود که مراسمشان در فصل دوم جوایز برگزار می‌شود مهم‌ترین راه برای رسیدن به اسکار است و متشکل از روزنامه‌نگاران و عکاسانی که از صنعت سرگرمی گزارش تهیه می‌کنند. در هفتاد و دومین سالشان فقط ۹۰ نفر هستند که در مورد فیلم‌ها رأی گیری می‌کنند.

چه وقت جوایز را اعلام می‌کنند؟

۱۰ دسامبر نامزدها معرفی می‌شوند و ۱۱ ژانویه برندگان.

برندگان بزرگ سال گذشته چه کسانی بودند؟

گلدن گلوب نزدیک‌ترین جایزه به اسکار است. درصد خطای میان بهترین بازیگران انتخابی در گلدن گلوب با اسکار به یک درصد می‌رسد که خیلی از مواقع به این خاطر است که در گلدن گلوب در بخش بهترین بازیگری فیلم‌های درام و کمدی یا موزیکال جدا از هم داوری می‌شوند. سال گذشته در بخش درام «پسرچی» جایزه بهترین فیلم را گرفت و در بخش بهترین فیلم کمدی یا موزیکال «هتل بزرگ بوداپست» وس اندرسون برنده شد. اسکار البته به هیچ‌کدام نرسید! اما ادی ردمین و جولین مور که جایزه بهترین بازیگر مرد و زن را در بخش درام از آن خودشان کردند، در اسکار هم موفق شدند.

امسال جایزه به چه کسی می‌رسد؟

فهرست طولانی می‌شود. هنوز برای قضاوت خیلی زود است ولی «پل جاسوس‌ها» اسپیلیبرگ حتی اگر برنده هم نشود قطعاً نامزد خواهد بود. آنها به کارگردانان بزرگ هالیوود وفادارند. اما برای بخش کمدی یا موزیکال‌شان هنوز برای اظهار نظر خیلی زود است. هیچ‌کدام از فیلم‌های کمدی و موزیکالی که تاکنون اکران شده‌اند، آن قدر قوی نبودند که بشود رویشان حساب کرد.



مریخی-فیلم مهم امسال

### ← اتحادیه بازیگران

چه کسانی هستند؟

یک اتحادیه کارگری متشکل از ۱۶۰ هزار بازیگر سینما و تلویزیون که از سال ۱۹۹۴ سالانه به بهترین بازی‌های سینما و تلویزیون رأی می‌دهند. معمولاً برای اسکار بهترین بازیگر زن و مرد چه در نقش‌های اصلی و چه مکمل، می‌شود از روی دست انتخاب‌های اتحادیه بازیگران تقلب کرد. و همین‌طور برای نامزدهای گلدن گلوب.

چه وقت جوایز را اعلام می‌کنند؟

۹ دسامبر نامزدها اعلام می‌شوند و ۳۰ ژانویه برندگان.

برندگان بزرگ سال گذشته چه کسانی بودند؟

هر چهار بازیگری که انتخاب کردند سال گذشته اسکار را هم به خانه بردند: جولین مور برای فیلم «هنوز آیس» در نقش یک استاد زبان‌شناسی که آلزایمر گرفته، ادی ردمین در

«تئوری همه‌چیز» در نقش استفان هاوکینگ، پاتریشیا آرکت برای «پسرچی» در نقش مادری که خیلی زود از همسرش جدا شده و جی.کی. سیمونز برای نقش استاد سخت‌گیر موسیقی فیلم «ویپلش». حتی یک درصد هم خطا نداشتند.

امسال جایزه به چه کسی می‌رسد؟

نامزدها هر چه باشند توقع می‌رود که اسکار هم درست همین زاویه نگاه را داشته باشد. امسال روی این اسامی می‌شود شرط بست: کیت بلاتشت برای بازی در فیلم «کارول»، تام هنکس که همیشه بازیگر محبوب منتقدان و اتحادیه است برای «پل جاسوس‌ها»، فیلم «مریخی» ریدلی اسکات شاید در بخش‌های دیگر شانس نداشته باشد اما مت دیمون اینجا برای نامزد شدن شانس خوبی دارد. شاید هم بالاخره نوبت به لئوناردو دی کاپریو برسد که برای فیلم «از گور برگشته» ایناریتو نقش سختی که بازی کرده، جایزه اتحادیه و در نهایت اسکار را ببرد.

گلدن گلوب نزدیک ترین جایزه به اسکار است. درصد خطای میان بهترین بازیگران انتخابی در گلدن گلوب با اسکار به یک درصد می‌رسد که خیلی از مواقع به این خاطر است که در گلدن گلوب در بخش بهترین بازیگری فیلم‌های درام و کمدی یا موزیکال جدا از هم داوری می‌شوند.

## ← جایزه اتحادیه تهیه‌کنندگان

چه کسانی هستند؟

سال ۱۹۹۰ این جایزه را بنیان گذاشتند و در طول ۲۴ سال بعد از آن به‌جز ۶ بار، بقیه سال‌ها همیشه انتخاب‌هایشان با بهترین فیلم اسکار یکی بوده است.

چه وقت جوایز را اعلام می‌کنند؟

۵ ژانویه نامزدهایشان را معرفی می‌کنند و ۲۴ ژانویه برنده‌ها را.

برندگان بزرگ سال گذشته چه کسانی بودند؟

۳ برنده در حوزه تلویزیون اعلام می‌کنند و ۳ تا هم در حوزه سینما. پارسال «بردمن» جایزه بهترین تهیه‌کننده (درواقع همان جایزه بهترین فیلم است که همیشه به تهیه‌کنندگان داده می‌شود) را دریافت کرد که با اسکار مطابقت داشت. بهترین انیمیشن «فیلم لگو» شد که حتی نامزد اسکار هم نشده بود و البته از بخش انیمیشن به عنوان یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات اسکار سال گذشته نام می‌برند. جایزه بهترین مستند هم به «خود زندگی»، درباره کارنامه و زندگی راجر ایبرت، منتقد مشهور رسید.

امسال جایزه به چه کسی می‌رسد؟

متأسفانه امسال فیلم‌های مهم آن‌قدر دیر اکران می‌شوند که با قطعیت نمی‌شود نظری داد. روی «پل جاسوس‌ها»، «هشت نفرت‌انگیز»، «مریخی»، «جوی» و «از گور برگشته» بیشتر از بقیه حساب کنید.

## آقای تهیه‌کننده مستبد

درباره دیوید او. سلزنیک، تهیه‌کننده تعدادی از مهم‌ترین و پر فروش‌ترین فیلم‌های تاریخ سینمای جهان

صوفیا نصرالهی

اگر برایتان از فیلم «بربادرفته» حرف بزنند و قرار باشد چند تا اسمی که بلافاصله به ذهنتان می‌رسد بگویید قطعاً اولویت با اسکارلت اوهارا و رت باتلر است. بعد ممکن است به بقیه شخصیت‌ها هم اشاره‌ای بکنید. خارج از کاراکترهای جلوی دوربین، اولین اسمی که به ذهن متبادر می‌شود، مارگارت میچل، نویسنده رمان است و اگر کمی بیشتر اهل سینما باشید اسم دیوید او. سلزنیک را بر زبان می‌آورید. تهیه‌کننده فیلم «بربادرفته». این شاید تنها فیلم مهم سینمای جهان باشد که اسم تهیه‌کننده‌اش خیلی زودتر از کارگردان یعنی ویکتور فلمینگ یادتان می‌آید. دلیلش واضح است: «بربادرفته» بیش از هر کس دیگری متعلق به سلزنیک بود. نه فقط به این دلیل که برای این فیلم اسکار گرفت. او بود که «بربادرفته» را تبدیل به یکی از عظیم‌ترین و باشکوه‌ترین فیلم‌های تاریخ سینما کرد. حتی امروز، بعد از ۷۵ سال، هنوز هم نمی‌شود از تحسین شکوه جنوبی که سلزنیک در «بربادرفته» تصویر کرده بود، خودداری کرد. فیلم مثل روز اول برای عاشقان سینما هیجان‌انگیز و دیدنش تجربه ناب و منحصر به فردی است که هیچ‌وقت فراموش نمی‌شود.

## ← جایزه انتخاب منتقدان

چه کسانی هستند؟

آنها جدیدترین جایزه‌دهندگان هستند و براساس مطالب منتشرشده توسط انجمن منتقدان رأی می‌دهند. گاهی به نظر می‌رسد میلیون‌ها بخش دارند: بهترین فیلم اکشن، بهترین فیلم خانوادگی، بهترین بازیگر جوان، و البته تمایلیشان این است که بیشتر به جریان اصلی سینما توجه نشان دهند تا جایزه‌هایی که بقیه انجمن‌های منتقدان می‌دهند. نیازی به گفتن نیست که پیش‌بینی‌هایشان برای اسکار عالی است.

چه وقت جوایز را اعلام می‌کنند؟

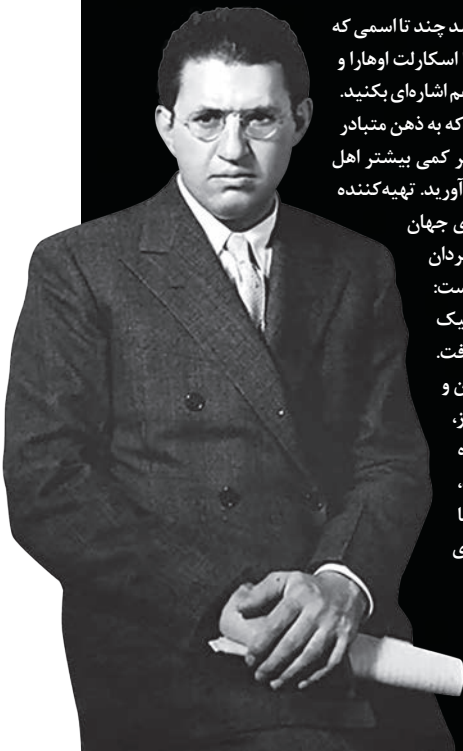
نامزدها را ۱۵ دسامبر اعلام می‌کنند و برندگان را ۱۵ ژانویه.

برندگان بزرگ سال گذشته چه کسانی بودند؟

از میان ۱۰ فیلمی که به عنوان نامزد بهترین فیلم اعلام کردند، ۹ تای آنها نامزد اسکار هم شدند. آن یکی هم «دختر گمشده» دیوید فینچر بود که خیلی از علاقه‌مندان سینما معتقد بودند با نادیده گرفتنش در بقیه انجمن‌ها در حقش بی‌انصافی کردند. اما برنده نهایی «پسریچی» شد. در بخش بهترین بازیگر مرد هم جایزه‌شان را به مایکل کیتون دادند که در نهایت اسکار نگرفت. در مجموع سال گذشته منصفانه‌ترین جوایز را دادند.

امسال جایزه به چه کسی می‌رسد؟

کارول، Spotlight، پل جاسوس‌ها، حتی مریخی و استیو جابز، هشت نفرت‌انگیز ساخته تارانتینو و جوی به کارگردانی دیوید او. راسل در صف قرار دارند. فیلم‌هایی که به‌جز «جایز» احتمال حضور بقیه در اسکار هم بالای ۵۰ درصد است.



## ← سلزینیک که بود؟

سلزینیک سال ۱۹۰۲ در پیتسبورگ ایالت پنسیلوانیا متولد شد. عجیب نیست که بعدها به داستان «بربادرفته» علاقه پیدا کرد. او هم مثل مارگارت میچل اهل جنوب بود. هر چند زمانی متولد شد که سال‌ها از ائتلاف می‌گذشت و شمال و جنوب آمریکا تحت اداره دولتی واحد بود، اما می‌توانست روح جنوبی داستان میچل را درک کند. سلزینیک برعکس خیلی از تهیه‌کنندگان و مدیران استودیوی آن سال‌ها که از خانواده‌های فقیری می‌آمدند متعلق به خانواده‌ای مرفه بود. از آن مهم‌تر اینکه پدر و مادرش آدم‌های فرهنگی بودند و پدرش، لوئیس جی. سلزینیک، پخش‌کننده فیلم‌های صامت بود. یعنی دیوید سلزینیک از همان کودکی با صنعت سینما آشنا شد. خانواده‌اش مهاجرانی از لیتوانی بودند و دیوید بعدها بین اسم و فامیلش یک حرف «O» اضافه کرد تا از عمومی که همنامش بود، متمایز شود. دیوید دوران مدرسه را خیلی عادی سپری کرد و بعد به نیویورک رفت و وارد دانشگاه معتبر کلمبیا شد و هم‌زمان در دفتر پدرش کارآموزی می‌کرد. سال ۱۹۲۳ شرکت پخش سینمایی پدرش ورشکسته شد. سلزینیک به هالیوود رفت و البته اینجا هم پدرش به دادرسی رسید. به کمک ارتباطاتی که پدرش هنوز در هالیوود داشت، در استودیوی متروگلدوین مایر به عنوان دستیار فیلمنامه‌خوان استخدام شد. آن روزها همه استودیوهای بزرگ چنین سمتی داشتند و خیلی از فیلمنامه‌نویسان برجسته کارشان را از همین سمت شروع کردند. وظیفه سلزینیک این بود که فیلمنامه‌هایی را که به استودیو می‌رسید، بخواند و با توجه به مقتضیات استودیو و شرایط تولید هر فیلمنامه ببیند که قصه به کار استودیو می‌آید یا نه. دو سال در متروگلدوین مایر بود و بعد به دنبال موقعیت کاری و پیشنهاد بهتر به استودیوی پارامونت رفت. تا سال ۱۹۳۱ در پارامونت مشغول بود و بعد از آن به عنوان رئیس تولیدات کمپانی RKO منصوب شد. در حقیقت سلزینیک در کمتر از یک دهه با سه کمپانی مهم و برجسته هالیوود در سمت‌های مختلف همکاری کرد. سال‌هایی که در خدمت استودیوی RKO بود، ثمرات درخشانی داشت. او روی فیلم‌های زیادی مثل «قیمت هالیوود چقدره؟» (۱۹۳۲) و «کینگ کنگ» (۱۹۳۳) کار کرد.

سال ۱۹۳۳ بعد از ازدواج با دختر لوئیس بی. مایر، مدیر کمپانی متروگلدوین مایر دوباره به MGM برگشت. جایی که پدرزنش رئیس بود و طبیعتاً سلزینیک اختیارات بیشتری داشت. مایر برای او در حقیقت خط تولیدی موازی با ایروینگ تالبیگ زد که در آن زمان وضع سلامتی‌اش چندان

در اینترنت که جست‌وجو کنید متوجه می‌شوید که «بربادرفته» با احتساب تورم و تعداد مخاطب و بلیت‌های فروخته‌شده، پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای جهان است و حتی بالاتر از «آواتار» جیمز کامرون قرار می‌گیرد

روبه‌راه نبود و مدتی بعد هم درگذشت. در حقیقت سلزینیک قرار بود تبدیل به تهیه‌کننده اصلی کمپانی متروگلدوین مایر شود. در همان سال‌های ابتدایی فیلم‌هایی مثل «دیوید کاپرفیلد» و «داستان دو شهر» (هر دو اقتباس از آثار چارلز دیکنز) زیر نظر سلزینیک تولید شد. علی‌رغم اینکه خروجی کارهای سلزینیک در هر دو کمپانی MGM و RKO خیلی خوب بود، او تصمیم گرفت استودیوی شخصی خودش را برای تولید فیلم تأسیس کند و یک تهیه‌کننده مستقل از استودیوهای بزرگ شود. هر چند راه و روش سلزینیک در استودیوی خودش که به بزرگی متروگلدوین مایر نبود، همان روش مستبدانه کمپانی‌های بزرگ‌تر حتی خیلی سختگیرانه‌تر بود چون اینجا سلزینیک شخصا روی همه پروژه‌ها نظارت می‌کرد. او موفقیت‌هایی را که قبلاً کسب کرده بود در استودیوی خودش با تولید فیلم‌هایی مانند «ستاره‌ای متولد می‌شود» (فیلمی درباره سینما و ستارگان) و «ماجرهای تام سایر» ادامه داد. درباره دو پروژه مهمش «بربادرفته» و «ریکا» به تفصیل توضیح خواهیم داد. بعد از موفقیت «ریکا» سلزینیک فعالیت جدیدی را در سینما شروع کرد که بی‌شابهت به دلالتی البته از نوع هنری آن نبود. او ستارگانی که با آنها قرارداد داشت مثل اینگرید برگمن، جوان فونتنین و دیوین لی و حتی کارگردان بزرگی مثل آلفرد هیچکاک را به استودیوهای دیگر قرض می‌داد. این کار یک جور وام دادن بود. البته که همه این ستارگان حتی هیچکاک با سلزینیک در هالیوود به شهرت رسیده بودند. سال ۱۹۴۴ بعد از مدت‌ها دوباره فیلم جدیدی تولید کرد که موفقیت عظیمی هم به دنبال داشت: «از وقتی تورتی» در گیشه فیلم بسیار موفق شد. فیلمنامه فیلم را هم خود سلزینیک نوشته بود. بعد از آن «طلسم‌شده» ساخته هیچکاک را با بازی گرینگری پک و اینگرید برگمن تولید کرد که در گیشه فیلم موفق شد. «طلسم‌شده» هر چند میان طرفداران هیچکاک به اندازه شاهکارهایش محبوب نیست اما یک نامزدی برای اسکار برای بهترین فیلم به دنبال داشت. سلزینیک در استودیویش مهم‌ترین فیلم‌های تاریخ سینما را کلید زد و البته به‌جز آن خیلی از فیلم‌های مهم دیگر هم مدیون او هستند هر چند در استودیوی سلزینیک تولید نشدند چون سلزینیک در چند سال آخر فعالیتش بسته‌های پیشنهادی درست می‌کرد، به این معنا که طرح یک پروژه سینمایی را با بازیگران و همه حاشیه‌هایش می‌نوشت و بعد این بسته را به استودیوهای فیلمسازی دیگر می‌فروخت. «بدنام» آلفرد هیچکاک با بازی کری گرانت و اینگرید برگمن یکی از همین فیلم‌هاست.

موفقیت «بربادرفته» بقیه کارنامه دیوید سلزینیک را تا آخر عمر تحت‌الشعاع قرار داد. او خیلی سعی کرد تا فیلمی به همان اندازه موفق تولید کند اما هیچ فیلمی به قله «بربادرفته» نرسید. نزدیک‌ترین فیلمی که توانست به آن بسازد، «جدال در آفتاب» بود. دومین فیلم پرفروش سال ۱۹۴۷ و اولین فیلمی که مارتین اسکورسیزی، کارگردان بزرگ سینما روی پرده دید و همان‌جا عاشق سینما شد. آخرین فیلمش «دعای با اسلحه» (اقتباسی از رمان مشهور همینگوی) با بازی جنیفر جونز و راک هادسن فیلم پرهزینه‌ای بود که شکست سختی خورد. البته سلزینیک چند سال قبل‌تر در ۱۹۴۸ تصمیم گرفتیم تهیه فیلم را متوقف کنیم. در آن زمان چیزی حدود ۲۰ سال بود که به تولید فیلم‌های سینمایی مشغول بودم. واقعا خسته شدم. به علاوه کاملاً روشن است که صنعت سینما از تلویزیون و بقیه فرم‌های سرگرمی شکست سختی خواهد خورد. پیش‌بینی سلزینیک چندان هم دور از واقعیت نبود هر چند از زمان پیش‌بینی او چندین دهه گذشت تا امروز که بازی‌های ویدیویی و سریال‌های تلویزیونی رقیب سرسخت سینما در هزاره سوم شده‌اند. سلزینیک سال ۱۹۶۵ در سن ۶۳ سالگی بعد از چند حمله قلبی درگذشت. به خاطر خدماتی که برای سینما انجام داده است در خیابان مشاهیر هالیوود یک ستاره





دومین پروژه مهم سلزینیک گرچه به موفقیت «بربادرفته» نبود از جهات دیگری اهمیت داشت: «ریکا» که دومین اسکار را برای سلزینیک به ارمغان آورد، اولین فیلمی بود که آلفرد هیچکاک در هالیوود ساخت. در حقیقت سلزینیک کاشف هیچکاک در هالیوود شد و بعد از «ریکا» هم همکاری شان ادامه پیدا کرد.

سلزینیک شاید  
هیچ وقت  
نتوانست موفقیت  
خارق العاده  
«بربادرفته» را  
چه در گیشه و  
چه پیش منتقدان  
تکرار کند اما  
تهیه کننده‌ای  
است که در  
کارنامه اش  
شکست های  
خیلی کمی  
دارد. تقریباً  
همه فیلم های  
سلزینیک پر فروش  
بودند و رضایت  
نسبی تماشاگران  
را هم کسب کردند

فوق العاده ترین لحظه زندگی سلزینیک را رقم زد. این بزرگ ترین پیروزی او و رستگاری اش بعد از هر شکستی بود. «سال بعد «بربادرفته» با تعداد نامزدی و جوایزی که به خانه برد، یک رکورد در اسکار به وجود آورد. فیلم در ۱۵ رشته از جمله همه رشته های اصلی نامزد اسکار شد و ۸ اسکار را به خانه برد، از جمله اسکار بهترین فیلم برای سلزینیک.

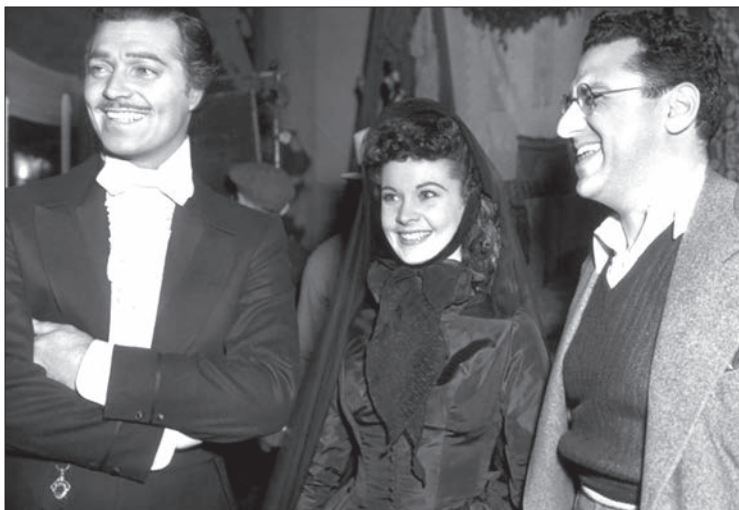
دومین پروژه مهم سلزینیک گرچه به موفقیت «بربادرفته» نبود از جهات دیگری اهمیت داشت: «ریکا» که دومین اسکار را برای سلزینیک به ارمغان آورد، اولین فیلمی بود که آلفرد هیچکاک در هالیوود ساخت. در حقیقت سلزینیک کاشف هیچکاک در هالیوود شد و بعد از «ریکا» هم همکاری شان ادامه پیدا کرد. هیچکاک در انگلستان کارگردان مطرحی بود اما وقتی اعلام کرد که می خواهد به هالیوود برود هیچ کس جز سلزینیک به درخواستش پاسخ مثبت نداد. البته رابطه همکاری سلزینیک و هیچکاک هم بدون دردسر نبود. سر تولید همین فیلم «ریکا» بارها درباره نحوه اقتباس بحثشان شد چون سلزینیک طرفدار یک اقتباس کاملاً وفادارانه به متن کتاب دافنه دوموریه بود ولی هیچکاک می خواست از دل داستان چیزهای دیگری بیرون بکشد. در نهایت زور سلزینیک چربید و فیلم هیچکاک کاملاً به متن رمان وفادار ماند. فیلم محصول سال ۱۹۴۰ است، و این نکته ای بود که به نفع هیچکاک تمام شد، چون سلزینیک می خواست سر «ریکا» و شیوه های اجرایی باز هم دخالت کند اما از آنجایی که برای اکران «بربادرفته» سرش خیلی شلوغ بود هیچکاک نتوانست بعدها یک سری از سکانس ها را آن طور که خودش می خواست تغییر دهد. موفقیت «ریکا» البته اعتماد سلزینیک را به هیچکاک زیاد کرد و در همکاری های بعدی با هیچکاک دست او را بازتر گذاشت. سلزینیک شامه خوبی در کشف استعداد های غیر آمریکایی داشت. به جز هیچکاک یکی از مهم ترین تصمیماتش آوردن اینگرید برگمن، ستاره سوئدی به هالیوود بود. «ریکا» و اسکارش خیلی هم سلزینیک را خوشحال نکرد. در حقیقت همه این اقتباس جدید را با «بربادرفته» مقایسه می کردند و آن را در سطح پایین تری می دیدند و این چیزی بود که سلزینیک را خشمگین می کرد.

سلزینیک شاید هیچ وقت نتوانست موفقیت خارق العاده «بربادرفته» را چه در گیشه و چه پیش منتقدان تکرار کند اما تهیه کننده ای است که در کارنامه اش شکست های خیلی کمی دارد. تقریباً همه فیلم های سلزینیک پر فروش بودند و رضایت نسبی تماشاگران را هم کسب کردند. همکاری با سلزینیک و تحمل اخلاق تند و دخالت هایش غالباً نتیجه خوبی برای فیلمسازان به دنبال داشت.

به نام سلزینیک ثبت شده است. تهیه کننده ای که ده بار نامزد دریافت اسکار بهترین فیلم شد و دو بار توانست اسکار بهترین فیلم را به خانه ببرد. یک بار هم اسکار افتخاری ایروینگ تالبرگ را برای خدماتش به سینما دریافت کرد؛ مرد عصبی و غیرقابل تحمیلی که کارگردانان از او متنفر بودند اما حالا نامش توسط عاشقان سینما به احترام و بزرگی یاد می شود.

## ◀ دو پروژه ماندگار سلزینیک

در اینترنت که جست و جو کنید متوجه می شوید که «بربادرفته» با احتساب تورم و تعداد مخاطب و بلیت های فروخته شده، پرفروش ترین فیلم تاریخ سینمای جهان است و حتی بالاتر از «آواتار» جیمز کامرون قرار می گیرد. در سال ۲۰۱۴ محاسبه کردند که با توجه به نرخ تورم رقم فروش «بربادرفته» (محصول ۱۹۳۹) در جهان بالغ بر ۳ میلیارد و ۴۴۰ میلیون دلار است در حالی که با همین فرمول «آواتار» (محصول ۲۰۰۹) ۲ میلیارد و ۲۰ میلیون دلار فروخته. جدا از رقم فروش فیلم همچنان در فهرست ۲۵۰ فیلم برتر سایت IMDb قرار دارد و در همه فهرست هایی که دستداران سینما از محبوب ترین فیلم های تاریخ سینما منتشر می کنند جای «بربادرفته» همیشه محفوظ است. البته ایده ساخت «بربادرفته» از ابتدا متعلق به سلزینیک بود. سال ۱۹۳۶ یکی از کارمندان او به نام کی براون، سلزینیک را تشویق کرد حق ساخت فیلم از روی کتابی را بخرد که درباره جنگ های داخلی نوشته شده بود. سلزینیک ۵۰ هزار دلار بابت خرید رایت کتاب میچل پرداخت کرد و صاحب «بربادرفته» شد. ساخت فیلم «بربادرفته» تبدیل به مهم ترین هدف زندگی سلزینیک شد. او در جزئی ترین موارد فیلم از لباس گرفته تا فیلمنامه اظهار نظر می کرد و در همه مراحل تولید فیلم حضور داشت. اطمینانش درباره آن دوره می گویند سلزینیک علی رغم استعدادهای خارق العاده ای که داشت از استرس تولید این فیلم به موجود کاملاً متفاوتی تبدیل شده بود که سر هیچ چیزی نمی شد با او مذاکره کرد. اول کار، جرج کیوکر که از دوستان سلزینیک بود برای کارگردانی فیلم انتخاب شد. به محض اینکه فیلمبرداری شروع شد، سلزینیک ناراضیاتی خودش را نشان داد. او از نحوه کارگردانی کیوکر ناراضی بود و به فاصله دو هفته و نیم از شروع پروژه کیوکر اخراج شد و ویکتور فلمینگ جایگزینش شد. فلمینگ در استودیوی مترو گلدوین مایر فیلم «جادوگر شهر از» را می ساخت اما لوئیس بی. مایر او را برای پروژه سینمایی بزرگ دامادش به سلزینیک قرض داد. نتیجه این شد که هردو پروژه دچار بحران هایی شدند. فلمینگ سر همه داد و فریاد می کرد و فقط مراعات حال کلارک گیبل را می کرد و جرات نداشت سر این ستاره هم فریاد بکشد. ویوین لی و همه عوامل فیلم دسته جمعی از سلزینیک بدشان می آمد. سلزینیک آنها را مجبور می کرد روزی ۱۸ ساعت زیر نظر فلمینگ بد اخلاق کار کنند. سه ماه بعد فلمینگ هم جایگاهش را از دست داد و سلزینیک بدون معطلی کارگردان دیگری به نام سام وود را جایگزینش کرد. می توانست اصلاً هیچ کس را نیاورد چون در حقیقت همه کارها را خودش انجام می داد. روزنامه ها نوشتند: «کارگردان برای این فیلم اصلاً اهمیتی ندارد. هر کس برود و بیاورد همیشه یک نفر مسئول همه چیز است و او هم دیوید او. سلزینیک، تهیه کننده فیلم است.» سلزینیک البته متحمل فشارهای خارجی زیادی هم شد که معتقد بودند کتاب میچل علیه سیاه پوستان و طرفدار برده داری است. سلزینیک بارها اعلام کرد که قصد ندارد در فیلمش سیاه پوستان را تحقیر کند. حتی به خاطر دیالوگ آخر رت باتلر که در آن از کلمه «لعنتی» استفاده شده بود، اداره سانسور سلزینیک را ۵ هزار دلار جریمه کرد. نتیجه فیلمی شد که به همه این زحمات می ارزید. فیلمی که نسخه اصلی آن چهار ساعت و نیم بود و برای اکران در سینماها در تدوین آن را به زیر چهار ساعت رساندند. دیوید تامسون منتقد و مورخ سینما می نویسد: «حتی پیش از آنکه فیلم به پایان برسد واکنش تماشاگران





مجله‌های اقتصادی جزو مهم‌ترین ابزارهای تحلیل‌گران اقتصادی و فعالان بازارهای جهانی است. خبرنگاران و تحلیل‌گران در نقاط مختلف دنیا به بررسی مهم‌ترین خبرها و رویدادهای اقتصادی جهان و هر هفته در پرونده‌ای به طور مفصل به چالش‌های اقتصادی می‌پردازند. در میان مجلات اقتصادی، چند مورد جزو برترین نشریات به شمار می‌روند و دنبال کردن موضوعات آنها می‌تواند موثر و مفید باشد. کیوسک در این فضای کوچک به طور مختصر به پرونده و طرح جلد همین نشریات برتر اقتصادی می‌پردازد.

## اکنومیست

اکنومیست، هفته‌نامه‌ای که نسخه وبسایت آن بسته به حوادث روزانه به‌روز می‌شود و در واقع به شکل روزنامه اینترنتی منتشر می‌شود، در طرح روی جلد پنجم دسامبر تصویر مردی را نشان داده‌است که به نظر می‌رسد با سرعت در حال حرکت است؛ روی کراوات او واژه مدیرعامل به چشم می‌خورد. اکنومیست در مقاله‌ای به سرعت کسب و کارها در دنیای سرمایه‌داری پرداخته‌است. روسای شرکت‌ها یک چشم خود را به تلفن‌های همراه هوشمند خود دوخته‌اند و با چشم دیگر قیمت سهام را در بازار بورس بررسی می‌کنند. در کسب و کارهای امروز ممکن است تنها با یک ایمیل چندین میلیارد دلار جابه‌جا شود. منتقدان کاپیتالیسم بر این باورند که تفکر طولانی‌مدت مانند گنجی نایاب شده‌است.



## فوربز

مجله فوربز برای چهاردهم دسامبر عکس ملیندا گیتس را به عنوان تصویر روی جلد انتخاب کرد. تیتري که زیر تصویر دیده می‌شود، می‌گوید: «بهترین ایده در دنیا». فوربز در مقاله‌ای به قلم کارولین هوارد به این موضوع پرداخته‌است که ملیندا گیتس چگونه به قدرتمندترین مدافع حقوق زنان و دختران در جهان تبدیل شده‌است. ملیندا گیتس به عنوان مدیر سابق مایکروسافت و همسر بیل گیتس چند سال پیش به همراه همسرش موسسه خیریه بیل و ملیندا گیتس را بنا کردند. بر اساس آمار به‌دست‌آمده از یوان‌دی‌پی، زنان یک‌سوم افراد بی‌سواد جهان را تشکیل می‌دهند؛ موسسه گیتس نیز تمرکز خود را روی کمک به زنان و دختران فقیر و بی‌سواد گذاشته‌است؛ همین باعث شده که ملیندا گیتس اکنون به یکی از قدرتمندترین مدافعان حقوق زنان در دنیا تبدیل شود.



## نیوزویک

هفته‌نامه نیوزویک عنوان «فس‌گیر» را به عنوان تیتري جلد یازدهم دسامبر خود انتخاب کرده‌است. طرح روی جلد، ماسک فیلترداری را نشان می‌دهد که به جای چشم‌هایش، پرچم چین قرار دارد. موضوع اصلی این شماره، این است که بدون کمک و خواست چین نمی‌توان جلوی تغییرات آب‌وهوایی را گرفت. زغال‌سنگ جزو آلاینده‌ترین سوخت‌هاست و چین اصلی‌ترین مصرف‌کننده آن به شمار می‌رود. صنعت در چین وابستگی شدیدی به زغال‌سنگ دارد. بخش عمده رشد اقتصادی چین در ۴۰ سال گذشته ناشی از استفاده فراوان از سوخت ارزان و آلاینده بوده‌است. در حال حاضر ۶۶ درصد از انرژی چین را زغال‌سنگ تشکیل می‌دهد. بر اساس گزارش نیوزویک، چین سالانه ۶۰۰ میلیون تن زغال‌سنگ می‌سوزاند. شی جین‌پینگ رئیس‌جمهوری چین قول داده‌است که میزان انتشار کربن خود را کاهش بدهد.



## هاروارد بیزنس ریویو

مجله هاروارد بیزنس ریویو در ماه دسامبر به نحوه مذاکره برای اقناع طرف مورد معامله پرداخته‌است. جف ویس نویسنده این مقاله به این مسئله پرداخته که چگونه مذاکره بهتری انجام شود تا مخاطب برای خرید قانع شود. نخستین نکته‌ای که جف ویس به آن اشاره کرده این است که نباید مذاکره را نقطه صفر دید. زمانی که فردی آماده و برنامه‌ریزی شده به مذاکره می‌پردازد با ایده‌های خلاقانه‌ای بحث را پیش خواهد برد و در پایان نتیجه بهتری به دست خواهد آورد. این نویسنده عنوان «ملایم» را برای این نوع از مذاکره انتخاب کرده‌است. او معتقد است در مذاکره نباید سخت گرفت. اگر همه چیز از قبل برنامه‌ریزی شده باشد مذاکره قطعاً به اقناع مخاطب خواهد انجامید.



## گلوبال فایننس

ماهنامه گلوبال فایننس که از سال ۱۹۸۷ تاکنون منتشر می‌شود در شماره ماه نوامبر با تیتري «امن‌ترین بانک‌های جهان» به رتبه‌بندی امن‌ترین بانک‌های جهان پرداخته‌است. آندریا فیانو سردبیر گلوبال فایننس در سرمقاله خود نوشته‌است در شرایطی که اقتصاد جهان با عدم قطعیت از جبهه‌های مختلف مواجه است، این رتبه‌بندی‌ها ارزش مضاعفی خواهند داشت. بر اساس این گزارش از میان ۵۰ بانک امن جهان، ۲۲ بانک متعلق به اروپاست. بانک‌هایی که بیشترین وابستگی را به دولت‌ها دارند ۹ بانک نخست این فهرست هستند. ۳ بانک نیز از حوزه خلیج فارس در این فهرست قرار دارند. جالب‌ترین بخش گزارش این است که تنها ۳ بانک از ایالات متحده آمریکا در این فهرست قرار دارند.



## اینترپرنور

مجله اقتصادی اینترپرنور که متعلق به خاورمیانه است و در امارات متحده عربی منتشر می‌شود، هر بار موسس یک شرکت یا پیش‌قدم در کسب و کاری را معرفی می‌کند. این مجله در ماه دسامبر به معرفی کی راجاران مدیرعامل شرکت اتومبیل‌سازی النابودا اتومبیل پرداخته‌است. این مدیرعامل از ۴ دهه فعالیت شرکت خود در دویبی صحبت کرده‌است. النابودا یکی از توزیع‌کنندگان اصلی خودروهای آلمانی نظیر فولکس‌واگن و پورشه در دویبی و شمال امارات است؛ مدیرعامل این شرکت ادعا می‌کند که شرکت النابودا در جریان رسوایی انتشار کربن فولکس‌واگن هیچ‌گونه ضرری نکرده‌است چرا که این شرکت خودروهای گازوئیلی برای فروش در این منطقه ندارد. از نظر راجاران مردم از کیفیت فولکس‌واگن آگاه هستند و وضعیتی که برای این شرکت ایجاد شده موقتی و گذرا خواهد بود.



# تلاونگ

## صبح بہ صبح، تازہ تازہ

www.telavang.com



## اینترنت بانک:

- انتقال وجه بین بانکی
- انتقال وجه مستمر
- افتتاح انواع سپرده
- مدیریت سپرده‌های مشترک و چند امضایی
- پرداخت قبوض
- دریافت صورت حساب



## تلفن بانک:

- فکس صورتحساب
- دریافت گزارش وضعیت چک‌های صادر شده
- مسدود کردن کارت
- دریافت موجودی سپرده
- دریافت گزارش وضعیت چک‌های واگذار شده
- انتقال وجه بین حساب‌های خود



## همراه بانک:

- انتقال وجه بین بانکی از طریق پایا
- انتقال وجه کارت به کارت شتابی
- پرداخت آنی اقساط تسهیلات
- پرداخت قبض با استفاده از اسکن بارکدها
- مدیریت سپرده‌های مشترک و چند امضایی
- مسدود کردن کارت



# به همین سادگی

کاهش مصرف کاغذ با بانکداری الکترونیک

آغاز جشنواره بانکداری الکترونیک بانک گردشگری با جوایز ارزنده

